إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا ٱلذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُۥ لَحَٰفِظُونَ

إِنَّهُۥ لَقُرْءَانٌ كَرِيمٌ فِى كِتَٰبٍ مَّكْنُونٍ لَّا يَمَسُّهُۥٓ إِلَّا ٱلْمُطَهَّرُونَ تَنزِيلٌ مِّن رَّبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ

افتخار دستور چاپ این ترجمه معانی قرآن کریم
توسط خادم حرمین شریفین ملك سلـمان بن عبد العزیز آل سعود
پادشاه عربستان سعودی به انجام رسید

تشرّف بالأمر بطباعة هذه الترجمة لمعاني القرآن الكريم
خادم الحرمين الشريفين الملك سلمان بن عبد العزيز آل سعود
ملك المملكة العربية السعودية

وقف خادم حرمين شريفين
ملك سلمان بن عبدالعزيز آل سعود
خاص برای رضا خدای تعالی فروختنش ناجائزاست

« رايگان توزيع ميشود »

ترجمه معانی قرآن کریم بزبان فارسی

از: شاه ولی الله دهلوی رحمه الله

چاپخانه قرآن کريِم مجمّعِ ملك فهْد
در مدينه منوره

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

پيش گفتار،

نوشته: عاليمقام الشيخ دكتُر
عبد اللطيف بن عبد العزيز بن عبد الرحمن آل الشيخ

وزير امور اسلامى ودعوت وارشاد

سرپرست عمومى مجمع

حمدو ستايش خداى راكه پروردگار جهانيان است كه در كتاب خود فرموده است، ﴿... قَدۡ جَآءَكُم مِّنَ ٱللَّهِ نُورٞ وَكِتَٰبٞ مُّبِينٞ﴾.

به تحقيق كه آمد شمارا ازطرف خداوند نورى وكتاب روشن بيان ودرود وسلام بر أشرف انبياء پيامبر مان محمد صَلَّى ٱللَّهُ عَلَيۡهِ وَسَلَّمَ كه فرمودند:

«خيركُم مَن تعلَّم القرآن وعلَّمه».

بهترين شماكسى است كه قرآن را بيآموزد وبه ديگران آموزش دهد،

أما بعد:

براى تحقق رهنمودهاى خادم حرمين شريفين شاه سلمان بن عبدالعزيز آل سعود –حفظه الله– دراهتمام راجع بقرآن كريم وچاپ ونشرآن وتوزيعش بين مسلمانان دراقصى نقاط جهان و همچنين ترجمه وتفسير معانى آن به زبانهاى مختلف جهان.

وبنابر اعتقاد وزارت أمور اسلامى ودعوت وارشاد مملكت عربستان سعودى دراهميت ترجمه معانى قرآن كريم به تمامى زبانهاى مهم جهان وتسهيل فهم آن براى مسلمان غير عرب زبان و تحقق مصداق رهنمودپيامبرگرامى اسلام صَلَّى ٱللَّهُ عَلَيۡهِ وَسَلَّمَ كه فرمودند **«بلِّغوا عنّي ولو آية»** ابلاغ كنيدازمن حتى يک آيه.

و براى خدمت برادران فارسى زبانمان باعث مسرّت است كه اين ترجمه فارسى را تقديم خوانند گان فارسى زبان كنيم كه بوسيلهء

شیخ شاه ولی الله دهلوی ترجمه، وباز بینی وبررسی مجدد ازجهت مجمع توسط د. عبد الغفور عبد الحق بلوچ وشیخ محمد علی داری شده است.

باآگاهی به آنکه لغۀ ترجمه به تجدید ازجهت مجمع به انجام رسید، بارگاه إلها ازما قبول فرما به یقین توئی شنوای ودانا.

شکر وسپاس خدارا داریم که توفیق این کار بزرگ را عطا فرمود، وامیدواریم که خالص برای رضای خداباشد وباعث منفعت مردمان قرارگیرد.

والبته ماخوب درکـ می کنیم که ترجمه معانی قرآن کریم هر چند که دقیق باشد فراگیرندهء مفهوم اصلی معانی وسیع نصوص پراعجاز قرآن نخواهد بود، وأما معانی ایکه ترجمه دربر دارد خلاصه ای ازرسائی علم مترجم درفهم قرآن کریم است.

ودر برگیرندهء نقص واشتباهاتی خواهد بودکه عموم بشر ازآن مصون نیست.

پس بنابراین ازتمامی خوانندگان محترم این ترجمه خواهشمندیم درصورت مشاهدهء هرگونه اشتباهاتی از قبیل کمی وبیشی وغیره لطفا آنرا به مجمع ملک فهد برای چاپ قرآن کریم در مدینه منوره ارسال نموده تاکه درچاپهای آینده از ملاحظات شما استفاده گردد إن شاء الله تعالی.

والله الموفق والهادی إلی سواء السبیل،

خدااست توفیق دهنده واوست راهنمابه راه راست، أللّهم تقبّل منا إنک أنت السمیع العلیم.

مقدمه ترجمه قرآن

قرآن کلام خدا است که با حروف ومعنا بر پیامبر گرامی محمد صلی الله علیه وآله وسلم رحمۀ للعالمین نازل کرده است، بشارتگر وهشدار دهنده ودعوت کننده به فرمان او و چراغی تابناک است، ودر اینجا تعریف مختصری از قرآن کریم و پیام الهی بیان می کنیم.

تعریفی از قرآن کریم

اول: تعریف قرآن کریم، و بیانیه ای از نام ها و صفات آن:

قرآن کریم کلام خداوند بلند مرتبه است که آن را بر پیامبر گرامی محمد ﷺ با لفظ ومعنا به وسیله وحی نازل کرده است، نوشته شده در کتاب، ونقل شده با تواتر، وتلاوت آن عبادت است.

خداوند متعال کسی است که آنچه را بر حضرت محمد صلی الله علیه وآله وسلم وحی کرده را قرآن می گوید، خداوند متعال می فرماید: ﴿إِنَّا نَحۡنُ نَزَّلۡنَا عَلَيۡكَ ٱلۡقُرۡءَانَ تَنزِيلٗا﴾ [الإنسان:٢٣] [ای پیامبر! یقیناً ما قرآن را بر تو به تدریج نازل کردیم] به این علت که شأن آن است که رها نشود وخوانده وتلاوت شود.

و همچنین خداوند متعال آن را کتاب نامیده است، خداوند متعال می فرماید: ﴿إِنَّآ أَنزَلۡنَآ إِلَيۡكَ ٱلۡكِتَٰبَ بِٱلۡحَقِّ﴾ [النساء:١٠٥] [یقیناً این کتاب را به حق بر تو نازل کردیم] به این دلیل که شأن آن این است که نوشته شود ونادیده گرفته نشود.

وخداوند متعال قران کریم را اینگونه وصف کرده است: تشخیص دهنده حق از باطل، وآن پندی است، ومایه هدایت، ونوری تابناک، ودرمان، وپرحکمت، واندرز، وغیره ... صفاتی که دلالت بر عظمت قرآن کریم و کامل بودن رسالت الهی می باشند.

کلمه «المصحف» «قرآن» گرفته شده از صحف یعنی اوراق که بر روی آن قرآن نوشته شده است، واین نامی است که صحابه آن را تعیین کردند وبه معنای کتابی است که قرآن بر روی صفحات آن نوشته شده.

و قرآن کریم وحی است از جانب خداوند که جبریل علیه السلام آن را بر قلب پیامبر اکرم محمد ﷺ نازل کرده خداوند چنین می فرماید: ﴿وَإِنَّهُۥ لَتَنزِيلُ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ۞ نَزَلَ بِهِ ٱلرُّوحُ ٱلۡأَمِينُ ۞ عَلَىٰ قَلۡبِكَ لِتَكُونَ مِنَ ٱلۡمُنذِرِينَ ۞ بِلِسَانٍ عَرَبِيّٖ مُّبِينٖ﴾ [الشعراء: ۱۹۲-۱۹۵] [و همانا این قرآن نازل شده از جانب پروردگار جهانیان است، روح الامین -جبریل- آن را فرود آورده است، بر قلب تو تا از هشدار دهندگان باشی، آن را به زبان عربی روشن نازل کرد].

حضرت محمد ﷺ از میان پیامبران اختراع جدیدی نیست پس جبریل علیه السلام بر همه برادران پیام رسان وی وحی الهی را نازل میکرد، وخداوند برای این امر بزرگ بهترین بندگانش را انتخاب می کند، خداوند می فرماید: ﴿ٱللَّهُ يَصۡطَفِي مِنَ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةِ رُسُلٗا وَمِنَ ٱلنَّاسِۚ إِنَّ ٱللَّهَ سَمِيعُۢ بَصِيرٞ﴾ [الحج: ۷۵] [خداوند از میان فرشتگان رسولانی برمی گزیند و نیز از میان مردم بی گمان خدا شنوای بیناست] و او بهتر می داند که چه کسی برای این امر مناسب است چونکه مخلوقات از خلقت اوست، خداوند می فرماید: ﴿وَرَبُّكَ يَخۡلُقُ مَا يَشَآءُ وَيَخۡتَارُۗ﴾ [القصص: ٦٨] [وپروردگار تو هر چه را بخواهد می آفریند وبرمی گزیند]

دوم: نزول قرآن کریم:

در روز دوشنبه هفدهم ماه مبارک رمضان سال ۶۱۰ میلادی در غار حراء- یکی از کوه های مکه است- ابتدای وحی بر پیامبر گرامی شروع شد، چنانچه جبریل بر او این آیات را نازل کرد: ﴿ٱقۡرَأۡ بِٱسۡمِ رَبِّكَ ٱلَّذِي خَلَقَ ۞ خَلَقَ ٱلۡإِنسَٰنَ مِنۡ عَلَقٍ ۞ ٱقۡرَأۡ وَرَبُّكَ ٱلۡأَكۡرَمُ ۞ ٱلَّذِي عَلَّمَ بِٱلۡقَلَمِ ۞ عَلَّمَ ٱلۡإِنسَٰنَ مَا لَمۡ يَعۡلَمۡ﴾ [العلق: ۱-۵] [ای پیامبر بخوان به نام پروردگارت که هستی را آفرید، همان خدایی که انسان را از خون بسته آفرید، بخوان و پروردگارت از همه بزرگوارتر است، همان کسی که به وسیله قلم آموخت، آنچه را که انسان نمی دانست به او آموخت] واین اولین چیزی از قرآن بود که بر پیامبر اکرم ﷺ نازل شد.

پس پیامبر اکرم صَلَّىٰ ٱللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با آنچه بر او نازل شده بود با ترس وخوف وقلبی لرزان برگشت به خانواده خویش، وداستان را بر همسر خود ام المؤمنین خدیجه فرزند خویلد رَضِيَ ٱللَّهُ عَنْهَا در میان گذاشت وبه او گفت که من بر نفس خودم ترسیدم. پس به پیامبر چنین گفت: نه هرگز بشارت بر تو به والله هیچ وقت خداوند تو را رسوا نمی کند، بلا شک که شما صله رحم می کنید، ودر سخن راست گو هستید، ومصیبت ها را تحمل میکنید، ومهمان نواز هستید، ودر حال نا نابسامانی ها به راه راست هدایت میکنید، وآن را نزد ورقه فرزند نوفل برد واو در زمان خود صاحب نظر ومردی حکیم بود پس خدیجه به او چنین گفت: ای عمو! از برادر زاده ات بشنو، وهنگامی که پیامبر اکرم صَلَّىٰ ٱللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از آن خبر او را آگاه کرد ورقه بن نوفل چنین گفت: این همان کسی است که بر موسی علیه السلام نازل شده، کاش توانمند باشم، کاش زنده باشم وقتی که خویشاوندانت تو را اخراج میکنند. رسول الله صَلَّىٰ ٱللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ گفت: آیا آنها مرا اخراج می کنند. ورقه گفت: بله. هرگز کسی نیامده است به آنچه که تو آورده ای مگر اینکه بر گردانده شده، واگر آن روز را بیابم به تو کمک خواهم کرد. وورقه بعد از این مصاحبه در مدتی کوتاه درگذشت.

قرآن کریم کاملاً بر رسول خدا صَلَّىٰ ٱللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ یکجا نازل نشده طوری که کتابهای پیامبران سابق نازل شده وبلکه به مدت بیست وسه سال جداگانه نازل شده است، گاهی اوقات سوره ای کامل نازل می شد، وگاهی اوقات آیاتی از سوره.

حکمت نزول قرآن به تدریج استوار ساختن وتقویت بخشیدن وآماده کردن قلب پیامبر صَلَّىٰ ٱللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با تجدید نزول وحی به وسیله جبریل علیه السلام، تا این که در مقابل مخالفت ها وناسازگاری های کفار ومشرکین قوی تر و با ثبات تر باشد با آنچه که در اولین ماموریت فرستاده شده است، خداوند متعال می فرماید: ﴿وَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ ٱلْقُرْءَانُ جُمْلَةً وَٰحِدَةً ۚ كَذَٰلِكَ

﴿لِنُثَبِّتَ بِهِۦ فُؤَادَكَۖ وَرَتَّلۡنَٰهُ تَرۡتِيلٗا﴾ [الفرقان: ٣٢] [وکسانی که کافر شدند گفتند: چرا قرآن یکجا بر او نازل نشده، این گونه ما آن را به تدریج نازل کردیم تا قلبت را به وسیله آن استوار گردانیم وآن را به آرامی بر تو خواندیم]

وهمچنان به تدریج نازل شدن قرآن کریم حکمت آموزشی دیگری در بر دارد که به تدریج مؤمنان با علم ودانش وعمل به احکام دین آگاه می شوند، تا اینکه برای آنها در یادگیری ودرک آن آسانی شود وبتوانند از تاریکی هایی که قبلا در جهل وکفر وشرک بودند خارج شوند وبه توحید ونور ایمان وعلم پی ببرند.

سوم: تدوین قرآن کریم:

از مهمترین وسائل نگهداری متون نوشتن آنهاست، وسخنی که نوشته نشود بیشتر در معرض فراموشی قرار می گیرد، واینکه قرآن کریم برای هدایت جهانیان تا روز قیامت نازل شده ، پس لازم بود که نوشته شود.

وکتابت قرآن کریم با نظارت پیامبر اکرم صَلَّى ٱللَّهُ عَلَيۡهِ وَسَلَّمَ وتوجه ایشان انجام گرفته شده، وپیامبر صَلَّى ٱللَّهُ عَلَيۡهِ وَسَلَّمَ بعضی از صحابه که نوشتن را یاد داشتند امر می کردند تا قرآن کریم را بنویسند، وآنها را نویسندگان وحی قرار دادند، ومشهورترین آنها زید بن ثابت انصاری رَضِيَ ٱللَّهُ عَنۡهُ بود.

و هر وقت که بر رسول خدا صَلَّى ٱللَّهُ عَلَيۡهِ وَسَلَّمَ وحی نازل می شد آن را حفظ می کرد وبر یکی از کاتبان وحی می خواند تا آن را بنویسد و می گفت: این آیات را در سوره ای که چنین وچنان بیان شده بگذارید. واسم سوره را بیان می کرد و آنها را برای نوشتن آیات در آن سوره امر می کرد، وسپس صحابه را به منظور آموزش ویادگیری آنچه از قرآن کریم نازل شده امر می کرد، پس قرآن کریم کاملاً در زمان پیامبر صَلَّى ٱللَّهُ عَلَيۡهِ وَسَلَّمَ بر تکه های پوست و ... نوشته شده.

وجبریل علیه السلام قرآن کریم را هر ساله یکبار برای پیامبر اکرم صَلَّى ٱللَّهُ عَلَيۡهِ وَسَلَّمَ می خواند، ودر سالی که پیامبر اکرم صَلَّى ٱللَّهُ عَلَيۡهِ وَسَلَّمَ دار فانی

را وداع گفتند دو بار با ترتیب آیات وسوره برای او خواند همانطوری که الآن درمیان مسلمانان در قرآن کریم موجود است، وبه تحقیق که خداوند متعال فرمودند: ﴿إِنَّ عَلَيۡنَا جَمۡعَهُۥ وَقُرۡءَانَهُۥ * فَإِذَا قَرَأۡنَٰهُ فَٱتَّبِعۡ قُرۡءَانَهُۥ﴾ [القيامة: ١٧-١٨] [مسلماً جمع آوری وخواندن آن بر عهده ماست، پس هر گاه(توسط جبریل) آن را خواندیم از خواندن آن پیروی کن]. وگفت او: ﴿سَنُقۡرِئُكَ فَلَا تَنسَىٰٓ﴾ [الأعلى: ٦] [ما بزودی قرآن را بر تو می خوانیم پس هرگز فراموش نخواهی کرد.]

چهارم: جمع کردن قرآن کریم به صورت کتاب:

پس از وفات رسول خدا صَلَّى ٱللَّهُ عَلَيۡهِ وَسَلَّمَ خلیفه اول أبوبکر صدیق رَضِيَ ٱللَّهُ عَنۡهُ دستور داد تا قرآن کریم به ترتیب به صورت کتاب جمع آوری شود، تا امکان از بین رفتن آن بعد از وفات حافظان قرآن کریم وجود نداشته باشد ، ویا اینکه بعد از آسیب دیدن تکه هایی که بر آن قرآن کریم نوشته شده امکان از بین رفتن آن وجود نداشته باشد، وسپس مسئولیت جمع آوری قرآن کریم را کاتب وحی زید بن ثابت رَضِيَ ٱللَّهُ عَنۡهُ برعهده گرفت وبعد از تاکید ومراجعه ومطابقت دادن آنچه که او نوشته وآنچه که در تکه های نوشته شده و در سینه های حافظان قرآن کریم بود آن را در خانه أبوبکر صدیق رَضِيَ ٱللَّهُ عَنۡهُ گذاشت تا اینکه دار فانی را الوداع گفت، وسپس در خانه خلیفه دوم عمر بن خطاب رَضِيَ ٱللَّهُ عَنۡهُ از آن نگهداری شد، وبعد از وفات او در خانه همسر پیامبر صَلَّى ٱللَّهُ عَلَيۡهِ وَسَلَّمَ مادر مؤمنان حفصه بنت عمر رَضِيَ ٱللَّهُ عَنۡهَا نگهداری شد.

و هنگامی که اسلام گسترش یافت مسلمانان نیاز به نسخه هایی از قرآن داشتند تا از آن بخوانند، وبرخی از صحابه عثمان بن عفان رَضِيَ ٱللَّهُ عَنۡهُ را مشوره دادند که مردم را بر وحدت قراءت قرآن با اقتدای امام جمع کند، پس به گروهی از حافظان که نوشتن می دانستند دستور داد تا قرآن کریم را جمع آوری کنند، وبالاسر آنها زید بن ثابت رَضِيَ ٱللَّهُ عَنۡهُ بود تکیه بر همان قرآنی

که در زمان ابوبکر صدیق رَضِيَ ٱللَّهُ عَنْهُ جمع آوری شده، سپس آن برگها را در یک جلد قرآن جمع آوری کردند، واز آن چندین نسخه کپی گرفتند وبرای کشورهای بزرگ اسلامی یک یک کپی فرستادند، وبه مسلمانان دستور داد تا از آنها کپی بگیرند.

و امروزه همه قرآن هایی که در جهان شناخته شده اند، چه از دست نوشت ها ویا اینکه به وسیله ی ماشین تایپ وچاپ شدند، منشأ اصلی آنها از نسخه هایی است که به کشورها فرستاده شده اند، وهیچ تفاوتی در متن وترتیب آن نیست.

وتا امروز مسلمانان برای چاپ قرآن کریم اهمیت بسیار زیادی قائل هستند ودر پهلوی تحولات رسانه ای در چاپ وفن آوری وابزارآلات که از آنها برای دستیابی بالاترین کیفیت وتنظیمات در نوشتن متن قرآن کریم با رسم عثمانی که در عهد خلیفه سوم عثمان بن عفان رَضِيَ ٱللَّهُ عَنْهُ بوده است استفاده می شود، که امروزه به رسم عثمانی معروف است.

وچاپخانه قرآن کریم ملک فهد یکی از جاهای برجسته ای است که برای قرآن کریم اهمیت بسیار زیادی قائل است، و مراقبت های ویژه ی حاکمان عربستان سعودی برای کتاب خدا واهمیت ایشان به خدمت قرآن کریم وتسهیل کردن دسترسی مسلمانان به نسخه هایی که با بهترین کیفیت، وکمال چاپ می کنند.

پنجم: ترتیب وأجزاء قرآن:

قرآن کریم با سوره فاتحه آغاز می شود ، و با سوره ناس به پایان می رسد، وآن از ۱۱۴ سوره تشکیل شده، واین ترتیب توقیفی است، یعنی اینکه گرفته شده از رسول خدا صَلَّى ٱللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وهیچ بستگی ای بر ترتیب نازل شدن آن ندارد، پس اولین سوره ای که نازل شد علق بود وترتیب آن در قرآن (۹۶) است، و صحابه ترتیب آیات وسوره ها را از خواندن قرآن پیامبر صَلَّى ٱللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می دانستند.

وامروزه قرآن به سی جز تقسیم شده، وهر جز آن به دو حزب، وهر حزب به چهار ربع تقسیم شده، واین تقسیم از اجتهاد علماست به منظور تسهیل خواندن قرآن کریم برای مسلمانان.

ششم: یادگیری قرآن کریم:

مسلمانان اهمیت بسیار زیادی برای آموزش وحفظ متن وتلاوت آن داشتند همانطوری که بر رسول خدا صَلَّى ٱللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نازل شده، وخوانندگان وحافظان صحابه برای تعلیم تابعین برخواستند تا اینکه متن آن را حفظ کردند، وبر هر آیه ای وقف کردند تا اینکه معنی آن را فهمیدند پس علم وعمل را با هم آموختند، سپس حافظان تابعین مدارسی را برای خواندن تاسیس کردند، متعهد با آنچه که از صحابه یاد گرفته بودند چه از جهت تلاوت ویا متن ویا عدد حروف وکلمات، وترتیب سوره وآیات وتجوید وتسلط بر أدای آن وکیفیت ترتیل، پس به اینصورت تا امروز قرآن کریم آموخته وحفظ وتلاوت می شود، ویادگیرنده از آموزنده وحافظان قرآن به صورت شفاهی به زبان عربی واضح وروشن یاد می گیرند همانطوری که بر رسول خدا صَلَّى ٱللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نازل شده.

وقرآن کریم به چندین قرائت خوانده می شود، وآن چگونگی أدای کلمات قرآن کریم وحروف آن وطریقه تلفظ آنها، همان که تابعین از قاریان حافظ صحابه گرفتند، کسانی که از پیامبر صَلَّى ٱللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دریافت کردند وبه آنها اجازه داده شده، ومعروفترین آنها در زمان ما قرائت عاصم از روایت شاگردش حفص بن سلیمان وقرائت نافع از روایت شاگردش عثمان بن سعید معروف به وَرش، واز جمله روایت دوری از أبی عمرو بصری، وروایت قالون از نافع.

هفتم: تفسیر قرآن:

تفسیر قرآن یعنی نشان دادن معنای آن، وهدف وقصد صحبت دانسته نمی شود تا اینکه وقف کند تا دلالت ومعنای آن دانسته شود، وخداوند قاریان قرآن را تشویق کرده تا معنای آن را درک کنند همانطوری که

خداوند متعال می فرماید: ﴿كِتَٰبٌ أَنزَلۡنَٰهُ إِلَيۡكَ مُبَٰرَكٞ لِّيَدَّبَّرُوٓاْ ءَايَٰتِهِۦ وَلِيَتَذَكَّرَ أُوْلُواْ ٱلۡأَلۡبَٰبِ﴾ [صٓ: ٢٩] [کتابی است پر برکت که آن را بر تو نازل کردیم تا در آیات آن بیندیشند وخردمندان پند گیرند] وتدبر به معنای درک و دوراندیشی است.

ورسول خدا ﷺ آنچه را که صحابه در فهم معنای قرآن کریم مشکل داشتند توضیح می داد اما توانایی آنها به زبان عربی در آن وقت ونازل شدن قرآن کریم به زبان عربی آنها را از اینکه سؤالهای زیادی در مورد معانی آیات قرآن کریم بپرسند بی نیاز کرده بود، ونیاز انسانها پس از سالها به تفسیر افزایش یافت.

وآنچه را که از پیامبر اکرم ﷺ وصحابه کرام وشاگردان تابعی از تفسیر قرآن کریم نقل شده را هسته ی علم تفسیر می گویند، وبه آن تفسیر المأثور نیز می گویند زیرا که از مهمترین وسائل درک وفهم قرآن کریم است، چون برای ما فهم ودرک نسلهای اول را از قرآن کریم بیان می کند، واز تسلط آن نسل ها به زبان عربی وشرایطی که در وقت نزول قرآن کریم زندگی می کردند وبا حوادث وحالاتی که در آن وقت رخ می داد آگاه بودند.

(١) أنواع تفسیر:

تعدد روند علمای تفسیر، وتعدد منافع علمی آنها دلیلی برای ظاهر شدن تفاسیری که به جنبه های مختلف اهمیت می دهند شده مثل: جنبه زبانی قرآن کریم، وجنبه احکام فقهی، و از سوی دیگر با جنبه های تاریخی ویا روانی ویا اخلاقی وغیره دسته بندی شده است، وعلماء بنابراین تفسیر را بر دو بخش تقسیم کردند:

اول: تفسیر المأثور، تفسیری که از پیامبر ﷺ وصحابه کرام وتابعین نقل شده.

دوم: تفسیر با رأی واجتهاد بر اساس ومبنای اصول علمی معتبر.

(۲) بهترین راه های تفسیر وضوابط آن:

تفسیر المأثور در همه تفاسیر مقدم است چون تفسیری است که از پیامبر اکرم ﷺ وصحابه کرام وشاگردان تابعی نقل شده، وآنها مهارت بیشتری در تفسیر دارند، واگر بخواهی که بیشتر درک آیات قرآن کریم را بیاموزی که در تفسیر مأثور بیان نشده پس باید مفسر در تفسیر این قوانین را رعایت کند:

۱. مراعات کردن معانی آیاتی که در تفسیر مأثور بیان شده، ونیاوردن آنچه مخالف آن است.

۲. تصویب تفسیر معانی عمومی که توسط قرآن ذکر شده، وسنت نیز آنها را بیان کرده، وبیرون آمدن مترجم به تفسیر مغایر با آن معانی جایز نیست، پس قرآن کریم بعضی از تفسیر آیات را بیان می کند وهیچ تناقضی در بین آنها وجود ندارد، وسنت نبوی آمده تا توضیح دهد آنچه را که به طور کلی در قرآن کریم ذکر شده، وتفسیر آن را بیان می کند.

۳. دانستن قواعد زبان عربی در اهمیت کلمات ودر ساختار جملات وکاربرد آنها لازمی است، پس قرآن کریم نازل شده به زبان عربی وباید در پرتو قوانین آن درک شود.

۴. رد کردن آیات متشابه با آیات صریح وروشن، پس بعضی از آیات قرآن کریم آیات دیگر را توضیح می دهند، واکثر آیات قرآن کریم صریح و معانی آنها واضح هستند، وبعضی از آیات آن متشابه هستند وشاید معنای آنها نزدیک یکدیگر باشد که واضح نباشد، وبرگرداندن آنها به آیات صریح و روشن کمک می کند در فهم ودرک دلالت آن و واضح شدن معنای آن وخداوند متعال فرموده: ﴿هُوَ ٱلَّذِيٓ أَنزَلَ عَلَيۡكَ ٱلۡكِتَٰبَ مِنۡهُ ءَايَٰتٞ مُّحۡكَمَٰتٌ هُنَّ أُمُّ ٱلۡكِتَٰبِ وَأُخَرُ مُتَشَٰبِهَٰتٞۖ فَأَمَّا ٱلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمۡ زَيۡغٞ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَٰبَهَ مِنۡهُ ٱبۡتِغَآءَ ٱلۡفِتۡنَةِ وَٱبۡتِغَآءَ تَأۡوِيلِهِۦۖ وَمَا يَعۡلَمُ تَأۡوِيلَهُۥٓ إِلَّا ٱللَّهُۗ وَٱلرَّٰسِخُونَ فِي ٱلۡعِلۡمِ يَقُولُونَ ءَامَنَّا بِهِۦ كُلّٞ مِّنۡ عِندِ رَبِّنَاۗ وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّآ أُوْلُواْ ٱلۡأَلۡبَٰبِ﴾ [آل عمران: ۷] [اوست کسی

که این کتاب را بر تو نازل کرد بخشی از آن آیات محکم (صریح وروشن) است آنها اساس کتابند و بخشی دیگر متشابهاتند (آن آیاتی که در نگاه اول معانی واحتمالات مختلفی دارند وقابل تأویل هستند، ولی با رجوع به آیات محکم تفسیر ومعنای آنها روشن می گردد) اما کسانی که در دلهایشان انحراف است برای فتنه جویی وگمراه کردن مردم وبخاطر تأویل آن به دلخواه خود از متشابه آن پیروی می کنند با آنکه تاویلش را جز خدا کسی نمی داند و ثابت قدمان در علم می گویند ما به آن ایمان آورده ایم همه چه محکم وچه متشابه از جانب پروردگار ماست وجز خردمندان کسی پند پذیر نمی شود.]

۵. آرام گرفتن با حقائق علمی ثابت شده در تفسیر آیات کیهانی، ونه انداختن نظریه های علمی در تفسیر قرآن کریم، تا مفهوم اشتباه نیندازند در قرآن کریم که از آن برداشت اشتباه می شود.

۶. مراقب تاویلات فاسد باشید که معانی کلام خدا را از واقعیت وشریعت پاک دور می برد، وآن را از قواعد زبان عربی بیرون می کند، یا به قصد اعوجاج، ویا به دلیل جهل ونادانی از زبان عربی وپیامدهای آن و ساختار کاربردی آن، ویا به دلیل شک در معانی فاسد وپاکیزه نگهداری می شود کلام خدا از همه آنها.

هشتم: اعجاز قرآن کریم:

اعجاز در اصطلاح: وصفی است که بیش از توانایی آوردن چیزی از نظیر کار یا تدبیر ویا نظر دادن، ومعجزه توصیف کردن حادثه به منظور نشان دادن علائم واثبات پیامبران علیهم السلام واین کلمه در قرآن به جز نشانی ودلیل ومانند این چیز دیگری نیامده است.

وقران کریم کلام خداست ومعانی آن کامل است وآیات وکلمات وساختار آن زیباست طوری است که بشر را عاجز می کند خداوند می فرماید: ﴿الٓرۚ كِتَٰبٌ أُحۡكِمَتۡ ءَايَٰتُهُۥ ثُمَّ فُصِّلَتۡ مِن لَّدُنۡ حَكِيمٍ خَبِيرٍ﴾ [هود: ۱] [الر (الف لام

راء) این کتابی است که آیاتش استوار، سپس از جانب حکیمی آگاه به روشنی بیان شده است]

ومشرکان تلاش کردند تا مردم را در شک وشبهه بیندازند وآنها را توسط دروغپردازی وبالا بردن سوء ظن از قرآن دور کنند، پس خداوند متعال آیاتی نازل کرد که آنها را به چالش می کشد که مثل این قرآن بیاورند، ویا ده سوره مثل این بیاورند، ویا یک سوره مثل این بیاورند، اگر راستگو هستند، پس از چنین کاری ناتوان ماندند، واین را فهمیدند که قرآن کریم گرچه با زبان عربی است ولی امکان ندارد که آن را جعل کرد ویا اینکه مثل آن را بیاورند، خداوند می فرماید: ﴿أَمۡ يَقُولُونَ ٱفۡتَرَىٰهُۖ قُلۡ فَأۡتُواْ بِسُورَةٖ مِّثۡلِهِۦ وَٱدۡعُواْ مَنِ ٱسۡتَطَعۡتُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ﴾ [یونس: ۳۸]

[آیا آنها می گویند: او آن را به دروغ به خدا نسبت داده است؟! بگو: اگر راست می گویید پس یک سوره همانند آن بیاورید وجز خدا هر که را که می توانید به یاری بخوانید]

وقرآن کریم علناً وصریحاً اعلام کرد که انس وجن نمی توانند چنین قرآنی بیاورند وچند برخی از آنها پشتیبان برخی دیگر باشند از آوردن چنین قرآنی عاجز می مانند: ﴿قُل لَّئِنِ ٱجۡتَمَعَتِ ٱلۡإِنسُ وَٱلۡجِنُّ عَلَىٰٓ أَن يَأۡتُواْ بِمِثۡلِ هَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانِ لَا يَأۡتُونَ بِمِثۡلِهِۦ وَلَوۡ كَانَ بَعۡضُهُمۡ لِبَعۡضٖ ظَهِيرٗا﴾ [الإسراء: ۸۸]

[ای پیامبر بگو: اگر انس وجن همگی گرد هم آیند تا نظیر این قرآن را بیاورند، هرگز همانند آن را نخواهند آورد، هر چند برخی از آنان یاور برخی دیگر باشند.]

وقرآن کریم معجزه است چون کلام خداست وهیچ شباهتی با کلام مخلوقات ندارد، وآن نشان ودلیلی است با عبارات وآیات وزبان خود وآنچه در آن است از تفاوت بیان وفصاحت، وآنچه در اخبار وداستان های واقعی آن ذکر شده، وآنچه شامل بر قانون وقضاوت است، وقدرتی که در تأثیر روانی وعاطفی در بردارد، وآنچه از حقایق چشمگیر علمی بیان شده است.

وچگونه فیزیکدانان، واخترشناسان، وکسانی که در علوم زندگی مشغول هستند، وپزشکان وغیره را شگفت زده کرده است، صحبت قرآن کریم از حقائق علمی ومنابع علوم کیهانی ربطی در علومی که در آن مشغول هستند دارد، با عبارات علمی دقیق تر، جایی برای گمان نیست که این موضوع از پیامبری بی سواد مادرزاد در قومی بی سواد، ودر جهانی که هیچ اطلاعاتی از این پدیده ها نداشتند باشد، واین سبب مسلمان شدن تعدادی از آنها شده است چون فهمیدند که آنچه در قرآن کریم ذکر شده است امکان ندارد که سخنان یک بشر باشند، وبلکه سخنان خالق جهان وبشرهستند.

وبسیاری از آیات قرآن کریم هستند که دلالت بر وحدانیت خداوند وبدیع ساخته هایش دارند خداوند می فرماید: ﴿سَنُرِيهِمْ ءَايَٰتِنَا فِى ٱلْءَافَاقِ وَفِىٓ أَنفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ ٱلْحَقُّ ۗ أَوَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُۥ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ شَهِيدٌ﴾ [فصلت: ٥٣] [به زودی نشانه های خود را در آفاق ودر نفس خودشان به آنها نشان خواهیم داد، تا برای آنها روشن گردد که او حق است، آیا کافی نیست که پروردگارت بر همه چیز گواه است؟!]

نهم: ترجمه معانی قرآن کریم:

ترجمه نقل کردن سخن از زبانی به زبان دیگر است، وترجمه بدون مشکلات نیست، چرا که صیاغ وسباق زبان یکی از اجزای متن می باشد، وممکن است در حفظ صیاغ وسباق زبان در ترجمه متن به زبانی دیگر به مشکل مواجه شود.

واگر این حال ترجمه متن هایی باشد که از صیاغ بشراند، پس سختی ترجمه بیشتر می شود وقتی که کسی بخواهد قرآن کریم را ترجمه کند چون آن کلام خداست نازل شده از جانب پروردگار با زبان عربی، و وحی شده از طرف خداوند با لفظ ومعنی، وآسان نیست برای بشر که این ادعا را بکند که تسلط کامل بر معانی قرآن کریم دارد، ویا اینکه می تواند دوباره صیاغ الفاظ آن را به اسلوبی که می خواهد به زبان عربی درآورد.

وبا این همه مشکلات ترجمه قرآن کریم، همه علماء بر ضرورت تبلیغ قرآن کریم وپیام رسانی آن به ملت های زمین به هر زبانی که باشند تأکید می کنند، و امکان انجام اینکار بدون ترجمه نیست.

واینگونه قرآن کریم به زبان های دیگر ترجمه می شود:

۱. ترجمه معانی قرآن کریم بدون تفسیر، و این امر بر بیان آنچه الفاظ قرآنی بر آن دلالت می کنند محدود است.

۲. ویا ترجمه تفسیری که با تقویت وتوضیح بیشتر وبیان ضرب المثل انجام می شود، وآن به عنوان تفسیر قرآن کریم به زبان غیر عربی است.

هر چند که ترجمه قرآن کریم دقیق باشد، ویا مترجم مهارت بسیاری در هر دو زبان داشته باشد، آن ترجمه را به دو علت قرآن نمی گویند:

اول: اینکه قرآن کریم کلام خداست وبه زبان عربی نازل شده است وآن بلندیست از بیان احکام، ودوباره صیاغ دادن آیات آن را با زبانی دیگر غیر عربی اسم قرآن را از آن ساقط می کند.

دوم: اینکه ترجمه تعبیر درک وفهم مترجم از معانی قرآن کریم است، و از این جهت شبیه به تفسیر است، پس همانطور که به تفسیر قرآن گفته نمی شود، بنابراین نمی توان ترجمه را نام قرآن داد.

وبه منظور اینکه ترجمه معانی قرآن کریم مقبول شود باید قواعد وضوابطی را که علماء برای معانی قرآن کریم گذاشتند مد نظر داشته باشد، و مترجم از اینکه بخواهد ترجمه اشتباه خود را بپوشاند از نشر تحریف معانی قرآن کریم، وتوهین به مناسک و مقدسات مسلمانان دوری کند، و از آنجا که عددی از ترجمه هایی که برخی از مستشرقین ویا کسانی که خود را با دروغ به اسلام نسبت می دهند ظاهر شده، وآنها حامل عقیده فاسد هستند ودنبال تخریب ارزشهای اسلام وعقیده وشریعت صحیح هستند.

ودر این سیر چاپخانه قرآن کریم ملک فهد در مدینه مسئولیت ترجمه موثق برای معانی قرآن کریم را بر دوش گرفته است، و این تلاشی است برای رساندن پیام بلندی قرآن کریم به کسانی که تسلط بر زبان عربی ندارند تا به آنها با زبان اصلی آنها این پیام را برسانند.

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على نبينا محمد وعلى آله وصحابته أجمعين، والتابعين، ومن تبعهم بإحسان إلى يوم الدين.

وستایش فقط برای پروردگار جهانیان است وصلوات بر پیامبر گرامی وآل وأصحاب وتابعین او وهر کسی که از آنها به خوبی پیروی کرد تا روز قیامت.

سوره فاتحه
مکی وآن هفت آیه ا ست

﴿۱﴾ به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

﴿۲﴾ ستایش برای خدای است، پروردگار عالمها[*][۱]. ﴿۳﴾ بخشندهٔ مهربان. ﴿٤﴾ خداوند روزِجزا. ﴿٥﴾ (تنها) تورا می پرستیم و(تنها) ازتو یاری می جوییم. ﴿٦﴾ مارا به راه راست هدایت کن. ﴿۷﴾ راه آنانکه اکرام کرده ای برایشان. نه راه آنانکه خشم گرفته شد برآنها ونه راه گمراهان[۲].

(*) توضیح: ستایش خداوندی راسزاست که پروردگار جهانیان است (مصحح).

(۱) مترجم گوید یعنی عالم انس و عالم جن وعالم ملائکه و علیٰ هذا القیاس فتح الرحمٰن.

(۲) مترجم گوید مراد از آنانکه اکرام کرده شد برآنها چهار فرقه اند نبیین و صدیقین و شهدا وصالحین ومراد ازآنانکه خشم گرفته شد برآنها یهود اندوازگمراهان نصاری، آمین قبول کن دعای مارا فتح الرحمٰن.

سوره بقره مدنی است وآن دوصد
و هشتادو شش آیه و چهل رکوع ست

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان.

﴿۱﴾ الٓم. ﴿۲﴾ این کتاب هیچ شبهه ای درآن نیست، پرهیز گاران را رهنماست. ﴿۳﴾
آنانکه به نادیده ایمان می آورند و نمازرا برپامی دارند وازآنچه ایشان را روزی داده ایم
خرج می کنند. ﴿٤﴾ وآنانکه به آنچه فرودآورده شده به سوی تو وآنچه فرود آورده شده
پیش ازتو ایمان می آورند وایشان به آخرت یقین دارند. ﴿٥﴾ ایشان ازجانب پروردگار
خویش برهدایت اند وایشان رستگارانند.

﴿٦﴾ هرآئینه آنانکه کافرشدند برابراست برایشان که بترسانی ایشان را یانترسانی ایشان را، ایمان نمی آورند. ﴿٧﴾ خدا بر دلهای ایشان مهرنهاد وبرشنوائی ایشان ـ وبرچشمهای ایشان پرده ایست و برای ایشان عذاب بزرگ است. ﴿٨﴾ وازمردمان کسی هست که می گوید به خدا ایمان آوردیم وبه روز بازپسین وایشان مومنان نیستند. ﴿٩﴾ خدا و مومنان را فریب می دهند و بحقیقت نمی فریبند مگر خودرا و نمی فهمند. ﴿١٠﴾ در دلهای ایشان بیماری ست پس خدا به ایشان بیماری را افزون داد وبرای ایشان عذاب درد دهنده است به سبب آنکه دروغ می گفتند. ﴿١١﴾ وچون به ایشان گفته شود درزمین تباه کاری مکنید گویند جزاین نیست که مااصلاح کاریم. ﴿١٢﴾ آگاه شو به تحقیق ایشان تباه کاران اند ولیکن آگاه نمی‌شوند. ﴿١٣﴾ وچون به ایشان گفته شود که ایمان آورید چنانکه ایمان آوردند مردمان، گویند آیا ایمان آوریم چنانچه ایمان آوردند بیخردان؟ آگاه شو به تحقیق ایشانند بی خردان ولیکن نمی دانند. ﴿١٤﴾ ووقتیکه ملاقات می کنند بااهلِ ایمان گویند ایمان آورده ایم و چون باشیاطین خود[1] تنها شوند گویند هرآئینه ماباشماییم جزاین نیست که ماتمسخر می کنیم. ﴿١٥﴾ خدا به ایشان تمسخرمی کند وایشان را مهلت میدهد سرگشته درگمراهیشان. ﴿١٦﴾ ایشان آنکسانند که گمراهی را عوضِ هدایت خریدند پس تجارت ایشان سود نیافت و راهیاب نشدند.

(۱) یعنی رئیسانِ خود.

﴿۱۷﴾ داستانِ ایشان مانند داستانِ کسی است که آتش را افروخت پس چون آتش دوروبر اورا روشن کرد خدا نور ایشان را ازبین برد وایشان را درتاریکی‌ها یی که هیچ نبینند بگذاشت. ﴿۱۸﴾ کرانند، گنگانند، کورانند پس ایشان بازنمی گردند[۱]. ﴿۱۹﴾ یا (داستان ایشان) مانند باران تنداست که از آسمان آمده باشد که در وی تاریکی ها ورعد وبرق است، انگشتانِ خودرا در گوشهای خود درمی آرند به سبب آواز های پُرهول از ترس مرگ، وخدا کافران را احاطه کننده است. ﴿۲۰﴾ نزدیك است که برق چشمهای ایشان را بُرباید هرگاه روشنی دهد برق ایشان را راه روند درآن روشنی و چون برایشان تاریکی دهد بایستند واگر خدامی خواست البته شنوائی ایشان را ودیده های ایشان را می برد هرآئینه خدا برهمه چیز تواناست[۲]. ﴿۲۱﴾ ای مردمان پروردگار خویش را بپرستید آنکه شمارا وکسانی را که پیش ازشمابوده اند آفرید تادرپناه شوید[۳]. ﴿۲۲﴾ آنکه برای شما زمین را بساطی و آسمان را سقفی ساخت وازآسمان آبي فرود آورد سپس به آن ازانواع میوه ها روزی برای شما بیرون آورد پس برای خدا همتایان مقرر مکنید درحالیکه شمامیدانید. ﴿۲۳﴾ واگر هستید درشبهه ازآنچه بربندهٔ خود فرود آوردیم (یعنی ازقرآن) پس یك سوره ای مانندآن بیارید ومددکاران خودرا غیر از خدا بخوانید اگر راستگو هستید. ﴿۲٤﴾ پس اگرنکردید والبته نمی توانید انجام دهید پس حذر کنید ازآن آتشی که آتش انگیز آن[٤] مردمان وسنگهاباشند، برای کافران آماده کرده شده است.

(۱) مترجم گوید که حاصل مثل آنست که اعمال منافقان همه نابود شود چنانکه روشنی آن جماعت دورشد.

(۲) مترجم گوید که حاصل مثل آناست که منافقان در ظلمات نفسانی افتاده اند وچون مواعظه بلیغه شنوند في الجمله ایشان را تنبیهی می شودوآن فائده نکند مانند مسافران که درشبِ تاریك و ابرحیران باشند ودربرق دوسه قدم بروند وبازایستند والله اعلم.

(۳) تاپرهیزگارشوید (واز خشم خدا ایمن باشید مصحح).

(٤) یعنی هیزمهای وی.

﴿۲۵﴾ وآنکسان را که ایمان آورده اند وکارهای شایسته کرده اند بشارت ده بآنکه ایشان راست بوستانهايي که میرود زیرِآنها جويهاهرگاه داده شوند ازآنجا روزی ازقسم میوه، گویند این هما نست که بما پیش ازین داده شده بود وبه ایشان آن روزی مانند یکدیگر آورده شود[۱] وبرایشان درآنجا زنان پاك کرده شده است وایشان درآنجاجاویدند. ﴿۲۶﴾ هرآئینه خدا ازآنکه بزند مثال پشه ای وبالاترازآن را شرم نمیکند، اماآنانکه ایمان آورده اند میدانند که این مثال از پروردگار ایشان راست است واماآنانکه کافرند می گویند چه چیز خواسته است خدا به (آوردن) این مثال خدا به سبب آن بسیاری را گمراه میکند وبه آن بسیاری را هدایت میکند و گمراه نمی کند به آن مگربدکاران را[۲]. ﴿۲۷﴾ آنان (فاسقان) که پیمان خدارا بعد بستن آن می شکنند وآنچه راکه خدا امر فرموده است به پیوستن آن می بُرند در زمین فساد می کنند ایشان زیان کاران اند. ﴿۲۸﴾ چگونه به خدا کافر می شوید وحال آنکه مردگان بودید پس شمارا زنده گردانید، بعدازآن شمارا بمیراند باز شمارا زنده گرداند بازبه سوی وی بازگردانیده شوید. ﴿۲۹﴾ وی آنست که برای شما هر چه در زمین است همه را بیافرید باز به سوی آسمان متوجه شد پس آن راهفت آسمان ساخت واو به همه چیز داناست.

(۱) یعنی غبارِ فقد اِن مرغوب هیچ ساعت به خاطرایشان ننشیند والله اعلم.

(۲) کافران چون ذکر پشّه وعنکبوت در قرآن شنیدند طعن کردند و گفتند که خدای تعالی بذکراین چیزهای خسیس چه اراده کرده است پس این آیت نازل شد والله اعلم.

﴿۳۰﴾ ویادکن چون گفت پرورد گارتوبه فرشتگان که من درزمین جانشینی را آفریننده ام گفتندآیا می آفرینی درزمین کسی را که درآن فساد کند وخونریزی کند وما بحمدتو تسبیح می گوییم وبه پاکی برای تو ـ اقرارمی کنیم ـ فرمود هرآئینه من میدانم آنچه شما نمی دانید. ﴿۳۱﴾ وخدا آدم را نامهای همه مخلوقات بیاموخت باز آن چیزهارا برفرشتگان عرضه کرد پس گفت مرا بنام های این چیزها خبردهید اگرشماراست گوهستید. ﴿۳۲﴾ گفتند ترا به پاکی یاد می کنیم هیچ دانش نیست مارا مگر آنچه تو آموختی بما هرآئینه تویی دانای باحکمت. ﴿۳۳﴾ فرمود ای آدم فرشتگان را بنام های آنها خبرده، پس چون ایشان را به نام های آنها خبرداد فرمود آیانگفته بودم شمارا که هرآئینه من پنهان آسمان ها وزمین را میدانم ومیدانم آنچه را که آشکار می کنید وآنچه را که پوشیده می داشتید. ﴿۳٤﴾ وچون به فرشتگان گفتیم آدم را سجده کنید، پس سجده کردند مگرابلیس قبول نکرد وسرکشی نمود وازکافران گشت. ﴿۳٥﴾ وگفتیم ای آدم سُکنا گزینید تو و همسرت دربهشت وبسیار بخورید از (میوه های) بهشت ازهرکجاکه می‌خواهید ونزدیك مشوید باین درخت که ازستمکاران خواهیدشد. ﴿۳٦﴾ پس هردورا شیطان ازآنجا بلغزانید پس ایشان را ازآن نعمتهایی که بودنددرآن برآورد وفرمودیم فرودآیید (به زمین) درحالیکه بعضِ شمادشمن بعضی باشد وشما در زمین تامدتی آرام گاه وبهره مندی دارید. ﴿۳۷﴾ پس آدم ازپروردگار خود سخنی چند را فرا گرفت پس خداوند توبه اورا بمهربانی خود قبول کرد، بیشك اوتوبه پذیر مهربانست[1].

(۱) وآن کلمات این است: ﴿رَبَّنَا ظَلَمْنَآ أَنفُسَنَا وَإِن لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ ٱلْخَٰسِرِينَ﴾ والله أعلم.

﴿۳۸﴾ فرمودیم همه شما از آنجا فرودآیید پس اگر بیاید به شما ازمن هدایتی پس هرکه هدایتِ مرا پیروی کرد هیچ ترس نیست برآنان ونه ایشان اندوه خورند. ﴿۳۹﴾ وکسانیکه کفرورزیدند وآیات مارا تکذیب کردند ایشان اهل دوزخ اند، ایشان در آنجاجاویدند. ﴿٤۰﴾ ای[1]فرزندان یعقوب یادکنید آن نعمت مراکه ارزانی داشتم برشما وبه پیمان من وفاکنید تا به پیمان شما وفاکنم وتنها ازمن بترسید. ﴿٤۱﴾ وایمان آرید بآنچه فرود آورده ام درحالیکه تصدیق کننده است آنچه راکه باشماست ومباشید نخستین منکراو وعوض آیتهای من بهای اندك را مستانید وتنهاازمن بترسید. ﴿٤۲﴾ وراست را باناراست آمیخته مکنید وراست را پنهان مکنید درحالیکه شمامیدانید،. ﴿٤۳﴾ ونمازرا برپادارید وزکوٰة را بدهید ونماز گزارید بانماز گزارند گان. ﴿٤٤﴾ آیا مردمان را به نیکوکاری می فرمایید وخویشتن را فراموش میکنید حال آنکه شما کتاب (یعني تورات) را می خوانید آیا نمی فهمید. ﴿٤٥﴾ ومدد طلبید[2] به شکیبایی ونماز ـ وهرآئینه نماز دشوار است مگربرفروتنان. ﴿٤٦﴾ آنانکه میدانند که ایشان باپروردگار خویش ملاقات خواهند کرد وآنکه ایشان بسوی وی بازخواهند گشت. ﴿٤۷﴾ ای فرزندان یعقوب آن نعمت مرا که ارزانی داشته ام برشما یادکنید وآنکه شمارا برهمه عالم ها[3] فضل دادم. ﴿٤۸﴾ بترسید ازآن روزی که کفایت نکند هیچکسی ازکسی چیزی را و پذیرفته نشود ازهیچ کس شفاعت وگرفته نشود ازهیچ کسی عوضی ونه ایشان یاری داده شوند.

---

(۱) مترجم گوید خدای تعالی نعمتهای خود را بر بنی اسرائیل یاد آوری می کند ومعجزه هائی که درین قوم ظاهر شده بودذکر فرمود آنگاه شبهات وهفوات ایشان را ردکرد بدلائل واین قصه ممتداست تاقوله تعالی: ﴿وَإِذِ ٱبۡتَلَىٰٓ إِبۡرَٰهِـۧمَ رَبُّهُۥ﴾.

(۲) یعنی در جمیع حاجات و مصایب والله اعلم.

(۳) یعنی عالمیان آن زمان.

﴿۴۹﴾ (یاد کنید نعمت مرا) آن وقت که شمارا از آلِ فرعون رهانیدیم به شما سخت ترین عذاب را میرسانیدند پسرانِ شمارا ذبح میکردند وزنان (ای دختران) شمارا زنده میگذاشتند ودرین کار آزمایشی بزرگ از جانب پروردگار شما[۱] بود. ﴿۵۰﴾ وآن وقت که برای شما دریارا شکافتیم پس شمارا خلاص کردیم و غرق ساختیم کسانِ فرعون را درحالیکه شما میدیدید. ﴿۵۱﴾ وآن[۲] وقت که باموسیٰ میعاد مقرر کردیم چهل شب پس گوساله[۳] را پس ازرفتن موسی به پرستش گرفتید وشماستمکار بودید. ﴿۵۲﴾ پس ازشما بعدازین درگذشتیم تابُوَدکه شما سپاسگزاری کنید. ﴿۵۳﴾ وآن وقت که موسیٰ را کتاب وحجت دادیم تابُوَدکه شماراه یابید. ﴿۵۴﴾ وآن وقت که موسیٰ قوم خود را گفت ای قوم من هرآئینه شما برخویشتن ستم کرده اید به فرا گرفتن گوساله پس به سوی آفریدگارخود باز آیید پس خویشتن را بکشید این بهتر است شمارا نزد آفرید گارِ شما پس خداوند توبه شمارا بمهربانی خود پذیرفت هرآئینه اوتوبه پذیر مهربان است. ﴿۵۵﴾ و[۴] آن وقت که گفتید ای موسیٰ هرگز به تو ایمان نمی آوریم تاآنکه ببینیم خدارا آشکار پس شمارا صاعقه درگرفت درحالیکه شما میدیدید. ﴿۵۶﴾ باز شمارا پس ازمردنِتان، زنده گردانیدیم تاشماشکرگزاری کنید[۵]. ﴿۵۷﴾ وبرشما ابررا سایبان ساختیم وبرشما ترنجبین وگزنگبین وپرنده بلدرچین را فرود آوردیم گفتیم ازپاکیزه های آنچه شمارا دادیم بخورید وایشان برما ستم نکردند ولیکن بر خویش ستم میکردند.

---

(۱) مترجم گوید سبب کشتن پسران آن بودکه کاهنان فرعون راخبر داده بودند که در بنی اسرائیل پسری پیدا شود که باعث برافتادن پادشاهی اوگردد.

(۲) مترجم گوید که خداموسیٰ علیه السلام راوعده دادکه چهل شب درطور معتکف شودتاتورات عطا فرمائیم درین مدت بنی اسرائیل بفریب سامری گوساله پرستی اختیار کردند خدای تعالی بعد برگشت موسیٰ حکم فرمود که بعض ایشان بعض رابکشند واین توبه ایشان است.

(۳) یعنی معبود ساختید.

(۴) مترجم گوید موسیٰ علیه السلام هفتاد کس راازبنی اسرائیل با خود بُرد تاباوی کلام الهی را استماع نمایند ایشان بعد ازشنیدن خواهانِ رویت شدند ودر طلب آن پاازحدِ ادب بیرون نهادند خدای تعالی آن همه رابصاعقه بسوخت وبازبدعای موسیٰ زنده ساخت اشارت باین قصه است این آیت.

(۵) بنی اسرائیل مامورشدند به جهاد عمالقه وایشان درآن باب تغافل کردند پس (در مقابل آن) معاقب شدند بافتادن دربیابان چهل سال وآنجاچون آب و طعام وخیمه ها گم شد خدای تعالی به دعای موسیٰ علیه السلام مَنّ وسلویٰ نازل ساخت وازسنگی دوازده چشمه روان کردوابرراسایبان گردانید قدراین نعمتها را نشناختندو کفرانِ نعمت کردند اشارت بدین قصه است این آیت.

﴿٥٨﴾ وآن وقت که گفتیم درآیید درین ده[١] پس ازآنجا بافزونی هرجاکه خواهید بخورید خوردنی گوارا وبه دروازه سجده کنان درآیید وبگویید سوالِ ماآمرزش است تا گناهتان رابرای شما بیامرزیم وبه نیکوکاران افزون خواهیم داد. ﴿٥٩﴾ پس کسانیکه ستمکار بودند بدل کردند سخنی غیر آنچه فرموده شدایشان را[٢] پس برآن ستمکاران عذابی را از آسمان بسبب بدکاربودن ایشان فرودآوردیم. ﴿٦٠﴾ وآن وقت که موسی برای قوم خود آب خواست پس گفتیم بعصای خود سنگ را بزن پس ازسنگ دوازده چشمه روان شد هر قوم آب خوردِ خودرا بدانست[٣] گفتیم بخورید وبنوشید ازروزی خدا ودرزمین تباهی کنان فساد مکنید. ﴿٦١﴾ وآن وقت که گفتید ای موسی هرگز بريك طعام شکیبایی نکنیم برای مااز پروردگارخود بطلب تابیرون آردبرای ماااز آنچه میرویاندش زمین ازتره وخیار وگندم وعدس وپیازش ـ گفت موسی آیا بدل می کنید آنچه راکه آن فروترست به آنچه آن بهترست ـ فرودآیید به شهری پس هرآئینه باشدشمارا آنچه خواستید، وزده شد[٤] برایشان (مُهر) خواری وبی نوایی وبازگشتند بخشمی ازخدا این بسبب آنست که باورنمی داشتند آیت های خدارا وپیامبران را به ناحق می کشتند، این به سبب گناه کردن ایشان است وآنکه ازحد در می گذشتند.

(١) یعنی دهی که درزمان حضرت موسیٰ فتح شده بود.

(٢) یعنی بجای حِطة حِنطة گفتند.

(٣) یعنی بنی إسرائیل دوازده قبیله بودند برای هر قبیله يك چشمه معین شد والله أعلم.

(٤) یعنی فرود آورده شد.

﴿۶۲﴾ هرآئینه آنانکه مسلمان شدند وآنانکه یهود شدند ونصاریٰ وصابئین (بی دینان) هرکه ازایشان ایمان آورد بخدا وروزبازپسین وکارِشایسته کرده باشد پس برایشان است مزد ایشان نزد پروردگار شان ونه ترس بُوَد برایشان ونه ایشان اندوهگین شوند[۱]. ﴿۶۳﴾ وآن وقت که پیمان شمارا گرفتیم وبالای شما (کوه) طوررا برداشتیم گفتیم آنچه داده ایم شمارا باستواری (وجدّیت)[۲] بگیرید وآنچه درآنست یاد کنید تابُوَد که درپناه شوید. ﴿۶۴﴾ باز روگردانیدید بعد ازین پس اگر نمی بود بخشایش خدا برشماومهربانی او هرآئینه از زیان کاران می شدید. ﴿۶۵﴾ وبه راستی آن کسانرا که ازحد درگذشتند ازشما درشنبه[۳] دانسته‌اید پس گفتیم ایشان را بوزینگانی خوارشده شوید. ﴿۶۶﴾ پس این قصه را برای آن قوم که در آن دِه بودند[٤] وآن قوم که پس ازایشان آیند عبرتی ساختیم وپندی برای پرهیز گاران. ﴿۶۷﴾ و[٥] آن وقت که گفت موسی بقوم خود هرآئینه خدا شمارا به کشتن گاوی دستور می فرماید، گفتند آیامارا مسخره می کنی؛ گفت پناه می برم بخدا ازآنکه ازنادانان باشم. ﴿۶۸﴾ گفتند سوال کن برای ماازپروردگار خود تابرای مابیان کند چیست آن گاو گفت هرآئینه خدا می فرمایدکه بدرستیکه آن گاوی است نه پیرونه‌جوان میانه است درمیان این وآن پس به آنچه فرموده شدید عمل کنید. ﴿۶۹﴾ گفتند سوال کن برای ماازپروردگار خود تا برای ما بیان کند رنگ آن گاو چیست، گفت هرآئینه خدا میفرماید که آن گاویست زرد، پُر رنگ آن قدر که بینندگان را شادومسرور میکند.

(۱) حاصل معنی آیت آنکه آدمی دراصل ازهر فرقه که باشد چون ایمان آورد ازاهل نجات بود خصوصیتِ فرقه معتبر نیست.

(۲) یعنی احکام تورات.

(۳) یعنی شکار کردند وشکار کردن در روزشنبه دردین بنی اسرائیل حرام بود.

(٤) یعنی درآن زمانه حاضر بودند.

(٥) مترجم گویدشخصی راازبنی اسرائیل کشته یافتند وکشنده آن معلوم نبود خدای تعالی حکم فرمودکه گاوی را ذبح کنند وبعض وی رابرآن مقتول بزنند تازنده شود وازقاتلان خود خبر دهد القصه گاورابه مبلغ خطیر خرید کردند وبزدند، مقتول زنده شدوپسران عم خود رانام بردکه ایشان کشتند پس قاتلان رابقصاص رسانیدند ازآن بازقاتل را ازمیراث محروم ساختند والله اعلم.

﴿۷۰﴾ گفتند سوال کن برای ما ازپروردگار خود تا برای ما بیان کند چگونه است آن گاو هرآئینه گاوان مشتبه شدند برما وهرآئینه ما اگر خدا خواسته باشد البته راه یافتگانیم. ﴿۷۱﴾ گفت هرآئینه خدا میفرماید که آن گاویست نه محنت کشنده که زمین را شخم زند ونه زراعت را آب می دهد سلامت است دروی هیچ خال نیست، گفتند حالا سخنی درست آوردی[*] پس آن را ذبح کردند ونزدیك بودکه این کار را نکنند. ﴿۷۲﴾ وآن وقت که شخصی را کشتید پس دروی نزاع کردید وخدا بیرون آرنده است چیزی را که پنهان میکردید. ﴿۷۳﴾ پس فرمودیم بزنیداین شخص را به پاره ای ازگاو این طور خدا مُردگان را زنده میکند وشمارا نشانه های خود می نماید تابُوَدکه دریابید. ﴿۷٤﴾ باز دلهای شما بعد ازین (واقعه) سخت شد پس آنها مانند سنگ اند بلکه سختر (ازسنگ)، وهرآئینه از سنگ هاآنست که ازآن جویها روان می شود وهرآئینه از سنگها آنست که می شگافدپس ازآن آب، بیرون می آید وهرآئینه ازسنگها آنست که از ترس خدا فرومی افتد و خدا بیخبر نیست ازآنچه می کنید. ﴿۷۵﴾ (ای مومنان) آیا امید می‌دارید که (یهود) به دین شما درآیند حال آنکه گروهی ازایشان کلام خدا را (یعنی تورات را) می شنیدند سپس آن را دانسته تحریف میکردند بعدازآنکه آن را فهمیده بودند. ﴿۷٦﴾ وچون بامومنان ملاقات کنند گویندایمان آوردیم وچون باهمدیگر تنهاشوند[۱] گویند آیا ایشان را به آنچه گشاده است خدا برشما خبر میدهید[۲] تا باشما بآن دلیل نزد پروردگار شما مناظره کنند آیا درنمی یابید.

(*) توضیح: آن گاویست که پرورده نگشته تا زمین را شخم کند و نه کشت را آبیاری کند وازهر عیبی پاك و نباشد درآن رنگ دیگری (مصحح).

(۱) یعنی بارئیسان خویش.

(۲) یعنی نعمت پیامبرآخرالزمان.

﴿۷۷﴾ آیا (این جاهلان) نمیدانندکه خدا آنچه راکه پنهان می کنند و آنچه آشکار می نمایند میداند. ﴿۷۸﴾ وبعضی ازایشان ناخوانند گان اند (یعنی بیسواداند) کتاب (تورات) راجز آرزوهای باطل نمی پندارند ونیستند مگر گمان کننده. ﴿۷۹﴾ پس وای آنکسان را که کتاب را بدست های خود می نویسند بازمی گویند این ازنزد خداست تا عوض وی بهای اندك را بگیرند پس وای برحالشان بسبب نوشتن دست های ایشان و وای بر ایشان از آنچه که بدست می آوردند. ﴿۸۰﴾ وگفتند آتش دوزخ به ما نرسد مگر چندروز شمرده شده بگو آیا ازپیش خدا پیمانی گرفتید تاهرگز خدا پیمان خودرا خلاف نکند یااینکه می گویید برخدا آنچه راکه نمی دانید[۱]. ﴿۸۱﴾ آری هرکه کاربد را انجام داد واورا گناه او به احاطه گرفت پس ایشان باشندگان دوزخ اند، ایشان درآنجا جاویدند. ﴿۸۲﴾ وکسانیکه ایمان آورده اند وکارهای شایسته کرده اند ایشان باشند گان بهشت اند، ایشان درآنجا جاویدند. ﴿۸۳﴾ وآنگاه که پیمانِ بنی اسرائیل را گرفتیم که نپرستید مگرخدارا وبه والدین نیکی کنید وبه اهل قرابت و یتیمان وبی نوایان وبامردمان سخن نیك بگویید ونمازرا برپادارید وزکوة را بدهید پس رویگردان شده برگشتید مگر اندکی ازشما.

(۱) مترجم گویدیکی از عقائد باطله یهود آن بود که می گفتند یهود در دوزخ نبا شند مگرچندروزی واین خطااست زیراکه دخولِ جنت موقوف برایمان بخدا وروزقیامت و پیامبرآخرزمان است جنس یهود وغیرآن اعتبار ندارد ودرین آیه اشاره بهمین معنی است والله اعلم.

﴿۸٤﴾ وآنگاه که پیمان شمارا گرفتیم که خون یکدیگررا مریزید وقوم خویش را ازخانه هایتان بیرون مکنید پس قبول کردید درحالیکه خود شماگواهی میدهید. ﴿۸٥﴾ بازشما آن گروهید که قوم خویش را می کُشید وگروهی را ازقوم خود ازخانه های ایشان بیرون می کنید برعلیه آنان به گناه وستمکاری باهمدیگر همکاری میکنید واگراسیرشده بشمامی آیند فدا میدهید عوض (آزادکردن) ایشان حال آنکه بیرون کردن ایشان برشما حرام است آیا به بخشی ازکتاب ایمان می آورید وبه بخش دیگر کافرمی شوید؟ پس چیست جزای آنکه چنین کند ازشما مگرخواری در زندگانی دنیا وروز قیامت به سوی سخت ترین عذاب گردانیده شوند ونیست خدا بی خبر ازآنچه میکنید[۱]. ﴿۸٦﴾ ایشان آنکسانندکه زندگانی دنیارا به عوض آخرت خریدند پس ازایشان عذاب سبك کرده نشود ونه ایشان یاری داده شوند. ﴿۸۷﴾ وبه درستیکه موسی را کتاب دادیم وبعد ازاو پیامبران را درپی درآوردیم، عیسیٰ پسر مریم رانشانه های روشن دادیم اورا بروح القدس ـ یعنی جبرئیل ـ قوّت دادیم آیاهرگاه آورد پیامبری نزدشماآنچه دوست ندارد نفسهای شما سرکشی کردید؟ پس گروهی را دروغگوداشتید وگروهی راکشتید. ﴿۸۸﴾ وگفتند[۲] دلهای مادرپرده است، بلکه خدا ایشان را به سبب کفر ایشان نفرین کرده است پس اندکی ایمان می آورند.

---

(۱) یعنی منع کرده شدند از کشتن وجلاوطن کردن ودرظلم مدد کاری نمودن وفرموده شدند به فدا اسیران وایشان ازین همه احکام به فدای اسیران عمل کردند وبس زیراکه موافق نفس ایشان افتاد واین طاعت نفس است طاعت خدا نیست.

(۲) مترجم گوید ودیگراز قبائح یهود آن بود که میگفتند قلوبنا غلف یعنی دردین خود آنقدر استحکام داریم که هیچ شبهه بدان راه نمی یابدواین خطااست که سبب قبول نکردن دین اسلام حسد وجهل بود نه تقوی زیراکه آثارِ تقویٰ هیچگاه ازایشان ظاهر نمی شدواشارت بهمین معنی است درین آیات.

﴿۸۹﴾ وآنگاه که آمدبه ایشان کتابي[۱] ازنزد خدا باور کنندهٔ آنچه با ایشان است و پیش ازین طلب فتح می کردند برمشرکان پس چون آمد به ایشان آنچه میدانستند منکر آن شدند پس لعنت خدا بر کافران باد[۲]. ﴿۹۰﴾ بدچیز است آنچه به عوض وی خویشتن را فروختند که کافرشوند به آنچه خدا فرودآورده است به سبب حسد برآنکه فرودآورد خدا از فضل خویش برهرکه خواهد ازبند گان خود پس بخشمی بالای خشمی بازگشتند وبرای کافران عذاب خوار کننده است. ﴿۹۱﴾ وچون به ایشان گفته شود ایمان آورید به آنچه خدا فرود آورده است گویند ایمان می آوریم به آنچه برما فرود آورده شد وایشان کافرمی شوند به آنچه غیراز آن است حال آنکه او راست است تصدیق کننده آنچه با ایشان است بگو پس پیش ازین پیامبران خدارا چرامی کشتید اگر شمامؤمن بودید. ﴿۹۲﴾ وهرآئینه موسیٰ به نشانه های روشن به شما آمد پس گوساله را پس ازوی (به پرستش) گرفتید وشما ستمکار بودید. ﴿۹۳﴾ وآنگاه که پیمان شمارا گرفتیم وبالای شما (کوه) طور را برداشتیم گفتیم به قوت بگیرید آنچه راکه به شمادادیم و بشنوید ـ گفتند[۳] شنیدیم ونافرمانی کردیم ودردلهای ایشان دوستی گوساله ـ به سبب کافر بودن ایشان ـ آمیخته کرده شد بگو بد چیزی است آنچه شماراایمان شما به آن امر میفرماید اگرازاهل ایمان هستید.

---

(۱) یعنی قرآن.

(۲) تعریض است به آن قصه که یهود خیبر باغطفان جنگ میکردند و هزیمت می یافتند آخردعا کردند که به بعثت نبی آخرالزمان مارانصرت بده.

(۳) یعنی بزبان حال.

﴿۹۴﴾ بگو[۱] اگر سرای بازپسین نزد خدا مخصوص شما است غیر ازمردمان دیگر پس مرگ را آرزو کنید اگر راست گو هستید. ﴿۹۵﴾ وهرگزآرزونکنند آن را هیچگاه به سبب آنچه دستهای ایشان پیش فرستاده است وخدا به ستمکاران دانااست. ﴿۹۶﴾ والبته ایشان را حریص ترین مردم بر زندگانی بیابی وحریص تر ازآنانکه مشرك اند، دوست میداردیکی ازایشان که کاش ـ عمر هزارسال داده شود ونیست رهانندهٔ وی ازعذاب آنکه عمر داده شود وخدا بینااست به آنچه می کنند[۲]. ﴿۹۷﴾ بگو[۳] هر کس که دشمن جبرئیل باشد (چه زیان می کند) پس به تحقیق جبرئیل فرود آورده است قرآن رابردل تو به حکم خدا، تصدیق کننده آنچه پیش ازآن است ورهنما ومژده دهندهٔ به اهل ایمان است. ﴿۹۸﴾ هرکس که دشمن خدا وفرشتگانش و پیامبران او و جبرئیل ومیکائیل باشد پس هرآئینه خدا دشمن کافران است. ﴿۹۹﴾ وبه راستی برای تو نشانه های روشن فرود آوردیم وکافر نمی شوند به آنهامگر بدکاران. ﴿۱۰۰﴾ آیاهرگاه که پیمانی را بستند برانداخت آن را گروهی ازایشان بلکه اکثر ایشان باورنمی دارند. ﴿۱۰۱﴾ وهرگاه که به ایشان پیامبری ازنزدخدا، تصدیق کننده آنچه با ایشان است آمد، گروهی ازآن قوم که کتاب داده شده اند کتاب خدارا پس پشت خویش انداختند، گویا آنان نمی دانند.

(۱) دیگراز تحریفات یهود آن بود که میگفتند که داخل نخواهد شددر بهشت هیچکس مگر یهودو این خطااست زیراکه علامت بهشتیان مشتاق شدن بملاقاتِ خدااست وایشان ازمرگ هراسان بودند واشارت بهمین معنی است درین آیت.

(۲) دیگراز جمله هفوه یهود کلام بیهوده وهرچه ازدهن برآید، گفتن است.

(۳) دیگر ازهفوات یهود آن بود که جبرئیل را دشمن میداشتند که عذاب برامم سابقه فرود آورده این خطااست که جبرئیل مامور است ازبارگاه حق عزوجل ویراچه اختیار!.

﴿۱۰۲﴾ آنچه راکه شیطانها درسلطنت سلیمان می خواندند پیروی کردند[۱] ـ وسلیمان کافرنشد ولیکن شیطانها کافر شدند مردمان را جادو می آموختند وپیروی کردند از آنچه فرود آورده شد بردوفرشته دربابل هاروت وماروت و (آنان) نمی آموختند هیچ کس را تاآنکه گویند جزاین نیست که مابلاییم پس کافرمشو، پس از آن دو افسونی یادمی گیرند که جدایی می افکندند به سبب آن درمیان مرد و زن او وایشان زیان رساننده نیستند به سحر هیچکس را مگر باراده ٔخدا وایشان آنچه زیان میرسانید ایشانرا می آموختند وایشان را سود ندهد وهرآئینه دانسته اند هرکه بستاند جادو اورا درآخرت هیچ بهره ای نیست وهرآئینه بد چیزست آنچه به عوض آن خویشتن را فروختند، کاش می دانستند. ﴿۱۰۳﴾ وا گرایشان ایمان می آوردند و تقوی اختیار می کردند به یقین ثوابی که ازنزد خدا (به آنان می رسد) بهتر بودی اگر می دانستند. ﴿۱۰٤﴾ ای مومنان مگویید راعنا و بگویید انظرنا ونیك بشنوید و کافران را عذاب دردناك است[۲]. ﴿۱۰۵﴾ نه آنانکه کافرشدند از اهل کتاب ونه مشرکان دوست نمیدارند که برشما هیچ نیکی از پروردگارشما فرود آورده شود وخدا مخصوص می کند به بخشایش خود هرکه راخواهد وخدا صاحب فضل بزرگ است.

---

(۱) دیگراز هفوات یهود آن بود که سحر میکر دند وسلیمان علیه السلام راساحر می دانستند این افترابود بر سلیمان علیه السلام و اشارت بهمین معنی است درین آیت.

(۲) دیگر از هفوات یهود آن بود که در مجلس پیامبر آمده لفظ راعنامی گفتند واین لفظ را دو معنی است یکی آنکه رعایتکن مارا وشفقت کن برما دیگر رعونت دارنده یعنی ابله ـ وقصد ایشان سبِّ بود حق سبحانه مسلمانان را ازین کلمه نهی کرد برای سدّباب فساد ودرین آیت اشارت بهمین معنی است.

﴿۱۰۶﴾ هرچه نسخ می کنیم ازآیه ای یا فراموش می گردانیم آنرا بهتر ازآن می آوریم یا مانند آن آیا ندانسته‌ای که خدا برهمه چیز تواناست[۱]. ﴿۱۰۷﴾ آیاندانسته ای که پادشاهی آسمانها وزمین برای خدااست وشمارا غیرازاو هیچ دوستی نیست ونه یاوری. ﴿۱۰۸﴾ آیامی خواهید که پیامبر خودرا سوال کنید چنانکه موسی پیش ازین سوال کرده شد وهرکه بستاند کفررا به عوض ایمان پس هرآئینه راه راست را گم کرد. ﴿۱۰۹﴾ بسیاری ازاهل کتاب دوست داشتند که شمارا بعد ازایمانتان کافر گردانند ـ ازروی حسدی که در نفسهایشان بود ـ بعد ازآنکه حق برایشان واضح شد پس عفو کنید ودرگذرید تاآنکه خدا فرمان خودرا بیاورد[۲] هرآئینه خدا برهمه چیز تواناست. ﴿۱۱۰﴾ ونمازرا برپا دارید وزکوٰة را بدهید وآنچه پیش می فرستید برای خویشتن ازنیکوکاری آنرا نزد خدا خواهیدیافت هرآئینه خدا به آنچه می کنید بیناست. ﴿۱۱۱﴾ وگفتند هرگز به بهشت درنیاید مگرآنکه یهود یا ترسا باشد این آرزوهای باطله ایشانست بگو دلیل خودرا بیاورید اگر راست‌گو هستید. ﴿۱۱۲﴾ بلی! هرکه روی خودرا برای خدا تسلیم کند ووی نیکوکار باشد پس اوراست پاداش او نزد پروردگارش، ونیست ترسي برایشان ونه ایشان اندوهگین شوند.

(۱) مترجم گوید درین آیت تعریض است بجواب یهود که انکار نسخ می کردند والله اعلم.
(۲) یعنی امرکند به جهاد ایشان والله اعلم.

﴿۱۱۳﴾ وگفتند[۱]یهود ترسایان برهیچ چیزی نیستند، وگفتند ترسایان یهود برهیچ چیزی نیستند حال آنکه همه ایشان کتاب را می خوانند هم چنین گفتند آنانکه نمی دانند[۲]مانند قول ایشان، پس خدا میان ایشان روزقیامت درآنچه اختلاف می کردند درآن حکم می کند. ﴿۱۱٤﴾ وکیست ستمکارتر ازآنکه منع کرد مسجد های خدارا ازآن که یاد کرده شود نام خدا درآنها ودر ویرانی آنها کوشش کرد، این گروه را نمی سزد که درآیند به مسجدها مگر هراسان، برای ایشان دردنیا خواری است وبرای ایشان در آخرت عذابی بزرگ است[۳]. ﴿۱۱٥﴾ ومشرق و مغرب ازآنِ خدا است هرسوکه روآورید همانجاست روی خدا هرآئینه خدا فراخ نعمت داناست[٤]. ﴿۱۱٦﴾ وگفتند خدا فرزندی گرفت، پاکی او راست بلکه آنچه درآسمانها وزمین است برای اواست، همه فرمانبردار اوهستند[٥]. ﴿۱۱۷﴾ آفرینندهٔ آسمان ها وزمین است، وچون خواهد کاری را انجام دهد پس جزاین نیست که می گویدآن رابِشَوْ پس می شود. ﴿۱۱۸﴾ وگفتند آنانکه هیچ نمیدانند (یعنی مشرکان) چراباما خدا سخن نمی گوید یا به ما نشانه ای نمی آید؟ هم چنین گفتند کسانیکه پیش ازایشان بودند مانند قول ایشان دلهای ایشان بیکدیگر مشابهت دارند، به راستیکه نشانه هارا برای گروهی که یقین می کنند بیان کردیم. ﴿۱۱۹﴾ البته ما تورا به راستی مژده دهنده وبیم کننده فرستادیم، وتو از اهل دوزخ پُرسیده نخواهی شد.

---

(۱) دیگر از هفوات اهل کتاب آن بود که هر فرقه ای از یهود و نصاریٰ دیگری را انکارمی کردو در این آیت اشارت به همین معنی است.

(۲) یعنی مشرکان گفتند.

(۳) درین آیه تعریض آست به کفارمکه و بشارت است به مغلوب شدن ایشان والله اعلم.

(٤) دیگر ازهفوات یهود آن بود که چون استقبال بیت المقدس منسوخ شد استهزاء میکردند در این آیت اشاره بهمین معنی است.

(٥) دیگر ازهفوات اهل کتاب آن بود که یهود عزیر راو نصاریٰ عیسیٰ را پسر خدا می گفتند دررّد ایشان خدای تعالی این آیت را نازل فرمود.

﴿۱۲۰﴾ وهرگز یهودیان ازتو خوشنود نمی شوند ونه ترسایان، تاآنکه دین ایشان را پیروی کنی بگو یقینا هدایت خدا همانست هدایت واگر آرزوهای باطلهٔ ایشان را پس ازآنچه که آمده است به تو ازدانش پیروی کردی، تورا برای خلاصی ازعذاب خدا هیچ دوستی نباشد ونه یاری دهنده ای. ﴿۱۲۱﴾ آنانکه ایشان را کتاب دادیم (یعنی تورات) آنرا حق خواندن آن میخوانند، ایشان آنرا (هدایت خدارا) باور میدارند وهرکه منکر وی باشد پس ایشانند زیان کاران[1]. ﴿۱۲۲﴾ ای بنی اسرائیل آن نعمت مرا که انعام کرده ام برشما یادکنید وآنکه شمارا بر همه عالمها فضل دادم. ﴿۱۲۳﴾ وبترسید ازآن روزی که کسی ازکسی چیزیرا کفایت نکند ازکسی تاوانی پذیرفته نشود اورا شفاعت سود ندهد ونه ایشان یاری داده شوند[2]. ﴿۱۲٤﴾ ویادکن چون پروردگار ابراهیم او را بسخنی چند بیازمود، پس ابراهیم آنهارا به انجام رسانید، خدا گفت هرآئینه من تورا پیشوای مردمان می گردانم گفت ابراهیم واز فرزندان من نیز (پیشوایان پیداکن ـ) فرمود عهد (وحی) من به ظالمان نمی رسد. ﴿۱۲٥﴾ وآنگاه که کعبه را مرجع مردمان ومحل امن قرار دادیم وازجای قدم (ایستگاه) ابراهیم نمازگاه بگیرید وبه سوی ابراهیم و اسمعیل وحی فرستادیم که خانه مرا برای طواف کنندگان واعتکاف کنند گان ورکوع کنند گانِ سجده کننده پاك سازید. ﴿۱۲٦﴾ وآنگاه که ابراهیم گفت ای پروردگار من این مکان را شهر باامن بساز وساکنان آن راازمیوه ها روزی ده کسانی را که به خدا وروز بازپسین ازایشان ایمان آورد، خدا فرمود و کسیکه کافر شود اندکی بهره مند گردانمش سپس اورا به سوی عذاب آتش به بیچارگی برانم وآن بدجای بازگشتی است.

(۱) یعنی آنانکه تورات رامی فهمند تصدیق شریعت محمدیه را میکنند وآنانکه تصدیق نمی کنند تورات را نمی فهمند.

(۲) مترجم گوید ازین جا تاسیقول السفهاء خدای تعالی نبوت پیامبرمارا صلی الله علیه وسلم اثبات می فرماید ازقصه دعاء حضرت ابراهیم که در تورات مذکوراست و ترجیح میدهد ملت حنیفیه را که حضرت پیامبر برای آن مبعوث اندوردّ میکند قول یهود را که حضرت یعقوب مارابه یهودیت وصیت کرده است واز تفریق دربین انبیاء نهی میفرمایدیعنی معتقد بعضی باشد ومنکر بعضی.

﴿۱۲۷﴾ آنگاه که ابراهیم واسمعیل بنیادهای خانه را بلندمی کردند گفتند ای پروردگار ما
ازما قبول کن هرآئینه تویی شنوای دانا. ﴿۱۲۸﴾ ای پروردگارما مارا فرمان بردارخودت
بگردان و از فرزندان ما (نیز) امتی را فرمانبردار خود (قرارده) وراههای عبادت مارا به ما
نشان بده و توبه مارا بپذیر به درستیکه تویی توبه پذیر مهربان. ﴿۱۲۹﴾ ای پروردگار ما از
میان ایشان پیامبری ازایشان بفرست که بخواند برایشان آیتهای تورا وایشان را کتاب و علم
بیاموزد وایشان را پاك کند هرآئینه تویی توانای دانا. ﴿۱۳۰﴾ وکیست که از کیش ابراهیم
روی بگرداند مگرآنکه نفس خودرا در احمقی ا فگند به راستی که اورا درین سرای
برگزیدیم و البته او درسرای دیگر ازشایستگان است. ﴿۱۳۱﴾ آنگاه که پروردگارش اورا
گفت که تسلیم شو گفت برای پروردگار عالمها تسلیم شدم. ﴿۱۳۲﴾ ابراهیم پسران
خودرا به آن (فرمانبر داری خدا) سفارش کرد و یعقوب نیز فرزندانش را، ای فرزندان من
هرآئینه خدا این دین را برای شما برگزیده است پس (ازین جهان) مگر مسلمان شده
نمیرید. ﴿۱۳۳﴾ آیا حاضر بودید هنگامی که یعقوب را موت پیش آمد آنگاه که گفت
فرزندان خودرا چه چیزی را عبادت خواهید کرد بعدازمن گفتند معبودتورا و معبود پدران
تورا که ابراهیم و اسمعیل واسحق اند عبادت کنیم آن معبود یگانه را عبادت کنیم وما
تسلیم اوهستیم. ﴿۱۳۴﴾ این امّتی است که درگذشت وی راست آنچه کسب کردند
وشمارا است آنچه کسب کردید وشماپرسیده نخواهید شد ازآنچه (آنان) می کردند.

﴿۱۳۵﴾ وگفتند یهودی شویدیا نصرانی تا هدایت شوید، بگو بلکه ملت ابراهیم را که حنیف بود ونبود ازاهل شرك پیروی می کنیم. ﴿۱۳۶﴾ بگویید ایمان آوردیم به خدا وبه آنچه فرود آورده شده به سوی ماو آنچه فرود آورده شده به سوی ابراهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب و نوادگانِ یعقوب وبه آنچه موسیٰ و عیسیٰ داده شد وآنچه پیامبران از پروردگارشان داده شدند درمیان هیچ کس ازایشان فرق نمی گذاریم وما برای حق عز وجل فرمان برداریم. ﴿۱۳۷﴾ پس اگر اهل کتاب به آنچه شما به آن ایمان داریدایمان آورند پس راه یافتند واگر برگشتند پس جزاین نیست که ایشان در مخالفت اند پس زود باشد که تورا خدا به گرفتنِ انتقام از ایشان کفایت کند واو شنوای دانا است. ﴿۱۳۸﴾ قبول کردیم رنگ خدارا[1] وکیست ازخدا بهتر به اعتبار رنگ (دین فطرت) وما اورا عبادت کنند گانیم. ﴿۱۳۹﴾ بگو آیا با ما دربارهٔ خدا مکابره می کنید حال آنکه او پروردگار ماوشماست وماراست کردارهای ما وشما راست کردارهای شما وما برای او (درعبادت) اخلاص می ورزیم. ﴿۱۴۰﴾ آیامی گویید که هرآئینه ابراهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب ونوادگان او یهود بودند یا ترسا بودند بگو شما داناترید یا خدا وکیست ستمکارتراز آنکه آن گواهی را که نزدیك اوست ازجانب خدا بپوشد وخدا از آنچه می کنید بی خبر نیست. ﴿۱۴۱﴾ این امّتی است که درگذشت، ویراست آنچه کسب کردند وشماراست آنچه شماکسب کردید وپرسیده نخواهید شد ازآنچه ایشان می کردند.

---

(۱) یعنی دین اورا.

﴿١٤٢﴾ [١]بیخردان ازمردم خواهند گفت چه چیز ایشان را ازآن قبله ای که ایشان برآن بودند برگردانید (یعنی از بیت المقدس) بگو مشرق ومغرب برای خدا است هرکه را خو اهد به سوی راه راست راه می نماید. ﴿١٤٣﴾ وهم چنین گردانیدیم شمارا امّتی (مختار) میانه تا برمردمان گواه باشید وتا رسول برشما گواه باشد ومقرر نکردیم آن قبله راکه بودی برآن (یعنی بیت المقدس را) مگر برای آنکه معلوم بداریم کسی را که پیروی پیامبر کند جداازآن کس که برهردوپاشنه خود بازگردد (یعنی پیروی نکند) وهرآئینه این خصلت دشوار است مگر برآنانکه ایشانرا خدا راه نموده است وخدا ایمان تان را ضائع نمی سازد بی گمان خدا به مردمان بخشایندهٔ مهربان است. ﴿١٤٤﴾ به تحقیق مامی بینیم گشتن روی تورا درجانب آسمان (گاه به گاه)[٢] پس البته تورا به آن قبله ای که خوشنود شوی به آن متوجه گردانیم پس متوجه گردان روی خودرا بطرف مسجد حرام وهرجاکه باشید پس روهای خویش را به سوی آن متوجه گردانید وهرآئینه أهل کتاب میدانند که این ازپروردگار ایشان راست است وخدا ازآنچه می کنند بی خبر نیست. ﴿١٤٥﴾ البته اگر پیش اهل کتاب هرنشانه ای بیاری هرگز قبله تورا پیروی نکنند وتو قبلهٔ ایشان را پیروی کننده نیستی ونیستند بعضی ایشان قبله بعض دیگررا پیروی کننده واگر تو خواهش‌های نفسانی ایشان را بعد از آنچه که بتو آمده است ازدانش پیروی کنی هرآئینه آنگاه تو ازستمکاران باشی.

---

(١) چون آن حضرت صلی الله علیه وسلم به مدینه هجرت فرمود شانزده ماه یاهفده ماه به طرف بیت المقدس نمازمی گزارد آرزو میکردکه خدای تعالی کعبه را قبله وی سازد خدای تعالی نازل ﴿قَدْنَرَىٰ تَقَلُّبَ وَجْهِكَ﴾ الآیة بعد ازآن جواب شبهه سفهادرین مسئله نازل کرد سیقول السفهاء وبعد ازآن امر فرمود به صبر بر مشاق جهاد ودر بسیاری ازاحکام توحید وقصاص و حج و صوم وصدقه ونکاح و طلاق که اهل جاهلیت تحریف کرده بودند یا رعایت انصاف نمی کردند بیان حقیقت حال فرمود و ردّ وابطال شبهات مخالفین را کرد و سوال های ایشانراجواب داد واین سیاق ممتد است تا ﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ خَرَجُواْ﴾ والله أعلم.

(٢) یعنی آنچه در سابق علم الهی مقرر شد آنست که قبله امت محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم کعبه باشد وتوجه به بیت المقدس چند مدتی بنابر حکمت امتحان است.

﴿۱٤٦﴾ کسانیکه ایشان را کتاب داده ایم ویرامی شناسند(*) چنانکه فرزندان خویش را می شناسند البته گروهی ازایشان حق را دانسته می پوشند(۱). ﴿۱٤۷﴾ این ازپروردگار تو درست است پس ازشك آورند گان مباش. ﴿۱٤۸﴾ وهر کسی را جهتی هست که به آن رو می آورد پس شتاب کنید به سوی نیکی‌ها هر کجا باشید همه شمارا خدا خواهد آورد یقینا خدا برهمه چیز تواناست. ﴿۱٤۹﴾ واز هرجا که برآیی پس روی خودرا به سوی مسجد حرام به گردان وهرآئینه وی ازپروردگار تو راست است ونیست خدا بی خبر ازآنچه می کنید. ﴿۱۵۰﴾ واز هرجاکه برآیی پس متوجه کن روی خودرا به سوی مسجد حرام وهرجاکه باشید پس بگردانید روی های خویش را به سوی آن تا مردمان را الزام برشما نباشد مگر آنانکه ستم کردندازین جماعت پس از ایشان مترسید وازمن بترسید وتا نعمت خودرا برشما تمام کنم وتا باشد که راه یابید(۲). ﴿۱۵۱﴾ چنانکه پیامبری را درمیان شماازقوم شما فرستادیم آیت های مارا برشما میخواند شمارا پاك می سازد وشمارا کتاب وحکمت می آموزد وشمارا آنچه که نمی دانستید می آموزد. ﴿۱۵۲﴾ پس مرا یادکنید تا که شمارا یادکنم وسپاس من گویید وناسپاسی من مکنید. ﴿۱۵۳﴾ ای مسلمانان در تحصیل ثواب آخرت به صبر ونماز مددجویید وهرآئینه خدا باصابران است.

(*) بعض علماء از ضمیر «یَعرِفُونَهٗ» پیامبر را مراد گرفته اند والله اعلم (مصحح).

(۱) یعنی حقیقت استقبال کعبه را.

(۲) مترجم گوید در تورات مذکور است که امتی از بنی اسرائیل پیدا خواهد شد که تعظیم کعبه کند پس توجه آن حضرت صلی الله علیه وسلم به کعبه حجت باهره است برصدق نبوت آن حضرت صلی الله علیه وسلم نزد احبار یهود اگرچه سفهاء یهود طعن کنند که قبله انبیاء را گذاشت والله اعلم فتح الرحمٰن.

﴿۱۵٤﴾ وکسانی را که درراه خدا کشته می شوند مگویید که ایشان مرده اند بلکه ایشان زنده‌اند ولیکن شما درك نمی کنید. ﴿۱۵۵﴾ والبته شمارا به چیزی ازترس وگرسنگی ونقصانِ مال‌ها وجان‌ها ومیوه‌ها بیازماییم وصابران را بشارت ده. ﴿۱۵٦﴾ آنانکه چون برسد بدیشان سختی گویند هرآئینه ما ازآنِ خداییم وهرآئینه ما به سوی وی بازخواهیم گردید. ﴿۱۵۷﴾ اینانندکه برایشان است درودها از پروردگار ایشان وبخشایش وایشانند راه یافتگان. ﴿۱۵۸﴾ هرآئینه صفا ومروه از شعائر (نشانه های) خدا است پس هرکس که حج خانه (خدا) کند یا عمره به جا آورد پس گناهی بروی نیست درآنکه طواف (سعی) کند درمیان این هر دو[۱] وهرکه نیکی به جا آورد پس خدا قدردان دانا است. ﴿۱۵۹﴾ هرآئینه آنانکه می پوشند آنچه راکه فرود آورده ایم ازسخنان روشن وهدایت بعد ازآنکه بیان کردیم آنرا برای مردمان درکتاب اینانندکه لعنت می کند ایشان را خدا ولعنت میکنند ایشانرا لعنت کنند گان. ﴿۱٦۰﴾ مگر کسانیکه توبه کردند ونیکوکاری پیش گرفتند وبیان کردند پس اینانندکه (به مهربانی) توبه ایشان را می پذیرم ومنم توبه پذیر مهربان. ﴿۱٦۱﴾ هرآئینه آنانکه کافرشدند ومردند درحالیکه کافربودند اینانندکه لعنت خدا وفرشتگان ومردمان ـ همگی ـ برایشان است. ﴿۱٦۲﴾ درآن لعنت همیشه باشند ازایشان عذاب سبك کرده نشود ونه ایشان مهلت داده شوند. ﴿۱٦۳﴾ ومعبود شما خدا یگانه است هیچ معبود برحقی جز او نیست، بخشاینده مهربان است.

---

(۱) بعضی از اهل اسلام صفاومروه را ازشعائر جاهلیت گمان کرده ازآن دست بازداشتند ـ زیراکه درجاهلیت بالای صفا ومروه دوبت عبادت می شد ـ پس این آیه نازل شد.

﴿۱٦٤﴾ به راستیکه در آفرینش آسمانها و زمین وآمدورفت شب و روز و آن کشتی ای که میرود در دریا به آنچه سود میدهد مردم را (یعنی به تجارت) ودرآنکه فرود آورد خدا ازآسمان آب پس به آن زمین را پس ازمردن آن زنده ساخت و پراکنده ساخت در زمین از هر نوع جنبنده ای و درگردانیدنِ بادها ودر ابر رام کرده شده میانِ آسمان و زمین البته نشانه ها است برای قومی که درمی یابند. ﴿۱٦٥﴾ وازمردمان کسی هست که غیراز خدا همتایان را مي گیرد، ایشان را دوست میدارند مانند دوستی خدا وکسانیکه ایمان آورده اند در دوستی خدا قوی تراند واگر ببینند ستمکاران هنگامیکه مشاهده کنند عذاب را (می فهمند) اینکه قدرت وتوانایی همه برای خدا است واینکه خدا صاحب عقوبتی سخت است. ﴿۱٦٦﴾ هنگامی که پیشوایانِ کفر ازتابعان بیزار شوند وعذاب را بینند ونسبت به ایشان همه پیوندها (یعنی وسیلها) بریده شود. ﴿۱٦٧﴾ وگویند پیروی کنندگان کاش مارا باز گشتی باشد تا ازآن پیشوایان بیزاری کنیم چنانکه ایشان ازما بیزار شدند، هم چنین خدا در نظر ایشان کردارهای ایشانرا پشیمانی ها برایشان بنماید وایشان از دوزخ بیرون آیند گان نیستند. ﴿۱٦٨﴾ ای مردمان حلال پاکیزه را از آنچه در زمین است بخورید وگام های شیطان را پیروی مکنید هرآئینه او دشمن آشکار شما است[1]. ﴿۱٦٩﴾ جزاین نیست که (شیطان) شمارا به بدکاری وبی حیایی وبه آنکه افترا کنید برخدا آنچه راکه نمی دانید میفرماید.

(۱) مترجم گوید اهل جاهلیّت چیزهارا ازنزد خویش حرام ساخته بودند بحائر وسوائب خدای تعالی دررِدّایشان نازل کرد (فتح الرحمٰن).

﴿۱۷۰﴾ وچون ایشان را گفته شود پیروی کنید آنراکه خدا فرود آورد گویند بلکه پیروی می کنیم چیزیرا که یافته ایم برآن پدران خویش را آیا تقلید می کنند اگرچه پدران ایشان چیزی را نمی فهمیدند وراه نیافته باشند. ﴿۱۷۱﴾ ومثال کافران درنشنیدن پند پیامبر ودرك نکردن آن مانند حال کسی است که او آوازکند آنچه را که او (یعنی حیوانی که درك نکند) از آن آواز جزصدا و خواندان را نشنود ایشان کران وگنگان وکورانند پس ایشان هیچ نمی فهمند. ﴿۱۷۲﴾ ای مسلمانان ازپاکیزه‌های آنچه روزی دادیم شمارا بخورید وخدارا سپاس گویید اگر هستید اورامی پرستید. ﴿۱۷۳﴾ جزاین نیست که برشما مردار وخون وگوشت خوك را وآنچه راکه نام غیر خدا براوبرده شده است حرام کرده است پس هرکه مجبور شود نه تعدی کننده ونه ازحد درگذرنده پس بروی گناه نیست[۱] هرآئینه خدا آمرزنده مهربان است[۲]. ﴿۱۷٤﴾ به راستیکه کسانیکه می پوشند آنچه راکه خدا از کتاب فرود آورده است و به عوض آن بهای اندك را، می ستانند آن جماعت در شکم های خود مگر آتش را نمی خورند وخدا با ایشان روز قیامت سخن نگوید ونه ایشان را پاك کند وبرای ایشان عذاب دردناك است. ﴿۱۷٥﴾ ایشانند آنانکه گمراهی را به عوض هدایت وعذاب را به عوض آمرزش خرید کردند پس ایشان بردوزخ چقدر شکیبایند. ﴿۱۷٦﴾ این همه به سبب آنست که خدا کتاب را به راستی فرود آورد وهرآئینه آنانکه در کتاب اختلاف کردند البته در مخالفت از صواب دوراند.

(۱) یعنی درخوردن آن چیزها.

(۲) مترجم گوید که اگرگوئی که درین آیت تحریم را حصر کرده شد در اشیاء مذکوره حال آنکه درحدیث سباع وحمار و مانند آن را نیز حرام شمرده است پس وجه تطبیق چه باشد؟ گویم حصر اضافی است به نسبت بحائرو سوائب که حرام می دانستند پس دربهیمة الانعام هیچ چیز حرام نیست غیر از اشیاء مذکوره ودر خبائث وسباع ومانند آن سخن نه داشتند والله اعلم.

﴿۱۷۷﴾ نیست نیکوکاری آنکه روی خودرا به طرف مشرق ومغرب[۱] بگردانید ولیکن صاحب نیکوکاری آنست[۲] که به خدا وروز قیامت وفرشتگان وکتاب وپیامبران ایمان آورد ومال را باوجود دوست داشتن آن (مال) به خویشاوندان ویتیمان وفقیران ومسافران وسوال کنند گان را بدهد وخرج کند در (آزاد کردن) برده ها[۳] ونمازرا برپادارد وزکوٰة را بدهد ووفا کنندگان بر عهد خویش چون عهد کنند وصبر کنند گان درتنگ دستی وسختی وبه وقت کارزار ایشانند راست گو وایشانند پرهیز گاران. ﴿۱۷۸﴾ ای مسلمانان برشما قصاص درکشتگان لازم کرده شد[٤] آزاد درمقابله آزاد[٥] وبنده در مقابلهٔ بنده وزن در مقابلهٔ زن است پس کسی که از او چیزی را ازخون برادرش درگذاشته شد[٦] پس حکم او به نیکویی پیروی کردن است[۷] ورسانیدن خون بهاست به وی به خوش خوئی[۸] این حکم تخفیف ومهربانی ازپروردگار تان است پس هرکه ازحد بعد ازاین تجاوزکند برای او عذاب دردناك است. ﴿۱۷۹﴾ وبرایتان قصاص (مایهٔ) زندگانی است ای صاحبان خرد تاباشیدکه پرهیزکاری کنید[۹]. ﴿۱۸۰﴾ لازم کرده شد برشما وقتیکه پیش آید کسی را ازشماموت اگر مال بگذارد وصیت کردن برای پدرومادر ونزدیکان به نیکویی این کار برمتقیان لازم شد. ﴿۱۸۱﴾ پس هرکه تغییر داد وصیت را بعدازآنکه شنیدش پس جزاین نیست که گناهِ تبدیل برآنکسان است که تغییر می دهند آن وصیت را هرآئینه خدا شنوای داناست.

---

(۱) یعنی توجه به جهت مشرق ومغرب چنانکه یهود ونصاریٰ گمان می کنند نیکوکاری نیست بلکه منسوخ شده است.

(۲) یعنی صاحب آن نیکوکاری که ملتهادرآن اختلاف ندارند فتح.

(۳) یعنی درآزادی یا خلاصی بندگان مکاتب.

(٤) یعنی اعتبار مماثلث درکشتگان.

(٥) یعنی مثل اوست درحکم.

(٦) یعنی چیزی ازخون مسلمان مقتول.

(۷) یعنی ولي دم به حسن معامله مطالبه کند نه به درشتی.

(۸) یعنی قاتل به خوش‌خوئی ادانماید نه به صعوبت.

(۹) اهل جاهلیت شریف را در مقابله وضیع نمیکشتند ودر مقابله شریف چند کس ازوضیع میکشتند خدای تعالی نازل فرمودکه حکم الهی به اعتبار مماثلت است دراجناس کشتگان به این معنی که احراررا حکم جداست که هرحرمثل حر دیگر است درآن حکم وعبید را حکم جداست که هر عبد مثل عبد دیگر است درآن حکم و زنانرا حکم جداست که هرزن مثل زن دیگرست درآن حکم وامتیاز زنان است حکم درباب دیات نه در باب قود یعنی قصاص پس هر فردی ازین اجناس مساوی است بافرد دیگر هرچند بعضی شریف باشد و بعضی وضیع و بعضی جمیل وبعضی ذمیم بعضی مالدار و بعضی فقیر وسنت زیاده کرده است دوجنس دیگر مسلمان در مقابله مسلمان است و کافر در مقابله کافر پس اگر بعض ورثه عفوکنند یا ازکشتن گذشته خون بها قبول نمایند ولی دم را باید که به حسن معامله مطالبه کند نه بدرشتی و قاتل را باید که به خوشخوئی اداکند نه به بدخوئی.

﴿۱۸۲﴾ پس هرکه ترسیدکه اجراء وصیت موجب ظلم یا گناهي شودواز عمل به آن خود داري کرد ودرمیان ایشان صلاح آورد پس بروی هیچ گناهی نیست هرآئینه خدا آمرزنده مهربان است[۱]. ﴿۱۸۳﴾ ای کسانیکه ایمان آورده‌اید برشما روزه داشتن لازم کرده شد چنانچه برکسانیکه پیش ازشمابودند لازم کرده شد تاباشدکه پرهیزگاری کنید. ﴿۱۸٤﴾ روزه داشتن چند روز شمرده شده پس هرکه ازشما بیمار یا مسافر باشد پس شمار آن ازروزهای دیگر لازم است وبرآنانکه میتوانند روزه داشتن (یعنی ونمی دارند) فدیه[۲] که عبارت ازخوراك یك درویش است لازم است پس هرکه نیکی را بجا آورد نیکی را پس اورا آن بهتر است وآنکه روزه دارید برای شما بهتر است اگر شمامی‌دانید[۳]. ﴿۱۸٥﴾ ماه رمضان آن [ماهی] است که فرود آورده شد درآن قرآن رهنمائی برای مردمان وسخنان روشن ازهدایت وتشخیص حق از باطل پس هرکه دریابد ازشما آن ماه را پس البته آن را روزه دارد وهرکه بیمار یا مسافر باشد پس بروی شمار آنچه فوت شد از روزهای دیگر لازم است خدا برای شما آسانی میخواهد وبرای شما دشواری نمی خواهد ومیخواهد که شمار (روزهای روزه) را تمام کنید وبه بزرگی خدا را یاد کنید به شکر آنکه شمارا راه نمود وتاباشدکه شما شکرگزار شوید. ﴿۱۸٦﴾ وچون بندگانم از تو دربارهٔ من بپرسند (بگو) پس هرآئینه من نزدیکم دعای دعا کننده را وقتیکه دعا کندمرا قبول می کنم پس باید که فرمانبرداری من کنند وباید که به من بگروند تاباشد که راه یابند.

(۱) حکم وصیت منسوخ است به آیت مواریث.

(۲) مضمون این آیت تخییر است درصوم و فدیه این معنی منسوخ شد به آیتی که متصل می آید مترجم گوید شاید که معنی آیت چنین باشد که واجب است برآنانکه میتوانند داد فدیه را دادن فدیه که عبارت ازطعام یك درویش است مراد صدقه الفطراست و سنت آنرا مقدر کرد به یك صاع از خرما یانیم صاع از گندم [«مثلیکه مترجم قائل فرق است بین خرما وگندم بنا بر قول معاویة رضی الله عنه ولی در حدیث أبي سعید خدری که در صحیح بخاری است بخلاف این آمده چنانچه میگویدکه زمان پیغمر ـ صلی الله علیه وسلم ـ صدقه فطر را یك صاع از طعام ـ گندم ـ ویك صاع از خرما ویك صاع ازجو ویك صاع از کشمش أداء می کردیم صحیح بخاری (۳/ ۳۷۱ ـ ۳۷۲ مع الفتح ك: الزکاة، باب: صاع من زبیب ح ۵۰۵ و۵۰۸) مصحح]، پس آیت محکم باشدنه منسوخ و شاید که معنی آیت چنین باشد واجب است برآنانکه میتوانند قضا کردن یعنی وقضانکردند تاآنکه رمضان دیگر درآمد والله اعلم.

(۳) فدیه دادن که عبارت ازطعام یك مسکین است وآن مقدر است بیك مد واین حکم منقول است از قاسم وسعید بن جبیر وهمین است مذهب شافعی ودراین صورت نیز محکم است غیر منسوخ.

﴿۱۸۷﴾ برای شما درشبِ روزه مخالطت کردن بازنان خود حلال کرده شد ایشان بمنزلهٔ پوشش اند برای شما وشما به جای پوشش اید برای ایشان خدا می دانست که شما درحق خویشتن خیانت می کردید پس به مهربانی برشما باز گشت ودرگذشت ازشما پس الآن مخالطت کنید بازنان وطلب کنید آنچه خدا برای شما مقدر کرده است (یعنی اولاد) و بخورید وبنوشید تاآنکه روشن شود برای شما رشتهٔ سفید ازرشتهٔ سیاه (مراد از رشتهٔ سفید فجراست) پس ازآن روزه راتاشب تمام کنید وزنان را درحالیکه شما معتکف باشید درمسجدها مباشرت نکنید این‌ها حدود (منهیات) خدا است پس به آنها نزدیك نشوید همچنین خدا آیه های خود را برای مردمان بیان می‌کند تاپرهیزگاری کنند. ﴿۱۸۸﴾ واموال خویش را درمیانتان به ناحق مخورید ومرسانید اموال خود را به حاکمان (یعنی به رشوه دادن) تاپاره ای را از اموال مردم به گناه (به ستم) بخورید درحالیکه شما میدانید. ﴿۱۸۹﴾ تورا[1] ازماه ها می پرسند بگو این ها برای مردمان وبرای حج میعاداند[2] ونیست نیکوکاری آنکه درآیید درخانه ها (در حالت احرام) ازپس پشت آنها ولیکن صاحب نیکوکاری آنست که پرهیزگاری کند ودرخانه ها ازراه دروازه ها درآیید وازخدا بترسید تا باشد که شما رستگار شوید. ﴿۱۹۰﴾ وجنگ کنید درراه خدا باآن کسانیکه جنگ می کنندباشما وازحد مگذرید هرآئینه خدا ازحد گذشتگان را دوست نمی دارد.

---

(۱) مترجم گوید ظاهر نزدیك این بنده آن است که سوال کردند ازماههای حج که شوال وذی قعده ونه روز از ذی الحجه باشد که آیا حج موقت است به آنهایانه ویکی از تحریفات جاهلیت آن بود که درحالت احرام ازبالای دیوار جسته ویا از سوراخ دیوارگذشته به خانه می آمدند واز راه دروازه نمی آمدند پس این آیت نازل شد.

(۲) یعنی تامردمان احرام حج بندند در آنها فتح الرحمن.

﴿۱۹۱﴾ ومشركان را هرجاكه بيابيد ايشان را بكشيد وايشان را ازآنجا كه بيرون كردند شمارا (يعنى ازمكه) بيرون كنيد وغلبه شرك سخت تر است ازقتل[۱] وكارزار مكنيد باايشان نزديك مسجدحرام تاآنكه درآن جا باشما كارزار كنند پس اگر بجنگند باشما پس ايشان را بكشيد هم چنين سزاى كافران است. ﴿۱۹۲﴾ پس اگر بازماندند پس هرآئينه خدا آمرزندهٔ مهربان است. ﴿۱۹۳﴾ وبجنگيد باايشان تاآنكه نابود شود شرك و دين محض تنها براى خدا شود پس اگر باز ماندند[۲] پس روا نيست دست درازى مگر برستمكاران. ﴿۱۹٤﴾ ماه حرام به عوض ماه حرام است وحرمت شكنيهاداراى قصاص است پس هركه تجاوز كند برشما پس بروى تجاوز كنيد مانند تجاوز او برشما وازخدا بترسيد و بدانيد كه خدا باپرهيزكاران است[۳]. ﴿۱۹٥﴾ ودرراه خدا خرج كنيد وخويشتن را به سوى هلاكت ميفكنيد ونيكوكارى كنيد هرآئينه خدا نيكوكاران را دوست مى دارد. ﴿۱۹٦﴾ وحج و عمره را براى خدا تمام كنيد پس اگر بازداشته شويد پس آنچه سهل باشد ازقربانى لازم است و سرهاى خودرا تاآنكه قربانى بجايش برسد متراشيد[٤] پس هركه ازشما بيمار باشد يا اورا درسراو[٥] رنجى باشد پس لازم است عوض آن از روزه يا صدقه يا قربانى پس چون ايمن شديد پس هركه بهره‌ورشد به اداء عمره[٦] سپس به اداء حج (يعنى تمتع كرد يا قران) پس آنچه سهل باشد از قربانى لازم است پس هركه نيابد پس روزه داشتن سه روز دروقت حج لازم است وهفت روز وقتيكه بازگرديد ازسفر اين ده (روز) كامل است اين حكم آن راست كه خانواده وى باشندهٔ مسجد حرام نباشد وازخدا بترسيد وبدانيد به يقين كه خدا سخت عقوبت است[۷].

---

(۱) يعنى در مقابلهٔ او قتل جائز است.

(۲) يعنى از شرك.

(۳) حاصل اين آيات آنست كه درمسجد حرام ودر شهر حرام ابتداء به قتال نبايد كرد وچون كافران ابتدا كنند در مقابله ايشان بايد جنگ كرد كه اين معنى باحرمت مسجد وشهر نزاع ندارد چنانكه در ابتداء كشتن مسلمان درست نيست و اگر خون ناحق ريخته باشد به قصاص ميتوان كشت و فقهاء به آن سبب تصريح نكرده اند كه اقامت حربيان به مكه بعد فتح مكه بودنى نيست والله اعلم.

(٤) يعنى در حج رمى جمرة العقبه كنند به منى و در عمره از سعى بين الصفا والمروة فارغ شوند به مكه والله اعلم.

(٥) يعنى شپش بسيار داشته باشد و به اين سبب حلق كند پيش ازحلال شدن والله اعلم.

(٦) يعنى به امور ممنوعه احرام بهره‌ورشد.

(۷) درين آيت چند حكم مذكور شده است (وجوب) تمام حج و عمره بعد از شروع وحكم احصار وكفاره ارتكاب امور ممنوعه احرام به عذر مرض و ماهيت تمتع ووجوب قربانى برمتمتع والله اعلم.

﴿۱۹۷﴾ حج به ماه های دانسته شده محدوداست[۱] پس هر که برخود درین ماه‌هاحج را لازم کرد (یعنی احرام بست) پس مخالطت زنان جائز نیست ونه بدکاری ونه درحج باهم مشاجره کردن وهرچه می کنید ازنیکی آن را میداند ورَه‌توشه (باخود) همراه گیرید هرآئینه بهترین فوائد رَه‌توشه پرهیز گاری است (یعنی ازسوال و دزدی) وازمن بترسید ای صاحبان خرد. ﴿۱۹۸﴾ نیست بر شمار گناهی درآنکه درموسم حج روزی ازپروردگار خویش طلب کنید پس چون ازعرفات باز گردید پس خدارا به نزد مشعر الحرام (یعنی به مزدلفه) یادکنید وخدارا به شکر آنکه راه نموده است شمارا یاد کنید وهرآئینه پیش ازین از گمراهان بودید. ﴿۱۹۹﴾ پس بازگردیدازآنجا که (عموم) مردمان[۲] باز میگردند وازخدا آمرزش طلب کنید هرآئینه خدا آمرزنده مهربانست. ﴿۲۰۰﴾ پس چون ارکان حج خویش را به جا آوردید پس خدا را یاد کنید (یعنی درمنیٰ) مانند یاد کردن شما پدرانِ خویش را بلکه بیشتر یاد کردن پس ازمردمان کسی هست که می گوید ای پروردگارما مارا دردنیا نعمت بده ونیست اورا در آخرت هیچ نصیبی. ﴿۲۰۱﴾ وازمردمان کسی هست که می گوید ای پروردگارما بده مارا دردنیا نعمت ودرآخرت نعمت ومارا ازعذاب دوزخ محفوظ دار. ﴿۲۰۲﴾ ایناننده برایشان از ثواب آنچه به عمل آوردند بهره ای است (یعنی از ثواب آخرت) وخدا زود کنندهٔ حساب است.

---

(۱) یعنی شوال و ذیقعده و دَهِ ذی الحجه.

(۲) مترجم گوید یعنی از عرفات نه ازمزدلفه چناکه قریش تحریف کرده بودند والله اعلم.

﴿۲۰۳﴾ وخدارا درچند روز شمرده شده (یعنی ایام منیٰ) یاد کنید پس کسی که دردو روز (یعنی ازمنیٰ) شتاب کوچ کند پس گناه نیست بروی وآنکه دیرماند، پس بروی گناه نیست برای آنکس که پرهیزکاری کند و از خدا بترسید و بدانیدکه یقینا شما به سوی وی جمع آورده خواهیدشد[1]. ﴿۲۰٤﴾ و ازمردمان کسی هست که تورا سخن او بشگفت می آورد دربارهٔ زندگانی دنیا وخدا را برآنچه دردل ویست گواه می آورد حال آنکه او سخت ترین ستیزه جویان است. ﴿۲۰٥﴾ وچون درزمین ریاست پیداکند بشتابد تا درآن تباهی کند وزراعت ومواشی را نابود سازد وخدا تباه کاری را دوست نمی دارد. ﴿۲۰٦﴾ وچون اورا گفته شود ازخدا بترس تکبر حمل کندش برگناه پس کفایت کنندهٔ وی دوزخ است وهرآئینه وی بدجاییست. ﴿۲۰۷﴾ وازمردمان کسی هست که جان خویش را برای طلب رضامندی خدا میفروشد وخدا بر بند گان مهربان است. ﴿۲۰۸﴾ ای کسانیکه ایمان آورده اید همگی در اسلام درآیید وگامهای شیطان را پیروی مکنید هرآئینه او برای شما دشمن آشکار است. ﴿۲۰۹﴾ پس اگر لغزیدید بعد ازآنکه به شما سخنان روشن آمد پس بدانید که خدا غالب داناست. ﴿۲۱۰﴾ انتظار نمی کنند اهل عصیان مگر آن راکه خدا به ایشان در سایه بانهایی از ابر بیاید وفرشتگان بیایند وکار به انجام رسانیده شود و کارها به سوی خدا بازگردانیده میشوند.

(۱) مترجم می گوید بعد ازین خدای تعالی توضیح میفرماید حال کافران ومومنان را والله اعلم.

﴿۲۱۱﴾ از بنی اسرائیل بپرس ایشان را از نشانه های روشن چه قدر دادیم وهرکه نعمت خدارا تغییر دهد پس ازآنکه به سوی او بیاید (یعنی کفر پیش گیرد تانعمت مفقود گردد) پس هرآئینه خدا سخت عقوبت است. ﴿۲۱۲﴾ برای کافران زندگانی این جهان آراسته کرده شده است ومسخره می کنند به اهلِ ایمان وکسانیکه تقوی دارند روزقیامت بالائ ایشان باشند وخدا هرکه را می‌خواهد بی شمار (یعنی بسیار روزی) میدهد. ﴿۲۱۳﴾ مردمان یك امت[۱] بودند پس فرستاد خدای تعالی پیامبران را بشارت دهنده وبیم کننده وفرود آورد به ایشان کتاب به راستی تاحکم کند آن کتاب میان مردمان درآنچه اختلاف کردند درآن[۲] واختلاف نکردند درآن مگر کسانیکه داده شده به ایشان کتاب (یعنی امت دعوت) بعد ازآنکه به ایشان نشانه ها آمد ازجهت حسد درمیان خویش پس خدا مومنان را به آن حق که دروی به ارادهٔ خود اختلاف کردند راه نمود وخدا کسی را که می خواهد به سوی راه راست[۳] راه می نماید. ﴿۲۱٤﴾ آیا پنداشتید ای مردمان که درآیید به بهشت حال آنکه هنوز پیش نیامده است شمارا حالت آنانکه پیش ازشما گذشتند رسید به ایشان سختی و محنت و جنبانیده شدند تاآنکه می گفت پیامبر وکسانیکه به او ایمان آوردند یاری دادن خدا کی باشد آگاه شوید که هرآئینه یاری دادن خدا نزدیك است. ﴿۲۱۵﴾ تورا سوال می کنند که چه چیزرا خرج کنند بگو آنچه ازمال خرج کردید پس مادر و پدر و خویشاوندان و یتیمان و درویشان ومسافران را باید است وآنچه ازنیکی کنید پس هرآئینه خدا به آن داناست.

(۱) یعنی پیش از آمدن هرپیامبر متفق بودند بایك دیگر دردینِ او اختلاف نداشتند.
(۲) یعنی دراصول مختلف می شوند.
(۳) حاصل آنست که سُنة الله جاری شده است به آنکه بعد بعثت هر پیامبر درامت دعوت اختلاف واقع می شود پس ازآن تنگدل نبایدشد والله اعلم.

﴿۲۱٦﴾ برشما جنگ لازم کرده شد وآن برای شما دشواراست وشاید که شما چیزی را ناخوش دارید حال آنکه وی برای شما بهتر باشد وشاید که چیزی را دوست دارید حال آنکه وی برای شما بدباشد وخدا میداند وشمانمی دانید. ﴿۲۱۷﴾ تورا از جنگ کردن درماه حرام می پرسند[۱] بگو جنگ کردن درآن سخت کاری است و باز داشتن ازراه خدا وناگرویدن به خدا وباز داشتن از مسجد حرام وبیرون کردن اهل آن مسجد ازوی نزد خدا سخت تر است وفتنه انگیختن[۲] ازکشتن سختراست[۳] وهمیشه باشما جنگ می کنند تاآنکه شمارا ازدین شما (یعنی از اسلام) ا گر توانند بازگردانند وهرکس که ازشما ازدین خود برگردد پس کافر بمیرد آن گروه کارهای ایشان دردنیا وآخرت نابود شد وایشانند باشندگان دوزخ ایشان درآنجا جاویدند. ﴿۲۱۸﴾ هرآئینه آنانکه ایمان آوردند وآنانکه هجرت کردند ودر راه خدا جهاد نمودند آن گروه بخشایش خدا را امیدوارند وخدا آمرزندهٔ مهربان است. ﴿۲۱۹﴾ سوال می کنند تورا ازشراب و قمار بگو درین هردوگناه بزرگ است ومردمان را نفع ها است (یعنی دردنیا) وگناه این هر دو از نفع آنها[٤] بزرگ تر است و سوال می کنند تورا چه چیز خرج بکنند بگو زیاده را (ازنیاز)[٥] خرج کنید هم چنین خدا برای شما آیت ها را بیان می کند تاباشدکه شما تأمل کنید.

---

(۱) یعنی رجب، ذی القعده وذی الحجه ومحرم که در شریعت حضرت ابراهیم جنگ کردن درین ماه ها حرام بود پس سوال کردند در شریعت محمدیه حکم تحریم باقی مانده یانه؟ والله اعلم.

(۲) یعنی ترویج شرك.

(۳) حاصل جواب آنست که قتال کفار جائز است وتحریم قتالِ مسلمین مغلظه میشود والله اعلم.

(٤) یعنی حرام اندو به منافع التفات نبایدکرد والله اعلم.

(٥) یعنی ازحاجت ضروری.

﴿۲۲۰﴾ در (مصلحتِ) دنیا و آخرت وتورا از یتیمان سوال می کنند بگو به صلاح آوردن کار ایشان بهتر است[۱] واگر مشارکت کنید با ایشان پس ایشان برادران شمایند و خدا تباه کاررا از صلاح کار میداند و اگر خدا می خواست شمارا سخت می گرفت هرآئینه خدا غالب استوار کاراست. ﴿۲۲۱﴾ وزنان مشرك را همسر مگیرید تاآنکه ایمان آورند و هرآئینه کنیز مسلمان اززن مشرك بهتر است اگر چه شمارا به شگفت آورده باشد وبه همسری مشرکان را درنیاورید تاآنکه ایمان آورند (یعنی زنانِ مومنه را) و هرآئینه غلام مسلمان از مشرك بهتر است اگرچه شمارا[۲] به شگفت آورده باشد گروه مشرکان به سوی دوزخ می خوانند وخدا به سوی بهشت و به سوی آمرزش به قدرت خود می خواند وآیه های خودرا برای مردمان بیان می کند تاباشدکه آنان پند پذیر شوند. ﴿۲۲۲﴾ و تورا از حیض می پرسند بگو که آن نجاست است پس یکسو شوید اززنان درحال حیض وبه ایشان نزدیکی مکنید تاآنکه پاك شوند پس چون نیك پاك شدند[۳] پس نزدیکی کنید به ایشان ازآن راه که مباح کرده است خدا برای شما (یعنی در قُبُلْ) هرآئینه خدا توبه کنند گان را دوست میدارد وپاك شوندگان را دوست میدارد. ﴿۲۲۳﴾ زنانِ شما کشت زارِ شمایند پس بیایید به کشتِ زار تان هر روش که خواهید[٤] وپیش فرستید (یعنی اعمال صالحه را) برای خویشتن وازخدا بترسید و بدانید که شما باوی ملاقات خواهیدکرد ومسلمانان را بشارت ده. ﴿۲۲٤﴾ ومکنید نام خدا را آماج برای سوگندان خویش بنا براینکه نیکوکاری کنید و پرهیز گاری نمایید ودرمیانِ مردمان صلاح آرید خدا شنوای داناست[٥].

(۱) یعنی به غیر شرکت.

(۲) یعنی هربنده از بندگان خداکه مومن باشد وهرکنیز از کنیز های خدا که مومنه باشد بهتر است ازمشرك ومشرکه والله اعلم.

(۳) یعنی غسل به جاآرند.

(٤) یعنی بهرگونه که بخواهید می توانید جماع کردن (نزدیکی باهمسران خود) یعنی غلطانده وازپس پشت وغیرآن به شرط آنکه در قُبُل باشد (یعنی در مکان معروف).

(٥) یعنی سوگند برای موقوف کردن کارنیك جایزنیست.

﴿۲۲۵﴾ خدا شمارا به بیهوده گویی درسوگندهای شما مواخذه نمی کند[۱] ولیکن شمارا به آنچه که قصد کرده است دل های شما مواخذه می کند وخداآمرزندهٔ بردباراست. ﴿۲۲۶﴾ برای آنکسان که اززنان خویش[۲] ایلامی کنند انتظار کردن چهار ماه است پس اگر بازگشتند (یعنی ازین سوگند) پس هرآئینه خدا آمرزندهٔ مهربانست. ﴿۲۲۷﴾ و اگر جدایی را قصد کردند پس هرآئینه خدا شنوای داناست. ﴿۲۲۸﴾ وآن زنان که ایشان را طلاق داده شد منتظر سه حیض یاسه طهر از خویشتن باشتد وایشان را جایز نیست اینکه پنهان کنندآنچه راکه خدا در رحمهای ایشان (یعنی بچه وحیض) آفریده است اگر ایمان آورده‌اند به خدا وروز بازپسین وشوهران ایشان حقدار تراند به بازآوردن ایشان در حباله خود درین مدت اگر نیکوکاری خواهند وزنان را هست (حق) مانند آنچه (مردان را) برزنان است بوجه پسندیده[۳] ومردان راهست برایشان بلندی (یعنی فرمانروایی) وخدا غالب استوار کاراست. ﴿۲۲۹﴾ طلاق (رجعی) دوباراست پس ازآن یانگاه داشتن است به خوش خویی یارها کردن به نکویی وحلال نیست شمارا که چیزی رااز آنچه که داده‌اید زنان را بگیرید[٤] مگرآنگاه که بترسند مرد وزن که احکام خدارا[٥] برپا نتوانند داشت پس اگر بترسید اي مسلمانان ازآنکه این هر دو احکام خدارا برپاندارند پس برایشان درآنچه زن عوض خود داد گناه نیست، این حدها مقرر کرده خداست پس ازآنها بیرون مروید وهرکه ازحدود خدا بیرون رود پس آن گروه ایشانند ستمکاران. ﴿۲۳۰﴾ پس اگرطلاق داد (یعنی بارسوم) پس هرگز این زن آن مرد را حلال نمی شود تا آنکه به نکاح شوهر دیگر درآید (یعنی به اودخول کند) پس اگر طلاق دادش این شوهر دیگر پس گناه نیست برآن هر دو در آنکه به نکاح باهم بازگردند اگر بدانند که احکام خدارا برپامی توانند داشت واین حدودِ خداست بیان میکندآن حدود را برای قومی که میدانند.

(۱) یعنی لاوالله وبلی والله به غیر قصد گوید غلط دانسته سوگند خورد علی اختلاف المذهبین والله اعلم.
(۲) یعنی قسم می خورند که جماع نکنند.
(۳) یعنی زنان را برمردان حق است چنانچه مردان را برزنان حق است.
(٤) یعنی حلال نیست که بدل طلاق از مهر بگیرد.
(٥) یعنی در معاشرت.

﴿۲۳۱﴾ وچون زنان را طلاق دادید پس به میعاد خود[۱] رسیدند پس ایشان را نگاه دارید به نکویی یارها کنید ایشان را به نکویی وایشان را برای ضرررسانیدن نگاه مدارید تا ستم کنید وهر که این کار کند پس هرآئینه برخود ستم کرد وآیه های خدارا به تمسخر مگیرید ونعمت خدارا برخویش یادکنید وآنچه برشما ازکتاب وعلم فرود آورد که پندمیدهد شمارا به آن و از خدا بترسید وبدانید که خدا بهر چیز داناست. ﴿۲۳۲﴾ وچون زنان را طلاق دادید پس به میعاد خود[۲] رسیدند پس ایشان را ازآنکه نکاح کنند باشوهران خویش منع مکنید[۳] وقتیکه بایك دیگر درمیان خویش به روش پسندیده راضی شدند این حکم پندداده میشود به آن هر کسی را که ازشما به خدا وروز قیامت مومن باشد واین کارخوشتراست وپاکیزه تر وخدا می داند وشمانمی‌دانید. ﴿۲۳۳﴾ ومادران باید که فرزندان خویش رادوسال کامل شیردهند این حکم برای آن کس است، که مدت شیر دادن را بخواهد تمام کند وبر پدر بوجه پسندیده نفقه وپوشاك این زنان شیرده است، تکلیف داده نمی شود هیچ کس الاقدرتوانایی او، رنج نبایدداد مادر را به سبب فرزند وی ونه پدررا به سبب فرزندش وبروصی مانندداین لازم است پس اگر مادر وپدر بخواهند ازشیر بازگرفتن (فرزندرا) (یعنی پیش ازدوسال) بعد از رضامندی میان ایشان و مشورت کردن بایکدیگر پس برایشان هیچ گناه نیست واگر خواهید که برای فرزندان خویش دایه گیرید پس هیچ گناهی برشما نیست چون آنچه دادنش را مقررکردید به خوش خویی تمام تسلیم نمودید وازخدا بترسید وبدانید که خدا به آنچه می کنید بینااست.

(۱) یعنی نزدیك رسیدند به انقضاء عدّت.

(۲) یعنی عدتّ منقضی شد.

(۳) یعنی باشوهران سابق خود یاشوهران دیگرکه به ایشان رغبت پیدا کردند.

﴿۲۳٤﴾ وکسانی که ازشما بمیرند زنان را ترك کنند بایدکه انتظار کُناننداین زنان خویشتن را چهارماه وده روز پس چون به میعاد[۱] خویش رسیدند پس برشما درآنچه کردند درحق خویشتن به وجه پسندیده (یعنی نکاح بطور شرع) گناه نیست وخدا به آنچه می کنید آ گاه است. ﴿۲۳۵﴾ وبرشما درسخنی که کنایت کردید به وی ازخواستگاری زنان (یعنی درمیان عدّت) گناهی نیست یا پنهان داشتید دردلهای خود خدا دانست که شما این زنان را یاد خواهید کرد یعنی آشکارا بعد از عدّت ولیکن به ایشان نکاح را به پنهانی وعده ندهید مگر آنکه سخنی پسندیده را گویید (یعنی به کنایت) وعقد نکاح را قصد مکنید تاآنکه میعاد مقرر به نهایتِ خود رسد وبدانید که خدامیداند آنچه راکه دردلهای شماست پس ازوی بترسید وبدانید که خدا آمرزنده بُردباراست. ﴿۲۳۶﴾ برشما هیچ گناه نیست اگر زنان را طلاق دادید درآن وقت که هنوزدست نرسانیده‌اید به ایشان یا معین نکرده‌اید برای ایشان مقداری[۲] وبهره دهید این چنین مطلقات را[۳] لازم است برتوانگر مقدار حال او بهره دادن وبرتنگدست مقدارحال اوبهره دادن به خوشخویی لازم شده برنیکوکاران. ﴿۲۳۷﴾ واگر طلاق داده‌اید زنان را پیش ازآنکه دست رسانید به ایشان ومعین کرده باشید برای ایشان مقداری پس لازم است نیمه آنچه معین کردید مگر آنکه زنان ببخشند یادرگذرد کسیکه بدست اوست عقد نکاح (یعنی زوج حق خود گذاشته تمام دهد) وآنکه درگذرید نزدیك تراست به پرهیزگاری واحسان کردن را درمیان خویش فراموش مکنید هرآئینه خدا به آنچه می کنید بیناست.

(۱) یعنی به انقضاء عدّت.

(۲) یعنی مهر را.

(۳) یعنی پوشاك بدهید.

﴿۲۳۸﴾ برهمه نمازها پایبندی کنید وبرنماز میانه (یعنی خصوصًا برنماز عصر) بایستید برای خدا فرمان بردارند گان. ﴿۲۳۹﴾ پس اگر ترسیدید (یعنی از دشمن ومانند آن) پس روان برپاهای خود نماز گزاریدیا سواره پس چون ایمن شوید پس یاد کنید خدارا چنانکه آموخته است شمارا آنچه نمی دانستید. ﴿۲٤۰﴾ وآنانکه ازشما وفات می‌کنند وزنان را بگذارند برایشان وصیت کردن برای زنان خویش لازم کرده شد به آنکه ایشان را تایکسال بدون بیرون کردن بهره دهند پس اگر بیرون روند پس برشما درآنچه کردند درحق خویشتن ازکار پسندیده گناه نیست (یعنی نکاح بطور شرع) وخدا غالب استوار کاراست[1].
﴿۲٤۱﴾ طلاق داده شدگانرا بهره مند ساختن به خوشخویی لازم است یعنی نفقه وسکنی بر پرهیزگاران لازم کرده شد. ﴿۲٤۲﴾ خدا برای شمااحکامِ خودرا همچنین بیان میکند تاباشد که شما بفهمید. ﴿۲٤۳﴾ آیا ندیدی ای بیننده به سوی کسا نیکه ازخانه های خویش ازبیم مرگ بیرون آمدند وایشان هزاران بودند پس خدا ایشان را گفت بمیرید باز ایشان را زنده گردانید هرآئینه خدا برمردمان صاحب بخشایش است ولیکن اکثر ایشان سپاس نمی کنند. ﴿۲٤٤﴾ ودرراه خدا جنگ کنید وبدانید که خدا شنوای داناست.
﴿۲٤۵﴾ کیست آنکه خدارا وام دهد وام دادن نیك پس خدا آن مال را برای اوچندبرابر به مراتب بسیار سازد وخدا روزی را تنگ می سازد وکشاده می کند وبه سوی اوبازگردانیده شوید.

(۱) مترجم گوید این آیت نزدیك جمهور منسوخ است به آیت ﴿أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا﴾ والله اعلم.

﴿۲٤٦﴾ آیا به جمعی ازبنی اسرائیل بعد از موسیٰ نگاه نکردی چون گفتند به پیامبر خویش که برانگیز برای ما پادشاهی تا درراه خدا جنگ کنیم گفت پیامبر آیا اگر جنگ بر شما واجب کرده شود انتظار این میرودازشما که جنگ نکنید گفتند ومارا چه شده است که درراه خدا جنگ نکنیم حال آنکه به تحقیق که ازخانه های خویش بیرون کرده شدیم و ازفرزندان خویش جدا کرده شدیم پس آنگاه که واجب کرده شد برایشان جنگ رویگردانیدند مگراندکی از ایشان و خدا به ستمکاران داناست. ﴿۲٤۷﴾ وپیامبرایشان به ایشان گفت هرآئینه خدا طالوت را برای شما پادشاه مقرر کرده است گفتند چگونه اورا پادشاهی برما باشد حال آنکه ما به پادشاهی ازوی سزاوارتریم واو رافراخی درمال داده نشده است گفت هرآئینه خدا اورابرشما برگزیده است واورا فراخی دردانش و افزونی دربدن داده است وخدا پادشاهی خودرا به هر کس که خواهد می بخشد وخدا گشایشگر (جواد) دانا است. ﴿۲٤۸﴾ وپیامبرشان ایشان را گفت هرآئینه نشانهٔ پادشاهی اوآنست که بیاید به شماصندوقی که درآن آرامش دلست از پروردگار شما وباقیمانده ازآنچه که آل موسیٰ وآل هارون برجای گذاشته اند اورا فرشتگان برمیدارند هرآئینه درین صورت برای شما اگر باوردارنده‌اید نشانه ای است.

﴿۲٤۹﴾ پس چون طالوت بالشکرها رهسپارشد گفت هرآئینه خدا شمارا به جویی آزمایش کننده است پس هرکه ازآن جوی بنوشد پس ازمن نیست وهرکه نچشد آنرا پس او از من است الّاآنکه یك کف آب به دست خود، بردارد پس ازآن جوی آشامیدند مگراندکی ازایشان پس آنگاه که طالوت ومومنان همراهِ او ازجوی گذشتند، گفتند نوشندگان مارا امروز به مقابله جالوت ولشکرهایش توانایی نیست گفتند آنانکه می‌دانستند که ایشان باخدا ملاقات خواهند کرد بسا گروهِ اندك برگروه بسیار به ارادهٔ خدا غالب شد وخدابا شکیبایانست. ﴿۲٥۰﴾ وآنگاه که برای جنگ جالوت ولشکرهایش به میدان آمدند این صالحان گفتند ای پروردگار مابریزبرما شکیبایی وقدم های مارا محکم کن ومارا برگروه ناگرویدگان غلبه ده. ﴿۲٥۱﴾ پس آن کفار را بتوفیق خدا شکست دادند وداود جالوت را کشت وخدای تعالی داود را پادشاهی وعلم داد واورا ازآنچه میخواست بیاموخت و اگر خدا مردمان را گروهی را بدست گروهی دیگر دفع نمی کرد هرآئینه تباه می شد زمین ولیکن خدا صاحب بخشایش بر جهانیان است. ﴿۲٥۲﴾ این‌هاآیات خداست آنرا برتو (ای محمد) به راستی میخوانیم وهرآئینه تواز پیامبرانی.

﴿۲۵۳﴾ اينان پيامبران هستندكه بعضی را ازايشان بر بعضی فضل داديم ، ازايشان كسی هست كه بااوخدا سخن گفت وبلند كرد بعضی را درمرتبه‌ها وعيسیٰ پسر مريم را معجزه ها داديم واورا به روح القدس قوت داديم واگرخدا می خواست بايكديگر قتال نمی كردند آنانكه پس ازايشان بودند پس ازآنكه به ايشان حجت ها آمد وليكن اختلاف كردند پس ازايشان كسی هست كه ايمان آوَرْد وازايشان كسی هست كه كفرورزيد واگر خدا می خواست بايكديگر نمی جنگيدند وليكن خدا آنچه را می خواهد ميكند. ﴿۲۵٤﴾ ای مسلمانان ازآنچه شمارا روزی داديم خرج كنيد پيش ازآنكه روزی بيايد كه خريد و فروش درآن روز نيست ونه دوستی ونه سفارش و كافران هميشانند ظالمان. ﴿۲۵۵﴾ خدا آنست كه هيچ معبود برحقی غيرازاو نيست زندهٔ تدبير كنندهٔ جهان نمی گيرد او را (پينكی) چرت (يعنی خواب سبك) ونه خواب اوراست آنچه درآسمانها است وآنچه در زمين است كيست آنكه نزد او شفاعت كند الا به حكم او ميداند آنچه راكه پيش دست ايشان است وآنچه راكه پس پشت ايشان است ومردمان از معلومات حق چيزی را فرانميگيرند مگر به آنچه وی خواسته است، كرسی اوآسمان ها و زمين را فرا گرفته است و نگهبانی اين هردو بروی سنگين نمی شود واو بلند مرتبهٔ بزرگ قدراست. ﴿۲۵٦﴾ نيست اجباری در (كار) دين[1] به راستيكه ظاهر شده است راه يابی ازگمراهی پس هركه منكر طاغوت شود (يعنی معبودان باطل) وايمان آورد به خدا پس هرآئينه چنگ زده است به دست آويزی محكم كه آنرا گُسَستن نيست وخدا شنوای دانااست.

(۱) يعنی حجت اسلام ظاهر شدپس گوياجبر كردن نيست اگر چه في الجملة به صبر باشد والله اعلم.

﴿۲۵۷﴾ خداکارسازِ مومنان است ایشانرا ازتاریکی‌ها به سوی روشنی بیرون می آورد وآنانکه کافراند کارسازانِ ایشان طاغوت است (یعنی شیطان و معبودان باطل) ایشان را از روشنی به سوی تاریکی‌ها بیرون می آورند این جماعت ایشان باشندگان دوزخند درآنجا جاویدند. ﴿۲۵۸﴾ آیا به سوی کسی که مکابره کرد باابراهیم دربارهٔ پروردگار او بخاطر آنکه خدا او را پادشاهی داد، ندیدی، (یعنی نمرود را) چون ابراهیم گفت پروردگار من آنست که زنده میکندومی میراند آن کافر گفت من زنده می کنم ومی میرانم[۱] گفت ابراهیم پس هرآئینه خدا خورشید را از مشرق می آورد پس تو آن را ازطرف مغرب بیاور پس مغلوب شدکافر وخدا گروه ستمکاران را راه نمی نماید. ﴿۲۵۹﴾ یامانند آن شخصی که گذشت بردهی درحالیکه آن افتاده بود برسقفهای خود[۲] گفت چگونه این را خدا بعد از مردن آن زنده می کند؟! پس خدای تعالی اورا صدسال میراند بعد ازآن برانگیختش (یعنی زنده اش کرد) گفت چه قدر درنگ کردی گفت درنگ کردم یك روز یا پاره ای ازروز گفت بلکه صدسال درنگ کردی پس نگاه کُن به سوی طعام خود وآشامیدنی خود که متغیر نشده ونگاه کُن به سوی الاغ خود ومی خواهیم که تورا برای مردمان نشانه ای گردانیم ونگاه کُن به سوی استخوانها چگونه آنهارا برداشته به هم پیوند می دهیم بعد ازآن برآن گوشت را می پوشانیم پس چون این حال برایش واضح شد گفت به یقین می دانم که خدا برهمه چیز تواناست.

(۱) یعنی به ستم مستحق کشتن رامی گذارم و کسی را که مستحق کشتن نیست می کشم والله اعلم.
(۲) مترجم گوید آن شخص عزیربود.

﴿۲۶۰﴾ وآنگاه که ابراهیم گفت ای پروردگار من بنما مرا چگونه مردگان را زنده می کنی؟ گفت خدا آیا باور نداری؟ گفت آری باور داشته ام لیکن می خواهم که دِلم آرام گیرد[۱] گفت خدا پس بگیر چهار عدد از پرند گان پس همه را نزدیك خود قطعه قطعه بهم آور بعد ازآن بگذار برهر کوهی پاره ای ازیشان سپس ازآن ندا کن ایشان را البته پیش توشتابان بیایند وبدان که خدا غالب استوار کار است. ﴿۲۶۱﴾ صفت آنانکه مالهای خودرا درراه خدا خرج می کنند مانند صفت یك دانه ای است که هفت خوشه را برویاند هرخوشه ای صد دانه است وخدا هرکرا خواهد چندبرابرمی‌دهد وخدا گشایشگر (جواد) داناست. ﴿۲۶۲﴾ آنانکه اموال خودرا درراه خدا خرج می کنند بازازپی آن انفاق منت نمی نهند وآزارنمی رسانند ایشانرا پاداش ایشان نزد پروردگار ایشان است و نیست ترسی برایشان ونه ایشان اندوهگین شوند. ﴿۲۶۳﴾ سخن ملایم گفتن ودرگذشتن[۲] بهتر است ازآن خیرات که ازپی آن آزرد گی باشد وخدا بی نیازِ بُردباراست. ﴿۲۶٤﴾ ای مومنان خیرات خودرا به منت نهادن وآزرده کردن تباه مکنید همچوکسیکه مال خود رابرای نمودن مردمان خرج می کند وبه خدا وروزقیامت ایمان ندارد پس صفت او مانند صفت سنگ صاف است که بروی باشداندك خاکی پس به آن بارانی عظیم رسید پس گذاشت اوراسخت وصاف مانده، توانایی ندارند اهل ریا برچیزی ازآنچه عمل کردند وخدا گروه کافران را راه نمی نماید[۳].

(۱) یعنی عین الیقین میخواهم والله اعلم.
(۲) ازبی ادبی باسائل.
(۳) مترجم گوید حاصل این مثل آنست که عمل منان ومرائی دردنیا می نماید که عمل است و در آخرت نابود میشود و هیچ فائده نمی دهد چنانکه برسنگی خاك افتاده باشدو بظاهر چنان می نماید که قابل زراعت است وچون باران بارد محوشود والله اعلم.

﴿۲٦٥﴾ وصفت آنانکه مال‌های خویش رااز‌جهت طلب رضامندی خدا وبه سبب اعتقاد ناشی ازدلِ خویش خرج می کنند مانند صفت باغی است به مکان بلند که به وی بارانی عظیم رسید پس میوهای خودرا دوچندان آورد واگر اورا باران عظیمی نمی رسید پس شبنم کفایت میکرد وخدا به آنچه می کنید بیناست[۱]. ﴿۲٦٦﴾ آیا دوست میدارد یکی ازشماکه اورا باغی ازدرختانِ خرماوانگور باشد که می رود زیرآن جویها اورا درآن باغ از هر جنس میوها هست واورا سالخوردگی رسیده باشد وفرزندانی ناتوان داشته باشد پس درین حالت آن باغ راگردبادی که درآن آتش است رسید پس کاملاً به سوخت همچنین خدا برای شما آیه ها را واضح می سازد تاباشد که تأمل کنید[۲]. ﴿۲٦٧﴾ ای مومنان خرج کنید ازپاکیزه های آنچه شما کسب کرده‌اید واز پاکیزه های آنچه برای شما اززمین بیرون آوردیم وناپاك را ازآن قصد مکنید آن را خرج میکنید وگیرنده آن نیستید مگر وقتیکه در گرفتن آن چشم پوشی کنید وبدانید که خدا بی نیاز ستوده است. ﴿۲٦٨﴾ شیطان به شما تنگدستی را وعده میدهد وبه بی حیایی شمارا می فرماید وخدا به شما آمرزش را ازجانب خود ونعمت دادن را وعده می کند وخدا گشایشگر (جواد) دانا است. ﴿۲٦٩﴾ حکمت را میدهد هرکه را خواهد وهرکه اورا حکمت داده شد پس به راستیکه داده شدنیکویی بسیار وپند پذیر نمی شوند جز صاحبان خرد.

(۱) مترجم گوید حاصل این مثل آن است که عمل اهل اخلاص فائده‌ها میدهد از سابقین باشد یا ازاصحاب یمین.

(۲) حاصل این مثل آن است که عمل منان و مرائی دروقت شدت احتیاج نابود شود چنانکه بوستان این شخص دروقت شدت احتیاج به سوخت.

﴿۲۷۰﴾ وآنچه ازخیرات خرج کردید ویالازم کردید برخود از نذری پس هرآئینه خدا آنرا میداند وستمکاران را هیچ یاری دهنده ای نیست. ﴿۲۷۱﴾ اگر خیرات را آشکار کنید پس آن چیز نیکوي است واگر آنرا پنهان کنید وبدهید آن را به فقیران پس این برای شما بهتراست وازشما بعض گناهان شمارا دور سازد وخدا به آنچه می کنید آگاه است. ﴿۲۷۲﴾ برتو (ای محمد) هدایت ایشان لازم نیست[۱] لیکن خدا هدایت می کند هرکه رامی‌خواهد وآنچه ازمال خرج می کنید پس برای نفع ذات شمااست ولایق نیست که خرج کنید مگر برای طلب رضای خدا وآنچه از مال خرج می کنید تمام آن به شما (یعنی ثواب) رسانیده شود، وبرشماستم نخواهید کرده شد. ﴿۲۷۳﴾ خیرات برای آن فقیرانست که در راهِ خدا[۲] بندکرده شدند در زمین سفر کردن نمی توانند ایشان رانادان توانگر می پندارد به سبب طمع نکردن می شناسی تو ایشان را به قیافه ایشان ازمردمان به الحاح ولجاجت سوال نمی کنند وآنچه خرج می کنید ازمال پس هرآئینه خدا به آن دانا است. ﴿۲۷٤﴾ کسانیکه اموال خویش را شب وروز پنهان وآشکار خرج می کنند پس ایشان را پاداش ایشان نزد پروردگارشان است و برایشان ترسی نیست ونه ایشان اندوهگین شوند.

(۱) یعنی رسانیدن مردم به هدایت کارتونیست متعلق بخداونداست.

(۲) یعنی به سبب مشغول شدن ومصروفیت به جهاد کسب کردن نمی توانند والله اعلم.

﴿۲۷۵﴾ کسانیکه سودرا میخورند برنخیزند (یعنی از گور) مگر چنانکه برمی خیزد کسی که اورا شیطان به سبب آسیب رسانیدن دیوانه ساخته است، این به سبب آنست که سود خوران گفتندجزاین نیست که سودا گری مانند سود است وحال آنکه خدا سودا گری را حلال کرده است و سود را حرام ساخته است پس کسی که به وی پندی ازجانب پروردگارش آمد پس بازآمد ازین کار (یعنی ویلش کرد) پس اوراست آنچه گذشت و کار او به خدا مفوض است[۱] وهر که بازگشت به سود خوری[۲]، پس آن گروه باشند گان دوزخ اند ایشان درآنجاجاویدند. ﴿۲۷۶﴾ خدا برکت سود را نابودمی سازد وبرکت خیرات را افزون می سازد وخدا هرناسپاس گنهکاررا دوست ندارد. ﴿۲۷۷﴾ هرآئینه کسانیکه ایمان آورده‌اند وکارهای شایسته کرده‌اند ونمازرا برپاداشتند وزکوٰة را دادند برای ایشان است پاداش ایشان نزدِ پرورد گار ایشان ونیست ترسی بر ایشان ونه ایشان اندوهگین شوند. ﴿۲۷۸﴾ ای کسانیکه ایمان آورده‌اید ازخدا بترسید وترك کنید آنچه ازسود مانده است اگر ازاهل ایمان هستید. ﴿۲۷۹﴾ پس اگر نکردید پس به جنگی ازطرف خدا ورسول او خبردار باشید واگر توبه کردید پس هست شما را اصل مال های شما نه شما ستم کنید ونه برشماستم کرده شود. ﴿۲۸۰﴾ واگر مفلسی باشد پس مهلت دادن تاتوانگری لازم است وآنکه خیرات کنید شمارا بهتر است اگر می دانستید. ﴿۲۸۱﴾ وازآن روزکه باز گردانیده شوید درآن به سوی خدا بترسید پس تمام داده شود هر شخصی را آنچه عمل کرده است وبر ایشان ستم کرده نشود.

(۱) یعنی سودی که قبل آیت تحریم گرفته بازگردانیدنش لازم نیست والله اعلم.

(۲) یعنی بعد ازتحریم.

﴿۲۸۲﴾ ای مومنان اگر بایکدیگر به وام دادن تامیعاد مقرر معامله کنید پس آن را بنویسید وباید که نویسنده میان شما به انصاف بنویسد وسربازنزند نویسنده ازآنکه نویسد چنانچه خدا اورا آموخته است پس بایدکه وی بنویسد واملاء کندآنکه وام بذمهٔ وی است وبایدکه ازخدا پروردگارش بترسد وازآن وام چیزی را کم نکند پس اگر کسیکه وام بذمهٔ وی است بی خرد یا ناتوان باشد یا نمی تواند املاء کردن پس باید که املاء کند کارگزار او به انصاف و دوشاهد را ازمردان خویش[1] گواه گیرید پس اگر (حاضر) نباشند دومرد پس یك مرد ودو زن کفایت است ازکسانیکه راضی باشید ازگواهان[2] تا اگر کسی ازآنان فراموش کند یکی ازآنان به دیگری یاد آوری کند وباید که سرباز نزنند گواهان آنگاه که طلبیده شوند ومانده مشوید ازآنکه بنویسید حق را اندك باشد یابسیارتا میعاد وی این به نزدِ خدا باانصاف تر است ودرست تر برای گواهی وبه آنکه درشك نیفتید مگر وقتیکه باشد آن معامله سوداگری دست به دست که آن رامیان خویش دستگردان می کنید پس برشما گناهی درآنکه ننویسید آن را نیست وگواه گیرید هر گاه که خرید وفروخت کنید وباید که رنج داده نشود نویسنده ونه گواه واگر این کار را بکنید پس هرآئینه این برای شما گناه است واز خدا بترسید وخدا شمارا می آموزد وخدا بهر چیز داناست.

(۱) یعنی ازمسلمانان.
(۲) یعنی ازمسلمانان امین متقی.

﴿۲۸۳﴾ واگر مسافر باشید و نویسنده ای را نیابید پس لازم است گروبدست آورده شده باشد پس اگر امین داند برخی از شما برخی دیگر را پس باید که آن کس که امین دانسته شد امانت خود را اداکند وباید که از خدا پروردگار خود بترسد وگواهی را پنهان نکنید وهر که آن را پنهان کند پس هرآئینه دل او گناهکار است خدا به آنچه می کنید آگاه است. ﴿۲۸٤﴾ آنچه در آسمان ها وآنچه در زمین است برای خدا است واگر آشکار کنید آنچه دردل های شما است[۱] یاآنرا پنهان دارید البته خدا حساب آن را ازشما بگیرد پس بیامرزد کسی را که خواهد وعذاب کند کسی را که خواهد وخدا برهمه چیز تواناست. ﴿۲۸۵﴾ پیامبر آنچه راکه به سوی اواز پروردگارش فرودآورده شد باور داشت ومومنان نیز همه ایمان آورده اند به خدا وفرشتگان او وکتاب های او و پیامبران او (وگفتند) فرق نمی گذاریم میان هیچ کسی ازپیامبران او[۲] وگفتند شنیدیم و فرمانبرداری کردیم میخواهیم آمرزش توراای پروردگارما و به سوی تواست بازگشت. ﴿۲۸٦﴾ خدا هیچ کس را مُکلَّف نمی کند مگر به اندازهٔ توانش برای او است آنچه عمل کرد و بروی باشد آنچه گناه کرد گفتند ای پروردگارما به عقوبت مگیر مارا اگر فراموش کنیم یا خطاکنیم ای پروردگارماومَنه برسرما بار گران آنچنان که آنرا برکسانیکه پیش ازمابودند نهادی پروردگارماومَنه برسرماآنچه مارا توانایی آن نیست ودر گذرازما وبیامرزمارا وبه بخشای مارا تویی خداوند ماپس مارابر گروه کافران غلبه ده.

(۱) یعنی ازقسم نفاق و اخلاق وحسدو نصیحت ومثل آن نه از قسم حدیث نفس والله اعلم.
(۲) یعنی بعض را معتقد وبعض رامنکر نمی باشیم.

سوره آل عمران مدنی است و آن
دو یست آیه و بیست رکوع است

﴿۱﴾ الٓم. ﴿۲﴾ خدا آن ذات است که نیست هیچ معبود برحقی مگراو زندهٔ تدبیرکنندهٔ عالَم است. ﴿۳﴾ فرود آورد برتو کتاب را بهراستی باور دارندهٔ آنچه پیش دست وی است وتورات وانجیل را فرود آورد. ﴿٤﴾ پیش ازین برای مردمان رهنما و قرآن را فرود آورد هرآئینه کسانیکه کافر شدند به آیات خدا ایشانراست عذابِ سخت وخدا غالب صاحب انتقام است. ﴿۵﴾ هرآئینه بر خدا چیزی در زمین ونه در آسمان نهان نمی ماند. ﴿٦﴾ او آنست که صورت می بندد شمارا در رحمها چنانچه خواهد نیست هیچ معبود برحقی غیراز اوغالب استوار کاراست. ﴿۷﴾ او آنست که برتو کتاب را فرود آورد که بعضی ازآن آیه ها واضح است آنها اصل کتاب است وبرخي دیگر محتمل معانی باهم مشتبه اند پس اماکسانیکه دردل های ایشان کجی است آنرا که متشابه است ازآن کتاب پیروی می کنند برای طلب فتنه وطلب تاویل آن ومراد آن را مگر خدا نمیداند و ثابت قدمان در علم می گویند به آن ایمان آوردیم این همه از نزدِ پروردگار ماست وپند پذیر نمی شوند مگر خداوندان خرد. ﴿۸﴾ (می گویند) ای پروردگارما دلها یمان را بعد ازآنکه هدایت نمودی مارا کج مگردان و به ماازنزد خود رحمت عطا کن هرآئینه تویی عطا کننده. ﴿۹﴾ ای پروردگارما هرآئینه توجمع کنندهٔ مردمانی درآن روز که هیچ شکی نیست در (وقوع) آن هرآئینه خدا وعده را خلاف نمیکند.

﴿۱۰﴾ هرآئینه آنانکه کافر شدند اموال ایشان ونه فرزندان ایشان از (عذاب) خدای تعالی چیزی را ازایشان دفع نکند وایشان آتش انگیز دوزخ اند. ﴿۱۱﴾ حال ایشان مانند شیوهٔ آل فرعون وکسانی است که پیش ازایشان بودند، آیاتِ مارا تکذیب کردند پس خدا ایشانرا به سبب گناهان ایشان گرفت وخدا سخت عقوبت است. ﴿۱۲﴾ به کافران بگو که مغلوب خواهید شد و به سوی دوزخ جمع آوری خواهید شد واو بدجایگاه است. ﴿۱۳﴾ به تحقیق هست شمارا نشانه درآن دو قوم که به هم آمدند[1] یك گروه جنگ میکرد در راه خدا وگروهِ دیگر کافر بودند مسلمانان آن کافران را دو برابر خویش بدیدهٔ چشم می دیدند وخدا به نصرت خود هرکه را خواهد قوت میدهد هرآئینه درین واقعه پندی برای خداوندانِ بصیرت هست. ﴿۱٤﴾ آراسته کرده شده است برای مردمان دوستی آرزوهای نفس اززنان وفرزندان و خزانه های انبوه (جمع ساخته) اززر وسیم واسبانِ نشانمند ساخته وچهار پایان وزراعت، این بهرهٔ زندگانی دنیا است و نزدِخداست بازگشتِ نیك. ﴿۱٥﴾ بگو (ای محمد) آیا خبردهم شمارا به آنچه بهتر است ازین برای متقیان نزد پروردگار ایشان بوستان ها باشد که می رود از زیرآنها جویها، جاویدان باشند درآن و(نیزبرایشان) زنانِ پاکیزه باشند وازخوشنودی خدا برخوردارند و خدا به بندگان بیناست.

(۱) یعنی روزبدر والله اعلم.

﴿۱٦﴾ آنانکه می گویند ای پروردگارما هرآئینه ماایمان آوردیم پس گناهان مارا برایمان بیامرز و مارااز عذاب آتش نگاهدار. ﴿۱۷﴾ شکیبایان وراست گویان وفرمانبرداران وخرج کنندگان وآمرزش خواهان دراوقات سحر. ﴿۱۸﴾ خدا گواهی[۱] داد[۲] آنکه هیچ معبود برحقی مگراو نیست و گواهی دادند فرشتگان و خداوندانِ دانش درآن حال که خدا تدبیر کنندهٔ عالَم است به عدل، نیست هیچ معبود برحقی مگر او غالب استوار کار است. ﴿۱۹﴾ هرآئینه دین (معتبر) نزد خدا اسلام است و اختلاف نکردند (یعنی درقبول اسلام) اهل کتاب مگر بعد ازآنکه به ایشان دانش آمد[۳] ازروی حسد درمیان خویش وهرکه کافر باشد به آیات خدا پس هرآئینه خدا زود گیرندهٔ حساب است. ﴿۲۰﴾ پس اگر مکابره کنند باتو (یا محمد) پس (ازدل وجان) بگو من خودرا فرمانبردار خدا ساخته ام خودرا ونیزهر کسی که پیروی من کرد (چنین بود) وبگو به اهل کتاب وبه خوانندگان آیا اسلام آوردید پس اگر اسلام آوردند به تحقیق که راه یافتند واگر روی گردانیدند پس جزاین نیست که برتوست پیغام رسانیدن وخدا به بند گان بیناست. ﴿۲۱﴾ هرآئینه کسانیکه به آیه های خدا کافر می شوند و پیامبران را به نا حق می کشند وآنان را که به عدل می فرمایند ازمرد مان می کشند پس ایشانرا به عذاب درد دهنده خبرده. ﴿۲۲﴾ این گروه آنانند که عمل های ایشان در دنیا و آخرت نابود شد وایشان را یاری دهنده نیست.

(۱) مترجم گوید ازینجا خدای تعالی شروع می فرماید درمناظره اهل کتابین وردِّ شبهات ایشان و تعداد تحریفات ایشان واین قصه ممتداست تاقوله ﴿وَإِذۡ غَدَوۡتَ مِنۡ أَهۡلِكَ﴾.

(۲) یعنی آشکار ساخت.

(۳) یعنی حقیقت حال دانستند.

﴿۲۳﴾ آیاندیدی به سوی آنانکه داده شدند پاره ای ازعلم کتاب خوانده می شوند به سوی کتاب خدا تاحکم کند میان ایشان پس گروهی از ایشان اعراض کنان روی می گرداند. ﴿۲٤﴾ این به سبب آنست که ایشان گفتند هرگز به ما آتش دوزخ نرسد مگر چند روزی شمرده شده و ایشان را در دین ایشان آنچه افترا میکردند فریفت. ﴿۲٥﴾ پس چگونه بُوَد حال وقتیکه جمع کنیم ایشان را در روزی که درآن هیچ شکی نیست و تمام داده شود هر شخصی را جزای آنچه عمل کرده و بر ایشان ستم کرده نشود. ﴿۲٦﴾ بگوبار الٰها ای خداوند پادشاهی، میدهی هرکه را خواهی و بازمی گیری پادشاهی ازهر که خواهی و ارجمند می سازی هرکه را خواهی و خوار می‌سازی هرکه را خواهی نیکی به دست تست هرآئینه توبرهمه چیز توانایی[1]. ﴿۲۷﴾ درمی‌آری شب را در روز ودرمی‌آری روزرا در شب و بیرون می آری زنده را از مرده وبیرون می‌آری مرده را از زنده و روزی بی شمار میدهی هرکه را خواهی. ﴿۲۸﴾ نبایدکه دوست گیرند مسلمانان کافران را به جای مؤمنان وهرکه این کند پس نیست ازخدا درچیزی[2] مگر آنکه دفع شرایشان کنید بنوعی ازحذر کردن وشمارا خدا از خود برحذر می دارد و به سوی خدا بازگشت است. ﴿۲۹﴾ بگو اگر پنهان کنید آنچه درسینه‌های شماست یا آشکار کنیدش آن را خدا می داند وآنچه در آسمان هاست و آنچه در زمین است میداند و خدا برهمه چیز تواناست.

(۱) مترجم گوید که درامراین دعا بشارت است به مغلوب شدن کافران.

(۲) یعنی در عهد خدا نیست.

﴿۳۸﴾ آن وقت زکریا ازپررودگارخود طلب کرد گفت ای پروردگار من مرا ازنزدِ خودنسل پاك عطاکن هرآئینه تو شنوای دعایی. ﴿۳۹﴾ پس ندا کردند اورا فرشتگان درحالی که در عبادت گاه ایستاده بود نمازمی گزارد، که خدا تورا به یحیی که باوردارندهٔ کلمه ازجانب خدا[۱] وسردار وپارسا و پیامبری ازنیکوکاران باشد بشارت می دهد. ﴿۴۰﴾ گفت ای پروردگار من چگونه پیدا می شود برای من فرزندی و مرا سالخوردگی رسیده است وزن من نازاهست، گفت خدا همچنین میکند آنچه راکه می خواهد. ﴿۴۱﴾ گفت ای پروردگار من برای من نشانه ای[۲] معّین کن فرمودکه نشانهٔ تو آنست که سه روز بامردمان سخن نمی توانی گفت مگر به اشاره و پروردگارخودرابسیار یادکن وبه شام وصبح تسبیح بگو. ﴿۴۲﴾ وآنگاه که گفتند فرشتگان ای مریم هرآئینه خدا برگزیدتورا وپاك ساخت تورا وتورا برزنان جهانیان برگزید. ﴿۴۳﴾ ای مریم پروردگار خودرا فرمانبرداری کن وسجده کن ونمازگزار بانماز گزاران. ﴿۴۴﴾ (ای محمد) این ازخبرهای غیب است آنرا به سوی تو وحی مي کنیم وتو نزد آن قوم نبودی چون می انداختند قلمهای (قرعه) خویش را[۳] تاکدام یك از ایشان سرپرست مریم باشد ونبودی نزد ایشان آنگاه که باهم منازعه می کردند. ﴿۴۵﴾ آنگاه که گفتند فرشتگان، ای مریم هرآئینه خدا تورابه کلمه ای از جانب خود که نام اومسیح عیسیٰ پسر مریم است بشارت می دهد، باآبرو دردنیا و آخرت واز مقرّبان بارگاه حضرت عزت است.

(۱) یعنی عیسیٰ راباور دارد.
(۲) یعنی نشان حمل آن فرزند.
(۳) یعنی قرعه می انداختند.

﴿٤٦﴾ وبا مردمان در گهواره سخن گوید ودرحال بزرگسالی واز شایستگان باشد. ﴿٤٧﴾ گفت ای پروردگار من چگونه مرا فرزند شود ودست نرسانیده است به من هیچ آدمی فرمود همچنین خدا هرچه می خواهد پیدا میکند چون کاری را سرانجام میکند پس جزاین نیست که میگوید اورا که بشوپس میشود. ﴿٤٨﴾ و(بشارت دادکه) اورا خدا کتاب ودانش وتورات وانجیل را می آموزد. ﴿٤٩﴾ واورا پیامبری به سوی بنی اسرائیل گرداند به این دعوی که آورده‌ام پیش شمانشانه‌ای ازپروردگارتان (آن) اینکه هرآئینه من می‌سازم برای شما از گِل مانندِ شکل پرنده پس می دَمَم درآن پس می شود پرنده‌ای به حکم خدا وکور مادرزاد را وبرص داررا بهبود می کنم (یعنی پیسی را) ومُرد گان رابه حکم خدا زنده می سازم وخبر می دهم شمارا به آنچه میخورید وآنچه درخانه های خود ذخیره می کنید هرآئینه دراین کار شمارا نشانه است اگر باور دارنده اید. ﴿٥٠﴾ وآمده‌ام باور دارندهٔ آنچه پیش دست من است از تورات وآمده‌ام تاحلال گردانم برای شما بعض آنچه راکه برشما حرام شده بود و به نزد شما نشانه ای از پروردگارتان آوردم پس بتر سید ازخدا و فرمان من برید. ﴿٥١﴾ هرآئینه خدا پروردگار من و پروردگار شماست پس اورا پرستش کنید این است راه راست[1]. ﴿٥٢﴾ پس آنگاه که عیسیٰ ازقوم خود کفررا دریافت گفت کیستند یاری دهندگان من به سوی خدا گفتند حواریان ماییم یاری دهندگان خدا ایمان آوردیم به خدا وگواه باش که ما فرمانبرداریم.

(١) القصه: این بشارت درحق عیسیٰ علیه السلام متحقق شد و یهود را به دین خوددعوت نمود.

﴿٥٣﴾ ای پروردگار ما به آنچه فرود آوردی ایمان آوردیم و پیامبررا پیروی کردیم پس بنویس ماراباشاهدان[١]. ﴿٥٤﴾ نقشه کشیدند وخداوند چاره جویی کرد و خداوند[٢] بهترین چاره جویان است. ﴿٥٥﴾ آنگاه که گفت خدا ای عیسیٰ هرآئینه من برگیرنده توام[٣] وبردارنده توام به سوی خود وپاك کننده‌ٔ توام از صحبت کسانیکه کافرشدند وگرداننده‌ٔ تابعان توام بالای کافران[٤] تاروزقیامت باز بازگشت شما به سوی من است پس میان شما درآنچه اختلاف می کردید درآن داوری می کنم. ﴿٥٦﴾ اما کسانی که کفرورزیدند پس ایشان را به عذاب سخت دردنیا وآخرت عذاب کنم وایشان را یاری دهنده ای نیست. ﴿٥٧﴾ واماکسانیکه ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند پس خدا ایشانرا مزدشان تمام دهد وخدا ظالمان را دوست نمی دارد. ﴿٥٨﴾ این را (یا محمد) برتو می خوانیم که از آیه ها و کتاب حکیم است. ﴿٥٩﴾ هرآئینه حال عیسیٰ نزدِ خدا مانند حال آدم است اوراازخاك آفرید باز گفت اورا، بِشَوْ پس شد[٥]. ﴿٦٠﴾ این سخن ازپروردگار تو راست است پس ازشك آرندگان مباش. ﴿٦١﴾ پس هرکه باتودرباره‌ٔ عیسیٰ بعد ازآنچه آمد به سوی تو از دانش مکابره کند پس بگوبیایید تابخوانیم فرزندانِ خودرا و فرزندانِ شمارا وزنانِ خودرا و زنانِ شمارا و ذات های خودرا وذات های شمارا پس مباهله (همه به زاری دعا) کنیم پس لعنت خدا را بردروغگویان قراردهیم.

(١) یعنی درزمره‌ٔ شهداء که اکمل امت اند والله اعلم.
(٢) یعنی به آن کافران.
(٣) یعنی ازین جهان.
(٤) یعنی غالب بر ایشان.
(٥) یعنی انسان شد.

﴿٦٢﴾ هرآئینه این است خبرراست و هیچ معبود برحقی غیراز خدا نیست وهرآئینه خدا غالب استوار کاراست. ﴿٦٣﴾ پس اگر روگردانیدند پس خدا به تباه کاران داناست. ﴿٦٤﴾ بگوای اهل کتاب به سوی سخنی برابر (مسلّم) میان ما وشما بیایید که جز خدا را نپرستیم و باوی چیزی دیگررا شریك نسازیم وبعضی ازما بعضی دیگررا به جای خدا پروردگار نگیرد پس اگر روی گردانیدند پس بگویید که گواه باشید به آنکه ما مسلمانیم. ﴿٦٥﴾ ای اهل کتاب چرا دربارهٔ ابراهیم مکابره می کنید[1] وفرود آورده نشده است تورات و انجیل مگر بعد از ابراهیم آیا نمی فهمید. ﴿٦٦﴾ آگاه شوید شما ای قوم مکابره کردید درآنچه شمارا به وی دانش است پس چرامکابره می کنید در آنچه شمارا به آن دانش نیست و خدامی داند وشما نمی دانید[2]. ﴿٦٧﴾ ابراهیم یهودی نبود ونه نصرانی ولیکن حنیف مسلمان بود و ازشرك آورندگان[3] نبود. ﴿٦٨﴾ هرآئینه نزدیك ترین مردم به ابراهیم آن کسان بودند که پیروی أو کردند یعنی درزمان اوواین پیامبرو مومنان وخدا کارساز مومنان است. ﴿٦٩﴾ آرزو کردند طائفه‌ای ازاهل کتاب که شمارا گمراه سازند وگمراه نمی سازند مگر خویشتن را و درنمی یابند. ﴿٧٠﴾ ای اهل کتاب چراکافرمی شوید به آیات خدا حال آنکه خود شما گواهی میدهید.

(١) یعنی بعضي گفتند یهودی بود وبعضي گفتند نصرانی بود.

(٢) یعنی درمسائل منصوصه درتورات اختلاف کردید تاچه رسد به غیر منصوصه.

(٣) مترجم گوید حنیف آنرامی گفتند که استقبال کعبه کند وحج گزارد وختنه نمایدواز جنابت غسل کند حاصل آنکه نام کسی بُوَد که به شریعت ابراهیمی متدین باشد.

﴿۷۱﴾ ای اهل کتاب چرا حق را به باطل خلط می کنید وچرا حق را می پوشید و حال آنکه شما میدانید. ﴿۷۲﴾ وگفتند گروهی ازاهل کتاب[۱] ایمان آریدبه آنچه فرود آورده شده است بر مسلمانان اول روز و آخرآن روز انکار کنید تاشاید که مسلمانان بر گردند[۲]. ﴿۷۳﴾ ومنقاد مشوید مگر کسی را که پیروی دین شمارا کند بگو (یا محمد) هرآئینه هدایت، هدایت خدا است گفتند باور مکنید آنکه داده شود کسی مانند آنچه شما داده شده اید، یا گروهی شمارا نزد پروردگار شما الزام دهند بگو نعمت به دست خدا ست آن را به هرکه خواهد می دهد وخدا فراخ نعمتِ داناست. ﴿۷۴﴾ مختص می گرداند به بخشایش خود هرکراخواهد وخدا صاحبِ فضلِ عظیم است. ﴿۷۵﴾ وازاهل کتاب کسی هست که اگر اورا به خزانه امین داری او را به تو بازدهد وازایشان کسی هست که اگر اورا به یك دینار امین داری بازندهد آنرابه تو مگر تاوقتیکه برسراوایستاده باشی واین خیانت به سبب آنست که گفتند درحق ناخواندگان برما هیچ راهی نیست[۳] وبرخدا دروغ می گویند حال آنکه ایشان (این را) میدانند. ﴿۷۶﴾ آری هرکه وفاکند به عهدخود وپرهیزگاری کند پس هرآئینه خدا پرهیز کاران را دوست میدارد. ﴿۷۷﴾ هرآئینه کسانیکه به عوض پیمانی که باخدا بستند وبه عوض سوگندان خویش بهای اندك را می ستانند آن گروه است که هیچ بهره‌ای ایشان را درآخرت نیست وخدا سخن نگویدباایشان ونگاه نکند به سوی ایشان روزقیامت وایشان را پاك نسازد وایشان را عذاب درد ناك است.

(۱) یعنی بایکدیگر.

(۲) یعنی درشك افتند.

(۳) یعنی مارابرمال عرب که هم دین مانیستند مؤاخذه نخواهد شد.

﴿۷۸﴾ وهرآئینه ازاهل کتاب گروهی هستند که زبان خویش را به (خواندن) کتاب می پیچند تا گمان کنید که آن ازکتابست وآن ازکتاب نیست[۱] ومی گویند که این ازنزد خدا است و آن ازنزد خدا نیست دروغ می گویند برخدا حال آنکه ایشان (این را) میدانند. ﴿۷۹﴾ سزاوار نیست هیچ آدمی را که عطا کند اوراخدا کتاب وعلم ونبوت باز بگوید به مردمان به جای خدا بند گان مَن شوید ولیکن مثلِ این شخص می گوید که ربانی باشید[۲] به سبب آموزاندن کتاب وخواندن آن. ﴿۸۰﴾ وسزاوار نیست که فرمایدشمارا که پروردگار گیرید فرشتگان وپیامبران را آیا به کفر می فرماید شمارا بعد ازآنکه مسلمان شده باشید. ﴿۸۱﴾ وآنگاه که خدای تعالی پیمان پیامبران را گرفت که آنچه دادم شمارا ازکتاب وعلم بازبیاید به شما پیامبری باور کننده آنچه باشماست البته به او ایمان آرید والبته اورا یاری دهید، خدا فرمود آیا اقرار کردید و براین کار عهد مرا[۳] گرفتید گفتند اقرار کردیم فرمود پس گواه باشید[٤] ومن باشما ازگواهانم. ﴿۸۲﴾ پس هرکه بعد ازین بر گردد پس آن گروه ایشانند بدکاران. ﴿۸۳﴾ آیااین کافران غیر دین خدا می طلبند و آنانکه درآسمان ها و زمین اند به خوشی یا ناخوشی فرمان بردارخدا شده اند وبه سوی اوگردانیده شوند.

(۱) یعنی به تکلف ازخودچیزی نوشته درکتاب خلط ساخته می خوانند.
(۲) یعنی مرشد خلق شوید.
(۳) یعنی قبول کردید.
(٤) یعنی بریکدیگر.

﴿٨٤﴾ بگو به خدا وبه آنچه فرودآورده شده است برماو به آنچه فرود آورده شده بود برابراهیم و اسماعیل و اسحق و یعقوب ونوادگان وی و آنچه داده شد به موسیٰ و عیسیٰ وپیامبران از پروردگار ایشان، ایمان آوردیم، فرق نمی گذاریم میان هیچ یك از ایشان وما فرمان بردار اوییم. ﴿٨٥﴾ وهرکس که غیر اسلام دینی دیگررا طلب کند پس هرگزقبول کرده نخواهد شدازاو واودر آخرت از زیان کاران است. ﴿٨٦﴾ چگونه خدا گروهی را راه نماید که کافرشدند بعد از اسلام خود و بعد از اینکه گواهی دادند که پیامبر برحق است وبعد ازآنکه آمد به ایشان حجت، وخدا گروه ستم کاران را راه نمی نماید. ﴿٨٧﴾ این گروه سزای ایشان آنست که نفرین خدا وفرشتگان ومردمان همگی برآنان است. ﴿٨٨﴾ جاویدان درآن لعنت، سبك کرده نشود ازایشان عذاب ونه ایشان مهلت داده شوند. ﴿٨٩﴾ الّاآنانکه توبه کردند بعد ازین ونیکوکاری نمودند پس هرآئینه خدا آمرزندهٔ مهربان است. ﴿٩٠﴾ هرآئینه کسانیکه بعد از اسلام خویش کافر شدند باز درکفر زیادتی کردند هرگز توبه ایشان قبول کرده نشود و آن گروه ایشانند گمراهان. ﴿٩١﴾ هرآئینه آنانکه کافر شدند وکافر مردند هرگز ازهیچ یك ایشان مقدار پُری زمین از زر قبول کرده نخواهد شد واگر چه آن را به عوض خود دهد آن گروه ایشانراست عذاب درددهنده و ایشان را هیچ یاری دهنده ای نیست.

﴿۹۲﴾ هرگز نیکوکاری را نیابید تاآنکه خرج کنید ازآنچه که دوست می دارید وهرچیز که خرج کنید پس به درستیکه خدا به وی داناست. ﴿۹۳﴾ همه طعام (خوردنیها) بر بنی اسرائیل حلال بود مگر آنچه یعقوب برخویشتن پیش ازآنکه تورات نازل کرده شود حرام کرده بود بگو تورات را بیارید پس آن را بخوانید اگر راست گوی هستید[۱]. ﴿۹٤﴾ پس هرکه بر خدا بعد ازین دروغ بندد پس آن گروه ایشانند ستم کاران. ﴿۹۵﴾ بگوراست گفت خدا پس آیین ابراهیم را که پاك دین وحنیفي کیش بود پیروی کنید و ازمشرکان نبود. ﴿۹٦﴾ هرآئینه اول خانه ای که برای مردمان مقرر کرده شد آن است که درمکه است برکت داده شده وهدایت برای جهانیان است. ﴿۹۷﴾ درآن خانه نشانه های روشن است ازآن جمله جای ایستادن ابراهیم[۲] وهر که درآید آنجاایمن بود وحج خانه کعبه حق خدا است برمردمان هرکه توانایی رفتن به سوی آن را ـ ازجهت اسباب راه ـ دارد وهرکه کافر شود پس هرآئینه خدا از جهانیان بی نیاز است. ﴿۹۸﴾ بگوای اهل کتاب چرا به آیاتِ خدا کافر می شوید وخدا حاضر وگواه است برآنچه می کنید. ﴿۹۹﴾ بگوای اهل کتاب چرا از راه خدا کسی را که ایمان آورد بازمی دارید برای آن راه کجی[۳] را می طلبید درحالی که شماباخبرید و خدا بی خبر نیست ازآنچه می کنید. ﴿۱۰۰﴾ ای مسلمانان اگر گروهی را از اهل کتاب فرمان برید شمارا بعد ازاسلام شما به کفر برمی گردانند.

(۱) مترجم گوید یهود برحضرت پیامبر صلی الله علیه وسلم طعن می کردند که شما دعوی ملت ابراهیم می کنید وآنچه درخاندان ابراهیم نمی‌خوردندمانند گوشت شتر وشیر آن راشما میخورید حق تعالی جواب دادکه همه چیز حلال بود پیش ازنزول تورات الاّگوشت و شیرشتر و تحریم گوشت و شیر شتر در ملتِ ابراهیم نبود این خاصه بنی اسرائیل بود به سبب تحریم جدّ ایشان والله اعلم.
(۲) یعنی نقشی که درسنگك ظاهر شده.
(۳) یعنی شبهات می آرید تا نزد مردمان ظاهر شود که کج است.

﴿۱۰۱﴾ وچگونه کافر شوید حال آنکه برشما آیات خدا خوانده می شود ودرمیان شما پیامبر خدا هست وهر که به خدا چنگ استوار کرد پس هرآئینه به سوی راه راست راه نموده شد. ﴿۱۰۲﴾ ای مسلمانان ازخدا چنانچه شایشة ترسیدن است ازوی بترسید ونمیرید مگر درحالیکه شما مسلمان باشید. ﴿۱۰۳﴾ وهمگی به ریسمان خدا چنگ زنید[۱] وپراکنده مشوید و نعمت خدارا که برشماست یادکنید چون دشمن یکدیگر بودید[۲] پس میان دلهای شما الفت انداخت پس شُدید به نعمت خدا برادر بایکدیگر وبودید برکناره چاله ای ازآتش پس شماراازآن رهانید همچنین خدا برای شما نشانه های خودرا بیان می کند تاباشد که راه یابید[۳]. ﴿۱۰٤﴾ وبایدکه ازشما گروهی باشد که بخوانند به سوی نیکی وبه کارپسندیده فرمان دهند ومنع کنند از ناپسندیده و آن گروه ایشانند رستگاران[٤]. ﴿۱۰٥﴾ ومباشید مانند کسانیکه پراکنده شدند و بایکدیگر اختلاف کردند بعد ازآنکه به ایشان حجت ها آمد وآن گروه بَر یشان عذاب بزرگ است[٥]. ﴿۱۰٦﴾ روزی که چهره هایی سفید گردد وسیاه گردد چهره هایی پس اماآنانکه سیاه گشت روی های ایشان بدیشان گفته شود آیا کافر شدیدبعداز اسلام خویش پس عذاب را به سبب کافرشدنتان بچشید. ﴿۱۰۷﴾ واماآنانکه سفید شد روی های ایشان پس ایشان دررحمت خدا باشند درآنجا جاویدند. ﴿۱۰۸﴾ این آیاتِ خداست آن رابرتو به راستی می خوانیم وخدا برجهانیان ستمی را نمی خواهد.

---

(۱) به دین خدا.

(۲) یعنی اوس و خزرج و عرب معدیه و یمنیه و عرب وعجم بایك دیگر دشمنی داشتند.

(۳) یعنی تفرق در اصول دین حرام است که جمعی معتزلی باشد وجمعی شیعه و علی هذاالقیاس.

(٤) یعنی واجب بالکفایة است که جمعی به امر معروف ونهی از منکر قیام نمایند.

(٥) یعنی مانند یهود و نصارىٰ مشوید که هفتاد وچند فرقه گشتند.

﴿۱۰۹﴾ وخدا راست آنچه درآسمان هاست و آنچه در زمین است وبه سوی خدا همهٔ کارها باز گردانیده می شود. ﴿۱۱۰﴾ شما بهترین امتی هستید که برای مردمان بیرون آورده شده است[۱] به کار پسندیده می فرمایید و از ناپسندیده منع‌می کنید و خدارا باور میدارید و اگر ایمان می آوردند اهل کتاب هر آئینه ایشان را بهتر می بود بعضی از ایشان مسلمانند وبیشتر ایشان بدکاراند. ﴿۱۱۱﴾ هرگز به شما زیان نر سانند مگر رنجی اندك[۲] واگر باشما کارزار کنند پشت به سوی شماکنند[۳] بازنصرت داده نشوند. ﴿۱۱۲﴾ برایشان هرکجاکه یافته شوند خواري زده شد مگر به دست آویزی ازخدا ودست آویزی ازمردمان[٤] و به خشمی ازخدا بازگشتند وبرایشان ناداری زده شد، این به سبب آنست که کافرمی بودند و پیامبران رابه ناحق می‌کشتند این به سبب گناه کردن ایشان است وبه سبب آنکه ازحدمی گذشتند. ﴿۱۱۳﴾ همه برابر نیستند، ازاهل کتاب گروهی هست ایستاده (راستکردار) آیاتِ خدارا دراوقات شب می خوانند وایشان سجده می کنند[٥]. ﴿۱۱٤﴾ به خدا وروز قیامت ایمان می آورند و به کار پسندیده می فرمایند و ازناپسندیده منع می کنند و درنیکی ها سبقت می کنند وایشان از شایسته کاراانند. ﴿۱۱٥﴾ وآنچه ازنیکی می کنند پس به ایشان راجع به آن عمل کفران نخواهد شد وخدا به پرهیزگاران داناست.

(۱) یعنی مقرر کرده شد.
(۲) یعنی به سبب زبان درازی.
(۳) یعنی بگریزند.
(٤) یعنی مگربعهدو ذمه.
(٥) یعنی آنانکه از ایشان مسلمان شده اند مانند عبدالله بن سلام.

﴿١١٦﴾ هرآئینه کسانیکه کافرشدند ازایشان، مالهای ایشان ونه فرزندانِ ایشان ازعذاب خداچیزی را دفع نکند وایشان دوزخیان اند ایشان درآنجا جاویدند. ﴿١١٧﴾ مثالِ آنچه درین زندگانی دنیا خرج می کنند مانند مثالِ بادیست که درآن سرمایی سخت است که زراعت گروهی راکه ستم کردند برخویشتن برسید پس آن را نابود ساخت وخدا برایشان ستم نکرد ولیکن برخویشتن ستم می کردند[١]. ﴿١١٨﴾ ای مسلمانان غیراز خویش همراز مگیرید[٢] درفتنه انگیزی میان شما کوتاهی نمی کنند دوست داشتند رنج شمارا هرآئینه دشمنی ازدهان ایشان ظاهر شد وآنچه پنهان میدارد سینه های ایشان بزرگتر است هرآئینه برای شما نشانه ها بیان کردیم اگر دانا هستید. ﴿١١٩﴾ آگاه شوید شمایید که ایشان را دوست میدارید وایشان شمارا دوست نمی دارند و به همه کتاب الهی ایمان می‌آورید وایشان چون ملاقات کنند باشما گویند ایمان آوردیم و چون تنها شوند برشما انگشتان خودرا ازخشم به دندان می گزنند بگو به سبب خشم خویش بمیرید هرآئینه خدا داناست به آنچه درسینه هاست. ﴿١٢٠﴾ اگر به شمانعمتی برسد ایشان را اندوهگین کند واگر به شما سختی ای برسد ازآن خوشحال شوند واگر شکیبایی کنید وپرهیزگاری نمایید مکر ایشان هیچ زیان به شما نرساند هرآئینه خدا به آنچه می کنند در برگیرنده است[٣]. ﴿١٢١﴾ ویادکن آنگاه که پگاه بیرون آمدی ازمیان اهل خانه خود می نشاندی مسلمانان رادر جایگاهها برای جنگ وخداشنوای دانا است[٤].

---

(١) حاصل آنست که صدقات ایشان نابود می شود.

(٢) یعنی ازغیر مسلمانان.

(٣) درغزوهٔ احد اهل نفاق میل کردند به آنکه در شهر متحصن شوند و اصحاب خواستند که بیرون آمده جنگ کنند بعد ازآنکه هزیمت واقع شدمنا فقان این را محل طعن گرفتند ووقت جنگ حضرت پیامبر بربالای کوهی جماعتی را مقید ساختندکه ازین جانجنبند چون آثار فتح ظاهر شد آن جماعت درپی غنیمت افتادند وعصیان پیامبر کردند به شومی این عصیان هزیمت برمسلمانان افتادوهمه فرار کردند الاّ ما شاء الله خبر شهادت حضرت پیامبر شائع شد منافقان قصد ارتداد کردند پس در جواب طعن منافقان وعتاب خلاف امر پیامبر کنند گان وتشنیع بیوفایان حق سبحانه این آیات را نازل کرد.

(٤) ویاد کن زمانی را که بامداد ازمیان خانوادهٔ خود بیرون رفتی و پایگا ههای جنگ را برای مسلمانان مهیا میکردی (مصحح).

﴿۱۲۲﴾ آنگاه که خواستند دوفرقه ازشماکه بزدلی کنند وخدا کارساز ایشان بود ومسلمانان باید که برخدا توکل کنند[1]. ﴿۱۲۳﴾ وهرآئینه خدا شمارا روز بدر فتح داد ودر حالی که شما خواربودید پس ازخدا بترسید تابُوَد که شکر گزاری کنید. ﴿۱۲٤﴾ چون می گفتی به مسلمانان آیا برایتان بس نیست که شمارا پروردگار تان به سه هزار کَس از فرشتگان فرو فرستاده شده امداد کند. ﴿۱۲٥﴾ بلی اگر صبر کنید وپرهیزگاری نماییدوکافران به سویتان به این جوش (وخروش) خود بیایند شمارا پروردگار شما به پنج هزار کَس ازفرشتگان نشانگذار امداد کند. ﴿۱۲٦﴾ وخدای تعالی این مدد را مگر مژده ای برای شما نساخت وتا آنکه دلهای شما به آن آرام گیرد ونیست فتح مگر ازنزد خدای غالب استوارکار. ﴿۱۲۷﴾ چنین کردتاهلاك کند طائفه ای را از کافران یا ایشان را مغلوب سازد پس به مراد نارسیده باز گردند. ﴿۱۲۸﴾ تورا در این کاراختیاری نیست (خداوند) یا به مهربانی توبه ایشان را می پذیرد یا ایشان را عذاب کند زیرا که ایشان ستمکارند. ﴿۱۲۹﴾ و خدا راست آنچه درآسمان هاست و آنچه درزمین است می آمرزد هرکه را خواهدو عذاب می دهد هرکه راخواهد وخداآمرزندهٔ مهربان است. ﴿۱۳۰﴾ ای مومنان مخوریدسودرا چندین چندبرابر (توبرتو) وبترسید ازخداتاباشدکه رستگار شوید. ﴿۱۳۱﴾ وازآن آتش که آماده کرده شده است برای کافران پناه گیرید. ﴿۱۳۲﴾ وخدا وپیامبر را فرمان برید تاباشد که برشما مهربانی کرده شود.

(۱) یعنی بنی سلمه وبنی حارثه که خیال فرار به خاطر ایشان گذشته بود باز خدای تعالی ایشان رااز جبن محفوظ داشت.

﴿١٣٣﴾ وبه سوی آمرزشی ازپروردگار خویش شتاب کنید وبه سوی بهشتی که پهنایی آن مانند آسمان ها وزمین است که برای پرهیزگاران آماده کرده شده است. ﴿١٣٤﴾ آنانکه درآسایش و سختی خرج می کنند وفروخورندگانِ خشم وعفوکنند گانِ تقصیر ازمردمان وخدا نیکوکاران را دوست می دارد. ﴿١٣٥﴾ وآنانکه چون کارزشت کنند یا برخود ستم کنند خدارا یادکنند پس آمرزش خواهند برای گناهان خود وکیست غیر ازخدا که گناهان را بیامرزد وبه آنچه کردند دانسته اصرار نورزیدند. ﴿١٣٦﴾ آن گروه پاداش ایشان ازپرورگار شان آمرزش است وبوستانهایی که می رود زیر آنها جویها درآن جا جاویدند چه خوب است پاداش اطاعت کنندگان. ﴿١٣٧﴾ هرآئینه گذشته است پیش ازشما واقعه های آنانی که پیش از شمابودند، پس سیر کنید درزمین وبنگرید که چگونه بودآخر کار تکذیب کنندگان. ﴿١٣٨﴾ این پیامی است برای مردمان و هدایتی وپندی برای پرهیزکاران. ﴿١٣٩﴾ وسست مشوید واندوهناك مباشید وشمایید غالب اگر مسلمان هستید. ﴿١٤٠﴾ اگر به شما زخمی رسد پس جماعت کافران را زخمی مانند آن[1] رسیده است واین حادثه ها که می گردانیم آن را درمیان مردمان برای فوائد بسیاروتا خدامومنان را متمیز سازد وبعضی را ازشما شهید گرداند وخدا ستمکاران را دوست نمی دارد.

(١) یعنی دربدر.

﴿١٤١﴾ وتاكه خدا مسلمانان را سره و خالص کند[1] و کافران را نابودسازد. ﴿١٤٢﴾ آیا گمان کردید که به بهشت درآیید وهنوز خدا مجاهدان را ازشما متمیز نساخته است وپیش ازآنکه صابران را متمیز سازد. ﴿١٤٣﴾ وهرآئینه شما مرگ را آرزومی کردید[2] پیش ازآنکه ملاقات آن کنید پس آن را دیدید درحالیکه شمامی‌نگریستید. ﴿١٤٤﴾ ونیست محمد مگر پیامبر (خدا) هرآئینه پیش ازوی پیامبران گذشته اند آیااگر بمیرد یاکشته شود برمی‌گردید برپاشنه های خود[3]؟ وهرکه برپاشنه های خود برگردد پس خدارا هیچ زیان نرساند وخدا شکر گزاران را ثواب خواهد داد. ﴿١٤٥﴾ و هیچ شخصی را نیست که بمیرد مگر باراده خدا به سرنوشتی معین مقرّر نموده است وهرکس که خواهد جزای دنیا بدهیمش ازثواب دنیا وهرکس که خواهد جزای آخرت بدهیمش ازثواب آخرت وبه زودی سپاسگزاران را جزای نیك خواهیم داد. ﴿١٤٦﴾ وبساپیامبری که خدا پرستان بسیار همراه او باکفار قتال کردند، پس سستی نکردند به سبب مصیبتی که ایشانرا درراه خدا رسید و ناتوانی نکردند وبیچارگی نه نمودند وخدا صابران را دوست می دارد. ﴿١٤٧﴾ ونبود سخن این خدا پرستان بجز آنکه گفتند ای پروردگارما برایمان گناهانِ مارا وازحد گذشتن ما درکار خود را بیامرز واستوار بدار پاهای مارا و مارا برقوم کافران نصرت ده. ﴿١٤٨﴾ پس عطاکرد خداایشان را جزای نیك دردنیا وجزای نیك در آخرت وخدا نیکوکاران را دوست می‌دارد.

---

(١) یعنی گناهان ایشان رامحوکند.

(٢) یعنی شهادت را.

(٣) یعنی مرتد شوید.

﴿۱٤۹﴾ ای مومنان اگرفرمان برداری کافران کنید شمارا (ازآیینتان) برپاشنه های شما باز گردانند پس آنگاه زیان دیده بازگردید. ﴿۱۵۰﴾ بلکه خدا یاری دهندهٔ شماست واو بهترین یاری دهندگان است. ﴿۱۵۱﴾ دردل کافران ترس ورعبي را خواهیم انداخت به سبب آنکه شریك مقرر ساختند باخداچیزی را که خدا بر او هیچ حجتی فرود نیاورده است وجای ایشان دوزخ است و آن برای ستمکاران بد اقامت گاه است. ﴿۱۵۲﴾ وهرآئینه راست کردخدا درحق شما وعده خودرا چون کافران را به حکم خدا می کشتید تاوقتیکه بزدلی کردید و نزاع کردید درکارخویش ونافرمانی کردید بعدازآنکه عطا نمود به شما آنچه می خواستید ازشماکسی بود که دنیارا می خواست وازشما کسی بودکه آخرت را می خواست آنگاه شمارا از ایشان بازگردانید[۱] تا شمارا امتحان کند وبدرستیکه در گذشت ازشما وخدا برمومنان صاحب رحمت است. ﴿۱۵۳﴾ آنگاه که درگریختن دور می رفتید وبرهیچ کس متوجه نمی شدید وپیامبر شمارا از پشت سرتان فرا می خواند پس شمارابا اندوهی بالای اندوهی سزا داد این پنددادن برای آنست تااندوهناك نشوید برآنچه ازدست شمارفت ونه برآنچه که به شما رسید و خدا باخبراست به آنچه می کنید.

(۱) یعنی فرار کردید.

﴿۱٥٤﴾ باز برشما پس ازاندوه ایمنی فرودآورد که پینکی بود که گروهی ازشما را می پوشید وگروهی دیگر بودند که ایشان را فکر خویشتن اندوهناك ساخته بود گمان می کردند به خدا گمان باطل مانند گمان اهل جاهلیت (یعنی اهل کفر) می گفتند آیا مارا ازاین کارهیچ چیزی هست[۱]؟ بگوبدرستیکه همه کار خداراست در دل های خویشتن پنهان می دارند آنچه راکه برای تو آشکار نمی کنند می گویند اگر ماراازین کار چیزی بودی کشته نمی شدیم درین جا بگو اگر می بودید درخانه های خویش هرآئینه کسانیکه مقدرشده است برایشان کشته شدن به سوی کشتن گاه خویش بیرون می آمدند[۲] وتا بیا زماید خداآنچه درسینه های شما است وتاکه سره وخالص کند آنچه دردلهای شمااست وخدا داناست به آنچه درسینه هااست. ﴿۱٥٥﴾ هرآئینه کسانیکه رو یگردانیدند ازشما روزی که دوجماعت به هم آمدند[۳] جزاین نیست که ایشان را شیطان به شومی بعض آنچه کردند لغزانید به یقین خدا ازایشان عفو کرد هرآئینه خدا آمرزندهٔ بُردباراست. ﴿۱٥٦﴾ ای مومنان مباشید مانند آنانکه کافر شدند و گفتند درحق برادران خویش وقتیکه سفر کنند درزمین یابه جهاد بیرون آمده باشند[٤] ا گر ایشان نزد ما می بودند نمی مردند وکشته نمی شدند تا خدا این سخن را حسرتي دردل های ایشان گرداند وخدازنده می کندو می میراندوخدا به آنچه می کنید بیناست. ﴿۱٥۷﴾ و اگر کشته شدید درراه خدا یامُردید البته آمرزشی ازخدا وبخشایشی بهتراست ازآنچه جمع می کنند.

(۱) یعنی درین کارما را اختیار نیست وبه تدبیر ماکارنمی کنند.
(۲) واین کاربرای آن کرده شدکه در علم الهی مقدربود.
(۳) یعنی کافران ومسلمانان.
(٤) یعنی چون بمیرند درین حالت.

﴿١٥٨﴾ و اگرمُردید یاکشته شدید البته به سوی خدا برانگیخته خواهید شد. ﴿١٥٩﴾ پس به سبب مهربانی از خدا برای ایشان نرم شدی و اگر درشت خوي سخت دل می بودی ازدوروبر تو پراکنده می شدند پس در گذرازایشان و برای ایشان آمرزش خواه و با ایشان درین کار مشورت کن پس آنگاه که قصد محکم کردی پس برخدا اعتماد کن هرآئینه خدا توکل کنند گان را دوست می دارد. ﴿١٦٠﴾ ا گر خدا شمارا نصرت دهد هیچکس برشما غالب نیست وا گر شمارا بغیر نصرت واگذارد پس کیست که شمارا بعدازوی نصرت دهد ومسلمانان برخدا باید توکل کنند. ﴿١٦١﴾ و هر گز نبی را خیانت نشاید وهرکه خیانت کند آن چیزرا که خیانت کرده است به روز قیامت خواهد آورد[١] پس تمام داده شود هر شخصی راجزای آنچه کرده است وایشان ستم کرده نشوند[٢]. ﴿١٦٢﴾ آیاکسیکه درپی خوشنودی خدا است، مانند کسی است که به خشم خدا بازگشت وجای اودوزخ است وبدجایی است. ﴿١٦٣﴾ ایشان نزد خدا دارای مراتب‌اند وخدا بیناست به آنچه می کنند. ﴿١٦٤﴾ هرآئینه خدا برمومنان منّت‌نهاد آنگاه که درمیان ایشان پیامبری ازقوم ایشان فرستاد آیات خدا را برایشان می خواند و ایشان را پاك می سازد و ایشان را کتاب و علم می آموزد وهرآئینه پیش ازین درگمراهی آشکار بودند. ﴿١٦٥﴾ آیاچون رسید به شمامصیبتی که بدست آورده بودید دوچند ازآن گفتید ازکجا آمداین مصیبت بگوکه آن ازنزد نفسهایتان است هرآئینه خدا برهمه چیز تواناست.

(١) یعنی برسر برداشته.

(٢) مترجم گوید چون حضرت صلی الله علیه وسلم متصرف بودند در غنیمت این آیت نازل شدتا کسی گمان خیانت نکند.

﴿۱۶۶﴾ و آنچه به شما رسید روزیکه به هم آمدندو گروه پس به ارادهٔ خدا بود تا مومنان را متمیزسازد. ﴿۱۶۷﴾ وتا آنان را که منافق شدند متمیز سازد و گفته شدایشان را بیایید در راه خدا بجنگید یا کافران را دفع کنید[۱] گفتند ا گر جنگ کردن را می دانستیم[۲] البته پیروی شما می کردیم این گروه آن روز به سوی کفر نزدیك تر بودند تاایمان نسبت به ایشان، می گویند به دهان های خویش آنچه دردل های ایشان نیست وخدا به آنچه می پوشند داناتراست. ﴿۱۶۸﴾ آنانکه خود ازجنگ بازنشسته گفتند درحق برادران خویش که اگر فرمان مامی‌بردند کشته نمی شدند بگو ازخویشتن مرگ را دفع کنید ا گر راست گو هستید. ﴿۱۶۹﴾ و کسانی را که درراه خدا کشته شدند مرده گمان مکن بلکه نزد پروردگار خویش زنده اند روزی داده می شوند. ﴿۱۷۰﴾ شادان به آنچه خدا ایشان را از فضل خود عطا کرده است و خوش وقت می شوند به آنانکه به ایشان نپیوسته اند ازپس ایشان به سبب آنکه برایشان هیچ ترس نیست ونه ایشان اندوهناك شوند. ﴿۱۷۱﴾ به نعمت خدا وفضل او خوش وقت می شوند وبه آنکه خدا مزد مومنان را ضائع نمی کند[۳]. ﴿۱۷۲﴾ کسانیکه حکم خدا ورسول را بعد ازآنکه به ایشان زخم رسیده بود قبول کردند، برای کسانی ازین جماعت که نیکوکاری وتقوی ورزیدند پاداش بزرگ است. ﴿۱۷۳﴾ آنانکه گفتند به ایشان مردمان (که کافران) برای شما لشکر جمع کرده اند پس بترسید ازآن لشکرهاپس این سخن ایمان ایشان را زیاده کرد و گفتند مارا خدا بس است وچه خوب کارسازی است.

(۱) یعنی ازبلادخویش.

(۲) یعنی مصلحت می دانستیم.

(۳) مترجم گوید در احد مسلمانان و کفار باهم عهد بستند که وعده گاه قتال میان ایشان سال آینده سوق بدرباشد چون موسم سوق بدررسید کفار شخصی را فرستادند تا جمعیت ایشان را بیان کرده مسلمانان را درحیزتوقف اندازد باوجود آن جماعتی از مسلمانان همراه آن حضرت بر آمدند وبه بدر رسیدند ودر تجارت سودها یافتند وهیچ یك ازکفار مزاحم ایشان نشد و این غزوه را بدر صغری میگویند خدا درمدح ایشان می فرماید.

﴿۱۷٤﴾ پس این مسلمانان به نعمتی از خداو فضل او باز گشتند به ایشان هیچ آسیبی نرسید وپیروی خوشنودی خدا کردند وخدا صاحبِ فضلِ بزرگ است. ﴿۱۷٥﴾ جزاین نیست که این خبردهنده شیطانست دوستان خودرا می ترساند[۱] پس شما ازکافران مترسید وازمن بترسید ا گر مومن هستید. ﴿۱۷٦﴾ واندوهگین نکنند تورا (یامحمد) آنانکه در نصرت کفر می شتابند هرآئینه ایشان خدارا هیچ زیان نرسانند[۲] خدا می خواهد که ایشان راهیچ بهره ای در آخرت ندهد وایشان را عذاب بزرگ است. ﴿۱۷۷﴾ هرآئینه آنانکه[۳] کفررا به عوض ایمان خریدند خدارا هیچ زیان نرسانند وبرای ایشان عذاب درد دهنده است. ﴿۱۷۸﴾ وگمان نکنند کافران که مهلت دادنِ ماایشان را بهتر است درحق ایشان جزاین نیست که ایشان را مهلت می دهیم تاگناهگارتر شوند وبرای ایشان عذاب خوار کننده است. ﴿۱۷۹﴾ هرگز رها نگذاردخدا مسلمانان را برآن وضعی که شما برآن هستید تاآنکه ناپاك را ازپاك جداكند وهرگز خداشمارا برغیب مطلع نکند ولیکن خدا ازپیامبران خود هرکه را خواهد برمی گزیند پس به خدا و پیامبران او ایمان آورید واگر ایمان آورید و پرهیزگاری کنید شمارا پاداش بزرگ باشد. ﴿۱۸۰﴾ وبایدکه گمان نکنند آنانکه بخل می کنند به آنچه خدا ایشان را ازفضل خود عطاکرده است این بخل را بهتر برای خویش بلکه اوبَدَست برای ایشان به زودی آنچه راکه در آن بخل می وزریده اند (به مانند) طوق در روزقیامت به گردنشان افکنده می شود[٤] وخداراست میراث اهلِ آسمانها و زمین وخدا به آنچه می کنید داناست.

---

(۱) یعنی اشخاص ضعیف الإیمان را.

(۲) یعنی دین اورا.

(۳) یعنی اختیار کردند.

(٤) یعنی آن مال را به صورت مارکرده درگردن ایشان اندازند.

﴿۱۸۱﴾ به یقین خدا سخن آنان راکه گفتند خدا فقیراست وما توانگریم شنید[۱] خواهیم نوشت آنچه گفتند و کشتن ایشان پیامبران را به ناحق بنویسیم وبگوییم عذاب سوزنده را بچشید. ﴿۱۸۲﴾ این عذاب به سبب عملی است که دست های شما پیش فرستاده است وبه سبب آنست که خدا بر بندگان ستم کننده نیست. ﴿۱۸۳﴾ آنانکه گفتند که خدا حکم فرستاده است به سوی ماکه به هیچ پیامبر ایمان نیاریم تاآنکه برایمان قرباني بیارد که اورا آتش[۲] بخورد بگو پیامبران پیش ازمن نزدِ شما معجزه ها وآن رانیز که شما گفتید آوردند پس چرا ایشان را کشتید اگر راست گو هستید. ﴿۱۸٤﴾ پس اگر تورا تکذیب کردند پس پیامبران پیش ازتو که حجت ها وصحیفه ها وکتاب روشنگر آوردند تکذیب کرده شدند. ﴿۱۸٥﴾ هر نفسی چشندهٔ موت است وجزاین نیست که مزدتان را روز قیامت تمام داده خواهید شد پس هرکه دورداشته شد ازدوزخ و درآورده شدبه بهشت پس به یقین به مراد رسید و زندگانی دنیا مگر بهرهٔ فریبنده ای نیست. ﴿۱۸٦﴾ البته شما درمالهایتان وجانهایتان آزمایش کرده خواهید شد و از آنانکه کتاب داده شده اند پیش ازشما و(نیز) از مشرکان سرزنش بسیار خواهید شنید واگر صبرکنید وپرهیزگاری نمایید پس هرآئینه این خصلت ازکارهای مقصود است.

(۱) یعنی چون یهود شنیدنداقرضوا الله گفتند ماغنی ایم وخدا فقیر است والله اعلم.

(۲) یعنی گوسفندی که ازغیب آتش اورا بردارد.

﴿۱۸۷﴾ ویادکن چون خدا عهد اهل کتاب را گرفت که البته کتاب را برای مردمان بیان کنید وآن را نپوشید پس آن عهد را پس پشت خویش بینداختند و به عوض وی بهای اندك را گرفتند پس بدچیزی است که می ستانند. ﴿۱۸۸﴾ هرگز مپندار کسانی را که شادمان می شوند به آنچه کردندو دوست میدارند که ستوده شوند به آنچه نکرده‌اند هرگز ایشان را نجات یافته ازعذاب مپندار وبرای ایشان عذاب درد ناك است. ﴿۱۸۹﴾ وپادشاهی آسمان ها و زمین از آنِ خدا است وخدا برهمه چیز توانااست. ﴿۱۹۰﴾ هرآئینه درآفرینش آسمان ها و زمین و آمدورفت شب و روز خداوندانِ خرد را نشانه هاست. ﴿۱۹۱﴾ آنانکه خدارا ایستاده ونشسته و بر پهلوی خویش خفته یادمی کنند و درآفرینش آسمان ها و زمین تأمل می کنند می گویند ای پروردگارِ ما این را باطل نیافریده ای[۱] پاکیست تورا پس مارا از عذاب آتش نگاه‌دار. ﴿۱۹۲﴾ ای پروردگارماهرآئینه توهرکرا در آری به دوزخ به تحقیق رسوا کردی اورا و ستم کاران را هیچ یاری دهنده نیست. ﴿۱۹۳﴾ ای پروردگارماهرآئینه شنیدیم ندا کننده ای را به آواز بلند میخواند به سوی ایمان که به پروردگار خویش ایمان آرید پس ایمان آوردیم ای پروردگارماپس گناهان مارا بیامرز و ازما بدیهای مارا دورکن و مارا بانیکوکاران بمیران. ﴿۱۹٤﴾ ای پروردگارما آنچه وعده کرده ای به ما به زبان رسولان خود مارابده و مارا روز قیامت رسوا مکن هرآئینه توخلاف وعده نمی کنی.

(۱) یعنی به غیر تدبیر بلیغ والله اعلم.

﴿۱۹۵﴾ پس پروردگار ایشان دعای ایشان را قبول کرد به آنکه من عمل هیچ عمل کننده را ازشماازمرد یا زن ضائع نمی کنم بعض شما ازجنس بعضی است پس آنانکه هجرت کردند و ازخانه هایشان بیرون کرده شدند ودر راه من رنجانیده شدند وجنگ کردند وکشته شدند البته ازایشان گناهانِ ایشان را دورکنم والبته ایشان را درباغ هایی که میرود زیر آنها جوی ها درآرم پاداشی ازنزد خدا وخدا به نزداو پاداش نیك ست. ﴿۱۹۶﴾ بایدکه تورا آمدورفت کافران درشهر ها نفریبد. ﴿۱۹۷﴾ این بهره مندی اندك است بعد ازآن جای ایشان دوزخ باشد وآن بدجایی است. ﴿۱۹۸﴾ لیکن آنانکه از پروردگار خود ترسیدند ایشان راست بوستان ها ایکه میرود زیر آنها جوی ها جاویدان درآنجا مهمانی از نزد خدا است و آنچه نزد خدا ست نیکوکاران را بهتر است. ﴿۱۹۹﴾ وهرآئینه ازاهل کتاب کسانی اندکه ایمان می آورند به خدا وبه آنچه به سوی شما فرودآورده شد وبه آنچه فرود آورده شد به سوی ایشان فروتنی کنندگان برای خدا به عوض آیه های خدابهای اندك را نمی ستانند آن گروه ایشان راست پاداش ایشان نزد پروردگارشان هرآئینه خدا زود حساب گیرنده است. ﴿۲۰۰﴾ ای مومنان صبر کنید ومحنت کشید وبرای جهاد آماده باشید و از خدا بترسید باشد که رستگار شوید.

سوره نساء مدنی است وآن یك صد وهفتاد وهفت آیه و بیست و چهار رکوع است

به نام خداوند بخشنده مهربان

﴿۱﴾ ای مردمان از پروردگار خویش بترسید آن که شمارا ازیك ذات بیافرید وازآن ذات زن اورا آفرید و ازین دوکس مردمانِ بسیار وزنان بیشمار منتشر ساخت و ازآن خدا بترسید که به نام او ازیکدیگر سوال می کنید و ازقطع صله رحمی خویشاوندان بترسید هرآئینه خدا برشما نگاهبان هست. ﴿۲﴾ و به یتیمان اموال ایشان را بدهید و ناپاك را به پاکیزه بدل نکنید و اموال ایشان را به هم آورده به اموال خویش مخورید هرآئینه این گناهی بزرگ است[۱]. ﴿۳﴾ و اگر ترسیدید که درحق دخترانِ یتیمه نمی توانید به عدل وانصاف رفتارکنید پس نکاح کنید ازسایر زنان آنچه را که شمارا خوش آید دوزن (یا) سه زن، ویاچهار زن، پس اگر دانیدکه درین صورت نیز عدل نتوانید کرد پس یك زن را نکاح کنید یاسُریه گیرید آنراکه دستهای شما مالك اوشد این نزدیك تراست به آنکه ظلم وجورنکنید. ﴿٤﴾ وبدهید زنان را مهرایشان به خوشدلی و اگر زنان به خوشدلی برای شما از بعضی از آن مهر در گذرند پس آن راسازگار وخوشگوار بخورید. ﴿٥﴾ و اموالتان را که خدا آن را سبب استقامت معیشت برای شما کرده است به کم خردان مدهید و ایشان را ازآن اموال بخورانید وبپوشانید و به ایشان سخن نیکو بگویید[۲]. ﴿٦﴾ وامتحان کنید یتیمان را[۳] تاآنگاه که به حدنکاح رسند[٤] پس اگر ازایشان حسن تدبیر دریافتید پس به ایشان اموال ایشان را برسانید وآن اموال را[٥] به اسراف وشتاب ازترس آنکه بزرگ شوند مخورید وهرکه توانگر باشد پس بایدکه پرهیز گاری کند[٦] وهر که فقیر باشد پس بایدکه به وجه پسندیده بخورد پس چون به ایشان اموال ایشان را دادید برایشان گواه گیرید و خدا (به حقیقت) حساب گیرنده بس است.

---

(۱) درجاهلیت اولیای دختران یتیمان مانند (پسران عمو) ایشان را به نکاح خود درمی آوردند وایفای حقوق نکاح نمی کردند خدای تعالی آیت فرستاد.

(۲) یعنی برسفها حِجر (یعنی از تصرف درمال جلو گیری) باید کردواموال ایشان را که به حقیقت همه مسلمانان به آن منتفع‌اند بی واسطه یا به واسطه به دست ایشان داده ضائع نباید ساخت والله اعلم.

(۳) یعنی درایام کودکی.

(٤) یعنی بالغ شوند.

(٥) یعنی درخردسالي ایشان.

(٦) یعنی وصی یتیم اگر توانگر باشداز اموال یتیم چیزی نگیرد.

﴿۷﴾ مردان را حصه ای هست ازآنچه پدرومادر وخویشان بگذارند وزنان را نیز حصه ای هست ازآنچه پدرو مادروخویشان بگذارند ازآنچه کم باشدازمال یابسیار حصه مقرر کرده شده است[١]. ﴿۸﴾ وچون هنگام قسمت میراث خویشان[٢] ویتیمان و گدایان حاضر شوند پس ایشانرا چیزی ازآن بدهید[٣] و به ایشان سخن نیکو بگویید. ﴿۹﴾ وبایدکه ازخدا بترسند آنانکه اگر بگذارند بعد از خود فرزندان ناتوان را ترس داشته باشند برایشان که ضائع شوند پس بایدکه ازخدا بترسند وبایدکه سخن استوار را بگویند[٤]. ﴿۱۰﴾ هرآئینه آنانکه اموال یتیمان را به ظلم میخورند جزاین نیست که درشکم خویش آتش را میخورند وبه زودی به دوزخ درآیند. ﴿۱۱﴾ خدا شمارا درحق فرزندانتان که مرد راهست مانند حصه دوزن حکم می کند، اگر اولاد میت همه دختر بیشتر ازدو نفر باشند پس ایشان راست دوسوم آنچه میت گذاشته است[٥] واگر (ذریتش) یك دخترباشد پس برای او نیم ترکه است و پدرومادر میت راهریکی راازایشان یك ششم آنچه بگذاشته است هست اگر میت را فرزندی باشد، پس اگر اورافرزندی نباشد ووارث اوپدرو مادراوشوند پس مادرش رایك سوم ترکه هست[٦] پس اگر میت رابرادران باشند مادرش رایك ششم ترکه هست[٧] واین تقسیم بعد از ادای وصیتی که میت به آن فرموده یابعد از ادای دَین است[٨] نمیدانید که کدام یك از پدران شماو پسران شما نزدیك تراست برایتان درنفع رسانیدن، ازجانب خدا حصه معین کرده شد هرآئینه خدا دانای استوارکار هست.

(١) یعنی مردان وزنان هر دو حصه دارندازهر مال که باشد کم بودیابسیار درین آیه ردّ است براهل جاهلیت که زنان راحصه نمی دادند.

(٢) یعنی خویشان غیر وارث.

(٣) یعنی به طریق استحباب.

(٤) یعنی آنانکه اولاد داشته باشند به وجهی وصیت کنند که اولاد راضرر نرسدواین درشرع به مقدار یك سوم مال (درحدّ اکثرو) یاکمتر ازآن است والله اعلم.

(٥) مترجم گوید حکم دو دخترنیز ثلثان است والله اعلم.

(٦) یعنی ما بقی برای پدراست.

(٧) یعنی برادران و خواهران حصه مادر را ناقص می سازند اگر چه خود چیزی نیابندویك برادر ویك خواهر نیز ناقص می سازد والله اعلم.

(٨) یعنی اگر وصیت باشد ویا اگر وام باشد نخست به ادای وصیت ویا دین به پردازند.

﴿۱۲﴾ وشمارا نیمه آنچه بگذاشته اند زنان شما اگرنباشدایشان را فرزندی هست پس اگر ایشان را فرزندی باشدشمارا یك چهارم آنچه بگذاشته اند هست بعد از ادای وصیتی که به آن فرموده باشند یا بعد از ادای دَین وزنان را یك چهارم آنچه شمابگذاشتید اگر شمارا فرزندی نباشد هست پس اگر شمارا فرزندی باشد پس زنان را یك هشتم آنچه بگذاشته اید بعد از ادای وصیتی که به آن فرموده باشید یا ادای دَین هست واگر مرد مرده که ازوی میراث می خواهندیا زن مرده کلاله باشد[۱] واورا برادری هست یاخواهری[۲] پس برای هریك ازایشان یك ششم ترکه است پس اگراخیافیان بیشتر ازین باشند پس ایشان باهم در یك سوم ترکه بعد ازادای وصیتی که به آن فرموده شده یابعد از ادای دَین شریك اند به غیرآنکه ضرررساننده باشد[۳] ازجانب خدا حکم کرده شده است وخدا دانای بُردباراست. ﴿۱۳﴾ این همه حدهامقرر کردهٔ خداست وهر که خدا ورسول او را فرمانبرداری کند اورا به بهشت هایی که میرود زیرآنها جوی ها داخل می کند درآن جاویدان و این پیروزی بزرگ است. ﴿۱٤﴾ وهرکه نافرمانی خدا و رسول اورا کند واز حدهای مقرر کردهٔ او تجاوز کند اورا به آتش درآورد درآن جاویدان و برای او عذاب رسواکننده است.

(۱) ومعنی کلاله آن است که پدروفرزند وبرادروخواهرتنی (یعنی عینی) ندارد.

(۲) یعنی اخیافی.

(۳) یعنی وصیتی که زیادة ازثلث بود (ما زاد عن الثلث) اعتبار ندارد والله اعلم.

﴿۱۵﴾ آنانیکه زنامی‌کننداززنان شما پس برایشان چهارمرد ازجنس خویش[۱] گواه طلبید پس اگر گواهی دادند ایشان را درخانه ها محبوس کنید تاآنکه مرگ عمر ایشان را تمام کند یا خدای تعالی برای ایشان راهی[۲] مقرر کند. ﴿۱۶﴾ وآن دوکس که ازشما زنا می کنند پس ایشان را آزار دهید پس اگر توبه کردند ونیکوکاری پیش گرفتند، پس ازتعذیب ایشان اعراض کنید هرآئینه خدا توبه پذیر مهربان[۳] هست. ﴿۱۷﴾ جزاین نیست که وعده قبول توبه برخدالازم است برای آن کسان که معصیت را به نادانی میکنند بعد ازآن به زودی[٤] توبه می کنند پس آن گروه است که خداوند توبه وباز گشت آنان رامی پذیرد وخدا دانای استوارکار هست. ﴿۱۸﴾ ونیست (وعده قبول) توبه آن کسان را که معاصی را می کنند تاآنگاه که کسی را ازایشان مرگ پیش آید، گفت هرآئینه الآن من توبه کردم ونه آن کسان راست که کافر بمیرند این گروه برای ایشان عذاب درد ناك آماده ساختیم. ﴿۱۹﴾ ای مومنان برای شما حلال نیست اینکه زنان را میراث گیرید وایشان ناخوش باشند[۵] ومنع مکنید ایشان را[٦] تابدست آرید بعض آنچه ایشان را داده اید مگراینکه آنان دچار گناه آشکاری شوند (میتوان ایذا داد) و بازنان به وجه پسندیده زندگانی کنید زیرا که اگر ناپسندکنید ایشان را پس شاید که چیزی را ناپسند کنید و خدای تعالی درآن چیز خیربسیار پیدا کند.

(۱) یعنی از مسلمانان.

(۲) بعد از این آیة خدای تعالی راهی مقررکرد و آن رجم ثیب وجلد بکر است پس اکنون حکم حبس نیست والله اعلم.

(۳) این آیت مجمل است ودراحادیث آمده است که بِکر آزاد را صدتازیانه بایدزد وثیّب آزاد را سنگسار باید کرد وغلام راپنجاه تازیانه باید زد والله اعلم.

(٤) یعنی پیش ازحضور مرگ.

(۵) اهل جاهلیت زنان را نیزازجملهٔ میراث می دانستند ولی میّت ا گر می خواست به جبردر (نکاح خود) در می آورد واگر می‌خواست منع میکرد که بااجنبی نکاح کند تاآنکه مهر به او رد نماید حق تعالی این آیت فرستاد.

(٦) یعنی ازنکاح به هرکه خواهند.

﴿۲۰﴾ و اگر زنی را به جای زنی تبدیل کردن بخواهید و یکی راازایشان قنطاری[۱] داده باشید پس ازآن مال چیزی را برمگیرید آیا آن را به بهتان وگناه آشکار می گیرید. ﴿۲۱﴾ وچگونه می گیردآن را حال آنکه بعض شما به بعضی رسیده است[۲] و زنان ازشما عهد محکم را گرفتند[۳]. ﴿۲۲﴾ وازدواج مکنید کسی را که با او پدران شما اززنان ازدواج کرده باشند مگر آنچه گذشت (عفواست) هرآئینه این هست کاربد و مبغوض واین بدراهی است. ﴿۲۳﴾ مادران شما ودختران شماوخواهران شما و خواهران پدران شما وخواهران مادران شما ودختران برادر ودختران خواهر برشما حرام کرده شدند وآن مادران شماکه شمارا شیر داده اند[٤] وخواهران شما ازجهت شیرخوارگی ومادران زنان شما ودختران زنان شما که درکنار شما پروروش می یابند ازشکم آن زنان که شما به ایشان وطیٔ کردید پس اگروطیٔ نکرده باشید به ایشان پس هیچ گناه نیست برشما وزنان پسران شماکه ازپشت شماباشند[٥] وآنکه جمع کنید میان دوخواهر حرام کرده شد مگر آنچه گذشت (عفواست) هرآئینه خدا هست آمرزندهٔ مهربان.

(۱) یعنی مال بسیار درمهرداده باشید.

(۲) یعنی مباشرت کردید.

(۳) یعنی ایجاب وقبول به حضور شهود درمیان آمد.

(٤) یعنی دایه ها.

(٥) یعنی پسر خوانده نباشد.

﴿۲٤﴾ و زنان شوهردار حرام کرده شدند مگر آنچه دست های شما[۱] مالك اوشده است خدا برشما (این حکم) را مقرر داشته است و حلال کرده شد برای شما غیر از این همه محرمات (حلال کرده شد) که به اموال خویش عفت طلب کنان نه به شهوت رانی[۲] نکاح طلب کنید پس کسی که اززنان به او استمتاع کردید مهر مقرر کرده شده ایشان را به ایشان بپردازید[۳] و برشما گناهی نیست بعداز مهر مقرر در آنچه که بایکدیگر رضامند شدید (درکمی وبیشی مهر)[٤] هرآئینه خدا دانای استوارکار هست. ﴿۲٥﴾ وهر که ازشما ازجهت نا توانگری نتواند که زنانِ آزاد مسلمان را ازدواج کند پس بایدکه نکاح کند ازآنچه دست های شما مالك اوشده است (مراد کنیزکان شما اندکه مسلمان باشند) و خدا به ایمان شما داناتراست بعض شماازجنس بعض است[٥] پس کنیزکان را به اجازهٔ اهل ایشان ازدواج کنید و ایشان را مهر ایشان به خوش خویی بدهید درحالیکه عفیفه باشند نه زناکننده ونه دوست پنهانی گیرنده[٦] پس چون درحبالهٔ زوج آمدند ا گر زناکنند پس برایشان است ازعقوبت نیم مقدار آنچه برزنان آزاداست[۷] ازدواج کنیزکان برای کسی است ازشما که ازگناه بترسد وآنکه صبر کنید برای شما بهتر است خدا آمرزندهٔ مهربان است. ﴿۲٦﴾ خدا می خواهد که (احکام خودرا) برای شما بیان کند و شمارا راه های کسانیکه پیش ازشمابودند بنماید و برشما به رحمت بازگردد وببخشاید وخدا دانای استوار کاراست.

(۱) یعنی اگرزنی راااز دار الحرب اسیر کرده اند نکاح وتَسرّی اوصحیح بُوَد ولواینکه آنجاشوهر داشته باشد والله اعلم.

(۲) یعنی نکاح صحیح آن ست که مهرباشدو مؤبدباشدبه حسب ظاهر زیراکه چون حاجت جماع همیشه است واحصان بدون عقد مؤبّد حاصل نشود والله اعلم.

(۳) یعنی به جماع تمام مهر لازم میشود والله اعلم.

(٤) یعنی بعداز مقرر کردن مهر ا گر به تراضی زیاده یاکم کنید باك نیست والله اعلم.

(٥) یعنی کنیزکان نیزبنات آدم اند والله اعلم.

(٦) فارق درنکاح واتخاذ اخدان شرط شهوداست ودراحصان وسفاح مؤبد بودن عقد به حسب ظاهر والله اعلم.

(۷) یعنی پنجاه تازیانه وا گردر حباله زوج نباشدنیز عقوبت اوپنجاه تازیانه است زیراکه ذکر این قید به جهت نفی احتمال زیاده است واین معنی درحدیث مبین شده والله اعلم.

﴿۲۷﴾ وخدا می خواهد که برشما به رحمت بازگردد و آنانکه پیروی شهوات را می کنند می خواهند که کجروی کنید کجروی بزرگ. ﴿۲۸﴾ خدا می خواهد که ازشما سبك کند وانسان ناتوان آفریده شده است. ﴿۲۹﴾ ای مؤمنان اموال خودرا درمیان خویش به ناحق مخورید[۱] مگر اینکه آن (دادوستد) تجارت بین شما بعداز رضامندی یکدیگر باشد و مَکُشید خویشتن را هرآئینه خدا به شمامهربان هست. ﴿۳۰﴾ وهرکه به (غرض) تعدی وستم چنین کند پس به زودی به دوزخ درآریمش واین برخدا آسان است. ﴿۳۱﴾ ا گر ازکبایر منهیات اجتناب کنید ازشما گناهان صغیره شمارا نابود سازیم و شمارا به محل گرامی درآوریم[۲]. ﴿۳۲﴾ و مرتبه ای را که خداوند به آن بعضی را از شمابربعضی برتری داده آرزو مکنید، برای مردان هست بهره ای ازآنچه دریافت کرده اند وزنان راهست بهره ای ازآنچه دریافت کرده اند و ازدرگاه خدا ازبخشایش او به طلبید هرآئینه خدا به همه چیزدانا است. ﴿۳۳﴾ و برای هر چیزی ازآنچه گذا شته اند پدرومادروخویشان وارثان مقرر کردیم وکسانیکه ایشان را عهدهای شما (با آنان) مربوط ساخته است پس ایشان را بهرهٔ ایشان بدهید هرآئینه خدا برهمه چیز حاضر[۳] هست.

(۱) یعنی مال یك دیگر را بناحق نباید خورد.

(۲) گناه کبیره آنست که برآن حدمشروع شده باشد یا وعید دوزخ آمده یابه کفر مُسمّی شده در قرآن یا سنت صحیحه وهرکه از کبایر اجتناب کند صغایر اورا نمازوروزه وصدقه نابودمی سازد والله اعلم.

(۳) یعنی حلیف را رعایت کردن یا وصیت کردن میتواند وایشانرا درمیراث دخل نیست ومیراث برای اقربا مقرر کرده شده است والله اعلم.

﴿۳٤﴾ مردانِ (تدبیر کارکننده) برزنان تسلط دارند به سبب آنکه خدا بعض آدمیان را بر بعضی[۱] فضل نهاده است وبه سبب آنکه ازاموال خویش خرج کردند پس زنان نیکوکار فرمانبردارند، درغیبت مردان به نگاه[۲] داشت خدا نگاهدارنده اند[۳] وآن زنان که ازنافرمانی ایشان می‌ترسید پس ایشان را پند دهید و ایشانرا درخواب‌گاه ترك کنید[٤] وبزنید ایشان را پس اگر فرمانبرداری شماکردند پس برایشان راهی را جستجو مکنید[٥] هرآئینه خدا بلند مرتبهٔ بزرگ قدر هست. ﴿۳٥﴾ و اگر (ای حاکمان) اختلاف میان زن و شوهررا ترسیدید پس صلاح کاری ازخویشان مرد وصلاح کاری ازخویشان زن بر گزینید ا گر این صلاح کاران صلح را بخواهند البته خدا درمیان ایشان موافقت آرد هرآئینه خدا دانای آگاه هست. ﴿۳٦﴾ و خدارا بپرستید وچیزی را شریك او مقررمکنید وبه پدرو مادر نیکوکاری کنید وبه خویشان ویتیمان و گدایان و همسایهٔ خویشاوند وهمسایه بیگانه وبه هم نشین درکنارت نشسته (یعنی باهم نشته) وبه مسافر وبه آنچه دست شما مالك اوشد[٦] هرآئینه خدادوست نمیدارد کسی راکه متکبر خود ستاینده باشد. ﴿۳۷﴾ کسانیکه آنان بخل می کنند و مردمان را به بخل وادار می کنند و آنچه راکه خدا داده است ایشان را ازفضل خود می پوشند و برای کافران عذاب رسواکننده ای آماده ساخته ایم.

(١) یعنی به سبب آنکه مردان دراصل جبلت برتر وقوی ترانداززنان.
(٢) یعنی مال و آبرورا.
(٣) درین آیه بیان فرمودکه مردفرمان روا است به سبب فضل جبلی وبه سبب انفاق وزن صالحه کسی است که فرمانبرداری کند وحفظ مال ـ وآبرو ـ نماید والله اعلم.
(٤) یعنی مباشرت مکنید (یا درخو ابگاه ترك کنید وبا اونخوابید).
(٥) یعنی به حیله ایذادادن تجسس مکنید والله اعلم.
(٦) یعنی غلامان و کنیزکان.

﴿۳۸﴾ وآنان که اموال خودرا برای نمایاندن مردمان خرج می کنند ومعتقدنیستند به خدا ونه به روزقیامت وهرکه شیطان یار اوباشد پس وی بدیاری است. ﴿۳۹﴾ وبرایشان چه زیان بود اگر به خدا و روز آخر ایمان می آوردند و ازآنچه خداداده است ایشان را خرج می کردند وخدا به ایشان دانا است. ﴿٤۰﴾ هرآئینه خدا مقدار ذرّه ای ستم نمی کند و اگر آن عمل نیکی باشد چندبرابر کُنَدَش و ازنزد خود پاداش بزرگ می‌دهد. ﴿٤۱﴾ پس چگونه باشد حال آنگاه که ازهر قومی گواهی را بیاوریم وتورا براین امت گواه بیاوریم. ﴿٤۲﴾ آنروز آرزو کنند آنانکه کافر شدند ونافرمانی پیامبر کردند که کاش برایشان زمین هموار کرده شود[۱] وازخداهیچ سخنی را پنهان نکنند. ﴿٤۳﴾ اي مومنان به نماز نزدیك مشوید درحالی که شما مست باشید تاآنکه بدانید آنچه به زبان می گویید[۲] وبه نماز نزدیك مشوید درحال جنابت تاآنکه غسل کنید مگر آنکه مسافر باشید واگر بیمارباشید یا مسافر یا کسی ازشما ازجای قضاء حاجت بیاید یا مباشرت زنان کنید و آبی را نیابید پس به زمین پاك تیمم کنید پس به رویهای خویش ودست های خویش مسح کنید هرآئینه خداعفو کنندهٔ بخشاینده است. ﴿٤٤﴾ آیاندیدی[۳] کسانی راکه داده شده اند بهره ای ازکتاب (یعنی یهود) می ستانند گمراهی را ومی خواهند که شما (نیز) راه را گم کنید.

---

(۱) یعنی ازایشان نامی ونشانی نماند.

(۲) این حکم قبل ازتحریم خمر بود بعد ازان مستی کاملا حرام شد والله اعلم.

(۳) مترجم گوید که خدای عز وجل در ردّیهود وتعداد قبایح ایشان این آیات فرستاد.

﴿٤٥﴾ وخدا به دشمنان شما داناتراست وخدا دوست بس است وخدایاری دهنده کافی است. ﴿٤٦﴾ از یهود گروهی هستند که کلمه هارا از جایگاهشان تغییر می دهند ومی گویند[١] شنیدیم ونافرمانی کردیم ومی گویند «اسمع غیر مسمع وراعنا» سخن را به زبان خویش می‌پیچانند وطعنه می زننددردین واگر ایشان می گفتند شنیدیم و فرمانبرداری کردیم وبه جای ﴿وَٱسۡمَعۡ غَيۡرَ مُسۡمَعٖ﴾ اسمع می گفتند وبه جای «راعنا» انظرنا هر آئینه ایشان را بهتر ودرست تر می‌بود ولیکن خدا ایشان را به سبب کفر ایشان لعنت کرده است پس مگراندکی ایمان نمی آرند[٢]. ﴿٤٧﴾ ای اهل کتاب به آنچه فرودآوردیم، باور کنندهٔ آنچه باشمااست ایمان آرید پیش ازآنکه محوکنیم صورت هایی را پس بگردانیمش بر پشت سر یا ایشان را لعنت کنیم چنانکه اهل شنبه را لعنت کردیم ارادهٔ خدا شدنی است. ﴿٤٨﴾ هر آئینه خدا نمی آمرزد اینکه به او شرك آورده شود وغیر از آن را برای هرکس که خواهد می آمرزد وهر که به خدا شرك ورزد هر آئینه گناهی برزگ را افترابسته است. ﴿٤٩﴾ آیا به سوی کسانیکه ستایش می کنند خودرا ندیدی؟ بلکه خدا ستایش می کند هرکه راخواهد و مقدار رشته ای ستم کرده نخواهند شد. ﴿٥٠﴾ ببین چگونه دروغ را برخدا می بندند واین گناه آشکار او را بس است[٣]. ﴿٥١﴾ آیاندیدی به سوی کسانیکه بهره ای ازکتاب داده شدند به بت و معبود باطل ایمان می آورند ومی گویند درحق مشرکان که ایشان از مسلمانان راه یابنده تراند[٤].

(١) یعنی به زبان حال.

(٢) مترجم گوید پیچانیدن سخن آنست که سَب وفحش راچنان درکلام خلط می کنند که کسی نشناسد ﴿وَٱسۡمَعۡ غَيۡرَ مُسۡمَعٖ﴾ دومعنی دارد یکی آنکه بشنو در حالتیکه معظم ومحترمی وکسی باتوخلاف رضای تونتواند گفت دیگرآنکه بشنودر حالتی که محقری وکسی بتوسخن نمی گوید وراعنا نیزدو معنی دارد یکی آنکه رعایت کن ما رادیگر احمق رعونت دارنده غرض ایشان سَب بود کلمهٔ محتمل معنیین می گفتند والله اعلم.

(٣) یعنی می گویند که بنی اسرائیل برگزیدگان خدایند ایشان را عذاب نخواهد شد مگر چند روزی.

(٤) درین آیت تعریض است به آن که یهود روزاحزاب مددکار مشرکان شدند.

﴿٥٢﴾ ایشان آن گروه اند که خدا ایشان را لعنت کرد وهرکه خدا لعنت کندش پس برای او یاری دهنده ای نخواهی یافت. ﴿٥٣﴾ آیا ایشان راهست بهره ای ازپادشاهی پس آن هنگام به مردمان مقدار نقیری[١] ندهند. ﴿٥٤﴾ آیا برمردمان بر آنچه ایشان را خدای تعالی ازفضل خوددداداست حسدمی کنند پس هر آئینه ما آل ابراهیم را کتاب ودانش دادیم و ایشان را پادشاهی بزرگ دادیم. ﴿٥٥﴾ پس ازکفار کسی هست که ایمان آورد به آن کتاب و ازایشان کسی هست که ازآن باز داشت شد ودوزخ آتش افروخته (برای آنان) بس است. ﴿٥٦﴾ هر آئینه کسانی که به آیاتِ ما کافر شدند زود ایشان را به آتش درآوریم هرگاه که پخته گرددپوستهای ایشان به عوض برای ایشان پوستهای دیگر غیرازآن پیداکنیم تابچشند عذاب را هر آئینه خدا غالب استوارکار است. ﴿٥٧﴾ وکسانیکه ایمان آورده اند وکارهای شایسته کرده اند زود ایشان را به بوستانهایی که میرود زیرآنها جوی ها درآوریم جاویدان آنجاهمیشه، برای ایشان در آن‌جا زنانِ پاك کرده شده هست و ایشان را بسایه نیك (یعنی راحت تمام) درآوریم. ﴿٥٨﴾ هر آئینه خدا شمارا می فرماید که امانت هارا به اهل آن اداکنید ومیفرماید که به راستی حکم کنید میان مردمان چون حاکم شوید هر آئینه نیکو چیز یست آنچه خدا شمارا به آن پندمیدهد هر آئینه خدا شنوای بینا هست[٢]. ﴿٥٩﴾ ای مومنان خدارا فرمانبرداری کنید و پیامبررا فرمانبرداری کنید وفرمان روایان راازجنس خویش پس اگر در چیزی اختلاف کنید پس اورا به سوی خداو پیامبر اگر اعتقاد دارید به خدا وروز آخرت برگردانید این به اعتبار عاقبت بهتر ونیکوتر[٣] است.

(١) نقیر گودِی کوچکی است که برپشت خسته خرما می باشد، [یعنی به مردم هم و زن کمترین ذره ای نمیدهند].

(٢) درین آیه اشاره است بقصه عثمان حجبی که مفتاح کعبه ازدست وی گرفتند ومردمان آن رااز حضرت پیامبر صلی الله علیه وسلم طلب کردند آن حضرت قبول ننمود وبه عثمان تحویل داد.

(٣) مردم ضعیف الإیمان درخلاف هوای نفس به حکم شرع راضی نمی شدند و گاهی به کاهنان و رئیسان کفر رجوع می کردند چون آن حضرت ایشان را براي معنی تعزیر یاتهدید فرمود سوگند خوردند که مخالفت آن حضرت مقصود ما نبود خدای تعالی درین باره آیات فرستاد.

﴿٦٠﴾ آیاندیدی به سوی کسانیکه گمان می کنند که به آنچه به سوی تونازل کرده شده است وبه آنچه پیش ازتونازل کرده شد ایمان آوردند، می خواهند که قضایای خویش را به طاغوت برند حال آنکه فرموده شد ایشان را که منکر او شوند و شیطان می خواهد که گمراه سازد ایشان راگمراهی‌دور. ﴿٦١﴾ وچون گفته شود به ایشان به سوی آنچه نازل کرده است خدا وبه سوی پیامبر بیایید می بینی منافقان را که ازتو سخت روی بر می تابند. ﴿٦٢﴾ پس چه حال است آنگاه که به ایشان مصیبتی برسد به سبب آنچه دستهای ایشان پیش فرستاده است پس بیایندنزد تو درحالیکه به خدا قسم می خورند که مگر نیکوکاری وموافقت کردن را[1] نخواسته بودیم. ﴿٦٣﴾ این گروه آنانندکه خدا می داند آنچه دردل های ایشان است پس ازایشان اعراض کن[2] و ایشان را پنددِه و به ایشان سخنی مؤثر در دلهای ایشان بگو. ﴿٦٤﴾ ونفرستادیم هیچ پیامبری را مگر برای آنکه به حکم خدا اطاعت کرده شود واگر این جماعت نزد تو می آمدند وقتیکه برخویشتن ستم کردند پس ازخدا آمرزش طلب می کردند وبرای ایشان پیامبر آمرزش طلب می کرد هر آئینه خدارا توبه پذیر مهربان می یافتند. ﴿٦٥﴾ پس قسم به پروردگار توکه ایشان مسلمان نباشند تاآنکه داور کنند تورا دراختلافی که میان ایشان واقع شد باز در دلهای خویش تنگی ازآنچه حکم فرمودی نیابند وکاملا گردن نهند.

(١) یعنی مردمان خصوم.
(٢) یعنی ازقتل ایشان.

﴿٦٦﴾ واگرما برایشان می‌نوشتیم[۱] که خویشتن رابکشیدیا ازخانه های خویش بیرون شوید این کار را ازایشان مگر اندکی نمی کردند واگر می کردند آنچه به آن پندداده می شدند هر آئینه ایشان را بهتر بودی ومحکم تردر استواری دین. ﴿٦٧﴾ وآنگاه البته ایشان را ازنزد خویش پاداش بزرگ می دادیم. ﴿٦٨﴾ و ایشان را به راه راست هدایت می کردیم. ﴿٦٩﴾ وهرکه خدا و رسول را فرمان برد پس این جماعت همراه آن کسانند که خدابرایشان انعام کرده است ازپیامبران وصدّیقان وشهیدان وصالحان و آنهاازجهت رفاقت چه خوبند. ﴿٧٠﴾ این بخشایش ازخدااست و خدا دانا[۲] بس است. ﴿٧١﴾ ای مسلمانان سلاح خود را برگیرید پس بیرون روید گروه گروه یا همگی باهم بیرون روید. ﴿٧٢﴾ وهر آئینه بعضی از شما آنست که درنگ می کند پس اگر به شمامصیبتی برسد گوید خدا برمن انعام کرد چون باآنان حاضر نبودم. ﴿٧٣﴾ واگر به شمانعمتی از خدا برسد البته گوید گویاهرگز میان شما ومیان او دوستی ای نبوده است کاش می بودم باایشان پس مطلب بزرگ را می یافتم. ﴿٧٤﴾ پس باید که درراه خدا آن مومنان که می فروشند زندگانی دنیارا به آخرت جنگ کنند وهرکه جنگ کند درراه خدا پس کشته شودیاغالب آید به زودی پاداش بزرگ را به اومیدهیم.

(۱) یعنی واجب میکردیم.

(۲) مترجم گوید مردم ضعیف الاسلام دراول اسلام که جهاد فرض نشده بود دعوت اسلام قبول نمودندو چون جهاد فرض شد ازآن عقب نشینی کردند وازبعضی کلمات منافقانه سربر می زدو بعضی بامخالفین همزبان شده خلاف رضای آن حضرت رای مي دادند خدای تعالی درین باره آیات فرستاد.

﴿٧٥﴾ وچیست شمارا که درراه خدا جنگ نمی کنید و(برای رهایی) بیچارگان از مردان وزنان وکودکان[۱] آنانکه می گویند ای پروردگار مابیرون آورمارا ازین دِه که اهل آن ستمکاراند و برای ما از نزد خود کارسازی مقرر کن و برای ما از نزد خودیاری دهنده ای مقرر کن. ﴿٧٦﴾ مومنان درراه خدا می جنگند وکافران درراه معبود باطل می جنگند پس جنگ کنید بادوستانِ شیطان هر آئینه حیلهٔ شیطان سست است. ﴿٧٧﴾ آیاندیدی به سوی کسانیکه ایشان را گفته شد دستهای خود را بازدارید[۲] ونماز را برپاکنید و زکوٰة را بدهید[۳] پس چون جنگ نوشته شد برایشان ناگاه گروهی ازایشان ازمردمان می ترسند مانند ترسیدن از خدا یابیشتر وگفتند ای پروردگارماچرا برماکارزاررا نوشتی چرا تازمانی نزدیك به ما مهلت ندادی؟ بگوبهره مندی دنیا اندك است وآخرت بهتر است کسی را که پرهیز گاری کند و مقدارِ رشته ای ستم کرده نخواهید شد. ﴿٧٨﴾ هر جاکه باشید مرگ شمارا درمی یابد واگرچه درمحل های محکم باشید واگر به ایشان نعمتی برسد گویند این از نزد خداست واگر به ایشان شدّتی برسد (یعنی سختی) گویند یا محمد این ازنزد تست بگوهمه ازنزد خدا است پس چه حال است این قوم را نزدیك نیستند که سخنی را بفهمند. ﴿٧٩﴾ آنچه به تو ازنعمت رسید پس ازخداست وآنچه به تو از گزند رسید پس ازنزد نفس تست و تورا برای مردمان پیامبر فرستادیم وخدا حاضر وگواه بس است.

---

(۱) یعنی گرفتاران به دست کفار.
(۲) یعنی جنگ مکنید.
(۳) یعنی پس قبول کردند.

﴿۸۰﴾ هرکه پیامبر را فرمانبرداری کند پس هر آئینه فرمانبرداری خدا کرد وهر که اعراض کرد پس تورا برایشان نگهبان نفرستادیم[۱]. ﴿۸۱﴾ ومی گویند فرمانبرداری (دردل مان داریم) پس چون گروهی از ایشان ازنزد تو به وقت شب بیرون روند رای زنند غیر آنچه تومی فرمایی وخدامی نویسد (یعنی درنامهٔ اعمال) آنچه شب می گویند پس ازایشان اعراض کن و بر خدا توکل نما وخدا کارسازنده بس است. ﴿۸۲﴾ آیا قرآن را تدّبر نمی کنند و اگر ازنزد غیر خدا می بود البته دراواختلافی بسیار می یافتند. ﴿۸۳﴾ ووقتیکه بیاید نزد ایشان خبری ازایمنی یاترس آن را مشهور سازند واگر آن را به سوی پیامبر وبه سوی فرمان روایان ازاهل اسلام برمیگردانیدند هر آئینه می یافتند مصلحت آن خبررا ازایشان آنانکه میتوانند بر آوردن مصلحت را واگر نمی بود برشما بخشایش خدا ورحمت اوالبته شما شیطان را پیروی می کردید مگر اندکی. ﴿۸٤﴾ پس جنگ کن (یا محمد) درراه خدا برتو مؤاخذه نیست مگراز ذات توو مسلمانان را رغبت دِه[۲] نزدیك است که خدا جنگ کافران را موقوف سازد وخدا به اعتبار جنگ سخت تراست و به اعتبار عقوبت سخت تراست.
﴿۸۵﴾ هرکه شفاعت کند شفاعتی نیك اورابهره ای ازثواب آن باشد وهر که شفاعت کند شفاعتی بد اورا حصه ای از عذاب آن باشد و خدا برهمه چیز توانا هست[۳]. ﴿۸٦﴾ وچون به سلامی تعظیم کرده شوید پس تعظیم کنید بکلمه ای بهترازآن یا مانند همان کلمه جواب دهید هر آئینه خدابرهمه چیز حساب گیرنده هست.

(۱) یعنی این کلمه حق است که خیرازجانب خدا است وشراز جانب بنده لیکن مقصود این مردم ازین کلمه درست نیست وآن اینست که جهاد باجمیع قبائل عرب معقول نیست پس اگر فتح باشد بسی نعمتی غیر مترقب است واگر هزیمت باشد موافق حال این تدبیراست وچون جهاد به امرالهی است همه خیراست عقل را درآن دخل دادن صحیح نباشد والله اعلم.
(۲) یعنی برتو رغبت دادنست وبس ا گر همراهی نکنند برتو مؤاخذه نیست والله اعلم.
(۳) یعنی مثلاً سفارش گدای را به تَوَانگری تا اورا چیزی بدهدنیك است وسفارش برای سارق تادست اونبُرند درست نیست.

﴿۸۷﴾ بجز خدا هیچ معبود برحقی نیست البته شمارا به روزقیامت که هیچ شکی نیست درآن گرد خواهم آورد وکیست ازخدادرسخن راست گوتر[۱]. ﴿۸۸﴾ پس چیست شمارا ای مسلمانان درباره تملق کنندگان دو گروه شدید[۲] وخدا ایشان را به شومی آنچه کردند نگونسارساخت آیا می خواهید که راه نمایید (یعنی ازجمله راه یابان شمارید) کسی راکه خدا اورا گمراه ساخت وهرکه را خداگمراه کند برای اوهیچ راهی نیابی. ﴿۸۹﴾ این تملق کنند گان آرزو کردند که شما نیز کافر شوید چنانچه ایشان کافر شدند پس برابر باشید پس هیچکس را ازیشان دوست مگیرید تاآنکه در راه خدا هجرت کنند[۳] پس اگر اعراض کردند (یعنی ازاسلام وهجرت) پس ایشان را اسیر گیرید وهرجا که یابید ایشان را بکشید و کسی راازا ایشان دوست ویار مگیرید. ﴿۹۰﴾ (اسیر گیریدوبکشید) مگر آنان را که پیوند دارند باگروهی که میان شما ومیان ایشان عهد است یابیایند نزد شما حال آنکه تنگ آمده است سینه های ایشان ازآنکه بجنگند باشمایا باقوم خویش بجنگند[٤] واگرخدامی‌خواست هر آئینه ایشان را برشما مسلط می ساخت پس باشما می‌جنگیدند پس اگراین فریق یکسوشوند ازجانب شماو نجنگند باشماو بیفگنند به سوی شماپیغام صلح را پس خداوند برضدایشان راهی را دراختیار شما نگذاشته است[٥]. ﴿۹۱﴾ خواهید یافت قومی را که ازشما می خواهند ایمن شوند وایمن شوندازقوم خود هر گاه بازگردانیده می شوند به سوی فتنه انگیزی نگونسارانداخته شونددرآن[٦] پس اگر یکسونشوندازجنگ شماونیفگنند به سوی شما پیغام صلح را و دستهای خویش را بازندارند پس ایشان را اسیر گیرید وبکشید هرجاکه ایشان را یابید واین گروه شمارا برایشان تسلط کامل بخشیده‌ایم.

(۱) مترجم گویدخدای تعالی بیان می فرماید که به تملقِ کفار اعتمادنبایدکرد.
(۲) یعنی بعضی به تملق فریفته شدند وبعضی نشدند ومی بایست که همه به اتفاق فریفته نمی شدند والله اعلم.
(۳) یعنی مسلمان شوند وهجرت کنند.
(٤) مترجم گوید و کسی که ایمان آوردوهجرت نکندحکم اوبه طریق اولی فهمیده شد والله اعلم.
(٥) یعنی اگراسلام آورند وهجرت کنندایشان را دوست باید گرفت واگر اسلام نیاورندمی باید کشت مگرآنکه پیمان داشته باشند وثابتانرا برعهدوحلفای معاهدان رابه هیچ وجه نتوان ایذاداد والله اعلم.
(٦) صلح می کنند وباز نقض عهد می نمایند والله اعلم.

﴿۹۲﴾ و[1] نسِزَدمسلمانی را که مسلمانی را بکشد مگر آنکه قتل به خطأ واقع شود (یعنی به غیر قصد) وهرکه مسلمانی را به خطأ بِکُشَد پس لازم است آزادکردن برده مسلمان وخون بها به خانواده مقتول سپرده شود مگر آنکه ازآن درگذرند پس اگر مقتول از گروه دشمنانِ شما باشد واومسلمانست پس لازم است آزادکردن بردهٔ مسلمان[2] واگر باشد مقتول ازقومی که میان شماوایشان عهداست[3] پس لازم است خون بها به خانواده او سپرده شود وآزاد کردن بردهٔ مسلمان پس هرکه برده ای را نیابد پس لازم است روزه داشتن دوماه پی درپی (قانونگذاری در کفاره) به جهت قبول توبه ازجانب خدا است و خدادانای استوارکار هست[4]. ﴿۹۳﴾ وهرکه مسلمانی را به قصد بِکُشَد پس جزای او دوزخ است جاویدباشدآنجا وبراوخدا خشم گرفته است و اورا لعنت کرد و برای اوعذابی بزرگ آماده ساخته است. ﴿۹٤﴾ ای مسلمانان چون درراه خدا سفر کنید (یعنی برای جهاد) پس به خوبی بررسی کنید ومگویید کسی را که به سوی شماسلام انداخته است (یعنی اظهاراسلام کرده‌است) مسلمان نیستی متاع زندگانی دنیا را می طلبید پس نزد خداغنیمت های بسیاراست پیش ازین هم چنین بودید پس خدا برشما انعام کرد پس درست بررسی کنید هر آئینه خدا به آنچه می کنیدآگاه هست.

---

(۱) مترجم گوید خدای تعالی احکام قتل خطأ بیان می فرماید وآنکه امتناع از قتل کسیکه به کلمهٔ اسلام متکلم شدواجب است وفضل مجاهدان ووجوب هجرت ازدارکفر به داراسلام و کیفیت نمازسفر ونمازخوف بیان می کُند والله اعلم.

(۲) یعنی مقتول مسلمان اگر ازساکنان دارالحرب باشد دیت لازم نیست والله اعلم.

(۳) یعنی و او مومن باشد.

(٤) جمهور مفسرین تفسیر ﴿وَإِن كَانَ مِن قَوۡمِۭ بَيۡنَكُمۡ وَبَيۡنَهُم مِّيثَٰقٞ﴾ درمقتول کافر کردندبه ملاحظهٔ آنکه توارث درمیان مومن وکافر منقطع است وسبیل دیت سبیل میراث است واین بندهٔ ضعیف می گوید تمهید مسئله به ﴿وَمَا كَانَ لِمُؤۡمِنٍ أَن يَقۡتُلَ مُؤۡمِنًا إِلَّا خَطَـٔٗا﴾ وتقید به «وهو مؤمن» درنظیر ما نحن فیه ظاهر است درآنکه اینجاقید ایمان معتبر است ولزوم دیت به جهت وفابه عهدست نه برسبیل میراث ونظیرش وجوب مهرست درمسئله مؤمنه ازقوم متعاهدین درسوره ممتحنه والله اعلم.

﴿٩٥﴾ برابرنیستند نشینندگان غیر معذور ازمسلمانان و درراه خدای تعالی به مالهای خویش وجانهای خویش جهاد کنندگان، خدا مجاهدان را به مالهای وجانهای خویش برنشینندگان درمرتبه برتری داده است وهریکی را خدا وعده بهشت را داده است وافزون داده است خدا مجاهدان را به نسبت نشینندگان پاداش بزرگ[1]. ﴿٩٦﴾ (آنان رابه) مرتبه هاازجانب خویش وآمرزش وبخشایش افزون داده است و خدا آمرزندهٔ مهربان هست. ﴿٩٧﴾ هر آئینه آنانکه فرشتگان قبض ارواح ایشان کردند درحالتیکه آنان نسبت به خویشتن[2] ستمکار بودند فرشتگان به ایشان گفتند شما درچه حال بودید گفتند درزمین مستضعف بودیم گفتند آیا زمین خدا فراخ نبود تا درآن هجرت می کردید؟ پس آن جماعت جای ایشان دوزخ است وآن بدجایی است. ﴿٩٨﴾ مگر آنانکه به حقیقت بیچاره اند ازمردان وزنان وکودکان هیچ چاره نمی توانند وهیچ راه نمی یابند. ﴿٩٩﴾ پس آن جماعت نزدیك است که خدا ازایشان عفو کند و خدا عفو کنندهٔ آمرزنده است. ﴿١٠٠﴾ وهرکه ترك وطن کند درراه خدا بیابد درزمین اقامت گاه بسیارو فراخی معیشت وهرکه بیرون رود ازخانهٔ خود هجرت کنان به سوی خدا و پیامبراو وسپس دریابد اورا موت[3] پس به تحقیق که مزد اوبر خدا ثابت شد و خدا آمرزندهٔ مهربان است. ﴿١٠١﴾ وچون درزمین سفرکنید پس برشما گناهی نیست درآنکه قدری ازنمازرا قصر کنید اگر بترسید ازآنکه شما را کافران دربلاافگند هر آئینه کافران دشمن آشکار شما هستند[4].

(١) فائده قید غیراولی الضرر آنست که دراولی الضرراین حکم مطرد نیست بلکه جمعی باشند ازاولی الضرر که نیت صحیحه دارند ثواب عمل کامل یابند والله اعلم.

(٢) یعنی به ترك هجرت از دار الحرب به دار السلام وبه تکثیر سواد کفار والله اعلم.

(٣) یعنی درراه قبل از وصول به مقصد.

(٤) مترجم گوید مشهور آن است که این آیت درصلوٰة مسافر نازل شده است وخوف قید اتفاقی است و آنچه نزدیك این بنده رجحان یافته است آنست که این آیت درصلوٰة خوف نازل شده است وسفرقیداتفاقیست ومراد از قصر درکیفیت رکوع وسجود است که بایمای ادا میتوان کرد نه درکمیت رکعات والله اعلم.

﴿١٠٢﴾ وچون درمیان مؤمنان باشی[١] پس برای ایشان نمازرا برپاکردی پس باید گروهی ازایشان باتو بایستد وبایدکه سلاح های خویش را برگیرند پس چون آنان سجده کردند پس بایدکه پشت سرشما باشند[٢] وبایدکه آن گروه دیگرکه هنوز نمازنخوانده اند بیاید پس با تو نماز گذارند وبایدکه حذر[٣] وسلاح خود را بگیرند آرزو کردندکافران که ای کاش غافل شوید ازسلاح های خویش و متاع های خویش پس برشما یك باره حمله کنند و برشما هیچ گناه نیست اگر شما را رنجی باشد ازباران یا بیمارباشید درآن که سلاح های خویش را به نهید والبته حذر خود را بگیرید هر آئینه خدا برای کافران عذاب رسواکننده آماده کرده است[٤]. ﴿١٠٣﴾ پس چون نماز تمام کردید پس خدا را ایستاده ونشسته وبرپهلوهای خویش یاد کنید پس چون (آسوده خاطر) مطمئن شدید نمازرا برپا کنید[٥] هر آئینه نمازبرمومنان به وقت معین کرده شده فرض هست. ﴿١٠٤﴾ وسستی مکنید درجستجوی کفار اگر شمادردمند می شوید پس ایشان نیزدردمند می شوند چنانکه شما دردمند می شوید و شما از خدا امید دارید آنچه ایشان را امید نیست و خدا دانای استوارکار هست. ﴿١٠٥﴾ هر آئینه[٦] ما به سوی توکتاب را به راستی فرود آوردیم تاحکم کنی میان مردمان به آنچه توراخدا شناسانده است ومباش برای حمایت خیانت کنند گان خصومت کننده.

---

(١) یعنی وقت خوف.

(٢) یعنی در مقابل عدو.

(٣) وحذر خود وزره وسپرراگویند.

(٤) مترجم گوید این را صورتها است یکی آنکه امام دوبارنماز گذارد یك بار به این جماعت ودیگربار به آن جماعت دیگر آنکه امام بایك جماعت یك رکعت گذارد ودرقیام توقف کند تا آنکه رکعت دیگر خوانده مقابل عدو روند آن جماعت دیگرآمده اقتدا به امام کنند و رکعت دیگر به آن جماعت خواند درتشهد چندان توقف کند که ازرکعت دوم فارغ شوند آنگه به ایشان سلام دهد این هردوباصورتهای دیگرهمه صحیح وثابت است وهمه محتمل آنست والله اعلم.

(٥) یعنی به طریق نمازامن والله اعلم.

(٦) مترجم گوید مردم ضعیف الاسلام اگر کسی ازایشان مرتکب گناهی می شد برای وی حیله ها بافته پیش آن حضرت بوجهی اظهار میکردند که براءت اوبخاطر مبارك می رسید وبایکدیگر خلوت کرده رازها بخلاف رضای شریف درمیان می آوردند خدای تعالی آیات فرستاد.

﴿١٠٦﴾ و ازخدا آمرزش خواه هر آئينه خدا آمرزندهٔ مهربان هست. ﴿١٠٧﴾ واز کسانيکه به خود خيانت می کنند خصومت مکن هر آئينه خدا کسی را که خيانت کنندهٔ گنهکار باشد دوست نمی دارد. ﴿١٠٨﴾ (گناهانشان را) ازمردمان پنهان می کنند حال آنکه ازخدا نتوانند پنهان دارند واوبا ايشان است آنگاه که به شب مشورت ميکنند آنچه خدا ازتدبير نمی پسندد و خدا به آنچه ميکنند در بر گيرنده هست. ﴿١٠٩﴾ آگاه باشيد شمااى قوم که دفاع می کرديد از خيانت کنندگان درزندگانی دنيا پس کيستکه از ايشان نزد خدا روزقيامت دفاع کند ياکيست که برايشان کارسازنده باشد. ﴿١١٠﴾ وهرکه کاربد انجام دهد يا بر خويش ستم کند باز ازخدا آمرزش طلبد خدا را آمرزندهٔ مهربان بيابد. ﴿١١١﴾ وهرکه گناهی بکند پس جزاين نيست که آن را برجان خويش می کند و خدا دانای استوارکار هست. ﴿١١٢﴾ وهرکه خطايی بکند يا گناهی ازاوسرزند باز به آن بيگناهی را تهمت زند پس برخود افترا وگناه ظاهررا برداشت. ﴿١١٣﴾ وا گر فضل خدا وبخشايش او برتو نمی بود گروهی ازايشان قصد کرده بودند که تورا گمراه کنند و گمراه نمی کنند مگر خويشتن را وهيچ ضرری به تو نرسانند و خدا برتو کتاب ودانش نازل کرد و تورا آنچه نمی دانستی آموخت و فضل خدا برتو بس بزرگ است.

﴿١١٤﴾ نیست خوبی دربسیاری ازمشورت پنهانی ایشان لیکن خوبی درمشورت کسی است که به صدقه یا به کار پسندیده یا به صلاح کاری میان مردمان می فرماید وهرکه به طلب خوشنودی خدا این کند پس به زودی پاداش بزرگ بدهیمش. ﴿١١٥﴾ وهرکه مخالفت پیامبر کند بعد ازآنکه اورا هدایت معلوم شد و غیر راه مسلمانان را پیروی کند متوجه بکنیمش به آنچه روی کرده[١] وبه دوزخ درآریمش واوبدجایی است. ﴿١١٦﴾ هر[٢] آئینه خدا نمی آمرزد آنکه شریك به اومقرر کرده شود و غیر شرك را برای هرکس که خواهد می آمرزد وهرکه باخدا شریك مقرر کند پس به یقین گمراه شد گمراهی دور. ﴿١١٧﴾ مشرکان بجز خدا مگربتانی راکه بنام دختران مسمی کرده اند نمی پرستند و مگر شیطان دوررفته ازحد را نمی پرستند. ﴿١١٨﴾ خدا اورا لعنت کرد و شیطان گفت ازبندگان توحصه ای که در علم ازلی معین شده بگیرم. ﴿١١٩﴾ والبته ایشان را گمراه کنم والبته ایشان را درآرزوی باطل افکنم والبته ایشان را بفرمایم تا گوش چهارپایان را بشگافند والبته بفرمایم ایشان را تا آفرینش خدا را تغییر دهند[٣] وهرکه شیطان را به جای خدا دوست گیرد پس زیان کارشد زیان ظاهر. ﴿١٢٠﴾ ایشان را وعده می‌دهد وایشان را درآرزو می افکند و ایشان را شیطان وعده نمی دهد مگر به فریب. ﴿١٢١﴾ آن جماعت جای ایشان دوزخ است و ازآن راه نجاتی نیابند.

(١) مترجم گوید یعنی قوت دل بیفزایم.

(٢) مترجم گوید ازینجا تغلیظ تحریم شرك می فرماید.

(٣) مترجم گوید یعنی مانند خصی کردن و سوزن زدن بربدن تاسرخ یاکبود گردانند والله اعلم.

﴿١٢٢﴾ وآنانكه ايمان آوردند وكارهاى شايسته كردند ايشان را به بوستانهايى كه مى رود زيرآنها جويها درآوريم جاويدان آنجا هميشه خدا به راستى وعده كرده است وكيست راست گوتراز خدا درسخن . ﴿١٢٣﴾ كاربه وفق آرزو هاى شما ونه به وفق آرزو هاى اهل كتاب نيست هركه كاربدبكند به او جزا داده خواهد شد و براى خود غيراز خدا هيچ دوستى ونه يارى دهنده اى نيابد. ﴿١٢٤﴾ وهركه ازكار هاى شايسته بكند مرد باشد يا زن درحاليكه اومسلمان باشد پس آن جماعت به بهشت درآيند و مقدار نقيرى(١) ستم كرده نشوند. ﴿١٢٥﴾ وكيست نيكوتر به اعتبار دين ازكسى كه روى خودرا براى خدا تسليم ساخت و اونيكو كاراست وپيروى كرد ملت ابراهيم رادر حالتى كه حنيف بود وخدا ابراهيم را دوست گرفت. ﴿١٢٦﴾ وخدا راست آنچه درآسمان هاست وآنچه درزمين است و خدا به همه چيزدر برگيرنده است. ﴿١٢٧﴾ و ازتودرباره زنان طلب فتوى مى كنند(٢) بگو خدا شما را درباره زنان فتوىٰ ميدهد وآنچه خوانده مى شود برشما در كتاب نازل شده است درحق آن زنان يتيمه كه نمى دهيدايشان را آنچه براى ايشان فرض كرده شده است ورغبت مى كنيد كه ايشان را به نكاح در آوريد(٣) ونازل شده است درباره بيچاره گان ازكودكان وحكم است به آنكه به انصاف تعهدحال يتيمان كنيد وهرآنچه مى كنيدازنيكويى خدا به آن دانا هست(٤).

---

(١) يعنى كمترين ذره اى ستم نبينند، نقير گودى كوچكى است بريشت هسته خرما، مصحح.

(٢) يعنى چه نوع با ايشان معامله بايدكرد والله اعلم.

(٣) درنكاح زنان يتيمه رغبت مى كردند به سبب براعت جمال وحداثت سن در اداى نفقه ومهر كوتاهى مى نمودند والله اعلم.

(٤) جواب اين استفتاء تفصيلى داشت پس خداى تعالى بعضى مسائل را حواله فرمودبه آيات سابقه وآن مسئله تحريم ظلم بر يتامى النساء است وبعضى را اينجا جواب داد وآن مسئله نشوزوتحريم ميل كلّى بيك زن واعراض اززن ديگر واباحه طلاق درصورت ضرورت والله اعلم.

﴿١٢٨﴾ اگرزنی ازشوهرش سرکشی یا روگردانی را بترسد پس برایشان گناهی نیست درآنکه به خوبی صلح (وآشتی) درمیان خویش برقرارسازند وصلح کاری بهتراست، ونفسها به نزدیك بخل حاضر کرده شده اند[١] واگر نیکوکاری وپرهیزگاری کنید پس هر آئینه خدا به آنچه می کنید دانا هست. ﴿١٢٩﴾ و نتوانید هرگز عدل کردن میان زنان اگرچه نهایت رغبت کنید پس باری کجی مکنید تمام کجی تا آنکه بگذارید آن زنان را مانند معلقه[٢] واگر صلاح کنید وپرهیزگاری نمایید پس هر آئینه خدا آمرزندهٔ مهربان هست. ﴿١٣٠﴾ و اگر مرد وزن ازیکدیگر جدا شوند خدای تعالی هریکی را ازتوانگری خود کفایت کند خدا جواد استوارکار است. ﴿١٣١﴾ وخدای راست آنچه درآسمان هاست وآنچه درزمین است وهر آئینه آنان را که داده شدند کتاب پیش ازشما وشما را نیز حکم فرمودیم که ازخدا بترسید و اگر کافر شوید پس هرآئینه خدا راست آنچه درآسمان هاست وآنچه درزمین است و خدا توانگر ستوده شده هست. ﴿١٣٢﴾ وخدا راست آنچه درآسمان هاست وآنچه درزمین است وخدا کارسازبس است. ﴿١٣٣﴾ اگر خدا خواهد ای مردمان شما را دورکند و دیگران را به وجود آورد و خدا براین کار توانا هست. ﴿١٣٤﴾ هرکه طالب جزای دنیا باشد (یعنی جزای عمل دردنیا طلب کند) پس نزد خدا ثواب دنیا وآخرت است وخدا شنوا و بیناست[٣].

(١) یعنی ازبخل غایب نمی شوند وآن را نمی گذارند (وهمواره در معرض بخل قرار دارند) والله اعلم.
(٢) مترجم گوید معلقه زنیست که نه بیوه باشدونه بااو شوهر موافقت کند.
(٣) یعنی پس چرا طالب هر دونباشید والله اعلم.

﴿١٣٥﴾ ای مسلمانان برپادارندۀ عدالت، اظهار کننده حق برای خدا باشید واگرچه برضرر خویشتن یا پدرومادر وخویشاوندان باشد اگرآنکه حق بروی ثابت میشود توانگر باشد یا فقیر به هرحال خدا برایشان مهربان تراست پس پیروی خواهش نفس مکنید ازعدل اعراض کنان واگر سخن را به پیچانید یا رویگردانید پس هر آئینه خدا به آنچه می کنید آگاه هست. ﴿١٣٦﴾ ای مسلمانان به خدا وپیامبر او وآن کتاب که فروفرستاده است برپیامبر خود وآن کتاب که فرو فرستاده است پیش ازین ایمان آورید وهرکه به خدا وبه فرشتگان او وکتاب های او وپیامبران او وروز آخرت کافر شود پس به یقین که گمراه شد گمراهی دور[1]. ﴿١٣٧﴾ بیگمان آنانکه ایمان آوردند بازکافرشدند بازایمان آوردند بازکافر شدند باز در کفر زیاده روی کردند[2] هرگز خدای تعالی ایشان را نیامرزد وهرگز ایشان را راهی ننماید. ﴿١٣٨﴾ منافقان را به آنکه ایشان را عذاب درد دهنده باشد خبرده[3]. ﴿١٣٩﴾ آن منافقان که کافران را به جای مؤمنان دوست میگیرند آیانزد ایشان ارجمندی می طلبند؟ پس هرآئینه ارجمندی به کلّی خدا را است. ﴿١٤٠﴾ وهرآئینه خدا برشما در قرآن فروفرستاده است که چون آیات خدارا بشنوید که به آنها کفر ورزیده میشود وبه آنها تمسخر کرده میشود پس منشینید باایشان تاآنکه درسخنی غیراز آن شروع کنند هرآئینه اگر شما چنین نکنید مانند کافران باشید هرآئینه خدا منافقان وکافران را دست جمعی دردوزخ به هم آرنده است.

(١) مترجم گوید مرادآنست که هرکه درملت اسلامیه داخل شداورابه تفصیل تصدیق این چیزها لازم است.

(٢) یعنی اصرار کردند والله اعلم.

(٣) مترجم گوید ازاینجاوعید منافقان بیان می فرماید.

﴿١٤١﴾ آن منافقان که انتظار شما می کشند پس اگر شما را فتحی ازجانب خدا باشد گویندآیا باشما نبودیم[۱] واگر کافران را نصیبی باشد گویند یعنی به کافران آیا غالب نشدیم برشما[۲] وآیا شما را ازضرر مسلمانان باز نداشتیم [۳] پس خدا حکم خواهد کرد میان شما روزقیامت وهرگز نگشایدخدا برای کافران راهی را بر (زیان) مومنان[٤]. ﴿١٤٢﴾ هرآئینه منافقان (بگمان خود) خدا را فریب می دهند وخدانیز ایشانرا فریب می دهد وچون منافقان به سوی نماز برخیزند کاهلی کنان برخیزند به مردمان می نمایند و خدا را یاد نمی کنند مگراندکی. ﴿١٤٣﴾ مترددند درمیان این وآن نه به سوی اینانند ونه به سوی آنان وخداهرکه را گمراه کند پس هرگز برای او هیچ راهی را نیابی. ﴿١٤٤﴾ ای مسلمانان کافران را به جای مومنان دوست مگیرید آیا می خواهید که برای خدا برخویشتن دلیلی ظاهر را ثابت کنید. ﴿١٤٥﴾ هرآئینه منافقان درطبقهٔ زیرترین ازآتش اند و هر گز برای ایشان هیچ یاری دهنده ای را نیابی. ﴿١٤٦﴾ مگرآنانکه توبه کردند واصلاح پیش گرفتند و به (ریسمان) خدا چنگ زدند و دین خود را برای خدا خالص گردانیدند پس آن جماعت همراه مومنانند و خدا مومنان را زود پاداش بزرگ بدهد. ﴿١٤٧﴾ خدا به عذاب شما چه کار کند اگر شکرگذاری کنید وایمان آورید و خدا قدرشناس دانا هست.

(۱) یعنی اززمره شماایم والله اعلم.

(۲) یعنی خواه مخواه شمارا مصلحت دادیم که بامسلمانان بجنگید و نگذاشتیم که به مصلحت دیگر عمل کنید والله اعلم.

(۳) یعنی سعی کردیم که ضرر مسلمانان به شمانرسد والله اعلم.

(٤) یعنی نشودکه اسلام رامستاصل گردانند والله اعلم.

﴿١٤٨﴾ خدا بلند گفتنِ سخنِ بد را دوست نمی دارد مگر از کسی که ستم دیده باشد و خدا شنوای دانا است. ﴿١٤٩﴾ ا گر کارنیك را آشکار کنید یاپنهان کنید آن را یا عفو کنیدازظلمی پس هرآئینه خداعفو کننده توانا است. ﴿١٥٠﴾ هرآئینه کسانی که به خدا وپیامبران او کافرمی شوند ومی‌خواهند که درمیان خدا وپیامبران او تفرقه کنند[1] ومی گویندایمان می آریم به بعضی از پیامبران ومنکر می شویم به بعضی ومیخواهندکه درمیان این وآن راهی گیرند. ﴿١٥١﴾ آن جماعت ایشانندکافران به حقیقت وآماده ساخته ایم برای کافران عذاب رسوا کننده. ﴿١٥٢﴾ وکسانیکه به خدا وپیامبران او ایمان آوردند و درمیان هیچ یکی ازایشان تفرقه نکردند آنجماعت خداایشان را مزد ایشان خواهد داد و خدا آمرزنده مهربان است. ﴿١٥٣﴾ می طلبند ازتو اهل کتاب که فرود آوری برایشان کتابی ازآسمان (یعنی یکدفعه) پس ازموسیٰ سخت تر ازین سوال کرده بودند، گفتند خدا را به ما آشکارا بنما پس ایشان راصاعقه درگرفت به سبب ظلم وستم ایشان بازگوساله را بعدازآنکه آمد به ایشان معجزه ها معبود گرفتند پس در گذشتیم ازین جریمه و موسی را حجتی ظاهر دادیم[2]. ﴿١٥٤﴾ و بالای ایشان طوررا برای گرفتن عهدایشان برداشتیم وگفتیم ایشان را درآیید به دروازه سجده کنان وگفتیم ایشان را تجاوز مکنید در روزشنبه و ازایشان عهدمحکم را گرفتیم.

(١) یعنی به خداایمان آرند وبه پیامبران ایمان نیارند والله اعلم.

(٢) مترجم گوید ازین جا خدای تعالی ردّشبه یهودمیکند که قرآن چرایکدفعه مثل الواح موسیٰ نازل نشدواین سخن ممتداست تا ﴿يَٰٓأَهۡلَ ٱلۡكِتَٰبِ لَا تَغۡلُواْ﴾، الآیة.

﴿١٥٥﴾ پس به سبب شکستنِ ایشان عهدخود را وبه سبب کفرایشان به آیاتِ خداوکشتن ایشان انبیا را به ناحق وگفتنِ ایشان که دلهای ما درپرده است نه بلکه خدای تعالی بردل های ایشان به سبب کفرایشان مُهرنهاده است پس ایمان نیارند مگراندکی. ﴿١٥٦﴾ وبه سبب کفرایشان وگفتن ایشان برمریم بهتانی بزرگ(١). ﴿١٥٧﴾ وبه سبب گفتن ایشان که هرآئینه ما مسیح عیسیٰ پسرمریم راکه في الواقع پیامبر خدابود کشتیم واورا نکشته اند واورا بردار نکشیده‌اند ولیکن (حقیقت أمر) برایشان مشتبه شد وهرآئینه کسانیکه اختلاف کردند دربارهٔ عیسیٰ ازحال او درشك اند ایشان رابه آن یقینی نیست لیکن پیروی ظن میکنندو اورا به یقین نکشته اند. ﴿١٥٨﴾ بلکه اوراخدای تعالیٰ به سوی خود برداشت و خدا غالب استوارکار هست. ﴿١٥٩﴾ ونباشدهیچ کس ازاهل کتاب الّا پیش ازمردنش به عیسی(٢) البته ایمان آورد وروزقیامت عیسیٰ برایشان گواه باشد. ﴿١٦٠﴾ پس به سبب ظلمی‌که ازیهود به ظهورآمد برایشان چیزهای پاکیزه را که حلال بودند برای ایشان حرام ساختیم و (نیز) به (سزای) بازداشتن ایشان مردمان بسیاری را ازراه خدا. ﴿١٦١﴾ و (نیز) به سزای ربا گرفتنِ ایشان حال آنکه ازآن منع کرده شده اند و(نیز) به سزای خوردن ایشان اموالِ مردمان را به ناحق و برای کافران ازایشان (یعنی مصرّان برکفر) عذاب درد ناك مهیا کردیم(٣). ﴿١٦٢﴾ لیکن ثابت قدمان درعلم ازاهل کتاب ومومنان به آنچه فروفرستاده شده است به سوی تووآنچه فروفرستاده شده است پیش ازتو ایمان می آرند و (مدح می کنیم) برپادارندگانِ نماز را وهم چنین دهندگان زکوٰة را وایمان آرندگان به خدا وروزآخر این جماعت زود ایشانرا مُزد بزرگ بدهیم.

(١) یعنی قذف به زنا.

(٢) مترجم گوید یعنی یهودی که حاضر شوند نزول عیسیٰ را البته ایمان آرند والله اعلم.

(٣) مترجم گویداگرگوئی انکار عیسیٰ بعدنزول تورات کرده بودند وتحریم لحوم ابل وتحریم ذي ظفردر تورات مذکور بودپس چگونه جزای انکار عیسیٰ باشد گویم نزدیك این بنده ظاهر آنست مراد ازتحریم طیّبات موقوف داشتن نعمت هااست که سابقًا ایشانرا داده بودند ازپادشاهی ونبوت ونصرت وغیرآن واین مشابه آن آیتیست ﴿وَضُرِبَتۡ عَلَيۡهِمُ ٱلذِّلَّةُ وَٱلۡمَسۡكَنَةُ﴾ الآیه واین آیت ﴿وَحَرَٰمٌ عَلَىٰ قَرۡيَةٍ أَهۡلَكۡنَٰهَآ﴾ وبه این صورت جمیع کلام باهم مربوط باشد والله اعلم.

﴿١٦٣﴾ هرآئینه ما به سوی تو وحی فرستادیم چنانکه به سوی نوح وپیامبران پس ازوی وحی فرستادیم وچنانکه به سوی ابراهیم واسمعیل واسحق ویعقوب ونبیرگان وعیسیٰ وایوب ویونس وهارون وسلیمان وحی فرستادیم وچنانکه داود را زبور دادیم. ﴿١٦٤﴾ وچنانکه فرستادیم پیامبرانی که داستان ایشان را پیش (ازاین برتوباز) گفته ایم وپیامبرانی که قصهٔ ایشان رابه تو نگفته ایم خدا با موسیٰ سخن گفت. ﴿١٦٥﴾ پیامبرانِ مژده دهندگان وبیم کنندگان را فرستادیم تا مردمان را برخدا الزامی بعد ازفرستادن پیامبران نباشد[1] و خداغالب استوارکار است. ﴿١٦٦﴾ لیکن خدا گواهی میدهد به آنچه به سوی تو فروفرستاده است که آن رابه علم خود فرو فرستاد وفرشتگان نیز گواهی می دهند وخدا گواه بس است. ﴿١٦٧﴾ هرآئینه کسانیکه کافرشدند و مردمان را ازراه خدا بازداشتند به تحقیق گمراه شدند گمراهی دور. ﴿١٦٨﴾ هرآئینه کسانیکه کافرشدند وستم کردند خدا هرگز ایشان را نیامرزد و ایشان را راهی ننماید. ﴿١٦٩﴾ مگرراه دوزخ جاویدان آنجا همیشه و این برخدا آسان هست. ﴿١٧٠﴾ ای مردمان هرآئینه به شما پیامبر به راستی ازجانب پروردگار شما آمد پس ایمان آرید تا ایمان آوردن برای شما بهتر باشد و اگر کافرشوید پس هرآئینه ازآنِ خدا است آنچه درآسمانها وزمین است و خدا دانای استوارکار است.

(١) یعنی تا نگویند که تقصیرِ مانیست هیچ پیامبر نزد مانیامده والله اعلم.

﴿١٧١﴾ ای[۱] اهل کتاب دردین خود ازحد مگذرید ومگویید برخدا مگرسخنِ راست جزاین نیست که مسیح عیسیٰ پسر مریم پیامبرِ خداست وکلمهٔ اوست او را به سوی مریم انداخت وروحی است ازجانب خدا پس به خدا وپیامبران او ایمان آورید ومگویید خدایان سه اند بازآیید ازین قسمِ گفتار تااین بازماندن شما را بهتر باشد جزاین نیست که خدا معبود یگانه است خدا منزه وبرتراز آن است که اورا فرزندي باشد برای او است آنچه درآسمان ها وآنچه درزمین است وخداکار سازنده بس است. ﴿١٧٢﴾ هرگز عیسیٰ ازآنکه بندهٔ خدا باشد ننگ ندارد ونه فرشتگان مقرب ننگ دارند وهرکه ننگ کند ازبندگی او وسرکشی کند پس همگی ایشانرا به سوی خویش خواهد برانگیخت. ﴿١٧٣﴾ پس اماکسانیکه ایمان آوردند وکارهای شایسته کردند پس ایشان را مزدهایشان تمام دهد و ایشان را ازفضل خود زیاده دهد واماکسانی که ننگ داشتند وسرکشی کردند پس عذاب کندایشان راعذاب درد دهنده و برای خویش بجز خداهیچ دوستی ونه هیچ یاری دهنده‌ای نیابند. ﴿١٧٤﴾ ای مردمان به تحقیق نزدیك شما دلیلی ازپروردگار شما آمد و به سوی شما روشنی آشکار نازل کردیم. ﴿١٧٥﴾ اماکسانی که به خدا ایمان آوردند و به او چنگ زدند پس زود ایشان را دررحمتی وفضلی (ازنزدیك) خود درآرد و ایشان را به سوی خودراه راست بنماید.

(۱) مترجم گوید ازینجاشروع می فرماید در ردّ شبه نصاریٰ والله اعلم.

﴿۱۷٦﴾ ازتو طلب فتویٰ میکنند بگوخدای تعالی شمارا درباره ٔ میراث کلاله فتویٰ میدهد کسیکه پدروفرزند ندارد اگر مردی بمیردکه فرزندش نیست (یعنی ونه پدر ومادر) واوراخواهری باشد[١] پس خواهرش را است نیمه آنچه گذاشته است واگر این خواهر بمیرد آن برادروارثِ اوشود اگرنباشد آنرا فرزندی پس اگرخواهران دوباشند پس ایشان را است دوسوم حصه آنچه بگذاشته است و اگرایشان جماعت باشندمردان و زنان پس مردراست مانندِ حصه دوزن بیان می کندخدای برای شما تا گمراه نشوید وخدا به همه چیز داناست.

سوره مائده مدنی است
وآن یکصد وبیست آیه وشانزده رکوع است

به نام خداوند بخشنده ٔ مهربان.

﴿١﴾ اي مومنان وفاكنيد به عهد ها (يعنى عهدى كه باخدابسته ايددرالتزام احكام اوتعالى) براى شما چهار پايان ازقسم انعام حلال كرده شده مگر آنچه (حكمش) برشما خوانده ميشود[٢] نه حلال دارندِه شكار درحالتى كه محرم باشيد هرآئينه خدا حكم ميكند آنچه مى خواهد. ﴿٢﴾ اى مسلمانان حرمت شكنى نشانه هاى خدا ونه ماه حرام را[٣] ونه قربانى (بى نشان) را ونه آنچه راكه درگردن اوقلاده مى اندازند (يعنى نشانه دار) مكنيد ونه قصد كنندگان بيت الحرام راكه فضلى ازپروردگار خويش وخوشنودى ازوى[٤] مى‌طلبند وچون احرام گشاييد پس شكار بكنيد ـ و شما را دشمنى گروهى به سبب آنكه بازداشتند شما را ازمسجد الحرام[٥] برظلم وبيعدالتي وادارنكند وبايكديگر برنيكوكارى و پرهيزگارى مدد كنيد وبرگناه وستم بايكديگر همكارى مَكُنيد وازخدا بترسيد هرآئينه خدا عقوبت او سخت است[٦].

(١) مترجم گويد يعنى اعيانى وا گر نباشدعلاتى قايم مقام اعيانى بود.
(٢) يعنى شتر و گاو و گوسفند واين سه قسم رااَنعام گويند حلال است مگرميته، موقوذة وآنچه ذكرش بيايد والله اعلم.
(٣) يعنى قتال دررجب وذيقعده وذى الحجه ومحرم نبايد والله اعلم.
(٤) يعنى تعرض حاجيان ومعتمران مسلمانان نبايدكرد ولقطه ٔ ايشان را نبايد گرفت والله اعلم.
(٥) يعنى پيش ازفتح مكه و پيش ازآنكه مسلمان شوند والله اعلم.
(٦) مترجم گويد حكم تغليظ تحريم قتال دراشهر حرم مخصوص است به مسلمين بدليل آيت سوره بقره و تحريم تعرض حاجيان نيز به مسلمين آيت سوره ٔ براءت واين آيات از آخر مانزل است منسوخ داشتن آنهاچنانكه عامه مفسرين مى گويند درست نمى آيد والله اعلم.

﴿٣﴾ حرام کرده شد برشما مردار وخون (یعنی خون مسفوح) و گوشتِ خوك و آنچه نام غیر خدا به وقت ذبح بَر او یاد کرده شود وآنچه به خفه کردن مرده باشد وآنچه به سنگ یا به عصا مرده باشد وآنچه ازجای بلند افتاده، بمیرد و آنچه به شاخ زدن مرده باشد و آنچه درنده خورده باشد مگر آنچه بعد از آفتهاذبح کرده باشید، وآنچه ذبح کرده شود به نام بتها[١] حرام است وحرام کرده شد آنکه طلب کنید معرفت قسمت خود به تیرهای فال این همه فسق است ـ امروز کافران ازدین شما ناامید شدند پس مترسید ازایشان وازمن بترسید امروز برای شما دین شمارا کامل‌کردم و برشما نعمت خود را تمام کردم واسلام را برای شما دین اختیار کردم پس هرکه ناچار شود از گرسنگی بدون تمایل به گناه پس هرآئینه خدا آمرزنده مهربان است[٢]. ﴿٤﴾ سوال می کنندتوراچه حلال کرده شد برای ایشان بگوحلال کرده شد برای شماپاکیزه ها[٣] وآنچه آموخته باشید اورا ازجانوران شکاری درحالتیکه شکار تعلیم کنندگانید می آموزیداین هارا بعض آنچه خدای تعالی شمارا آموخته است پس بخورید ازآنچه برای شما نگاهداشتند[٤] و نام خدا را برآن یاد کنید[٥] وبترسیدازخدا هرآئینه خدا زود حساب کننده است. ﴿٥﴾ امروز حلال کرده شدبرای شماپاکیزه ها وطعام اهل کتاب برای شما حلال است وطعام شما برای ایشان حلال است[٦] وحلال کرده شدبرای شما محصنات اززنانِ مسلمانان ومحصنات اززنانِ کسانیکه پیش ازشما کتاب داده شدند چون ایشان را مهرایشان بدهید عفت طلب کنان نه شهوت رانندگان ونه دوست پنهان گیرندگان وهرکه نامعتقدِاسلام باشد پس عمل او نابودشد واودر آخرت اززیان کاران است[٧].

---

(١) مترجم گویدیعنی برصورت قبر والله اعلم.

(٢) مترجم گوید یعنی درمخمصه خوردن مردار جایزاست ونزدیك ابی حنیفه فائده لفظ غیر مایل بگناه آنست که زیاده ازضرورت نخورد ونزدیك مالك وشافعی آنست که قاطع طریق و سارق را رخصت نیست واین آیت آخر قرآنست بعد ازین هیچ آیت نازل نشد والله اعلم.

(٣) آنچه عرب پاکیزه دانند والله اعلم.

(٤) مترجم گوید یعنی نخورده وندریده باشند برای خوردن خود والله اعلم.

(٥) مترجم گوید یعنی وقت فرستادن جانوران شکاری والله اعلم.

(٦) مترجم گویدیعنی آنچه براهل کتاب حلال بود برشماحلال است مثل گوسفندو گاو وآنچه برشما حلال کرده شد بر کسیکه ازایشان مسلمان شود حلالست مثل شترو ذی ظفروقبیله های یهود ونصاری را درین باب اعتبارنیست والله اعلم.

(٧) مترجم گوید محصنات اینجا نزدیك امام ابی حنیفه بمعنی پارساست ونزدیك شافعی بمعنی آزاد واز ﴿غَيۡرَ مُسَٰفِحِينَ﴾ مفهوم شدکه نکاح متعه درست نیست واز ﴿وَلَا مُتَّخِذَاتِ أَخۡدَانٖ﴾ مفهوم شدکه نکاحِ سرّ وپوشیده درست نیست والله اعلم.

﴿٦﴾ ای مسلمانان چون به سوی نماز برخیزید پس رویهای خود را ودست های خود را تا آرنج ها بشویید ومسح کنید سرهای خود را و پایهای خود را تاشتالنگ بشویید و اگر جنب باشید پس غسل کنید و اگر بیمار یا مسافر باشید یا یکی ازشما (از جای قضاء حاجت) ازخلاجای بیاید یا با زنان آمیزش کرده باشید[۱] پس آب را نیابید پس خاك پاك را قصد کنید پس ازآن خاك به رویهای خودودست های خود مسح کنید نمی خواهد خدا که برشما مشقتی مشروع کند ولیکن می خواهد که شما را پاك سازد وتمام کند نعمت خود رابرشما تاشود که شکر گزاری کنید. ﴿٧﴾ و نعمت خدارا برخویش یادکنید و (نیز) پیمان خدا را که باشما به آن پیمان عهد بسته است آنگاه که گفتید شنیدیم وفرمان برداری کردیم[۲] وبترسید ازخدا هرآئینه خدا داناست به آنچه درسینه ها باشد. ﴿٨﴾ ای مسلمانان مُتعهّدِ حقِ خدا باشید به راستی گواهی دهند گان وحمل نکند شما را دشمنی قومی برترك انصاف عدل کنید عدل به پرهیز گاری نزدیك تراست و ازخدا بترسید هرآئینه خدا آگاه است به آنچه می کنید. ﴿٩﴾ وعده کرده است خدا به کسانیکه ایمان آوردند وکارهای شایسته کردند به این مضمون که برای ایشان آمرزش ومزدِ بزرگ است.

(۱) مترجم گوید یعنی جماع کرده باشید ونزدیك شافعی دست رسانیدن بهزنان ناقض وضواست والله اعلم.
(۲) یعنی عهدیکه وقت بیعت بستید والله اعلم.

﴿۱۰﴾ وکسانی که کافر شدند و آیات مارا تکذیب کردند ایشان اهل دوزخ اند. ﴿۱۱﴾ ای مومنان نعمت خدا را برخویشتن یادکنید آنگاه که قصد کردند قومی که دستهای خود را به سوی شما درازکنند[۱] پس دست های ایشان را ازشما باز داشت و از خدا بترسید وبرخدا باید که مومنان توکل کنند[۲]. ﴿۱۲﴾ وهرآئینه خدای تعالی پیمان بنی اسرائیل را گرفت ومعیّن ساختیم ازایشان دوازده سردار وگفت خدا هر آئینه من باشماام مضمون پیمان آنکه اگر نمازرا برپاداشتید وزکوٰة را دادید ومعتقد شدید به پیامبران من وایشان را تقویت کردید و خدارا قرض دادید قرض نیکو[۳] البته ازشما گناهانِ شمارا نابود سازم والبته شمارا به بوستانهایی که میرود زیرآنها جویها درآورم پس هرکه ازشما بعدازین کافرشود پس راه راست را گم کرد. ﴿۱۳﴾ پس ایشان را به سبب شکستن ایشان پیمان خویش را لعنت کردیم ودلهای ایشان را سخت گردانیدیم که تغییر میدهند کلمات را از مواضع آن ها وفراموش کردند قسمتی ازآنچه به آن پندداده شدند وپیوسته تو برخیانتی ازایشان آگاه میشوی مگراندکی ازایشان پس ازایشان درگذر واعراض کن هرآئینه خدا نیکوکاران را دوست میدارد.

---

(۱) یعنی قتال کنند والله اعلم.

(۲) این معجزه چند نوبت متحقق شدازآن جمله آنست که آن حضرت صلی الله علیه وسلم به [مصالحت و] تقریبی به محلهٔ یهود رفته بودند شخصی ازایشان خواست که سنگی بالای آن حضرت بافگند خدای تعالی دست آن شخص را بندکرد وازآن جمله آن است که کفار قریش درحدیبیه ازجنگ بازایستادند بعد ازآنکه داعیه جنگ داشتند وازآن جمله آنست که یکی از یاران مسیلمه کذاب دست درازی خواست خدای تعالی دست اورا کرخت ساخت.

(۳) یعنی درجهاد صرف کردید به توقع ثواب آخرت والله اعلم.

﴿١٤﴾ و ازکسانیکه گفتند مانصاریٰ هستیم پیمان ایشان را گرفتیم پس فراموش کردند قسمتی را ازآنچه به آن پندداده شدند پس درمیان فرقه های نصاریٰ دشمنی وکینه را تا روزقیامت برانگیختیم وزود خدا خبر خواهد داد ایشان را به آنچه می کردند. ﴿١٥﴾ ای اهل کتاب هرآئینه به شما پیامبرما آمد بیان می کند برای شما بسیاری ازآنچه ازکتاب پنهان می داشتید (یعنی ازکتاب الهی) واودرگذر میکند ازتقصیرات بسیاری (ای اهل کتاب) هرآئینه به شماازجانب خدا نوری وکتابی روشن (یعنی قرآن) آمد. ﴿١٦﴾ خدا به آن کسی را که طلب رضای اوکرد به سوی راه های نجات دلالت می نماید و ایشان را ازتاریکی ها به سوی روشنی به ارادهٔ خود بیرون میآرد و ایشان را به سوی راه راست دلالت می کند. ﴿١٧﴾ هرآئینه کافر شدند کسانیکه گفتند که خدا همان مسیح پسر مریم است[1] بگو کِه می تواند از خدا چیزی را (ازانتقام) اگر بخواهد که عیسیٰ پسر مریم را ومادرش را که مریم است هلاك كند و (نیز) همه آنان را که درزمین اند وبرای خدا است پادشاهی آسمان ها وزمین وآنچه درمیان این هردواست می آفریند هرچه راکه میخواهد وخدا برهمه چیز تواناست.

(١) یعنی حلول کرده است دروی.

﴿١٨﴾ و گفتند يهود وترسايان ماپسران خداييم ودوستان اوييم[١] بگوپس چرا شما را بر گناهان شما عذاب می کند بلکه شما آدمیانید از جنس آنچه پیداکرده است هرکه راخواهد می آمرزد و هر که را خواهد عذاب می کند پادشاهی آسمان ها وزمین وآنچه درمیان این هر دوباشد ازآنِ خدا است وبه سوی اوست بازگشت. ﴿١٩﴾ ای اهل کتاب هرآئینه به شما پیامبرما آمده است برای شما درحالت انقطاع آمدنِ پیامبران بیان می کند[٢] تانگویید که نزدیك ما هیچ مژده دهنده وبیم دهنده ای نیامده آری هرآئینه آمده است به شما مژده دهنده وبیم دهنده وخدا برهمه چیز تواناست. ﴿٢٠﴾ ویاد کن چون موسیٰ گفت قوم خود را ای قوم من نعمت خدا را برخویش چون پیدا کرد درمیان شما پیامبران را وپادشاه ساخت شمارا یاد کنید وداد به شما آنچه نداد به هیچ کس ازجهانیان[٣]. ﴿٢١﴾ ای قوم من درآیید به زمین پاك که آن را خدا برای شما مقرر ساخته است ورویگردان مشوید برپشتهای خود آنگاه زیان کار گردید (یعنی فرار مکنید). ﴿٢٢﴾ گفتند ای موسی هرآئینه آنجا گروهی هستند زورآور وهرگز ما داخل نشویم آنجا تا آنکه ایشان ازآنجا بیرون آیند پس اگر ایشان ازآن جا بیرون شوند هرآئینه ما درآییم. ﴿٢٣﴾ گفتند دومرد ازاهل تقویٰ که خدا برایشان انعام کرده بود[٤] درآیید ای قوم براین جماعت ازراهِ دروازه چون درآمدید به دروازه پس هرآئینه شماغالب باشید وبرخدا توکل کنید اگر مسلمان هستید.

(١) مترجم گوید یعنی خدا را پدر خودمیگفتند والله اعلم.
(٢) یعنی بعد عیسیٰ بجز پیامبرماهیچ پیامبری مبعوث نشده بود ومدت میانِ ایشان پانصد شصت سال بود والله اعلم.
(٣) یعنی معجزات عظیمه ازفلقِ بحر (یعنی شگاف دریا) ورفع طور والله اعلم.
(٤) یعنی یوشع وکالب.

﴿٢٤﴾ گفتند ای موسیٰ ما هرگز در نیاییم درین زمین هیچ وقت مادامی که ایشان درآنجااند پس تووپرودرگار توبروید وجنگ کنید هرآئینه مااین جانشسته گانیم. ﴿٢٥﴾ گفت (موسیٰ) ای پروردگار من قادر نیستم الّابرخود وبرادر خود (یعنی هارون) پس فیصله کن میانِ ما ومیانِ گروه گناهکاران. ﴿٢٦﴾ گفت خدا پس آن زمین برایشان حرام کرده شده است چهل سال درزمین سرگردان می شوند پس بر گروه ستمکاران اندوهناك مباش[(١)]. ﴿٢٧﴾ و برقوم خود خبرِ دو پسر آدم را به راستی بخوان چون قربانی را نیازحق کردند پس ازیکی قبول کرده شد وازدیگری قبول کرده نشد[(٢)] گفت (قابیل) البته بکشم تورا (هابیل) گفت جزاین نیست که خدا از متقیان قبول می کند. ﴿٢٨﴾ ا گردراز کنی به سوی من دستِ خود را تامرا بکشی من هرگز به سوی تودست خود را درازنکنم تا تورا بکشم هر آئینه من ازخدا پروردگار جهانیان می ترسم. ﴿٢٩﴾ هرآئینه من می خواهم که گناه مرا وگناه خود را ببری پس ازاهل دوزخ باشی واین جزای ستمکاران است. ﴿٣٠﴾ پس نفسِ او درنظر اوکشتن برادرش را سهل ساخت پس‌اورا بکشت پس اززیان کاران شد[(٣)]. ﴿٣١﴾ پس خدا زاغی را که درزمین میشگافت فرستاد تابنمایدش چگونه جثه برادر خود را بپوشد گفت ای وای برمن! آیا عاجز شدم ازآنکه مانند‌این زاغ باشم پس جثه برادر خود را می پوشیدم، پس ازپشیمان شدگان شد.

(١) یعنی حکم کردیم که به آن زمین منتفع نشوند چهل سال.

(٢) یعنی هابیل نیکوترین گوسفندی به نیازبُرد از غیب آتشی ظاهر شدوبخورد وقابیل بدترین گندم پیش آورد و آتش نیازش را نگرفت واین سبب حسد شد والله اعلم.

(٣) بعد از کشتن اوندانست که چگونه اورا دفن کند لذا جثهٔ اورا بر پشت نهاده میگشت والله اعلم.

﴿٣٢﴾ به سبب این حادثه بربنی اسرائیل حکم کردیم که هرکه بکشد کسی را به غیر عوض کسی وبه غیر فساد درزمین (یعنی قطع طریق وارتداد) پس چنانستی که مردمان را همگی کشته است وهر که سبب زندگانی کسی شدپس چنانستی که مردمان را همگی زنده ساخت وهرآئینه به بنی اسرائیل پیامبران ما به نشانه های روشن آمدند بازبسیاری ازایشان بعد ازین درزمین تجاوز کنندگانند[۱]. ﴿٣٣﴾ جزاین نیست که جزای کسانیکه باخدا ورسول او جنگ می کنند و می شتابند درزمین به قصد فساد (یعنیرهزنی می کنند) آنست که کشته شوند یا بردار کشیده شوند یا دست ها وپایهای ایشان ازجانب مخالف بریده شود[۲] یا ازوطن دور رانده شوند این رسوایی ایشان را دردنیا است وایشان را درآخرت عذابِ عظیم است. ﴿٣٤﴾ مگر کسانیکه پیش ازآنکه دست یابید برایشان توبه کردند پس بدانیدکه خدا آمرزنده مهربان است[۳]. ﴿٣٥﴾ ای مسلمانان ازخدا بترسید و وسیله قرب به سوی او به طلبید و درراه او جهاد کنید تا رستگار شوید. ﴿٣٦﴾ هرآئینه کسانیکه کفرورزیدند ا گر بدست ایشان همگی آنچه درزمین است وهمراه او مانند آن باشد تا آنکه به عوض خود دهند آن راازعذاب روزقیامت هرگز ازایشان قبول کرده نشود وایشان را عذاب درد ناك است.

(۱) یعنی چون از قابیل رسم قتل پیداشد هر قتلی که در جهان واقع شود او را بدان مواخذه کنند همچنین در هر زمانه کسی که رسم کشتن نو می‌کند به حکم من سَنَّ سنة سيئة كان لهُ كفلٌ منها ـ در قتلی که بعد ازوی آید شرکتی درآن پیدا می نمایدپس این جا (من اجل ذلك) به جای علی قیاس ذلك واقع شده است والله اعلم.

(۲) یعنی دست راست وپای چپ والله اعلم.

(۳) یعنی حد ساقط است وحقوق آدمیان ساقط نیست والله اعلم.

﴿٣٧﴾ بخواهند که ازدوزخ بیرون روند وازدوزخ بیرون روندگان نیستند وایشان را عذاب دایم است. ﴿٣٨﴾ ومرد دزد وزن دزد دستهای ایشان را ببرید جزای آنچه به عمل آورده اند از طرف خدا عبرتی است وخدا غالب داناست. ﴿٣٩﴾ پس هر آن کس که پس ازستمش توبه کند وکارشایسته بعمل آورد پس هرآئینه خدا به رحمت بروی بازمیگردد هرآئینه خداآمرزنده مهربانست. ﴿٤٠﴾ آیا ندانستهٔای که براي خود خدا است پادشاهی آسمان ها وزمین، عذاب می کند هرکه راخواهد ومی آمرزد هرکه را خواهد وخدا بر همه چیز تواناست(١). ﴿٤١﴾ ای پیامبر اندوهگین نکند تورا کسانیکه درکفر سعی می کنند ازآنانکه گفتند به دهان خویش ایمان آوردیم ودلهای ایشان ایمان نیاورده است وازقوم یهود نیز ایشان شنوندگانند سخن دروغ را(٢) شنوندگانند برای گروه دیگران که هنوز پیش تونیامده اند(٣) کلمات را (بعد ازثبوت آنها) درموضع خویش تغییر میدهند گویند اگرداده شوید این حکم مُحرّف قبول کنید واگرآنرا داده نشوید پس احترازنمایید وهرکه خدا ضلالت اورا اراده کرده است پس هرگز برای اوازخدا چیزی ازهدایت ایشان نتوانی آنانند که نخواسته است خدا که دلهای ایشان را پاك کند ایشان راست دردنیا رسوایی وایشان را درآخرت عذابِ بزرگ است.

---

(١) مترجم گوید درتورات رجم زانی نازل شده بود و یهود تحریف کرده روی زانی را سیاه می کردند وچند تازیانه می زدند ودر زمان آن حضرت درمیان ایشان زنا واقع شد زانی را پیش آن حضرت بدست منافقان وذمیان فرستادندبه قرارآن که اگر جلد فرمایند بکنیم واگر رجم فرمایند نکنیم آن حضرت صلی الله علیه وسلم حقیقت رجم را اظهار فرمودند ورجم کردند درین آیات اشاره است به آن قصه.

(٢) یعنی معتقد آن شده‌اند.

(٣) یعنی جاسُوسان حربیان‌اند والله اعلم.

﴿٤٢﴾ ایشان سخن دروغ را شنوندگانند حرام را (یعنی رشوت را) خورندگانند پس ا گر پیش تو بیایند حکم کن میان ایشان یا ازایشان اعراض کن وا گر ازایشان اعراض کنی هیچ زیانی نرسانند به تو واگر حکم کنی پس حکم کن میان ایشان به انصاف هرآئینه خدا عدل کنندگان را دوست میدارد[1]. ﴿٤٣﴾ وچگونه حَکَم می کنند تورا ونزدیك ایشان تورات است که درآن حکم خداست بازاعراض می‌کنند بعد ازین ونیستند ایشان معتقدان[2]. ﴿٤٤﴾ هرآئینه ما تورات را که در آن هدایت وروشنی است فرودآوردیم حکم می کنند به آن برای یهود پیامبران که منقاد حُکمِ الهی اند وحکم می کنند خداپرستان واحبار ایشان همه حکم میکردند به آنچه حافظ آن گردانیده شده‌اند ازکتاب خدا وبرآن گواه بودند[3] پس گفتیم ازمردمان مترسید وازمن بترسید و به آیت های من بهای اندك خریدمکنید وهرکه حکم نکند به آنچه خدا فروفرستاده است پس ایشانند نامعتقدان. ﴿٤٥﴾ ولازم ساختیم بریهود درتورات که شخص به عوض شخص است یعنی به عوض اوباید کشت وچشم عوض چشم است وبینی عوض بینی است و گوش عوض گوش است ودندان عوض دندان وحکم زخم ها به اعتبار مماثلت است پس هرکه عفوکند ازآن زخم پس این عفو ویرا کفارت است و هرکه حکم نکند به آنچه خدا فروفرستاده است پس ایشانند که ستمکارند.

(١) مترجم گوید یعنی اهل ذمه اگر قضیه خویش به امام رفع کنند ا گر خواهد حکم کند و ا گر خواهد به زعمای ایشان مفوّض نماید والله اعلم.
(٢) یعنی ا گر غرض ایشان طلب رضای خدای تعالی می بود بر تورات عمل میکردند لیکن غرض فاسدداشتند.
(٣) یعنی به یقین معلوم کرده بودند که حکم الهی است والله اعلم.

﴿٤٦﴾ و در پی این پیامبران عیسیٰ پسر مریم را باوردارنده آنچه پیش از اوبودکه تورات است فرستادیم ودادیمش انجیل درآن هدایت وروشنی است وباوردارنده آنچه پیش وی بود که تورات باشد و برای متقیان هدایت وپند است. ﴿٤٧﴾ وفرمودیم بایدکه حکم کنند اهل انجیل به آنچه خدای تعالی دروی فروفرستاده است وهرکه حکم نکند به آنچه خدا فروفرستاده است پس ایشانند بدکاران. ﴿٤٨﴾ و به سوی توکتاب را به راستی فروفرستادیم باوردارنده آنچه پیش وی است ازکتاب ونگهبان بروی[۱] پس حکم کن درمیان ایشان به آنچه خدا فروآورده است و خواهش های ایشان را اعراض کنان ازآنچه آمد به تواز حکم الهی پیروی مکن برای هر گروهی ازشما شریعتی وراهی مقرر ساخته ایم واگر خدا می‌خواست شما را یك امت می‌گردانید ولیکن خواست که شما را درآنچه به شما داده است بیازماید پس شتاب کنید به سوی نیکوکاری[۲] به سوی خدا بازگشت همگی شمااست پس شما را به آنچه درآن اختلاف می کردید خبردهد. ﴿٤٩﴾ وفرمودیم که حکم کن میان ایشان به آنچه خدا فرودآورده است وپیروی مکن خواهش های ایشانرا و ازایشان بترس ازآنکه گمراه کنند تورا ازبعض آنچه خدا به سوی تو فرودفرستاده است پس اگر اعراض کنند پس بدان که می خواهد خداکه ایشان را به سبب بعض گناهان ایشان عذاب کند وهر آئینه بسیاری ازمردمان البته بدکارانند. ﴿٥٠﴾ آیاحکم جاهلیت می خواهند؟ وکیست خوب ترازخدا به اعتبار حکم برای قومی که یقین دارند[۳].

(۱) یعنی تحریف راازغیر تحریف جدا می سازد والله اعلم.
(۲) یعنی اتباع فرمان الهی درشریعت پیامبرزمان والله اعلم.
(۳) مترجم گوید حاصل این آیات الزام است براهل کتاب که با وجود التزام کتاب برحسب آن عمل نمی کنند و درین آیات بیان آن است که هر قرنِ را شریعتی داده‌اندو بعد از نزول قرآن بجز از متابعت آن متابعت دیگر جایز نیست والله اعلم.

﴿٥١﴾ ای مومنان یهود ونصاریٰ را دوست مگیرید بعض ایشان دوست بعض اند وهرکه ازشما ایشان را دوست دارد پس هرآئینه اوازجمله ایشانست هرآئینه خدا گروه ستمکاران را راه نمی نماید. ﴿٥٢﴾ پس می بینی کسانی را که دردلهای ایشان بیماری است (یعنی نفاق است) سعی می کنند دردوستی یهود ونصاریٰ می گویند می ترسیم ازآنکه برسرمان بلایی بیاید[1] پس نزدیك است که خدا فتح را یا چیزی دیگررا از نزد خود بیارد پس پشیمان شوند برآنچه دردل های خویش پنهان داشتند. ﴿٥٣﴾ وبگویند مومنان (یعنی بعدازفتح وپیروزی) آیاایشانند آنانکه قسم خوردند به خدا سخت ترین سوگند های خویش را که البته ایشان همراه شمااند امروزنابود شدعملهای ایشان پس زیان کار گشتند. ﴿٥٤﴾ ای مومنان هرکه ازشما ازدین خود برگردد پس خواهد آورد خدا گروهی را که ایشان را دوست می دارد وایشان اورا دوست می دارند بر مومنان متواضع اند برکافران درشت طبع اند درراه خدا جهاد می کنند وازملامتِ ملامت کننده نمی ترسند این بخشایش خدا است میدهد آن را بهرکه خواهد وخدا گشایشگر داناااست[2]. ﴿٥٥﴾ جزاین نیست که خدا ورسول اوومومنانی که نمازرا برپا می دارند وزکات را می دهند دوست شمایند وایشان پیوسته نمازگزارند. ﴿٥٦﴾ وهرکه باخدا وبا رسول او وبا مومنان دوستی کند پس هرآئینه گروه خدا همونست غالب. ﴿٥٧﴾ ای مسلمانان کسانی را که تمسخرو بازی گرفته اند دینِ شما را ازکسانی که داده شده ایشان را کتاب پیش ازشما دوست مگیرید ونه سایر کافران را وبترسید ازخدا اگر مسلمان هستید.

(١) مترجم گوید یعنی احتمال دارد که هزیمت بر اهل اسلام افتدپس موافقت باحربیان مصلحت است.

(٢) مترجم گوید این وعده درزمان حضرت ابو بکر صدیق متحقق شد ومهاجران وانصار وتابعان ایشان با مرتدان جهادکردند والله اعلم.

﴿٥٨﴾ وچون به سوی نماز ندا کنید آن را تمسخروبازی گیرند[١] این به سبب آن است که ایشان گروهی هستند که نمی فهمند. ﴿٥٩﴾ بگوای اهل کتاب عیب نمی گیرید برما مگرآنکه به خدا وبه آنچه فروفرستاده شده است به سوی ما وبه آنچه فروفرستاده است پیش ازین ایمان آوردیم و(مگر) اینکه بیشترین شما بدکارانند. ﴿٦٠﴾ بگوآیا شما را به بدترازاین[٢] به اعتبار جزاء نزد خدا خبردهم آن بدترکسی است که اورا خدا لعنت کرد وخشم گرفت بروی وازایشان بوزینه‌گان وخوکان گردانید وکسیکه معبود باطل را پرستید این گروه به اعتبار جای بدتراند وگمراه تراند ازراه راست. ﴿٦١﴾ وچون بیایند پیش شما گویندایمان آوردیم حال آنکه به کفر درآمدند وبه کفربیرون رفتند وخدا دانا تراست به آنچه می پوشیدند. ﴿٦٢﴾ ومی بینی که بسیاری ازایشان درگناه وتجاوز وحرام خواریشان می کوشند البته چه بداست کاری که به عمل آوردند. ﴿٦٣﴾ چرا ایشان را خدا پرستان ودانشمندان ازدروغ گفتن ایشان وحرام خوردنِ ایشان منع نمی کنند؟ هرآئینه چه بد است آنچه که می کردند. ﴿٦٤﴾ وگفتند یهود دستِ خدا بگردن بسته است[٣] بگردن بسته باد دست های ایشان وایشان را لعنت کرده شد به سبب آنچه گفتند بلکه دودستِ اوکشاده است خرج می کندچنانچه میخواهد والبته درحق بسیاری ازایشان آنچه فروفرستاده شد به سوی تواز پروردگارتونافرمانی وکفررا بیفزاید و درمیان فرقه های یهود دشمنی وناخوشی را تا روزقیامت افگندیم هر گاه که آتشی را برای جنگ برمی افروزند خدا فرو می‌نشاندش[٤] ودرزمین برای فساد می‌شتابند وخدا مفسدان را دوست نمی دارد.

(١) مترجم گوید یعنی به اذان استهزا می کنند والله اعلم.
(٢) مترجم گوید یعنی بدتر ازآن عیب داری که شما بیان کردید.
(٣) یعنی بخل دارد.
(٤) یعنی چون می خواهند که با دشمنان خود که متدین به یهودیت نیستند جنگ کنند مقهور ومغلوب می شوند.

﴿٦٥﴾ و ا گر اهل کتاب ایمان می آوردند وپرهیزگاری میکردند البته ازایشان گناهان ایشان را نابود می ساختیم والبته ایشان را به بوستان های پرنازو نعمت درمی آوردیم. ﴿٦٦﴾ و اگرایشان حکم تورات وانجیل را برپا می داشتند وآنچه فرود آورده شده است به سوی ایشان ازپروردگار شان[١] البته می خوردند ازبالای خود واززیرپایهای خود (یعنی از برکات آسماني وزمینی برخوردار می شدند) ازایشان گروهی میانه‌رو هست وبسیاری ازایشان بدچیزیست که می کنند[٢]. ﴿٦٧﴾ ای پیامبر آنچه فرود آورده شده است به سوی توازجانب پروردگار تو برسان واگر نکردی[٣] نرسانده باشی پیغام خدا را وخدا تورا ازمردمان نگاهدارد هرآئینه خدا گروه کافران را راه نمی نماید. ﴿٦٨﴾ بگوای اهل کتاب برچیزی نیستي، تاآنکه حکم تورات وانجیل را برپاکنید وآنچه به سوی شما ازپروردگار شما فروفرستاده شده است[٤] والبته درحق بسیاری ازایشان آنچه فروفرستاده شده است به سوی توازجانب پروردگار تو (یعنی قرآن) طغیان وکفر را بیفزاید پس برقوم کافران اندوهگین مشو[٥]. ﴿٦٩﴾ هرآئینه مسلمانان ویهودان (وهمچنین است) حال ستاره پرستان وترسایان هرکه ازایشان به خدا وروزآخر ایمان آورد وکارشایسته کرد برایشان هیچ ترس نیست وایشان اندوهگین نشوند[٦]. ﴿٧٠﴾ به یقین ما از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم و به سوی ایشان پیامبران را فرستادیم هر گاه به ایشان پیامبری به آنچه دوست نمی داشت نفس های ایشان می‌آورد گروهی را تکذیب می کردندو گروهی را می کشتند.

---

(١) یعنی سایر کتب سابقه.

(٢) مترجم گوید حاصل آن است که اگر برپا می داشتند حکم تورات و انجیل را پیش ازنزول قرآن و پیش ازآنکه حضرت پیامبر صلی الله علیه وسلم مبعوث شود برکت فراوان نصیب ایشان می شد لیکن مخالفت کردند پس بانواع بلا مبتلاگشتند والله اعلم.

(٣) یعنی ا گر یك آیت هم نرساندی والله اعلم.

(٤) مترجم گوید یعنی قرآن وسائر کتب سابقه.

(٥) مترجم گوید حاصل آنست که بروفق قول خود ملزم می شوند زیرا که التزام شریعتی میکنند وبر حسب آن نمی روند وقطع نظر ازانکارِ قرآن والله اعلم.

(٦) یعنی دراصل از هرفرقه که باشد چون ایمان آورد از اهل نجات است وخصوصیت فِرَق را اعتبار نیست والله اعلم.

﴿٧١﴾ وپنداشتند که هیچ عقوبت نخواهد بودپس کورشدند وکر گشتند پس خدا
برایشان به رحمت بازگشت[(١)] پس بسیاری ازایشان بازکورشدند و کر گشتند وخدا
بیناست به آنچه می کنند. ﴿٧٢﴾ هرآئینه کسانیکه گفتند خدا همان است عیسیٰ پسر مریم
کافرشدند و گفته بود عیسیٰ ای بنی اسرائیل خدا را بپرستید پروردگار من وپروردگارشما
هرآئینه کسیکه شریك خدا مقررمی کند خدا بهشت را بروی حرام کرده است وجای
اودوزخ است و ستمکاران را هیچ یاری دهنده ای نیست[(٢)]. ﴿٧٣﴾ هرآئینه کافرشدند
کسانیکه گفتند که خدا سوم سه کس است[(٣)] وهیچ إله برحق نیست مگراله یگانه وا گرباز
نیایند ازآنچه می گویند قطعا کافران را ازایشان[(٤)] عذابی درد دهنده خواهدرسید. ﴿٧٤﴾
آیارجوع نمی کنند به سوی خدا وازاو آمرزش نمی طللبند و خدا آمرزنده مهربان است.
﴿٧٥﴾ نیست عیسیٰ پسر مریم مگرپیامبری به یقین گذشته اند پیش ازوی پیامبران ومادراو
بسیار راستکردار بود هردو طعام را می‌خوردند ببین چگونه برای ایشان نشانه ها را بیان
می کنیم بازببین چگونه گردانیده می شوند[(٥)]. ﴿٧٦﴾ بگو آیاعبادت می کنید بجز خدا
چیزی را که نمی تواند برای شما زیانی ونه سودی وخدا همان شنوای دانا است. ﴿٧٧﴾
بگوای اهل کتاب ازحدمگذرید دردین خود به ناحق و خواهشات نفس های قومی را که
به یقین گمراه شدند پیش ازین پیروی مکنید و گمراه کردند مردمانِ بسیاری را و ازراه
راست گمراه شدند[(٦)].

---

(١) یعنی محمد صلی الله علیه وسلم را فرستاد والله اعلم.
(٢) اعتقاد حلول نوعی ازشرك است.
(٣) یعنی درمرتبه الوهیت سه کس هستند یکی خداودیگری عیسیٰ وسوم روح القدس والله اعلم.
(٤) یعنی اهل اصرار راازیشان.
(٥) یعنی ازمعرفت حق.
(٦) یعنی پیشوایان یهودیت ونصرانیت که برای ایشان مذهب قرار داده اند والله اعلم.

﴿٧٨﴾ کافران را ازبنی اسرائیل برزبان داود وعیسیٰ پسر مریم لعنت کرده شد این به سبب آنست که نافرمانی میکردند وازحدمیگذشتند. ﴿٧٩﴾ بودندکه یك دیگر را ازآن عمل زشتی که مرتکب آن شدند منع نمی کردند البته چه بد است چیزی که میکردند. ﴿٨٠﴾ می بینی که بسیاری ازایشان باکافران (یعنی بامشرکان) دوستی میکنند البته بدچیزیست که پیش فرستاده است برای ایشان نفسهای ایشان آن چیزخشم گرفتن خداست برایشان وایشان درعذاب جاویدانند. ﴿٨١﴾ و ا گر بودندکه به خدا وپیامبر (یعنی پیامبر خود) وآنچه فروفرستاده شده است به سوی وی ایمان می آوردند البته مشرکان را دوست نگرفتند ولیکن بسیاری ازایشان فاسقانند. ﴿٨٢﴾ البته سخت ترین مردمان را درعداوت بامسلمانان یهود ومشرکان را بیابی. والبته نزدیك ترین مردمان را دردوستی بامسلمانان کسانی را که گفتند مانصاریٰایم بیابی این به سبب آن است که ازجنس ایشان دانشمندان وگوشه نشینان هستند وبه سبب آنست که ایشان تکبر نمیکنند. ﴿٨٣﴾ وچون بشنوند آنچه فروفرستاده شده برپیامبر ببینی چشم های ایشان را اشك میریزد به سبب آنچه ازحق شناختند می گویند ای پروردگار ما ایمان آوردیم پس مارا باشاهدان بنویس[(١)].

(١) یعنی جماعتی که اکمل امت باشند والله اعلم.

﴿۸٤﴾ وچیست ما راکه به خدا وآنچه آمده است به مااز دین راست ایمان نیاوریم وچیست ما را که طمع نکنیم که ما را پروردگار ما (دربهشت) باقوم صالحان داخل کند. ﴿۸٥﴾ پس خدا ایشان را برآن مقوله ای که گفتند بوستانهایی که میروداز زیرآنها جویها جاویدان درآنجا جزا داد واین پاداش نیکوکاران است[۱]. ﴿۸٦﴾ وکسانیکه کافرشدند وآیاتِ مارا تکذیب کردند ایشان اهل دوزخ اند. ﴿۸۷﴾ ای مومنان حرام مکنید لذایذ آنچه را خدا حلال ساخته است برای شما وازحد مگذرید هرآئینه خدا ازحد گذرندگان را دوست نمیدارد. ﴿۸۸﴾ وبخورید از آنچه خدا شمارا روزی داده است حلال و پاکیزه وبترسید ازآن خدا که شما به وی ایمان آوردید[۲]. ﴿۸۹﴾ خدا ازشما به لغو درسوگند های شما بازخواست نمی کند ولیکن بازخواست می کند شما را به آن سوگندها ای که به قصد محکم کردید[۳] پس کفارهٔ یمین منعقده خوراك دادن ده مسکین است ازجنس میانه ازآنچه اهلِ خود را می خورانید یا پوشش دادن ایشان یاآزاد کردن برده است پس هرکه نیابدلازم است روزه داشتن سه روز اینست کفارهٔ سوگندَهای شماچون سوگند خورید (یعنی وحانث شوید) و سوگند های خود را نگاهدارید[٤] همچنین بیان می کند خدابرای شماآیه های خود را تاباشد که شماشکرکنید. ﴿۹۰﴾ ای مسلمانان جزاین نیست که خمر وقمار ونشانهای معبودان باطل وتیرهای فال پلیداست ازکردار شیطان است پس ازوی احتراز کنید تاباشد که شما رستگارشوید.

(۱) مترجم گوید درآیات مذکوره اشاره است به فضیلت قومی ازنصاریٰ حبشه که همراه جعفر طیار بخدمت آن حضرت آمده مسلمان شدند والله اعلم.

(۲) یعنی ترك نکاح یا ترك خوردن کم وامثال آن درست نیست والله اعلم.

(۳) مترجم گوید یعنی به لغو کفاره واجب نیست چنانکه ازدورشبهی بیند وبه گمان گوید که والله زید است وزید نباشد وبریمین منعقده اگرحانث شود کفاره واجب است چنانکه گوید والله این طعام را نخورم یا درین خانه درنیایم وعلی هذا القیاس والله اعلم.

(٤) یعنی تامقدور حانث نشوید والله اعلم.

﴿۹۱﴾ جزاین نیست که شیطان می خواهد که درمیان شما دشمنی وناخوشی بیندازد به سبب خمر وقمار و شما را ازیاد خدا وازنماز بازدارد پس آیا شما اکنون دست بردارنده اید. ﴿۹۲﴾ وخدا را فرمانبرداری کنید وپیامبررا فرمانبرداری کنید وبترسید پس اگر رویگردانیدید پس بدانید که برپیامبر ما مگرپیغام رسانیدن آشکار نیست. ﴿۹۳﴾ نیست برکسانیکه ایمان آوردند وکارهای شایسته کردند گناهی درآنچه خوردند(۱) چون پرهیزگاری کردند وایمان آوردند وکارهای شایسته کردند بازپرهیزگاری کردند ونیکوکاری نمودند وخدا نیکو کاران را دوست میدارد(۲). ﴿۹۴﴾ ای مسلمانان البته خدا شما را به چیزی ازشکار که برسد به آن دستهای شما ونیزه های شما می‌آزماید تامتمیز کند خدا کسی را که غایبانه ازوی می ترسد پس هرکه بعد ازین تجاوز کند برای او عذاب درد ناك است. ﴿۹۵﴾ ای مسلمانان چون احرام بسته باشید صید را مکشید وهرکه اوراازشمابه قصد بکشد پس جزا واجب است وآن جزا مانند آن چیزیست که اوراکشته است ازجنس چهارپایان که به آن دوصاحب عدالت ازشما حکم کنند آن چهارپایه قربانی باید رسیده به کعبه باشد یاآن جزا کفاره‌ٔاست که به فقیران غذا بدهد یا برابرآن روزه گیرد تا جزای کردار خود را بچشد عفو کرده است خدا ازآنچه گذشت وهرکه دیگربارکند خدا ازوی انتقام می‌گیرد وخدا غالب صاحب انتقام است(۳).

---

(۱) یعنی قبل ازتحریم.

(۲) مترجم گوید یعنی آنچه قبل ازتحریم خوردندعفواست چون درتقویٰ رسوخ پیداکردند واین سخن بدان ماندکه کسی گوید باتو احسان کنم وبازبتواحسان کنم به معنی آنکه پیوسته احسان کنم والله اعلم.

(۳) مترجم گویدجزای صید یکی ازسه چیزتواند بود مماثل صید را درحرم ذبح کند ومماثلت نزدیك شافعی به خلقت وهیئت است ونزدیك ابی حنیفه به قیمت یا به قیمت صیدطعام خریدنمایدوبه مسکینان دهد ونزدیك شافعی هر مسکینی را مدی ونزدیك ابی حنیفة هر مسکینی را نیم صاع از گندم یایك صاع ازجویابه شمار مسکینان علی اختلاف المذهبین روزه دارد والله اعلم.

﴿۹۶﴾ برای شماشکار دریا و خوردن آن حلال کرده شد تامنفعت باشدبرای شما وبرای قافله وحرام کرده شد برشما شکار خشکی وبیابان تا ما دامی که محرم باشید وبترسیدازآن خداکه به سوی وی حشر کرده خواهیدشد. ﴿۹۷﴾ خدای تعالی کعبه را که خانه بزرگوارست وماه حرام وقربانی (بی نشان) وقربانی نشاندار را مایهٔ قوام (امور) مردمان گردانید، این بیان برای آنست که تا بدانیدکه خدا میداند آنچه درآسمانهاست وآنچه درزمین است وتابدانیدکه خدا به همه چیزداناست. ﴿۹۸﴾ بدانیدکه عقوبتِ خدا سخت است و آنکه خداآمرزنده مهربان است. ﴿۹۹﴾ نیست برپیامبر مگر رسانیدن پیغام وخدا می داندآنچه راکه آشکار می کنید وآنچه پنهان می کنید. ﴿۱۰۰﴾ بگو (ای محمد) پلید وپاك برابرنیست واگر چه درعجب آرد تورابسیاری پلید، پس ازخدا بترسید ای خداوندان خردتارستگار شوید[۱] . ﴿۱۰۱﴾ ای مسلمانان ازآن چیزها ای که ا گر ظاهر کرده شود حقیقت آنها پیش شماغمگین کند شما را سوال مکنید و ا گر ازآن وقتیکه فرود آورده می شود قرآن سوال کنید البته ظاهر کرده شود برای شما خدای تعالی ازآن سؤالات عفو کرد وخدا آمرزنده بردباراست[۲] . ﴿۱۰۲﴾ به راستی سؤال کرده بودند قومی پیش ازشما ازمثل آن چیزها باز به آنها کافرشدند. ﴿۱۰۳﴾ خدای تعالی هیچ بحیره ونه سائبه ونه وصیله ونه حام را مشروع[۳] نکرده است ولیکن کافران برخدا دروغ می بندند وبسیاری ازایشان در نمی‌یابند.

(۱) مترجم گوید یعنی مال حرام ومال حلال برابرنیست ا گرچه حرام بسیارجمع می شود والله اعلم.

(۲) مترجم گوید بعض مردم ازآن حضرت به غیر ضرورت سوال میکردندیکی گفت پدرمن کیست ودیگری گفت که مرجع من بهشت است یا دوزخ درین باب نازل شد.

(۳) مترجم گوید اهل جاهلیت احکامی چنداختراع کرده بودند ودرآنهابه قول اسلاف خود تمسك مینمودندازآن جمله بحیره و آن ماده شتری است که اورا برای بتان مقرر میکردند وشیراورابکسی نمیدادند بعد ازاینکه پنج باربزایدو آخرین نرباشد و سائبه که برای بتان جانور را میگذاشتند وباربرپشت اونمی نهادند ووصیله وآن ماده شتریست که اول بار دراول عمر شترماده بزاید بعد ازآن به غیر فصل دیگربار ماده زاید پس آنرابرای بتان میگذاشتند وبعد ازآنکه از حملی چند بچه گرفتند اورا معاف داشتند ازرکوب وجز آن و او را حام می گفتند خدای تعالی این همه را فسخ فرمود وآیه فرستاد.

﴿۱۰٤﴾ وچون گفته شودایشان را به سوی آنچه فروفرستاده است خدا و به سوی پیامبر بیایید گویند ماراآنچه برآن یافتیم پدرانِ خود را بس است واگر چه پدرانِ ایشان هیچ چیزی نمی دانستند وهیچ راه نمی یافتند. ﴿۱۰۵﴾ ای مسلمانان خویشتن را محافظت کنید ضررنمی رساند شما را کسی که گمراه شدچون شما راه یاب شدید بازگشت همگی شما به سوی خداست پس شما را به آنچه عمل می کردید خبردهد[۱]. ﴿۱۰٦﴾ ای مسلمانان (نصاب) شهادت درمیان شماهنگام وصیت چون به یکی ازشماموت برسد دوکس اندکه ازشما صاحب عدالت باشند یا اگرشما درحال سفر درزمین باشید پس آنگاه به شمامصیبتِ موت رسد دوتن ازغیرخودتان است ا گرشك داشته باشید ایشان را بعد ازنماز (یعنی نماز عصر) بازدارید پس قسم خورند بخدا که به عوض سوگندخدابهای دنیا را خرید نمی کنیم واگرچه کسیکه برای نفع او گواهی میدهیم صاحب قرابت باشدوپنهان نمی کنیم گواهی خدا را[۲] هرآئینه ماآنگاه ازگنهگاران باشیم. ﴿۱۰۷﴾ اگر[*] اطلاع واقع شدبرآنکه این دو گواه گناهی حاصل کردند[۳] پس دوکس دیگر که قرابت قریبه داشته باشند به جای آنهاازکسانیکه مال را حق خودساختند برهریکی ازدوگواه دروغ به زبردستی برایشان بایستند[٤] پس سوگند خورند به خداکه گواهی ما درست تراست ازگواهی آن دووازحد تجاوز نکردهایم هرآئینه ماآنگاه ازستمکاران باشیم. ﴿۱۰۸﴾ این اسلوب نزدیك تراست به آنکه گواهی را بروجه آن بیارند (یعنی بروجهیکه بایددر گواهی دادن) یابترسد ازآنکه ردّ کرده شود سوگندها بعد از سوگند های ایشان[٥] وازخدا بترسید وحکم اورا بشنوید وخدا گروه فاسقان را هدایت نمی نماید[٦].

---

(۱) یعنی اگرشما صلاح کردید و شرط امر به معروف ونهی ازمنکر به جاآوردید مخالفتِ مخالفان ضرر نمی کند والله اعلم.

(۲) ایضًا مترجم گوید مسلمانی را اگر اتفاق سفر افتاد ودرجائی که هیچ مسلمان نبود محتضر شد ناچاردوذمی را ترکه خود سپرد کرد وبروصیت خود گواه ساخت، ایشان ازآن ترکه جام نقرهٔ ای را خیانت کردند وچون اولیای میت ازایشان مطالبه نمودند قسم خوردند که مابهآن اطلاع نداریم بعد ازآن آن جام نزدیك صواغی پیداشد گفت که این دوذمی بدست من فروختند درین باره آیت نازل شد ودوکس ازاولیای میت قسم خورده آن جام را گرفتند.

(*) توضیح: پس اگراطلاع حاصل شد که آنها مرتکب گناهی شده اند پس دو گواه ازاقارب نزدیك میت که نسبت به اقارب دیگر میت مستحق میراث اویند جانشین آن دو گواه شوند مصحح.

(۳) یعنی گواه حق که خدابه آن فرموده ندادند والله اعلم.

(٤) یعنی گواهی دروغ دادند وبه دروغ قسم خوردند.

(٥) یعنی اگر کسی داندکه بعدازسوگند من سوگند مدعی نخواهد بود سوگند دروغ می خورد واگر بداند که چون کذب او ظاهر شود مدعیانرا سوگند دهندو حق به سوگند ایشان ثابت شوداز سوگند دروغ احتیاط می کند.

(٦) مترجم گوید تاویل آیت به مذهب شافعی آن است که مراد ازشهادت وصیت است وازمنکم من اقاربکم و ذکراثنین برای احتیاط و قسم دادن به جهت مدعاعلیه بودن درین دعوی که خیانت کردهاند وتعیین صلوة عصر به جهت تغلیظ یمین واختیار اثنین برای احتیاط واقامت اولیان به جهت مدعاعلیه بودن برایشان دردعوای که به جهت حذرخود تقریر میکند چنانچه درصورت مذکوره دعوی اشتراء کرده بودندوان ارتبتم، فان عثر اشارتست بتوجه دعوای کسی و به مذهب ابی حنیفة مانند آن است مگرآنکه تعیین صلوة عصر به جهت آنست که قضاة در محکمه همین وقت می نشستند پس گویا که گفته شد درمحکمه قضا والله اعلم.

﴿۱۰۹﴾ یادکن آن روز راکه خدا پیامبران را جمع کند پس بگوید شمارا چه جواب داده شد گویند مارا هیچ دانش نیست هرآئینه داننده غیبها تویی[۱]. ﴿۱۱۰﴾ آن وقت که گوید خدای تعالی ای عیسیٰ پسر مریم یادکن نعمت مرا برخویش و بروالدهٔ خویش چون قوت دادم تورا به روح القدس (یعنی به جبریل علیه السلام) سخن می گفتی بامردمان در گهواره ودرحالت معمری وچون تورا کتاب و دانش وتورات وانجیل آموختم وچون پیدا می کردی ازگل مانند شکل مرغ به حکم من پس دم می زدی دروی پس می شد مرغی به حکم من وبِه میکردی کورمادرزاد را وبرص داررا به حکم من وچون مردگان را (زنده ازگور) به حکم من بیرون می آوردی[۲] وچون بازداشتم شر بنی اسرائیل را ازتو آنگاه که به نزد ایشان معجزه ها آوردی پس کافران ازایشان گفتند این مگرسحر آشکار نیست. ﴿۱۱۱﴾ وچون الهام فرستادم به سوی حواریان که ایمان آرید به من وبه پیامبر من گفتند ایمان آوردیم وگواه باش یا عیسیٰ برآنکه مامسلمانیم. ﴿۱۱۲﴾ چون حواریان گفتند ای عیسیٰ پسر مریم آیامی‌تواندپروردگار تو که فروفرستد برما خوانی ازآسمان گفت عیسیٰ ازخدا بترسید اگر مومن هستید[۳]. ﴿۱۱۳﴾ گفتند می خواهیم که بخوریم ازآن خوان وآرام گیرد دل های ما وبدانیم که باما راست گفتی و برنزول آن از گواهان باشیم.

(۱) یعنی نخست ازسر خضوع ونیایش ایشان گویند که دربرابر تو نسبت به دانش ماراهیچ دانش نیست بعد ازآن گواهی دهند براست خویش والله اعلم.
(۲) یعنی از گور زنده بیرون می آوردی والله اعلم.
(۳) حاصل این است که الهام فرستادم به سوی حواریان درآن مدت که معجزه طلب کردند و برحسب مراد دیدند.

﴿۱۱٤﴾ گفت عیسیٰ پسر مریم بارخدایا ای پروردگارما برما خوانی پُر ازطعام ازآسمان فرود آر تاباشد عیدی برای ماوبرای اول امت ما وآخر امت ما ومعجزه ای ازجانب تو وروزی ده مارا وتوبهترین روزی دهندگانی. ﴿۱۱٥﴾ خدا گفت من فرود آورنده ام آن رابرشما پس هرکه ازشماکافر شود بعد ازین پس من تعذیب کنم اورا به عذابیکه تعذیب نکنم بآن هیچ یك رااز جهانیان[۱]. ﴿۱۱٦﴾ ویادکن آن وقت را که گوید خدااى عیسیٰ پسر مریم آیا تو به مردمان گفتی که مرا خدا گیرید ومادرمرا به جای خدای تعالی[۲] گفت به پاکی یادمی‌کنم تورانه سزد مرا که بگویم آنچه لایق من نیست اگر گفته باشم این قول را پس تو آن را دانسته ای (زیراکه) می دانی آنچه درنفس من است ونمی دانم آنچه درنفس تست هرآئینه تودانندهٔ امور پنهانی. ﴿۱۱۷﴾ نگفته‌ام به ایشان مگر آنچه مرا به آن فرموده بودی که خدارا که پروردگار من وپروردگار شما است بپرستید وبودم برایشان نگاهبان مادامی که درمیان ایشان بودم پس وقتیکه مرا بر گرفتی[۳] توبودی نگاهبان برایشان وتو برهمه چیز نگاهبانی. ﴿۱۱۸﴾ اگر ایشان را عذاب کنی پس ایشان بندگان تواند و اگر ایشانرا بیامرزی پس تویی غالب استوارکار. ﴿۱۱۹﴾ خدا گوید امروز روزی است که نفع دهد راست گویان را راستگویی ایشان برای آنهاست بوستانها ای که میرود از زیرآنها جویها باشد جاویدان در آنجا همیشه خدا ازایشان خوشنود شد وایشان ازخدا خوشنودشدند این رستگاری بزرگ است. ﴿۱۲۰﴾ پادشاهی آسمان هاو زمین وآنچه درآن هاست ازآنِ خداست واوبرهمه چیز تواناست.

(۱) مترجم گوید بعد ازآن خوانی نازل شد ازآسمان که بروی گوشت ونان بود پس خوردند و سیر شدند والله اعلم.

(۲) مترجم گوید خدای تعالی روزقیامت نعمت های خود را بر عیسیٰ یاد دهانی کند بعد ازآن سوال کند که خود را اله می گفتی یانه به جهت تاکید و برای قطع شبهه نصاریٰ به ابلغ وجوه والله اعلم فتح الرحمن.

(۳) یعنی برآسمان بردی مرا.

سوره انعام مکی است وآن یك صدو شصت و پنج یاشش آیه وبیست رکوع است

﴿۱﴾ ستایش آن خدای راست که آسمان هاوزمین راآفریدوتاریکی ها و روشنی را پدیدآورد بازکافران باپروردگارشان (بُتانی را) برابرمی کنند[۱]. ﴿۲﴾ اوست آنکه شمارا از گِل بیافرید باز وقت مرگ را مقرر کرد و (برای قیامت) نزد او مدتی معین هست[۲] بازشما شك می کنید. ﴿۳﴾ واوست خدا[۳] درآسمان ها ودرزمین پنهان شماراو آشکارتان را می داند و آنچه عمل می کنید میداند. ﴿٤﴾ و به کافران هیچ نشانه ای ازنشانه های پروردگار ایشان نمی آید مگر آنکه ازآن رویگردان شدند. ﴿٥﴾ پس به درستیکه حق را (یعنی رسول را وآنچه آورده بود ازقرآن ودین حق) چون آمدایشانرا تکذیب کردند پس خواهد آمد به ایشان جزای آنچه به وی تمسخر میکردند[٤]. ﴿٦﴾ آیا ندیده‌اند که چه قدر پیش ازایشان ازامتهاکه استقرار داده بودیم ایشان را درزمین آنقدری که استقرار نداده ایم شمارا هلاك کرده ایم و باران را برایشان پی درپی ریزنده فرستاده بودیم وپیداکردیم جویهای که میرفت زیرایشان[٥] پس ایشان را به گناهان ایشان هلاك کردیم وبعدازایشان امتی دیگر (یعنی مردمان دیگری) پیداکردیم. ﴿۷﴾ وا گر نوشته ای در ورقی برتونازل می کردیم پس آن رابدست هایشان لمس میکردند البته کافران می‌گفتند این جز سحر ظاهر نیست[٦]. ﴿۸﴾ و گفتند کافران چرا فرودنیاورده شد بر پیامبر فرشته ای[۷] واگر فرشته ای را فروفرستادیم البته کاربه انجام رسانیده می شد باز مهلت داده نشوند[۸].

(۱) یعنی معبودان باطل را.

(۲) یعنی برای قیام قیامت.

(۳) یعنی متصرف وفرمانروا.

(٤) یعنی به صدق آن خبردارد والله اعلم.

(٥) یعنی زیر مساکن ایشان.

(٦) یعنی تعصب ایشان به مرتبه ای است که اگر نزول کتاب را به حس ظاهر ببینند نیزانکار کنند.

(۷) یعنی به وجهی که ماآنرابه حس ظاهر ببینیم والله اعلم.

(۸) یعنی ظهور ملائکه به این وجه مستلزم هلاك ایشان است درحکمت الهی والله اعلم.

﴿۹﴾ وا گر آن فرستاده را فرشته ای میکردیم لازم آن را مردی قرارمی دادیم (یعنی به شکل مردی درمی آوردیم) والبته مشتبه میکردیم برایشان آنچه اکنون اشتباه میکنند. ﴿۱۰﴾ وبه راستی که به پیامبران پیش ازتو تمسخر کرده شد پس به تمسخر کنندگان ازایشان جزای آنچه به آن تمسخر می کردند فرود آمد[1]. ﴿۱۱﴾ بگو درزمین بگردید بازنظر کنید آخر کار تکذیب کنند گان چگونه شد؟. ﴿۱۲﴾ بگو ـ آنچه درآسمان هاوزمین است برای چه کس است؟ بگو برای خدا است برخودمهربانی را لازم کرد البته شمارا درروز قیامت که هیچ شکی درآن نیست جمع کند آنانکه زیان کردند درحق خویشتن پس ایمان نمی آورند. ﴿۱۳﴾ وآنچه ساکن شد درشب وروز ازآنِ اوست واو شنوای دانا است. ﴿۱٤﴾ بگوآیا غیراز خدای پیدا کنندهٔ آسمان هاوزمین را، دوستی گیرم حال آنکه او روزی میدهد و روزی[*] داده نمی شود بگوهرآئینه مرا امرکرده شده است که نخستین مسلمان باشم (یعنی ازین امت) و(فرموده شد که) از شریك مقرر کنند گان مباش. ﴿۱٥﴾ بگوهرآئینه من اگرنافرمانی پروردگار خود کنم ازعذاب روز بزرگ می ترسم. ﴿۱٦﴾ هر که ازاوعذاب آن روز بازداشته شود پس خدابروی مهربانی کرد واین سعادتي آشکار است. ﴿۱۷﴾ وا گر خدا به تو سختی رساند آن را بازدارنده ای جزخوداو نیست وا گر به تو نعمت رساند پس اوبرهمه چیز تواناست. ﴿۱۸﴾ واو بالای بندگان خود غالب است واو دانا آگاه است.

(۱) یعنی جزای کلمه ای که به طریق سخریه باینها می گفتند یافت
(*) يعني نیاز روزی ندارد. مصحح.

﴿۱۹﴾ بگوچه چیز در شهادت برتر وبزرگتر است؟[۱] بگوخدا بین من وبین شما گواه است و به سوی من این قرآن وحی کرده شد تا شمارا به آن و آن را نیز که قرآن به اوبرسد بیم دهم آیاشما گواهی میدهید که باخدا معبودان دیگر هستند بگو من گواهی نمیدهم بگوجزاین نیست که او معبود یگانه است وهرآئینه من بیزارم ازآنچه شما شریك مقررمیکنید. ﴿۲۰﴾ آنانکه ایشان را کتاب داده ایم حقیقت این قول را می شناسند[۲] چنانکه پسران خودرا می شناسند آنانکه به خود زیان زده اند پس ایشان ایمان نمی آورند. ﴿۲۱﴾ وکیست ستمکارتر ازکسی که برخدا دروغ را بربست یا آیاتِ اورا دروغ انگاشت هرآئینه ستمکاران رستگار نمی شوند. ﴿۲۲﴾ ویادکن آن روز را که همگی ایشان را حشر کنیم باز مشرکان را می گوییم کجایندآن شریکان شما که ایشان را به گمان اثبات می کردید. ﴿۲۳﴾ بعد ازآن عذر ایشان جزاین نباشد که گویند قسم به خدا پروردگارما که مامشرك نبودیم. ﴿۲٤﴾ بنگرچگونه برخویشتن دروغ گفتند و ازایشان آنچه افترامی کردند گم گشت. ﴿۲٥﴾ وازایشان کسی هست که به سوی تو گوش می نهد و بردلهای ایشان پرده ها پیداکرده ایم تا آن را نفهمند ودرگوشهای ایشان سنگيني را (گذاشته ایم) واگر ببینند هر معجزه ای به آن ایمان نیارند تاوقتیکه بیایند پیش تومکابره کنان باتو این کافران گویند این جز قصهای پیشینیان نیست. ﴿۲٦﴾ وایشان ازمتابعت او منع میکنند واز او دورمی شوند ومگر خویشتن را هلاك نمی کنند ونمی دانند. ﴿۲۷﴾ وتعجب کنی ا گر ایشان را ببيني وقتیکه نزدیك آتش بازداشته شوند پس گویند ای کاش ماباز گردانیده شویم پس آیاتِ پروردگار خویش را دروغ نینگاریم و از مسلمانان شویم.

(۱) یعنی اظهار حق کردن والله اعلم.

(۲) یعنی کلمه توحید، مترجم همینطور تفسیر کرده است وبرای توضیح گوییم که بسیاری ازمفسرین مراداز ﴿یَعۡرِفُونَهُۥ كَمَا يَعۡرِفُونَ أَبۡنَآءَهُمۡ﴾ که می شناسند اورا یعنی رسول خدارا که درکتابهای آنان وصف ونعت او موجوداست مانندشناختن بچهایشان همین معنی را گرفته اند مصحح والله اعلم.

﴿۳٦﴾ جزاین نیست که قبول میکنند (دعوت تورا)[1] آنانکه می شنوند وخدا مُردگان (یعنی کافران) را برمی انگیزد باز به سوی او گردانیده شوند. ﴿۳۷﴾ و گفتند چرا برپیامبر نشانه ای ازجانب پروردگارش فروفرستاده نشد؟[2] بگوهرآئینه خداقادراست برآنکه آیتی فروفرستد و لیکن اکثر ایشان نمی دانند. ﴿۳۸﴾ ونیست هیچ جانوری درزمین ونه هیچ پرنده ای که می پرد به دو بال خود مگر آنکه امتهایی چون شماهستند هیچ چیزی را درکتاب (یعنی لوح محفوظ) فروگذارنکرده ایم باز به سوی پروردگار خود حشر کرده خواهند شد. ﴿۳۹﴾ وکسانیکه آیاتِ مارا تکذیب کردند کرانند و گنگانند درتاریکی‌ها (ی کفر) هستند هرکرا خدا خواهد گمراه کندش وهرکرا خواهد براه راست گرداندش. ﴿٤۰﴾ بگوآیادیدید اگربه شما عذاب خدا بیاید یا به شما قیامت بیاید آیا غیر خدا را تضرع می کنید اگر راست گوهستید. ﴿٤۱﴾ نه بلکه خاص به جناب اودعامی‌کنید پس ا گر بخواهد دفع می کندآنچه راکه برای دفع آن دعامی‌کنید و آن چیزرا که اوراشریك مقرر می‌کردید فراموش می‌کنید. ﴿٤۲﴾ وبه راستی به سوی امتانی پیش ازتو (پیامبرانی) فرستادیم[3] پس ایشان را به تنگی معیشت وبیماری درگرفت کردیم تازاری کنند. ﴿٤۳﴾ پس چرا زاری نکردند وقتیکه به ایشان عذابِ‌ما آمد ولیکن دلهای ایشان سخت شد و درنظر ایشان آنچه می کردند شیطان زینت داد. ﴿٤٤﴾ پس چون فراموش کردند آنچه ایشان را به آن پند داده شد برایشان درهای همه چیزرا[4] گشودیم تاآن هنگام که شادمان گشتند به آنچه ایشان را داده شد ناگهان ایشان را درگرفتیم پس ناامید شدند.

(۱) یعنی دعوت اسلام را.
(۲) یعنی ازآن نشانه ها که می طلبیدند والله اعلم.
(۳) یعنی پیامبران.
(٤) یعنی به‌استدراج نعمتهای فراوان دادیم والله اعلم.

﴿۴۵﴾ پس بیخ گروه ستمکاران بریده شد وسپاس وستایش خدای پروردگار جهانیان راست. ﴿۴۶﴾ بگوآیادیدید اگر خدا شنوایی شمارا و چشم های شمارا باز گیرد وبردل های شما مُهرزند کیست معبودی غیر از خدا تعالی که آنرا به شمابازگرداند ببین چگونه گونا گون آیه هارا بیان می کنیم بازایشان رویگردان می شوند. ﴿۴۷﴾ بگوآیا دیدید اگر به شما عذابِ خدا ناگهان یا آشکار بیاید آیا[۱] جز قوم ستمکاران هلاك کرده شوند. ﴿۴۸﴾ و پیامبران را مگر بشارت دهنده وبیم دهنده نمی فرستیم پس هرکه ایمان آورد و نیکوکاری کرد پس هیچ ترسی برایشان نبود ونه ایشان اندوهگین شوند. ﴿۴۹﴾ وکسانیکه آیاتِ مارا تکذیب کردند به ایشان به سبب فاسق بودن ایشان عذاب برسد. ﴿۵۰﴾ بگونمی‌گویم به شما که نزد من خزانه های خدا است ونمی گویم که غیب را میدانم وبه شما نمی‌گویم که من فرشته ام پیروی نمی‌کنم مگر چیزی راکه به سوی من وحی کرده شد بگوآیابرابر میشود نابینا وبینا آیاتأمل نمی کنید. ﴿۵۱﴾ و بترسان باقرآن (یعنی پند ده به قرآن) کسانی را که می ترسندازآنکه به سوی پروردگار خویش حشرکرده شوند ایشانرا بجز خدا هیچ دوستی ونه سفارش کننده ای نباشد تاباشدکه پرهیزگاری کنند. ﴿۵۲﴾ [۲] و کسانی را که مناجات می‌کنند به پروردگارخویش بامداد وشام رضای اورامی طلبند مَرَان، نیست برتو چیزی ازحسابِ ایشان ونیست برایشان چیزی ازحسابِ تو تا ایشان را به رانی که آنگاه ازستمکاران باشی.

---

(۱) یعنی هلاك کرده شوند.

(۲) رؤسای کفار به آن حضرت گفتند که برای ما عارست که با فقرای مسلمین بنشینیم ایشانرا ازمجلس خود یکسوکن تاباتوبنشینیم خدای تعالی آیت فرستاد.

﴿٥٣﴾ وهمچنین بعض مردمان را به بعضی امتحان کردیم تابگویند آیااین جماعت خدا بریشان ازمیان ما انعام کرده است خدای تعالی فرمودآیا خدا به شکر کنند گان داناتر نیست؟. ﴿٥٤﴾ وچون کسانیکه ایمان آورده اند به آیات ما پیش تو بیایند پس بگو سلام علیکم پروردگار شمابرخود مهربانی را لازم کرده است که هرکه بکند ازشماکار بد به نادانی بازتوبه کرد بعد ازآن ونیکوکاری نمود پس خدا آمرزنده مهربان است. ﴿٥٥﴾ وهمچنین نشانه هارا به وضوح بیان می کنیم وتا راه ستمکاران ظاهر شود[1]. ﴿٥٦﴾ بگوهر آئینه مرا منع کرده شد که عبادت کنم آن کسانی را که شما غیراز خدا می پرستید بگو آرزوهای شمارا پیروی نمی کنم آنگاه گمراه شده باشم و نباشم ازراه یافتگان. ﴿٥٧﴾ بگوهرآئینه من بر حجتیِام ازپروردگار خود وآن دلیل را دروغ انگاشتید نیست نزد من آنچه شما آن را به زودی می طلبید [2] نیست حکم مگر خدارا دین درست را بیان می کند واوبهترین فیصله کنند گان است. ﴿٥٨﴾ بگو ا گر آنچه که آن را به زودی می طلبید درنزدمن می بود البته کارمیانِ من ومیانِ شما یکسره می شد وخدا به ستمکاران داناتراست. ﴿٥٩﴾ ونزد اوست کلید های غیب[3] نمی داند آن را مگراو و آنچه درخشکی ودریاست میداند ونمی افتد هیچ برگی مگراینکه آنرامی داند ونمی افتد هیچ دانه ای درتاریکی‌های زمین ونه هیچ تری ونه خشکی مگر درکتاب روشن ثبت است.

(١) ظاهر نزديك مترجم آن است که این واو زائد است مثل واووفتحت ابوابها.
(٢) یعنی عقوبت دراختیار من نیست.
(٣) یعنی انواع علم غیب.

﴿۶۰﴾ واوست آنکه قبض روح شما به شب می کند[۱] ومی داند آنچه به روز کسب کردید باز شمارا در روز برمی انگیزد تا میعاد معین به انجام رسانیده شود باز به سوی اوباز گشت شماست باز شمارا به آنچه می کردید خبر می دهد. ﴿۶۱﴾ واوست غالب بالای بند گان خود و برشما ملائکه نگاهبان می فرستد تاوقتیکه به کسی ازشمامرگ بیاید قبض روح اوکنند فرستادگان ماوایشان کوتاهی نمی کنند. ﴿۶۲﴾ (مُردگان) به سوی خدا که سرور راستینشان است باز گردانیده شوند خبردار حکم او راست واوشتاب ترین حساب کنندگان است. ﴿۶۳﴾ بگوکیست که شمارااز تاریکی‌های بیابان ودریا می رهاند[۲] به جناب اوبه زاری ونیازپنهانی مناجات می کنید می گویید اگر مارا ازین محنت رها دهد هر آئینه ازشکر کنند گان باشیم. ﴿۶۴﴾ بگوخدا شمارا ازآن محنت وازهر اندوهی می‌رهاند باز(هم) شما شریك مقررمی کنید. ﴿۶۵﴾ بگواوست توانا برآنکه برشما عذابی ازبالای شما فروفرستد[۳] یاازز‌یرپاهای شما[۴] و شمارا گروه گروه جمع کند و(طعم) جنگ برخی ازشمارا به برخی دیگر بچشاند[۵] بنگرچگونه گوناگون آیه هارا بیان می کنیم تابفهمند. ﴿۶۶﴾ و قوم تو قرآن را تکذیب کردند حال آن که آن راست است بگو برشما نگاهبان نیستم. ﴿۶۷﴾ هرخبری رامیعادیست وخواهید دانست. ﴿۶۸﴾ وچون ببینی آنان را که درآیه های ما بحث شروع میکنند پس ازایشان روبگردان تاوقتیکه درسخنی غیر از آن بحث شروع کنند واگر تورا شیطان فراموش گرداند پس بعد از یاد آوردن با گروه ستمکاران منشین.

(۱) یعنی وقت خواب.
(۲) یعنی ازمصیبت های بیابان ودریا.
(۳) یعنی چنانکه سنگ بر قوم لوط بارید.
(٤) یعنی چنانکه قارون رابه زمین فرودبرد.
(۵) یعنی افواج متعدده پیداشود وبایگدیگرجنگ کنند.

﴿۶۹﴾ وازحساب کافران چیزی برکسانیکه پرهیزگاری کردند نیست ولیکن برایشان لازم است پنددادن تاشود که ایشان پرهیزگاری کنند. ﴿۷۰﴾ و کسانی را که دین خود را بازی ولهو گرفتند بگذار و ایشان را زندگانی دنیا فریفت وبه وسیلهٔ قرآن برای احتیاط ازآنکه به مهلکه گذاشته شود نفسی بسبب آنچه کسب کرده است به وسیلهٔ قرآن پند ده اورابجز خدا هیچ دوستی ونه شفاعت کننده ای نیست و ا گر عوض خود هرفدایی که تواند دهد ازوی گرفته نشود آن جماعت آنانند که به مهلکه گذاشته شدند به وبال آنچه کردند ایشان راست آشامیدنی ازآب جوشانیده وایشان راست عذاب دردناك به سبب آنکه کافربودند. ﴿۷۱﴾ بگوآیا بجز خداکسی را که مارا نفع ندهد ومارا زیان نرساند مناجات کنیم وباز گردانیده شویم برپاشنه های خود بعدازآنکه خدا مارا راه راست نموده است مانند کسی که شیطانها اورا گمراه کرده باشند درزمین حیران مانده اورایارانند که می خوانندش به سوی‌راه راست که بیا به سوی‌مابگوهرآئینه هدایت خداهمان هدایت حقیقی است وفرموده شده است ماراکه منقاد پروردگار جهانیان شویم. ﴿۷۲﴾ وفرموده شدکه نمازرا برپادارید وازخدا بترسید واوست آنکه به سوی اوحشر کرده خواهید شد. ﴿۷۳﴾ واوست آنکه آسمانها و زمین را به تدبیر محکم بیافرید وروزیکه بفرماید(۱) که بشو پس می شود سخن اودرست است و برای اواست پادشاهی روزیکه دمیده شوددرصور. دانندهٔ پنهان وآشکاراست واو استوارکار آگاه است.

(۱) یعنی چیزی را.

﴿۷٤﴾ ویادکن چون ابراهیم پدرخود آزر را گفت آیا بتان را معبود میگیری هرآئینه من تورا وقوم تورادرگمراهی ظاهر می بینم. ﴿۷٥﴾ وهمچنین ابراهیم را ملك آسمان ها وزمین می نمودیم تا او از یقین کنندگان باشد[۱]. ﴿۷٦﴾ پس چون بروی شب تاریك شد دیدستاره ای گفت این پروردگار من است پس وقتیکه فرورفت گفت فروروندگان را دوست ندارم. ﴿۷۷﴾ پس چون ماه را طلوع کرده دید گفت این است پروردگار من پس وقتیکه فرورفت گفت اگر مرا پروردگار من هدایت نکند البته ازگروه گمراهان شوم. ﴿۷۸﴾ پس وقتیکه خورشید را طلوع کرده دید گفت این است پروردگار من این بزرگتر است پس چون فرورفت گفت ای قوم هرآئینه من بیزارم ازآنچه شریك مقرر میکنید. ﴿۷۹﴾ هرآئینه روی خودرا به سوی کسیکه بیافرید آسمانهاوزمین را درحالتیکه حنیفم متوجه ساختم ومن ازمشرکان نیستم. ﴿۸۰﴾ وباوقوم او جدال کردند گفت آیاجدال می کنید بامن درباره خدا وبه تحقیق که مرا هدایت کرده است ونمی ترسم ازآنچه شما باخدا شریك مقرر می کنید ولیکن می ترسم ازآنکه خداچیزی را[۲] اراده کند و پروردگار من به همه چیزازجهت دانش احاطه کرده است آیاپندنمی گیرید؟. ﴿۸۱﴾ وچگونه ازکسی که اوراشریك مقررمی کنید ترسم حال آنکه شمانمی ترسید ازآنکه باخدا چیزی را شریك مقرر کردید که برای شما دلیلی بر آن نفرستاده است پس کدام یك ازین دو گروه به امن (وامنیت) سزاوار تراست بگویید اگر می دانید.

(۱) یعنی چنانکه بروی ظاهر کردیم که بتان لایق عبادت نیستند نیزظاهر ساختیم که ستاره وهرچه درآسمانها وزمین است لایق عبادت نیستند وواو در ولیکون زائده است والله اعلم.

(۲) یعنی ازانواع محنت.

﴿۸۲﴾ (خدای تعالی فرمود) کسانیکه ایمان آوردند و ایمان خودرا به شرك نیامیختند آن جماعت ایشان راست ایمنی وایشان راه یافتگانند. ﴿۸۳﴾ واین است حجت ما که ابراهیم را برقوم او دادیمش وبلند می کنیم درمراتب هرکه را می خواهیم هرآئینه پروردگار تواستوارکار داناست. ﴿۸٤﴾ و ابراهیم را اسحاق و یعقوب عطاکردیم هریکی را ازایشان هدایت کردیم ونوح را پیش ازین هدایت کردیم وازاولاد ابراهیم (راه نمودیم) داود و سلیمان وایوب ویوسف وموسیٰ وهارون را وهم چنین نیکوکاران را پاداش می دهیم. ﴿۸٥﴾و زکریا و یحییٰ و عیسیٰ والیاس را هدایت کردیم همه آنان ازصالحان بودند. ﴿۸٦﴾ و اسمٰعیل والیسع ویونس و لوط را هدایت کردیم وهریکی را بر (اهل زمان) جهانیان فضل دادیم. ﴿۸۷﴾ وبعضی راازپدران ایشان وفرزندان ایشان وبرادران ایشان هدایت کردیم و ایشان را برگزیدیم وایشان را به سوی راه راست دلالت کردیم. ﴿۸۸﴾ این است هدایت خدا دلالت می کند بدان هرکه راخواهد ازبندگان خویش و ا گر شریك مقرر میکردند آنچه کرده بودند ازایشان نابود می شد. ﴿۸۹﴾ این جماعت آنانند که ایشان را کتاب وحکمت وپیامبری دادیم پس ا گر به آیاتِ قرآن این کافران کافر شوند پس ما گروهی را برآن بگماریم که هرگز به آن کفرنورزند[۱]. ﴿۹۰﴾ این جماعت انبیاء کسانی‌اند که خدا ایشان را هدایت کردپس به روش ایشان اقتداکن بگو هیچ مزدی بر تبلیغ قرآن سوال نمی کنم، آن نیست مگر پندی برای جهانیان[۲].

(۱) یعنی مهاجرین وانصار وسایر اخیار والله اعلم.

(۲) یعنی چنانکه انبیاء صبر کردند برایذاء کفار تو نیزصبر کن والله اعلم.

﴿٩١﴾ وصفت وتعظيم نكردند يهودخدارا چنانكه حق صفت وتعظيم اوست چون گفتند خدا برهيچ آدمی هيچ چيزی نازل نكرده است بگو چه كسی كتابی را كه موسیٰ آن را روشنی و هدايت برای مردمان آورده است نازل كرده است كه آن را به صورت ورقهايی درمی آوريد (قسمتي از) آن را آشكار می كنيد وبسياری را پنهان می كنيد وآموخته شديد (يعنی درقرآن) آنچه نمی دانستيد شما ونه پدران شمامی دانستند[١] بگوخدا فرودآوردباز بگذار ايشان را دربحث ايشان درحالتيكه بازی ميكنند[٢]. ﴿٩٢﴾ واين قرآن كتابيست كه او را بابركت باور دارندهٔ آنچه پيش ازوی بود فرستاديم و تا اهل مكه را وكسانی را كه گرد مكه ساكن اند بيم كنی ومعتقدان آخرت البته به قرآن ايمان می آورند وايشان برنمازخود محافظت می كنند[٣]. ﴿٩٣﴾ وكيست ستمكار تراز كسی كه برخدا دروغی را بربست[٤] يا گفت وحی به من فرستاده شده است وبه حقيقت به سوی اوچيزی نفرستاده شده است وازكسی كه گفت فرودخواهم آوردمانند آنچه خدا فرودآورده است[٥] وتعجب كنی چون بنگری وقتيكه ظالمان درشدايد مرگ باشند وفرشتگان دست های خود را درازمی كنند[٦] می گويند روحهای خودرا بيرون آوريد امروز جزاداده خواهيد شدعذاب رسواكننده به سبب آنكه برخداناحق می گفتيد وبه سب آنكه ازتصديق آيات اوسركشی می كرديد. ﴿٩٤﴾ وگوييم هرآئينه پيش ما تنها آمديد چنانكه شمارا بار اول آفريده بوديم و آنچه شمارا عطاكرده بوديم پس پشت خويش بگذاشتيد ونمی بينيم باشما شفاعت كنند گان شمارا آنان كه گمان می كرديد كه ايشان درپرورش شما شريكان خدااند هرآئينه پيوندميانِ شما بريده شد وازشما آنچه گمان می كرديد گم شد.

(١) يعنی كتمانِ آيات تورات راقرآن اظهار كرد و الّاقبل ازآن به يقين نمی دانستند.

(٢) حاصل آنست كه ا گر يهود گويند كه خدای تعالی بهيچ بشر وحی نميفرستد نقض كرده ميشود به تورات و ا گر گويند ميفرستد استبعاد فرستادن قرآن مجرد تعصب است پس اِذ قالوا به جای اِن قالوا گفته شد.

(٣) مترجم گويد انذار اولّا عرب را كرده شدكه زبان عربی می فهمند ثانيًا جميع اهل ارض را بواسطه ترجمه پس اين جا انذارِ اول مراد است مانند آيت ﴿هُوَ ٱلَّذِي بَعَثَ فِي ٱلۡأُمِّيِّـۧنَ رَسُولٗا مِّنۡهُمۡ يَتۡلُواْ عَلَيۡهِمۡ ءَايَٰتِهِۦ﴾ الآية ودرآيت ﴿وَمَآ أَرۡسَلۡنَٰكَ إِلَّا رَحۡمَةٗ لِّلۡعَٰلَمِينَ﴾ اعم از اولی وثانوی والله اعلم.

(٤) يعنی اعتقاد كردمثلا كه بحاير وسوايب از امرالهی است واتفاق سلف دليل برآن ست والله اعلم.

(٥) يعنی انشای كتابی مثل قرآن خواهم كردوانشارا به طريق مشاكلت انزال گفته شد.

(٦) يعنی ميزنند والله اعلم.

﴿۹۵﴾ هرآئینه خداشکافنده دانه وخسته است بیرون می آرد زنده را ازمرده وبیرون آرندهٔ مرده اززنده است این است خدا پس ازکجابرگردانیده می شوید. ﴿۹٦﴾ شکافنده صبح است و شب را آرامگاه گردانید و خورشید وماه رامعیارِ حساب گردانید این تقدیر خدای غالب دانا است. ﴿۹۷﴾ واوست آنکه برای شما ستاره هارا بیافرید تا به آنها درتاریکی های خشکی (بیابان) ودریا راه بیابید بی گمان به تفصیل نشانه هارا برای گروهی که می دانند بیان کردیم. ﴿۹۸﴾ واوست آنکه شمارا ازیك تن (شخص) پیدا کرد پس شماراقرارگاهی وودیعت گاهی است بی گمان به تفصیل نشانه هارا برای گروهی که می فهمند بیان کردیم. ﴿۹۹﴾ واوست آنکه ازآسمان آبی را فرودآورد پس به آن آب هرگونه روییدنی (اززمین) بیرون آوردیم سپس ازآن گیاه سبزه را بیرون آوردیم که ازآن سبزه دانها یکی بردیگری پیوسته وازشگوفه های درخت خرما خوشه های آویزان نزدیك بهم ودردسترس است بیرون می آریم وبیرون آوردیم بوستانهایی ازدرختان انگور و زیتون وانار مانند یکدیگر وغیرمانند یکدیگر بیرون آوردیم[1] به سوی میوهٔ درخت چون میوه آورد و به سوی پختگی او بنگرید هرآئینه دراین نشانه هاست برای گروهی که ایمان می آورند. ﴿۱۰۰﴾ و کافران برای خداشریکان را که از (قسم) جن اند مقرر کردند حال آنکه خدا ایشان را آفریده است وبه افترا اورافرزندان و دختران به غیر دانش ثابت کردند پاکیست اوراوبلند است ازآنچه بیان میکنند. ﴿۱۰۱﴾ اوآفرینندهٔ آسمانها وزمین است چگونه اورا فرزندی باشد حال آنکه او را زن نبود و هر چیزرا بیافرید واو بهر چیز داناست.

(۱) یعنی درصورت درخت وثمر، مانند یکدیگر است و درطعم مخالف، یك پاره ای شیرین ویکپاره ترش یاتلخ والله اعلم.

﴿۱۰۲﴾ این است خدا که پروردگار شما است هیچ معبود برحقی مگراو نیست آفریننده هرچیزاست پس اورا پرستش کنید واو برهرچیز کارسازاست. ﴿۱۰۳﴾ اورا چشم ها (یعنی دردنیا) درنمی یابند واوچشم هارا درمی یابد واو مهربان آ گاه است. ﴿۱۰٤﴾ هرآئینه به شمادلیل‌هاازجانب پروردگار شما آمدند پس هرکه بیناشد نفع اوراست وآن که نابیناماند پس زیان برویست بگو (یا محمد) ومن برشمانگاهبان نیستم. ﴿۱۰۵﴾ وهمچنین نشانه هارا گوناگون بیان می کنیم وتا (مبادا) گویند که درس خوانده‌ای وتا این دین را برای گروهی که می دانند بیان کنیم(۱). ﴿۱۰٦﴾ (یامحمد) چیزی را که وحی کرده شد به سوی توازجانب پروردگارت پیروی کن هیچ معبود بر حقی مگراو نیست واز مشرکان اعراض کن. ﴿۱۰۷﴾ و ا گر خدامی‌خواست شریك مقرر نمی کردند و تورا برایشان نگاهبان نگردانیدیم و تو برایشان متعهد نیستی. ﴿۱۰۸﴾ وای مسلمانان کسانی را که مشرکان به جای خدا می پرستند دشنام مدهید زیراکه ایشان خدا را ازروی ظلم بغیر دانش دشنام خواهند داد همچنین درنظر هرگروهی کردار آن گروه را آراسته کردیم باز به سوی پروردگار ایشان بازگشت ایشان باشد پس ایشان را به عاقبت حال آنچه می کردند خبرمی‌دهد. ﴿۱۰۹﴾ وسوگند خوردند کافران به سخت ترین سوگندان خویش که اگر بیاید بدیشان معجزه ای البته به آن ایمان آورند بگوجزاین نیست که معجزه ها نزد خداست وشمارا ای مسلمانان چه مطلع ساخته است آیا نمیدانید که آن معجزها چون بیایدایشان ایمان نیارند. ﴿۱۱۰﴾ و چنانکه نخستین بار به قرآن ایمان نیاوردند دلهایشان وچشمهایشان را برمی گردانیم و ایشان را درگمراهی خود سرگردان گشته بگذاریم.

(۱) مترجم گوید احتمال بود که کفار گویند کتابهای گذشته را خوانده وآنچه میگوئی ماخوذ ازکتب سابقه است نه وحی الهی است پس خدای تعالی قرآن را به وجهی نازل ساخت وبه وجهی گونا گون بیان کردکه مجال این شبهه نماند زیرا این قسم بیان ازخواندن کتب سابقه نمی آید و بدون وحی الهی ممکن نیست والله اعلم.

﴿۱۱۱﴾ و ا گرما به سوی ایشان فرشتگان را می‌فرستادیم ومُردگان باآنان سخن می گفتند و برایشان همه چیزرا گروه گروه جمع میکردیم هرگزایمان نمی آوردند مگر وقتیکه خدا می خواست ولیکن بسیاری ازایشان نادانی می کنند. ﴿۱۱۲﴾ وهمچنین برای هر پیامبری دشمنی ازشیطانهای انس وجن پیداکردیم که به طریق وسوسه بعض ایشان به سوی بعضی (دیگر) سخن به ظاهر آراسته تافریب دهند القاء می کنند و اگر پروردگارت می خواست این کاررا نمی کردند پس ایشان را بگذار و به آنچه افترا می کنند. ﴿۱۱۳﴾ والقاء می کنند سخن به ظاهر آراسته تا میل کنند به سوی اودل های کسانیکه به آخرت ایمان ندارند ویا اورا پسند کنند وتاعمل کنند آنچه ایشان کنندهٔ آنند. ﴿۱۱٤﴾ بگو آیا فیصله کننده ای بجز خدا طلب کنم واوست آنکه به سوی شما قرآن واضح کرده شده فروفرستاد وکسانیکه ایشان را کتاب یعنی تورات داده ایم می دانند که قرآن از جانب پروردگار تو به راستی فروفرستاده شده است پس ازشك کنندگان مباش[۱]. ﴿۱۱۵﴾ و سخن پروردگارتودرراستی وانصاف کامل است سخن های اورا هیچکس تغییر کننده نیست واو شنوای دانا ست. ﴿۱۱٦﴾ و اگر بساکسانی را که در زمین اند فرمانبرداری کنی تورا ازراه خدا گمراه کنند پیروی نمی کنند مگر گمان را ونیستند مگردروغگو[۲]. ﴿۱۱۷﴾ هرآئینه پروردگارتو به کسی که دور می شود ازراه وی داناتراست واو به راه یافتگان داناتراست. ﴿۱۱۸﴾ پس بخورید ازآنچه ذکرکرده شد نام خدا بروی (یعنی هنگام ذبح وی) اگر به آیاتِ خدا مومن هستید.

---

(۱) یعنی یهودی دانند که نزول وحی میشود و آدمی را خدای تعالی پیامبر می سازد و درحضرت پیامبر صل الله علیه وسلم ودرقرآن دلائل صدق موجود هست مترجم گوید درسوره های مکیه مذکورشده است که یهود تصدیق میکنند قرآن را ودرسوره های مدنیه مذکور است که یهود تکذیب میکنندآنرا ووجه تطبیق آن ست که چون آن حضرت صلی الله علیه وسلم درمکه بود هنوز یهود را دعوت نکرده بودهمه به صدق قرآن معترف بودند که حکم آن برعرب لازم است وهیچکس ازایشان انکار نکرده بود وچون هجرت فرمود ایشانرا دعوت کرد به عناد درآمدند درسیرت ابن اسحاق چند قصه به این مضمون مذکوراست والله اعلم.

(۲) یعنی آنچه کافران دربارهٔ تحریم وتحلیل اشیا شبهات میکردند باطل است والله اعلم.

﴿۱۱۹﴾ وچیست شمارا که ازآنچه که ذکر کرده شده است نام خدا بروی نمی خورید وحال آنکه به تفصیل برای شما آنچه برشماحرام ساخته است بیان کرده است الّاآنچه به سوی او مضطر باشید[۱] وهرآئینه بسیاری باخواهشات نفسانی خویش (مردم را) به غیر دانش گمراه می کنند هرآئینه پروردگارتو به ستمکاران داناتراست. ﴿۱۲۰﴾ وگناه پیدا وپنهان اورا ترك گویید هرآئینه کسانیکه گناه می کنندجزا داده خواهند شد به حسب آنچه میکردند. ﴿۱۲۱﴾ و ازآنچه نام خدا برآن یاد کرده نشد مخورید وبه راستی خوردنش گناه است وهرآئینه شیطانها به سوی دوستان خویش القاء می کنند تا باشما خصومت کنند واگر فرمانبرداری ایشان کنید هر آئینه شما مشرك باشید[۲]. ﴿۱۲۲﴾ آیاکسی که مرده بود پس زنده ساختیمش[۳] و برای اونوری پیداکردیم که میرود باوی میان مردمان مانند کسی باشد که صفتش این است که درتاریکی‌ها است ازآن بیرون آینده نیست همچنین آراسته کرده شده است درنظر کافران آنچه می کردند[٤]. ﴿۱۲۳﴾ وهمچنین درهردهی رئیسان فساق آن را پیداکردیم تا درآن ده فساد کنند وبه حقیقت ضررنمی کنند مگردرحق خویشتن ونمی دانند. ﴿۱۲٤﴾ وچون به ایشان نشانه ای بیاید گویند هرگز ایمان نیاریم تا وقتیکه داده شود مارا مانندآنچه پیامبران خدا را داده شده است[٥] خدا به محل نهادن پیامبری خود دانا تراست این گناهکاران را رسوایی از نزد خدا وعذابی سخت به سبب آنکه بد اندیشی می کردند خواهدرسید.

---

(۱) مترجم گوید یعنی میته حرام است الاوقت ضرورت تناول آن (به قدرحاجت) رخصت است والله اعلم.

(۲) مترجم گوید مراد ازین وسوسه آنست که اهل جاهلیت می گفتند چراکشته خود را بخوریم وکشته خدا را نخوریم والله اعلم.

(۳) یعنی کافر بود هدایتش کردیم.

(٤) چنانکه رؤساء کفارمکه درنصرت کفر سعی می کردند والله اعلم.

(٥) یعنی برهرکسی ازماجبرئیل فرودآید ووحی نازل بشود والله اعلم.

﴿۱۲۵﴾ پس خدا هرکه را خواهد که هدایت کند سینه اورا برای اسلام کشاده کند[۱] وهرکه راخواهد که گمراه کندش سینه اورا درنهایت تنگ کند گویا درآسمان بالامیرود همچنین می اندازد خدا ناپاکی را بر کسانیکه ایمان نمی آورند[۲]. ﴿۱۲۶﴾ واین (اسلام) راه راست پروردگار توست بی گمان نشانه هارا برای گروهی که پندپذیر میشوند به روشنی بیان کرده ایم. ﴿۱۲۷﴾ برای ایشان سرای سلامتی یعنی بهشت نزد پروردگار ایشان است واو کارسازِ ایشانست به سبب آنچه میکردند. ﴿۱۲۸﴾ وروزی که خدا همگی ایشانرا حشر کند گوید ای‌گروه جن[۳] برایتان ازمردمان تابع بسیار گرفتید ومیگویند دوستان ایشان ازآدمیان[٤] ای پروردگارما بعضی از ماز بعضی دیگر بهره مند شد[٥] و به میعاد خویش که معین کرده بودی برای ما[٦] رسیدیم گویدخدا جای شماآتش است جاویدان در آنجا مگر آنچه خدا خواسته است[۷] هرآئینه پروردگار تواستوارکار داناست. ﴿۱۲۹﴾ وهمچنین بعض ستمکاران را بربعضی به سبب شؤمی آنچه می کردند مسلط می کنیم. ﴿۱۳۰﴾ ای گروه جن وانس آیا به شما پیامبرانی ازجنسِ شما که می‌خواندند برشما آیاتِ مرا وبیم می کردند شما را ازملاقات این روزشما نیامدند گویند برخویشتن اعتراف کردیم وایشانرا زندگانی دنیا فریفت و گواهی دادند برخویشتن که ایشان کافر بودند[۸].

(۱) یعنی بفهماندش حقیقت اسلام ومحاسن آن والله اعلم.

(۲) یعنی هرچند می خواهند حقیقت اسلام ومحاسن آن بفهمند نمی توانند والله اعلم.

(۳) یعنی ای شیاطین.

(٤) یعنی تابعان ایشان ازکفار.

(٥) یعنی متبوعان خوشوقت شدند به تابعان و تابعان محظوظ شدند ازمتبوعان والله اعلم.

(٦) یعنی برای حساب ما پس درحق ماچه حکم است.

(۷) یعنی درحق اهل نجات والله اعلم.

(۸) مترجم گوید مراد آن است که آیانیامده‌اندازمجموعه جن و انس وآن صادق است به بودن رسل از انس مبعوث به انس وجن والله اعلم.

﴿۱۳۱﴾ این (ارسالِ رسل) به سبب آنست که هرگز پروردگار تو بجزای ظلم هلاك کنندهٔ شهرها نباشد درحالیکه اهل آنهاغافل باشند[۱]. ﴿۱۳۲﴾ وهر شخصی را از (پاداش) آنچه انجام داده اند مرتبه‌هایی است ونیست پروردگار تو بی‌خبر ازآنچه به عمل می آورند. ﴿۱۳۳﴾ وپروردگارت بی نیاز وغنی خداوند رحمت است اگر خواهد شما را دورکند وپس ازشما هرکه را خواهد جانشین سازد چنانکه شما را ازنسل قومی دیگر پیداکرد. ﴿۱۳٤﴾ هرآئینه آنچه شما را وعده کرده میشود البته آمدنی است و شماعاجز کنند گان نیستید. ﴿۱۳٥﴾ بگوای قوم من شمابر حالت خویش عمل کنید هرآئینه من نیزعمل کننده ام زودباشد که بدانید کسی را که اورا عاقبت پسندیده درآخرت باشد هرآئینه ظالمان رستگارنشوند. ﴿۱۳٦﴾ [۲]وبرای خدا ازآنچه او پیداکرده است ازجنس زراعت وچهارپایان حصه ای مقرر کردند گفتند به گمان خویش این حصه برای خداست و این حصه برای شرکایی که ما مقرر کرده ایم پس آنچه برای شرکای ایشان بود به خدا نمی رسد و آنچه برای خدا باشد به شرکای ایشان میرسد بدچیزیست که مقرر می کنند. ﴿۱۳۷﴾ وهمچنین درنظر بسیاری ازمشرکان قتل اولاد شان را شرکای ایشان آراسته کرده است[۳] تاایشان را هلاك کنند وتا برایشان دین ایشان را مختلط کنند و ا گر خدا می خواست این کار را انجام نمی دادند پس ایشان را با افترایی که می بندند واگذار.

---

(۱) یعنی قبل از بعثت عقوبت نمی آید والله اعلم.

(۲) مترجم گوید اهل جاهلیت احکامی چند اختراع کرده بودند ازآن جمله آنست که اززراعت ومواشی پاره ای برای خدامقررمی کردندپاره ای برای بتان و حصه خدابرمساکین وضعیفان صرف میکردند وحصه بتان به آستانه بتان میرسانیدندپس ا گر چیزی ازحصه خدادر حصه بتان مخلوط میشدترك می کردند که خدا حاجت ندارد واگر از حصه بتان درحصه خدا مخلوط می شد آن راجدا میکردند که بتان محتاج اندونیزازآن جمله آنست که قتل دختران تجویز میکردند وپیشوایان ایشان بدین معنی فتوی داده بودند، وازآن جمله آنست که بعض زراعت ومواشی را حجر میساختند که غیر سدنه بتان کسی دیگر نمی خورد آنچه برای بتان ذبح میکردند نام خدا برآن نمی گرفتند. وازآن جمله آنست که چون بحائر وسوائب بچه میدادندا گرزنده بودی برای مردان حلال میدانستندنه برای زنان وا گر مرده بودی برای همه حلال میدانستند خدای تعالی رد این مذاهب باطله فرمودو آنچه حکم حق است بیان فرمودو محرماتی که همه اهل باطل برآن متفق اندذکر کرد والله اعلم.

(۳) یعنی شیاطین که وسوسه کرده اند به پیشوایان که مذهب قرارداده اند والله اعلم.

﴿١٣٨﴾ و گفتند به گمان خویش این چهارپایان و زراعت ممنوع (ازتصرف) است آن را مگرآنکه ما می خواهیم نخورد وچهارپایان دیگراست که حرام کرده شده است سواری برپشت آنها وچهار پایان دیگراست که هنگام ذبح آن نامِ خدا می‌گیرند به سبب آنکه برخدا دروغ بسته اند ایشان را زودجزا خواهد داد به مقابله آنچه افترا می کردند. ﴿١٣٩﴾ و گفتند آنچه درشکم این چهارپایان باشد[١] برای مردان ما حلال است وبرزنان ما حرام است و ا گرمُرده باشد همه درآن شریك اند به مقابله این بیان ایشان جزا خواهد داد هرآئینه اواستوارکار داناست. ﴿١٤٠﴾ به یقین آنانکه فرزندان خود را ازجهت بیخردی به غیر دانش کشتند زیان کارشدند وحرام کردند آنچه راکه روزی داد ایشان را خدا به سبب دروغ بستن برخدا به تحقیق ایشان گمراه شدند و راه یافتگان نبودند. ﴿١٤١﴾ وخداآنست که بوستانهایی برداشته شده برپایه‌ها[٢] وبوستانهایی غیربرداشته شده برپایه‌ها پیدا کرد[٣] ودرختان خرما وزراعت را گونا گون است میوه های هریکی پیدا کرد وزیتون واناررا مانند یکدیگر وغیرمانند یکدیگر[٤] ازمیوه های آن چون میوه بیرون آورد بخورید و زکوٰة اورا روز چیدنش بدهید واسراف مکنید هرآئینه خدا اسراف کنندگان را دوست ندارد. ﴿١٤٢﴾ وچهارپایان بار بردارنده را وجانوری راکه برزمین غلطانندبه جهت ذبح پیدا کرد ازآنچه روزی داده است خدا شما را بخورید و گامهای شیطان را پیروی مکنید هرآئینه اودشمن ظاهر شماست.

(١) یعنی درشکم بحایر وسوایب باشد.
(٢) یعنی درختان انگور ومانند آن والله اعلم.
(٣) یعنی درختان برساق ایستاده والله اعلم.
(٤) یعنی افراد هر نوعی به اعتبار صورت مانند یك دیگراند و به اعتبار مزه نه والله اعلم.

﴿۱٤۳﴾ هشت قسم را آفرید از گوسفند دوقسم وازبزدوقسم[۱] بگوآیا (خدا تعالی) این دونررا حرام کرده است یااین دوماده را یا آنچه را که رحمهای این دوماده آن را دربردارد مرا به دانش خبردهید[۲] ا گر راست گو هستید. ﴿۱٤٤﴾ وپیداکرد ازشتردوقسم واز گاودوقسم بگو آیا خدا این دونررا حرام کرده است یااین دوماده را یا آنچه راکه رحم های این دوماده آن را دربردارد آیاحاضربودید وقتیکه خدا شمارا به آن حکم کرد پس کیست ستمکارتر ازکسی که برخدادروغ بندد تا مردمان را به غیر دانش گمراه کند هرآئینه خدا قوم ستمکاران را راه نمی نماید. ﴿۱٤٥﴾ بگو درآنچه وحی فرستاده شده به سوی من هیچ چیزی حرام برخورنده که بخورد آن را نمی یابم مگر آنکه مردار یاخون ریخته شده یا گوشت خوك باشد پس هرآئینه حرام است یاآنچه فسق باشدکه برای غیر خدا آوازبلند کرده ذبح شود پس هر کس که ناچار شود نه سرکشی کننده ونه ازحد گذرنده پس هرآئینه پروردگار تو آمرزنده مهربان است[۳]. ﴿۱٤٦﴾ وبریهود هرجانورناخن دار را حرام ساختیم[٤] واز گاو و گوسفند برایشان پیه این دوقسم را حرام ساختیم مگرپیهی که پشت این دوقسم برداشته است یا روده ها آنرا برداشته است یاآنچه به استخوانی آمیخته است ایشان را نظر به ستم ایشان این طور جزا دادیم وهرآئینه ما راست گوییم.

(۱) یعنی نرو ماده ازهر یك والله اعلم.

(۲) یعنی نقلی صحیح بیارید ازابراهیم واسمعیل علیهما السلام واز کتب الهیه والله اعلم.

(۳) مرادحصر اضافی است به نسبت بهیمة الانعام وآن اصناف ثمانیه مذکوراست سگ وشیر وبازوغیر آن ا گرچه حرام است ازبهیمة الانعام نیست وبحث درآن نداشتند والله اعلم.

(٤) یعنی مثل شتروشتر مرغ والله اعلم.

﴿۱٤۷﴾ پس اگر تورا تکذیب کنند بگوکه پروردگار شماخداوندمهربانی بسیاراست و عقوبتِ اوازقومِ ستمکاران رّدکرده نمی شود. ﴿۱٤۸﴾ به زودی مشرکان بگویند ا گر خدا می خواست (یعنی رضای اوبودی) شریك مقرر نمی کردیم ونه پدران ما می کردند ونه چیزی را حرام میکردیم همچنین تکذیب کردندکسانیکه پیش ازایشان بودند تاآنکه عقوبتِ ما را چشیدند بگوآیا هست نزدیك شما دانشی[1] تا آن را برای ما بیرون آورید مگرگمان را پیروی نمی کنید وشمامگر دروغگو نیستید. ﴿۱٤۹﴾ بگو دلیل رسا (ومحکم) ازآنِ خداست پس‌اگر خدا خواسته بود همگی شما را هدایت می کرد. ﴿۱٥۰﴾ بگو گواهان خود را آنانکه گواهی میدهند که خداحرام ساخته است این را پس (یامحمد) اگر (به فرض هم) گواهی دهند تو با ایشان گواهی مده وخواهشات (نفسانی) کسانی را که آیاتِ ما را تکذیب کردند وکسانیکه اعتقاد ندارند به آخرت وایشان (بتان را) باپروردگار خود برابر میکنند[2] پیروی مکن. ﴿۱٥۱﴾ بگوبیایید تا آنچه حرام کرده است پروردگارشما برشما بخوانم (فرموده است) که با او چیزی را شریك مقررمکنید وبه والدین نیکوکاری کنید و فرزندانتان را ازترس فقر مکشید ما شمارا وایشان را روزی میدهیم و به بی حیائی[3] آنچه علانیه باشدازآن وآنچه پوشیده باشد نزدیك مشوید و هیچ نفس را که حرام ساخته است خداکشتنش را الّابه حق[4] مَکُشید این حکم فرموده است شمارا تا باشد که شما بفهمید.

(۱) یعنی نقلی ازکتب الهی والله اعلم.
(۲) یعنی معبود باطل را والله اعلم.
(۳) یعنی به زنا ولواط.
(٤) یعنی به قصاص ومثل آن.

﴿١٥٢﴾ و به مال یتیم نزدیك مشوید الّا به خصلتی که وی بهتر است تاآنکه به جوانی وکمال رشدش رسد و پیمانه وترازو را به انصاف تمام کنید هیچکس را مگر قدرطاقت او تکلیف نمی دهیم وچون سخن گویید[١] پس رعایت انصاف بنمایید وا گر چه آن محکوم علیه صاحب قرابت باشد وبه عهد خدا[٢] وفاکنید این حکم فرموده است شمارا تاپندپذیر شوید. ﴿١٥٣﴾ و(خبرداده است که) آنچه مذکورشد راه راستِ مَن است ودرست آمده پس پیروی اوکنید و راه‌های دیگرراکه این راه هاجدا کنندشما را ازراه خدا پیروی مکنید این حکم فرموده است شما را تا شما پرهیزگاری کنید. ﴿١٥٤﴾ باز می گویم که موسیٰ را کتاب داده بودیم تانعمت برهرکه نیکوکار بود تمام کنیم وهرچیزرا بیان کنیم و (نیز) به جهت هدایت ومهربانی تاایشان به ملاقات پروردگار خویش ایمان آورند[٣]. ﴿١٥٥﴾ واین قرآن کتابیست بابرکت که فروفرستادیمش پس پیروی اوکنید وپرهیزگاری کنید تا برشما مهربانی کرده شود. ﴿١٥٦﴾ فرستادیمش تانگویید جزاین نیست که کتاب یعنی تورات وانجیل بردو گروه پیش ازما فرود آورده شد وبه تحقیق ما ازتلاوت آن بی خبر بودیم. ﴿١٥٧﴾ یا گویید اگر برماکتاب فرود آورده می شد البته راه یافته ترازایشان می بودیم پس به شماحجتی ازپروردگار شما وهدایت وبخشایش آمده است پس کیست ستمکار تراز کسی که آیاتِ خدا را تکذیب کند وازآن اعراض کند اعراض کنندگان را ازآیات خویش به بدترین عذاب جزاخواهیم داد به سبب آنکه اعراض می کردند.

(١) یعنی گواهی دهید یاحکم کنید والله اعلم.
(٢) یعنی بنذراو.
(٣) مترجم گوید ظاهر نزدیك این بنده آنست که حرام گردانیدیم اشیای مذکوره رادرازل برقوم نوح وهلم جرابازدادیم موسی را کتاب والله اعلم.

﴿۱۵۸﴾ آیامنتظر نیستند مگرآن را که بدیشان فرشتگان بیایند [۱] یا پروردگار تو بیاید یا بعض نشانه های پروردگارتو بیاید[۲] روزیکه بعض نشانه های پروردگارتو بیاید نفسی را که ایمان نیاورده بودپیش ازین ایمان او نفع ندهد یا نفسی را که کسب نکرده بود درایمان خودعمل خیر[۳] نفع ندهد بگوانتظار کنید هرآئینه مانیز منتظریم. ﴿۱۵۹﴾ به تحقیق کسانیکه دین خود را پراگنده کردند وگروه گروه شدند درهیچ حسابی[٤] ازایشان نیستی جزاین نیست که کارایشان به سوی خدا گذاشته شده است باز ایشان را به عاقبت آنچه می کردند خبرمی‌دهد. ﴿۱٦۰﴾ هرکه نیکی آورد پس اورا ده‌چندان آن است وهرکه بدی آورد جزا داده نخواهد شد الّا مثل آن وایشان ستم کرده نخواهند شد. ﴿۱٦۱﴾ بگو هرآئینه مرا پروردگار من به سوی راه راست دلالت کرده است (مراد می دارم) دین درست کیش ابراهیم را که پاکدین بود و ازمشرکان نبود. ﴿۱٦۲﴾ بگو هرآئینه نمازمن وحج وقربانی من و زندگانی من وموت من همه برای خداست پروردگار جهانیان. ﴿۱٦۳﴾ مراورا هیچ شریکی نیست و مرا به این توحید فرموده شد و من نخستین مسلمانانم. ﴿۱٦٤﴾ بگوآیا پروردگاری غیر از خدا طلب کنم حال آنکه او پروردگار همه چیز است وعمل نمی کند هیچ کسی مگر برذات خود و هیچ بردارنده باردیگررا برندارد باز به سوی پروردگارتان بازگشت شماباشد پس شمارا خبردار کند به آنچه که درآن اختلاف می کردید. ﴿۱٦۵﴾ واو آنست که شمارا جانشینان در زمین گردانید وبلند کرد بعضی را ازشما بر بعضی به درجه ها تابیازماید شمارا درآنچه به شما داده است هرآئینه پروردگار تو شتاب کننده عقوبت است وهرآئینه او آمرزنده مهربان است.

(۱) یعنی برای قبض ارواح.

(۲) یعنی طلوع شمس ازمغرب یادابة الارض والله اعلم.

(۳) یعنی آنروزتوبهٔ گنهکار وایمان کافر قبول نشود والله اعلم.

(٤) یعنی ازتو مواخذه نخواهند کرد والله اعلم.

سوره اعراف مکی است وآن دویست و شش آیه وبیست و چهار رکوع است

﴿۱﴾ الٓمٓصٓ. ﴿۲﴾ این کتابیست که به سوی تو فرودآورده شد پس بایدکه درسینهٔ تو هیچ تنگی ازتبلیغ او نباشد فرود آورده شد تا به آن بیم کنی وبرای مسلمانان پندی است. ﴿۳﴾ آنراکه فرود آورده شد به سوی شماازجانبِ پروردگار شما پیروی کنید ودوستان را غیرازاو[1] پیروی مکنید اندکی پندمی‌پذیرید. ﴿۴﴾ وبَسا دِه که هلاك کردیمش پس به وی عقوبتِ ما آمدوایشان شبانگاه آرمیده بودند یاوقتیکه ایشان درخواب نیم روز بودند. ﴿۵﴾ پس قول ایشان چون به ایشان عقوبت ما بیامد نبودجز آنکه گفتند هرآئینه ماستمکاربودیم. ﴿۶﴾ پس البته آن کسانی را که پیامبر فرستاده شد به سوی ایشان سوال خواهیم کرد والبته پیامبران را سوال خواهیم کرد. ﴿۷﴾ پس البته به حضورایشان[2] بدانش بیان خواهیم کرد وغایب نبودیم. ﴿۸﴾ وسنجیدنِ اعمال به انصاف آن روز، حق خواهدبود پس هرکس که پله نیکی‌های او گران شد پس ایشان رستگارانند. ﴿۹﴾ وهرکه پلهٔ نیکی های او سبك شد پس آن جماعت آنانند که درحق خویشتن زیان کردند به سبب آنکه به آیاتِ ما انکارمی کردند. ﴿۱۰﴾ و به راستی شمارا درزمین استقرار دادیم و برای شمادرآنجا اسباب معیشت پیداکردیم اندکی شکرمی کنید. ﴿۱۱﴾ وبه راستی شمارا آفریدم (یعنی پدرشمارا) بازصورت بستیم شمارا (یعنی پدرِشمارا) باز گفتیم به فرشتگان که آدم را سجده کنید پس سجده کردند مگر ابلیس از سجده کنندگان نبود.

---

(۱) یعنی معبودان باطل که دوست می گرفتید والله اعلم.

(۲) یعنی همه اعمال ایشان را.

﴿۱۲﴾ گفت خداچه چیز منع کرد توراازآنکه سجده کنی وقتیکه تورا امرکردم گفت من بهترم ازاو مراازآتش آفریدی و اورا ازگلِ آفریدی. ﴿۱۳﴾ گفت پس ازآسمان فرود آی زیراکه تورا لایق نیست که درآن سرکشی کنی پس بیرون شو هرآئینه توازخوار شوندگانی. ﴿۱٤﴾ گفت بار الهٰا مرا تاروزیکه آدمیان برانگیخته می‌شوند مهلت ده. ﴿۱٥﴾ گفت خداهرآئینه توازمهلت داده شدگانی. ﴿۱٦﴾ گفت پس از آن روی که مرا گمراه کردی البته می‌نشینم برای (گمراه کردن) آدمیان به راه راست تو (یعنی تاازآن منع کنم). ﴿۱۷﴾ پس البته به سوی ایشان ازپیش ایشان وازپس پشت ایشان وازجانب راست ایشان وازجانب چپ ایشان بیایم و اکثر ایشان را شکر گزار نیابی. ﴿۱۸﴾ گفت بیرون روازآسمان نکوهیده رانده شده به خداهرکه توراازآدمیان پیروی کند البته دوزخ را از همگی شما پُرکنم. ﴿۱۹﴾ وگفتیم ای آدم توو زن تو دربهشت ساکن شو پس بخوریدازهرجاکه خواهید و به این درخت نزدیك مشوید که ازستمکاران خواهید شد. ﴿۲۰﴾ پس شیطان آنان را وسوسه کرد تاآشکار گرداند برای ایشان آنچه ازنظرایشان ازشرم گاه های ایشان پوشیده بود گفت شمارا پروردگار شما ازین درخت منع نکرده است مگربرای آنکه دوفرشته شوید یا از باشندگان جاویدان شوید. ﴿۲۱﴾ وقسم خوردبرای ایشان که البته من از خیرخواهان شماهستم. ﴿۲۲﴾ پس بافریب ایشان را به خواری کشاند پس چون آن درخت را چشیدند شرمگاه‌های ایشان برایشان پیداشد و شروع کردند که برگی بالای برگی برخویش ازبرگ درختان بهشت می چسپانیدند و ایشان را پروردگار ایشان ندا کرد که آیا شمارا ازین درخت منع نکرده بودم و نگفته بودم به شما که هرآئینه شیطان دشمن آشکار شماست.

﴿۲۳﴾ گفتند ای پروردگارما برخویش ستم کردیم واگر مارا نیامرزی وبرمامهربانی نکنی البته از زیان کاران باشیم. ﴿۲٤﴾ خدا گفت فرود آیید بعض شمابعضی رادشمن خواهد بود وشمارادر زمین تامدتی معین استقرار وبهره مندی باشد (یعنی تامرگ). ﴿۲٥﴾ گفت خدادرزمین زندگانی خواهید کرد و درآنجاخواهید مرد وازآنجا بیرون آورده می شوید. ﴿۲٦﴾ ای فرزندان آدم هرآئینه ما برای‌شما لباسی که بپوشد شرمگاه های شمارا فرودآوردیم وجامه های زینت را ولباس پرهیز گاری وی ازهمه بهتراست فرودآوردیم این ازنشانه های خداست تاایشان پندپذیرشوند. ﴿۲۷﴾ ای فرزندان آدم شمارا شیطان گمراه نکند چنانکه پدر ومادر شمارا ازبهشت بیرون آورد ازایشان جامهٔ ایشان را برمی کشید تا ایشان را شرمگاه های ایشان بنماید هرآئینه شیطان وقوم او شمارا ازآن جایی که شما نمی بینید ایشانرا می بینند هرآئینه ما شیاطین را کار گزار کسانیکه ایمان نمی آورند گردانیدیم. ﴿۲۸﴾ وچون کارزشت بکنند گویند برین کارپدرانِ خودرا یافتیم وخدا مارابه آن فرموده است بگوهرآئینه خدا به کارزشت نمی فرماید آیامی گویید برخدا آنچه راکه نمی دانید. ﴿۲۹﴾ بگو فرموده است پروردگار من به انصاف وفرموده است که رویهای خودرا[1] نزدیك هرنماز راست کنید واورا بپرستید خالص کرده عبادت را برای او چنانکه شمارانخست آفرید (باز هم چنان) برمی گردید[2]. ﴿۳۰﴾ گروهی راراه نمود وبرگروهی ازایشان گمراهی ثابت شد هرآئینه شیاطین را به جای خدا دوست گرفتند ومی پنداشتند که ایشان راه یافتگانند.

(۱) یعنی به سوی کعبه.
(۲) یعنی سروپابرهنه بدون ختنه محشور شوید والله اعلم.

﴿۳۱﴾ ای فرزندان آدم زینت خودرا[۱] نزدیك هرنماز بگیرید وبخورید وبیاشامید وازحد مگذرید هرآئینه خدا ازحد گذرندگان را دوست نمیدارد. ﴿۳۲﴾ بگوکیستکه زینت خداراکه پیداکرده است برای بند گان خود حرام کرد وکیستکه پاکیزه هاراازرزق حرام کرده است بگوآن پاکیزه هاازملابس و مآکل برای مسلمانان درزندگانی دنیا است [۲] برای ایشان روزقیامت خالص شده همچنین نشانه هارا بیان می کنیم برای قومی که می دانند[۳]. ﴿۳۳﴾ بگوجزاین نیست که پروردگار من بی حیایی ها را آنچه آشکار باشدازآن وآنچه پوشیده حرام کرده است و گناه وتجاوز ناحق را وآنکه چیزی را شریك خدا مقررکنید که خدا هیچ دلیلی برآن نازل نکرده است حرام کرده است وآنکه بگويي برخدا آنچه راکه نمی دانید. ﴿۳٤﴾ وهرامتی را میعادیست[٤] پس چون[٥] میعادایشان بیاید تاخیر نکنند یك (لحظه) ساعت ونه سبقت کنند[٦]. ﴿۳٥﴾ ای فرزندانِ آدم ا گر به شماپیامبران ازجنس شما بیایند برشماآیاتِ مرا می‌خوانند پس هرکه پرهیزگاری کند و نیکوکاری نماید پس هیچ ترس برایشان نباشد ونه ایشان اندوهگین شوند. ﴿۳٦﴾ وکسانیکه آیاتِ مارا تکذیب کردند وازقبول آنها سرکشی کردند ایشان اصحاب دوزخ اند ایشان آنجاجاویدان اند. ﴿۳۷﴾ پس کیست ستمکار تراز کسی که برخدادروغ را بربست یا آیات اورا تکذیب کرد آن جماعت به ایشان بهرهٔ ایشان ازآنچه نوشته شددرلوح محفوظ برسد[۷] تاوقتیکه چون نزدیك ایشان فرستادگان ما بیایند تا قبض ارواح ایشان کنند گویندکجاست آنچه شما غیراز خدا می پرستیدید گویند ایشان ازما گم شدند ومعترف شدند برخویش به این که ایشان کافربودند.

(۱) یعنی لباس خودرا.
(۲) یعنی لایق ایشانست ا گرچه دیگران نیزاستعمال کنند والله اعلم.
(۳) مترجم گوید درین آیت اشارت است برمذهب رهبان یهود و نصاری ومتخشنین عرب که توسع رادرمآکل و ملابس مکروه میداشتند والله اعلم.
(٤) یعنی وقتی معین است برای هلاك ایشان والله اعلم.
(٥) یعنی نزدیك شود.
(٦) یعنی برزبان حضرت آدم چنانکه درسوره بقرة به آن اشاره رفت والله اعلم.
(۷) یعنی نعمت و نعمت مقدرشده دردنیا به ایشان میرسد والله اعلم.

﴿۳۸﴾ خدا حکم کندکه همراه امتانی که گذشته اند پیش ازشما ازجن وانس درآتش داخل شوید هر گاه که قومی درآید قوم دیگرمانند خودرا لعنت کند تاوقتیکه چون به یکدیگر دردوزخ برسند جماعت متاخر ازایشان درحق جماعت متقدم ازایشان همگی گویند ای پروردگارما ایشان مارا گمراه کردند پس ایشان را عذاب دوچند ازدوزخ بده خدا فرماید هریکی را دوچند است ولیکن نمی دانید[۱]. ﴿۳۹﴾ و جماعت متقدم ازایشان جماعت متاخررا ازایشان می‌گویند پس شمارا برما هیچ برتری‌ای نیست پس عذاب را به سبب آنچه می کردید بچشید. ﴿٤٠﴾ هرآئینه کسانیکه آیات مارا تکذیب کردند واز قبول آن سرکشی‌کردند هرگزکشاده نشودبرای ایشان دروازه های آسمان ودرنیایند به بهشت تاوقتیکه شتردر سوراخ سوزن داخل شود[۲] وهمچنین گناهکاران را جزامیدهیم. ﴿٤١﴾ ایشان را ازدوزخ فرش بُوَد وازبالای ایشان ازدوزخ پوششهاباشد وهمچنین ستمکاران را جزا می دهیم. ﴿٤٢﴾ وکسانیکه ایمان آوردند وکارهای شایسته کردند دستور نمی دهیم هیچکس را مگر به قدر طاقت او آن جماعت باشندگان بهشت اند ایشان آنجاجاویدان باشند. ﴿٤٣﴾ و آنچه ازکینه درسینه های ایشان بُوَد بیرون آوریم[۳] زیرایشان نهرها میرود وگویند سپاس آن خدا راست که مارا به سوی این بهشت راهنمود وهر گز راه یابنده نبودیم ا گر ماراخدا راه نه نمودی به درستی که فرستاد گان پروردگار مابه راستی آمدند ونداکرده شوندکه این بهشت آن را به سبب آنچه می کردید داده شدید.

(۱) یعنی تابعین را عذاب کفرتقلید ومتبوعین را عذاب ضلال واضلال والله اعلم.

(۲) یعنی این محال است والله اعلم.

(۳) یعنی آن کینه هاکه در دل بهشتیان باشد دورکنیم مثل آنچه میان بعضی ازصحابه رضی الله عنهم واقع شد والله اعلم.

﴿٤٤﴾ و اهلِ بهشت اهلِ دوزخ را نداکنند که ماراست یافتیم آنچه به ماپروردگارما وعده کرده بود پس آیاشماهم راست یافتید آنچه پروردگار شما به شماوعده کرده بود گفتند آری پس ندادهنده ای درمیان ایشان ندادهد که لعنت خدا بر ستمکاران است. ﴿٤٥﴾ کسانی که مردمان را ازراهِ خدا بازمی داشتند و برای آن راه کجی را می خواستند[1] وایشان به آخرت اعتقادنداشتند. ﴿٤٦﴾ ودرمیان آنها (بهشت ودوزخ) حجابیست[2] وبراعراف مردمانی باشند که هریکی ازاهل دوگروه را بقیافهٔ ایشان می شناسند و اهل اعراف اهل بهشت را نِداکنند که سلام علیکم هنوزبه بهشت درنیامده اند وایشان طمع آن را دارند. ﴿٤٧﴾ وچون چشمهای اهل اعراف به طرف اهل دوزخ گردانیده شود گویند ای پروردگارما ماراهمراه گروه ستمکاران مکن. ﴿٤٨﴾ و اهل اعراف مردانی راکه می شناسند ایشان را به قیافهٔایشان نِداکردند گویند کفایت نکرد ازشماجمعیت شما وآنکه سرکشی می کردید. ﴿٤٩﴾ آیااین جماعت اند آنانکه شماقسم میخوردید که هر گزخدا به ایشان هیچ رحمت نرساند[3] گفته شدایشان را که به بهشت درآیید برشما هیچ ترسی نیست ونه شما اندوهگین شوید. ﴿٥٠﴾ و اهل دوزخ اهل بهشت را نِداکنند که برما چیزی ازآب یاازسایرآنچه روزی داده است شمارا خدا بریزید گویند هرآئینه خدا این هردورابر کافران حرام ساخته است. ﴿٥١﴾ آنانکه دین خودرا بازیچه وسرگرمی گرفته اند و ایشان را زندگانی دنیا فریب داد پس امروز فراموش کنیم ایشان راچنانکه ایشان ملاقات این روزخویش را فراموش کردند وچنانکه آیاتِ ما را انکار میکردند[4].

---

(١) یعنی می خواستند به شبهات این راه را باطل سازند.

(٢) وآن مسمی به اعراف است والله اعلم.

(٣) یعنی فقرای مسلمین که کافران ازایشان حسابی نمی گرفتند والله اعلم.

(٤) وفراموش کردن خدا ترك ایشان است دردوزخ والله اعلم.

﴿٥٢﴾ وبه راستی برای ایشان کتابی که به روشنی بیان کرده ایم آنرابدانش آوردیم رهنمایی وبخشایش برای قوم مومنان. ﴿٥٣﴾ کفار انتظارنمی کنند مگرمصداق این وعده را روزیکه مصداق آن بیاید گویند کسانیکه فراموش کرده بودند آنراپیش ازین به یقین پیامبران پروردگار مابه راستی آمده بودند پس آیا هستند برای ما شفیعان تا برای ما شفاعت کنند یا باز گردانیده شویم به سوی دنیا پس عمل کنیم غیر آنچه می کردیم[١] به درستی زیان کردند درحق خویشتن و گم شد ازایشان آنچه افترامی کردند. ﴿٥٤﴾ هرآئینه پروردگار شماآن خدااست که آسمان هاوزمین را درشش روز آفرید باز برعرش مستقرشد شب رابه روز می پوشاند[٢] شب روزرابه شتاب می طلبد[٣] و خورشید وماه وستارگان را رام شده به فرمانش آفرید آگاه شو آفریدن وفرمانروایی برای او ست، خدا پروردگار جهانیان بزرگ است. ﴿٥٥﴾ پروردگار خودرا زاری کنان وپوشیده ازمردمان بپرستید هرآئینه او ازحدگذرندگان را دوست ندارد. ﴿٥٦﴾ و درزمین بعد اصلاح آن فسادمکنید[٤] و اورابه ترس وامید بپرستید هرآئینه بخشایش خدا ازنیکوکاران نزدیك است. ﴿٥٧﴾ واوست آنکه بادها را مژده دهنده پیش از رحمت خود[٥] می فرستد تاوقتیکه ابرگران را بردارد آن را به سوی شهری مرده روان کنیم پس به واسطه آن ابرآب را فرودآوریم پس به آن آب ازجنس هر میوه بیرون آوریم همچنین مردگان را بیرون آوریم[٦] تاباشد که شماپند پذیر شوید.

(١) یعنی مسلمان شویم وبت ها را نپرستیم.
(٢) یعنی گاهی اجزای شب را بلباس روز پوشانیده درحساب روزمی گرداند والله اعلم.
(٣) یعنی ازپی درآمدن شب بعد روز مشابه آنست که گویا کسی کسی رادوان وشتابان می طلبد.
(٤) یعنی به سبب بعثت رسول الله صلی الله علیه وسلم.
(٥) یعنی پیش ازباران.
(٦) یعنی ازقبور بیرون کنیم.

﴿٥٨﴾ وشهر پاکیزه گیاه او بفرمان پروردگارش برمی آید وزمین ناپاکیزه رستنی آن برنمی آید مگرناهموار دیررونیده همچنین گوناگون نشانه ها را برای قومی که شکرگزاری می کنند بیان می کنیم[1]. ﴿٥٩﴾ هر آئینه نوح را به سوی قوم او فرستادیم پس گفت ای قوم من خدا را عبادت کنید شمارا هیچ معبودبرحقی غیرازاو نیست هرآئینه من ازعقوبتِ روزبزرگ برشمامی ترسم[2]. ﴿٦٠﴾ سران ازقوم او گفتند هرآئینه ما تورادر گمراهی ظاهر می بینیم. ﴿٦١﴾ گفت: ای قوم من هیچ گونه گمراهی درمن نیست ولیکن من فرستاده ای ازجانب پروردگار جهانیان هستم. ﴿٦٢﴾ به شماپیغام های پروردگارم رامیرسانم وبرای شما نیك خواهی می کنم و میدانم ازحکم خدا آنچه نمی دانید. ﴿٦٣﴾ آیاتعجب کردید ازآنکه آمد به سوی شما پند ازجانب پروردگار شما برزبان مردی ازشما تا شمارا بیم کند وتاپرهیزگاری کنید وتا برشما مهربانی کرده شود. ﴿٦٤﴾ پس اورا تکذیب کردند پس اوراوکسانی را که باوی درکشتی بودند نجات دادیم وکسانی را که تکذیب کردند آیاتِ مارا غرق ساختیم هرآئینه ایشان گروهی نابینا بودند. ﴿٦٥﴾ و سوی قوم عاد برادرایشان هود را فرستادیم گفت ای قوم من خدا را عبادت کنید شمارا هیچ معبودبرحقی غیرازاو نیست آیا پرهیزگاری نمی کنید. ﴿٦٦﴾ گفتند اشراف وسرانِ کفار ازقوم او هرآئینه ماتورا در بی‌خِرَدی می بینیم وهرآئینه ما تورا ازدروغ گویان می پنداریم. ﴿٦٧﴾ گفت ای قوم من درمن هیچ گونه بی خِرَدای نیست ولیکن من ازجانب پروردگار جهانیان فرستاده ام.

(١) مترجم گوید این مثل است برای پنددرقلب سلیم وعدم تاثیر آن درغیر سلیم والله اعلم.

(٢) یعنی روزقیامت.

﴿٦٨﴾ من به شما پیغام های پروردگارم را میرسانم ومن برای شما نیك خواه باامانتم. ﴿٦٩﴾ آیا تعجب کردیدازآنکه به شماپندی ازجانب پروردگار شما برمردی ازشما آمد تا شمارا بیم کند ویادکنیدآن وقت را که شمارا بعدازقوم نوح جانشین گردانید و برای شما درخلقت قوت را افزود پس یادکنید نعمت های خدارا تاشمارستگار شوید. ﴿٧٠﴾ گفتند آیاآمده ای پیش ما تا تنها خدارا عبادت کنیم وبگذاریم آنچه پدرانِ ما می پرستیدند پس آنچه مارا به آن وعده می دهی برای ما[1] بیاور اگر ازراستگویان هستی. ﴿٧١﴾ گفت برشما ازجانب پروردگار شما عقوبت وخشم ثابت شد آیامکابره می کنید بامن درباره نامهایی چند که شما آن را مقررکرده‌اید و (نیز) پدران شما مقرر کرده اند،[2] خدابرآن هیچ دلیلی فرونیاورده است پس انتظار کنید هرآئینه من نیز همراه شما ازمنتظرانم. ﴿٧٢﴾ پس اوراوکسانی را که بااوبودندبه مهربانی ازجانب خویش نجات دادیم وبریدیم بیخ کسانی راکه آیاتِ مارا تکذیب کردند و ازمومنان نبودند. ﴿٧٣﴾ و به سوی قوم ثمود برادرایشان صالح را فرستادیم گفت ای قوم من خدارا عبادت کنید شماراهیچ معبودبرحقی غیرازاو نیست هرآئینه به شما دلیلی ازجانب پروردگار شما آمد این ماده شتریست خدا نشانه ای برای شما پیداکرده پس بگذاریدش که درزمین خدا بچرد و اورا هیچ بدی وگزندی مرسانید که آنگاه شمارا عقوبتِ درد ناك بگیرد.

---

(١) یعنی بیارعقوبت را.

(٢) یعنی بی اصل است.

﴿۷٤﴾ ویادکنید (نعمت الهی را) آن وقت که شمارا بعدازقوم عاد جانشین گردانید و شمارا درزمین استقرار داد ازخاك نرم آن قصرها رامی‌سازید وکوه هارا تراشیده خانه ها می‌سازید پس نعمت های خدارا یادکنید ودرزمین به فساد برنخیزید. ﴿۷٥﴾ اشراف وسران قوم اوکه کبر ورزیده بودند به مستضعفان ازکسانیکه ایمان آورده بودند ازآنان، گفتند آیامیدانید که صالح ازجانب پروردگارش فرستاده شده است گفتند اهل ایمان هر آئینه مابه شریعتی که وی فرستاده شده است به آن شریعت باورداریم. ﴿۷٦﴾ گفتند سرکشان هرآئینه مابه آنچه معتقد به آن شدید کافرانیم. ﴿۷۷﴾ پس آن ماده شتررا کشتند و ازفرمان پروردگار خویش تجاوز کردند وگفتند ای صالح بیار برای ما آنچه مارا وعیدمی کنی اگر ازپیامبران هستی. ﴿۷۸﴾ پس ایشان رازلزله درگرفت پس زانو افتاده درسرای خویش مرده گشتند. ﴿۷۹﴾ پس صالح ازایشان اعراض کرد وگفت ای قوم من به شماپیغام پروردگارم را رسانیدم وبرای‌شما نیك خواهی کردم ولیکن نیك خواهی کنندگان را دوست نمی دارید. ﴿۸۰﴾ وفرستادیم لوط راآن وقت که گفت به قوم خود آیا می کنید آن بی حیایی که پیش ازشما آنرا هیچ کس از جهانیان نکرده است. ﴿۸۱﴾ هرآئینه شما به (قضا) شهوت به سوی مردان به جای زنان میروید بلکه شماگروه مُسرفانید.

﴿۸۲﴾ وجواب قوم او جزاین نبودکه گفتند ایشان راازده خود بیرون کنید هرآئینه ایشان مردماني‌اند که پاکیزگی طلب می کنند. ﴿۸۳﴾ پس او را واهل خانه اورامگر زنش را که ازباقی ماندگان بود نجات دادیم. ﴿۸٤﴾ وبرایشان بارانی (یعنی از سنگ) بارانیدم پس بنگر آخر کارگناهکاران چگونه بود؟!. ﴿۸٥﴾ و به سوی قوم مدین برادرایشان شعیب رافرستادیم گفت ای قوم من خدارابپرستید شمارا هیچ معبودبرحقی بجزاو نیست هرآئینه به شما دلیلی ازپروردگار شما آمده است پس پیمانه وترازو را تمام کنید و به مردمان چیزهای ایشان را ناقص مدهید درزمین بعد اصلاح آن فسادمکنید این کارکه گفتیم بهترست برای شما اگر باورداراندگانید. ﴿۸٦﴾ و به هر راهی منشینید که بترسانید و ازراهِ خدا کسی را که به او ایمان آورده است بازدارید و برای آن راه کجی را میجویید ویادکنید آن وقت راکه شما اندك شمار بودید پس شمارا بسیار گردانید وبنگرید آخرکار مفسدان چگونه شد. ﴿۸۷﴾ واگر گروهی ازشما به آنچه فرستاده شدم به آن ایمان آوردند وگروهی ایمان نیاوردند پس صبر کنید تاآنکه خدا درمیانِ ما فیصله کند واوبهترینِ حکم کنندگان است[۱].

(۱) یعنی واجب آن بود که همه متفق میشدند برایمان وچون متفق نشدندمنتظر فیصله کردن باشند والله اعلم.

﴿۸۸﴾ آن اشراف وسران ازقوم او که سرکشی کرده بودند گفتند البته تورا ای شعیب وکسانی راکه همراه توایمان آوردند ازدِه خود بیرون کنیم یااین که حتما دردین ما باز گردید گفت آیا (باز گردیم) اگر چه مانا پسند داریم؟. ﴿۸۹﴾ هرآئینه برخدا دروغی بربسته باشیم اگر بازگردیم در دین شما بعد ازآنکهِ خدا ماراازوی بِرَهانید وهرگزلایق نیست ماراکه درآن بازگردیم مگرآنکه خدا پروردگارما خواهد پروردگارما به همه چیزازروی دانش احاطه کرده است برخدا توکل کردیم ای پروردگارما درمیانِ ماودرمیان قوم مابه راستی فیصله کن و توبهترین فیصله کنندگانی. ﴿۹۰﴾ و آن اشراف وسران که کافربودند ازقوم او بیارانِ خود گفتند اگر شعیب را متابعت کنید هرآئینه شماآن هنگام زیان کارباشید. ﴿۹۱﴾ پس ایشان را زلزله درگرفت پس درسرای خویش مرده برزانوافتاده صبح کردند. ﴿۹۲﴾ آنانکه شعیب را تکذیب کردند گویا نبودند آنجا، آنانکه شعیب را تکذیب کردند ایشان زیان کار بودند. ﴿۹۳﴾ پس ازایشان روگردانید وگفت ای قوم من به درستی که به شما پیغام های پروردگار خود را رسانیدم وبرای شما نیك خواهی کردم پس برقوم کافران چگونه اندوه خورم. ﴿۹٤﴾ ونفرستادیم درهیچ شهری پیامبری را مگر اهل آنرا به سختی ورنج گرفتارکردیم تا بُوَد که ایشان زاری کنند. ﴿۹۵﴾ به ایشان به جای محنت راحت را بازدادیم تاآنکه بسیارشدندوگفتند هرآئینه پدران مارا سختی وراحت رسیده بود [۱] پس ایشان را ناگهان گرفتیم وایشان خبر نداشتند.

(۱) یعنی عادت زمان است که گاهی سختی و گاهی راحت می باشداز قبیل مؤاخذه براعمال نبُوَد والله اعلم.

﴿۹٦﴾ واگراهلِ ده هاایمان می آوردند وپرهیزگاری می کردند هرآئینه برایشان برکت‌هااز آسمان و زمین می کشادیم ولیکن تکذیب کردند پس ایشان را به وبال آنچه میکردند گرفتیم. ﴿۹۷﴾ آیا اهلِ ده ها ایمن شده اند ازآنکه عذاب مابه ایشان شبانگاه درحالیکه ایشان خفته باشند بیاید. ﴿۹۸﴾ آیا اهلِ ده ها ایمن شده اند ازآنکه عذاب ماوقت چاشت به ایشان بیاید وایشان بازی میکنند. ﴿۹۹﴾ آیا ازمکرخدا ایمن شده‌اند[1] پس ازمکرخدا ایمن نمی شوند مگر گروه زیان کاران. ﴿۱۰۰﴾ آیا واضح نشد برآنانکه وارث زمین می شوند بعد از هلاك ساکنان آن زمین که ا گر بخواهیم ایشان را به سزای گناهان شان عقوبت رسانیم و بردل های ایشان مُهرمی نهیم پس ایشان نمی شنوند. ﴿۱۰۱﴾ این دِه هارا پیش تو برخی ازخبرهایشان را ذکر می کنیم وبه راستی به اهل آنها پیامبران ایشان بامعجزه ها آمده بودند پس هرگز ایمان نیاوردند به آنچه پیش ازآن تکذیب کرده بودند همچنین خدا بردل های کافران مُهرمی نهد. ﴿۱۰۲﴾ و وفابه عهد دراکثرایشان نیافتیم وهرآئینه اکثرایشان رابدکار یافتیم. ﴿۱۰۳﴾ باز بعد از ایشان موسیٰ را به نشانه‌های خویش به سوی فرعون وقوم او فرستادیم پس به آن نشانه ها کافرشدند پس بنگر آخرکار مفسدان چگونه بود؟!. ﴿۱۰٤﴾ و موسیٰ گفت ای فرعون هرآئینه من ازجانب پروردگار جهانیان پیامبرم.

(۱) یعنی ازتدبیراهلاك والله اعلم.

﴿۱۰۵﴾ سزاوارم به آنکه بر خدا نگویم مگر سخن راست، برای شما نشانه ای ازجانب پروردگار شما آورده‌ام پس بامن بنی اسرائیل را بفرست. ﴿۱۰۶﴾ گفت اگر معجزه آورده ای پس آن راحاضرکن ا گر ازراست گویان هستی. ﴿۱۰۷﴾ پس عصای خودرا انداخت پس ناگهان آن عصا اژدهایی ظاهر شد. ﴿۱۰۸﴾ و دست خودرا بیرون آورد پس ناگهان آن دست برای بینندگان نورانی شد. ﴿۱۰۹﴾ اشراف وسران ازقوم فرعون بایکدیگر گفتند هرآئینه این شخص ساحر داناست. ﴿۱۱۰﴾ می خواهد که شمارا اززمین شما بیرون کند پس چه می فرمایید. ﴿۱۱۱﴾ گفتند ای فرعون او وبرادرش رابازداشت‌کن و در شهرها نقیبان را بفرست. ﴿۱۱۲﴾ تا پیش توهرساحر دانارا بیارند. ﴿۱۱۳﴾ و ساحران پیش فرعون آمدند گفتند هرآئینه برای ما مزدی هست اگر غالب شویم. ﴿۱۱٤﴾ گفت آری وهرآئینه شما ازمقربان باشید. ﴿۱۱۵﴾ گفتند ای موسیٰ یااین است که نخست توافکنی یاما افکننده باشیم. ﴿۱۱٦﴾ موسیٰ گفت شما افکنید پس آن هنگام که افکندند چشم های مردمان را به جادو بستند وایشان را بترسانیدند و جادویی بزرگ آوردند. ﴿۱۱۷﴾ وبه سوی موسیٰ وحی فرستادیم که عصای خودرا بیفکن پس ناگهان آن عصافرومی بردآنچه بدروغ اظهار میکردند. ﴿۱۱۸﴾ پس حق ثابت شد وباطل شدآنچه می کردند. ﴿۱۱۹﴾ پس قوم فرعون مغلوب شدند آنجاوخوار گشتند. ﴿۱۲۰﴾ وانداخته شدند ساحران سجده کنان.

﴿۱۲۱﴾ گفتند به پروردگار جهانیان ایمان آوردیم. ﴿۱۲۲﴾ پروردگار موسیٰ وهارون. ﴿۱۲۳﴾ فرعون گفت آیاایمان آوردید به موسی پیش ازآنکه شمارااجازه دهم هرآئینه این تدبیریست که آنرا درشهر اندیشیده‌اید تا ازین شهر ساکنان آنرا بیرون‌کنید پس خواهید دانست. ﴿۱۲٤﴾ البته دست های شمارا وپاهای شمارا برخلاف جهت یکدیگر خواهم برید[1] باز همگی شمارا بردارکشم. ﴿۱۲٥﴾ گفتند هرآئینه ما به سوی پروردگار خود رجوع کنندگانیم. ﴿۱۲٦﴾ وبرماانکارنمی کنی مگرآنکه به نشانه های پروردگار خویش چون بیامدبه ما ایمان آوردیم ای پروردگارمابریزبرما شکیبایی و قبض ارواح ماکن درحالیکه مسلمان باشیم. ﴿۱۲۷﴾ و اشراف وسران از قوم فرعون گفتند آیامی‌گذاری موسیٰ وقوم اورا تادرزمین‌فسادکنند و تا عبادت تورا ومعبودان تورا بگذارد گفت خواهیم پسران بنی اسرائیل را کشت و زنده خواهیم گذاشت دختران ایشانرا ومابرایشان غالبیم. ﴿۱۲۸﴾ موسیٰ به قوم خود گفت ازخدا مددطلبید وصبرکنید هرآئینه زمین خداراست اووارث آن می کند هرکرا ازبندگان خویش خواهد وسرانجام خوب برای پرهیزگاران است. ﴿۱۲۹﴾ گفتند پیش ازآنکه بیایی نزد ماو بعدازآنکه آمدی نزد ما ایذا داده شدیم گفت امید است که پروردگار شمادشمن شمارا هلاك کند و شمارا درزمین خلیفه گرداند پس بنگرد چگونه عمل می کنید. ﴿۱۳۰﴾ وبه راستی کسان فرعون را به قحط ها وبه نقصان میوه ها گرفتارکردیم تاشود که ایشان پندپذیرند.

(۱) یعنی دست راست وپای چپ والله اعلم.

﴿١٣١﴾ پس چون فراخی به ایشان روی می‌آورد می گفتند این لایق ماست و اگر سختی برسید به ایشان به موسیٰ وکسانیکه باوی بودند شگون بدمی‌گرفتند آ گاه باش جزاین نیست که شگون بدایشان فقط نزد خداست ولیکن بیشتر ایشان نمی دانند[١]. ﴿١٣٢﴾ وکسان فرعون گفتند ای موسیٰ هرچه آن راازنشانه ها بیاری تامارابدان سحرکنی پس ما برگز تورا باوردارنده‌نیستیم. ﴿١٣٣﴾ پس برایشان طوفان وملخ و کنه (شپش) وغوکها (قورباغها) وخون نشانه های واضح کرده شده فرستادیم پس سرکشی کردند وقوم گناهکار بودند. ﴿١٣٤﴾ ووقتیکه برایشان عقوبت فرودآمد گفتند ای موسیٰ به جناب پروردگار خود به آن اسماء وادعیه ای که وحی کرده است نزد تو دعاکن اگر ازما عقوبت را دورکنی‌البته تورا معتقد شویم وباتو بنی اسرائیل را می فرستیم. ﴿١٣٥﴾ پس چون عذابی که آنها به آن می‌رسند تامدتی ازآنها رفع کردیم نا گهان آنها عهدمی شکستند. ﴿١٣٦﴾ پس ازایشان انتقام گرفتیم پس ایشان را در دریا به سبب آنکه ایشان آیاتِ مارا تکذیب می کردند غرق کردیم و ازآن بی‌خبر بودند. ﴿١٣٧﴾ و گروهی را که ضعیف شمرده می شدند مشارق زمین ومغارب زمینی که برکت نهاده‌ایم درآن میراث دادیم [٢] و وعدهٔ نیك پروردگارتو بربنی اسرائیل راست شد به سبب آنکه صبرکردند و آنچه ساخته بود فرعون وکسان او وآنچه برمی افراشتند خراب کردیم.

---

(١) یعنی مؤاخذه اعمال برایشان است والله اعلم.

(٢) یعنی زمین شام به ایشان دادیم چه بقعه های شرقیه وچه بقعه های غربیه والله اعلم.

﴿۱۳۸﴾ و بنی اسرائیل را ازدریا گذرانیدیم پس بر گروهی واردشدند که بربتانشان مجاورت می کردند گفتند (بنی اسرائیل) ای موسیٰ برای مامعبودی چنانکه ایشان را معبودان هستند بساز گفت هرآئینه شماگروهی هستید که نادانی می کنید. ﴿۱۳۹﴾ هرآئینه این جماعت باطل کرده شده است مذهبی که ایشان درآنند وباطل است آنچه میکردند. ﴿۱٤۰﴾ گفت موسیٰ آیاغیرخدا را برای شما معبودی طلب کنم واو شمارا بر جهانیان فضل داده است. ﴿۱٤۱﴾ ونعمتِ مارا یادکنید چون شمارا ازکسان فرعون نجات دادیم به شما عقوبتِ سخت می‌رسانیدند پسران شمارا می کشتند و دختران شمارا زنده می گذاشتند ودرین امر آزمایش بزرگ ازجانب پروردگارشما بود. ﴿۱٤۲﴾ ووعده کردیم باموسیٰ سی (۳۰) شب و آن میعاد را به ده شب دیگر تمام کردیم پس میعاد پروردگار اوچهل شب کامل شد وموسیٰ به برادرخود هارون گفت درقوم من جانشین من باش وصلاح کاری کن و راه تباه کاران را پیروی منما. ﴿۱٤۳﴾ وچون موسیٰ به وعده گاه ما آمد و بااوپروردگار او سخن گفت، گفت ای پروردگار من به من خویشتن را بنما تا به سوی تو نظرکنم گفت خدا مرا نخواهی دید ولیکن به سوی کوه نگاه‌کن پس اگر قرارگیرد به جای خود مرا خواهی دیدپس وقتیکه پروردگار او برآن کوه تجلّی کرد آن کوه را به زمین هموار ساخته گردانید و موسیٰ بی‌هوش شده افتاد پس چون به هوش آمدگفت به پاکی تورا یادمی کنم بازگشتم به سوی تو ومن اولین مسلمانانم.

﴿١٤٤﴾ گفت ای موسیٰ هرآئینه من تورا بر مردمان به پیغام های خود وبه شنوانیدن سخن خودبرگزیدم‌پس بگیرآنچه تورا عطا کردم وازشکر گذارندگان باش. ﴿١٤٥﴾ و برای موسیٰ درلوح ها ازهرجنس هرچیز برای پند وبرای بیان نوشتیم پس گفتیم آنرابه قوت بگیر وقوم خودرا بفرما تا به بهترین آنچه دراوست[(١)] عمل کنند سرای گناهکاران تان را به شما نشان خواهم داد[(٢)]. ﴿١٤٦﴾ بازخواهم داشت ازتأمل در آیاتِ خودکسانی را که درزمین به ناحق تکبرمی‌کنند وا گر ببینند هرنشانه ای که هست ایمان نیارند وا گر ببینند، راه راستی را آن را راه نگیرند وا گر راه گمراهی را ببینند آن را راه گیرند این به سبب آن است که ایشان آیاتِ مارا تکذیب کردند وازآن غافل ماندند. ﴿١٤٧﴾ وکسانی که آیاتِ مارا وملاقات آخرت را تکذیب کردند عمل های ایشان نابود شد جزا داده نشوند الّا به آنچه می کردند. ﴿١٤٨﴾ و قوم موسیٰ بعد رفتنش اززیور قبطیان گوساله بدنی که اورا آواز گاوبود ساختند آیاندیدندکه آن گوساله به ایشان هیچ سخن نمی گفت وایشان را به هیچ راه دلالت نمی کرد آن را معبود گرفتند وایشان ستمکاربودند. ﴿١٤٩﴾ وچون پشیمان شدند ودیدند که ایشان گمراه شدند گفتند ا گر برما پروردگارما مهربانی نکند ومارانیامرزد البته اززیان کاران باشیم.

(١) یعنی به عزیمت دادن رخصت والله اعلم.

(٢) یعنی منازل فرعونیان خراب شده خواهید دید.

﴿۱۵۰﴾ وچون موسیٰ به سوی قوم خود خشمناك شده بازآمد اندوهگین گشته گفت چه بد جانشینی است جانشینی که پس ازمن کردید آیا باپرستش گوساله ازحکم پروردگار خویش پیشی گرفتید والواح را انداخت و موسیٰ سرِبرادر خودرا گرفت واورا به سوی خود می کشید هارون گفت ای پسرمادرِ من هرآئینه این قوم مرا ضعیف شمردند ونزدیك بودند که مرا بکشند پس به سبب اهانت من دشمنان را شادمکن و مرا با گروه ستمکاران شمارمکن. ﴿۱۵۱﴾ گفت موسیٰ ای پروردگار من مرا وبرادر مرا بیامرز مارا دربخشایش خود داخل کن وتوبخشاینده ترین بخشایندگانی. ﴿۱۵۲﴾ هرآئینه کسانی که گوساله را معبودگرفتند به این جماعت خشمی از پروردگار ایشان ورسوایی درحیات دنیا خواهد رسید وهم چنین افترا کنندگان را جزامی دهیم. ﴿۱۵۳﴾ وهرآئینه کسانی که گناه هاکردند باز بعد ازآن گناهان توبه نمودند وایمان آوردند البته پروردگار توبعدازتوبه آمرزنده مهربان است. ﴿۱۵٤﴾ وچون خشم ازخاطر موسیٰ ساکن شد الواح را گرفت ودرمکتوب وی هدایت بود و بخشایش آنان را که ایشان از پروردگار خود می‌ترسند. ﴿۱۵۵﴾ وموسیٰ ازقوم خود هفتادکس برای میعاد ما اختیار کرد[۱] پس وقتیکه ایشان رازلزله در گرفت موسیٰ گفت ای پروردگار من اگر می خواستی پیش ازین ایشان را ومرا هلاك می کردی[۲] آیا مارا به جزای آنچه بی خردان ازقوم ما کردند هلاك می کنی این حادثه مگرامتحان نیست تو به آن هرکه راخواهی گمراه می کنی و به آن هرکه راخواهی راه می نمایی توکارساز مایی پس مارا بیامرز وبرما مهربانی کن وتوبهترین آمرزندگانی.

(۱) یعنی تاعذر گویند ازعبادت گوساله واین جماعت ا گرچه عبادت نکرده بودند برعبادت کنندگان انکار هم نکردند پس خدای تعالی هلاك ساخت والله اعلم.

(۲) یعنی ا گر در بنی اسرائیل هلاك می شدند تهمت قتل برموسیٰ نمی نهادند والله اعلم.

﴿۱٥٦﴾ و برای ما درین دنیا نیکی ودرآخرت نیزنیکی بنویس (یعنی مقدرکن) هرآئینه ما به سوی تو رجوع کردیم گفت خداعذابم را می رسانمش بهرکه خواهم ومهربانی من هرچیزرا احاطه کرده است پس خواهم نوشت (رحمت کامله خودرا)[۱] برای کسانیکه پرهیز گاری میکنند وزکوٰة میدهند و کسانیکه ایشان به آیاتِ مامعتقد می شوند[۲]. ﴿۱٥۷﴾ (خواهم نوشت رحمت اخرویه) برای آنانکه آن پیامبررا که نبی امی است پیروی می کنند آنکه نعت اونوشته نزدیکشان درتورات وانجیل می یابند که می فرماید ایشان را به کارپسندیده ایشان راازناپسندیده بازمیدارد و برای ایشان پاکیزه هارا حلال می سازد و برایشان ناپاکیزه هارا حرام می کند و ازایشان بار گرانِ ایشان را ساقط می کند وآن مشقت هارا که برایشان بود پس آنانکه به او ایمان آوردند واورا تعظیم کردند واورا یاري دادند و نوری را که همراه وی نازل کرده شده است پیروی کردند ایشانندرستگاران[۳]. ﴿۱٥۸﴾ بگو ای مردمان هرآئینه من به سوی همگی شما پیامبر خدایم، آن خدااوراست پادشاهی آسمان ها وزمین هیچ معبود برحقی مگر اونیست زنده می کندومی میراند پس به خدا وبه پیامبر اوکه نبی امی است ایمان آورید آنکه خدارا وسخنان اورا تصدیق می نماید واورا پیروی کنید تااین که شما راه یاب شوید. ﴿۱٥۹﴾ وازقوم موسیٰ گروهی هست که مردمان را به راه راست راهنمایی می کنند و به راستی حکم می کنند.

(۱) یعنی درآخرت.

(۲) یعنی فساکتبهاآنست که درآخرزمان رحمت خاص باشد بهمتابعان نبی اُمّی والله اعلم.

(۳) مترجم گوید بشارت دادن خدای تعالی حضرت موسیٰ رابه امت مرحومه دلیلْ أول است برنبوت آن حضرت ولهذامی فرماید والله اعلم.

﴿١٦٠﴾ و بنی اسرائیل رابه دوازده قسم قبیله قبیله گروه گروه متفرق ساختیم و به سوی موسیٰ وقتی که آب خواستند ازوی قوم او وحی فرستادیم که بعصای خود سنگ را بزن پس ازآن سنگ دوازده چشمه روان شد هر گروهی آب خور خودرا بِدانست وبرایشان ابررا سایبان سَاختیم و برایشان ترنجبین (گزنگبین) وبلدرچین (تیهو) رانازل کردیم گفتیم بخورید ازپاکیزه های آنچه شمارا روزی داده ایم وایشان برماستم نکردند ولیکن بر خویشتن ستم می کردند. ﴿١٦١﴾ ویادکن چون گفته‌شدایشان را که درین دِه ساکن شوید و ازین دِه هرجاکه خواسته باشید بخورید وبگویید حِطَّة یعني فروگذار از ماگناهان ما را و به دروازه سجده کنان داخل شوید تا برای شماگناهان شمارا بیامرزیم، نیکوکاران را زیاده خواهیم داد. ﴿١٦٢﴾ پس ستمکاران ازبنی اسرائیل سخنی را غیراز آنچه فرموده شدایشان را بدل کردند پس برایشان عقوبتی ازآسمان فرستادیم به سبب آنکه ستم می کردند. ﴿١٦٣﴾ وسوال کن (یا محمد) یهود را ازحال آن دِهی که برلب دریا مستقربود چون درروزشنبه ازحد می گذشتند وقتیکه ماهیان به ایشان در روزیکه ایشان به تعظیم شنبه مشغول می شدند ظاهر شده می‌آمدند وروزیکه تعظیم شنبه نمی‌کردند برای ایشان نمی آمدند همچنین ایشان را آزمودیم به سبب آنکه فسق میکردند[١].

(١) مترجم گوید اهل دِه سه قسم بودند قسمی شکار میکردند وقسمی ازآن نهی می کردند وقسمی نه شکارمی کردند ونه ازآن منع میکردند والله اعلم. .

﴿١٦٤﴾ ویادکن چون گروهی ازاهل آن دِه گفت [(١)] چراپندمیدهیدگروهی را که خدای تعالی ایشان را هلاك خواهد کرد یا ایشان را عذاب خواهد کرد عذاب سخت گفتند تاماراعذری نزدیك پروردگار شما باشد وتاباشد که ایشان پرهیزگاری کنند. ﴿١٦٥﴾ پس وقتی که آنچه راکه به آن پندداده شدایشانرا فراموش کردند کسانی را که ازکار بد منع میکردند نجات دادیم وستمکاران را به عذاب سخت گرفتارکردیم به سبب آنکه فاسق بودند. ﴿١٦٦﴾ پس چون تکبر کردند ازترك آنچه ایشان را (ازآن) منع کرده شد گفتیم ایشانرا بوزینگان خوارشده شوید. ﴿١٦٧﴾ ویادکن چون آگاه گردانید پروردگارتو[(٢)] که البته بفرستدبرایشان تاروزقیامت کسی راکه به ایشان عقوبت سخت برساند هرآئینه پروردگار تو زود عقوبت کننده است و هرآئینه اوآمرزنده مهربان است[(٣)]. ﴿١٦٨﴾ و بنی اسرائیل را درزمین گروه گروه پراکنده کردیم بعضی ازایشان شایسته کارانند وبعضی ازایشان غیر اینانند و ایشانرا به نعمت هاومشقت ها امتحان کردیم تا به سوی راه راست بازگردند. ﴿١٦٩﴾ پس ازپی درآمدند بعد ازایشان جانشینان بدی که وارث تورات شدند[(٤)] متاع این عالم خسیس را اختیارمی کنند ومی‌گویند آمرزیده خواهد شد برای‌ما واگر بیاید متاعی مانند آن البته آن را بگیرند[(٥)] آیا گرفته نشده است برایشان آن عهد که در تورات است که برخدا مگرسخن راست نگویند وخوانده اند آنچه درتورات است و سرای آخرت پرهیزگاران را بهتراست آیا نمی فهمید؟. ﴿١٧٠﴾ وآنانکه به کتاب تمسك می کنند ونمازرا برپاداشتند هرآئینه ما پاداش این نیکوکاران را ضایع نمی‌کنیم.

---

(١) یعنی قسم ثالث نهی کنندگان را والله اعلم.
(٢) یعنی بنی اسرائیل را.
(٣) بعدازین هیچ پادشاهی دربنی اسرائیل پیدانشده، همیشه لگدکوب پادشاهان اسلام ونصاریٰ ومجوس می بودند والله اعلم.
(٤) یعنی احبار بنی اسرائیل.
(٥) یعنی مصرّاندبراخذآن و غیر نادم اند ازان وتوبه مصرٍّ غیرِ نادم صحیح نیست والله اعلم.

﴿۱۷۱﴾ ویادکن چون کوه را بالای ایشان برداشتیم گویا وی سایبان است وگمان کردند که آن کوه برایشان خواهد افتاد گفتیم آنچه راکه به شما دادیم با قدرتِ تمام بگیرید و آنچه درواست یادکنید تابُوَدکه شما از عذاب درپناه باشید. ﴿۱۷۲﴾ ویادکن چون پروردگار توازبنی آدم ازپشت ایشان اولاد ایشان را گرفت[۱] و ایشان را برذاتهای ایشان گواه گردانید گفت آیا پروردگار شمانیستم گفتند آری هستی، گواه شدیم، این شاهدگرفتن برای احترازازآن است که روز قیامت بگویید هرآئینه ما ازین توحید بی‌خبربودیم. ﴿۱۷۳﴾ یابگویید که بجزاین نیست که پدران ماپیش ازما شرك آورده بودند ومانسلی بعد ازایشان بودیم[۲] آیاهلاك می کنی مارا به عقوبت آنچه بدکاران کردند. ﴿۱۷۴﴾ وهم چنین نشانه ها را بیان می کنیم وتاباشدکه باز گردند. ﴿۱۷۵﴾ وبرایشان بخوان خبرکسی که اورا علمِ آیاتِ خود داده بودیم پس ازعلم آن آیات بیرون رفت[۳] پس درپی او شیطان شد پس ازگمراهان گشت[٤]. ﴿۱۷٦﴾ و ا گرمی‌خواستیم اورا[٥] به سبب آن آیات فرامی‌بردیم ولیکن به سوی پستی میل کرد وپیروی خواهش خود کردپس صفت اومانندِ صفت سگ است اگر مشقت اندازی بروی[٦] زبان ازدهن بیرون افکند واگر بگذاری اورانیز بیرون افکند این صفتِ گروهیست که آیات مارا تکذیب‌کردند پس برایشان این پندهارا بخوان تاایشان تأمل کنند. ﴿۱۷۷﴾ این قوم به اعتبار صفت بَداند که آیاتِ مارا تکذیب کردند وبرخویشتن ستم می کردند. ﴿۱۷۸﴾ هرکه خدا اورا راه نماید پس همانست راه یابنده وهرکه خدا اورا گمراه سازد پس آن جماعت ایشان زیان کارانند.

(۱) یعنی روزمیثاق ازآدم اولاد او را پیدا کرد واز آنان اولاد ایشانرا به ترتیبی که درخارج متحقق شد پیداکرد والله اعلم.

(۲) یعنی پس تقلید ایشان کردیم.

(۳) یعنی تابع شهوات نفس شدوتابع شهوات نفس را عالم نتوان گفت.

(٤) یعنی بلعم باعورکه کتب الهی را خوانده بودبعدازآن به اغوای زن خود به ایذای حضرت موسیٰ علیه السلام قصد کرد وملعون شد والله اعلم.

(٥) یعنی منزلت اورا.

(٦) یعنی به زدن ودوانیدن.

﴿۱۷۹﴾ وهرآئینه برای دوزخ بسیاری ازجنیان وآدمیان بیافریدیم، ایشانرا دلهاست که به آنها نمی فهمند وایشان راچشم هااست که به آنها نمی بینند وایشان راگوشها است که به آنها نمی شنوند ایشان مانند چهارپایانند بلکه ایشان گمراه ترند، ایشان بی خبرانند. ﴿۱۸۰﴾ وبرای خدا نام های نیك است پس اورا به آن نام ها بخوانید، آنانرا که کجروی می کنند درنام های خدا[۱] رهاسازید به ایشان داده خواهد شد جزاء آنچه میکردند. ﴿۱۸۱﴾ وازآن جماعت که پیداکرده ایم گروهی هست که به دین حق راهنمایی می کنند وبه آن (دین حق) به عدل حکم می کنند. ﴿۱۸۲﴾ وکسانیکه آیات ما را تکذیب کردند به تدریج ایشان را (تامحل هلاك) ازآنجا که ندانند بکشیم. ﴿۱۸۳﴾ و ایشان را مهلت دهم، هرآئینه تدبیر من محکم است. ﴿۱۸٤﴾ آیاتأمل نکردند که این هم نشین ایشانرا هیچ دیوانگی نیست، اومگربیم کننده آشکار نیست. ﴿۱۸٥﴾ آیا در پادشاهی خدا درآسمان ها و زمین ودرآنچه خدا پیدا کرده است ازهر چیز ننگریسته‌اند وآیا درآن که شاید اجل ایشان نزدیك شده باشد نظر نکرده‌اند پس به کدام سخن بعد از قرآن ایمان خواهند آورد. ﴿۱۸٦﴾ هرکه خدا اورا گمراه سازد پس هیچ راهنمایی برای او نیست وخدا ایشان را در گمراهی خویش سرگردان شده می‌گذارد. ﴿۱۸۷﴾ تو را ازقیامت که کی باشد استقرار آن سوال می کنند بگوجزاین نیست که علم قیامت نزد پروردگار من است آن را در وقت آن مگر خدا پدید نیاورد، گران شده است[۲] در آسمانها و زمین نیاید به شما مگر ناگهان تو را ازقیامت سوال می کنند گویا تو ازآن کاوش کننده ای[۳] بگوجزاین نیست که دانش اونزد خداست ولیکن بیشتر مردمان نمی دانند.

(۱) یعنی ابو المسیح وابو الملائکه می گفتند.

(۲) یعنی مشکل شده است دانستن قیامت.

(۳) یعنی عالمی به آن.

﴿۱۸۸﴾ بگو برای خود سودی ونه زیانی نمی توانم مگرآنچه راکه خداخواسته است و اگرمن علم غیب می دانستم البته خیربسیار (برای خود) فراهم می آوردم هیچ ناخوشی ای به من نمی رسید، نیستم من مگر بیم کننده ومژده دهنده برای گروهی که ایمان دارند. ﴿۱۸۹﴾ اوست آنکه شما را ازیك تن پیدا کرد وازآن یك تن زنش را پیدا کرد تا باوی آرام گیرد[۱] پس چون او با همسرش جماع کرد حامله شد باری سبك پس به آن بارسبك آمد ورفت کرد بعد ازآن چون زن گران بارشد هردو به جناب پروردگار خویش دعا کردند که اگر ما را فرزندی شایسته بدهی البته از شکر گذاران باشیم. ﴿۱۹۰﴾ پس چون خدای تعالی ایشان را فرزندی شایسته داد برای اوشریکان درآنچه داده بود به ایشان مقررکردند پس خدا ازآنچه شریك مقرر میکنند بلند قدراست[۲]. ﴿۱۹۱﴾ آیااین مشرکان چیزی را که هیچ نمی آفرینند وخود این شریکان آفریده می شوند شریك مقررمی کنند. ﴿۱۹۲﴾ و برای پرستندگان خود یاری دادن نمی توانند ونه خود را یاری می دهند. ﴿۱۹۳﴾ وا گر بتان را به سوی راه هدایت بخوانید شما را پیروی نکنند[۳] برابراست برشما آنکه ایشان را بخوانید یا خاموش باشید (ای مشرکان). ﴿۱۹٤﴾ هرآئینه کسانیکه ایشان را به جای خدا عبادت می کنید بندگانند مانند شما پس ایشان را بخوانید وباید که دعای شما را اگر راست گوهستید قبول کنند. ﴿۱۹٥﴾ آیابتان را پاهایی است که باآن راه می‌روند آیاایشان را دست ها است که باآن تناول میکنند آیاایشان را چشم ها است که با آن می بینند آیا ایشان راگوشها است که باآن می شنوند بگوای مشرکان شریکان خود را بخوانید بعدازآن درحق من تدبیر کنید و مرا مهلت مدهید.

(۱) ﴿فَلَمَّاتَغَشَّىٰهَا﴾ کلام علیحده است یعنی خدای تعالی آدم وحوا را پیدا کرد و ازایشان نسل بسیار پیدا آورد بعد ازآن تفصیل انتشار نسل می فرماید.

(۲) مترجم گوید این تصویراست حال آدمی را که نزدیك ثقل حمل نیت اخلاص درست کند وچون فرزند به وجود آیدآن را فراموش سازد ودر تسمیه اشراك کند (منطبق برحال حواچنانکه درحدیث صحیح آمده که حواحامله شد شیطان بدلش وسواس انداخت وچون فرزند متولد شدنام او عبدالحارث مقررکرد وچون وجود جمیع قیود درامثال این مواضع ضروری نیست آدم ازلوث شرك مبرا باشد واین آیت عصمت اورا مصادمت نکندکذافهمت (این حدیث ضعیف ومنکر است به تفسیر ابن کثیر (۳/٥۲٦) مراجعه شود مصحح) وازینجا دانسته شد که شرك در تسمیه نوعیست از شرك چنانکه اهل زمان ماغلامِ فلان وعبدفلان نام می نهند.

(۳) یعنی ا گر بگویید بخورید یابیاشامید هیچ کار نکنند.

﴿۱۹٦﴾ هرآئینه کارسازمن خداست آنکه کتاب را فرود آورد واو نیکوکاران را کارسازی می کند. ﴿۱۹۷﴾ وآنانکه ایشان را به جای خدا می‌خوانید یاری دادن شما را نمی توانند ونه خود را یاری می دهند. ﴿۱۹۸﴾ واگر دعوت کنید ایشان را به سوی راه هدایت سخن شمارا نشنوند وای بیننده می بینی بتان را که می‌نگرند به سوی توحال آنکه ایشان هیچ نمی بینند. ﴿۱۹۹﴾ عفوو درگذر را پیش گیر و به کار پسندیده امرکن و ازمردمان نادان روی‌بگردان. ﴿۲۰۰﴾ واگر از (سوی) شیطان وسوسه ای به تورسد پس ازخدا پناه طلب کن هرآئینه اوشنوا ی‌دانا است. ﴿۲۰۱﴾ هرآئینه متقیان چون ایشان را وسوسه ای ازشیطان برسد خدا را یاد می کنند پس ناگهان ایشان بینا می شوند. ﴿۲۰۲﴾ وبرادران کافران[1] ایشان را در گمراهی می کَشَند سپس بازنمی ایستند. ﴿۲۰۳﴾ وچون نزدیك ایشان آیتی نمی آری می گویند چراازطرف خود اورا اختیار نکردی؟ بگوجزاین نیست که پیروی می کنم به آنچه به سوی من از پروردگار من فرود آورده شده است این (قرآن) نشانه هایی است از پروردگار شماوهدایت وبخشایش برای قوم مومنان است. ﴿۲۰٤﴾ وچون قرآن خوانده شود پس به سوی آن گوش نهید وخاموش باشیدتا برشما مهربانی کرده شود. ﴿۲۰٥﴾ و پروردگار خود را دردلت به زاری وترسکاری یادکن وپروردگار خود را به کلام پست تر از بلند آوازی با مداد وشبانگاه یادکن و ازغافلان مباش. ﴿۲۰٦﴾ هرآئینه کسانیکه نزد پروردگار تواند ازعبادت او [2] گردن کشی نمی کنند و اورا به پاکی یاد میکنند وفقط اوراسجده می کنند.

(۱) یعنی قرینان ایشان ازشیاطین والله اعلم.

(۲) یعنی ملاء اعلی.

سوره انفال مدنی است وآن هفتادو پنج آیه وده رکوع است

﴿۱﴾ تورا ازغنیمت ها می پرسند[۱] بگوغنیمت هابرای‌خداورسول است[۲] پس ازخدا بترسید و جریاني را که میان شما است به صلاح آرید و خدا و رسول اورا ا گر مسلمان هستید فرمان برید. ﴿۲﴾ جزاین نیست که مومنان آنانند که چون یاد کرده شود خدا دلهای ایشان بترسد وچون برایشان آیات خدا خوانده شود آن آیات ایمان ایشان را زیاده سازند وبرپروردگار خویش توکل میکنند. ﴿۳﴾ آنانکه نمازرا برپا می دارند وازآنچه روزی داده ایم ایشانرا خرج میکنند. ﴿٤﴾ این جماعت به حقیقت مومنان ایشانند ایشان را مرتبه هااست نزد پروردگار ایشان و آمرزش و روزی نیك است. ﴿٥﴾ چنانکه تورا پروردگار توازخانه ات به تدبیر درست بیرون آورد وهرآئینه گروهی ازمسلمانان ناخوشنود بودند[۳]. ﴿٦﴾ خصومت میکردند باتودرسخن راست بعدازآنکه ظاهرشد گویا به سوی مرگ رانده می شوند وایشان درآن می نگرند. ﴿۷﴾ و(یادکن نعمت الهی را) آن گاه که خدا یکی ازدو گروه را وعده شما می داد که وی شما را باشد و دوست میداشتید که گروه غیر جنگی (کاروان تجاری) شمارا بُوَد وخدا می خواست که دین حق را به فرمان های خویش ثابت کند و بنیادکافران را بِبُرد. ﴿۸﴾ می خواست تا دین حق را ثابت کند و دین باطل را برطرف کند ا گر چه گناهکاران ناخوشنود باشند[٤].

(۱) سورهٔ انفال درقصه بدر فرودآمده است درآیاتِ این سوره به وقائع این غزوه اشاره شده: ازآن جمله آنست که مسلمانان درغنیمت مباحثه میکردند آنانکه غارت کرده بودند خواستند که تنهابرآن متصرف شوند دیگران خواستند که برابر قسمت شود خدای تعالی نازل ساخت که متصرف ومختار درغنائم خدا ورسول اوست و دیگری را درین باب دخلی نیست آنچه اهل جاهلیت می کردند ازاستیثارغارت کننده به غنیمت باطل است بعد ازآن حکم فرمود که غنیمت راپنج قسم بایدکرد چهار قسم درمیان غانمان قسمت کنندویکی در بیت المال نگاهداشته به مصرف آن رسانند واین تصرف حق است وعطای اوست بغیر دخل غارت کنندگان پس آیه ﴿قُلِ ٱلْأَنفَالُ لِلَّهِ وَٱلرَّسُولِ﴾ محکم است غیر منسوخ.

(۲) یعنی متصرف درغنایم ایشانند وکسی دیگررا اختیاری نیست والله اعلم.

(۳) مترجم گوید یعنی تصرف در قسمت بروفق حکم خدا است نه موافق آرزوی نفسهای شما چنانکه بیرون آوردن تو به تدبیر درست بودنزدیك خدابرخلاف اراده قوم والله اعلم.

(٤) مترجم گوید درین آیات تعریض است به آن قصه که آن حضرت صلی الله علیه وسلم درغزوه بدر برای غارت کردن کاروان قریش متوجه شدواین خبربه کاروان رسید راه ساحل را اختیار نمودند بنابراین ازگرفت پیامبرولشکریانش خلاص شدند ابوجهل که به مددایشان با لشکرگران از مکه بر آمده بود مقابل آن حضرت شد بعضی اصحاب میل به غارت کردن وجمعی قصد کارزار لشکر نمودند ومرضی آن حضرت جنگ با لشکر بود.

﴿۹﴾ آنگاه که به جناب پروردگار خویش فریاد می کردید پس دعای شمارا قبول کرد که من بهزار کس ازفرشتگان ازپي يك ديگر آورده[۱] مددکننده‌ٔ شمام. ﴿۱۰﴾ و خدااین مدد را نه ساخت مگربرای مژده وتا به آن دل های شما آرام گیرد ونیست فتح مگراز نزدیك خداهرآئینه خدا غالب باحکمت است. ﴿۱۱﴾ آنگاه که شمارا به خواب سبك می‌پوشید به جهت ایمنی ازنزد خود و برشما ازآسمان آب باران را فرود می‌آورد تا شمارا به آن پاك کند و ازشما آلودگی شیطان را ببَرد وتا بردلهای شما ببندد یعنی ثابت دارد دلها را و به آن پاهارا محکم کند[۲]. ﴿۱۲﴾ آنگاه که پروردگار تو به سوی فرشتگان وحی می فرستاد که من باشماهستم پس مسلمانان را استوارسازید دردلهای کافران رعب خواهم افکند پس ای مسلمانان بزنید بالای گردن ها وازایشان هرطرف دست وپای را بزنید. ﴿۱۳﴾ این به سبب آن است که ایشان باخدا و رسولِ او خلاف کردند وهرکه باخدا و رسولِ او خلاف کند پس خدا سخت عقوبت است. ﴿۱٤﴾ این را بچشید و(بدانید) اینکه برای کافران عذاب آتش است. ﴿۱۵﴾ ای مومنان چون باکافران انبوه کرده به هم آیید پس به سوی ایشان پشت هارا مگردانید (یعنی فرارنکنید). ﴿۱٦﴾ وهرکه از ایشان آن روز پشت خود را بگرداند مگررجوع کنان برای جنگی یا به سوی گروهی پناه جویان پس هرآئینه به خشمی ازخدا بازگشت وجای اوجهنم است وبدجایی است.

(۱) یعنی یکهزار بودند بعد ازآن سه هزار گشتند وبعد ازآن پنجهزار شدند والله اعلم.

(۲) مترجم گوید درین آیات تعریض است به آن قصه که روز بدر مسلمانان تشنه بودند وبی وضو بودند آب نداشتند وازین جهت وسوسه شیطان به خاطر ایشان راه می یافت خدای تعالی باران فرستاد وخواب سبك را برچشم ایشان مسلط کرد تااضطراب دلِ ایشان برطرف شد.

﴿۱۷﴾ پس شما این جماعت را نکشته اید ولیکن خدا ایشان را کشت وتو(یامحمد) نیفکندی[(۱)] وقتیکه افکندی ولیکن خداافکند وتا مسلمانان را ازنزد خویش عطای نیکو به بخشد هرآئینه خدا شنوای‌داناست[(۲)]. ﴿۱۸﴾ حال این است وبدانید که خدا حیله کافران را سست کننده است. ﴿۱۹﴾ ای کافران ا گر طلب فتح می کردید پس به شمافتح آمد واگربازایستید پس آن شما را بهتراست وا گر بازگردید (یعنی به نافرمانی)، باز گردیم[(۳)] و جماعت شما هیچ چیزی را اگرچه بسیارباشد ازشما دفع نکند. وبدانید که خدا با مسلمانان است[(٤)]. ﴿۲۰﴾ ای مسلمانان خدا ورسول اورا فرمانبرداری کنید و از وی روی مگردانید حال آنکه شما می‌شنوید. ﴿۲۱﴾ و مانند کسانیکه گفتند شنیدیم وایشان نمی شنوند نشوید [(٥)]. ﴿۲۲﴾ هر آئینه بدترین جنبندگان نزد خدا کرانند گنگانند آنانکه درنمی یابند. ﴿۲۳﴾ و اگر خدا درایشان نیکویی سراغ داشت البته ایشان را شنواندی [(٦)] و اگر شنوانیدی حتماً اعراض کنان روی میگردانیدند. ﴿۲٤﴾ ای مسلمانان خواندنِ خدا و رسول را قبول کنید چون بخواند شمارا برای آنکه شما را زنده سازد وبدانید که خدا درمیان انسان ودل او[(۷)] حائل می شود وبدانید که به سوی اوبرانگیخته خواهید شد. ﴿۲٥﴾ و ازفتنه ای بپرهیزید که تنها به ستمکاران ازشما نرسد[(۸)] وبدانید که هرآئینه خدا سخت عقوبت کننده است[(۹)].

(۱) یعنی مشتِ خاك را.

(۲) مترجم گوید تعریض است به آن قصه که آن حضرت صلی الله علیه وسلم روز بدریك مشت سنگ ریزه به سوی کفارانداخت پس هیچکس ازایشان نماند که چیزی ازآن به چشمش داخل نشد و استقلال تازه به خاطر مسلمانان ظاهر شد و این تایید غیبی بود.

(۳) یعنی به مکافات دادن.

(٤) مترجم گوید تعریض است به آن قصه که ابو جهل روز غزوه بدر دعا کرد که بار خدایا هر که ازمیان این هردو گروه قاطع رحم است ودین باطل پیش گرفته است او را هلاك کن وبه حقیقت متصف به این صفات ابو جهل و قوم اوبودند.

(٥) یعنی مانندِ اهل کتاب که تورات را خواندندوبه زبان معترف شدند وبرآن عمل نکردند.

(٦) یعنی لیکن سراغ خیری درایشان نیافت.

(۷) یعنی عزیمت اونسخ می کند.

(۸) یعنی بلکه شامت او عام‌بود والله اعلم.

(۹) وآن فتنه ظهور عقوبت بدعت است یاترك نهی از منکر والله اعلم.

﴿۲٦﴾ ویادکنید (ای مهاجران نعمت الهی را) آن وقت که شما اندك بودید ناتوان شمرده درزمین (یعنی درمکه) می ترسیدید ازآنکه مردمان شمارا بربایند پس شمارا جای داد (یعنی در مدینه) و شمارابه نصرت خود قُوَّت داد و شما را ازچیزهای پاکیزه روزی داد تاشود که سپاس گذاری کنید. ﴿۲۷﴾ ای مسلمانان باخدا ورسول خیانت مکنید و امانت های یك دیگررا درحالیکه شما میدانید (یعنی مفاسدآنرا) خیانت مکنید. ﴿۲۸﴾ وبدانید که مال های شما و فرزندان شما آزمایش است وآنکه خدا نزد او پاداش بزرگ است. ﴿۲۹﴾ ای مسلمانان اگر ازخدا بترسید برای شما فتحی را قراردهد وازشماگناهان تان را درگذرد وشما را بیامرزد وخدا صاحب فضل بزرگ است. ﴿۳۰﴾ و (یادکن نعمت الهی را) آنگاه که تدبیربد کردند درحق توکافران تاتورا حبس کنند یا تورا بکشند یا تورا جلاوطن کنند وایشان تدبیر بَد می کردند وخدا تدبیر می کرد (یعنی به ایشان) وخدابهترین تدبیر کنندگانست[1]. ﴿۳۱﴾ وچون برین جماعت آیات ما خوانده می‌شود گویند به تحقیق شنیدیم اگر خواهیم ماننداین بگوییم نیست این مگرافسانهٔ پیشینیان. ﴿۳۲﴾ وآنگاه که گفتند بارخدایا اگر این قرآن ازنزد تو راست هست پس برما سنگ را ازآسمان ببار یا برما عذاب دردناك را بیار. ﴿۳۳﴾ ونیست خداکه ایشان را عذاب کند وتو میان ایشان باشی وهرگز خداعذاب کنندهٔ ایشان نیست وایشان استغفار می کنند[2].

(۱) تعریض است به آن قصه که کفاردرمکه جمع شده این رای می زدند.

(۲) یعنی سنت خدا آنست که تاپیامبر درمیان قوم باشد عذاب عام نمی کند وهمچنین تاآنکه ایشان استغفار کنند عذاب نمی آید.

﴿۳٤﴾ وچیست ایشان را که خدا ایشان را عذاب نکند حال آنکه ایشان (مردمان را) ازمسجدالحرام باز میدارند و سزاوار آنجا نیستند، سزاواردرآنجا مگرمتقیان نیستند ولیکن بیشترین ایشان نمی دانند. ﴿۳٥﴾ و[۱] نمازایشان نزدیك خانه کعبه چیزی بجز صفیر کردن و کف زدن نیست پس ای کافران عذاب را به سبب کافرشدن تان بچشید. ﴿۳٦﴾ هرآئینه کافران اموال خود را خرج می‌کنند تا مردمان را ازراهِ خدا بازدارند پس زود باشد که آنرا خرج کنند باز آن خرج کردن برایشان پشیمانی باشد بازمغلوب شوند وکافران به سوی دوزخ رانده شوند. ﴿۳۷﴾ تا خدای تعالی ناپاك را ازپاك جدا سازد و ناپاك را بعض آن را بربعضی بنهد پس همگی آن را توده سازد پس اورا دردوزخ درآورد این جماعت ایشانند زیان کاران[۲]. ﴿۳۸﴾ به این کافران بگو اگر بازایستند ایشان را آنچه گذشت آمرزیده شود واگر باز گردند پس هرآئینه روش پیشینیان گذشته است [۳]. ﴿۳۹﴾ و ای مسلمانان باایشان تاآنکه هیچ فتنه نباشد (یعنی غلبه کفر) کارزار کنید و همگی دین برای خدا باشد پس اگر ازشرك بازایستند (یعنی مسلمان شوند) هرآئینه خدا به آنچه میکنند بینااست. ﴿٤۰﴾ واگر روبگردانند[٤] پس بدانید که خدا مددکار شما است واو نیك مددکار است و نیك یاری دهنده است.

(۱) یعنی بعد هجرت حضرت سیدالبشر ازمیان ایشان.
(۲) یعنی دراصل استحقاق عذاب دارند لیکن بودن پیامبر درمیان ایشان مانع بودوحالا مانع برخاست.
(۳) مترجم گوید واین تصویر حال کسی است که مي خواهد کل چیزی را جز وباطل سازد ودفع کند.
(٤) یعنی ازاسلام.

﴿٤١﴾ وبدانید که آنچه ازکافران ازهر جنس غنیمت یافتید پس یك پنجم آن برای‌خدا و پیامبر وخویشاوندان [١] ویتیمان ودرویشان ومسافران است اگر به خدا وبه آنچه بربنده خویش فروفرستادیم ایمان آورده اید، روزی که حق از باطل جدا شد روزیکه دو گروه به هم آمدند [٢] وخدا برهمه چیز تواناست[٣]. ﴿٤٢﴾ اگر ایمان آوردید به آنچه فروفرستادیم بربنده خود آنگاه که شما بکنارهٔ نزدیك بودید وایشان بکنارهٔ دورتروکاروان پایین ترازشمابود (یعنی به جانب دریا) واگر بایکدیگر وعده جنگ مقررمی کردید البته دروعده اختلاف می نمودید لیکن جمع کرد تا خدا کاری را که کردنی بود به انجام رساند تاهلاك شود کسی که بعد قیام حجت هلاك شده است و زنده ماند کسی که بعد قیام حجت زنده شده است وهر آئینه خدا شنوای داناست[٤]. ﴿٤٣﴾ آنگاه که خدا ایشان را به تودر خواب تو اندکی نشان داد و اگر بتو تعداد ایشان را بسیار نشان می داد البته ازهم می پاشیدید و بایکدیگر درکار نزاع می نمودید ولیکن خدا سلامت داشت (یعنی ازبزدلی) هر آئینه وی داناست به آنچه در سینه‌ها است. ﴿٤٤﴾ وآنگاه که به شما ایشان را چون روبرو شدید درچشمهای شما اندکی بنمود شما را درچشمهای آنان کم نمود تا خدا کاری را که کردنی بود به انجام رساند و به سوی خدا بازگردانیده شوند. ﴿٤٥﴾ ای مسلمانان چون باگروهی روبروشوید پس ثابت باشید و خدا را بسیار یادکنید تااینکه شما رستگارشوید.

(١) یعنی خویشاوندان پیامبر راکه بنی هاشم وبنی مطلب اند.

(٢) یعنی ایمان آوردند به آن که در روز بدر نصرت نازل فرمود.

(٣) مترجم گوید چهار (حصه) خمس غانمان را بایددادویك (حصه) خمس دربیت المال نهاده برپنج حصه یاسه حصه بایك دیگر قسمت گردد علی اختلاف المذاهب والله اعلم.

(٤) مرادازهلاك اصرار برکفر است وازحیات مسلمان شدن واین که ایمان آورند به آنچه بربنده خود فروفرستادیم.

﴿٤٦﴾ و خدا ورسول اورا فرمانبرداری کنید وبایکدیگر نزاع مکنید که درین صورت سست شوید و شأن (وشوکتان) ازبین بِرَود وشکیبایی کنید هرآئینه خدا باشکیبایان است. ﴿٤٧﴾ و مانندکسانیکه از خانه های خود ازروی سرکشی وخودنمایی به مردمان بیرون آمدند مباشید و ازراه خدا بازمیدارند وخدا به آنچه می کننددربر گیرنده است[1]. ﴿٤٨﴾ وآنگاه که شیطان برای این کافران کردار های ایشان را بیاراست وگفت هیچ کس ازمردمان برشما امروز غلبه کننده نیست وهرآئینه من شمارا مدد کننده ام پس چون هردوگروه روبرو شدند شیطان برپاشنهای خود باز گشت وگفت هرآئینه من ازشما بیزارم هرآئینه من می بینم آنچه راکه شما نمی بینید هرآئینه من از خدا می ترسم وخداسخت عقوبت است. ﴿٤٩﴾ آنگاه که منافقان وآنانکه در دلهای ایشان بیماری‌است می گفتند که این مسلمانان را دین ایشان فریفته کرده است وهرکه برخدا توکل کند هرآئینه خدا غالب درست کاراست. ﴿٥٠﴾ و(تعجب میکردی) اگرمی دیدی (ای بیننده) چون فرشتگان ارواح کافران را قبض می‌کنند برروبهای ایشان وبرپشتهای ایشان میزنند و(می گویند) عذاب سوزان را بچشید. ﴿٥١﴾ این به سبب آن کرداری است که دستهای شما پیش فرستاده است و به سبب آنست که خدا بربندگان ظلم کننده نیست. ﴿٥٢﴾ مانند شیوهٔ قوم فرعون وآنانکه پیش ازایشان بودند به آیاتِ خدا کافرشدند پس خداایشان را به گناهان ایشان گرفتار کرد هرآئینه خداتوانای سخت عقوبت است.

(١) این آیه گویایی حالِ أبو جهل و تابعانِ اوست.

﴿۵۳﴾ این از آنست که خدا هرگز تغییردهنده هیچ نعمتی که آنرا برقومی انعام کرده باشد نیست تاآنکه ایشان حالی را که درذات ایشانست دگرگون کنند[۱] واز آنست که خدا شنوای‌دانا است. ﴿۵٤﴾ مانند شیوهٔ کسان فرعون وآنانکه پیش ازایشان بودند آیاتِ پروردگار خویش را تکذیب کردند پس ایشان را به گناهان ایشان هلاك ساختیم و کسان فرعون را غرق ساختیم وهمگی ستمکاربودند. ﴿۵۵﴾ هرآئینه بدترین جنبندگان نزد خدا آنانند که کافرشدند پس ایشان ایمان نمی آورند. ﴿۵٦﴾ آنانکه عهدبسته ای باایشان باز عهد خودرا درهرمرتبه‌ای می شکنند وایشان پرهیزنمی کنند[۲]. ﴿۵۷﴾ پس اگرا یشان را درجنگ بیابی متفرق ساز به‌سبب کشتن ایشان کسانی را که پس پشت ایشان باشند متفرق ساز تااینکه پندپذیر شوند. ﴿۵۸﴾ واگر ازگروهی خیانت را بترسی پس به سوی ایشان عهد ایشانرا بنوعی که همه برابر شوند[۳] باز گردان هرآئینه خدا خیانت کنندگان را دوست نمیدارد. ﴿۵۹﴾ وباید که کافران نپندارند که ایشان پیش دستی کرده اند هر آئینه ایشان عاجز نتوانند ساخت. ﴿٦۰﴾ و ای مسلمانان برای (مقابله) ایشان آنچه توانید ازتوانایی مهیا سازید[٤] وازآماده داشتن اسبها که به آن دشمن خدا ودشمن خویش را میترسانید وقومی دیگررا نیزبجزایشان، که شما ایشان را نمی دانید خدا ایشان را میداند[۵] وآنچه خرج کنید ازهرچه باشد درراهِ خدا به شما تمام داده شود[٦] وشما ستم کرده نشوید. ﴿٦۱﴾ و اگر به صلح تمایل نمودندپس تونیز به صلح مایل باش[۷] وبرخدا توکل کن هرآئینه او شنوای‌دانا (به صلاح خلق) است.

(۱) یعنی کفران نعمت رابه شکرومعصیت را به طاعت.

(۲) مترجم گوید تعریض است به قبایل یهود که آن حضرت صلی الله علیه وسلم به ایشان صلح کرده بودند وایشان وقت بعد از وقت (یعنی پی درپی) غدرمی نمودند والله اعلم.

(۳) یعنی ملامت نقض عهد برشمالازم نیاید والله اعلم.

(٤) یعنی استعمال آلات جنگ مثل تیرانداختن وغیره.

(۵) یعنی اهل نفاق را والله اعلم.

(٦) یعنی ثواب او والله اعلم.

(۷) مترجم گوید این امر برای اباحت است والله اعلم.

﴿٦٢﴾ و اگر (دشمنان) خواهند که تورا فریب دهند پس مطمئن باش که خدا تورا کفایت کننده است اوست آنکه تورا بنصرت خود و به یاری مسلمانان تورا مؤید منصور گردانید. ﴿٦٣﴾ و(همونست) آنکه میان دلهای ایشان الفت داد اگر خرج می کردی همگی آنچه درزمین است میان دل های ایشان الفت نمی‌دادی ولیکن خدا میان ایشان الفت افکند هرآئینه وی غالب باحکمت است. ﴿٦٤﴾ ای پیامبر خدا تورا کفایت کننده است و نیز آنان راکه از مسلمان پیروی توکرده اند. ﴿٦٥﴾ ای پیامبر مسلمانان را برجنگ رغبت دِه اگر ازشما بیست نفر صبر کننده باشند بردویست نفر غالب شوند و اگر ازشما صدنفر باشند برهزار نفر ازکافران غالب شوند به سبب آنکه ایشان گروهی هستند که نمی فهمند[1]. ﴿٦٦﴾ اکنون خدابرشما تحفیف داد ومعلوم کرد که درمیان شما ضعفی هست پس ا گر ازشما صدنفر شکیبا باشند بردویست نفر غالب آیند وا گر ازشما هزارنفر باشند بردوهزار نفر به فرمان خدا غالب آیند وخدا باصابران است. ﴿٦٧﴾ پیامبری را سزاوار نبود که به دست وی اسیران باشند تاآنکه درزمین قتل بسیار بوجود آورد مال دنیارا می خواهید وخدا مصلحت آخرت را می خواهند وخدا غالب باحکمت است[2]. ﴿٦٨﴾ ا گر حکم پیشین خدا نبودی[3] البته به شمادرآنچه گرفتید عذاب بزرگ میرسید. ﴿٦٩﴾ پس ازآنچه غنیمت گرفتید حلال پاکیزه بخورید وازخدا بترسید هرآئینه خداآمرزندهٔ مهربان است.

(١) مترجم گوید چون این آیت نازل شد واجب گشت ثبات با ده چندان ازکفار بعد ازآن منسوخ شدبه و جوب ثبات درمقابله دوچند والله اعلم.
(٢) مترجم گوید صحابه ازاسیران بدرفدا گرفتند به اجتهاد خویش ومرضی نزد خدای تعالی قتل ایشان بود لیکن چون بنص صریح ممنوع نشده بود عفو فرمود و این آیه نازل شد.
(٣) یعنی حکم غیر منصوص ومُقدَّر درلوح محفوظ والله اعلم.

﴿۷۰﴾ ای پیامبر آنان را که دردستهای شمااند ازاسیران بگو ا گر خدا دردلهای شمانیکی را معلوم بدارد البته شمارا بهترازآنچه گرفته شد از شما بدهد وشمارا بیامرزد وخدا آمرزندهٔ مهربان است[۱]. ﴿۷۱﴾ واگر با تو خیانت خواهند پس هر آئینه پیش ازین باخدا خیانت کرده بودند پس تورا برایشان قدرت داد وخدا دانای‌باحکمت است. ﴿۷۲﴾ هرآئینه آنانکه ایمان آوردند و هجرت کردند وبه مالهای شان و جانهای شان در راه خدا جهادنمودند وآنانکه جای دادند ونصرت کردند این جماعت بعض ایشان دوستان بعض اند[۲] وآنانکه ایمان آوردند وهجرت نکرده اند شمارا ازکارسازی ایشان هیچ چیزی نیست تاآنکه هجرت کنند واگر مددطلب کنند از شما درکاردین پس برشما یاری کردن لازم است مگربرجماعتی که میان شما ومیان ایشان عهد باشد وخدا به آنچه می کنید بینااست. ﴿۷۳﴾ وآنانکه کافرشدند بعض ایشان دوستان بعض اند ای مسلمانان اگراین کاررا نکنید[۳] درزمین فتنه ای وفسادی بزرگ باشد. ﴿۷۴﴾ وآنانکه ایمان آوردند و هجرت کردند و در راهِ خدا جهاد نمودند وآنانکه جای دادند ونصرت کردند این جماعت به حقیقت ایشانند مومنان برای ایشان آمرزش و روزی نیک هست. ﴿۷۵﴾ وآنانکه ایمان آوردند پس ازین وهجرت نمودند و همراه شما جهادکردند این گروه نیزازشماهستند وخویشاوندان بعض ایشان به بعضی درحکم خدا نزدیک تراند[۴] هرآئینه خدا به همه چیز داناست.

---

(۱) تعریض است به عباس بن عبد المطلب.

(۲) یعنی مهاجرین وانصار بایکدیگرباید که نصرت دهند ومواخات کنند.

(۳) یعنی دوستی را بایکدیگر.

(٤) یعنی صله وتوارث میان اهل قرابت که اصحاب فروض وعصبات اند لازم است والله اعلم.

سوره توبه مدنی است وآن یك صدوبیست ونه آیه وشانزده رکوع است

﴿۱﴾ قطع معامله است ازجانب خدا و رسول او از آنانکه باایشان از مشرکان[۱] پیمان بسته بودید. ﴿۲﴾ پس (ای مشرکان مهلت یافته اید) چهار ماه درزمین بگردید وبدانید که شما عاجز کنندهٔ خدا نباشید (وبدانید) آنکه خدارسواکنندهٔ کافران است. ﴿۳﴾ واعلامی است ازجانب خدا و رسول او به سوی مردمان روزحج بزرگ که خدا ورسول اونیز از مشرکان بیزاراند پس اگر توبه کنید آن شمارا بهتر باشد واگر روی بگردانید پس بدانید که شما ازخدا گزیروگریزی ندارید وکافران را به عذابی درد ناك خبرده. ﴿۴﴾ مگر کسانی ازمشرکان که باایشان عهد بسته اید باز باشما درچیزی کمی نکردند (یعنی ازپیمان خود) و بر (ضدّ) شما کسی را مدد ندادند پس به ایشان عهدایشان را تامدت (پیمان) ایشان به وفا رسانید به راستی خدا پرهیزگاران را دوست می دارد. ﴿۵﴾ پس چون ماه های حرام به پایان رسند[۲] مشرکان را هرجاکه بیابید بکشید وایشان را بگیرید و ایشان را بند کنید و برای ایشان بهرکمین گاه بنشنید پس اگر توبه کنند ونمازرا برپادارند وزکوٰة را بدهند پس ایشان را رهاکنید هرآئینه خدا آمرزنده مهربان است. ﴿۶﴾ واگر کسی ازمشرکان ازتو امان طلب کند اورا أمان ده تا قرآن خدا بشنود باز اورا به ایمنگاهش برسان واین از آنست که ایشان گروهی هستند که نیمدانند[۳].

(۱) مترجم گویدسال نهم حضرت پیامبر صلی الله علیه وسلم علی مرتضیٰ را در موسم حج فرستاد تاعهود مشرکان را براندازد الاّچهار ماه ایشان را فرصت داد تادر امر خود تأمل کنند مگردوفرقه بنی ضمره و بنو کنانه که خیانت درعهد نکرده بودند پس خدای تعالی عهد ایشانرا تامیعاد آن مقرر داشت وتا ندا کند که بعد ازین هیچ مشرك به حج نیاید وهیچ برهنه طواف کعبه نکند واوایل سوره براءة برایشان برخواند والله اعلم.

(۲) یعنی آن چهارماه که ایشان را فرصت داده بودند.

(۳) مترجم گوید آن حضرت صلی الله علیه وسلم باکفار قریش صلح کرده بودند وایشان درمقام غدرآمده برکشتن حلفای آن حضرت اعانت نمودند واین صورت سبب فتح مکه شد خدای تعالی برای ترغیب برغزوهٔ فتح آیات فرستاد.

﴿۷﴾ چگونه مشرکان را عهدی نزد خدا ونزد رسول او باشد! إلا آنانکه باایشان در (نزدیك) مسجد حرام پیمان[۱] بسته بودید پس تازمانی که بر پیمان ثابت باشند برای شما، نیز شمابرای ایشان ثابت باشید هرآئینه خدا پرهیزگاران را دوست میدارد. ﴿۸﴾ چگونه (بُوَدمشرکان را عهدی) و ا گر برشما غالب آیند دربارهٔ شماحق خویشی را و نه پیمان را نگاه ندارند شمارا بدهنهای خویش رضامند می سازند ودلهای ایشان قبول نمی کند و بیشترین ایشان فاسقانند. ﴿۹﴾ آیه های خدا را به بهایی اندك خرید کردند[۲] پس مردمان را ازراه خدا بازداشتند هرآئینه بد کاری است که ایشان می کردند. ﴿۱۰﴾ درباره هیچ مسلمانی حق خویشی را و نه پیمان را نگاه نمی دارند وآن جماعت ایشانند از حد درگذشتگان. ﴿۱۱﴾ پس ا گر توبه کنند ونمازرا برپا دارند و زکوٰة را بدهند پس ایشان دردین برادران شمااند و آیات را برای گروهی که می دانند واضح می سازیم. ﴿۱۲﴾ و ا گر سوگندهای خویش را پس ازپیمان بستن خویش بشکنند ودردین شما طعنه زنند پس باپیشوایان کفر کارزار کنید هرآئینه ایشان را سوگند نیست، تااینکه ایشان بازمانند. ﴿۱۳﴾ آیاجنگ نمی کنید با گروهی که سوگندان خویش را شکستند وقصد جلاوطن ساختن پیامبررا (ازمکه) کردند وایشان به نقض عهد دفعه اول باشما ابتداکردند آیاازایشان می ترسید پس خدا سزاوار تراست به آنکه از او بترسید اگر مسلمانید.

---

(۱) یعنی قریش که درحدیبیه به ایشان صلح واقع شده بود.

(۲) یعنی تابع شهوات نفس شدند ایمان را ترك کردند.

﴿۱٤﴾ باایشان جنگ کنید تا ایشان را خدا بدستهای شما عذاب کند وایشان را رسوا سازد وشمارا برایشان فتح دهد و (درد) سینه های گروه مسلمان را شفابخشد. ﴿۱٥﴾ و اندوه دلهای ایشان را دورکند وبه رحمت برهرکه خواهد باز گردد وخدا دانای استوار کار است. ﴿۱٦﴾ آیاگمان کردید که به حال خود وا گذاشته شوید[۱] وهنوز متمیز نساخته است خدا آنان را که ازشما جهاد کرده اند وبجزخدا وبجزپیامبر او وبجز مومنان هیچ دوست پنهانی نگرفته اند وخدا به آنچه می کنید داناست. ﴿۱۷﴾ مشرکان را روا نباشد که مسجد های خدا را آباد سازند درحالی که برخود به کفر اعتراف کرده اند آن جماعت عمل های ایشان باطل شد ودرآتش همیشه باشندگانند[۲]. ﴿۱۸﴾ جزاین نیست که آباد می کند مسجد های خدا را فقط کسیکه ایمان آورده است به خدا وبه روزآخر ونمازرا برپاداشته است وزکوٰة را داده است ونترسیده است مگرازخدا پس توقع است که این جماعت ازراه یافتگان باشند. ﴿۱۹﴾ آیا آب نوشانیدن حاجیان وآباد ساختن مسجد حرام را مانند عمل کسی کردید که به خدا و روز آخر ایمان آورده است ودرراه خدا جهاد کرده است نزِد خدا برابرنیستند وخدا گروه ستمکاران را راه نمی نماید. ﴿۲۰﴾ وآنانکه ایمان آوردند وهجرت کردند و در راه خدا به اموال خویش وجان های خویش جهاد نمودند درمرتبه نزدِ خدا بزرگتراند واین جماعت ایشان مطلب یابان اند.

---

(۱) یعنی تکلیف جهاد نشود.

(۲) مترجم گوید تعریض است به جواب مفاخرت قریش به عمارت مسجد حرام.

﴿۲۱﴾ پروردگارشان ایشان را به رحمت ازنزدیك خود وبه خوشنودی وبه بوستانها که ایشان را درآنجانعمت دایم بُود مژده‌دهد. ﴿۲۲﴾ آنجاهمیشه باشندگانند هرآئینه خداست که نزدیك او پاداش بزرگ است. ﴿۲۳﴾ ای[۱] مسلمانان پدران خود وبرادران تان را اگراختیار کنند کفر را برایمان دوست مگیرید وهرکه ازشما باایشان دوستی دارد آن جماعت ایشان ستمکارانند. ﴿۲٤﴾ بگواگر پدران شما وپسران شما وبرادران شما و زنان شما وخویشاوندان شما وآن مالهایی که آن را کسب کرده اید وتجارتی که از بی رواجی آن می ترسید ومنزل‌هایی که آن را پسند می‌کنید نزد شما ازخدا ورسول او وازجهاد درراه او دوست ترهستند پس منتظر باشید تاآنکه خدا عقوبتِ خود را بیاورد وخدا گروه فاسقان را راه نمی نماید. ﴿۲٥﴾ هرآئینه[۲] شمارا خدا درجاهای بسیار فتح داد وروزحنین نیز چون به شگفت آورد شمارا بسیاری شما پس آن بسیاری ازشما چیزی را دفع نکرد وبرشما زمین تنگ شد باوجود فراخی آن پس پشت داده برگشتید. ﴿۲٦﴾ باز خدای تعالی تسکین خود را برپیامبر خود و برمومنان فروفرستاد و لشکر هایی را که شما ایشان را ندیدید فروفرستاد وکافران را عقوبت کرد واین جزای کافران است.

(۱) مترجم گوید بعد غزوه فتح درترغیب بر جهاد مشرکین واهل کتاب نازل شد.

(۲) مترجم گوید درغزوه حنین شکست گونه ای به مسلمین روی‌داده بود بعد ازآن خدای تعالی نصرت دادوبه جهت تذکیر نعمت این آیات را فرستاد.

﴿۲۷﴾ باز خدا بعد ازین برهرکه خواهد به رحمت بازگردد[۱] وخدا آمرزنده مهربان است. ﴿۲۸﴾ ای مسلمانان جزاین نیست که مشرکان پلیداند پس بایدکه بعد ازاین سال شان به مسجد حرام نزدیك نشوند واگر از تنگدستی [۲] می ترسید پس شمارا خدا ازفضل خود اگر خواهد توانگر خواهد ساخت هرآئینه خدا دانای درست کارست[۳]. ﴿۲۹﴾ باآنانکه ایمان نمی آورند به خدا ونه به روزآخر جنگ کنید و آنچه خدا وپیامبراو حرام کرده است حرام نمی شمردند و دین راست را اختیار نمی کنند ازاهل کتاب، تاآنکه جزیه را ازدست خود خوارشدگان بدهند. ﴿۳۰﴾ ویهود گفتند که عزیر پسر خداست و نصاری گفتند که مسیح پسر خداست این قول ایشان بدهنهای شان است،[٤] باسخن قومی که پیش ازین کافر شدند[٥] مشابهت کرده اند خدا ایشان را لعنت کرد چگونه برگردانیده می شوند[٦]. ﴿۳۱﴾ دانشمندان وزاهدان خود را به جای خدا پروردگاران گرفتند ونیز مسیح پسر مریم را ونفرموده شده اند مگرآنکه یك خدا را عبادت کنند هیچ معبود برحقی بجزاو نیست پاکست او ازآنکه شریك برای اومقررمی کنند.

(۱) یعنی توفیق اسلام دهد هرکه را خواهد ازکافران واگذارد والله اعلم.
(۲) یعنی به سبب انقطاع سوداگران والله اعلم.
(۳) مترجم گوید خدایتعالی درباب جهاداهل کتاب وگرفتن جزیه ازایشان می فرماید.
(٤) یعنی اصلی ندارد.
(٥) یعنی مشرکان که ملائکه را دختران خدا می گویند.
(٦) یعنی ازراه صواب.

﴿۳۲﴾ می خواهند که نورخدا را بدهنهای شان فرونشانند[۱] وخدا قبول نکند مگر آنکه نور خود را تمام سازد اگرچه کافران ناخوش شوند. ﴿۳۳﴾ اوست آنکه پیامبر خود را به هدایت ودین راست فرستاد تا اورا برهمه ادیان غالب کند اگرچه مشرکان ناخوش شوند. ﴿۳٤﴾ ای مسلمانان هرآئینه بسیاری ازدانشمندان وزاهدان اهل کتاب اموال مردمان را به باطل می‌خورند وازراه خدا بازمی دارند وآنانکه زر و نقره را ذخیره می کنند وآن را درراهِ خدا خرج نمی نمایند[۲] این جماعت را به عذاب دردناك بشارت ده. ﴿۳٥﴾ روزی که[۳] برآن مال درآتش دوزخ گرم کرده شود پس به آن پیشانیهای ایشان وپهلوهای ایشان وپشتهای ایشان داغ کرده شود وگفته شود این است آنچه برای خود ذخیره کردید پس آنچه ذخیره می کردید بچشید. ﴿۳٦﴾ هرآئینه شمارماه ها نزدیك خدا دوازده ماه است درکتاب خدا روزی که آسمان ها و زمین را آفرید ازآن جمله چهارماه حرام است دین درست اینست پس درآن چهار ماه برخویشتن ستم مکنید[٤] وجنگ کنید باهمه مشرکان چنانکه ایشان باهمه شما جنگ می کنند وبدانید که خدا بامتقیان است.

(۱) یعنی به شبهات تقریرمی کنند‌درابطال دین والله اعلم.

(۲) یعنی زکات نمی‌دهند.

(۳) یعنی دمیده شود.

(٤) مترجم گوید دردین حضرت ابراهیم مقرربودکه در محرم ورجب وذیقعده وذی الحجه بایك دیگر جنگ نکننداهل جاهلیت این حکم را تحریف کرده گاهی صفررامحرم می ساختند ومحرم را صفرو علی هذالقیاس واین را نسی می گفتند خدایتعالی اصل این حکم راباقی داشت باینوجه که جنگ ناحق هیچ گاه درست نیست و درین ماه ها حرمت آن شدیدتر میشود وجنگ با کافران همه وقت درست است ونفی تحریف ایشان فرمود.

﴿۳۷﴾ جزاین نیست که نَسِیِ زیادتی است درکفر گمراه گردانیده می شوند به آن کافران آن ماه را یك سال حلال می شُمُرَند و آن را سال دیگر حرام می شُمُرَند تاموافقت کنند با شمارآنچه خدا حرام ساخته است پس حلال سازند چیزی را که خدا حرام ساخته است برای ایشان کردار های بدایشان آراسته کرده شده است وخدا قوم کافران را راه نمی نماید[۱]. ﴿۳۸﴾ ای مسلمانان چیست شمارا که چون به شما گفته می شود بیرون آیید درراه خدا گران شده به سوی زمین میل می کنید آیا به زندگانی دنیا به عوض آخرت رضامند شدید پس متاع زندگانی دنیا دربرابرآخرت مگراندکی نیست[۲]. ﴿۳۹﴾ اگر بیرون نیایید شما را عذاب کند عذابی درد ناك وبدل شما قومی دیگر را غیراز شما گیرد وخدا را هیچ زیان نرسانید وخدا برهمه چیز تواناست. ﴿٤٠﴾ اگر پیامبررا نصرت ندهید چه باك هر آئینه اوراخدای تعالی نصرت داده است آنگاه که بیرون کردندش کافران دوم دوکس آنگاه که این دوکس درغاربودند آنگاه که یارخودرا می گفت[۳] اندوه مخور هرآئینه خدا باماست پس خدا تسکین خود را برپیامبر فروفرستاد وقوت دادش به لشکر هایی که آن را ندیدید و سخن کافران را فروترساخت وسخن خدا همونست بلند وخداغالب درست کاراست.

(۱) یعنی به قتال ناحق.

(۲) مترجم گوید آن حضرت صلی الله علیه وسلم دروقت عسرت وگرمی هوامتوجه غزوه تبوك شدند و بسیاری ازصحابه موافقت کردند وازمسلمین سه کس به غیر عذر تخلف کردند وتوبه ایشان بعد از پنجاه روز قبول افتاد وازمنافقان کلمات نفاق سرزد خدایتعالی درمدح اینان وذم آنان وعفوازآن سه کس آیات فرستاد.

(۳) یعنی ابو بکرصدیق را.

﴿٤١﴾ سبك باروگرانبار بیرون آیید[۱] و به مالهای خویش وجانهای خویش درراه خدا جهاد کنید این برای شما بهتر است اگرمی دانید. ﴿٤٢﴾ اگربودی آنچه به آن دعوت می کنی نفع قریب الحصول وسفری آسان البته تورا پیروی می‌کردند ولیکن برایشان مسافت راه دورشد به خدا سوگند خواهند خورد که اگر می توانستیم باشما بیرون می آمدیم خویش را هلاك می کنند[۲] وخدا می‌داند که ایشان البته دروغ گویند. ﴿٤٣﴾ خدا ازتو عفو کند چرا به ایشان دستور اجازت دادی تاآن وقت که برای تو راست گویان آشکار شوند ودروغگویان را بدانی. ﴿٤٤﴾ ازتو اجازت نمی طلبند آنانکه ایمان آورده اند به خدا وروزآخردرتخلف ازآنکه جهاد کنند به اموال خویش وجانهای خویش وخدا به متقیان داناست. ﴿٤٥﴾ جزاین نیست که ازتوآنانکه ایمان نمی آرند به خدا وروزآخر اجازت می طلبند وشك آورده است دلهای ایشان پس درشك خود سرگردان می شوند. ﴿٤٦﴾ و اگر بیرون آمدن را خواسته بودند برای آن سفر سامان را مهیا می‌کردند ولیکن خدا برانگیختن ایشان را ناپسند داشت پس ایشان را ازحرکت بازداشت وگفته شد بانشستگان (درخانه) بنشینید[۳]. ﴿٤٧﴾ اگربرمی آمدند میان شما درحق شما مگرفساد را نمی افزودند والبته به پا می‌کردند میان شما درحالیکه درحق شما فتنه میجویند[٤] ومیان شما برای‌آنان گوش کنندگانی است[٥] وخدا به ستمکاران داناست.

(۱) یعنی درحالیکه اسباب وحشم بسیار داریدیابجز قدر ضروری به دست شما نباشد و به این توجیه آیت محکم باشد غیر منسوخ والله اعلم.

(۲) یعنی به سوگند دروغ.

(۳) واین تصویراست القای عزم مختلف را درخاطر ایشان.

(٤) یعنی سعی درفتنه میکردند.

(٥) یعنی سخن ایشان را قبول میکنند.

﴿٤٨﴾ هرآئینه فتنه را پیش ازین طلب کرده بودند وبگردانیدند برای تو مصلحت ها تاآنکه نصرت حق بیامد وکارخدا غالب شد وایشان ناخواهان بودند. ﴿٤٩﴾ وازایشان کسی است که می‌گوید مرا اجازت دِه ومرا درفتنه مینداز[١] آگاه شوکه درفتنه افتاده اند وهر آئینه دوزخ کافران را دربرگیرنده است. ﴿٥٠﴾ اگر به تونعمتی برسد ایشان را ناخوش کند و اگر به تو مصیبتی برسد گویند مصلحت خود را پیش ازین[٢] به دست آورده ایم و شادمان شده برمی گردند. ﴿٥١﴾ بگو هرگز به ما نرسد مگرآنچه خدا برای ما نوشته است اوست کارسازما ومؤمنان باید که برخدا توکل کنند. ﴿٥٢﴾ بگو درحق ما انتظار نمی برید مگریکی ازدوخصلت نیك را[٣] وما درحقِ شما انتظار می کشیم که خدا به شما عذاب را ازنزد خود یا به دست ما برساند پس انتظار کشید هرآئینه ما نیزبا شما منتظرانیم. ﴿٥٣﴾ بگوای منافقان خرج کنید به خوشی یا ناخوشی هرگز ازشما پذیرفته نخواهدشد هرآئینه شما قوم فاسقان هستید. ﴿٥٤﴾ وبازنداشت ایشان را ازآن که ازایشان خرج ایشان قبول شود مگرآنکه ایشان به خدا ورسول او کافرشدند وبه نماز نمی آیند مگرکاهلی کنان وخرج نمی کنند مگر ناخواهان.

(١) یعنی مرا در بلاد روم مبرید که جمال رومیان دیده مفتون خواهم شد والله اعلم.

(٢) یعنی پنهان بااعداء موافقت کرده‌ایم یاازسفر تخلف نموده ایم مارا هیچ باك نیست والله اعلم.

(٣) یعنی فتح یا شهادت.

﴿۵۵﴾ پس تورا مالهای ایشان ونه فرزندان ایشان به شگفت نیارد جزاین نیست که خدا می خواهد که ایشان را به آنها درزندگانی دنیا عذاب کند[۱] وبرآید جانهای ایشان وایشان کافرباشند. ﴿۵٦﴾ وبه خدا سوگند می خورند که ایشان از گروه شمایند و ایشان ازشما نیستند ولیکن ایشان جماعتی هستند که می ترسند. ﴿۵۷﴾ اگر پناهی یاغارها یاجای درآمدن را بیابند هرآئینه به آن شتاب کنان متوجه شوند. ﴿۵۸﴾ وازایشان کسی هست که تورا درتقسیم صدقات عیب می کند پس اگر ایشان را ازآن داده شود خوشنود شوند واگرازآن داده نشوند ازآن ناگهان ایشان خشم می گیرند. ﴿۵۹﴾ و اگرایشان رضامند می‌شدند به آنچه ایشان را خدا و رسول او داده است ومی گفتند ما را خدا بس است، مارا خدا ازفضل خود ورسول او خواهد داد هرآئینه ما به سوی خدا توقع دارندگانیم (این بهتر می بود). ﴿٦۰﴾ جزاین نیست که صدقه ها برای فقیران است وبی نوایان وکارکنان برجمع صدقات وآنانکه الفت داده می شود دلهای ایشان را[۲] وبرای خرج کردن درآزادی برده ها وبرای وام داران وبرای خرج کردن درراه خدا[۳] وبرای مسافران است حکم از نزد خدا ثابت شده است وخدا دانای درست کاراست. ﴿٦۱﴾ وازایشان آنانند که پیامبررا آزار می دهند و می گویند وی خوش باور است[٤] بگو وی خوش باور نیکوست برای شما گفتهٔ خدا را باورمی‌کند ومشورت مسلمانان را قبول می کند وبرای اهل ایمان ازشما رحمت است وآنانکه پیامبرخدا را ایذا می رسانند برای ایشان عذاب دردناك است.

(۱) یعنی مشقت جمع مال وحفظ اولاد وتأسف برآنچه فوت شود والله اعلم.

(۲) یعنی ضعیف الإسلام.

(۳) یعنی جهاد.

(٤) یعنی هرچه کسی جوید قبول می کند.

﴿۶۲﴾ به خدا برای شما سو گند می خورند تاشما را رضامندکنند وخدا و رسول او سزاوار ترند به آنکه او را رضامند سازند اگر مسلمانند. ﴿۶۳﴾ آیاندانستند که هرکه باخدا ورسول او خلاف کند پس هرآئینه او را آتش دوزخ است جاویدان آنجا این رسوایی بزرگ است. ﴿۶۴﴾ منافقان می ترسند ازآنکه برمسلمانان سوره ای فرود آورده شود که ایشان را خبردهد به آنچه دردل های منافقان است بگومسخره کنید هرآئینه خدا پدید آرنده است چیزی را که می ترسید. ﴿۶۵﴾ و اگر ایشان را سوال کنی گویند جزاین نیست که ما شوخی می نمودیم وبازی می کردیم بگو آیابه خدا وآیه های او وپیامبراو تمسخرمی کردید. ﴿۶۶﴾ عذرنیارید هرآئینه شما بعدازایمان خود کافرشدید[1] اگر ازگروهی ازشما درگذریم البته گروهی‌را عذاب میدهیم به سبب آنکه ایشان گنهکاربودند. ﴿۶۷﴾ مردان منافق و زنان منافق بعضی از ایشان ازجنس بعضی دیگرند می فرمایند به کارِ ناپسندیده و ازکار پسندیده منع می کنند ودستهای خود را می‌بندند خدا را فراموش کردند پس خدا ایشان را فراموش کرد هرآئینه منافقان همان فاسقانند. ﴿۶۸﴾ خدا مردان منافق وزنان منافق را وکافران را آتش دوزخ وعده داده است همیشه در آن باشندگانند، دوزخ ایشانرا بس است وخدا ایشان را لعنت‌کرد وبرای ایشان عذاب دایم است.

(۱) یعنی بعد ایمان به زبان خود.

﴿۶۹﴾ مانند آنانکه پیش ازشما بودند ازشما زیاده تر درقوت وبیشتر دراموال واولاد بودند پس به بهرهٔ خویش بهره مند شدند[۱] پس شما نیز به بهرهٔ خویش بهره مند شدید چنانکه آنانکه پیش ازشمابودند به بهرهٔ خویش بهره مند شدند در (باطل) فرو رفتید همانند کسانی که در (باطل) فرو رفتند آن جماعت عمل های ایشان دردنیا وآخرت نابود شد وآن جماعت ایشان زیان کاران اند. ﴿۷۰﴾ آیا به ایشان خبرآنانکه پیش ازایشان بودند نرسیده است قوم نوح وعاد وثمود وقوم ابراهیم واهل مدین واهل موتفکات به ایشان پیامبران ایشان به نشانه های روشن آمدند پس هرگز نشد که خدا برایشان ظلم کند ولیکن ایشان برخویشتن ظلم میکردند. ﴿۷۱﴾ ومردان مسلمان وزنان مسلمان بعض ایشان دوستان بعض اند به کارپسندیده می فرمایند وازکار ناپسندیده منع می کنند ونمازرا برپا می‌دارند وزکوٰة را می دهند وخدا ورسول اورا فرمانبرداری می کنند این جماعت خدا برایشان رحم خواهد کرد هرآئینه خداغالب درست کاراست. ﴿۷۲﴾ وخدا مردان مسلمان وزنان مسلمان را وعده کرده است بوستانهایی که زیرآنها جویها میرود همیشه آنجا باشندگانند وجایهای پاکیزه دربهشت های جاویدان وخوشنودی خدا ازهمه بزرگ تراست این پیروزی بزرگ است.

(۱) یعنی ازدنیا.

﴿۷۳﴾ ای پیامبر باکافران جهاد کن[۱] وبامنافقان جهاد کن[۲] وبرایشان درشتی کن وجایگاهشان دوزخ است ووی بدجایی است. ﴿۷٤﴾ سوگند می‌خورند به خداکه نگفته اند وهرآئینه سخن کفر گفته اند وپس ازاسلامشان کافرشده اند وقصدکردند آنچه نیافتند[۳] وانکارنکردند مگرآنکه ایشان را خدا ورسول او ازفضل خود توانگر ساخت[٤] پس اگرتوبه کنند ایشان را بهتر باشد واگر رویگَردان شوند خدا ایشان را به عذاب بسیار دردناکی دردنیا وآخرت عذاب کند وایشان را درزمین هیچ کارساز ونه هیچ یاری دهنده ای نیست. ﴿۷٥﴾ وازیشان کسی هست که باخدا عهد بسته است البته اگربدهد ما را ازفضل خود هر آئینه صدقه دهیم والبته ازنیکوکاران باشیم. ﴿۷٦﴾ پس وقتی که ایشان را ازفضل خود بداد بخیلی کردند به آن واعراض کنان سرپیچی کردند. ﴿۷۷﴾ پس خدای تعالی نفاق را در عاقبت دردلهای ایشان قرار داد تا روزی که باوی ملاقات کنند به شومی آنکه باخدا خلاف کردند آنچه راکه باوی وعده کرده بودند و به شومی آنکه دروغ می گفتند. ﴿۷۸﴾ آیاندانسته اند که خدا سخن پنهان ایشان و رازگفتن ایشان را می داند وآنکه خدا داننده‌ٔ غیب ها است. ﴿۷۹﴾ آنانکه ازمسلمانان درصدقات رغبت کنندگان را عیب می‌گیرند وآنان را که نمی یابند مگرمشقت خودرا[٥] عیب می گیرند پس به ایشان تمسخر می‌کنند خدابه آن تمسخر کنندگان تمسخر کرد وایشان را عذابی دردناك است.

(۱) یعنی به سیف وشمشیر.

(۲) یعنی به زبان.

(۳) یعنی ایذای پیامبر.

(٤) واین نوعی ازتحکم است والله اعلم.

(٥) یعنی به مزدوری چیزی پیدامیکنند وصدقه میدهند.

﴿۸۰﴾ آمرزش بخواهی برای ایشان یا آمرزش نخواهی برای ایشان (برابراست)[۱] اگر آمرزش خواهی برای ایشان هفتاد بار هرگز خدا ایشان را نیامرزد این به سبب آنست که ایشان به خدا ورسول او کافر شدند وخدا گروه فاسقان را راه نمی نماید. ﴿۸۱﴾ پس گذاشته شدگان به نشستن خویش برخلاف پیامبرخدا شادمان شدند وناپسندکردند که به اموال خویش وبه جانهای خویش در راه خدا جهاد کنند وگفتند بایکدیگر درگرمی بیرون نروید بگوآتش دوزخ سوزان تراست اگردرمی یافتند (چنین نمی کردند). ﴿۸۲﴾ پس باید که اندکی بخندند وبسیار بگریند سزای آنچه می کردند[۲]. ﴿۸۳﴾ پس اگر خدای تعالی به سوی گروهی ازایشان تورا باز آورد پس ازتو برای بیرون آمدن اجازه خواهند[۳] بگو بامن هرگز بیرون نخواهید آمد وهمراه من باهیچ دشمنی جنگ نخواهید کرد هرآئینه شما به نشستن بار اول رضامند شدید پس باپس ماندگان بنشینید. ﴿۸٤﴾ و(یا محمد) برهیچ یکی ازایشان که بمیرد هرگز نمازمگزار! وبرگورش مَایست هرآئینه ایشان به خدا ورسول او کافرشدند ودرحال نافرمانی مردند. ﴿۸۵﴾ وتورا اموال ایشان ونه فرزندان ایشان به شگفت نیاورد جزاین نیست که خدا می‌خواهد که ایشان را به آن در دنیا عذاب کند وروح هایشان بیرون شود درحالیکه ایشان کافرباشند. ﴿۸٦﴾ وچون سوره ای به این مضمون که ایمان آورید به خدا وهمراه رسول او وجهاد کنید فرود آورده شود توانمندانشان ازتو اجازه خواهند و گویند بگذار ما را تا باخانه نشینان باشیم.

(۱) یعنی هردوصورت یکسان است.

(۲) مترجم گوید مرادخبرست به آنکه دردنیا خواهند خندیدودرآخرت خواهندگریست.

(۳) یعنی برای احرازغنائم.

﴿۸۷﴾ راضی شدند به آنکه با زنانِ پس مانده باشند وبردلهای ایشان مهرنهاده شد پس ایشان نمی فهمند. ﴿۸۸﴾ لیکن پیامبر وآنانکه بااو ایمان آوردند به اموال خود وجان های خود جهاد کردند واین جماعت برای ایشان نیکی‌ها است واین جماعت ایشان رستگاران اند. ﴿۸۹﴾ خدا برای ایشان بوستانهایی که میرود زیرآنها جویها آماده ساخته است جاویدان در آنجا این پیروزی بزرگ است. ﴿۹۰﴾ واهلِ عذر ازصحرا نشینان آمدند تا ایشان را اجازه داده شود وآنانکه باخدا ورسول او دروغ گفتند (یعنی دراظهار اسلام) (بدون هیچ عذری در خانهٔ خود) نشستند به زودی به کافران ازایشان عذابی دردناك خواهد رسید. ﴿۹۱﴾ برناتوان ونه بر بیماران ونه بر آنانکه نمی یابند آنچه راکه خرج کنند هیچ گناهی نیست چون باخدا ورسول او نیك خواهی کنند برنیکوکاران هیچ راه سرزنش نیست وخدا آمرزندهٔ مهربان است. ﴿۹۲﴾ ونه بر آنانکه چون بیایند پیش تو تا سواری دهی ایشان را گویی آنچه شما را برآن سوارکنم نمی یابم باز گردند درحالیکه چشم های ایشان به جهت اندوه از آنکه نمی یابند آنچه خرج کنند سرشاراشك است. ﴿۹۳﴾ جزاین نیست که راه سرزنش فقط برآنان است که ازتو اجازه می خواهند درحالیکه ایشان توانگرانند راضی شدند به آنکه با زنان پس مانده باشند وخدا بردلهای ایشان مُهر نهاد پس ایشان نمی فهمند.

﴿٩٤﴾ پیش شما عذرخواهی کنند چون به سوی ایشان بازآیید بگوعذرخواهی مکنید سخن شمارا باورنکنیم به راستی خدا ما را به بعض خبرهای شما آگاه ساخته است وخدا ورسول او عمل شما را خواهد دید (یعنی دردنیا) سپس به سوی داننده پنهان وآشکار بازگردانیده شوید پس شمارا از (حقیقت) آنچه میکردید خبرمیدهد. ﴿٩٥﴾ به خدا سوگند خواهند خورد پیش شما چون به سوی ایشان بازآیید تا ازایشان رویگردانید پس شما ازایشان روی‌بگردانید هرآئینه ایشان پلیداند وجای ایشان دوزخ است به کیفر آنچه میکردند. ﴿٩٦﴾ سوگند میخورند برای شما تا ازایشان رضامند شوید پس ا گر ازایشان رضامند شوید پس هرآئینه (بدانید) که خدا ازگروه فاسقان رضامند نمی‌شود. ﴿٩٧﴾ صحرانشینان در کفرو نفاق سخت تراند[1] وسزاوارترند به آنکه احکام شریعتی را که نازل کرده است خدا برپیامبر خود ندانند وخدا دانای درست کاراست. ﴿٩٨﴾ واز صحرانشینان کسی هست که تاوان می شمارد چیزی را که خرج می کند ودرحق شما مصائب را انتظارمی کشد برایشان باد مصیبتِ بد وخدا شنوای داناست. ﴿٩٩﴾ وازاعراب کسی هست که به خدا وروزآخر ایمان می آورد وچیزی را که خرج می کند (مایهٔ) قربت نزد خدا می شمارد ووسیلهٔ دعای نیك پیامبر، آ گاه باش هر آئینه وی ایشان را قربتست ایشان را خدا دررحمت خود داخل خواهد کرد بی گمان خداآمرزندهٔ مهربان است.

(۱) یعنی به نسبت اهل شهر.

﴿۱۰۰﴾ وسبقت کنندگان نخستین ازمهاجران وانصار وآنانکه پیروی ایشان به نیکوکاری کردند خدا ازیشان خوشنود شد وایشان (نیز) ازوی خوشنود شدند اوبرای ایشان بوستانهایی که زیرآنها جویها میرود آماده ساخت جاویدان در آنجاهمیشه، این پیروزی بزرگ است. ﴿۱۰۱﴾ وازآنانکه دور و بر شمایند ازاعراب منافقانند وبعضی ازاهل مدینه خوی نفاق دارند تو ایشان را نمی دانی ما ایشان را میدانیم ایشانرا دوبار عذاب خواهیم داد[1] سپس به سوی عذاب بزرگ بازگردانیده شوند. ﴿۱۰۲﴾ ودیگرانی هستند که به گناهشان اقرار کردند آمیخته‌اند عمل نیك را با عمل دیگرکه بَدَست، نزدیك است که خدا به رحمت برایشان متوجه شود هرآئینه خدا آمرزندهٔ مهربانست. ﴿۱۰۳﴾ ازاموال ایشان زکوٰت را بگیر تا ایشان را پاك سازی وایشان را به آن با برکت کنی وبرای ایشان دعای خیر کن هرآئینه دعای تو برای ایشان سبب آرامش است وخدا شنوای داناست. ﴿۱۰٤﴾ آیا ندانسته اند که خدا اوست که ازبندگان خود توبه قبول می کند وصدقات را میگیرد وآنکه خدااوست توبه پذیرندهٔ مهربان. ﴿۱۰٥﴾ وبگو عمل کنید پس زود خدا ورسول او ومومنان عمل شما را خواهد دید وبه سوی دانندهٔ پنهان وآشکار زود بازگردانیده خواهید شد پس شما را به آنچه می کردید خبرمیدهد. ﴿۱۰٦﴾ ودیگرانی هستندکه وا گذاشته موقوف داشته شده به فرمان خدایند یا که ایشان را عذاب دهد یا به رحمت متوجه شود برایشان وخدا دانای درست کاراست.

---

(۱) یعنی درمیان مسلمانان ذلیل شوند ودراموال واولاد آفات بینند.

﴿۱۰۷﴾ وازایشان آنانند که ساخته اند مسجدی برای زیان رسانیدن وبه جهت کفر وبرای تفرقه افکندن میان مسلمانان وکمین گاه ساختن برای آنانکه با خدا ورسول او پیش ازین جنگ کرده اند والبته سوگند می خورند که مگرخصلت نیك را نخواسته ایم وخدا گواهی میدهد که ایشان دروغگویانند[۱]. ﴿۱۰۸﴾ هرگز درآنجا مایست، هرآئینه مسجدی که بنیاد نهاده شده است برنیت تقوی ازروزاوّل بهترست که درآن بایستی، آنجامردانی اند که دوست میدارند که پاك شوند وخدا پاك شوندگان را دوست میدارد. ﴿۱۰۹﴾ آیا کسی که عمارت خودرا برترس ازخدا وخوشنودی او بنیاد نهاد بهترست یاآنکه بنیاد نهاده است عمارت خود را برکنارهٔ زمینِ رود خوردهٔ درحال افتادن پس باصاحب خود درآتش دوزخ افتاد وخدا گروه ستمکاران را راه نمی نماید[۲]. ﴿۱۱۰﴾ همیشه عمارت ایشان که بناکرده اند[۳] سبب شك دردلهای ایشان باشد مگرآنکه دلهای ایشان پاره پاره شود وخدا دانای درست کاراست. ﴿۱۱۱﴾ هرآئینه خدا ازمسلمانان جانهای ایشان ومالهای ایشان را خریده است به عوض آنکه ایشان را بهشت باشد، درراه خدا جنگ می کنند پس می کشند وکشته می شوند برخدا وعدهٔ لازمی است ثابت درتورات وانجیل وقرآن وکیست به عهدخویش از خدا وفاکنندهتر پس شادمان باشید به آن فروختن خود که به آن معامله کردید واین پیروزی بزرگ است.

(۱) مترجم گوید جماعتی ازمنافقان مسجدی ساخته بودند به نیت فاسد تاتفریق بین مسلمین و کمینگاه کافران باشد خدای تعالی به هدم آن امر فرمود والله اعلم.

(۲) عمارت ساختن بر اساس تقوی کنایت است ازاخلاص دراعمال وعمارت ساختن برکنارهٔ رودخورده کنایت ازریاوعُجب دراعمال والله اعلم.

(۳) یعنی مسجد ضرار.

﴿۱۱۲﴾ ایشان توبه کنندگانند، عبادت کنندگانند، حمد گویندگانند، درراه خدا، سفرکنندگانند رکوع وسجده کنندگانند، امرکنندگانند به کارپسندیده ومنع کنندگانند ازناپسندیده واحکام خدا را نگاه دارندگانند ومسلمانان را مژده دِه. ﴿۱۱۳﴾ پیامبررا و نه مسلمانان را روا نَبُوَد که برای مشرکان طلب آمرزش کنند اگر چه خویشاوند باشند بعدازآنکه ظاهر شد برایشان که آن گروه اهل دوزخ اند. ﴿۱۱٤﴾ وطلب آمرزش ابراهیم برای پدرخود نبود مگربه خاطر وعده ای که باوی کرده بود پس چون روشن شد برای ابراهیم که وی دشمن خداست از وی بیزار شد هرآئینه ابراهیم دردمند بُردباربود. ﴿۱۱٥﴾ وهرگز نیست که خداگمراه کند قومی را[1] بعد ازآنکه ایشان را هدایت نموده باشد تاآنکه واضح سازد برایشان آنچه از وی پرهیزکنند هرآئینه خدا بهر چیزداناست[2]. ﴿۱۱٦﴾ هرآئینه پادشاهی آسمان ها وزمین ازآنِ خداست زنده می کند و می میراند وشما را بجزوی هیچ کارسازی ویاری دهنده ای نیست. ﴿۱۱۷﴾ هرآئینه خدا برپیامبر وآن مهاجران وانصار که پیروی وی کردند دروقت تنگ دستی بعدازآنکه نزدیك بود که منحرف شود دلهای گروهی ازایشان به رحمت متوجه شد باز برایشان به رحمت متوجه شد هرآئینه وی برایشان بخشاینده ٔ مهربان است.

(۱) یعنی درحساب گمراهان نمی شمارد قومی را.
(۲) یعنی تاپیامبر نیا ید تبلیغ نکند معذوراند فتح.

﴿۱۱۸﴾ وبرآن سه(*) کس که موقوف داشته شدند تاآنکه برایشان زمین باوجود فراخی آن تنگ شد وبرایشان جانهای ایشان تنگ شد ودانستند که پناهی ازخدا مگر به سوی او نیست بازخدا برایشان به رحمت متوجه شد تاایشان رجوع کنند(۱) هرآئینه خدا توبه پذیرندهٔ مهربانست. ﴿۱۱۹﴾ ای مسلمانان ازخدا بترسید وباراست گویان باشید. ﴿۱۲۰﴾ اهل مدینه را وآنانراکه دوروبر ایشانند ازاعراب لایق نَبُوَد که ازهمراهیِ رسولِ خدا رغبت کنند بازپس مانند ونه آنکه درحفظ خویش رویگردانی کرده ازذاتِ رسول خدا این به سبب آنست که نمی رسد به ایشان تشنگی ونه رنج ونه گرسنگی درراهِ خدا ونِنهند گامی بر جایی که کافران را به خشم آورد وبه دست نمی آورند ازدشمن هیچ دست آوردی مگر برای ایشان نوشته شود به سبب آن عمل صالح هرآئینه خدا پاداش نیکوکاران را ضایع نمی کند. ﴿۱۲۱﴾ وخرج نمی کنند هیچ خرجی چه اندك وچه بسیار، وطی نمی کنند هیچ میدانی را مگر برای ایشان عمل صالح نوشته شود تاخدا ایشان را پاداش دهد پاداش نیکوترین آنچه می کردند. ﴿۱۲۲﴾ ومومنان را نشاید که(۲) همه یك جا برآیند پس چرا ازهر جمعی ازایشان چند کس بیرون نیاید تا دردین دانشمند شوند و تا قوم خودرا چون به سوی ایشان بازآیند بیم دهند بُوَد که ایشان بترسند(۳).

(*) وآن سه کس کعب بن مالك وهلال بن امية ومرارة بن ربيع رضي الله عنهم بودند قصهٔ تفصیلیشان در صحیح بخاري مذکور است به سورة توبه در کتاب تفسیر تحت آیه مذکوره مراجعه شود، مصحح.

(۱) یعنی به مقام قریب.

(۲) یعنی به طلب علم.

(۳) یعنی طلب علم دین فرض کفایه است.

﴿۱۲۳﴾ ای مسلمانان باآنانکه نزدیك شمایند ازکافران جنگ کنید وبایدکه کافران درشمادرشتی را بیابند وبدانید که خدا بامتقیان است. ﴿۱۲٤﴾ وچون سوره ای فرودآورده شود پس ازمنافقان کسی هست که می گوید درحق کدام یك ازشما این سوره ایمان را افزوده است امّااهل ایمان پس به تحقیق درحق ایشان ایمان را افزوده است وایشان شادمان می شوند. ﴿۱۲٥﴾ واما آنانکه دردلهای ایشان بیماریست پس درحق ایشان پلیدی را همراه پلیدی ایشان افزوده است ومُردند درحالیکه ایشان کافربودند. ﴿۱۲٦﴾ آیانمی بینند که ایشان درهرسال یك بار یا دوبار سزا داده می شوند[۱] بازتوبه نمی‌کنند ونه ایشان پندمی‌گیرند. ﴿۱۲۷﴾ وچون سوره ای فرود آورده شود[۲] بعض ایشان به بعضی باشرمندگی نظرکنند وگویدآیا هیچ کس شمارا می بیند؟ پس بازگردند[۳]، خدا دلهای ایشان را به سبب آنکه ایشان گروهی هستند که نمی دانند بازگردانیده است. ﴿۱۲۸﴾ ای مسلمانان به تحقیق به شما پیامبری ازخودتان آمده است دشوار است بروی رنج شما برهدایت شما حریص است به مسلمانان بخشاینده مهربان است. ﴿۱۲۹﴾ پس اگر بازگردند بگومراخدا بس است، هیچ معبود برحقی به جزوی نیست، بروی توکل کردم واوخداوندِ عرش بزرگ است[٤].

(۱) یعنی باامراض ومصائب.

(۲) یعنی سوره ای که دروی بیان نفاق ایشان باشد.

(۳) یعنی به خانه های خود.

(٤) یعنی چنانکه قادرست عرش رانگاه می دارد و ترا نیز ازشرِ کافران ومنافقان نگاه می دارد.

سوره یونس مکی است وآن یك صد
و نه آیه ویازده رکوع است

﴿۱﴾ الٓرٰ، این آیه های کتاب باحکمت است. ﴿۲﴾ آیا برای مردمان (جای) شگفتی است که به سوی مردی ازایشان وحی فرستادیم که مردمان را بترسان ومسلمانان را بشارت ده به آنکه ایشان نزد پروردگارشان پیشینهٔ راستین دارند، گفتند کافران هرآئینه این شخص جادوگر آشکاراست. ﴿۳﴾ هرآئینه پروردگار شما خدایی است که آسمان ها وزمین را درشش روز آفرید باز برعرش مستقرشد کاررا تدبیر می کند هیچ شفاعت کننده مگربعد از دستور وی نیست، این است خداپروردگار شماپس اورا بپرستید آیاپندنمی‌گیرید؟. ﴿٤﴾ رجوع همگی شما به سوی اوست وعده کرده است خدا وعدهٔ درست، هرآئینه وی آفرینش را آغاز می‌کند باز دوباره آنهارابرگرداند تاآنان را که ایمان آورده‌آند وکارهای شایسته کرده‌اند به انصاف پاداش دهد وآنانکه کافرشدند برایشان آشامیدنی ازآب گرم، وعذابی دردناك است به سبب آنکه کافربودند. ﴿٥﴾ اوآنست که خورشید را درخشنده وماه را روشن ساخت وبرای ماه منزل هارامعین کرد تا شمارسالهارا بدانید و تاحساب را بدانید خدای تعالی این را نیافریده است مگر به تدبیر درست نشانه ها را برای گروهی که میدانند بیان می کند. ﴿٦﴾ هرآئینه درآمد ورفت شب وروز ودرآنچه آفریده است خدا درآسمان ها وزمین نشانه ها است برای گروهی که پرهیزگاری می کنند.

﴿۷﴾ هرآئینه آنانکه امید ملاقات مارا ندارند وبه زندگانی دنیا خوشنود شده اند وبه آن آرام گرفته اند وآنانکه ازنشانه‌های ما بی خبراند. ﴿۸﴾ این جماعت جایگاهشان آتش است به سبب آنچه عمل می کردند. ﴿۹﴾ هرآئینه آنانکه ایمان آورده اند وکارهای شایسته کرده اند ایشان را پروردگار ایشان به پاداش ایمانِ ایشان (یعنی به مقامات نجات) هدایت کند، اززیرایشان جویهادربوستانهای نازو نعمت میرود. ﴿۱۰﴾ دعای ایشان درآنجا سبحانك اللّهم باشد یعنی پاکی توراست بارِ خدایاودعای خیر ایشان بایکدیگر سلام بُوَد و پایان دعای ایشان این است که حمد مخصوص خداست پرودگار جهانیان. ﴿۱۱﴾ و اگر خدای تعالی به مردمان سختی را زود می رسانید مانند آنکه نعمت را زود می طلبند در حق ایشان اجل ایشان به انجام رسانیده می شد پس می‌گذاریم آنان را که امید ملاقات ما را ندارند دربیراهیِ خویش سرگردان شده بمانند. ﴿۱۲﴾ وچون به آدمی رنج برسد دعاکند ببارگاه ما خفته برپهلوی خود یانشسته یا ایستاده پس آنگاه که ازوی رنج وی را برداشتیم چنان بگذردکه گویی مارا بدفع کردن رنجی که رسیدش نخوانده بود هم چنین آراسته کرده شد ازحد گذرندگان را آنچه می کردند. ﴿۱۳﴾ وهرآئینه اهل قرن ها را پیش ازشما هلاك کرده ایم چون ستم کردند درحالیکه برایشان پیامبران ایشان بانشانه های روشن آمدند وهرگز آمادهٔ آن نبودند که ایمان آورند هم چنین گروه گناه کاران را سزا می دهیم. ﴿۱٤﴾ باز شمارا در زمین پس ازایشان جانشین قراردادیم تاببینیم چگونه کار می کنید.

﴿۱۵﴾ و چون برایشان آیات واضح ما خوانده شود گویند آنانکه امیدملاقات ما را ندارند قرآنی غیرازاین بیار یااورا تغییر دِه[۱] بگومرا روا نَبُوَد که آن را از جانب خود تبدیل کنم پیروی نمی کنم مگر آنچه را که به سوی من وحی فرستاده شد هرآئینه من ا گر نافرمانی پروردگار خودکنم ازعذاب روز بزرگ می ترسم. ﴿۱٦﴾ بگو ا گر خدا می‌خواست آن رابرشما نمی خواندم وخدا شمارا به آن خبردار نمی کرد هرآئینه پیش ازاین در میان شما عمری گذرانده ام آیادرنمی یابید. ﴿۱۷﴾ پس کیست ستمکارتر ازکسی که برخدا دروغ را بربندد یا آیاتِ وی را دروغ انگارد هرآئینه (سخن اینست که) گناهکاران رستگار نمی شوند. ﴿۱۸﴾ ومی پرستند غیرازخدا چیزی را که ایشان را ضرر ندهد ونه به ایشان سود رساند ومی گویند ایشان نزد خدا شفاعت کنندگان ماهستند بگوآیا خدا را آ گاه می کنید به آنچه درآسمان ها و زمین نمی داند، پاکی وی راست وبرتراست ازآنکه شریك مقررمی کنند. ﴿۱۹﴾ ونَبُودند مردمان مگریك امت[۲] پس اختلاف کردند[۳] وا گر نمی بود کلمه ای که سابق از پروردگار تو صادر شده است میان ایشان درآنچه دراو اختلاف می ورزیدند فیصله کرده می شد. ﴿۲۰﴾ ومی گویند چرا براین پیامبر نشانه ای ازپروردگار وی فرو فرستاده نشده است بگوجزاین نیست که علم غیب فقط مخصوص خدا ست پس انتظار کنید هرآئینه من باشما ازمنتظرانم.

(۱) یعنی تاموافق عقاید باطله ایشان باشد.
(۲) یعنی برتوحید و ملت ابراهیمی.
(۳) یعنی به سبب عمرو بن لحی. که أوّلین کسی بود که بت پرستی را درعرب به راه انداخت.

﴿۲۱﴾ وچون مردمان را رحمتی پس ازسختی که رسیده بود به ایشان بچشانیم ناگهان ایشان را درنشانه های ما بداندیشی باشد[۱] بگوخدا در تدبیر کردن سریع تراست هرآئینه فرستادگان ما آنچه بداندیشی می کنید می نویسند[۲]. ﴿۲۲﴾ اوست آنکه شمارا درخشکی ودردریا روان می کند تاوقتیکه چون درکشتی ها باشید و کشتی ها باسواران خود ببادخوش روان شوند و ایشان به آن بادموافق شادمان شوند، ناگاه به آن کشتی ها بادی تُند برسد و به ایشان موج ازهرطرف بیاید وبدانند که ازهرجهت گرفتار گشتند دعاکنند ببارگاه خدا برای اوعبادت را خالص کرده که اگر مارا ازین بلا نجات دهی ازشکرگزاران باشیم. ﴿۲۳﴾ پس آنگاه که ایشان را نجات داد ناگهان ایشان درزمین به ناحق بیراهی می کنند ، ای مردمان جزاین نیست که بیراهی شمازیان برجان شمااست بهرهٔ زندگانی دنیارا یافتید، بازبه سوی ما بازگشت شمااست پس شمارا به آنچه می کردید باخبرسازم. ﴿۲٤﴾ جزاین نیست که مثالِ زندگانیِ دنیا مانند آبی است که ازآسمان فرودآوردیمش پس درهم آمیخت به سبب وی روییدگی زمین ازآنچه مردمان وچهار پایان می خورند تاوقتی که چون به دست آورد زمین پیرایه خودرا وآراسته شد وگمان کردند ساکنان آن زمین که ایشان برانتفاع ازآن توانایند ناگهان به زمین فرمان مادرشب یا درروز بیامد پس آن را مثل زراعت ازبیخ بریده گویا نبود دیروز گردانیدیم، همچنین نشانه ها را برای گروهی که اندیشه می کنند بیان می‌کنیم. ﴿۲٥﴾ وخدا به سوی سرای سلامتی می خواند وهرکه را بخواهد به سوی راه راست هدایت می کند.

(۱) یعنی به کفران نعمت.
(۲) مترجم گوید بعد ازآن خدای تعالی کیفیت مکر وکفرانِ نعمت را بیان میفرماید والله اعلم.

﴿۲٦﴾ آنان که نیکوکاری کردند برایشان بهشت و زیاده برآن باشد[۱] وچهره های ایشان را هیچ سیاهی نپوشد ونه هیچ خواری این جماعت اهل بهشت اندایشان درآنجاجاودانند. ﴿۲۷﴾ وآنان را که کردار های بد به عمل آوردند، جزای بدی مثل آنست وایشان را خواری بپوشد، ایشان رااز خدا هیچ پناه دهنده ای نباشد، گویا صورتهای ایشان به پاره هایی از شب تاريك پوشانیده شده است این جماعت اهل آتش اند ایشان درآنجاجاودانند. ﴿۲۸﴾ و ازروزیکه همگی ایشانرا یکجا برانگیزیم بترسید بازگوییم مشرکان را برجای خود، شما وشریکانتان بایستید پس میان ایشان جدایی اندازیم و می گویند شریکان ایشان که شمامارا نمی پرستیدید. ﴿۲۹﴾ پس خدا گواه میان ماومیان شما بس است هرآئینه ما ازپرستش شما بی خبر بودیم. ﴿۳۰﴾ آنجا هرشخصی آنچه را پیش فرستاده است، دریابد به‌سوی خدامالكِ حقیقی ایشان گردانیده شوند وگم شد ازایشان آنچه افترا می بستند. ﴿۳۱﴾ بگوچه‌کسی شمارا ازآسمان و زمین روزی می دهد، یاکیست که مالك گوش وچشمها باشد[۲] وکیست که بیرون آورد زنده را ازمرده وبیرون آورد مرده را اززنده[۳] وکیست که کاررا تدبیر می کند خواهند گفت آن خدا است پس بگو آیا نمیترسید وپرهیزگار نمیشوید. ﴿۳۲﴾ پس این خدا پروردگار برحق شما است پس چیست بعد از راستی مگرگمراهی پس چگونه بر گردانیده می شوید (ازعبادت خدا). ﴿۳۳﴾ هم چنین ثابت شد فرمان پروردگارتو بر فاسقان که ایشان ایمان نمی آورند.

(۱) یعنی رؤیت خدای تعالی.
(۲) یعنی خالق گوش وچشم باشد.
(۳) یعنی حیوان رااز نطفه ونطفه راازحیوان.

﴿٣٤﴾ بگوآیاهست ازشریکان شما کسی که آفرینش را آغازکند بازدوباره بازگرداندش
بگوخدا آفرینش را آغاز می‌کند بازدوباره بازگردانَدَش پس چگونه برگردانیده می شوید
(ازعبادت خدا). ﴿٣٥﴾ بگوآیاهست ازشریکان شما کسی که به سوی دین حق راه نماید؟
بگوخدا است که به سوی دین حق، راه می نماید پس کسی که راه می نماید به سوی حق
لایق تراست به آنکه پیروی کرده شود یاکسیکه خود راه نمی یابد مگرآنکه وی را راه
نموده شود پس شمارا چیست؟ چگونه حکم می کنید. ﴿٣٦﴾ و بیشتر ایشان مگرگمان را
پیروی نمی کنند هرآئینه گمان ازمعرفت حق چیزی را کفایت نمی‌کند هرآئینه خدا داناست
به آنچه می کنند. ﴿٣٧﴾ ونسزدکه این قرآن ازغیر خدا افتراء باشد ولیکن هست
باوردارندهٔ آنچه پیش ازوی است وبیان شریعتی است که برمردمان نوشته شد هیچ شبهه
ای درآن نیست از پروردگار جهانیان است. ﴿٣٨﴾ آیامی گویند آن را افترا بسته است
بگوپس سوره ای مانند آن بیارید و هرکه رامی توانید غیرازخدا بخوانید ا گر راست گو
هستید. ﴿٣٩﴾ بلکه آنان چیزی را تکذیب می کنند که اصلا آنرا نمی دانند وهنوز مصداق
وعدهٔ وی نیامده است هم چنین تکذیب کردند آنانکه پیش ازایشان بودند پس بنگر عاقبت
ستمکاران چگونه شد. ﴿٤٠﴾ وازایشان کسی هست که به آن ایمان می آورد وازایشان
کسی هست که به آن ایمان نمی آورد وپروردگارت به (حال) مفسدان داناتراست. ﴿٤١﴾
واگر تورا تکذیب کنند پس بگومرا عمل من است و شمارا عمل شما است شما بیزارید
ازآنچه من می کنم ومن بیزارم ازآنچه شمامی کنید. ﴿٤٢﴾ وازایشان کسی هست که به
سوی تو گوش فرامی دهد آیاتو کَران را می شنوانی اگرچه درنمی یابند.

﴿٤٣﴾ وازایشان کسی هست که به سوی تو می‌نگرد آیا تو کوران را راه می‌نمایی اگرچه نمی بینند[۱] . ﴿٤٤﴾ هرآئینه خدا برمردمان هیچ ستم نمی کند ولیکن مردمان برخویشتن ستم می کنند. ﴿٤٥﴾ وروزیکه خدا ایشانرا برانگیزد گویا که مگرساعتی از روز درنگ نکرده بودند بایك دیگر شناساباشند به تحقیق زیان کارشدند آنانکه ملاقات خدارا تکذیب کردند وراه یافتگان نبودند. ﴿٤٦﴾ واگر تورا بعض آنچه وعده می کنیم به ایشان بنماییم یابمیرانیم تورا (به هرحال) بازگشت ایشان به سوی ما است بازخدا آگاه است برآنچه می کنند. ﴿٤٧﴾ وهرامتی را پیامبری هست پس چون آمد پیامبر ایشان میان ایشان به انصاف فیصله کرده شود وبرایشان ستم کرده نشود[۲] . ﴿٤٨﴾ ومی گویند این وعده کَی باشد اگر راست گو هستید. ﴿٤٩﴾ بگو برای خود مالك زیانی نیستم ونه سودی مگر آنچه خداخواسته است هر گروهی رامیعادی هست چون میعادایشان بیاید پس تاخیر نکنند ساعتی ونه سبقت جویند. ﴿٥٠﴾ بگو آیادیده‌اید اگر به شماعذاب او شبانگاه یابه روز بیاید (به هرحال) چه چیزی را ازآن عذاب این گناه کاران به شتاب می طلبند. ﴿٥١﴾ باز وقتی که متحقق شود آیا به آن ایمان آورید آنگاه گفته شودآیااکنون ایمان آوردید وپیش ازین آن را به شتاب می طلبیدید[۳] . ﴿٥٢﴾ باز ستمکاران را گفته شود عذاب جاویدان را بچشید جزا داده نمی شوید مگر به آنچه شما می کردید. ﴿٥٣﴾ وتورا می پرسند آیا درست است این وعده بگوآری قسم به پروردگار من هرآئینه آن درست است وشماعاجز کننده نیستید.

(۱) یعنی ایشان مانند کران وکورانند.

(۲) یعنی رسل واتباع ایشان نجات یابندوکافران هلاك شوند.

(۳) یعنی به استهزاوتکذیب.

﴿۵٤﴾ واگر هرنفس ستم کننده را آنچه درزمین است باشدو البته آن را فدیه خود دهد ودرنفس خود پشیمانی دارند هنگامیکه عذاب را ببینند و میان ایشان به عدل فیصله کرده می شود وبرایشان ستم کرده نمی شود. ﴿۵۵﴾ آ گاه باش هرآئینه خدای راست آنچه درآسمان‌هاوزمین است، آ گاه باش هرآئینه وعدهٔ خداراست است ولیکن بیشترین ایشان نمی دانند. ﴿۵٦﴾ او زنده می کند ومی میراند وبه سوی وی بازگردانیده شوید. ﴿۵۷﴾ ای مردمان برای شما پندی ازپروردگار شما آمده است وشفایی برای آن (مرضی) که درسینه ها است ورهنمود وبخشایشی برای مسلمانان. ﴿۵۸﴾ بگوبه فضل خدا وبه رحمت او به این چیزهاباید که شادمان شوند، آن بهتر است ازآنچه جمع می کنند. ﴿۵۹﴾ بگوآیادیدید چیزی را که خدابرای شما ازجنس روزی فرودآورده است پس بعض آن راحرام وبعض آن را حلال قراردادید بگو آیاخدا شما را اجازه داده است یابرخدا دروغ می بندید. ﴿٦۰﴾ وچیست گمان آنانکه برخدا دروغ افترامی بندند به روزقیامت[۱] هرآئینه خدا برمردمان صاحب فضل است ولیکن بیشتر ایشان سپاسگزاری نمی کنند. ﴿٦۱﴾ ودرهیچ شغلی نمی باشی ونمی خوانی هیچ آیتی را که ازطرف خدا آمده وهیچ کاری نمی کنید مگر برشما گواه هستیم چون درآن کار درمی آیید وپوشیده نمی ماند برپروردگار تو هم وزن ذره ای درزمین ونه درآسمان ونه کُوچکتر ازآن و نه بزرگ تر مگر درکتاب روشن نوشته شده است.

(۱) یعنی خدابه ایشان چه خواهد کرد در روز قیامت.

﴿٦٢﴾ آگاه باش هرآئینه دوستان خدا هیچ ترسی برایشان نیست ونه ایشان اندوهگین شوند. ﴿٦٣﴾ آنانکه ایمان آورده اند ومی ترسِیدند. ﴿٦٤﴾ برای ایشان درزندگانیِ دنیا[1] ودرآخرت بشارت، است هیچ تبدیلی سخنان خدارا نیست این بشارت همانست پیروزی بزرگ. ﴿٦٥﴾ و سخن ایشان تورا غمگین نکند هرآئینه همگی غلبه برای خداست او شنوای دانا است. ﴿٦٦﴾ آگاه باش هرآئینه خداراست هرکه درآسمان هاست وهرکه درزمین است و آنانکه غیرازخدا شریکان را پرستش می کنند به حقیقت مگروهم وگمان را پیروی نمی کنند ومگر دروغ گو نیستند. ﴿٦٧﴾ اوست آنکه برای شما شب را ساخت تا درآن آرام گیرید وروز را روشن ساخت هرآئینه درین نشانه هاست گروهی را که می شنوند. ﴿٦٨﴾ کافران گفتند خدا فرزندگرفته است پاکی اوراست اوست بی نیاز، اوراست آنچه درآسمان هاست وآنچه درزمین است نزد شما هیچ حجتی برین نیست آیا می گویید برخدا آنچه راکه نمی دانید. ﴿٦٩﴾ بگوهرآئینه آنانکه برخدا دروغ را برمی بندند رستگار نمی شوند. ﴿٧٠﴾ ایشان را بهره مندی دردنیا باشد، دوباره بازگشت ایشان به سوی ماast پس ایشان را عذاب سخت بچشانیم به سب آنکه کفرمی ورزیدند.

(١) یعنی به رؤیا صالحه و بشارت.

﴿۷۱﴾ وخبرنوح را برایشان بخوان چون به قوم خود گفت ای قوم من اگر قیام من وپند دادن من به آیه های خدا برشما دشوار شده باشد پس برخدا توکل کردم پس درکار خود همراه شریکان خویش عزیمت درست کنید پس نباشد کارشماپوشیده برشما سپس بر من حمله برید ومرا مهلت مدهید. ﴿۷۲﴾ پس اگر اعراض کردید[۱] پس ازشما هیچ مزدی نخواسته بودم نیست پاداش من مگربرخدا ومرا فرموده شد که ازمسلمانان باشم. ﴿۷۳﴾ پس تکذیبش کردند، سپس اورا وآنان را که باوی بودند درکشتی نجات دادیم وایشان را جانشین گردانیدیم وکسانی را که آیاتِ مارا تکذیب کردند غرق کردیم پس بنگر آخرکار بیم کرده شدگان چگونه شد. ﴿۷٤﴾ باز بعد نوح پیامبران را به سوی قوم ایشان فرستادیم پس پیش ایشان نشانه های روشن را آوردند پس هرگز مستعد آن نبودند که ایمان آورند به آنچه آن را پیش ازین تکذیب کرده بودند هم چنین بردل های ازحد گذرندگان مُهرمی نهیم. ﴿۷۵﴾ باز بعدازایشان موسیٰ وهارون را به سوی فرعون وقوم او بانشانه های خویش فرستادیم پس تکبر کردند وقومی گناهکار بودند. ﴿۷٦﴾ پس چون به ایشان سخن درست ازنزدِ ما آمد گفتند هرآئینه این سِحرِ ظاهر است. ﴿۷۷﴾ موسیٰ گفت آیا سخن درست را چنین می گویید چون به شما بیامد آیااین سحراست، وساحران رستگارنمی شوند. ﴿۷۸﴾ گفتند آیا پیش ما آمده ای تا مارا ازدینی که برآن پدران خودرا یافتیم باز داری وتا شمارا ریاست درزمین باشد وما باوردارنده شما نیستیم.

(۱) یعنی ازگفته من چه زیان.

﴿۷۹﴾ وفرعون گفت پیش من هرساحر بسیار دانارا بیارید. ﴿۸۰﴾ پس وقتی که ساحران آمدند موسیٰ ایشان را گفت بافکنید آنچه شما افکننده اید. ﴿۸۱﴾ پس چون افکندند گفت موسیٰ آنچه آورده اید سحراست هرآئینه خدا آن را باطل خواهد ساخت هرآئینه خدا کارمفسدان را راست نمی آرد. ﴿۸۲﴾ وخدا سخن درست را به فرمان خود ثابت خواهد کرد ا گرچه گناهکاران ناپسند دارند. ﴿۸۳﴾ پس به موسیٰ ایمان نیاوردند مگرجماعتی ازقوم وی باترس ازفرعون واشراف ایشان که ایشان را عقوبت کند وهرآئینه فرعون درآن سرزمین سرکشی بود وهرآئینه وی ازحدگذرندگان بود. ﴿۸٤﴾ وموسیٰ گفت ای قوم من ا گر به خدا ایمان آورده اید پس بروَی توکل کنید ا گر مسلمان هستید. ﴿۸۵﴾ پس گفتند برخدا توکل کردیم، ای پروردگار ما مارا لگدکوب قوم ستمکاران مکن. ﴿۸٦﴾ ومارا به رحمت خود ازگروه کافران نجات دِه. ﴿۸۷﴾ وبه سوی موسیٰ و برادر او وحی فرستادیم که برای قوم خود در شهر مصر خانه ها بگیرید وخانه های خود را جای نماز قراردهید(۱) ونمازرا برپادارید ومومنان را بشارت دِه. ﴿۸۸﴾ وموسیٰ گفت ای پروردگارما هرآئینه تو فرعون وسرانش (قبیلهٔ اش) را زینت ومال های بسیار درزندگانی دنیا داده ای ای پروردگارما تا عالم را از راهِ تو گمراه کنند ای پروردگارما مالهای ایشان را ازبینِ بِبر وبر دلهای ایشان مُهر بزَن که ایمان نیارند تازمانیکه عذاب درد ناك را ببینند.

(۱) یعنی مساجد البیت بناکنید.

﴿۸۹﴾ گفت خداهرآئینه دعای شما قبول کرده شد پس ثابت باشید وراه جاهلان را پیروی مکنید. ﴿۹۰﴾ واولاد یعقوب را ازدریا گذرانیدیم پس فرعون ولشکراو از راه ستم وتعدی درپَی ایشان شدند تاوقتی که چون سختي غرق به او رسید گفت باورداشتم که نیست هیچ معبود برحقی مگر آنکه به وی بنی اسرائیل ایمان آورده است ومن ازمسلمانانم. ﴿۹۱﴾ گفته شد آیا اکنون ایمان می آوری وبه تحقیق که پیش ازاین نافرمانی کرده بودی وازمفسدان بودی. ﴿۹۲﴾ پس امروز بَدَنَت را نجات دهیم[1] (به همان جسد تویعنی به غیر تغییر) تا نشانه ای برای آنان باشی که پس ازتوآیند وهرآئینه بسیاری از مردمان ازنشانه های ما بی خبراند. ﴿۹۳﴾ هرآئینه بنی اسرائیل را به مقام نیك جای دادیم وایشان را ازپاکیزه ها روزی دادیم پس اختلاف نکردند تاآنکه به ایشان دانش آمد (یعنی قرآن) هرآئینه پروردگار تو میان ایشان روزقیامت درآنچه اختلاف می‌کردند حکم می‌کند. ﴿۹٤﴾ پس اگر درشكّی ازآنچه به سوی تو فروفرستادیم پس بپرس آنان را که کتاب راپیش ازتو می‌خواندند[2] هرآئینه پیش توحی درست از پروردگار تو آمده است پس هرگز ازشك آورندگان مباش. ﴿۹٥﴾ وهرگز ازآنانکه آیاتِ خدارا تکذیب کردند مباش، آنگاه اززیان کاران شوی. ﴿۹٦﴾ هرآئینه آنانکه برایشان حکم پروردگارتو ثابت شد ایمان نیاورند. ﴿۹۷﴾ اگرچه به ایشان هرنشانه‌ای بیاید تاآنکه عذاب دردناك ببینند.

(۱) یعنی به روی آب آریم تورا.
(۲) یعنی تاظاهر شود که برانبیای سابق نیزوحی نازل میشد والله اعلم.

﴿۹۸﴾ پس چرانَبُود دِهی که ایمان آورد[1] پس ایمان وی سود دَهدَش مگرقوم یونس چون ایمان آوردند ازایشان عقوبت رسوایی را درزندگانی دنیا برداشتیم وایشان راتامدتی بهره مند ساختیم. ﴿۹۹﴾ وا گر پروردگارتو می‌خواست کُلاًّ همگی آنانکه درزمین اند ایمان می آوردند آیاتو مردمان را اجبارتوانی کرد تامسلمان شوند. ﴿۱۰۰﴾ وهیچ شخصی را روا نَبُوَد که ایمان آورد مگربخواست خدا وپلیدی را برآنانکه در نمی‌یابند می‌اندازد. ﴿۱۰۱﴾ بگو ببینید چه چیز درآسمان ها وزمین است ونشانه ها ونیز ترسانندگان فایده نمی دهند گروهی را که باورنمی کنند. ﴿۱۰۲﴾ پس انتظارنمی کشند مگرمانند مصیبت های آنانکه پیش ازایشان گذشتند بگو انتظار بکشید هرآئینه من نیزباشما ازمنتظرانم. ﴿۱۰۳﴾ باز پیامبران خودرا وآنان را که ایمان آورده‌اند نجات می دهیم همچنین برما لازم است که مومنان را نجات دهیم. ﴿۱۰٤﴾ بگوای مردمان ا گر ازدین من درشبهه هستید پس آنان را که شما غیر ازخدا می پرستید نمی پرستم ولیکن آن خدارا عبادت می کنم که قبض ارواح شما می کند ومرا فرموده شد که ازمسلمانان باشم. ﴿۱۰۵﴾ وفرموده شدآنکه روی خود را برای دین حنیف راست کن وهر گز ازمشرکان مباش. ﴿۱۰٦﴾ وبجزخداچیزی را که تورا سود نمی دهد و به تو زیان نمی رساند مخوان پس ا گرچنین کنی آنگاه ازستمکاران باشی.

(۱) یعنی نزدیك نزول عذاب.

﴿۱۰۷﴾ وا گر خدا به تورنجی برساند پس نیست آن را بردارنده مگر او وا گر درحق تونعمتی خواهد پس فضل اورا هیچ برگرداننده ای نیست، میرساندش به هرکه ازبندگان خود می خواهد واو آمرزندهٔ مهربان است. ﴿۱۰۸﴾ بگوای مردمان به تحقیق به شماوحی راست از پروردگار شما آمده است پس هرکه راه یافت جزاین نیست که برای خودش راه یابد وهرکه گمراه شد جزاین نیست که به زیان خود گمراه می شود ومن برشما نگهبان نیستم. ﴿۱۰۹﴾ و(یا محمد) آنچه را که به تو وحی می شود پیروی کن وشکیبایی کن تا آنکه خدا حکم کند واو بهترین حکم کنندگان است.

سوره هود مكي است وآن يك صدو بيست وسه آيه وده ركوع است

﴿۱﴾ اَلَرٰ. این کتابیست که آیاتِ او استوارکرده شد بازواضح کرده شده، ازنزد خدای درست کارِ آگاه آمده است. ﴿۲﴾ (به آن مضمون که پیامبرگوید) مگر خدارا عبادت نکنید هرآئینه من برای شما ازجانب او بیم کننده وبشارت دهنده ام. ﴿۳﴾ وآنکه ازپروردگار خود آمرزش طلب کنید، باز به سوی وی رجوع کنید تاشمارا به بهرهٔ نیك تامیعاد معلوم بهره مند سازد وتا هرصاحب بزرگی را جزای بزرگی او بدهد وا گر رویگردان شوید پس هرآئینه من برشما ازعذاب روز بزرگ می ترسم. ﴿٤﴾ به سوی خداست بازگشت شما واو برهرچیز تواناست. ﴿٥﴾ آ گاه باش این کافران سینه های خودرا می پیچند[۱] می‌خواهند که ازخدا پنهان شوند آ گاه باش چون برسر می‌کنند جامه های خودرا میداند آنچه پنهان می دارند وآنچه آشکار می کنند هرآئینه اوداناست به رازیکه در سینه هاست[۲].

---

(۱) یعنی اعراض می کنند.

(۲) مترجم گوید میتوان گفت پیچیدن سینه عبارت ازآنست که کسی فکرهای ناصواب کند وبه شبهات واهیه دل خودرا اطمینان دهد وعقاید حقه را فراموش سازد زیرا که صدراینجا به معنی علومِ صدرآمده است.

﴿٦﴾ ونیست هیچ جنبنده درزمین مگر روزی او برخداست و جای ماندن اورا وجای نگاهداشتن اورا می داند هریك درکتاب روشن است[١]. ﴿٧﴾ واوست آنکه آسمان ها وزمین را درشش روز آفرید وعرش او برآب بود (آخرکار آفریدن شماآنکه) تا بیازماید شما را که کدام یك ازشما ازجهت عمل نیکوتراست و اگر بگویی که هرآئینه شما بعدازموت برانگیخته شوید البته کافران گویند این سخن مگر جادویی ظاهر نیست. ﴿٨﴾ و اگر ازایشان عذاب را تامدتی شمرده شده بازداریم البته گویند چه چیز آنرا باز می دارد آگاه باش روزیکه به ایشان بیاید نباشد ازایشان بازداشته شده و آنچه به آن استهزا می کردند ایشان را فراگیرد. ﴿٩﴾ وا گر آدمی را نعمتی ازنزد خود بچشانیم باز آن را ازوی برگیریم هرآئینه وی ناامید وناسپاس است. ﴿١٠﴾ و اگر آدمی را رفاهیتی بعد ازسختی که رسیده باشد به وَی بچشانیم البته گوید سختی ها ازمن برفتند هرآئینه وی شادمان وخودستاینده است. ﴿١١﴾ مگر آنانکه شکیبایی نمودند وکارهای شایسته کردند آن جماعت ایشان را آمرزش وپاداش بزرگ است. ﴿١٢﴾ پس شاید تو بعض آنچه را که وحی فرستاده می شود به سوی توترك کنی وبه آن سینه توتنگ گردد[٢] ازجهت آنکه می گویند چرا بروی گنجی فرو آورده نشد یاچرا همراه اوفرشته نیامد جزاین نیست که توبیم کننده ای وخدا برهر چیز نگهبان است.

---

(١) یعنی درلوح محفوظ نوشته مترجم گوید مستودع جایی است که به غیر اختیار اوآنجا نگاهداشته بودندمانند صُلب ورَحِم ومستقر جای است که به اختیار خود می ماند مثل خانه.

(٢) یعنی ترك مکن ودلتنگ مشو.

﴿۱۳﴾ آیامی گویند (قرآن را) افترا بسته است بگوپس ده سوره را مانند این بربافته بیارید و هرکس را توانید غیراز خدا بخوانید ا گر راست گوهستید[۱]. ﴿۱٤﴾ پس ا گر آن کافران سخن شما را قبول نکنند پس بدانید که قرآن به علم خدا نازل کرده شده است وبدانید که هیچ معبود برحقی مگروی نیست پس آیا شما مسلمان هستید[۲]. ﴿۱٥﴾ هرکه زندگانی دنیا وتجمل آن را خواسته باشد به سوی این جماعت جزای اعمال ایشانرا دراینجا به تمام رسانیم وایشان درینجا نقصان داده نشوند[۳]. ﴿۱٦﴾ این جماعت آنانند که ایشان را درآخرت مگر آتش نیست و درآخرت باطل شد آنچه کرده بودند ونابودست آنچه به عمل می آوردند. ﴿۱۷﴾ آیاکسی که بر حجتی ازجانب پروردگارخود باشد[٤] ودنبال وی گواهی ازجانب پروردگار او می[٥] آید وپیش ازقرآن گواه وی کتاب موسیٰ بود پیشوایی وبخشایشی (مثل دیگران باشد) این جماعت به قرآن ایمان می آورند و هرکه ازگروه ها به آن کافرشد پس آتش وعده گاه اوست پس از نزولِ قرآن درشبهه مباش هرآئینه وی درست است، ازپروردگار تو آمده ولیکن بیشتر مردمان ایمان نمی آورند. ﴿۱۸﴾ وکیست ستمکارتر ازکسی که برخدا دروغی را بربست این جماعت پیش پروردگار خویش آورده می شوند و می گویند گواهان[٦] ایشانند آنانکه برپروردگار خویش دروغ بستند آگاه باش لعنت خدا برستمکاران است. ﴿۱۹﴾ آنانکه مردمان را ازراهِ خدا بازمی دارند و برای آن راه کجی را میخواهند وایشان به آخرت کافراند.

(۱) مترجم گوید نخست به دَه سوره تحدّی واقع شدوچون ازآن عاجز شدند بیك سوره تحدّی فرمود.
(۲) یعنی براسلام ثابت باشید.
(۳) یعنی ثواب صدقه وصلهٔ رحم که ازکفار به وجود می آید اجرآن در دنیا داده میشوند بتوسیع رزق وصحت بدن.
(٤) یعنی دلیلی عقلی.
(٥) یعنی قرآن.
(٦) یعنی کرامًا کاتبین.

﴿۲۰﴾ این جماعت عاجز کننده درزمین نباشند و ایشان را جز خدا از دوستان نباشد، برای ایشان عذاب دوچند کرده شود شنیدن نمی توانستند (یعنی به سبب شدت ناخوشی) و نمی دیدند[1]. ﴿۲۱﴾ این جماعت آنانند که درحق خویش زیان کردند وازایشان آنچه برمی بافتند گم شد. ﴿۲۲﴾ بیشك این جماعت درآخرت ایشان زیانکارترند. ﴿۲۳﴾ هرآئینه آنانکه ایمان آوردند وعمل های شایسته کردند و توجه کنان به سوی پروردگار خویش فروتنی کردند ایشان اهل بهشت اند ایشان درآنجا جاویدانند. ﴿۲٤﴾ مثال این دوفریق مانندکور وکر وبینا وشنوااست آیا هردو درصفت برابرند آیا پند نمی گیرید؟. ﴿۲۵﴾ وهرآئینه نوح رابه سوی قوم او فرستادیم گفت هرآئینه من برای شما بیم دهندهٔ آشکارم. ﴿۲٦﴾ (به این مضمون) که مگر خدا را مپرستید هرآئینه من ازعذاب روزدردناك برشما می ترسم. ﴿۲۷﴾ پس جماعتی که ازقوم او کافربودند گفتند تورا نمی بینیم مگر آدمی مانند خویش، ونمی بینیم که پیروی توکرده باشند به تأمل سرسری مگر آنانکه ایشان پست ترین های مایند وبرای شما هیچ بزرگی برخود نمی بینیم بلکه شما را دروغگو می پنداریم. ﴿۲۸﴾ گفت ای قوم من مرا خبردهید بدانکه اگر باشم برحجتی از پروردگار خود و به من بخشایشی ازنزد خود داده باشد پس حقیقت آن برشما پوشانیده شد آیا شمارا برآن اجبار کنیم وشماناخواهان آن باشید؟.

(۱) مترجم گوید ومیتوان گفت که همزهٔ استفهام انکاری محذوف است یعنی آیا نمی توانستند وآیانمی دیدند.

﴿٢٩﴾ و ای قوم من، ازشما براین پیام رسانیدن مالی را طلب نمی کنم، نیست پاداش من مگر بر خدا و طرد کنندهٔ مسلمانان (یعنی ازصحبت خود) نیستم هرآئینه ایشان با پروردگار خویش ملاقات کنندگانند ولی من شما را قومی نادان می بینم. ﴿٣٠﴾ وای قومِ من چه کسی مرا ازعقوبت خدا نصرت دهد اگر ایشان را برانم آیا پند نمی پذیرید؟. ﴿٣١﴾ ونمی گویم به شما که خزانه‌های خدا نزد من است ونه آنکه غیب را میدانم ونمی گویم که من فرشته ام ونمی گویم آنان را که به دیده خواری به ایشان بچشمهایتان مي‌نگرید که خدا هیچ نعمتی به ایشان نخواهد داد خدا داناتراست به آنچه دردل های ایشان است هرآئینه من آنگاه ازستم کاران باشم. ﴿٣٢﴾ گفتند ای نوح با ما مجادله کردی پس ما را بسیار مجادله کردی پس بیارآنچه وعده می کنی اگر از راست گویان هستی. ﴿٣٣﴾ گفت جزاین نیست که آن را خدا ا گر به شما خواهد می‌آورد وشماعاجز کننده نیستید. ﴿٣٤﴾ و نصیحت من شما را سود نمی دهد ا گر خواهم که شما را نصیحت کنم اگر خدا خواسته باشد که شما را گمراه کند اوست پروردگار شما وبه سوی اوبازگردانیده می شوید. ﴿٣٥﴾ (یا محمد) آیامی گویند قرآن را افترا بسته است بگو اگر قرآن را افترابسته ام پس برمن است گناه من ومن ازگناهی که می کنید بیزارم[1]. ﴿٣٦﴾ وبه سوی نوح وحی فرستاده شد که ایمان نخواهد آورد ازقوم تو مگرآنانکه ایمان آورده اند پس اندوه مخور به آنچه می کردند. ﴿٣٧﴾ و کشتی را بدیدگاه ما وبه فرمانِ ما بساز وسخن مگو بامن در بارهٔ آنانکه ستم کردند هرآئینه ایشان غرق شدگانند.

---

(١) مترجم گوید این جمله اضافه کرده شددر وسط قصه قوم نوح تا تنبیه باشد بر تطبیق حال مشرکین مکه باحال قوم حضرت نوح والله اعلم.

﴿۳۸﴾ و نوح کشتی را می ساخت وهرگاه که برآن کشتی جماعتی ازقوم او می گذشت باوی تمسخر میکردند، گفت اگر ما را مسخره می کنید پس هرآئینه ما شمارا مسخره خواهیم کرد چنانکه شما مسخره می کنید. ﴿۳۹﴾ پس خواهید دانست کسی را که بیایدش عذابی که رسوا کندش وبروی عقوبتی دایم فرود آید. ﴿٤۰﴾ (درهمین معامله بود) تاوقتیکه فرمان ما آمد وتنور بجوشید گفتیم درکشتی ازهرجنسی دوتن (نروماده) را بردار واهل خود را مگرآنکه قضا بروی سبقت کرده است بردار[۱] ومسلمانان را بردار، وایمان نیاوردند باوی مگراندکی. ﴿٤۱﴾ وگفت (نوح) درکشتی سوار شوید، روان شدن آن وایستادن آن به نام خداست هر آئینه پروردگار من آمرزندهٔ مهربانست. ﴿٤۲﴾ وآن کشتی ایشان را درموجی مانند کوه ها می بُرد ونوح پسر خودرا درحالیکه اودرکناره ای بود آواز داد ای پسرك من با ما سوارشو و با کافران مباش. ﴿٤۳﴾ گفت به سوی کوهی که نگاه دارد مرا ازآب پناه خواهم گرفت نوح گفت امروز از عذاب خدا هیچ نگاه دارنده ای‌نیست مگر آنکه خدا بروی رحم کرده است وحایل شد موج میان ایشان پس ازغرق شدگان شد. ﴿٤٤﴾ وگفته شد ای زمین آب خود را فروبر وای آسمان بازمان[۲] وآب کم کرده شد وکار به انجام رسانیده شد و کشتی برکوه جودی قرارگرفت وگفته شد قوم ستمکاران را هلاکت باد. ﴿٤٥﴾ و نوح پروردگار خود را آوازداد پس گفت ای پروردگار من هرآئینه پسر من ازاهل من است وهرآئینه وعدهٔ توراست است وتوبهترین حکم کنندگانی.

(۱) یعنی زن نوح وکنعان پسر نوح.
(۲) یعنی ازباران.

﴿٤٦﴾ گفت ای نوح هرآئینه وی ازاهل تو نیست هر آئینه او کاری ناشایسته است پس تو
مرا ازچیزی که تورا به آن دانش نیست سوال مکن هرآئینه من تورا برای احتراز ازآنکه
باشی ازجاهلان پند میدهم. ﴿٤٧﴾ گفت ای پروردگار من، هرآئینه من به تو پناه می برم
ازآنکه ازتوبخواهم آنچه راکه مرابه آن دانش نیست واگر مرا نیامرزی و برمن رحمت نکنی
از زیان کاران باشم. ﴿٤٨﴾ گفته شد ای نوح به سلامتی ازجانب ما فرود بیا وهمراه
برکت های فرود آمده برتوو برامت‌هایی که ازهمراهان تو پیدا شوند وامت هایی دیگرکه
ایشان را دردنیا بهره مند می‌سازیم باز به ایشان ازجانب ماعذابی دردناك برسد. ﴿٤٩﴾
این قصه ازاخبار غیب است آن را به سوی تووحی میفرستیم آن را تو نمی دانستی ونه قوم
تو پیش ازین می دانستند پس صبرکن هرآئینه سرانجام (نیك) برای پرهیزگاران است.
﴿٥٠﴾ و به سوی عاد برادر ایشان هود را فرستادیم گفت ای قوم من خدا را عبادت کنید
شمارا هیچ معبود برحقی بجزوی نیست شما مگر افتراء کننده نیستید. ﴿٥١﴾ ای قوم من
ازشما براین پیغام مزدی را نمی طلبم، نیست پاداش من مگر برکسیکه مرا آفریده است آیا
درنمی یابید. ﴿٥٢﴾ وای قوم من از پروردگار خود آمرزش طلبید باز به سوی او رجوع
کنید تا باران را برشما ریزان بفرستد و شمارا قوتی همراه قوتِ شما بیفزاید وگناهکارانه
روی برمتابید. ﴿٥٣﴾ گفتند ای هود دلیلی برایمان نیاوردی ونیستیم ما ترك کننده
معبودانمان بگفتهٔ تو و ماتورا باوردارنده نیستیم.

﴿٥٤﴾ نمی گوییم مگرآنکه بعض معبودان ما به تو ضرری رسانیده اند، گفت هرآئینه من خدارا گواه می سازم وشماگواه باشید که من ازآنچه شما شریك می گیرید بری ام. ﴿٥٥﴾ بجز وی بیزارم پس همگی درحق من توطئه کنید باز مرا مهلت مدهید. ﴿٥٦﴾ هرآئینه من برخدا پروردگار من وپروردگارشما توکل کردم، هیچ جنبنده ای نیست مگر به پیشانی او خدا گیرنده است[۱] هرآئینه پروردگارمن برراه راست است[۲]. ﴿٥٧﴾ پس اگر رویگردان شوید ضرری به من نمی رسد هرآئینه به شما پیامی را که همراه آن به سوی شما فرستاده شدم رسانیدم وپروردگار من قومی را غیراز شما جانشین سازد وخدا را هیچ زیان نتوانید رسانید هرآئینه پروردگار من برهمه چیزنگهبان است. ﴿٥٨﴾ وچون عذاب ما آمد هود وآنان را که ایمان آورده اند باوی به رحمتی ازجانب خود نجات دادیم و ایشان راازعقوبتِ سخت برهانیدیم. ﴿٥٩﴾ واین است سرگذشت، عاد آیات پروردگار خود را انکار کردند وپیامبران اورا نافرمانی نمودند وفرمان هرسرکش ستیزنده را پیروی کردند. ﴿٦٠﴾ وازپیِ ایشان دراین دنیا وروزقیامت نیز لعنتی فرستاده شد، آگاه باش هرآئینه عاد به پروردگار خود کافرشدند آگاه باش نفرین باد عاد را که قوم هود بودند. ﴿٦١﴾ و به سوی ثمود برادرایشان صالح را فرستادیم گفت ای قوم من خدا را عبادت کنید شما را هیچ معبود برحقی بجزوی نیست او شما را اززمین پیداکرد[۳] و شما را درزمین ساکن گردانید پس ازوی طلب آمرزش کنید باز به سوی او رجوع کنید هرآئینه پروردگار من نزدیك است پذیرندهٔ دعاست. ﴿٦٢﴾ گفتند ای صالح تودرمیان ما پیش ازین مورد امیدداشته شده بودی آیامنع می کنی ما را ازآنکه عبادت کنیم معبودانی را که پدران ما عبادت میکردند وهرآئینه ما درشبهه قوی هستیم ازآنچه ما را به سوی آن میخوانی.

---

(۱) یعنی مالك اوست.

(۲) یعنی حکیم است.

(۳) یعنی آفریدپدرومادر شما آدم وحوا راازخاك که شما ازنسل آنهایید.

﴿٦٣﴾ گفت ای قوم من آیا دیدید ا گر برحجتی ازپروردگار خود باشم وبه من ازجانب خود بخشایشی عطا کرده باشد پس کیست که مرا ازعقوبتِ خدا اگر نافرمانی اوکنم نصرت دهد پس درحق من مگر زیان کاری را نمی افزایید. ﴿٦٤﴾ وای قوم من این ماده شتری است که خدا برای شما نشانه ای فرستاده است پس بگذاریدش تا در زمین خدا بخورد و به وی هیچ ضرری مرسانید که آنگاه شمارا عقوبتی نزدیك بگیرد. ﴿٦٥﴾ پس آن را پَی زدند پس صالح گفت درسرای خود سه روز بهره مند باشید این وعده ای است که دروغی درآن نیست. ﴿٦٦﴾ پس وقتی که فرمان ما آمد صالح وآنان را که ایمان آوردند همراه وی به بخشایشی ازجانب خود نجات دادیم و ازرسواییِ آن روز رهانیدیم، هرآئینه پروردگارتو، او توانای غالب است. ﴿٦٧﴾ و ستمکاران را آواز (عذاب) سخت در گرفت پس درسراهای خود مرده هایی برروی هم افتاده، صبح کردند. ﴿٦٨﴾ گویا هرگز آن جا نبودند، آ گاه باش هرآئینه ثمود پرورگار خود را انکارکردند هرآئینه ثمود را دوری باد. ﴿٦٩﴾ هرآئینه فرستاد گان ما پیش ابراهیم به بشارت آمدند، سلام گفتند ابراهیم جواب سلام داد پس درنگ نکرد درآنکه گوساله ای بریان آورد. ﴿٧٠﴾ پس چون دیدکه دستهای ایشان به آن نمی‌رسد به آنان (گمان) بدبرد وازایشان ترسی به خاطرآورد گفتند مترس هرآئینه ما به سوی قوم لوط فرستاده شده ایم. ﴿٧١﴾ وزن ابراهیم ایستاده بود پس بخندید[1] پس بتولد اسحاق وبعداز اسحاق ازنسلش به یعقوب اورا مژده دادیم.

(۱) مترجم گوید یعنی به سبب خوش وقتی ازهلاك قوم لوط.

﴿۷۲﴾ گفت ای وای برمن آیاخواهم زاد ومن پیرم واین شوهر من کهنسال شده است هرآئینه این چیزی عجیب است. ﴿۷۳﴾ فرشتگان گفتند آیا ازقدرتِ خدا تعجب می کنی، ای اهل این خانه بخشایش خدا و برکات اوبرشما باد هرآئینه خدا ستوده شدهٔ بزرگوارست. ﴿۷٤﴾ پس چون ازابراهیم ترس رفت و بشارت آمدش با ما دربارهٔ قوم لوط مجادله شروع نمود. ﴿۷۵﴾ هرآئینه ابراهیم بردبار، ناله کننده رجوع کننده به خدا بود. ﴿۷٦﴾ گفتیم ای ابراهیم ازین جدال بگذر هرآئینه (حال اینست که) عقوبت پروردگارتو آمد وهر آئینه این جماعت به ایشان عقوبتی خواهدآمد که باز گردانیده نشود. ﴿۷۷﴾ وچون فرستادگان ما پیش لوط آمدند به سبب ایشان اندوهگین شد وبه سبب ایشان دلتنگ شد و گفت این روزیست سخت[1]. ﴿۷۸﴾ و قوم اوشتابان پیش لوط آمدند وپیش ازآن کارهای زشت میکردند لوط گفت ای قوم من این دختران من اند (یعنی نکاح کنید) این ها برای شما پاکیزه تراند پس ازخدا بترسید ومرا درمورد مهمانان من رسوا مکنید آیا ازشما هیچ مرد شایسته ای نیست. ﴿۷۹﴾ گفتند هرآئینه تودانسته ای که ما را در دختران توحاجتی نیست وهرآئینه توالبته میدانی آنچه راکه می خواهیم. ﴿۸۰﴾ گفت ا گر مرا به مقابلهٔ شما قوتی می‌بود یا به قوم زورآور پناه می گرفتم (چنین میکردم). ﴿۸۱﴾ فرشتگان گفتند ای لوط هرآئینه ما فرستادگان پروردگار هستیم نخواهند به تو رسید پس اهل خود را بپاره ای از شب ببر وباید که به پشت سرخود نگاه نکنند هیچکس ازشمامگرزن تو که اورا آنچه به این قوم رسید رسیدنی است هرآئینه میعاد ایشان وقت صبح است آیاصبح نزدیك نیست؟.

(۱) مترجم گوید یعنی ایشان نوجوان خوش روی بودند وعادت قوم معلوم بود پس خوف فتنه پیداشد والله اعلم.

﴿۸۲﴾ پس چون فرمان ما آمد ساختیم زبرآن (ده ها) را زیرآن و برآنجاسنگهای ازگِل پخته، پَی درپَی بارانیدیم. ﴿۸۳﴾ نشان مند ساخته شده بود نزد پروردگار تو واین سنگ ها دورازستمکاران نیستند. ﴿۸٤﴾ و به سوی قوم مدین برادرایشان شعیب را فرستادیم گفت ای قوم من خدا را عبادت کنید شما را هیچ معبود برحقی مگروی نیست و پیمانه وترازو را کم مکنید هرآئینه من شما را می بینم که درنعمتید وهرآئینه من برشمااز عذاب روزدربرگیرنده[1] می ترسم. ﴿۸۵﴾ وای قوم من پیمانه وترازو را به انصاف کامل کنید و به مردمان چیزهای ایشان را کم مرسانید و درزمین فسادکنان تباهکاری مکنید. ﴿۸٦﴾ باقی گذاشتهٔ خدای تعالی برای شما بهتر است اگر باور دارنده اید و من برشما نگهبان نیستم. ﴿۸۷﴾ گفتند ای شعیب آیا نماز تو تورا میفرماید که آنچه راکه پدران ما می پرستیدند بگذاریم یا بگذاریم آنکه بکنیم درمال خود هرچه خواهیم هرآئینه تو مردِ بُردبار شایستهٔ معامله ای (ومقصودایشان استهزابود). ﴿۸۸﴾ گفت ای قوم من آیا دیدید ا گر برحجتی از پروردگار خود باشم و مرا ازجانب خود روزیِ نیك داده باشد[2] ونمی خواهم که باشما خلاف کنم مایل شده به سوی آنچه شمارا ازآن منع می کنم[3] نمی خواهم مگر صلاح کاری تابتوانم ونیست توفیق من مگر به فضل خدا بروی توکل کردم وبه سوی اورجوع می کنم.

(۱) یعنی هلاك کننده.
(۲) یعنی حلال چگونه سخن شمارا بشنوم.
(۳) مترجم گوید یعنی نمی خواهم که به کارنیك بفرمایم وخود نکنم والله اعلم.

﴿۸۹﴾ و ای قوم من نباید ضدیت با من شما را وادار سازد به این خصلت که به شما برسد مانند آنچه به قوم نوح رسید یا قوم هود یاقوم صالح رسید وقوم لوط ازشما دور نیست. ﴿۹۰﴾ واز پروردگار خود طلب آمرزش کنید باز به سوی او رجوع کنید هرآئینه پروردگار من مهربانِ دوستدارست. ﴿۹۱﴾ گفتند ای شعیب بسیاری ازآنچه می گویی نمی فهمیم وهرآئینه ما تورا درمیان خود ناتوان می بینیم وا گر قبیله ات نمی‌بود تو را سنگسار میکردیم وتوپیش ما گرامی قدر نیستی. ﴿۹۲﴾ گفت ای قوم من آیاقبیله‌ام پیش شما ازخدا گرامی تراست وخدا را پس پشت خویش انداخته‌اید هرآئینه پروردگار من به آنچه میکنید دربرگیرنده است. ﴿۹۳﴾ وای قوم من به طریقهٔ خود عمل کنید هرآئینه من نیز عمل کننده ام به زودی خواهید دانست چه کس است که بیایدش عذابی که رسوا کندش وآن را که وی دروغگوست وانتظار کشید هرآئینه من (هم) باشما منتظرم. ﴿۹٤﴾ ووقتیکه عذاب ما آمد شعیب وآنان را که ایمان آوردند باوی به بخشایشی ازخود نجات دادیم و ظالمان را آواز (عذاب) سخت درگرفت پس درسراهای خویش مرده هایی افتاده گشتند. ﴿۹٥﴾ گویا هرگز درآنجا نبوده اند آگاه باش مدیَن را دوری باد چنانکه ثمود دور افتادند. ﴿۹٦﴾ وهرآئینه موسیٰ را به نشانه های خود وبه دلیل روشن فرستادیم. ﴿۹۷﴾ به سوی فرعون وقوم وسران او پس فرمان فرعون را پیروی کردند و فرمان فرعون به راه راست (و درست) نبود.

﴿۹۸﴾ فرعون قوم خود را روزقیامت پیشوا شود پس ایشان را به آتش بیارد وچه بدجاییست (دوزخ) که وارد آن شدند. ﴿۹۹﴾ وازپی ایشان درین دنیا لعنت آورده شد و روزقیامت نیز بدعطاییست که داده شد (آن لعنت). ﴿۱۰۰﴾ این ازاخبارده ها است که آن را برتو میخوانیم بعضی ازآن باقیست وبعضی ازبیخ برکنده شده است. ﴿۱۰۱﴾ وبرایشان ستم نکردیم ولیکن ایشان برخویشتن ستم کردند پس ازایشان معبودان ایشان که میخواندند به جای خدا هیچ چیزی دفع نکردند وقتی که فرمان پروردگار توآمد و ایشان را بجز هلاکی نیفزودند. ﴿۱۰۲﴾ وهمچنین است گرفتار کردن پروردگار تو چون دِه ها را بگیرد وآنها ستمکار باشند هرآئینه گرفت وی درد ناك سخت است. ﴿۱۰۳﴾ هرآئینه دراین سخن نشانه ای است کسی راکه ازعذاب آخرت ترسیده است آن روز روزیست که درآن مردمان جمع کرده شوند وآن روز روزیست که همه دروی حاضر شوند. ﴿۱۰٤﴾ و آنرا موقوف نمی داریم مگرتامدت معینی. ﴿۱۰٥﴾ روزی که بیاید هیچ کس سخن نگوید مگربه دستور حق پس بعضی از ایشان بدبخت باشند وبعضی نیك بخت. ﴿۱۰٦﴾ اما آنانکه بدبخت شدند پس درآتش باشند ایشان را آنجا فریاد سخت وناله ٔ زار (یعنی مانند آوازخر) باشد. ﴿۱۰۷﴾ جاودان باشند درآنجا مدتِ بقای آسمان ها و زمین مگرآنچه را که پروردگار تو خواسته است هرآئینه پروردگار تومی کند آنچه می خواهد. ﴿۱۰۸﴾ واما آنانکه نیك بخت شده اند پس دربهشت باشندجاودان درآنجا تامدتِ بقای آسمان ها وزمین مگرآنچه را که پروردگار تو خواسته است بخششی غیر منقطع[۱].

(۱) مترجم گوید یعنی مدت ماندن دربهشت ودوزخ مانند مدت دوام آسمان ها وزمین دردنیا است اگر زیادتی را که درمشیت خداست ودرفهم کسی گنجد اعتبار نکندحاصل بیان دوام است بابلغ وجوه والله اعلم.

﴿۱۰۹﴾ پس مباش درشبهه ازآنچه می پرستند این گروه نمی پرستند مگر چنانکه پدران ایشان پیش ازاین می پرستیدند ومااالبته بهره ایشان را نکاهیده تمام دهندهٔ ایشانیم[۱]. ﴿۱۱۰﴾ وهرآئینه موسیٰ را کتاب دادیم پس درآن اختلاف افتاد وا گرنمی بود سخنی که سابقًا از پروردگار تو صادر شده بود هرآئینه میان ایشان فیصله کرده می شد وبه درستیکه ایشان ازآن درشبهه قوی‌اند. ﴿۱۱۱﴾ وهرآئینه هرکسی (وقتی که برانگیخته شود) البته ایشان را پروردگار توجزای کردار ایشان تمام خواهد داد هرآئینه وی به آنچه میکنند داناست. ﴿۱۱۲﴾ پس استوار باش چنانچه تورا فرمان داده شد وآنانکه توبه کرده اند همراه تونیز، وازحد مگذرید هرآئینه وی به آنچه می کنید بیناست. ﴿۱۱۳﴾ ومیل مکنید به سوی آنانکه ستم کردند که آنگاه به شما آتش برسد وشما را دوستاني بجزخدا نیست بازنصرت داده نشوید. ﴿۱۱٤﴾ ونمازرا (در) دوطرف روز وساعتی چند از شب برپاکن هرآئینه طاعات گناهان را دورمیکنند این پندی برای پندپذیران هست. ﴿۱۱٥﴾ وشکیبایی کن هرآئینه خدا پاداش نیکوکاران را ضایع نمی کند. ﴿۱۱٦﴾ پس چرا ازآن قرنهاکه پیش ازشمابودند خردمنداني نبودند که ازفساد درزمین جلوگیری کنند مگراندکی ازآن جماعت که ازمیان ایشان نجات دادیم وستمکاران چیزی را که آسودگی داده شدند به آن پیروی کردند[۲] وگناه کاران بودند. ﴿۱۱۷﴾ وهرگز پروردگار تو نیست که دِه ها را به ستم هلاك کند واهل آن نیکوکار باشند.

(۱) یعنی نصیب ایشان ازعذاب.

(۲) یعنی به لذات دنیا مشغول شدند.

﴿۱۱۸﴾ وا گر پرودرگار تو می خواست البته مردمان را یك ملت می گردانید ولی همواره مختلف باشند. ﴿۱۱۹﴾ مگر کسی که پروردگار تو بروی رحم کرده است وبرای این (اختلاف) ایشان را آفریده است سخن پروردگار تو براین رفته است، که البته دوزخ را از جنیان ومردمان همگی پرکنم[۱]. ﴿۱۲۰﴾ ویکایك برتوازاخبار پیامبران آنچه را که به آن ثابت می گردانیم دل تورا حکایت می کنیم و به تودرین سوره سخن درست و پندی آمده است وبرای مسلمانان یادآوری. ﴿۱۲۱﴾ وبگوآنان را که ایمان نمی آورند برشیوهٔ خود عمل کنید هرآئینه مانیز (برشیوه خود) عمل کنندگانیم. ﴿۱۲۲﴾ وانتظار کشید هرآئینه مانیز منتظریم. ﴿۱۲۳﴾ علم غیب آسمان ها وزمین ویژه خدا است به سوی‌او همه کارها بازگردانیده می شود پس اورا عبادت کن وبراو توکل کن و پروردگار تو بیخبر نیست ازآنچه می کنید.

سوره یوسف مکی است وآن یك صدویازده آیه ودوازده رکوع است

﴿۱﴾ الٓرٰ این (آیه ها) آیاتِ کتاب روشن است. ﴿۲﴾ هرآئینه ما آن را قرآن عربی فروفرستادیم باشد که شما دریابید. ﴿۳﴾ ما با وحی کردن این قرآن از سوی خویش به توبهترین قصه ها حکایت می کنیم وهرآئینه حال این است که تو پیش ازآن از بی خبران بودی. ﴿٤﴾ یاد کن چون یوسف پدرخود را گفت: ای پدرمن هرآئینه من به خواب دیدم یازده ستاره و خورشید وماه را برایم سجده کننده دیدم.

(۱) مترجم گوید درعرف اختلاف را نسبت میکنند به‌اهل باطل نه به اهل حق ویقال قال اهل الحق کذاوخالَفَهُم فِرَقٌ پس استثنای مَنْ رَحِمَ بی تکلف صحیح شد والله اعلم.

﴿۵﴾ گفت ای پسرم خواب خود را پیش برادران خود بیان مکن که آنگاه درحق توحیله را اندیشه کنند هرآئینه شیطان برای آدمی دشمنِ آشکاراست. ﴿٦﴾ و(چنانکه خواب به تونمود) همچنین تورا پروردگارتو برگزیند وتورا ازعلم تاویل الاحادیث (یعنی تعبیر رویا) بیاموزد ونعمت خود را برتو وبرفرزندان یعقوب تمام کند چنانکه آن را بردوجدِّ تو پیش ازین ابراهیم واسحق تمام کرد هرآئینه پروردگار تودانای استوارکارست. ﴿۷﴾ هرآئینه درقصهٔ یوسف وبرادرانِ او برای سوال کنندگان نشانه ها هست. ﴿۸﴾ چون گفتند که یوسف وبرادر (عینی) او نزدِ پدرما ازما دوست ترهستند حال آنکه ما جماعتی هستیم، هرآئینه پدرِما در اشتباهِ روشنی است. ﴿۹﴾ یوسف را بِکُشید یا به زمین غیر معلوم بیفکنیدش تا توجه پدرتان فقط به شما معطوف گردد وتا بعد ازاو گروهی شایسته باشید (یعنی توبه کنید). ﴿۱۰﴾ گوینده ای ازایشان گفت: یوسف را مَکُشید و درقعرِ تاریك چاه بیفکنیدش تا کسی ازمسافران او را برگیرد ا گر کنندگانید (این کاررا). ﴿۱۱﴾ گفتند ای پدرما چیست حال توکه مارا بر یوسف امین نمی پنداری حال آنکه هرآئینه ما خیرخواه اوهستیم. ﴿۱۲﴾ اورابام‌ا فردا بفرست تا میوه بسیار خُورَد وبازی کند وهرآئینه ما اورا نگاهبانیم. ﴿۱۳﴾ گفت هرآئینه مرا اندوهگین می کند آنکه ببَریدش ومی ترسم ازآنکه اورا گرگ بخورد وشماازوی بی خبرباشید. ﴿۱٤﴾ گفتند ا گر او راگرگ بخورَد حال آنکه ما گروهی هستیم به راستی ما آنگاه البته زیان کارباشیم.

﴿۱۵﴾ پس چون اورا باخود بردند و عزیمت کردند که درقعر تاریك چاه اورا بیفکنند وبه سوی او وحی فرستادیم که البته ایشان را به این ماجرای شان خبردار خواهی ساخت درحالیکه ایشان نشناسند. ﴿۱٦﴾ وپیش پدرخود شبانگاه آمدند در حالی‌که میگریستند. ﴿۱۷﴾ گفتند ای پدرماهرآئینه ما مسابقه شروع کردیم ویوسف را نزد رخت خویش گذاشتیم پس او را گرگ بِخُورد وتوباور دارندهٔ ما نیستی ا گر چه راست گو باشیم. ﴿۱۸﴾ وبرپیراهن او خونی دروغین آوردند یعقوب گفت نه، بلکه برای شما نفسهایتان تدبیری را آراسته است پس کارمن صبر نیك است واز خدا مدد طلبیده می شود برآنچه شما بیان می کنید. ﴿۱۹﴾ وکاروانی آمد پس سقای (یعني آب آور) خود را فرستادند پس انداخت دَلوِخود را گفت ای مژده من این نوجوانی است واهل قافله اورا سرمایه دانسته پنهان ساختند وخدا داناست به آنچه می کردند. ﴿۲۰﴾ و (برادران) به بهای ناقص درهمی چند شمرده شده فروختندش ودربارهٔ یوسف ازبی رغبتان بودند. ﴿۲۱﴾ وشخصی که یوسف را ازاهل مصر خرید به زَنِ خود گفت جای اورا گرامی دار شاید که مارا نفع دهد یااورا فرزند گیریم وهمچنین یوسف را درآن سرزمین قراردادیم وتا اورا ازعلم تاویل الاحادیث (یعنی تعبیر خواب) بیا موزیم وخدا برمراد خود تواناست ولیکن اکثر مردمان نمیدانند. ﴿۲۲﴾ وچون یوسف به نهایتِ قوتِ خود رسید او را دانایی و علم دادیم وهمچنین نیکوکاران را پاداش میدهیم.

﴿۲۳﴾ یوسف را زنی که او درخانه اش بود ازنفس او طلب کرد (واین کنایت ازطلب جماع است) ودرهارا بِبَست و گفت پیش آ گفت برخدا پناه می برم بیشك اوسرور من است جایگاه مرا نیکوساخت[1] هرآئینه ظالمان رستگارنمی شوند. ﴿۲٤﴾ وبه راستی قصد کرد آن زن به سوی یوسف وقصد کردی یوسف به سوی او ا گر نبودآنکه یوسف دلیل پروردگار خود را دید، چنین کردیم تا ازوی بدی وبی حیایی را بازگردانیم هرآئینه وی از بندگان مخلص ماست. ﴿۲٥﴾ وبایکدیگر به سوی دروازه شتافتند وآن زن پیراهن یوسف را از پشت بدرید وشوهر زن رانزدیك دروازه یافتند گفت چیست جزای کسیکه بااهل توکار بد را خواسته باشد مگر آنکه به زندان انداخته یا عقوبتی درد ناك شود. ﴿۲٦﴾ یوسف گفت این زن مرااز نفس من بانیرنگ خواست وگواهی از قبیلهٔ زن گواهی داد که ا گر پیراهن یوسف از جلو دریده هست، پس این زن راست گفته است ویوسف ازدورغ گویانست. ﴿۲۷﴾ و اگر پیراهن او ازپشت دریده هست، پس این زن دروغ گفته است ویوسف ازراست گویان است. ﴿۲۸﴾ پس شوهرش چون پیراهن اورا ازپشت دریده دید، گفت این قضیه ازمکر شما زنان است هرآئینه مکرشما زنان بزرگ است. ﴿۲۹﴾ ای یوسف ازین ماجرا درگذر وای زن برای گناه خود طلب آمرزش کن هرآئینه تو بوده ای ازخطا کنند گان. ﴿۳۰﴾ وگفتند زنانی چند در شهر که زن عزیز نوجوان خودرا ازنفس او می طلبد هرآئینه از روی دوستی دردلش جاکرده است هرآئینه ما اورا درگمراهی ظاهر می بینیم.

(۱) یعنی خیانت اونتوانم کرد.

﴿۳۱﴾ پس چون زن عزیزغیبت ایشانرا شنید به سوی ایشان قاصد فرستاد و برای ایشان مجلسی مهیا کرد وهریکی را ازایشان کاردی داد و گفت ای یوسف بیرون بیا براین زنان پس چون بدیدَندش بزرگ یافتندش و دستهای خویش را بِبُریدند وگفتند خدا پاك است واین نوجوان بشری نیست، این شخص مگر فرشته ای گرامیقدر نیست. ﴿۳۲﴾ زن عزیز گفت این است آنکه مرا در عشق وی ملامت کرده بودید وهرآئینه ازاونفس اورا طلبیدم پس خود را نگاه داشت واگر آنچه اورا می‌فرمایم نکند البته به زندان انداخته شود والبته باشد از خوارشد گان. ﴿۳۳﴾ یوسف گفت ای پروردگار من زندان نزد من ازآنچه مرا به سوی آن میخوانند دوست تراست وا گر توازمن فریب این زنان را بازنداری البته به ایشان میل کنم و ازنادانان باشم. ﴿۳٤﴾ پس دعای اورا پروردگار او قبول کرد پس ازیوسف فریب ایشان را بازداشت هرآئینه وی شنوای داناست. ﴿۳۵﴾ باز آن جماعت را بعد ازآن که دیده بودند نشانه ها ظاهر شد که البته اوراتامدتی به زندان درآورند[1]. ﴿۳٦﴾ و به زندان همراه یوسف دوجوان داخل شدند یکی ازایشان گفت هرآئینه خودرا به خواب می بینم که ازانگور آب می گیرم ودیگری گفت که هرآئینه خودرا به خواب می بینم که برسرخود نانی که مرغان ازآن میخورند برداشته ام مارا به تعبیر این خواب خبردارکن هرآئینه ما تورا ازنیکوکاران می بینیم. ﴿۳۷﴾ گفت نخواهدآمد بشماهیچ طعامی که آن را داده می شوید مگر شمارا به تعبیر آن پیش ازآنکه بیاید به شما خبردارکنم این تعبیرازآن قبیل است که مرا پروردگار من آموخته است هرآئینه من ترك کردم کیش قومی که به خدا ایمان نمی آورند وایشان به آخرت اعتقادندارند.

(۱) یعنی مشورت کردند که یوسف رابه زندان باید کرد تانزدِ مردمان برائت زلیخاظاهر شود.

﴿۳۸﴾ و کیش پدران خودرا، ابراهیم واسحق ویعقوب را پیروی کردم نشایدمارا که چیزی را شریك خدا مقرر کنیم، این از فضل خدا برما وبرمردمان است ولیکن بیشترمردمان شکرنمی کنند. ﴿۳۹﴾ ای دویار زندان آیامعبودان پراکنده بهتراند یا خدا یکتای غالب. ﴿٤۰﴾ غیرازخدا عبادت نمی کنید مگر نام هایی چند را که آنها را شماوپدرانتان نام نهاده‌اید خدا برآنها هیچ دلیلی نفرستاده‌است فرمانروایی نیست مگر خدارا، فرمودکه عبادت مکنید مگر وی را فقط این کیشِ درست است ولیکن بیشتر مردمان نمی دانند. ﴿٤۱﴾ ای دو یارِ زندان امّایکی ازشما پس سرور خودرا شراب بنوشاند واماآن دیگر پس بردارکشیده شود پس مرغان ازسراو بخورند فیصله کرده شد کاری که درآن سوال می کنید. ﴿٤۲﴾ و یوسف به شخصی که دانسته بود که خلاص یابنده است ازآن دوکس گفت مرانزدِ سرور خود یادکن پس شیطان فراموش گردانید ازخاطروی که پیش مولای خود یادکندپس یوسف درزندان چند سال ماند. ﴿٤۳﴾ وگفت پادشاه هرآئینه من به خواب می بینم که هفت گاوفربه آن هارا هفت گاولاغر میخورند وهفت خوشه سبزرا وهفت خوشهٔ دیگر خشك رامی بینم ای جماعت مرا دربارهٔ خوابِ من ا گر خواب را تعبیر می گویید جواب دهید.

﴿٤٤﴾ گفتند این خوابهای شوریده است وما به تعبیر خوابهای شوریده دانا نیستیم. ﴿٤٥﴾ و گفت ازآن دوکس آنکه نجات یافته بود وبعد مدتی به یاد آورد من شمارا به تعبیر این خواب خبر می دهم پس مرا بفرستید[۱]. ﴿٤٦﴾ گفت ای یوسف ای راست گو جواب دِه مارا درین (خواب) که هفت گاوِفربه ایشان را هفت گاو لاغر میخورند وهفت خوشهٔ سبز وهفت خوشهٔ دیگر خشك، بُوَد که من به سوی مردمان بازگردم تاایشان بدانند. ﴿٤٧﴾ گفت هفت سال پَی درپَی برعادت خود زراعت می کنید پس آنچه به دروید درخوشهٔ آن بگذاریدش مگراندکی ازآنچه می خورید. ﴿٤٨﴾ باز بعدازآن هفت سالِ سخت بیاید که بخورند آنچه برای آنها سابق ذخیره نهاده بودید مگر اندکی ازآنچه به احتیاط نگاه دارید. ﴿٤٩﴾ بازبیاید بعدازآن سالی که دروباران فرستاده شود برمردمان، ودرو ازانگور وغیرآن[۲] آب گیرند. ﴿٥٠﴾ و پادشاه گفت یوسف را پیش من بیارید پس چون نزدِ یوسف فرستادهٔ پادشاه آمد گفت به سوی سرور خود بازگرد پس اورا سوال کن چیست حال آن زنان که دستهای خویش را بریدند هرآئینه پروردگار من به حیلهٔ بازیِ ایشان داناست[۳]. ﴿٥١﴾ گفت پادشاه حال شما وقتی که خواستید یوسف را ازنفس او (یعنی تابلغزانیدش) چه بُود گفتند پاکی خداراست بریوسف هیچ گناهی ندانستیم، گفت زن عزیز اکنون ظاهر شد سخن راست که اورااز نفسش من طلبیدم وهرآئینه اوازراست گویان است. ﴿٥٢﴾ (گفت یوسف) این همه برای آنست تابداند عزیز که من غائبانه خیانتِ او نکرده ام وبداند که خدا خیانت کنند گان را راه نمی نماید.

(۱) مترجم گوید پس به سوی یوسف فرستادند وملاقات کرد والله اعلم.

(۲) پادشاه این تعبیر را شنیده مشتاق ملاقات یوسف گشت و یوسف علیه السلام مدتی توقف نمود تا برائت ذمه‌اش ظاهر گردد والله اعلم.

(۳) یعنی شهادت براقرار زلیخا به عفت یوسف پوشیده اند والله اعلم.

﴿۵۳﴾ ونفس خودرا به پاکی صفت نمی کنم، هرآئینه نفس به بدی بسیارفرمان دهنده است مگرآن وقت که پروردگار من مهربانی کند هرآئینه پروردگار من آمرزندهٔ مهربانست. ﴿۵٤﴾ و گفت پادشاه پیش من بیاریدش تا خالص برای خدمت خود مقرر کنمش پس چون سخن گفت بایوسف[۱] گفت ای یوسف هرآئینه توامروزپیشِ ماصاحب قدرِامانت داری. ﴿۵۵﴾ گفت مرا برخزانه های این سرزمین مقررکن هرآئینه من محافظت کنندهٔ دانایم. ﴿۵٦﴾ وهمچنین یوسف را درآن سرزمین تمکین دادیم، قرارمی گرفت ازآن سرزمین هرجاکه میخواست، به رحمت خود هرکه را خواهیم می رسانیم و پاداش نیکوکاران را ضایع نمی کنیم. ﴿۵۷﴾ والبته پاداش آخرت آنان را که ایمان آورده اند وپرهیزگاری می کردند بهتراست[۲]. ﴿۵۸﴾ وبرادران یوسف آمدند پس بروی داخل شدند پس ایشان را به شناخت وایشان اورانشناختند. ﴿۵۹﴾ وچون برای ایشان سامان ایشان را مهیاکرد گفت پیش من برادر (علّاتی ناتنی) خودرا که ازپدرشماست بیارید آیا نمی بینید که من پیمانه را تمام میدهم ومن بهترین پذیرایی کنند گانم. ﴿٦۰﴾ پس ا گر اورا پیش من نیاوردید پس هرگز برای شما نزدِ من پیمانه نباشد وهر گز به من نزدیك نشوید. ﴿٦۱﴾ گفتند اورااز پدرش خواهیم خواست، ماالبته این کار را خواهیم کرد. ﴿٦۲﴾ و یوسف غلامان خودرا گفت سرمایه ایشان را درخرجینهای ایشان، بنهید شاید ایشان آن را بشناسند چون به اهل خویش بازروند بُوَدکه ایشان بازآیند[۳]. ﴿٦۳﴾ پس چون به سوی پدرخویش بازگشتند گفتند ای پدرِ ما ازما پیمانه منع کرده شد پس با ما برادرمارا بفرست تاپیمانه گیریم وهرآئینه مانگهبان وی هستیم.

(۱) یعنی قابلیت اورا شناخت.

(۲) بعد ازآن قحط افتاد در جمیع نواحی مصرو شام اولاد یعقوب را مشقت بسیار رسید به سوی یوسف متوجه شدند والله اعلم.

(۳) یعنی به سبب دادن طعام وبه گرفتن سرمایه دیگر بار دیگر طمع کنند والله اعلم.

﴿٦٤﴾ یعقوب گفت شمارا بروی امین نگیرم مگر چنانکه شمارا بربرادر وی پیش ازین امین گرفته بودم پس خدا نگاه دارنده بهتراست واومهربان ترین مهربانان است. ﴿٦٥﴾ وچون رخت خود را به کشادند سرمایه خودرا باز گردانیده شده به ایشان یافتند گفتند ای پدرما چه می‌خواهیم این است سرمایهٔ به سوی ما باز گردانیده شد (پس بازرویم به مَلِك) وغله آوریم برای اهل خود و برادر خودرا حفاظت کنیم وزیاده آوریم پیمانه یك شترآنچه آورده ایم پیمانهٔ اندك است. ﴿٦٦﴾ گفت نفرستم اوراباشما تاآنکه مرا عهدی ازخدا دهید که البته اورا به من بازآرید مگر آنکه گرفتارکرده شوید پس چون عهد خویش دادندش یعقوب گفت خدا برآنچه می‌گوییم نگهبان است. ﴿٦٧﴾ وگفت ای پسران من ازیك دروازه داخل نشوید و ازدروازه های پراکنده درآیید[1] و ازسرشما چیزی راازقضای خدا دفع نمی کنم، فرمانروایی نیست مگر خدارا بروی توکل کردم وبروی باید که متوکلان توکل کنند. ﴿٦٨﴾ وچون داخل شدندازآن راه که ایشان را پدرایشان فرموده بود دفع نمی توانست کرد ازسرایشان چیزی راازقضای خدا، لیکن خطری را که در دلش بود سرانجام داد وهرآئینه اوخداوند دانش بود به آنچه ما اورا آموخته بودیم ولیکن اکثر مردمان نمی دانند. ﴿٦٩﴾ وچون بریوسف داخل شدند جای داد به سوی خود برادر تنی (یعنی عینی) خودراگفت هرآئینه من برادرتوام پس اندوهگین مباش به سبب آنچه میکردند.

(١) یعنی تاچشم زخم نرسد.

﴿۷۰﴾ پس وقتی که برای ایشان سامان ایشان را مهیاکرد جام (پادشاه) را درخرجین برادر خود نهاد بعد ازآن آواز داد آواز دهنده ای که ای کاروان هرآئینه شما دزدید. ﴿۷۱﴾ روبه سوی ایشان درآورده گفتندچیست آنچه گم کرده اید. ﴿۷۲﴾ گفتند پیمانهٔ پادشاه را گم کرده ایم وبرای کسی که بیاوَردِش یك بارِ شترباشد ومن به این وعده ضامنم. ﴿۷۳﴾ گفتند به خدا قسم هرآئینه دانسته اید که نیامده ایم ماتا درزمین فسادکنیم وهرگز دزد نبوده ایم. ﴿۷٤﴾ گفتند پس چیست جزای این فعل ا گر دروغ گوباشید. ﴿۷۵﴾ گفتند جزای این فعل کسی است که متاع در خرجین او یافته شود پس همان شخص جزای او باشد(۱) همچنین ستم کاران را جزامی‌دهیم. ﴿۷٦﴾ پس یوسف به تفحّص خرجینهای ایشان پیش ازخرجین برادر خود شروع کرد بعد ازآن پیمانه را ازخرجین برادر خود برآورد همچنین تدبیر کردیم برای یوسف نمی توانست که برادر خودرا به حکم قانون پادشاه اسیر گیرد لیکن (اسیر گرفتش) به مشیت خدا بلندمی گردانیم مراتب کسی را که خواهیم و بالای هرخداوندِ دانش دانایی هست. ﴿۷۷﴾ گفتند ا گر (او) دزدی کرده باشد دور نیست که برادر اوپیش ازین دزدی کرده بود پس یوسف این سخن را در دلش پنهان داشت و آن را پیش ایشان آشکار نکرد گفت (دردل خود) شما در منزلت بدترید وخدا دانا است به آنچه وصف می کنید. ﴿۷۸﴾ گفتند ای عزیز هرآئینه اورا پدریست پیر، کلان سال پس یکی را ازما به جای او بگیر هرآئینه ما تورا ازنیکوکاران می بینیم.

(۱) یعنی اوراغلام گیرند والله اعلم.

﴿۷۹﴾ گفت بر خدا پناه می برم ازآنکه بگیریم مگر کسی را که متاع خویش را نزدِ او یافته ایم به تحقیق آنگاه ستمکار باشیم. ﴿۸۰﴾ پس چون ازوی ناامید شدند، تنها به خلوت رفتند مشوره کنان بزرگ ترین ایشان گفت آیاندانسته اید که پدرشما برشماعهدی ازخدا گرفته است وپیش ازین درحق یوسف کوتاهی کرده بودید پس این سرزمین را ترك نخواهم کرد تاوقتیکه مرا پدرم اجازه دهد یا برایم خدا حکم کند واوبهترین حکم کننند گان است. ﴿۸۱﴾ (ای برادران) به سوی پدر خویش باز روید پس بگویید ای پدرماهرآئینه پسر تودزدی کرد و گواهی ندادیم الّابه آنچه می دانستیم[1] علم غیب را نمی دانستیم. ﴿۸۲﴾ وبپرس دِهی را که درآن بودیم وکاروانی را که باآن باز آمده ایم والبته ماراست گویانیم. ﴿۸۳﴾ گفت (یعقوب) بلکه برای شما نفسهای شماکاری را آراسته کرده است پس حال من صبر نیك است امید آنست که خدا پیش من همگی ایشان را بیارد هرآئینه اودانای باحکمت است. ﴿۸٤﴾ وازایشان روبگردانید و گفت وای اندوه من بریوسف و دوچشم او از اندوه سفید شدند پس اوازغم پُر شده بود. ﴿۸۵﴾ گفتند به خدا همیشه هستی که یوسف را یادمی‌کنی تاآنکه بیمار شوی یا ازهلاك شد گان شوی. ﴿۸٦﴾ گفت جزاین نیست که غم سخت و اندوه خودرا به جناب خدا بیان می کنم ومی دانم ازجانب خدا آنچه راکه نمی دانید.

(۱) یعنی گفتند ﴿جَزَآؤُهُۥ مَن وُجِدَ فِي رَحۡلِهِۦ فَهُوَ جَزَآؤُهُۥۚ﴾ والله اعلم.

﴿۸۷﴾ ای پسران من بروید پس از یوسف وبرادراو جستجو کنید و ازرحمت خدا ناامید مباشید هرآئینه (سخن اینست که) ازرحمت خدا مگر گروه کافران ناامید نمی شوند. ﴿۸۸﴾ پس چون بریوسف داخل شدند گفتند ای عزیز به ما واهل ماسختی رسیده است وسرمایهٔ ناچیز (یعنی اندك) آورده ایم پس مارا پیمانه تمام دِه وبرما صدقه کن هرآئینه خدا صدقه دهندگان را جزامی‌دهد. ﴿۸۹﴾ گفت آیا دانستید (قبح) آنچه به یوسف و برادرش می کردید وقتی که شمانادان بودید. ﴿۹۰﴾ گفتند آیابه تحقیق تو یوسفی؟ گفت من یوسفم واین برادرمن است هرآئینه خدا برما منّت نهاد هرآئینه (سخن این است که) هرکه پرهیزگاری کند و صبر نمایدپس خدا پاداش نیکوکاران را ضایع نمی سازد. ﴿۹۱﴾ گفتند قسم به خدا هرآئینه توراخدا برما برتری داده است وهرآئینه ماخطا کننده بودیم. ﴿۹۲﴾ گفت هیچ سرزنش امروز برشما نیست خدا شمارا بیامرزد واو مهربان ترین مهربانان است. ﴿۹۳﴾ این پیراهن مرا ببَرید پس برچهرهٔ پدرم بیفکنیدش تابینا شود و پیش من همگی اهل خویش را بیارید. ﴿۹٤﴾ وچون کاروان جدا شد (یعنی ازشهر) گفت پدرایشان هرآئینه من بوی یوسف را می یابم ا گر مرا به نقصان عقل نسبت نکنید. ﴿۹۵﴾ گفتند به خدا قسم هرآئینه تو درخطای قدیم خودی.

﴿۹٦﴾ پس چون پیش وی مژده دهنده بیامد پیراهن را برصورت وی انداخت پس بینا گشت گفت آیا به شما نگفته بودم که هرآئینه من میدانم ازجانب خداآنچه را که نمیدانید. ﴿۹۷﴾ گفتند ای پدرما برای ما درحق گناهان ما آمرزش طلب کن هرآئینه ما گنهکاربودیم. ﴿۹۸﴾ گفت به زودی برای شما از پروردگار خود طلب آمرزش خواهم کرد هرآئینه اوآمرزندهٔ مهربان است. ﴿۹۹﴾ پس چون بریوسف درآمدند (یعنی درخیمه اش واوبرای استقبال برآمده بود) پدرومادر خودرا به سوی خود جای داد وگفت به مصر ا گرخدا خواسته باشد ایمن شده درآیید. ﴿۱۰۰﴾ و پدرومادر خودرا برتخت خود بالا بُرد وایشان به سوی او سجده کنان افتادند و گفت ای پدرمن این تعبیر خواب من است که پیش ازین دیده بودم هرآئینه آنرا پروردگار من راست ساخت وبه من نعمت فراوان داد چون مرا اززندان بیرون آورد وشمارا ازصحرا آورد بعد ازآنکه شیطان میان من ومیان برادران من خلاف افکند هرآئینه پروردگار من تدبیر نیك سازنده است چیزی را که میخواهد هرآئینه او دانای باحکمت است. ﴿۱۰۱﴾ ای پروردگار من مرا پادشاهی دادی و مرا تاویل احادیث آموختی (یعنی علم تعبیر خواب) ای پیدا کنندهٔ آسمان ها وزمین تویی کارساز من دردنیا وآخرت مرا مسلمان بمیران و مرا با صالحان ملحق کن. ﴿۱۰۲﴾ (یا محمد) این داستان ازاخبار غیب است آن را به سوی تو وحی می کنیم وتو نزد ایشان نبودی چون برمشورهٔ خود توطئه کنان عزم کردند. ﴿۱۰۳﴾ اکثر مردمان –و اگرچه حرص کنی– مسلمان نخواهندبود.

﴿۱۰٤﴾ وسوال نمی کنی ازایشان برتبلیغ قرآن هیچ مزدی، این نیست مگرپندی برای جهانیان. ﴿۱۰۵﴾ وبسا درآسمان ها وزمین نشانه‌هایند ازتأمل درآن اعراض کنان برآن می گذرند. ﴿۱۰٦﴾ وایمان نمی آورند اکثر ایشان به خدا مگر آنکه آنان (به نوعی) مشرك اند. ﴿۱۰۷﴾ آیا ایمن شده اند ازآنکه به ایشان عقوبتی عام از عذاب خدا بیاید یا به ایشان قیامت ناگهان بیاید وایشان آگاه نباشند. ﴿۱۰۸﴾ بگواین راه من است به سوی خدا باحجت ظاهر می خوانم، من و پیروان من وپاکی خداراست و من از مشرکان نیستم. ﴿۱۰۹﴾ ونفرستاده‌ایم پیش ازتو مگر مردانی را که به سوی ایشان ازاهل ده ها وحی‌میفرستادیم آیا درزمین سیرنکرده‌اند تا ببینند آخرکار آنانکه پیش ازایشان بودند چگونه شد وهرآئینه متقیان را سرای آخرت بهترست آیانمی فهمید. ﴿۱۱۰﴾ (مهلت دادیم) تاوقتیکه چون پیامبران ناامید شدند وگمان کردند قوم ایشان که به ایشان به دروغ وعده کرده شده به ایشان نصرت ما آمد پس هرکرا خواستیم نجات داده شد وعذاب ماازگروه ستمکاران بازداشته نمی شود. ﴿۱۱۱﴾ هرآئینه درداستانهای پیامبران پندی هست برای خداوندانِ خِرَد قرآن سخنی نیست که به دروغ بربافته شود ولیکن هست باوردارندهٔ آنچه پیش ازآن هست وبیان کنندهٔ هرچیز وهدایت وبخشایش برای مسلمانان است.

سوره رعد مدنی است وآن چهل وسه
آیه وشش رکوع است

﴿۱﴾ آلمَرٰ این‌هاآیاتِ قرآنند وآنچه فروفرستاده شدبه سوی تواز پروردگارت راست است ولیکن اکثر مردمان ایمان نمی آورند. ﴿۲﴾ خدا آنست که آسمانهارا به غیر ستون هائیکه آن را به ببینید برداشت بعد ازآن برعرش مستقرشد وخورشید وماه را مسخّر کرد هریکی به میعادی معین سیر میکند تدبیر کارمی نماید نشانه هارا بیان می کند تاشما به ملاقات پروردگار خودیقین آورید. ﴿۳﴾ واوآنست که زمین را گسترد ودر آن کوه ها ونهرها را واز هرنوع میوه آفرید درزمین دوقسم آفرید (ترش و شیرین خوب وبد) شب رابه روز می پوشاند هرآئینه درین نشانه هاست قومی را که تَفکّر می کنند. ﴿٤﴾ ودرزمین تکه های مختلف پیوسته بایکدیگراست وبوستانهایی از درختانِ انگور و کشت زارست ودرختان خرما بعضی بسیارپُرشاخ و بعضی غیرازآن، به یك آب آبیاری می شوند وبعضی را بربعضی درطعم میوه‌ها برتری می دهیم هرآئینه دراین نشانه ها است قومی را که می فهمند. ﴿٥﴾ و ا گر تعجب کنی پس سخن ایشان عجب است که آیا وقتیکه خاك شویم آیاما البته درآفرینشی نوخواهیم بود، ایشانند آنانکه به پروردگار خویش نامعتقد شدند وایشانند (به این صفت) که طوق درگردن ایشان باشد وایشان اهل آتش اند ایشان درآنجاجاویدان باشند.

﴿۶﴾ وازتو عقوبت پیش ازراحتی به شتاب می طلبند وهرآئینه پیش ازایشان عقوبت ها گذشته است وهرآئینه پروردگار توبرای‌مردمان باوجود ستمکار بودنِ ایشان خداوندِ آمرزش است و هرآئینه پروردگار تو سخت عقوبت است. ﴿۷﴾ وکافران می گویند چرا براین پیامبر نشانه‌ای از پروردگار او فرستاده نشد (یا محمد) جزاین نیست که توبیم دهنده ای وهرقومی راراه نمایی است. ﴿۸﴾ خدا آنچه هرماده درشکم دارد می داند وآنچه رحم ها ناقص میکنند وآنچه زیاده می‌گردانند وهرچیزی نزدِ او به اندازه است. ﴿۹﴾ به پنهان وآشکار داناست بزرگ است بلند مرتبه است. ﴿۱۰﴾ یکسان است ازشما کسی که سخن را بپوشد وکسیکه آن را به آواز بلند گوید وکسی که وی درشب پنهان است وکسی که او درروز راه میرود. ﴿۱۱﴾ برای آدمی فرشتگانند ازپی یکدیگر، آینده میان دو دست او و پشت سراو اورا به حکم خدا نگاه میدارند هرآئینه خدا تغییرنمی دهد حالتی را که به قومی باشد تاوقتی که ایشان تغییردهند آنچه در نفسهای ایشان است وچون خدا به قومی عقوبت را اراده کند پس آن را باز گردانیدن نیست و ایشان را بجز وی هیچ کارسازی نیست. ﴿۱۲﴾ اوست آنکه شمارا برق برای پیداکردن ترس و امید می نماید ابرهای گران را پدید می آورد. ﴿۱۳﴾ و رعد باستایش او وفرشتگان نیز ازترس او به پاکی یاد می کند، و صاعقه ها را می فرستد پس آنرا به هرکه خواهد میرساند وکافران دربارهٔ خدا مکابره می کنند و او بسیاربا قوت است.

﴿۱٤﴾ دعای حق برای اوست[۱] وآنانکه کافران ایشان را به جای خدا میخوانند دعای ایشان را به هیچ وجه قبول نمی‌کنند مگر مانند کسی که دو دست خود را به سوی آب بگشاید تا بدهنش برسد، وآن آب هر گز بدهان او رسنده نیست ونیست دعای کافران مگر در گمراهی (بیفائدگی). ﴿۱٥﴾ وخدا را خواهان وناخواهان سجده می کند هرکه درآسمان ها وزمین است و سایه های ایشان به وقت صبح وشام[۲] سجده می کنند. ﴿۱٦﴾ بگو پروردگارآسمان ها وزمین کیست بگو (ازطرف ایشان) خداست بگوآیا بجز وی دوستانی گرفتید که برای خویشتن سودی ونه زیانی نمی توانند بگوآیا نابینا وبینا برابرست (هر گز) آیا تاریکی ها و روشنی برابرست آیا مقرر کرده اند برای خدا شریکانی که مانند آفریدن خدا آفریده باشند پس آفرینش برایشان مشتبه شده است بگوخدا آفریننده هرچیز است واو یگانه غالب است. ﴿۱۷﴾ ازآسمان آب را فروفرستاد پس رودها به اندازه خویش روان شدند پس آب روان کفی راکه بالای آب بلند شده برداشت وازآنچه میگُدازندش درآتش به طلب پیرایه یا به طلب رختِ خانه کفی هست مانند کفِ آب همچنین خدا مثل حق وباطل را بیان می کند، اماآن کف پس ناچیز شده میرود واماآنچه به مردمان سودمیرساند درزمین می‌ماند همچنین خدا مثل هارا بیان می کند[۳]. ﴿۱۸﴾ برای آنان که سخن پروردگار خویش را قبول کردند حالت نیك است وآنانکه سخن اورا قبول نکردند ا گر ایشان را آنچه درزمین است همگی باشد و مانند آن همراهش البته آن را آنجماعت فدای خود دهند، ایشان را سختی حساب است وجای ایشان دوزخ است وآن بدجایی است.

(۱) یعنی اورا سزد که به جناب اونیاز کنند ودعا طلبند واواجابت فرماید والله اعلم.

(۲) کافران ومنافقان ناخواهان سجده می کنند هنگام سختی یا ازترس شمشیرِ، فرشتگان و مسلمانان خواهان و به رغبت سجده می کنند والله اعلم.

(۳) مترجم گوید لابُدست که در هرجنس خیروشر باشد همچنین لابُداست که در آدمیان نیکوکاران وبدکاران باشند لیکن نیکوکارانرا مستقر میسازد وکارایشان را پیش میبرد وبدکاران را هلاك میکند والله اعلم.

﴿۱۹﴾ آیا کسی که میداند آنچه راکه فروفرستاده شده به سوی تو ازجانب پروردگار توراست است مانند کسی است که وی نابیناست جزاین نیست که خداوندانِ خرد پندپذیر میشوند. ﴿۲۰﴾ آنانکه به عهد خدا وفامی‌کنند و عهدرا نمی شکنند. ﴿۲۱﴾ وآنانکه آنچه راکه خدا فرموده است به پیوند کردن آن می پیوندند و ازپروردگار خویش می ترسند و از سختیِ حساب می ترسند. ﴿۲۲﴾ وآنانکه به طلب رضای پروردگارشان شکیبایی کردند[(۱)] ونمازرا برپا داشتند و ازآنچه ماروزی دادیم به ایشان پنهان وآشکارا خرج کردند با نیکویی بدی را دفع می کنند اینانندکه پاداش نیك آن سرای همانان را است. ﴿۲۳﴾ ایشان به بوستانهای همیشه جاودان درآیند وهرکه ازپدران ایشان وزنان ایشان واولاد ایشان نیکوکارباشد وفرشتگان برایشان ازهردروازه داخل شوند. ﴿۲٤﴾ گویند برشما سلامتی باد به سبب صبرکردن شما پس پاداش آن سرای نیك است. ﴿۲٥﴾ وآنانکه عهد خدا را بعد استوارکردن آن می شکنند و آنچه خدا به پیوند کردن آن فرموده است قطع می کنند و فسادمی‌کنند آنجماعت ایشان را لعنت است و برای ایشان سختی آن سرای است. ﴿۲٦﴾ خدا روزی را برای هرکه خواهد گشاده می‌سازد و (برای هرکه خواهد) تنگ می سازد وکافران به زندگانی دنیا شادمان شدند و زندگانی دنیا نسبت به آخرت مگر متاع اندك نیست. ﴿۲۷﴾ ومی‌گویند کافران چرا برپیامبر نشانه ای ازجانب پروردگارش فرودآورده نشد[(۲)] بگو هرآئینه خدا هرکه را خواهد گمراه می کند و به سوی خویش هرکه را که رجوع کرد راه می نماید. ﴿۲۸﴾ آنان که ایمان آوردند و دل های ایشان به یاد خدا آرام می گیرد آ گاه شو بیاد خدا دل ها آرام می گیرند.

---

(۱) یعنی به طلب رضای او.

(۲) مترجم گوید یعنی ازقسمی که درخواست میکردند.

﴿۲۹﴾ آنان که ایمان آورده اند وکارهای نیك کرده اند خوشابه‌حالشان وآنان خوب سرانجامی دارند. ﴿۳۰﴾ همچنین تورا درامتی که گذشتند پیش ازآن امت های بسیار فرستادیم تا برایشان آنچه وحی فرستادیم به سوی تو بخوانی وایشان به خدای بخشاینده کافرند بگواوپروردگار من است هیچ معبود برحقی مگراو نیست بروی توکل کردم و رجوع من به سوی اوست. ﴿۳۱﴾ وا گر قرآنی می بود که به آن کوهها روان کرده می شد یا به آن زمین شکافته می شد یا مُردگان رابه آن به سخن در آورده میشد (نیزایمان نمی آوردند) بلکه (حقیقت این است که) همگی کار یکجا خدا راست آیا مسلمانان ندانسته‌اند که ا گر خدا می‌خواست البته همگی مردمان را راه می نمود وهمیشه کافران به این صفت باشند که به ایشان به سبب آنچه کردند عقوبتی سخت میرسد یا آن عقوبت نزدیك به خانهٔ ایشان فرو می‌آید[۱] تاوقتی که وعده خدا بیاید هرآئینه خدا وعده را خلاف نمی کند. ﴿۳۲﴾ وهرآئینه به پیامبران پیش ازتو تمسخر کرده شد پس کافران را مهلت دادم باز ایشان را گرفتار کردم پس عقوبت من چگونه بود. ﴿۳۳﴾ آیا کسی که برهرکس بجزای آنچه عمل کرده است خبر گیرنده است (مثل این بتان باشد) و کافران برای خدای شریکان مقرر کردند بگو نامهای ایشان را بیان کنید[۲] آیا خدا را به آنچه نمیداند در زمین خبرمیدهید یا به سخن سرسری فریفته می‌شوید[۳] بلکه آراسته کرده شده است برای کافران اندیشهٔ فاسد ایشان و از راه بازداشته شده‌اند وهرکه را خدا گمراه کند اوراهیچ راهنمایی نیست. ﴿۳٤﴾ برای ایشان درزندگانی دنیا عذاب است وهرآئینه عذاب آخرت سخت ترست و ایشان رااز(عذاب) خداهیچ نگاه دارنده ای نیست.

(۱) مترجم گوید وآن کنایت است ازشدتی که ازوی خوفِ هلاك برایشان مستولی شود به آخرت نجات یابند والله اعلم.

(۲) مترجم گوید یعنی اوصافِ ایشان را ذکر کنید تابه اوصافِ خدا مقابله کرده شود و فن مماثلت ظاهر گردد والله اعلم.

(۳) یعنی تقلید پدران میکنید درسخن بی اساس والله اعلم.

﴿۳۵﴾ صفت بهشتی که متقیان را وعده داده شده است اینست که زیرآنجویها میرود، میوه های اوجاویدان است و سایه اش همچنین، سرانجام متقیان این است وسرانجام کافران آتش است. ﴿۳٦﴾ وآنانکه ایشان را کتاب دادیم خوشحال میشوند به آنچه به سوی تو فرستاده شد وازین جماعت ها کسی است که بعض اورا انکارمی کند بگو جزاین نیست که مرا فرموده شد که خدارا عبادت کنم و به وی شرك نَوَرزم، به سوی او میخوانم و بازگشت من به سوی اوست. ﴿۳۷﴾ وهمچنین قرآن راکتابی عربی فروفرستادیم وا گر خواهشهای (نفسانی) ایشان را بعد ازآنچه آمده است به تو ازعلم پیروی کنی توراازعقوبت خدا هیچ کارسازنده ونه نگاه دارنده ای نیست. ﴿۳۸﴾ وهرآئینه پیامبران را پیش ازتو فرستادیم و ایشان را زنان و فرزندان دادیم ونشاید هیچ پیامبررا که هیچ نشانه ای مگر به حکم خدا بیارد هر قضایی را اجل وموعدی باشد. ﴿۳۹﴾ نابود میسازد خدا هرچه میخواهد و ثابت می کند هرچه می خواهد ام الکتاب نزد اوست (یعنی لوح محفوظ)[۱]. ﴿٤۰﴾ وا گر تورا بعض آنچه وعده می کنیم به ایشان بنماییم یا قبض روح تو کنیم بهرحال جزاین نیست که برتو پیام رسانیدن است وحساب برماست. ﴿٤۱﴾ آیا ندیدند که ما به این زمین می آییم آنرا ازجوانب آن ناقص می سازیم وخدا حکم می کند نیست حکم اورا هیچ ردّکننده ای واو زود حساب گیرنده است[۲]. ﴿٤۲﴾ وهرآئینه تدبیر کردند آنانکه پیش ازایشان بودند پس همه تدبیر برای خداست میداند آنچه هر نفسی به عمل می آورد و این کافران خواهند دانست که را سرانجام آن سرای باشد.

(۱) مترجم گوید صورت حادثه درعالم ملکوت خلق میفرماید بعدازآن ا گر خواهد محو کند و ا گر خواهد ثابت دارد و شاید که معنی چنین باشد که هر زمانی را شریعتی هست نسخ می کند خدای تعالی آنچه را میخواهد و ثابت می گذارد آنچه را می خواهد لوح محفوظ نزد اوست والله اعلم.

(۲) یعنی روزبه روز شوکت اسلام به زمین عرب منتشر میشود ودار الحرب ناقص میگردد وازاطراف آن عامهٔ مفسرین این آیت را مدنی دانند ونزد مترجم لازم نیست که مدنی باشد و مراد ازنقصان دارالحرب اسلام اسلم و غفارو جهینه وعُرنة وقبائل دیگراست، واین پیش ازهجرت است.

﴿٤٣﴾ و کافران می‌گویند پیامبر نیستی بگو خدا درمیان من وشما گواه بس است و کسیکه نزداوست علم کتاب بس است[۱].

سوره ابراهیم مکی است وآن پنجاه ودو آیه وهفت رکوع است

﴿۱﴾ الٓرٰ این کتابیست که آن را به سوی تو فروفرستادیم تامردمان را ازتاریکی ها به سوی روشنی به حکم پروردگار ایشان بیرون آوری به سوی راه خدای غالب ستوده. ﴿۲﴾ به راه خدایی که اوراست آنچه درآسمان ها است وآنچه درزمین است ووای برکافران از عذاب سخت. ﴿۳﴾ آنانکه زندگانی دنیارا برآخرت اختیار می کنند ومردمان راازراه خدا باز می‌دارند و در وی کجی را می طلبند[۲] ایشان در گمراهی دورند. ﴿٤﴾ ونفرستادیم هیچ پیامبررا مگر به زبان قوم او تا برای ایشان بیان کند پس گمراه سازد خدا هرکه را خواهد وراه نماید هرکه را خواهد واو غالب باحکمت است. ﴿٥﴾ وهرآئینه موسیٰ را به نشانه های خود فرستادیم (گفتیم) که قوم خود را ازتاریکی ها به سوی روشنی بیرون آور و ایشان را به روزهای خدا پند دِه[۳] هرآئینه درین برای هرشیکبایِ شکر گزار نشانه‌ها وعبرتهاست.

(۱) یعنی احبار یهود می دانند که رسالت آن حضرت صلی الله علیه وسلم صحیح است والله اعلم.

(۲) یعنی به شبهات ثابت می کنند که کج است.

(۳) یعنی به وقائعی که ازجانب اوبودند.

﴿٦﴾ و(یادکن) آن وقت را که موسیٰ قوم خود را گفت نعمت خدا را برخویش یادکنید چون شما را از آل فرعون نجات داد به شما سخترین عذاب را میرسانیدند و پسران شما را می‌کشتند ودختران شما را زنده می گذاشتند ودراین حال ازپروردگار شما آزمایش بزرگ بود. ﴿٧﴾ وآن وقت که پروردگار شما خبردارساخت که ا گر شکرکنید شما را بیشتر دهم و اگر ناسپاسی کنید هرآئینه عذاب من سخت است. ﴿٨﴾ وگفت موسیٰ ا گر شما وهرکس که درزمین است همگی کافرشوید پس هرآئینه خدا توانگر ستوده شده، است. ﴿٩﴾ آیا به شما خبرآنانکه پیش ازشما بودند قوم نوح وعاد و ثمود نیامده است وکسانی که بعد ازایشان آمدند نمی داند ایشان را(١) مگر خدا نزدایشان پیامبران ایشان به معجزه ها آمدند پس دستهای خود را در دهانهای خود بازآوردند(٢) وگفتند هرآئینه ما منکریم به آنچه به آن فرستاده شده اید وهرآئینه ما در شبهه قوی ایم ازآنچه ما را به آن می خوانید. ﴿١٠﴾ گفتند پیامبران ایشان آیا درخدا شبهه ای است آفریننده ٔ آسمان ها وزمین میخواند شما را تا برای شما گناهان شمارا بیامرزد و شمارا تامدتی معین موقوف دارد، گفتند شما نیستید مگرآدمی مانند ما میخواهید که ما را ازآنچه عبادت میکردند پدران ما بازدارید پس پیش ما حجتی ظاهر بیارید.

(١) یعنی عدد و صفات ایشان را.
(٢) یعنی ازنهایت تعجب و انکار انگشت به دندان گزیدند والله اعلم.

﴿۱۱﴾ به ایشان پیامبران ایشان گفتند نیستیم ما مگر آدمی مانند شما ولیکن خدا نعمت فراوان به هرکه خواهد ازبند گان خود میدهد وما را نرسد که حجتی برایتان بیاریم مگر به حکم خدا و مسلمانان باید که بر خدا توکل کنند. ﴿۱۲﴾ و ما را چیست که بر خدا توکل نکنیم وهرآئینه ما را راه های مان نموده است والبته براذیتی که ما را کردید صبر خواهیم کرد وبرخدا باید که توکل کنندگان توکل کنند. ﴿۱۳﴾ و کافران پیامبران خویش را گفتند البته شمارا ازسرزمین خود اخراج کنیم یا دردین ما بازآیید پس به سوی ایشان پروردگارایشان وحی فرستاد که ستمکاران را هلاك خواهیم کرد. ﴿١٤﴾ و شما را درزمین بعدازایشان ساکن خواهیم ساخت این وعده برای کسی است که ازایستادن به پیشگاه من بترسد واز بیمِ من بترسد. ﴿١٥﴾ و طلب فتح کردند و هر گردن کش ستیزنده زیان کارشد. ﴿١٦﴾ پیش روی اودوزخ است و ازآب ریم (یعنی چرك وخون جهنمیان) نوشانیده شود. ﴿۱۷﴾ آن را جرعه جرعه فروکشد ونزدیك نبُوَد ازآنکه آن را بسهولت درکشد و موت[۱] ازهر سو بیایدش حال آنکه او نخواهد مرد وپیش روی او عذابی سخت است. ﴿۱۸﴾ مثال آنانکه به پروردگار خویش نامعتقد شدند (این است که) اعمال ایشان مانند خاکستری بُوَد که سخت وزید برآن باد در روزی که باد تند دارد قدرت ندارند برهیچ چیزازآنچه کسب کرده بودند این گمراهی دور است[۲].

(۱) یعنی اسباب موت بیایدش.
(۲) یعنی اعمال ایشان همه برباد شوند وبدان منتفع نگردند والله اعلم.

﴿۱۹﴾ آیاندیدی که خدا آسمان ها وزمین را به تدبیر درست و محکم آفرید ا گر بخواهد شمارا ازمیان بردارد و آفرینشی نوین بیارد. ﴿۲۰﴾ و این برخدا دشوار نیست. ﴿۲۱﴾ وهمگی پیش خدا حاضر شوند پس ضعیفان گردن کشان را (یعنی تابعان پیش روان را) گویند هرآئینه ما تابع شما بودیم پس آیا شما ازما پاره ای ازعذاب خدا را دفع کننده هستید گویند اگر خدا مارا راه می نمود، شمارا راهنمایی می کردیم برابراست برما که بی تابي کنیم یاشکیبایی ورزیم ما را هیچ گریزگاهی ونجات دهنده ای نیست. ﴿۲۲﴾ و شیطان گفت وقتی که کار فیصله کرده شد[۱] هرآئینه خدا شما را وعده داد وعدهٔ راست و شما را وعده دادم پس من باشما خلاف وعده کردم و مرا برشما هیچ تسلط نبود لیکن بود آنکه شما را بخواندم پس سخن مرا قبول کردید پس مرا ملامت مکنید وخویش را ملامت کنید نیستم فریادرس شما وشما فریادرس من نیستید هرآئینه من ازآنکه مرا شریك مقرر کردید پیش ازین بیزارشدم هرآئینه ستمکاران ایشان را عذاب دردناك است. ﴿۲۳﴾ ودرآورده شدند آنانکه ایمان آوردند وکارهای شایسته کردند به بوستانهائیکه زیرآنها جویها می رود جاودان درآن به حکم پروردگار خویش، دعای خیرایشان بایکدیگرآنجا سلام است. ﴿۲٤﴾ آیا ندیدی خدامثال سخن پاکیزه را چگونه زد مانند درخت پاکیزه که ریشه اش استوارباشد وشاخه اش درآسمان.

(۱) مترجم گوید یعنی وقتی که بهشتیان به بهشت در آیند ودوزخیان ره دوزخ گیرند والله اعلم.

﴿۲۵﴾ میوه های خود را هرفصلی به حکم پروردگار خویش میدهد وخدا مثل ها را برای مردمان می زند تابُوَد که پندپذیر شوند. ﴿۲٦﴾ ومثل سخن ناپاك مانند درخت ناپاك است که برکنده شد ازبالای زمین اوراهیچ استقراری نیست[۱]. ﴿۲۷﴾ و خدا مسلمانان را بر سخن درست درزندگانی دنیا ودرآخرت استوار می سازد وخدا ستمکاران را گمراه میسازد ومیکند خداآنچه می خواهد[۲]. ﴿۲۸﴾ آیاندیدی به سوی آنانکه نعمت خدا را به ناسپاسی[۳] تبدیل کردند و قوم خود را به سرای هلاکت فرود آوردند. ﴿۲۹﴾ آنجا که دوزخ است درآیند وآن بد جایگاهی است. ﴿۳۰﴾ و برای خدا همتایان مقررکردند تا عالم را ازراه او گمراه کنند بگوبهره مند شوید هرآئینه بازگشتِ شما به سوی آتش است. ﴿۳۱﴾ بگوآن بندگان مرا که ایمان آورده اند نمازرا برپادارند و ازآنچه ما روزی دادیم ایشان را پنهان وآشکارا پیش ازآنکه بیاید روزی که خرید و فروش نیست درآن خرج کنند ونه بایکدیگر دوستی‌ای بُوَد. ﴿۳۲﴾ خداآنست که آسمان ها وزمین را آفرید وازآسمان آب را فروفرستاد پس به آن آب روزی برای شماز انواع میوه ها بیرون آورد وبرای شما کشتی را مُسخّر ساخت تابِرَوَد در دریابه حکم او وبرای شما جویهارا مُسخّر ساخت. ﴿۳۳﴾ و برای شماخورشید وماه را که پیوسته دوانند مُسخّر ساخت وبرای شما شب و روز را مُسخّر ساخت.

---

(۱) یعنی شریعت حق درملکوت ثابت است ودردنیا هر روز رواجی تازه می یابد ومردمان منتفع میشوند و ملت جاهلیت در ملکوت استقرار ندارد هر چند درمیان مردم شایع شود در نهایت درهم وبرهم کرده آید والله اعلم.

(۲) یعنی وقت مرگ توفیق شهادت میدهد ووقت سوال منکرونکیر به قول حق گویا میسازد والله اعلم.

(۳) یعنی ناسپاسی کردند به شومی آن نعمت مفقود شد پس گویا نعمت دادند وکفر را خریدند والله اعلم.

﴿۳٤﴾ وشما را ازهرچه خواستید داد وا گر نعمت خدا را بشمارید آن را نتوانید احاطه کرد هرآئینه انسان ستمکارناسپاس است. ﴿۳٥﴾ ویادکن چون ابراهیم گفت ای پروردگار من این شهررا جای امن بکن ودوربِدارمرا و فرزندانِ مرا ازآنکه عبادت بتان کنیم. ﴿۳٦﴾ ای پروردگار من این بتان بسیاری را ازمردمان گمراه کرده اند پس هرکه پیروی من کرد پس هرآئینه اواز من است وهرکه مرا نافرمانی کرد پس هرآئینه توآمرزندهٔ مهربانی. ﴿۳۷﴾ ای پروردگار ماهرآئینه من بعضی ازاولاد خودرا[1] به وادی بی زراعت نزديك خانهٔ محترم تو ساکن ساختم، ای پروردگارما تا نمازرا برپادارند پس دلهایی چند را ازمردمان رغبت کننده به سوی ایشان بگردان وروزی دِه ایشان رااز میوه ها تابُوَدکه ایشان سپاس گزاری کنند. ﴿۳۸﴾ ای پروردگار ما هرآئینه تومیدانی آنچه پنهان می داریم وآنچه آشکارمی کنیم و برخدا هیچ چیزی نه درزمین ونه درآسمان پوشیده نمی ماند. ﴿۳۹﴾ سپاس آن خدای راست که مرا باوجود کهن سالی اسمٰعیل واسحٰق را عطا کرد هرآئینه پروردگارمن شنوندهٔ دعاست. ﴿٤٠﴾ ای پروردگار من مرا برپادارندهٔ نماز بگردان واز فرزندان من نیز ای پروردگارما دعای مرا قبول کن. ﴿٤١﴾ ای پروردگار مرا ومادر وپدر مرا و مسلمانان را روزی که حساب برپا شود بیامرز. ﴿٤٢﴾ وهر گز خدا را بی خبر ازآنچه ستمکاران می کنند مپندار جزاین نیست که ایشان رابرای روزیکه درآن چشم ها خیره شوند مهلت میدهد.

(۱) مترجم گوید یعنی خانواده بی وسیله را والله اعلم.

﴿٤٣﴾ شتاب کنندگان، سرخود بردارندگان بازنمی گردد به سوی ایشان چشم ایشان ودلهای ایشان خالی است. ﴿٤٤﴾ و مردمان را از روزی که به ایشان عذاب بیاید بترسان پس ظالمان گویند ای پروردگار ما ما را مهلت ده تا میعادی نزدیك تادعوت تورا اجابت کنیم و رسولان را پیروی کنیم، گفته شود به ایشان آیا قسم نمی خوردید پیش ازاین که شمارا هیچ زوال نباشد. ﴿٤٥﴾ و درمنازل آنانکه ستم کردند برخویش ساکن شدید و برشما واضح شد که به ایشان چه کردیم و برای شما مثل ها زدیم. ﴿٤٦﴾ وهرآئینه تدبیر کردند به تدبیر خویش و علم تدبیر ایشان نزد خداست و ا گرچه تدبیرایشان چنان شدید باشد که کوهها ازجای روند[١]. ﴿٤٧﴾ پس خدارا خلاف کننده وعده بارسولانِ خود مپندار هرآئینه خداغالب صاحب انتقام است. ﴿٤٨﴾ روزی که این زمین به غیر این زمین تبدیل کرده شود و تبدیل کرده شوند آسمان ها و به پیشگاه خدای یگانه غالب ظاهر شوند. ﴿٤٩﴾ وببینی توآن روزگناه کاران را دست وپا به هم بسته درزنجیرها. ﴿٥٠﴾ لباس ایشان ازسُرب گداخته باشد و روی های ایشانرا آتش بپوشد[٢]. ﴿٥١﴾ تاجزا دهدخدا هرکسی را به آنچه کرده است هرآئینه خدا زود حساب گیرنده است. ﴿٥٢﴾ این (قرآن) خبررسانی‌ای برای مردمان است[٣] وتا به آن بیم داده شوند وتابدانند که جزاین نیست که وی خدای یگانه است و تا صاحبان عقل پندپذیرشوند.

(١) یعنی (بازهم) مکرایشان ضعیف است والله اعلم.

(٢) قطران چیزی سیاه بدبودارست که آتش دران زودمی گیرد والله اعلم.

(٣) یعنی نازل کرده شده است برای تبلیغ.

سوره حجر مکی است وآن نود ونه آیه وشش رکوع است

﴿١﴾ الٓرٰ این آیه های کتاب الهی وقرآن روشن است. ﴿٢﴾ چه بسابود که دوست دارند کافران ای کاش مسلمان می بودند. ﴿٣﴾ ایشان را بگذار تابخورند وبهره مند شوند و ایشان را امید مشغول کند و سپس خواهند دانست. ﴿٤﴾ وهیچ دهی را هلاك نکردیم مگر که وی را اجلی معلوم بود. ﴿٥﴾ سبقت نمی کند هیچ گروهی ازمدت خود ونه تاخیرمی کنند. ﴿٦﴾ و گفتند کافران ای کسی که بروی قرآن فرود آورده شده است هرآئینه تو دیوانه ای. ﴿٧﴾ چرا پیش ما فرشتگان را نمی آوری ا گر از راست گویان هستی. ﴿٨﴾ فرونمی فرستیم فرشتگان را مگر بتدبیر محکم و آنگاه مهلت داده شده نباشند. ﴿٩﴾ هرآئینه قرآن را فروفرستادیم وهرآئینه مااورا نگاهبانیم. ﴿١٠﴾ وهرآئینه پیامبران را پیش ازتو درفرقه های پیشینیان فرستاده‌ایم. ﴿١١﴾ ونمی آید به ایشان هیچ فرستاده ای مگر بودند که به او تمسخر می کردند. ﴿١٢﴾ همچنین استهزاء را در دلهای گناه کاران (یعنی کفار مکه) درمی آوریم. ﴿١٣﴾ به قرآن ایمان نیاورند وهرآئینه آئین پیشینیان گذشت. ﴿١٤﴾ وا گر برایشان دری ازآسمان بگشاییم پس به این صفت شوند که ازآن پیوسته بالا میروند. ﴿١٥﴾ البته جزاین نیست که گویند بسته شده چشم های ما بلکه ماقومی جادوزده هستیم.

﴿١٦﴾ وهرآئینه درآسمان برجها را پیداکردیم وبیاراستیمش برای بینندگان. ﴿١٧﴾ و ازهر شیطان رانده شده نگاهداشتیمش. ﴿١٨﴾ مگر آنکه به دزدی شنود پس درپی وی آتش آشکار افتد. ﴿١٩﴾ وزمین را گسترانیدیم و درآن کوه ها را انداختیم ودرآن ازجنس هر چیز سنجیده رُویانیدیم[١]. ﴿٢٠﴾ و برای شمادرآن جا اسباب معیشت ساختیم و برای شماآنکه نیستید اورا روزی دهنده[٢] ساختیم. ﴿٢١﴾ ونیست هیچ چیز مگر نزدِ ماخزانه های اوست و آن را مگر به اندازۀ مقرر فرود نمی آوریم. ﴿٢٢﴾ و بادها را باردارکنندۀ ابر فرستادیم پس ازآسمان آب را فرود آوردیم پس شماراآن آب نوشانیدیم و شماآن را جمع کننده نیستید. ﴿٢٣﴾ وهرآئینه مازنده می سازیم ومی میرانیم ومابییم وارث. ﴿٢٤﴾ وبه یقین (حال) پیشینیان را ازشما دانسته ایم وبه یقین (حال) پسینیان را دانسته ایم. ﴿٢٥﴾ وهرآئینه پروردگار تو اوست که ایشان را برانگیزد هرآئینه اواستوارکارداناست. ﴿٢٦﴾ وبه یقین آدمی را ازگلِ خشك ازنوع گِل سیاه بوی گرفته آفریدیم. ﴿٢٧﴾ وجنّهارا پیش ازین ازآتش سوزان پیداکردیم. ﴿٢٨﴾ ویادکن چون پروردگار تو فرشتگان را گفت هرآئینه من آدمی را ازگِل خشك ازنوع گِل سیاه بوی گرفته آفریننده ام. ﴿٢٩﴾ پس چون راست کنمش و در وی ازروح خود بدمم پس پیش اوسجده کنان درافتید. ﴿٣٠﴾ پس فرشتگان تمام ایشان همه یك جا سجده کردند. ﴿٣١﴾ مگر ابلیس سرباز زد ازآنکه باشد باسجده کنندگان.

(١) یعنی هرنوع را صورتی و صفتی است که ازآن جا تجاوز نمیکند.

(٢) یعنی غلامان وجانوران والله اعلم.

﴿۳۲﴾ خدا گفت ای ابلیس چیست تورادرین که باسجده کنندگان نمي باشی. ﴿۳۳﴾ گفت هرگزنیستم که آدمی را که پیداکرده ای اورا ازگِل خشك ازنوع گِل سیاه بوی گرفته سجده کنم. ﴿۳٤﴾ گفت پس از بهشت هرآئینه تورانده شده ای. ﴿۳٥﴾ وهرآئینه تاروزقیامت برتو لعنت است. ﴿۳٦﴾ گفت ای پروردگار من مرا تا روزي که مردمان برانگیخته شوند مهلت دِه. ﴿۳۷﴾ گفت هرآئینه توازمهلت داده شدگانی. ﴿۳۸﴾ تا آن روز وقت مقرر. ﴿۳۹﴾ گفت ای پروردگار من به سبب آنکه مرا گمراه کردی البته (معصیت را) برای ایشان درزمین بیارایم والبته همگی ایشان را گمراه سازم. ﴿٤٠﴾ مگر بندگانِ خالص کردهٔ تورا ازایشان. ﴿٤١﴾ خدا گفت این اخلاص راهیست راست، که به من می رسد. ﴿٤۲﴾ هرآئینه بندگان من تورا برایشان غلبه نیست لیکن غلبهٔ تو برکسی باشد که ازگمراهان پیروی توکرد. ﴿٤۳﴾ وهرآئینه دوزخ وعده گاه همگی ایشان است. ﴿٤٤﴾ اورا هفت دراست هردری را ازگمراهان نصیبی جداکرده شده است. ﴿٤٥﴾ هرآئینه پرهیزگاران در بوستان هاوچشمه‌ها باشند. ﴿٤٦﴾ درینجا ایشان را گفته شود درحال امنیت درآیید. ﴿٤۷﴾ وبیرون کشیم آنچه در سینه های ایشان بُوَد ازکینه برادرانه روبه روی یکدیگر برتخت ها نشسته اند. ﴿٤۸﴾ به ایشان آنجا هیچ رنجی نرسد و ایشان ازآنجا بیرون کرده شده نیستند. ﴿٤۹﴾ بندگان مرا خبردِه که من آمرزندهٔ مهربانم. ﴿٥٠﴾ و آنکه عذاب من همان عذاب درد ناك است. ﴿٥۱﴾ و ایشان را ازمهمانان ابراهیم خبردِه.

﴿۵۲﴾ چون بروی داخل شدند پس سلام گفتند ابراهیم گفت هرآئینه ماازشما ترسانیم. ﴿۵۳﴾ گفتند مترس هرآئینه ما تورا بفرزندی دانا مژده میدهیم. ﴿۵٤﴾ گفت آیا مرا بشارت دادید باوجود آنکه به من پیری رسید پس به چه چیز بشارت میدهید. ﴿۵۵﴾ گفتند تورا به راستی مژده دادیم پس ازناامیدان مباش. ﴿۵٦﴾ گفت وکیست که ازرحمت پروردگار خود نا امید شود مگرگمراهان. ﴿۵۷﴾ گفت پس چیست خبرشما ای فرستادگان. ﴿۵۸﴾ گفتند هرآئینه ما به سوی گروهی گنهکار فرستاده شدیم. ﴿۵۹﴾ بجز آل لوط هرآئینه ما البته همگی ایشان را نجات خواهیم داد. ﴿٦۰﴾ غیراز زنش که مقرر کرده ایم که البته وی ازبازماندگان است. ﴿٦۱﴾ پس هنگامیکه فرستادگان به آل لوط آمدند. ﴿٦۲﴾ گفت هرآئینه شما گروهی ناآشنایید. ﴿٦۳﴾ گفتند بلکه آورده ایم پیش توآنچه درآن شبهه می کردند (یعنی عقوبت). ﴿٦٤﴾ و پیش تو وعدهٔ راست را آورده ایم وهرآئینه ما البته راست گوییم. ﴿٦۵﴾ پس اهل خود را به پاره ای از شب بِبَر وتو به دنبال ایشان بِرَو وباید که ازشما هیچکس پس پشت خود ننگرَد وبروید آنجاکه فرموده شوید (وآن سرزمین شام بود). ﴿٦٦﴾ واین امررا به سوی لوط وحی فرستادیم که بامداد بیخ ایشان بریده خواهدشد. ﴿٦۷﴾ و اهل شهر شادی کنان آمدند. ﴿٦۸﴾ گفت لوط هرآئینه ایشان مهمان من هستند پس مرا رسوا مکنید. ﴿٦۹﴾ وازخدا بترسید ومرا خوار مکنید. ﴿۷۰﴾ گفتند آیا تورا ازمیزبانی غریبان منع نکرده بودیم.

﴿۷۱﴾ گفت این ها دختران من هستند اگر هستید کنندهٔ کاری[۱]. ﴿۷۲﴾ قسم به زندگانی تو که این کافران درگمراهی خویش سرگردان میشوند[۲]. ﴿۷۳﴾ پس ایشان را آوازهولناك به هنگام طلوع آفتاب فروگرفت. ﴿۷٤﴾ پس ساختیم آن شهر ها را زیرورو و بریشان سنگ ازنوع سنگ گِل بارانیدیم[۳]. ﴿۷٥﴾ هرآئینه درین قصه عبرت گیرندگان را نشانه هاست. ﴿۷٦﴾ وهرآئینه آن (شهرها) برسرراهی هستند که دایم آمد ورفت دارد. ﴿۷۷﴾ هرآئینه دراین نشانه‌ای برای مومنان است. ﴿۷۸﴾ وهرآئینه اهلِ آیکه البته ستمکاران بودند. ﴿۷۹﴾ پس ازایشان انتقام گرفتیم هردوی آنان (قومِ لوط وأصحاب ایکه) بر راهی آشکار هستند. ﴿۸۰﴾ وهرآئینه ساکنان حِجر (نیز) پیامبران را تکذیب کردند. ﴿۸۱﴾ و به ایشان آیه های خود را رسانیدیم پس ازآن روگردان شدند. ﴿۸۲﴾ و در امن وأمان بودند ازکوه ها خانه هایی میتراشیدند. ﴿۸۳﴾ پس ایشان را آوازسخت هنگام صبح گرفت. ﴿۸٤﴾ پس دفع نکرد ازایشان آنچه کسب می کردند. ﴿۸٥﴾ ونیافریدیم آسمان ها وزمین وآنچه راکه مابین این هاست مگر به تدبیر درست وهرآئینه قیامت آمدنیست پس در گذر (یعنی ازبی ادبیهای ایشان) درگذشتن نیکو. ﴿۸٦﴾ هرآئینه پروردگار توهمانست آفریننده دانا. ﴿۸۷﴾ وهرآئینه تورا هفت آیه (سوره فاتحه) از آنچه (درنماز) مکرر (خوانده میشود)[٤] دادیم و تورا قرآن بزرگ دادیم. ﴿۸۸﴾ دوچشم خودرا به سوی آنچه بهره مند ساخته ایم به آن جماعت هاازکافران بازمکن وبرایشان اندوهناك مشو و بازوی خودرا[٥] برای مسلمانان پست بکن. ﴿۸۹﴾ وبگوهرآئینه من بیم دهندهٔ آشکارم. ﴿۹۰﴾ عذاب را فرود خواهیم آورد همانگونه که برتقسیم کنندگان (یعنی یهودونصاریٰ) فرود آورده بودیم.

---

(۱) یعنی اگرقضای شهوت خواهید نکاح دختران من کنید والله اعلم.

(۲) این کلمه دروسط قصه حضرت لوط إضافه کرده شدتاتنبیه باشد برتطبیقِ حالِ مشرکین مکه بر حالِ قوم لوط وامثال ایشان والله اعلم.

(۳) مترجم گوید یعنی گل پخته مثل سنگ شده.

(٤) یعنی سورة فاتحه.

(٥) یعنی تواضع کن.

﴿۹۱﴾ آنانکه کتاب الهی را پاره پاره ساختند[۱]. ﴿۹۲﴾ پس قسم به پروردگار توالبته همگی ایشان را سوال کنیم. ﴿۹۳﴾ ازآنچه میکردند. ﴿۹٤﴾ پس آشکارکن به آنچه فرموده میشوی وازمشرکان اعراض کن. ﴿۹۵﴾ هر آئینه ما تورا از شَرِّ ریشخند کنندگان بَسِنده ایم. ﴿۹٦﴾ آنانکه به خدا معبود دیگری را مقررمیکنند پس زود میدانند. ﴿۹۷﴾ به راستی می دانیم ازحال توکه سینهٔ تو تنگ می شود از آنچه می گویند. ﴿۹۸﴾ پس پروردگار خود را باستایشِ او به پاکی یاد کن و ازسجده کنندگان باش. ﴿۹۹﴾ وپروردگار خود را تاوقتیکه به تومرگ برسد عبادت کن.

سوره نحل مکی است وآن یکصد وبیست و هشت آیه وشانزده رکوع است

﴿۱﴾ حکم خدا آمد پس به شتاب آن را[۲] طلب مکنید پاك است خدا وبلند قدرست ازآنچه شریك او مقررمی کنند. ﴿۲﴾ فرشتگان را باوحی به ارادهٔ خود برهرکه خواهد ازبندگانش فرود می‌آورد که بترسانید (به این مضمون که خدا میفرماید) که هیچ معبود برحقی مگر من نیست پس ازمن بترسید. ﴿۳﴾ آسمان ها وزمین را به تدبیر درست آفرید ازآنچه شریك او مقرر میکنند برتروبالاتر است. ﴿٤﴾ آدمی را از مَنی آفرید، پس ناگهان وی ستیزنده آشکار است. ﴿۵﴾ وچهارپایان را برای شما آفرید، درآنها پوششی ومنفعت های دیگراست وبعضی از آنها را میخورید. ﴿٦﴾ وشما را درآنها آرایش است چون وقت شام از صحرا بازمی آورید وچون به سوی صحرا آنها را می فرستید.

(۱) مترجم گوید یعنی اهل کتاب که بربعض آیات عمل می کردند وبربعضی نه والله اعلم.
(۲) یعنی غلبه دین اسلام و تعذیب کفار به یقین شدنی است چراشتاب میکنند والله اعلم.

﴿۷﴾ و بارهای شمارا برمیدارند به سوی شهریکه هرگز به آن نمی رسیدید به آن مگر به مشقت جان ها هرآئینه پروردگار شما بخشاینده مهربان است. ﴿۸﴾ و اسبان وقاطران وخران را (آفرید) تا برآن سوار شوید وبرای آرایش آنچه راکه نمی دانید ومیِآفریند. ﴿۹﴾ وبرخدا است (هدایت مردمان به) راه راست وبعضی ازراهها کج است وا گر می خواست وی همگی شمارا راه می نمود. ﴿۱۰﴾ اوست آنکه ازآسمان آب را برای شما فرود آورد ازآن آب آشامیدنی است وازآن آب درختانی است که درآن حیوان میچرانید. ﴿۱۱﴾ برای شما به آن آب زراعت وزیتون ودرختان خرما وانگور وازهرجنس میوه ها میرویاند، هرآئینه دراین نشانه ای است گروهی را که تفکّر می کنند. ﴿۱۲﴾ و برای شما شب و روز وخورشید وماه را رام کرد وستارگان به فرمان وی مسخراند هرآئینه دراین نشانه هاست گروهی را که درمی یابند. ﴿۱۳﴾ و(مسخر کرد) برای شما آنچه درزمین گوناگون رنگهای او[1] آفرید هرآئینه دراین نشانه ای است گروهی راکه پند می پذیرند. ﴿۱٤﴾ واوست آن که دریا را مسخر ساخت تا ازآن گوشت تازه (یعنی ماهی) بخورید وتابیرون آورید ازآن پیرایه ای که آن را بپوشید ومی بینی کشتی ها را رونده دردریا ودریا را مسخر کرد تا ازفضل او طلب معیشت کنید وتابُوَد که شکر کنید.

(۱) یعنی ازانواع حیوان و نبات.

﴿۱۵﴾ و درزمین کوه های محکم وپا برجائي افکند تااینکه زمین شما را نلرزاند و جویها وراه هارا آفرید تابُوَد که راه یاب شوید. ﴿۱٦﴾ ونشانه هایی را آفرید وبه ستارگان ایشان راه می یابند. ﴿۱۷﴾ آیا کسی که می آفریند مانند کسی است که نمی آفریند آیا پند نمی گیرید. ﴿۱۸﴾ واگر نعمت خدا را بشمارید آن را احاطه نکنید هرآئینه خدا آمرزندهٔ مهربان است. ﴿۱۹﴾ خدا میداند آنچه راکه پنهان میدارید وآنچه راکه آشکار میکنید. ﴿۲۰﴾ وآنان که کافران ایشان را به جای خدا می پرستند چیزی را نمی آفرینند وخود شان آفریده می شوند. ﴿۲۱﴾ مردگانند نه زندگان ونمی دانند کَی برانگیخته خواهند شد. ﴿۲۲﴾ معبود شما معبودی یگانه است پس آنانکه معتقد نمی شوند به آخرت دلهای ایشان ناشناس است وإیشان سرکش اند. ﴿۲۳﴾ بی شك خدا میداند آنچه راکه پنهان میدارند وآنچه راکه آشکارمیکنند هرآئینه او سرکشان را دوست ندارد. ﴿۲٤﴾ وچون گفته شود ایشان را چیست آنچه پروردگارشما فروفرستاده است گویند افسانه های پیشینیان است. ﴿۲۵﴾ عاقبت این گفتار آنکه بارگناه خویش را به طور کامل روزقیامت بردارند و نیز بعضی بارهای آنانکه گمراه می سازند ایشان را به غیر دانش بردارند آگاه شوید چه بد است آنچه برمیدارند. ﴿۲٦﴾ هرآئینه بداندیشی کردند آنانکه پیش ازایشان بودند پس (فرمان) خدا بیامد بنیادشان را ازپایه برانداخت که سقف ازفرازشان برآنان فرو افتاد بدیشان عذاب رسید ازآن جهت که نمی دانستند[۱].

(۱) واین تمثیل است افساد مکرایشانرا بابلیغترین وجه ممکن.

﴿۲۷﴾ دوباره روزقیامت ایشان را رسواکند و گوید کجایندآن شریکان (دروغینِ) من که جنگ وجدال می کردید درحق ایشان گویند اهل علم هرآئینه رسوایی وسختی امروز برکافران است. ﴿۲۸﴾ آنانکه فرشتگان قبض ارواح ایشان درحالی میکردند که برخویش ستمکاربودند پس انداختند آن کافران پیغام انقیاد را که ما هرگز هیچ عمل بدی انجام نمی دادیم گفته شود آری هرآئینه خدا داناست به آنچه می کردید. ﴿۲۹﴾ پس درآیید به دروازه های دوزخ جاویدان درآن جا پس بَدَست (دوزخ) جای سرکشان. ﴿۳۰﴾ و به متقیان گفته شد چیست آنچه پرورگار شما فروفرستاد گفتند فرودآورده است بهترین سخن برای آنان که نیکوکاری کرده اند دراین سرای حالت نیك است والبته سرای آخرت بهتراست والبته سرای متقیان در آخرت چه نیکو است. ﴿۳۱﴾ به بوستانهایی همیشه ماندن درآیند آن جاکه زیرآنها جویها میرود، برای ایشان است درآن هرچه خواهند همچنین خدا متقیان را پاداش می‌دهد. ﴿۳۲﴾ آنانکه فرشتگان قبض ارواح ایشان می‌کنند درحالیکه شادمان باشندگویند فرشتگان سلام برشما باد درآیید به بهشت به (پاداش) آنچه می کردید[۱]. ﴿۳۳﴾ کافران انتظار نمی‌کشند مگرآنکه به ایشان فرشتگان بیایند[۲] یا فرمان پروردگار تو بیاید[۳] هم چنین کردند آنانکه پیش ازایشان بودند و خدا برایشان ستم نکرد ولیکن برخویش ستم می‌کردند. ﴿۳۴﴾ پس به ایشان جزای گناهان اعمال ایشان رسید و به ایشان آنچه به آن استهزاء وریشخند می کردند فرودآمد.

(۱) مترجم گوید خدای تعالی این دوصورت رابرای بیان قال وحال ومآل اهل سعادت واهل شقاوت نازل فرموده والله اعلم.

(۲) یعنی برای قبض ارواح.

(۳) یعنی عذاب او.

﴿۳۵﴾ و مشرکان گفتند اگر خدا نمی خواست بجزوی هیچ چیزی را نه ما ونه پدران ما نمی پرستیدیم و به غیر ازفرمان وی هیچ چیزی را حرام نمی دانستیم[۱] هم چنین کردند آنانکه پیش ازایشان بودند پس برپیامبران بجز خبررسانیدن آشکار نیست. ﴿۳۶﴾ وبه یقین فرستادیم درهراُمّتی پیامبری را که عبادت خدا کنید و ازبتان دوری کنید پس ازایشان کسی بود که خدا راه نمودش و از ایشان کسی بود که بروی گمراهی ثابت شد پس گردش کنید درزمین پس بنگرید چگونه شد سرانجام تکذیب کنندگان. ﴿۳۷﴾ اگر بر هدایت ایشان کوشش کُنی چه سود هرآئینه خدا راه نمی نماید آن را که گمراه میسازد ونیست برای ایشان (روزقیامت) هیچ یاری دهنده. ﴿۳۸﴾ و به خدا قسم خوردند به محکم ترین سوگند های خود که خدا مرده را برنمی انگیزد آری برانگیزد وعدهٔ درست لازم شده براوست ولیکن بیشترین مردمان نمی دانند. ﴿۳۹﴾ (آری برانگیزد) تابیان کند برای ایشان آنچه درآن اختلاف می کنند وتا کافران بدانند که ایشان دروغگو بودند. ﴿۴۰﴾ فرمان مابرای چیزی نیست چون آفریدنش را خواهیم مگر اورا گوییم بشو پس می شود. ﴿۴۱﴾ وکسانی که برای خدا هجرت (ترك دیار خود) کردند بعد ازآن که برایشان ستم کرده شد (درمکه) البته ایشان را دردنیا به سرای نیك جامی‌دهیم وهرآئینه پاداش آخرت بزرگ تراست ا گر می‌دانستند. ﴿۴۲﴾ آنانکه صبر کردند وبرپرودرگار خویش توکل مینمایند[۲].

(۱) یعنی سلف مااجماع کرده‌اندوآن بدون رضای خدامنعقدنمی شود والله اعلم.
(۲) واین وعده متحقق شده ومهاجرین را به مدینه جای داد.

﴿٤٣﴾ ونفرستادیم پیش ازتو مگر مردانی را که به سوی ایشان وحی می فرستادیم پس سوال کنید از (دانایان) اهل کتاب اگر نمی دانید[1]. ﴿٤٤﴾ ایشان را به دلائل وکتاب ها فرستادیم و به سوی تو کتاب فرودآوردیم تابیان کنی برای مردمان شریعتی را که به سوی ایشان فرود آورده شده وتا باشد که ایشان تفکر کنند. ﴿٤٥﴾ آیا آنانکه تدبیرهای بد اندیشیدند ایمن شده اند[2] ازآنکه خداایشان را به زمین فروبَرَد یابیاید به ایشان عذاب ازآن جا که ندانند. ﴿٤٦﴾ یا ایشان را هنگام آمد ورفت ایشان بگیرد پس عاجز کننده نیستند. ﴿٤٧﴾ یا ایشان را درحال ترس بگیرد[3] پس هرآئینه پروردگار شمالطف کنندهٔ بخشاینده است. ﴿٤٨﴾ آیا به سوی آنچه خدا پیداکرده است ازهرچیزی نمینگرند که سایه های اوازجانب راست واز جانب چپ سجده کنان برای خدا خوارشده میگردد. ﴿٤٩﴾ وخدای را سجده می کنند آنچه ازنوع جنبنده درآسمان ها وآنچه درزمین است وفرشتگان نیز سجده می کنند وایشان سرکشی نمی کنند. ﴿٥٠﴾ ازپروردگارشان از بالایِ خویش می ترسند ومی‌کنند آنچه فرموده می شوند. ﴿٥١﴾ وخدا گفت دومعبود را فرامگیرید جزاین نیست که وی معبود یگانه است پس ازمن بترسید. ﴿٥٢﴾ برای او است آنچه درآسمان ها وزمین است وبرای او است عبادت لازم شده آیا ازغیر خدا می ترسید. ﴿٥٣﴾ وآنچه ازنعمت باشما است ازجانب خداست دوباره چون به شما سختی رسد پس به سوی اومی‌نالید. ﴿٥٤﴾ بازچون سختی را ازسرشما بردارد ناگهان گروهی ازشما به پروردگار خود شریك مقرر می‌کنند.

---

(١) یعنی پیامبران سابق آدمی بودند فرشته نبودند والله اعلم.

(٢) یعنی درحق پیامبران ومومنان.

(٣) یعنی بعد ازاقامت قرائن هلاك.

﴿٥٥﴾ تا ناسپاسی کنند به آنچه ایشان را دادیم پس بهره مند شوید پس زود خواهید دانست. ﴿٥٦﴾ ومقرر کردند برای چیزی که نمیدانند (حقیقت آن را یعنی برای بتان) بهره ای ازآنچه ایشان را روزی دادیم قسم به خدا البته پرسیده خواهید شد ازآنچه افترا می‌کردید. ﴿٥٧﴾ وبرای خدا دختران را مقرر میکنند، او پاك است ومقررمیکنند برای خویش آنچه رغبت مینمایند[١]. ﴿٥٨﴾ واگر یکی را ازایشان بتولّدِ دختر مژده داده شود روی اوسیاه گردد و او پرازاندوه باشد. ﴿٥٩﴾ به سبب ناخوشی آنچه مژده داده شد به وی ازقوم پنهان شود درتامل افتد که آیا نگهداردش باخواری یا اورا درخاك در آرد آگاه شوید حکم ایشان بداست. ﴿٦٠﴾ برای آنان که به آخرت معتقدنمی‌شوند صفت بداست وخدای راست صفت بلند واوغالب باحکمت است. ﴿٦١﴾ واگر خدا مردمان را به سبب ستم ایشان گرفتار کند برزمین هیچ جنبنده ای نگذارد ولی ایشان را تاوقتی مقرر مهلت میدهد پس چون آن وقت مقرر ایشان برسد لحظه ای بازپس نمی مانند ونه پیش می روند. ﴿٦٢﴾ ومقررمی کنند برای خداآنچه راکه ناپسندمی‌شمارند[٢] وزبانهای ایشان سخن دروغ را بیان می کند که ایشان را نیکویی باشد[٣] شکّی نیست درآنکه ایشان را آتش باشد وآنکه ایشان به دوزخ پیش فرستادگانند. ﴿٦٣﴾ قسم به خدا هرآئینه (پیامبران را) فرستادیم به سوی امّتانی که پیش ازتو بودند پس شیطان برای ایشان کردارهای ایشان را بیاراست پس او یارایـن کـافـران اسـت امـروزایـشـان را عـذاب درد نـاك اسـت. ﴿٦٤﴾ وبـرتـو کـتـاب را فرونیاوردیم مگر برای آنکه برای ایشان بیان کنی آنچه راکه درآن اختلاف کردند وبرای راه نمودن وبخشایش قومی که ایمان می آورند.

(١) یعنی پسران را.
(٢) یعنی دختران.
(٣) یعنی نجات در آخرت.

﴿٦٥﴾ وخدا ازآسمان آب را فرودآورد پس به آن زمین را بعد مرگ آن زنده ساخت هرآئینه دراین نشانه است گروهی را که می شنوند. ﴿٦٦﴾ وهرآئینه شمارا درچهار پایان پندی هست، می نوشانیم شمارا ازجمله آنچه درشکم های آنها است ازمیان سرگین وخون، شیرخالص گوارا برای آشامندگان. ﴿٦٧﴾ واز میوه های درختان خرما ودرختان انگور قسمی هست که ازآن شراب مست کننده میسازید و ازآن روزی حلال میسازید هرآئینه دراین نشانه است گروهی را که درمی یابند. ﴿٦٨﴾ والهام فرستاد پروردگار تو به سوی زنبور عسل که خانه ها ازکوه ها و ازدرختان به ساز و ازآنچه مردمان بنامی کنند. ﴿٦٩﴾ بازبخور ازهرجنس میوه ها و(بافرمانبرداری) راه های پروردگار خویش رادرپیش گیر برمی آیدازشکم های این زنبوران آشامیدنی رنگ هایش گوناگون، درآن آشامیدنی مردمان را شفاست هرآئینه درین مقدمه نشانه ای است گروهی را که تفکر می کنند. ﴿٧٠﴾ وخدا شمارا آفرید باز شمارا می میراند وازشماکسی هست که به خوار ترین عمر برگردانده میشود مآلش آنکه بعد از دانستن چیزی را نداند هرآئینه خدا دانای توانا است. ﴿٧١﴾ وخدا بعضی از شمارا بربعضی (دیگری) درروزی فضل داد پس نیستند آنانکه افزونی داده شدند روزی خودرا برمملوکان خود بازگرداننده تاهمه ایشان درروزی برابر باشند آیا نعمت خدارا انکارمی نمایند[1]؟. ﴿٧٢﴾ وخدا برای شماازجنس شما زنان را آفرید وبرای شما اززنان شما فرزندان و نوادگان را آفرید وشمارا ازپاکیزه هاروزی داد آیا به باطل می گروند وبه نعمت خدایشان ناسپاسی مینمایند.

(١) یعنی هیچ کس نمی خواهد که مملوکان خودرا برابرخود سازد والله اعلم.

﴿۷۳﴾ و به جای خدا کسی را می پرستند که برای ایشان روزی دادن چیزی را ازآسمان ها وزمین مالك نیستند ونمی توانند. ﴿۷٤﴾ پس برای خدا مثلها نزنید هرآئینه خدا می داند وشما نمی دانید. ﴿۷٥﴾ خدا داستان بندهٔ مملوکی که برهیچ چیزی توانایی ندارد بیان کرد وکسی که دادیمش ازنزدِ خود روزی نیك پس وی ازآن روزی پنهان وآشکارا خرج میکند آیا برابرمی شوند، همه ستایش خدای را است بلکه اکثر ایشان نمی دانند. ﴿۷٦﴾ و خدا داستانی (دیگر) بیان کرد دومرد یکی ازایشان گنگ است برچیزی قدرت ندارد و او برخواجهٔ خود سربار است هرکجا فرستدش ازآن جا هیچ نیکی نمی آورد آیا برابرست این شخص وکسی که مردمان را به عدل دستود می دهد وخودش برراه راست است[۱]. ﴿۷۷﴾ علم پنهان آسمان ها وزمین فقط برای خداست ونیست کار قیامت (یعنی نزد قدرت او) مگر مانند چشم بهم زدن بلکه ازآن نزدیك تراست هرآئینه خدا به همه چیز تواناست. ﴿۷۸﴾ وخدا شمارا ازشکم های مادرانتان بیرون آورد چیزی را نمی دانستید و برای شما شنوایی وچشم ها ودل ها پیداساخت تابود که شکرکنید. ﴿۷۹﴾ آیانگاه نکردند به سوی مرغان رام شده، درهوای آسمان ایشان را نگاه نمیدارد مگر خدا هرآئینه درین نشانه ها است گروهی را که ایمان می آوردند.

(۱) مترجم گوید حاصل این دومثل آنست که آنچه درعالم تصرف نداردباخدا برابر نیست چنانکه مملوكِ ناتوان بامالكِ توانابرابر نیست وچنانکه گنگ بی تمیز باصاحب هدایت واهتدابرابرنیست.

﴿۸۰﴾ وخدا برای شما ازخانه های شما جای سکونت ساخت و برای شما از پوست های چهار پایان خانه هایی ساخت که آن را روز سفرخود وروزاقامت خود سبك می یابید و از پشمهایشان وکُرکهایشان وموهایشان اسباب خانه و(مایه۴) بهره مندی تاوقت مقرر ساخت. ﴿۸۱﴾ وخدا برای شما ازمخلوقات خود سایه ها پیدا ساخت وبرای شما ازکوه ها غارها پیداکرد و برای شما جامه‌هاکه شماراز گرمی نگاه دارد[1] وجامه ها که شمارا از ضررجنگ نگاه دارد ساخت، هم چنین نعمت خودرا برشما به تمام میرساند تاباشدکه اسلام بیاورید. ﴿۸۲﴾ پس اگر اعراض کنند جزاین نیست که برتوپیغام رسانیدن آشکاراست. ﴿۸۳﴾ نعمت خدا را می شناسند باز انکار آن می‌کنند وبیشترین ایشان کافرانند. ﴿۸٤﴾ وآن روزکه ازهرگروهی گواهی را[2] برانگیزیم باز إجازه داده نشود کافران را[3] (به عذرخواهی) ونه ازایشان خواسته شود که خوشنودی خدارا بجویند. ﴿۸۵﴾ وچون ستمکاران عذاب را ببینند (اضطراب کنند) پس ازایشان سبك کرده نمی شود ونه به ایشان مهلت داده می شود. ﴿۸٦﴾ وچون مشرکان شریکان خودرا ببینند گویند ای پروردگار مااین جماعت شریکان مایند که به جای تو می پرستیدیم پس شریکان پیام فرستند به سوی ایشان (این سخن را) که هرآئینه شما البته دروغگویانید. ﴿۸۷﴾ ودرآن روز همه تسلیم خدا شوند وگم گردد ازایشان آنچه افتراء می کردند.

---

(۱) یعنی وازسردی نیز.
(۲) وآن نبی آن قوم باشد والله اعلم.
(۳) یعنی تاعذرخودبیان کنند.

﴿۸۸﴾ آنانکه کافرشدند و[۱] ازراه خدا باز داشتند ایشان را عذابی بالای عذاب افزون دهیم به سبب آنکه فساد می کردند[۲]. ﴿۸۹﴾ وآن روزکه درهرامتی گواهی برایشان ازقبیلهٔ ایشان برانگیزیم[۳] و تورا گواه برآنها بیاوریم و برتو کتاب را برای بیان کردن هرچیزی وبرای راه نمودن وبخشایش ومژده دادن برای مسلمانان فرودآوردیم. ﴿۹۰﴾ هرآئینه خدا به عدل ونیکوکاری وعطا کردن به خویشاوندان می فرماید و ازبی حیایی وکارناپسندیده وتجاوز وتعدی بازمیدارد، شمارا پند می دهد تاباشد که شما پندپذیر شوید. ﴿۹۱﴾ ووفاکنید به عهد خدا چون عهد بندید و سو گندها را بعداز محکم ساختن آنها مشکنید وهرآئینه خدارا برخویش نگاهبان ساخته اید[٤] هرآئینه خدا آنچه راکه می کنید میداند. ﴿۹۲﴾ و مانند زنی نباشید که رشته خودرابعد ازاستواری پاره پاره، (ازهم) گسست میگیرید سو گند های خویش را مکردرمیان خود تا گروهی از گروهی افزون ترشود[٥] جزاین نیست که خدا شمارا به آن افزونی می آزماید والبته برای شماروزقیامت آنچه راکه درآن اختلاف می‌نمودید بیان می کند[٦]. ﴿۹۳﴾ وا گر خدا بخواهد شما را یك گروه قرار می داد ولیکن گمراه می کند هرکه راخواهد وراه می نماید هرکرا خواهد والبته پرسیده خواهید شد ازآنچه می کردید.

---

(۱) یعنی مردمان را.

(۲) یعنی عذاب گمراهی وگمراه کردن.

(۳) مترجم گوید وآن نبی آن قوم باشد.

(٤) یعنی نام اورادرقسم مذکور کرده اید.

(٥) یعنی برای منفعت دنیا تامال ومنال زیاده به دست آرد.

(٦) مترجم گوید مراد تحریم یمین غموس [یعنی سوگند ناحق] است و حاصل مَثَل آن است که اعمال خود را برباد مکنید چنانکه این زن عمل خود راتباه کرد والله اعلم وگویا اینجا اشاره است به آنکه یمین غموس برباد کنندهٔ اعمال است والله اعلم.

﴿٩٤﴾ و سوگند های خودرا وسیله نیرنگ (به عهدشکنی) درمیان خویش مگیرید پس قدمی بعد استواری آن بلغزد و عقوبت را به سبب بازداشتن ازراه خدا بچشید وشمارا عذاب بزرگ باشد[١]. ﴿٩٥﴾ و عوض عهد خدا بهای اندك را مستانید هرآئینه آنچه نزدِ خداست شمارا بهتراست ا گر شما بدانید. ﴿٩٦﴾ آنچه نزد شماست ازمیان می رود وآنچه نزد خداست پاینده است والبته صابران را پاداش ایشان به حسب نیکوترین آنچه می کردند میدهیم. ﴿٩٧﴾ هرکسی که عمل نیك کرد مرد باشد یازن درحالی که اومسلمان است هرآئینه زنده کنیمش به زندگانی پاك[٢] و آن جماعت راپاداش ایشان به حسب نیکوترین آنچه می کردند میدهیم. ﴿٩٨﴾ پس هنگامی که خواستی قرآن بخوانی ازشیطان رانده شده به خداپناه ببر. ﴿٩٩﴾ هرآئینه شیطان را نیست غلبه برآنانکه ایمان آوردند وبر پروردگار خودتوکل میکنند. ﴿١٠٠﴾ جزاین نیست که غلبه اوبرآنانست که اورادوست می دارند وآنانکه ایشان به خدا شریك مقررمی کنند. ﴿١٠١﴾ وچون آیتی را به جای آیتی[٣] (دیگر) بدل کنیم وخدادانده تراست به آنچه فرود می‌آورد گویند جزاین نیست که توافتراء کننده ای بلکه اکثرایشان نمیدانند. ﴿١٠٢﴾ بگو او را روح‌القدس ازجانب پروردگار تو به راستی فرود آورده است تا خدا مومنان را ثابت قدم گرداند و برای هدایت نمودن ومژده دادن مسلمانان.

(١) مترجم گوید یعنی درجهاد عهد کرده وقسم خورده دغا (عهدشکنی) کردند این به سبب آنست که کافران بعدازاین قول ایشان را معتبر ندانند و به ایشان صحبت ندارند بلکه مسلمانان درشبهه افتند والله اعلم.

(٢) یعنی دردنیانعمت دهیم.

(٣) یعنی یك آیت به آیت دیگرنسخ کنیم.

﴿۱۰۳﴾ وهرآئینه مامیدانیم که کافران می گویند جزاین نیست که این پیامبررا انسانی می آموزد زبان کسی که نسبت به سوی او می‌کنند عجمی است واین قرآن زبان عربی واضح است. ﴿۱۰٤﴾ هرآئینه آنانکه به آیات خدا ایمان نمی آورند ایشان راخدا هدایت نمی نماید وایشان را عذاب درد ناك باشد. ﴿۱۰٥﴾ جزاین نیست که دروغ را افتراء میکنند آنانکه به آیه های خدا ایمان ندارند وایشان دروغگویان اند. ﴿۱۰٦﴾ هرکه به خدا بعدازایمانش کافرشود مگرآنکه بروی جبرکرده شود ودلش به ایمان مطمئن باشد ولیکن کسی که به کفر سینه کُشاده کند یعنی راضی شود، برایشان خشم ازخدا است وایشان را عذاب بزرگ است. ﴿۱۰۷﴾ این خشم به خاطر آنست که ایشان زندگانی دنیا را برآخرت ترجیح دادند وبه سبب آنست که خدا گروه کافران را راه نمی نماید. ﴿۱۰۸﴾ ایشانند آن جماعت که خدابردل های ایشان وبرگوش ایشان ودیده های ایشان مُهرنهاده است وایشان بی خبرانند. ﴿۱۰۹﴾ شك نیست درآنکه ایشان درآخرت زیان کارانند. ﴿۱۱۰﴾ بازپروردگار توبرای آنان که هجرت کردند بعد ازآن که شکنجه دیدند (تاکلمه کفر بگویند) بازجهاد کردند وصبر نمودند هرآئینه پروردگار توبعد ازین مقدمه البته آمرزنده مهربانست.

﴿۱۱۱﴾ آن روز که هر شخصی جدال کنان ازذات خود بیاید و هر شخصی را پاداش آنچه کرده است به تمام داده می شود وبه ایشان ستم کرده نمی شود. ﴿۱۱۲﴾ وخدا داستان دهی را که ایمنُ مطمئن بود به او روزی اوبه کشاد گی ازهرجای می‌آمد بیان کرد پس به نعمت های خدا ناسپاسی کرد پس خدااوراپوشش گرسنگی وترس چشانید به سبب آنچه می کردند. ﴿۱۱۳﴾ وهرآئینه پیش ایشان پیامبری ازجنس ایشان آمد پس تکذیبش کردند پس ایشان را عقوبت گرفت وایشان ستمکاربودند[۱]. ﴿۱۱٤﴾ پس ازآن چه خدا شمارا روزی داد حلال پاکیزه بخورید وبرنعمت خداشکر کنید اگر اورامی پرستید. ﴿۱۱٥﴾ جزاین نیست که خدابرشما مرداروخون و گوشت خوك را حرام ساخته است وآنچه ذکر کرده شد برذبح او بنام غیرخدا پس هرکه مجبور کرده شد و نه ستم کرده ونه ازحد گذشته (یعنی بخورد ازمُحرمّ) پس خدا آمرزگار مهربانست. ﴿۱۱٦﴾ ومگویید چیزی را که حکم اورا زبان شما به دروغ بیان می‌کند که آن حلال است واین حرام است تا برخدا دروغ را افتراء کنید هرآئینه آنانکه برخدا دروغ را افتراء می کنند رستگارنمی شوند. ﴿۱۱۷﴾ ایشان را بهره ای اندك بُوَد وایشان را عذاب درد ناك باشد. ﴿۱۱۸﴾ وبریهود آنچه قصه کردیم برتوپیش ازین (یعنی درسوره انعام) حرام کرده بودیم وبرایشان ستم نکردیم ولیکن ایشان برجان خویش ستم میکردند.

(۱) مترجم گوید این قصهٔ اجمالی درآورده شده است ازقصه های بسیارومنطبق است برواقعه های بیشمار ولهذامثل نامیده شدو درعبارت اذاقهاالله لباس الجوع والخوف دوتشبیه دریك سیاق جمع کرده شده است والله اعلم.

﴿۱۱۹﴾ بازهرآئینه پروردگار تو آنان را که به نادانی کار بد کردند بازبعد ازآن توبه کردند وشایسته کارشدند هرآئینه پروردگار تو بعد ازین توبه آمرزگار مهربانست. ﴿۱۲۰﴾ هرآئینه ابراهیم امتی (بزرگوار) بود عبادت کننده برای خدا مایل به دین حق و ازمشرکان نبود[۱]. ﴿۱۲۱﴾ نعمت های خدا را سپاس دارندهٔ خدا برگزیدش و به سوی راه راست اوراهدایت نمود. ﴿۱۲۲﴾ و دراین سرا نعمت عطا کردیمش وهرآئینه اودرآخرت از نیکوکاران است. ﴿۱۲۳﴾ بعد ازآن به سوی تو وحی فرستادیم که کیش ابراهیم را حنیف شده پیروی کن وازمشرکان نبود. ﴿۱۲٤﴾ جزاین نیست که تعظیم شنبه برآنانکه اختلاف کردند درآن لازم کرده شد وهرآئینه پروردگار تو درمیان ایشان روز قیامت درآنچه اختلاف میکردند درآن حکم کند[۲]. ﴿۱۲٥﴾ دعوت کن (یعنی مردمان را) به سوی راه پروردگار خویش به دانش وپندنیك و باایشان به طریقی که آن نیکوتر است مناظره کن هرآئینه پروردگارتوداناتراست به کسیکه ازراه او گمراه شد واو به راه یابان دانا تراست. ﴿۱۲٦﴾ و ا گر مکافات کنید پس مکافات کنید به مثل آنچه باشما معامله کرده شد وا گر صبر کنید البته آن صبر برای صابران بهتراست. ﴿۱۲۷﴾ وشکیبایی کن و شکیبایی تو نیست مگر به توفیق خدا و برایشان اندوه مخور و درتنگدلی مباش ازآنکه بد اندیشی می کنند. ﴿۱۲۸﴾ هرآئینه خدا باپرهیزکاران است وباآنانکه ایشان نیکوکارانند.

(۱) مترجم گوید حنیف آنراگویند که حج وختنه وغسل جنابت می کرده باشد والله اعلم توضیح: حنیف آنرا گویند که شرك و باطل را ترك کرده بدین حق مایل باشد، مصحح.

(۲) مترجم گوید یعنی یهود بحث میکردند درشنبه طائفه ای گفتند که خدای تعالی روزشنبه ازخلق فارغ شد پس درشنبه عبادت باید کردوطائفه ای سکوت کردند خدای تعالی تعظیم روزشنبه باین سبب برایشان واجب گردانید والله اعلم.

سوره اسراء مکی است وآن یك صدویازده آیه ودوازده رکوع است

﴿۱﴾ پاك ومنزه است آنکه بِبُرد بنده خود را شبی از مسجد حرام به سوی مسجد اقصی که برکت نهادیم گرداگردآن را تابنماییمش بعض نشانه های خودهرآئینه اوشنوای بینا ست[(۱)]. ﴿۲﴾ و موسیٰ را کتاب دادیم آن را (مایه) هدایت برای بنی اسرائیل گردانیدیم گفتیم که بجزمن کارسازی نگیرید. ﴿۳﴾ فرزندان قومی که برداشتیم ایشان را بانوح (یعنی برکشتی) هرآئینه وی بندهٔ سپاسگزار بود. ﴿٤﴾ و به سوی بنی اسرائیل درتورات وحی فرستادیم که البته در زمین دوبار فساد خواهید کرد والبته باسرکشی بزرگ طغیان خواهید کرد. ﴿٥﴾ پس چون وعده نخستین بارازآن دو بیاید، برشما بندگان خودرا خداوندانِ کارزار سخت بفرستیم پس درآیند میان خانه‌ها (یعنی برای قتل ونهب) و وعدهٔ خداشدنی هست[(۲)]. ﴿٦﴾ باز شمارا برایشان غلبه دهیم وپی درپی شمارا اموال و فرزندان دهیم و شمارا به اعتبار لشکر بیشتر[(۳)] سازیم. ﴿۷﴾ وگوییم ا گر نیکوکاری کنید، نیکوکاری برای خویشتن کرده باشید واگربد کاری کنید پس آن بدی برای خودتان است پس چون بیاید وعدهٔ دیگر (بازبفرستیم بندگان خودرا) تاناخوش سازند روی های شمارا وتا درآیند به مسجد چنانچه بار اوّل درآمده بودند وتا ازپابه افکنند برهرچه غالب شوند افکندنی[(٤)].

---

(۱) یعنی خدای تعالی درشب معراج پیش ازسفر به آسمان‌ها آن حضرت صلی الله علیه وسلم را به مسجد بیت المقدس رسانید.

(۲) مترجم گوید واین وعده متحقق شد بتسلیط جالوت پادشاه عمالقه.

(۳) مترجم گوید واین معنی در خلافت حضرت داود ظاهرشد.

(٤) مترجم گوید واین وعده متحقق شد وقتیکه حضرت یحییٰ راکشتند پس بخت نصررابرآنان مسلط ساخت.

﴿۸﴾ گوییم نزدیك است پروردگار شماازآنکه برشما رحم کند و ا گر رجوع کنید به نافرمانی ما به عقوبت رجوع کنیم و دوزخ را برای کافران زندان ساختیم[۱]. ﴿۹﴾ هرآئینه این قرآن راه می نماید بخصلتی که اودرست تراست و آن مسلمانان را که کارهای شایسته می کنند بشارت میدهد به آن که ایشانرا پاداش بزرگ باشد. ﴿۱۰﴾ وهمانا آنانکه به آخرت ایمان نمی‌آورند برای ایشان عقوبت دردناك آماده کرده ایم. ﴿۱۱﴾ ودعامیکند آدمی به بدی[۲] مانند دعای وی به نیکویی و آدمی شتاب کار هست. ﴿۱۲﴾ وساختیم شب و روز را دونشانه پس بی نورساختیم نشانهٔ شب را وساختیم نشانه روز را درخشان (برای دیدنِ اشیاء) تا فضلی را ازپروردگار خود طلب کنید وتا شمارِ سال‌هارا بدانید و حساب را بدانید وهرچیزی را به تفصیل بیان کردیم. ﴿۱۳﴾ وبه هرآدمی (متصل ساختیم) نامه عمل اورا، درگردن او بسته ایم وبیرون آوردیم برای او روز قیامت نامه ای که آن را بازکشاده بیند. ﴿۱٤﴾ گوییم نامهٔ خودرا بخوان نفس تو امروزبرتو حساب کننده بس است. ﴿۱٥﴾ هر که راه یاب شدجزاین نیست که برای نفع خود راه یاب میشود وهرکه گمراه شد پس جزاین نیست که برضرر خود گمراه میشود و هیچ بردارنده باردیگری را برندارد و ماعذاب کننده نیستیم تاآنکه پیامبری را بفرستیم. ﴿۱٦﴾ وچون خواهیم که دهی را هلاك کنیم می فرماییم به سرکشان آنجا (یعنی آنچه خواهیم) پس نافرمانی کنندآنجا پس برآن ده وعدهٔ عذاب ثابت شود پس ایشان را برهم زنیم برهم زدنی. ﴿۱۷﴾ وبساکسانی را هلاك کردیم ازطبقات مردمان بعدازنوح و پروردگار تو به گناه بندگان خود دانای بینا بس است.

---

(۱) مترجم گویدایشان رجوع کردند به فساد وتکذیب حضرت عیسیٰ وباحضرت پیامبرجنگ کردند پس خدای تعالی بازگشت بتعذیب ایشان، بقتل واسرو جزیه.

(۲) مترجم گوید یعنی درحالت تنگدلی برخود وبراولاد خود دعای بدمیکند.

﴿۱۸﴾ هرکه خواسته باشد آسودگی دنیا به شتاب دهیم ویرا درآن جا هر چه خواهیم برای هرکس که خواهیم باز برای اودوزخ را مقرر کنیم درآید به آن نکوهیده رانده شده. ﴿۱۹﴾ وهرکس که پاداش آخرت را بخواهد وسعی کند برای وی سعیی که لایق وی است درحالیکه اومسلمان باشد پس این جماعت سعی ایشان مشکور (ومقبول) هست. ﴿۲۰﴾ هرفرقه ای را پی درپی میدهیم این فرقه راوآن فرقه را ازبخشش پروردگار تو و بخشش پروردگار تو بازداشته شده نیست. ﴿۲۱﴾ به بین چگونه بعض مردمان را بربعضی برتری داده ایم[1] والبته آخرت زیاده تر بود در تمیزدرجات و در برتری دادن بیشتر باشد. ﴿۲۲﴾ باخدا معبودی دیگررا مقرر مکن آنگاه نکوهیدهٔ بی یارمانده بنشینی. ﴿۲۳﴾ و پروردگار تو حکم کرد که عبادت مکنید مگروی رافقط و باپدرومادر نیکوکاری بکنید ا گر برسد نزدیك تو کهنسالی به یکی ازایشان یا به هر دو پس مگوایشان را اُف وبانگ مزن برایشان و بایشان سخن نیکو بگو. ﴿۲٤﴾ وپست کن برای ایشان بازوی تواضع را ازجهت مهربانی وبگو ای پروردگار من ایشان را به بخشای چنانچه مرا درخورد سالی پرورش دادند. ﴿۲۵﴾ پروردگار شما داناتراست به آنچه درنفسهای شما است ا گر شایسته باشید پس هر آئینه وی رجوع کنندگان را آمرزنده هست. ﴿۲٦﴾ و به خویشاوند حق آنان را بده وبه درویش وبه راه گذر واسراف مکن اسراف کردنی. ﴿۲۷﴾ هرآئینه اسراف کنندگان برادران شیاطین هستند و شیطان نسبت به پروردگار خود ناسپاس هست.

---

(۱) یعنی دردنیا بحد رزق وجاه.

﴿۲۸﴾ و ا گر روی‌بگردانی ازاین جماعت به انتظار رزقی ازپروردگار خود که امیدوارآن باشی پس ایشان را سخن ملایم بگو. ﴿۲۹﴾ و دست خودرا بسته با گردن خود مکن ومگشای آن را تمام گشادن که آنگاه بنشینی ملامت کرده شده[۱] درمانده گشته[۲]. ﴿۳۰﴾ هرآئینه پروردگار تو روزی را می‌گشاید و برای هرکه خواهد تنگ میکند هرآئینه اوبه بندگان خود دانا بیناست. ﴿۳۱﴾ و اولاد خودرا ازترس تنگ دستی مکشید ما ایشان را وشمارا روزی میدهیم هرآئینه کشتنِ ایشان گناهی بزرگ هست. ﴿۳۲﴾ ونزدیك مشوید به زنا هرآئینه آن بی حیایی است وآن بدراهی است. ﴿۳۳﴾ و نفسی را که خدا حرام ساخته است مگر به حق مکشید وهرکه به ستم کشته شود پس وارث اورا قوتی داده ایم[۳] پس باید که زیادتی نکند درکشتن هرآئینه وی یاری داده شده هست. ﴿۳٤﴾ و به مال یتیم مگر به طریقی که او نیك تر است نزدیك نشوید تاآنکه به نهایت قوت خود رسد وبه عهد وفا کنید هرآئینه عهد ازو پرسیده خواهد شد. ﴿۳٥﴾ وتمام کنید پیمانه را چون پیمایید و به ترازوی راست بسنجید این ازجهت عاقبت بهترست ونیکوترست. ﴿۳٦﴾ و پیِ چیزی که ترا دانش آن نیست مرو هرآئینه گوش وچشم ودل هریکی ازین ها پرسیده خواهد شد. ﴿۳۷﴾ ومَرو درزمین خرامان[٤] هرآئینه تو نخواهی زمین را شگافت و به کوه ها دردرازی (وبلندی) نرسی. ﴿۳۸﴾ همه این خصلت هابَدِیَش نزدِ پروردگار توناپسندیده است.

(۱) یعنی درصورت بخل.

(۲) یعنی درصورت اسراف.

(۳) یعنی حق قصاص.

(٤) یعنی متکبرانه ومغرورانه.

﴿۳۹﴾ این ازآنجمله هست که وحی فرستاده است به سوی تو پروردگارت ازعلم و باخدا معبود دیگری را مقرر مکن آنگاه دردوزخ ملامت کرده شده رانده گشته انداخته شوی. ﴿٤٠﴾ آیا پروردگار شما شمارا به پسران برگزید وخود ازفرشتگان دختران را برگزید هرآئینه شما سخن بزرگ (زشتی) میگویید. ﴿٤١﴾ وبه یقین درین قرآن به هر نوع سخن گفتیم تا پند پذیر شوند ودرحق ایشان مگر رمیدن را نمی‌افزاید. ﴿٤٢﴾ بگواگر باخدا معبودان دیگری می‌بودند چنانکه می گویند آنگاه به سوی خداوند عرش راه منازعت را طلب می کردند. ﴿٤٣﴾ وی پاك است وبلند است ازآنچه می گویند بلندی بزرگ. ﴿٤٤﴾ او راآسمان‌های هفت گانه وزمین وهرکس که دراینهاست به پاکی یاد می‌کنند ونیست هیچ چیزی مگرباستایش به پاکی اورا یاد میکند ولیکن شما به پاکی یاد کردن ایشانرا نمی فهمید هرآئینه اوبردبارآمرزگار هست. ﴿٤٥﴾ وچون میخوانی قرآن را درمیان تو ودرمیان آنانکه آخرت را باورنمیدارند پردهٔ پوشیده میسازیم. ﴿٤٦﴾ ومی نهیم بردلهای ایشان پوششها تانفهمندش ودرگوش‌های ایشان گرانی را وچون پروردگار خود را درقرآن تنها یادکنی روگردان شوند برجانب پشت خود رمیده[1]. ﴿٤٧﴾ مادانا‌تریم به چیزی که به سبب آن می شنوند[2] وقتی که گوش فرامیدهند به سوی تو و وقتیکه ایشان رازگویان باشند وقتی که این ستمکاران می‌گویند مگر مرد جادو شده را پیروی نمی کنید. ﴿٤٨﴾ بنگر چگونه داستانها برای تو زدند پس گمراه شدند پس راه یافتن را نمی توانند. ﴿٤٩﴾ و گفتندآیاچون استخوانی چند واعضای پوسیده ازهم پاشیده شویم آیا به آفرینشِ نو برانگیخته شویم.

(۱) مترجم گوید درین هر دو آیت کنایت است از عدم انتفاع ایشان به قرآن و مواعظ.

(۲) یعنی به قصد استهزاء وعیب جویی.

﴿۵۰﴾ بگوسنگ شوید یاآهن شوید. ﴿۵۱﴾ یانوعی دیگر ازآنچه بزرگ نماید دردل های شما شویدپس خواهند گفت چه کسی مارا باز پیدا کند بگوکسی که شمارا بار اوّل آفرید بازپس به سوی توسر های خودرا[1] خواهند جنبانید وخواهند گفت آن کی باشد بگوشاید که نزدیك باشد. ﴿۵۲﴾ روزی که شمارا خدا بخواند پس خواندن اورا قبول کنید حمد گویان وگمان کنید که درنگ نکرده بودید مگر اندکی. ﴿۵۳﴾ وبگوبندگان مرا که بگویند سخنی که آن بهترست (یعنی باکفار) هرآئینه شیطان نزاع می افکند میان مردمان هرآئینه شیطان برای انسان دشمن آشکار هست. ﴿۵۴﴾ پروردگار شما به حال شما داناترست اگر خواهد بر شما رحم کند وا گر خواهد شمارا عقوبت کند ونفرستادیم تورا (یامحمد) برایشان نگاهبان[2]. ﴿۵۵﴾ وپروردگار تو به حال هرکسی که درآسمان ها وزمین است داناست وهرآئینه بعض پیامبران را بربعضی دیگر فضل داده‌ایم و دواد را زبور داده‌ایم. ﴿۵۶﴾ بگو آنان را که گمان الوهیت را درحق ایشان غیراز خدا دارید بخوانید پس دفع زیان ورفع بلایی را ازشما ونه تغییردادن نتوانند. ﴿۵۷﴾ آنانکه ایشان را کافران می پرستند به سوی پروردگار خویش قرب را طلب میکنند که کدام یك ازایشان نزدیك تر باشد وتوقع دارند رحمت او را و ازعذاب او می‌ترسند هرآئینه عذاب پروردگار تو ترسناك هست. ﴿۵۸﴾ ونیست هیچ دهی مگر ماهلاك کنندهٔ آن هستیم پیش از روزقیامت یا عذاب کنندهٔ آن هستیم به عذابی سخت این وعده درلوح نوشته شده است.

(۱) یعنی ملزم خواهندشد.
(۲) مترجم گوید واین کلمه پیش ازامر به جهادبود.

﴿٥٩﴾ وبازنداشت مارا ازآنکه نشانه ها بفرستیم مگر آنکه آن را پیشینیان تکذیب کرده بودند و ثمود را شتر ماده نشانه ای درخشان دادیم پس به وی کافر شدند ونمی‌فرستیم نشانه هارا مگر برای ترسانیدن. ﴿٦٠﴾ ویادکن چون تورا گفتیم که پروردگار تو همه مردمان را (یعنی درقدرت خود) دربرگرفته است و نساختیم نمایشی را که به تو نمودیم مگر امتحان برای مردمان ونساختیم درختی را که درقرآن نفرین کرده شد مگر امتحانی ایشان را ومی‌ترسانیم پس ترسانیدن درحق ایشان مگر سرکشی بزرگ[1] را نمی افزاید. ﴿٦١﴾ ویاد کن چون فرشتگان را گفتیم سجده کنید به آدم پس سجده کردند الّا ابلیس گفت آیا کسی را سجده کنم که ازگِل آفریده ای. ﴿٦٢﴾ بازگفت آیا این شخص را که برتری داده ای برمن دیدی اگر مهلت دهی مرا تاروزقیامت البته اولاد او را مگر اندکی ازبیخ برکنم. ﴿٦٣﴾ خدا فرمود برو پس هرکسیکه ازایشان پیروی تو کند پس دوزخ سزای همه شما است سزای کامل وفراوان. ﴿٦٤﴾ وازجابجنبان هرکه را توانی ازایشان به آواز خود وآواز کن بر ایشان توسط سواران خود وپیادگان خود و با ایشان دراموال وفرزندان شریك شو وایشان را وعده ده و شیطان ایشان را وعده نمی دهد مگر به فریب[2]. ﴿٦٥﴾ هرآئینه بندگان من تورا برایشان هیچ قدرتی نیست و پروردگار تو کارساز بس است. ﴿٦٦﴾ پروردگار شما آن است که برای شما کشتی ها را دردریا روان میکند تا ازفضل او طلب معیشت کنید هر آئینه او برشما مهربان هست.

(۱) یعنی چون کافران قصه معراج شنیدند وآیت ﴿إِنَّ شَجَرَتَ ٱلزَّقُّومِ ۞ طَعَامُ ٱلْأَثِيمِ﴾ به ایشان رسید استبعاد کردند ومحل طعن ساختند.

(۲) مترجم گوید واین تصویر سعی شیطان است درگمراه کردن ایشان ماخوذ ازفعل رئیس دزدان چون دهی را غارت کند برایشان نعره میزند وسواران وپیادگان خود را آواز میدهد که ازین سو بگیریدوازآن سوبگیرید.

﴿٦٧﴾ وچون به شما سختی ای دردریا برسد گم شود کسی که اورا میخوانید مگر خدا پس چون شمارا به سوی خشکی نجات داد روی‌گردان شدید وآدمی ناسپاس هست. ﴿٦٨﴾ آیا ایمن شده‌اید ازآنکه شما را به جانب خشکی فروبرد یا برشما باد تندی که سنگ ریزه افکند بفرستد باز برای خود هیچ نجات دهنده ای نیابید. ﴿٦٩﴾ آیا ایمن شده اید ازآنکه بازدرآرد شمارا به دریا باردیگر پس برشما ازجنس باد، بادتندی را بفرستد پس شمارا غرق گرداند به سبب آنکه کافر شدید باز برای خود هیچ بازخواست کننده برما (به سبب آن غرق) نیابید. ﴿٧٠﴾ وبه راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشته ایم و ایشان رادربیابان ودردریا برداشتیم[۱] و ایشان را ازپاکیزه‌ها وخوشمزه روزی دادیم وایشان را بربسیاری ازآنچه آفریده ایم چنانکه باید برتری دادیم. ﴿٧١﴾ روزی که بخوانیم هرفرقه ای را باپیشوای ایشان پس هرکه نامهٔ اعمال اوبدست راستش داده شده پس آن جماعت بخوانند نامهٔ خودرا ومقدار یك رشته ستم کرده نشوند. ﴿٧٢﴾ وهرکه دردنیا کور باشد[۲] وی درآخرت نیز کور است وراه را خطا کننده تراست. ﴿٧٣﴾ وهرآئینه نزدیك بودند که (بفریب) تورا ازآنچه وحی فرستاده ایم به سوی توبازدارند تا برماغیرآن را بربندی وآنگاه تورا دوست می گرفتند. ﴿٧٤﴾ و ا گر نبودآن که تورا ثابت داشتیم نزدیك بودی که میل کنی به سوی ایشان اندك میلی. ﴿٧٥﴾ آنگاه تورا دوچند عذاب زندگانی ودوچند عذاب مرگ می چشانیدیم باز برای خود مددکننده ای برما نمی یافتی.

(۱) یعنی بردواب وکشتی.
(۲) یعنی حقیقت را نبیند.

﴿۷٦﴾ وهرآئینه نزدیك بودند که تورا از زمین بلغزانند تا تورا ازآنجا جلاوطن کنند و آنگاه پس ازتومگراندکی نمانند. ﴿۷۷﴾ (مانند) روش آنانکه ایشان را پیش ازتوازپیامبران خویش فرستاده ایم و در روش ما تبدیلی را نخواهی یافت[۱]. ﴿۷۸﴾ نمازرا وقت زوال آفتاب تاهنگام تاریکی شب برپا دار وقرآن خواندن فجررا لازم گیر هرآئینه قرآن خواندن فجررا فرشتگان حاضر می شوند. ﴿۷۹﴾ وپاره‌ای از شب بیدار باش پس نماز شب بخوان که برای توافزون (بردیگران) است، نزدیك است که تورا پروردگار تو بمقامی پسندیده برساند[۲]. ﴿۸۰﴾ وبگوای پروردگار من درآور مرا درآوردن پسندیده و بیرون آورمرا بیرون آوردن پسندیده و برای من ازنزد خود قوتی یاری دهنده[۳] قرار دِه. ﴿۸۱﴾ وبگو دین حق آمد و دین باطل نابود شد هرآئینه باطل نابود شونده است. ﴿۸۲﴾ و ازقرآن آنچه وی شفا و رحمت است برای مسلمانان فرود می آوریم و در حق ستمکاران مگر زیان را نمی افزاید. ﴿۸۳﴾ وچون برآدمی انعام کنیم روبگرداند و بازوی خودرا پیچاند وچون بِوَی سختی رسد نا‌امید باشد. ﴿۸٤﴾ بگوهرکسی به روش خود عمل میکند پس پروردگار شما داناترست به کسی که او راه یافته تراست. ﴿۸۵﴾ وتورا ازروح سوال میکنند بگو روح ازفرمانِ پروردگار من است وشما ازعلم داده نشده‌اید مگر اندکی. ﴿۸٦﴾ و ا گربخواهیم ببریم آنچه راکه وحی فرستاده‌ایم به سوی تو باز برای خود دربرابر ماکارسازی نمی یابی.

(۱) مترجم گوید واین معنی روزبدرمتحقق شد وجمعی که درپیء ایذای آن حضرت بودند مقتول (شدند وان کادوا) به جهت این گفته شد که وقت نزول آیت قصد لغزانیدن داشتند وهنوز ملتجی به هجرت نکرده بودند والله اعلم.

(۲) یعنی مقام شفاعت.

(۳) یعنی درهرحال اعانت کن مراچه دروقت دخول درجایی چه دروقت خروج ازآنجا.

﴿۸۷﴾ لیکن به سبب رحمتی از جانب پروردگار تو باقی گذاشتمش هرآئینه فضل وی برتو بزرگ است. ﴿۸۸﴾ بگو ا گر جمع شوند آدمیان وجن برآنکه بیاورند ماننداین قرآن هرگز مانند آن نیاورند ا گرچه بعض ایشان بعضی را مددکار باشد. ﴿۸۹﴾ وهرآئینه گوناگون برای مردمان درین قرآن ازهرداستانی بیان کردیم پس قبول نکردند بیشتر مردمان مگرناسپاسی را. ﴿۹۰﴾ و گفتند هرگز تورا باور نداریم تاآنکه برای ما اززمین چشمه ای جاری کنی. ﴿۹۱﴾ یا تورا بوستانی ازدرختان خرما و انگور باشد پس روان کنی جویها درمیان آن روان کردنی. ﴿۹۲﴾ یا آسمان را چنان که گمان میکنی برما پاره پاره فرود آری یا خدا وفرشتگان را رو برو بیاری. ﴿۹۳﴾ یا تورا خانه‌ای از زر باشد یا بالاروی درآسمان و بالارفتن تورا تاآنکه فرودآوری برما نوشته ای که بخوانیم آن را باورنداریم بگو پروردگار من پاك است نیستم من مگرآدمی فرستاده شده. ﴿۹٤﴾ ومردمان را بازنداشت ازآنکه ایمان آورند وقتی که به ایشان هدایت آمد مگر آنکه گفتند آیا خدای تعالی آدمی را پیامبر فرستاده است. ﴿۹٥﴾ بگو اگر درزمین فرشتگان می بودند که می رفتند بااطمینان هر آئینه فرشته ای را ازآسمان پیامبر برایشان میفرستادیم. ﴿۹٦﴾ بگو خدا گواه میان من ومیان شما بس است هرآئینه وی به بندگان خود دانای بیناست.

﴿۹۷﴾ وهرکه راخدا هدایت کند پس اوست هدایت یافته وهرکه را گمراه سازدش برای ایشان دوستانی بغیرازخدا نیابی و ایشان را روزقیامت بررویهای شان، کور و گنگ وکر برانگیزیم جای ایشان دوزخ است هرگاه فرونشیند برایشان آتش را بیفزاییم. ﴿۹۸﴾ این است جزای ایشان به سبب آنکه به نشانه های ما کافر شدند گفتند آیا چون استخوانهایی چند واعضایی ازهم پاشیده شویم آیا به آفرینش نو برانگیخته شویم. ﴿۹۹﴾ آیا ندیده اند آن خدایی که آسمان ها وزمین را آفرید تواناست که مانند ایشان را بیآفریند ومقررکرده است برای ایشان میعادی که درآن هیچ شکی نیست پس ستمکاران غیرناشکری را قبول نکردند. ﴿۱۰۰﴾ بگو اگر شما مالك خزانه‌های بخشش پروردگارم‌می بودید آنگاه نیز ازترس فقر (درنتیجه انفاق) بخیلی می ورزیدید آدمی بخل کننده هست. ﴿۱۰۱﴾ وهرآئینه موسیٰ را نُه نشانهٔ روشن دادیم پس از بنی‌اسرائیل بپرس چون به ایشان آمد پس اورا فرعون گفت هرآئینه تورا ای موسیٰ جادوکرده شده می پندارم. ﴿۱۰۲﴾ گفت (موسی) به تحقیق تودانسته‌ای، که نفرستاده این نشانه هارا مگر پروردگار آسمان ها وزمین دلائل روشن (برصدق حق) وهرآئینه من می پندارم تورا ای فرعون هلاك شده. ﴿۱۰۳﴾ پس خواست که بیرون راند بنی اسرائیل را ازآن سرزمین پس اورا وهمگی آنانرا که همراه اوبودند غرق ساختیم. ﴿۱۰٤﴾ وگفتیم پس ازاو بنی اسرائیل را در(این) سرزمین ساکن شوید پس چون بیاید وعدهٔ آخرت همه شمارا باهم آمیخته بیاریم.

﴿۱۰۵﴾ وقرآن را به راستی فروفرستادیم وبه راستی فرود آمده است ونفرستادیم تورا مگر مژده دهنده وترساننده. ﴿۱۰۶﴾ وقرآن را کم کم فرستادیم تابخوانی آن را برمردمان بدرنگ وآن را به دفعات به فرستادنی (حکمت آمیز) فروفرستادیم. ﴿۱۰۷﴾ بگوایمان آورید به آن یا ایمان نیاورید هرآئینه آنانکه ایشان را علم پیش ازین داده شد چون خوانده می‌شود برایشان برروی خود سجده کنان می افتند. ﴿۱۰۸﴾ و گویند پاکی پروردگار ماراست هرآئینه وعدهٔ پروردگار ماشدنی هست. ﴿۱۰۹﴾ و برروی خویش گریه کنان می افتند و قرآن درایشان فروتنی را می‌افزاید. ﴿۱۱۰﴾ بگو خدارا بخوانید یا رحمن را بخوانید هر کدام را که بخوانید (خوب باشد) پس برای خدای است نام‌های نیکو ونمازت را (چنین) بلند مخوان وآن را آهسته (نیز) مخوان ومیان این وآن راهی (میانه) بجوی. ﴿۱۱۱﴾ وبگوستایش خدای راست که هیچ فرزندی برنگرفته است و اورا هیچ شریکی درپادشاهی نیست و اورا هیچ کارسازی از ناتوانی نیست وبه بزرگی اورا یادکن چنانکه سزاواراست.

سوره کهف مکی است وآن یك صد وده آیه ودوازده رکوع است

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان.

﴿۱﴾ همه ستایش آن خدایی راست که بربندهٔ خود کتاب را فروفرستادو درآن هیچ کجی ننهاد. ﴿۲﴾ (ساخت اورا) راست تا ازعقوبت سخت آینده ازنزدِ خدا بترساند و تا آن مسلمانان را که کارهای شایسته می کنند مژده دهد به آنکه ایشانرا است پاداش نیك. ﴿۳﴾ درآن همیشه باشندگانند. ﴿۴﴾ وتا بترساند آنان را که گفتند خدا فرزند گرفته است.

﴿٥﴾ ایشان را هیچ دانش به آن نیست ونه پدران ایشان را (بود)، بس گران است سخنی که ازدهانهای ایشان برمی آید مگردروغ را نمی گویند. ﴿٦﴾ پس مگر تو نفس خودرا درپیِ ایشان اگر ایمان به این سخن نیاورند ازروی اندوه کشنده‌ای. ﴿٧﴾ هرآئینه ما آنچه برروی زمین است آرایشی برای آن قرارداده‌ایم تاایشان را امتحان کنیم کدام یك از ایشان درعمل نیکوتراست. ﴿٨﴾ وهرآئینه ما البته خواهیم ساخت آنچه را که براوست میدان هموار بی‌گیاه. ﴿٩﴾ آیاپنداشتی که اصحاب غار ونوشته[1] ازجمله نشانه های ماعجب بودند. ﴿١٠﴾ چون چند جوانانی به سوی غار پناه بردند پس گفتند ای پروردگارما، ما را ازنزدِ خود بخششی بده وبرای ما راه یابی را در کار ما آماده ساز. ﴿١١﴾ پس برگوش‌های ایشان درغار پرده گذاشتیم یعنی سالهای شمرده شده خوابانیدیم. ﴿١٢﴾ باز ایشان را برانگیختیم تابدانیم کدام یك ازدوگروه مقدار مدتی را که درنگ کرده اند بهتر یاد دارند. ﴿١٣﴾ ما برتو خبرایشان را به راستی میخوانیم هرآئینه ایشان جوانانی بودند که به پروردگار خویش ایمان آوردند و ایشانرا هدایت زیاده دادیم. ﴿١٤﴾ چون ایستادند مابه دلهایشان[2] قدرت وجرأت دادیم پس گفتند پروردگار ما همان پروردگار آسمان‌ها وزمین است هرگز بجز وی معبودی را نخواهیم پرستید هرآئینه آنگاه سخن دروغ گفته باشیم. ﴿١٥﴾ این قوم ما غیرازخدا معبودانی گرفتند چرا بر(ثبوت حقانیت) آن خدایان دلیلی واضح نمی آورند پس کیست ستمکارتر از کسی که برخدا دروغ را بربست.

(١) یعنی نوشته ای که بردیوارغاراست.

(٢) یعنی دل های ایشان رااستوارساختیم.

﴿۱٦﴾ وچون (ای یاران) ازین کافران و ازآنچه ایشان به جای خدا می پرستند کناره گیری کردید پس به سوی غار پناه برید تابِگُستَرد برشما پروردگارشما ازبخشایش خود و برای شما منفعت رادرکارشما مهیا سازد. ﴿۱۷﴾ ببینی ای بیننده خورشید را وقتی که طلوع کند ازغار ایشان به جانب راست مایل شود وچون غروب کند ازایشان به جانب چپ تجاوز میکند وایشان از غار درکشادگی‌اند این ازنشانهای خداست هرکه را خدا هدایت کند پس اوست هدایت یافته وهرکه را گمراه میکندش پس برای او هیچ دوست راهنمایی را نیابی[۱]. ﴿۱۸﴾ وبه پنداری ایشان را بیدار ای بیننده درحالیکه ایشان خفته اند و می گردانیم ایشان را جانب راست و جانب چپ وسگ ایشان دو دست خودرا بردهانهٔ غار گشاده کرده است اگر اطلاع می‌یافتی برایشان البته رو می‌گردانیدی ازایشان بگریختن و تورا ازایشان ترسی فرامی گرفت[۲]. ﴿۱۹﴾ وهمچنین برانگیختیم ایشان را تا (عاقبت بایکدیگر) سوال کنند درمیان خود گفت گوینده‌ای ازایشان چه قدر درنگ کردید گفتند درنگ کردیم یك روز یا بخشی از روز باز گفتند پروردگار شما به مقدار درنگ کردن شما داناتر است پس یکی را ازمیانِ خود با این نقرهٔ خود به سوی شهر بفرستید پس باید که تأمل کند کدام یك ازخوراك این شهر پاکیزه تراست پس برایتان قُوتی ازآن بیاورد وباید که به هوشیاری آمد و رفت کند و به حال شما هیچکس را خبردار نکند. ﴿۲۰﴾ هرآئینه این کافران اگر برشما قدرت یابند شمارا سنگسار کنند یا شمارا در دین خود درمی آورند وآنگاه هرگز رستگار نخواهید شد.

(۱) مترجم گوید به خاطر فاترمیرسد که دیوار جنوبی کهف آنقدر بلندست که سایهٔ اصلی اودر تمام سال محل خفتن ایشانرا می پوشاند ودیوار شرقی وغربی آن متصل دیوار جنوبی بلند ترست و پایه به پایه منحط شده و این جماعت سربه جانب شمال پابه جانب جنوب کرده خفته اند پس وقتی که طلوع کند نور آفتاب بردیوار غربی وبربعضی ازصحن غار افتدوهر چند ارتفاع زیاده گردد بلندی دیوار شرقی از وصول نور به ایشان مانع آید ونور جانب راست ایشان منتقل شود به جانب سرکه جهت شمال است و دروقت استواء بجز سایهٔ اصلی دیوار جنوبی نمی ماند وچون آفتاب مایل بغروب شود نور آفتاب بردیوار شرقی افتد وآهسته برسر دیوار مرتفع گردد و آن جانب چپ ایشان است.

(۲) مترجم گوید وچنانکه خفتن ایشانرا نشانه ای ساختیم.

﴿۲۱﴾ وهم چنین مردمان را به حال ایشان خبردارگردانیدیم تابدانند که وعدهٔ خدا راست است وآنکه قیامت هیچ شکّی درآن نیست هنگامی که نزاع میکردند آن مردمان درمیان خود دربارهٔ ایشان پس گفتند برغار ایشان خانه ای بسازید، پروردگار ایشان داناتراست به حال ایشان گفتند آنانکه قدرت یافتند برمقدمه ایشان البته برغار ایشان مسجدی را بسازیم. ﴿۲۲﴾ وجمعی خواهند گفت اصحاب کهف سه کس‌اند وچهارم ایشان سگ ایشان است وجمعی خواهند گفت که پنج کس‌اند ششم ایشان سگ ایشانست به خیال غایبانه ونیزمی‌گویند هفت کس‌اند وهشتمِ ایشان سگ ایشانست بگوپروردگار من داناتراست به تعداد ایشان تعداد ایشان را نمی‌داند مگراندکی پس گفتگو مکن دربارهٔ ایشان مگر گفتگوی سرسری و درحق ایشان هیچ کسی را سوال مکن. ﴿۲۳﴾ ومگوهیچ چیزی را که من البته آن را فردا خواهم کرد. ﴿۲٤﴾ مگر اینکه (بگویی) اگرخدا بخواهد[1] ویاد کن پروردگار خودرا هنگامی که (إن شاء اللّه) فراموش کنی[2] و بگو توقع است که مرا پروردگار من به راهی نزدیك تربه اعتبار راستی ازآنچه کافران میگویند دلالت کند. ﴿۲٥﴾ ودرنگ کردند درغار خود سیصدسال و نُه سال دیگر (برآن) افزودند. ﴿۲٦﴾ بگوخدا دانا تراست به مقداری که درنگ کرده اند علم غیب آسمان ها وزمین ویژهٔ اوست چه قدر بیناست وچه قدر شنواست ایشانرا جز او هیچ کارسازی نیست و درحکم خود هیچکسی را شریك نمی گیرد. ﴿۲۷﴾ و آنچه به سوی تو از کتاب پروردگار تو وحی فرستاده شد بخوان هیچ کس تبدیل کنندهٔ حکم‌های وی را نیست وهرگز غیرازاو هیچ پنا هگا هی نمی‌یابی.

(۱) یعنی بگوخواهم کرد إن شاء الله تعالی.
(۲) یعنی بازمتنبه شوی.

﴿۲۸﴾ وپایبند کن خودرا با آنانکه پروردگار خود را به صبح و شام یاد میکنند درحالی که رضای اورا میخواهند ونباید ازایشان دیده برگیری به خاطر طلب آرایش زندگانی دنیا واز آن که دل اورا از یاد خویش غافل ساخته ایم فرمان مبر وخواهش خود را پیروی کرده است و کارِ او ازحد گذشته است. ﴿۲۹﴾ وبگو این سخن راست است ازپروردگار شما آمده پس هرکه خواهد ایمان آورد وهر که خواهد کافر شود هرآئینه ما مهیاکرده ایم برای ستمکاران آتشی را که به ایشان سراپرده‌های آن درگیرد و اگر فریاد کنند به داد ایشان رسیده شود با نوشانیدن آبی مانند مس گداخته که چهره هارا بریان کند، آن بد آشامیدنی است ودوزخ بد آرام گاهیست. ﴿۳۰﴾ هرآئینه کسانی که ایمان آورده‌اند وکارهای شایسته کرده‌اند هرآئینه ماپاداش کسی را که کارنیکوکرده باشد ضایع نمی کنیم. ﴿۳۱﴾ این جماعت برای ایشان است بوستانهای همیشه ماندن که زیر آنها نهرها می‌رود زیورداده شوند در آنجا دست بندها زرین و جامه‌های سبز از دیبای نازك وابریشم ستبر می‌پوشند درحالی که درآنجا برتخت‌ها تکیه زده اند این نیك جزاست وبهشت نیکوآرام گاهیست. ﴿۳۲﴾ و برای ایشان داستان دوشخص را بیان کن که دادیم به یکی ازایشان دوبوستان ازدرختانِ انگور وگرداگرد آن درختان خرما پیدا کردیم و درمیان این بوستانها زراعت را قرار دادیم. ﴿۳۳﴾ هردوبوستان میوه‌هایش را آوردند وهیچ چیزی را ازآن (میوه) کم نکرد و میان آنها جوی آب را روان ساختیم. ﴿۳٤﴾ و او را میوه های بسیار بود پس به همنشین خود گفت درحالی که او گفتگو میکرد باآن همنشین گفت من ازتومالدارتر وبه اعتبار حَشَم نیرومندترم.

﴿۳۵﴾ ودرآمد به بوستان خود درحالی که برخویش ستم کرده بود گفت نمی پندارم که این بوستان هیچ گاه هلاك شود. ﴿۳۶﴾ و گمان نمی‌کنم که قیامت متحقق شود و بالفرض ا گر باز گردانیده شوم به سوی پروردگار خود هرآئینه بازگشتی بهترازین بوستانها خواهم یافت. ﴿۳۷﴾ گفت او را همنشین اودرحالی‌که او باوی گفتگو میکرد آیاکافرشدی به آن خدایی که تورا ازخاك پیدا کرد باز از نطفه بازتو را مردی (کامل) ساخت. ﴿۳۸﴾ لیکن من اعتقاد دارم که خدا پروردگارمن است وباپروردگار خود هیچکسی را شریك مقرر نمی کنم. ﴿۳۹﴾ وچون درآمدی به بوستان خود چرا نه گفتی آنچه خدا خواسته است شدنیست، نیست هیچ توانایی مگر به مشیت خدا اگر می بینی مرا کم ترازتوام درمال و فرزند. ﴿۴۰﴾ پس شاید که پروردگار من مرا بهترازبوستان تو بدهد وشاید که بربوستانِ توعذابی ازآسمان فرستد پس زمینی بی گیاه لغزاننده ٔپا گردد. ﴿۴۱﴾ یا آب او فرو رفته شود پس هرگز آن را نتوانی جُست. ﴿۴۲﴾ (به عذاب إلهی) میوه هایش فراگرفته شد پس بامداد کرد (چنان که) دودست خودرا به حسرت برآنچه خرج کرده بود در عمارت آن می مالید وآن بوستان برسقفهای خود افتاده و می گفت ای کاش با پروردگار خود هیچکسی را شریك مقرر نمی کردم. ﴿۴۳﴾ و اورا هیچ جماعتی نبود که غیرازخدا یاری دهندش و خود نیز پیروزمند نبود. ﴿۴۴﴾ آنجاثابت شدکه کارسازی برای خدای حق است وی ازروی پاداش دادن بهتراست ووی ازروی جزادادن بهتر است. ﴿۴۵﴾ و برای ایشان داستان زندگانی دنیا را بیان کن که وی مانند آبی است که ازآسمان فروفرستادیمش پس درهم پیچید به سبب وی رستنی زمین پس سرانجام درهم شکسته شد که بادهاآن را پراکنده می ساختند و خدا برهمه چیز توانا است.

﴿٤٦﴾ مال وفرزندان آرایش زندگانی دنیاست وحسناتِ پاینده شایسته نزدِ پروردگارتو ازجهت پاداش بهتراند و ازجهت امیدداشتن خوب تراند. ﴿٤٧﴾ وآن روز که کوه هارا روان می‌کنیم وزمین را نمایان می بینی و همه ایشان را گرد می‌آوریم پس ازایشان هیچ کسی را فرو نمی‌گذاریم. ﴿٤٨﴾ وروبروآورده شوند پیش پروردگار توصف کشیده گوییم هرآئینه پیش ما آمدید چنانکه شمارا نخستین بار آفریده بودیم بلکه می پنداشتید که برای شما وعده‌گاهی نخواهیم مقرر کرد. ﴿٤٩﴾ ونامهٔ اعمال درمیان نهاده شود پس گناه کاران را ترسان ببینی ازآنچه درآن است ومی گویند ای وای برمااین چه کتابی است که هیچ عمل خورد ونه بزرگ را نمی گذارد مگر آن را احاطه کرده است و هرچه را کرده بودند حاضر بیابند وپروردگارتو برهیچ کسی ستم نمی‌کند. ﴿٥٠﴾ ویادکن چون به فرشتگان گفتیم سجده کنید آدم را پس سجده کردند مگر ابلیس از جن بود پس ازفرمان پروردگار خود بیرون شد ای مردمان آیا اورا وفرزندان اورا به جای من دوستان می گیرید حال آنکه ایشان شمارا دشمن‌اند، شیطان ستمکاران را بد عوض است. ﴿٥١﴾ ایشان را وقت آفریدن آسمان ها وزمین حاضر نکرده بودم ونه وقت آفریدن خود ایشان ومن هرگز گمراه کنندگان رامددکار ویاورخود نساخته‌ام. ﴿٥٢﴾ وروزی که خدای تعالی میفرماید ای مشرکان صدا کنید شریکان مرا که گمان می بردید پس آن جماعت را صدا کنند وآن جماعت صدای ایشان را قبول نکنند و درمیان ایشان(١) مهلکه ودشمنی را ساختیم. ﴿٥٣﴾ و گناهکاران آتش (جهنم) را ببینند آنگاه دریابند که ایشان خواهد درآن افتادگانند وازآن جای بازگشتی نیابند.

(١) یعنی وادی ازوادیهای دوزخ تایکی به دیگری نتواند رسید.

﴿٥٤﴾ وبه راستی دراین قرآن برای مردمان از هر نوع داستانی گوناگون بیان کردیم وآدمی بیشترازهمه چیزدر خصومت هست. ﴿٥٥﴾ و مردمان را از آنکه ایمان آورند چون بیامد به ایشان هدایت واز آنکه طلب آمرزش کنند ازپروردگار خود بازنداشت مگربه انتظار آنکه بیاید به ایشان روش پیشینیان یا به ایشان عقوبت گونا گون بیاید. ﴿٥٦﴾ ونمی فرستیم پیامبران را مگربشارت دهنده وترساننده و کافران به ناحق وبیهوده خصومت میکنند تا به سبب آن سخن حق را بلغزانند وآیات مرا وچیزی را که به آن ترسانیده شدند به تمسخر گرفتند. ﴿٥٧﴾ وکیست ستمکارترازکسی که به آیات پروردگار خویش پند داده شد پس ازآن رویگردان گشت وآنچه را پیش فرستاده است دو دستِ او فراموش کند هرآئینه ما بردل های ایشان پرده ها افکنده‌ایم تا قرآن را نفهمند وساختیم درگوشهای ایشان گرانی وا گر ایشان را به سوی هدایت بخوانی پس آنگاه هرگز راه نیابند. ﴿٥٨﴾ وپروردگار تو آمرزندهٔ صاحب رحمت است ا گر ایشان را به آنچه کرده اند مؤاخذه می‌کرد عذاب را به شتاب برایشان می فرستاد، بلکه (حق این است که) برای ایشان میعادی هست که هرگز غیر از آن پناهی را نیابند. ﴿٥٩﴾ وآن دِهها را چون ستم کردند هلاك کردیم وبرای هلاك ایشان میعادی معین کردیم. ﴿٦٠﴾ ویادکن چون موسیٰ نوجوانِ خود را گفت پیوسته راه میروم تا آنکه به محل جمع شدن دودریا برسم یا مدت های درازی بروم. ﴿٦١﴾ پس چون به محل جمع شدن دودریا رسیدند ماهی خودرا فراموش کردند پس راه خودرا دردریا شکافان گرفت.

﴿۶۲﴾ پس چون گذشتند موسیٰ نوجوان خودرا گفت برای ما(طعام) چاشت مارا بیاور هرآئینه ازاین سفر خود رنج یافتیم. ﴿۶۳﴾ گفت آیا دیدی چون به آن سنگ تکیه زده آرام گرفتیم پس من ماهی را (یعنی آنجا) فراموش کردم وفراموش نساخت مرا از آنکه قصه آن را یادکنم مگر شیطان وراه خود دردریا به شیوهٔ عجیبی گرفت. ﴿۶۴﴾ موسیٰ گفت این بود آنچه می جستیم پس برنشان قدم هایشان جستجو کنان باز گشتند. ﴿۶۵﴾ پس بنده ای را ازبندگان ما که اورا رحمتی دادیم ازنزدِ خود یافتند واورا ازنزدِ خود علمی آموختیم[1].
﴿۶۶﴾ موسیٰ اورا گفت آیاپیروی توکنم به شرط آنکه به من (نیز) بیاموزی ازراه یابی ای که آموزش یافته ای. ﴿۶۷﴾ گفت هرآئینه تو بامن شکیبایی کردن نمی‌توانی. ﴿۶۸﴾ وچگونه شکیبایی کنی برچیزیکه درنگرفته‌ای آنرا از روی دانش. ﴿۶۹﴾ گفت مرا شکیبا خواهی یافت اگر خدابخواهد و باتو درهیچ فرمانی خلاف نمی کنم. ﴿۷۰﴾ گفت پس اگر پیروی من می‌کنی پس ازمن ازهیچ چیز سوال مکن تا آنکه خودم ازآن باتوسخن گویم.
﴿۷۱﴾ پس راه رفتند تاوقتی که چون برکشتی سوار شدند (خضر) آنرا شکافت گفت (موسیٰ) آیا شکافتی کشتی را تا سرنشینانش را غرق کنی به راستی چیزی (بس) ناگوار را آوردی. ﴿۷۲﴾ گفت آیا نگفته بودم که تو بامن شکیبایی کردن نتوانی. ﴿۷۳﴾ موسیٰ گفت مرا به آنچه فراموش کردم بازخواست مکن ودرکارم برمن سخت مگیر. ﴿۷۴﴾ پس راهسپارشدند تاوقتی که بانوجواني برخورد کردند پس (خضر) اورا بکشت گفت (موسیٰ) آیا انسانی بی گناه را به غیر قصاص نفسی کشتی؟! بی گمان چیزی ناپسندیده را آوردی.

(۱) یعنی خضررایافتند.

﴿۷۵﴾ گفت آیا نگفته بودم به توکه هرآئینه تو بامن شکیبایی کردن نتوانی. ﴿۷٦﴾ گفت موسیٰ اگر بعد ازین تورا ازچیزی بپرسم پس بامن همراهی مکن بی گمان ازجانب من به حد عذر رسیدی. ﴿۷۷﴾ پس راه رفتند تا وقتیکه به اهل دهی آمدند ازاهل آن دِه خوراك طلب کردند پس اهل دِه قبول ننمودند که ایشان را مهمانی کنند پس یافتند درآنجا دیواری که میخواست بیفتد پس آنرا راست ساخت گفت (موسیٰ) اگرمیخواستی البته برتعمیر این دیوار مزدی می گرفتی. ﴿۷۸﴾ گفت اینست جدایی درمیان من وتو خبرخواهم داد ترا به آنچه برآن شکیبایی کردن نتوانستی. ﴿۷۹﴾ امّاکشتی پس ازآن درویشان چند بود که دردریا کار می کردند پس خواستم که آنرا معیوب کنم وپیش روی ایشان پادشاهی بود که هرکشتی درست را به زور می‌گرفت. ﴿۸۰﴾ واما آن نوجوان پس پدرومادر وی مسلمان بودند پس ترسیدیم ازآن که برایشان در سرکشی وکفر غالب آید. ﴿۸۱﴾ پس خواستیم که عوض دهد ایشان را پروردگارایشان بهتر ازوی ازروی پاکیزگی ونزدیك ترازجهت شفقت. ﴿۸۲﴾ واما آن دیوار پس ازدونوجوان یتیم درشهر بود و زیرآن گنجی از ایشان بود و پدرایشان نیکوکار بود پس خواست پروردگار توکه این نوجوانان به نهایت قوت خویش برسند و گنج خود را برآورند ازروی مهربانی از پروردگارتو و آن را ازرای خود نکردم اینست سِرِّ آنچه برآن شکیبایی کردن نتوانستی. ﴿۸۳﴾ وسوال می‌کنند تورا از ذوالقرنین بگوخواهم خواند برشما ازحال وی خبری.

﴿۸٤﴾ هرآئینه ما او را درزمین دسترسی دادیم و اورا از هرچیزوسیله ای دادیم. ﴿۸٥﴾ پس درپی وسیله ای افتاد[۱]. ﴿۸٦﴾ تاآنکه چون به محل فرورفتن آفتاب رسید دریافت آنرا که درچشمه گل ولای فرو می‌رود و نزدیك آن چشمه گروهی را یافت گفتیم ای ذوالقرنین (اختیار بدست تست) یا (اینست که) عقوبت کنی یا درمیان ایشان معامله نیکو بگیری[۲]. ﴿۸۷﴾ گفت أما کسیکه ستم کرد پس اورا به عذاب خواهیم کرد آنگاه به سوی پروردگار خویش بازگردانیده شود پس اورا به عذاب سخت عذاب کند. ﴿۸۸﴾ واما آنکه ایمان آورده وکارشایسته کرده باشد پس اورا پاداش نیکو است و دربارهٔ اودرکار خویش سخنی آسان خواهیم گفت. ﴿۸۹﴾ بازدرپی وسیله ای افتاد. ﴿۹۰﴾ تا آنگاه که چون به جایگاه برآمدن خورشید رسید یافت که آن برگروهی بر می‌آید که برای ایشان ازجهت آفتاب هیچ پرده ای نساخته ایم. ﴿۹۱﴾ قصه چنین بود وهرآئینه درگرفته ایم به آنچه نزدیك وی بود از روی خبرداری. ﴿۹۲﴾ بازدرپی وسیله ای افتاد. ﴿۹۳﴾ تاوقتیکه چون درمیان دوسدّ رسید سوی این دوسدّ گروهی را یافت که نزدیك نبودند ازآنکه سخنی را بفهمند. ﴿۹٤﴾ گفتند این گروه ای ذوالقرنین هرآئینه یاجوج وماجوج درزمین فساد کنندگانند پس آیا مقرر کنیم برای تو هزینه ای به شرط آنکه درمیان ما وایشان سدّی بسازی. ﴿۹٥﴾ گفت آنچه مرا درآن پروردگار من دسترسی داده است بهتر است پس مرا باتوان بازو مدد کنید تا میان شماو ایشان حجابی محکم بسازم. ﴿۹٦﴾ پیش من پاره‌های آهن را بیارید آنگاه که مابین آن دوکوه را برابر ساخت گفت آتش بدمید تاآنکه چون آن آهن را آتش ساخت گفت بیاورید پیش من تا بالای این روئین گداخته را بریزم. ﴿۹۷﴾ پس یاجوج وماجوج نتوانستند که برآن بالاروند واورا سوراخ کردن نتوانستند.

---

(۱) یعنی به حسب نظرمردمان.

(۲) مترجم گوید واین کنایت است ازقدرتِ اوبرین دوکار.

﴿۹۸﴾ گفت این (صنعت) نعمتی ازپروردگار من است پس چون وعدهٔ پروردگار من بیاید[۱] آنرا هموار کند وهست وعدهٔ پروردگار من راست. ﴿۹۹﴾ وبگذاریم بعض ایشان را آن روزکه دربعض دیگر درهم آمیزند ودرصور دمیده شود پس ایشان را کاملاً بهم آوریم. ﴿۱۰۰﴾ و روبروآوریم دوزخ را آن روزپیش کافران روبرو آوردن. ﴿۱۰۱﴾ آنانکه چشم های ایشان ازیاد من درپرده بود وسخن شنیدن را نمی توانستند. ﴿۱۰۲﴾ (یعنی ازشدت بغض) آیاپنداشتند کافران که دوست گرفتن ایشان بندگان مرا به جای من که موجب عقوبت نباشد هرآئینه ما دوزخ رابرای کافران منزل‌گاه آماده ساخته ایم. ﴿۱۰۳﴾ بگو آیا شمارا به آنانکه زیانکارترین مردم‌اند از روی عمل خبر دهیم. ﴿۱۰٤﴾ این جماعت آنانند که سعی ایشان در زندگانی دنیا برباد شد وایشان گمان می کنند که درعمل خودشان نیکوکاری می کنند. ﴿۱۰۵﴾ این جماعت آنانند که به آیات پروردگار خویش وبه ملاقات او کافر شدند پس اعمال ایشان نابود شد پس برپا نخواهیم ساخت برای ایشان روزقیامت هیچ وزنی[۲]. ﴿۱۰٦﴾ این است که جزای ایشان دوزخ باشد به سبب آنکه کافر شدند وآیات مرا و پیامبران مرا به تمسخر گرفتند. ﴿۱۰۷﴾ هرآئینه آنانکه ایمان آورده اند وکارهای شایسته کرده‌اند جایگاه پذیرایی ایشان باغهای فردوس است. ﴿۱۰۸﴾ درآنجا جاویدان باشند ازآنجا بازگشتن را نجویند. ﴿۱۰۹﴾ بگو اگر دریا سیاهی باشد برای نوشتن سخنان پروردگار من البته دریا تمام شود پیش ازآنکه سخنان پروردگار من به آخررسد اگرچه به کمك مانند آن دریادریایی دیگر را بیاوریم. ﴿۱۱۰﴾ بگو جزاین نیست که من آدمی‌ام مانند شما به سوی من وحی فرستاده می شود که معبود شما همان معبودی یکتا است پس هرکه ملاقات پروردگار خود را توقع دارد باید که کار پسندیده بکند و درعبادت پروردگار خویش هیچ کسی را شریك نیاورد.

(۱) یعنی نزدیك شود قیامت.

(۲) مترجم گوید واین کنایت است ازخواری وبی قدری.

سوره مریم مکی است وآن نود و هشت آیه وشش رکوع است

﴿۱﴾ کَهٰیٰعَصٓ. ﴿۲﴾ این یاد کَرد بخشایش پروردگارتو بربنده خود زکریا است. ﴿۳﴾
چون پروردگار خود را به ندایی پنهان به دعاخواند. ﴿٤﴾ گفت ای پروردگار من هرآئینه
استخوان ازبدن من سست شده است وسرم ازسفید مویی شعله گشته است ودردعای تو
ای پروردگار من ناامید نبوده ام. ﴿٥﴾ وهرآئینه من پس ازخود ازنزدیکانم می ترسم
وهست زن من نازای پس مرا از نزدیك خود وارثی عطا کن. ﴿٦﴾ که از من میراث گیرد
و میراث گیرد از اولادِ یعقوب واورا ای پروردگار من مرد پسندیده بکن. ﴿۷﴾ گفتیم ای
زکریا هرآئینه ما تورا به طفلی که نام اویحیی است بشارت میدهیم پیش ازین هیچ هم نام
اورا پیدا نکردیم. ﴿۸﴾ گفت ای پرورد گار من چگونه پیدا شود برای من طفلی وهست
زن من نازای وهرآئینه از سبب کلان سالی بنهایتِ ضعف رسیده‌ام. ﴿۹﴾ گفت وعده هم
چنین است گفت پروردگار تواین کار برمن آسان است و هرآئینه توراپیش ازین وتو چیزی
نبودی آفریدم. ﴿۱۰﴾ گفت ای پروردگار من برای من نشانه ای معین کن فرمود نشانه
توآنست که بامردمان سه شبانه روزدر عین حال تندرستی سخن نتوانی گفتن. ﴿۱۱﴾ پس
برقوم خود ازمحراب عبادت بیرون آمد پس اشاره کرد به سوی ایشان که صبح وشام
تسبیح گویید[۱].

(۱) مترجم گوید القصه چون یحیی متولد شدو دوساله گشت.

﴿۱۲﴾ گفتیم ای یحیی (احکام) کتاب را باقوّت واستواری بگیر و درحال کودکی دانائی دادیمش. ﴿۱۳﴾ و شفقتی ازنزدیك خود وطهارت نفس دادیمش و پرهیزگار بود. ﴿۱٤﴾ ونیکوکردار به پدرومادر خود بود وگردن کشُ گنهکار نبود. ﴿۱۵﴾ وسلام باد بروی روزیکه متولد شد و روزیکه بمیرد وروزیکه برانگیخته شود. ﴿۱٦﴾ و درکتاب مریم را یاد کن چون ازاهل خود به گوشه‌ای شرقی (ازبیت المقدس) یکسوشد. ﴿۱۷﴾ پس میان خود وایشان پرده‌ای گرفت پس به سوی او روح خود را فرستادیم[۱] پس به صورت بشری درست اندام پیش مریم ظاهر شد. ﴿۱۸﴾ گفت هرآئینه من به خدا از تو اگر پرهیزگارباشی پناه میگیرم. ﴿۱۹﴾ گفت جزاین نیست که من فرستادهٔ پروردگارتوهستم تا تورا کودکی پاکیزه عطاکنم. ﴿۲۰﴾ گفت چگونه برای من طفلی پیدا شود حال آنکه دست نرسانیده است بمن هیچ آدمی وهرگز زناکار نبودم. ﴿۲۱﴾ گفت وعدهٔ حق هم چنین است فرمود پروردگار تو که این برمن آسان است ومی‌خواهیم که این طفل را نشانه ای برای مردمان وبخشایشی ازجانب خود بسازیم و این (تصمیم) کاری انجام یافتنی است. ﴿۲۲﴾ پس به شکم آن طفل را بارگرفت پس مریم به سبب آن حمل بجایی دورازمردم یکسو شد. ﴿۲۳﴾ پس آوردش دردِ زه به سوی تنه درخت خرما مریم گفت ای کاش پیش ازین مرده بودم و فراموش شده ازخاطر رفته می بودم. ﴿۲٤﴾ پس آواز داد اورا (طفل یا جبرئیل والله اعلم) ازجانب پایین اوکه اندوه مخور هرآئینه پروردگار تو پایین توجویی پیدا کرده است. ﴿۲۵﴾ وبه سوی خویش تنهٔ درخت خرما را تکان دِه تا برسر تو خرمای تازه (بالفعل از درخت) چیده بیفکند.

(۱) یعنی جبرئیل علیه السلام را.

﴿۲٦﴾ پس بخور و بیا شام و آسوده چشم شو پس اگر ازآدمیان کسی را ببینی پس بگو هرآئینه من برای خدا روزه را نذر کرده ام پس امروزباهیچ انسانی سخن نخواهم گفت. ﴿۲۷﴾ پس عیسیٰ را برداشته پیش قوم خود آورد گفتند ای مریم به راستی چیزی زشت را آوردی. ﴿۲۸﴾ ای خواهر هارون پدرتو مردی بد نبود و مادرتو زن بدکاره نبود. ﴿۲۹﴾ پس مریم به آن (بطفل) خود اشاره کرد گفتند چگونه سخن بگوییم باکسیکه در گهواره درحال کودکی است. ﴿۳۰﴾ گفت (عیسیٰ) من بندهٔ خدا هستم مرا کتاب داده است ومرا پیامبر گردانیده است. ﴿۳۱﴾ وخدا با برکت گردانده مرا هرجا که باشم و مرا به نماز و زکوٰة مادامِیکه زنده باشم حکم فرموده است. ﴿۳۲﴾ و(گردانده) مرا نیکوکار به مادرم ومرا گردن کش بدبخت قرارنداده است. ﴿۳۳﴾ وسلام برمن باد روزیکه متولد شدم وروزیکه بمیرم وروزیکه زنده برانگیخته شوم. ﴿۳٤﴾ اینست قصه عیسیٰ پسرمریم (مراد میدارم) سخن راست را که درآن مردمان اختلاف می ورزند. ﴿۳٥﴾ لایق خدا نیست آنکه هیچ فرزندی گیرد پاکی اورا است چون انجام کاری را بخواهد جزاین نیست که میگویدش بشو پس می شود. ﴿۳٦﴾ وگفت عیسیٰ هرآئینه خدا پروردگار منست و پروردگار شما پس عبادت اوکنید اینست راه راست. ﴿۳۷﴾ پس گروهها میان خویش اختلاف کردند پس وای برکافران ازحاضر شدن روزبزرگ. ﴿۳۸﴾ چه قدر شنوا باشند و چه قدربینا باشند روزی که بیایند پیش ما لیکن این ستم کاران امروز درگمراهی ظاهراند.

﴿۳۹﴾ وایشان را که درغفلتند و ایمان نمی آورند بترسان از (فرارسیدن) روز پشیمانی وچون کار به انجام رسانیده یکسره شود. ﴿٤۰﴾ هرآئینه ما زمین را وهرکسی را که برزمین است وارث می شویم وبه سوی مابازگردانیده می شوند. ﴿٤۱﴾ ویاد کن درکتاب ابراهیم را هرآئینه وی پیامبری راست کردار بود. ﴿٤۲﴾ یاد کن چون پدرخود را گفت ای پدرمن چرا عبادت می‌کنی چیزی را که نمی شنود ونمی بیند و ازتو چیزی را دفع نمی کند. ﴿٤۳﴾ ای پدرمن هرآئینه پیش من ازعلم آمده است آنچه پیش تو نیامده است پس پیروی من کن تا تورا به راه راست دلالت کنم. ﴿٤٤﴾ ای پدر من شیطان را عبادت مکن هرآئینه شیطان نافرمان (خدا) هست. ﴿٤٥﴾ ای پدرمن می‌ترسم ازآنکه به توعقوبتی از(خدا) رحمان برسد پس قرین شیطان باشی. ﴿٤٦﴾ گفت آیا تو ازمعبودانِ من رویگردانی ای ابراهیم؟ اگربازنیایی البته تورا سنگسار کنم ومدتی دراز ترك صحبت من کن. ﴿٤۷﴾ گفت سلام علیك برای تو ازپروردگار خویش آمرزش خواهم طلبید هرآئینه وی برمن مهربان هست. ﴿٤۸﴾ وکناره گیرم ازشما وازآ نچه را که غیرازخدا می پرستید و پروردگار خود را عبادت خواهم کرد امید آنست که به سبب پرستش پروردگارخود بدبخت نباشم. ﴿٤۹﴾ پس چون کناره گرفت ازایشان وازآنچه به جای خدا وی را می پرستیدند اسحق ویعقوب وهریکی را پیامبرساختیم. ﴿٥۰﴾ وایشان را چیزها ازبخشش خود عطا کردیم وبرای ایشان ذکر جمیل به نهایت بزرگی مقررداشتیم. ﴿٥۱﴾ ودرکتاب موسیٰ را یاد کن هرآئینه وی خالص کرده شده بود وفرستاده‌ای پیامبربود.

﴿۵۲﴾ وازجانبِ راست کوه طور اورا ندا کردیم و او را رازگویان نزدیك ساختیم. ﴿۵۳﴾ و اورا ازبخشش خود برادرش هارون را پیامبری عطاکردیم. ﴿۵٤﴾ ویادکن درکتاب اسمعیل را هرآئینه وی راست وعده بود وفرستاده‌ای پیامبر بود. ﴿۵۵﴾ و خانواده اش را به نماز و زکوٰة می‌فرمود ونزد پروردگار خویش پسندیده بود. ﴿۵٦﴾ وادریس را درکتاب یادکن هرآئینه وی پیامبری راست کردار بود. ﴿۵۷﴾ و اورا بمکانی بلند برداشتیم. ﴿۵۸﴾ این جماعت آنانند که خدا برایشان اززمرهٔ پیامبران ازفرزندان آدم انعام کرد وازنسل آنانکه بانوح برداشتیم واز ذُرّیت ابراهیم و یعقوب وازجمله آنانکه ایشان را راه راست نمودیم وبرگزیدیم چون خوانده می‌شد برایشان آیات خُدا سجده کنان وگریان می افتادند. ﴿۵۹﴾ پس بعد ازایشان ناخلفی چند جانشین شد که نمازرا ترك کردند و خواهش ها را پیروی کردند پس جزای گمراهی خواهند یافت. ﴿٦۰﴾ لیکن هرکه توبه کرد وایمان آورد و کارشایسته به عمل آورد پس آن جماعت دربهشت درآیند وبرایشان هیچ ستم کرده نشود. ﴿٦۱﴾ بوستانهای همیشه ماندن که خدا بندگان خود را نادیده وعده داده است هرآئینه وعده او آینده هست. ﴿٦۲﴾ آنجاهیچ سخن بیهوده نشنوند لیکن سلام شنوند وبرای ایشان روزی ایشان در آنجا صبح و شام بُوَد. ﴿٦۳﴾ اینست آن بهشت که عطاکنیم ازبندگان خویش آن را که پرهیزگاربود. ﴿٦٤﴾ و(فرشتگان گفتند که) فرونمی‌آییم مگر به حکم پروردگار تو او راست (علم) آنچه پیش ماست(۱) وآنچه عقب ماست(۲) وآنچه درمیان این است و پروردگار تو فراموش کار نیست.

(۱) یعنی قیامت.

(۲) یعنی ازابتدای خلق آسمان وزمین.

﴿۶۵﴾ اوست پروردگار آسمان ها وزمین وآنچه میان اینهاست پس اورا عبادت کن و برعبادت وی صبرکن آیا میدانی برای او همنامی (یعنی مانندی). ﴿۶۶﴾ ومیگوید آدمی (یعنی کافر) آیا چون بمیرم البته زنده بیرون آورده خواهم شد. ﴿۶۷﴾ آیا آدمی یاد نمی آورَد که ما اورا پیش ازاین ونبود هیچ چیزی آفریدیم. ﴿۶۸﴾ پس قسم به پروردگارِ تو که البته این منکران بعث را با شیاطین برانگیزیم باز ایشان را گرداگرد دوزخ به زانودرافتاده حاضر کنیم. ﴿۶۹﴾ باز از هرامتی آن را که ازایشان جرأتمندودرنافرمانی سخت ترست برخدا برکشیم. ﴿۷۰﴾ بازالبته ما به آنانکه سزاوارتراند به درآمدن دوزخ داناتریم. ﴿۷۱﴾ و ازشماهیچ کس نیست مگر برآن گذرنده است این وعده (لازم) بر پروردگارتو قضای حتمی است. ﴿۷۲﴾ باز متقیان را نجات می‌دهیم و ظالمان را در آنجابزانو درافتاده بگذاریم. ﴿۷۳﴾ وچون آیات ما به روشنی برایشان خوانده می شود کافران گویند مسلمانان را کدام یك ازاین دوگروه در مرتبه بهتراست و ازروی مجلس نیکوتراست[1]. ﴿۷۴﴾ وچه بسیار نسلها راکه پیش ازایشان بودند هلاك کردیم که ایشان به اعتبار رخت خانه وازروی نموداری بهتر بودند. ﴿۷۵﴾ بگو هرکه درگمراهی‌باشد پس اورا خدا افزون میدهد افزون دادنی (یعنی ازروی استدراج) تا وقتیکه چون ببینند آنچه راکه ترسانیده شدند یاعقوبت را ویاقیامت را پس خواهند دانست کدام یك درمرتبه بدتراست وبه اعتبار لشکر ناتوان تراست. ﴿۷۶﴾ و خدا راه یابان را هدایت زیاده میدهد وحسنات پاینده شایسته نزد پروردگار توازروی جزا بهترند وازجهت بازگشت نیکو ترند.

(۱) یعنی به عزت دنیامغرورشدند.

﴿۷۷﴾ آیادیدی آن را که به آیاتِ ما کافرشد وگفت البته مرا[۱] مال وفرزند داده شود. ﴿۷۸﴾ آیا برغیب مطلع شده است یا ازنزد خدا عهدی را گرفته است. ﴿۷۹﴾ چنین نیست، خواهیم نوشت آنچه را که می گوید وبراو عذاب را افزون دهیم افزون دادنی (یعنی مستمر پیاپی. ﴿۸۰﴾ وآنچه را می گوید از وی می گیریم وپیش ماتنها بیاید. ﴿۸۱﴾ ومعبودانی را به جای خدا گرفتند تا ایشان مایه عزت واحترام برا یشان باشند. ﴿۸۲﴾ چنین نیست، پرستشِ معبودان خود را منکر خواهندشد وبرایشان دشمن خواهند شد. ﴿۸۳﴾ آیا ندیدی که شیاطین را برکافران فرستادیم که می‌جنبانیدند ایشان را جنبانیدنی. ﴿۸٤﴾ پس به زیان ایشان شتاب مکن جزاین نیست که مدت می شماریم برای ایشان شمارکردنی (یعنی مدت اجلشان را). ﴿۸٥﴾ روزیکه متقیان را به سوی رحمن بصورت گروه برانگیزیم. ﴿۸٦﴾ و گناه کاران را به سوی دوزخ تشنه کام میرانیم. ﴿۸۷﴾ نتوانند شفاعت کردن الّاکسیکه نزد خدا عهدی را گرفته است[۲]. ﴿۸۸﴾ وگفتند خدا فرزند گرفته است. ﴿۸۹﴾ (فرمود ایشان را) به یقین چیزی زشتی را آوردید. ﴿۹۰﴾ نزدیك است که آسمان‌ها ازین سخن پاره پاره شوند وزمین بشکافد وکوهها درهم شکسته فروریزند. ﴿۹۱﴾ به سبب آنکه به خدا فرزندی را نسبت دادند. ﴿۹۲﴾ ونه سزد خدا را که فرزند گیرد. ﴿۹۳﴾ نیست هیچ یك ازآنکه درآسمان‌ها وزمین‌اند مگر پیش رحمن بنده شده آینده است. ﴿۹٤﴾ به راستی ایشان را فرا گرفته است وشمارکرده است ایشان راچنان که بایدشمرد. ﴿۹٥﴾ وهریك ازایشان پیش وی روزقیامت تنها آینده است.

(۱) یعنی درقیامت.
(۲) یعنی مسلمان شده ووعده ثواب را مستحق گشته.

﴿۹٦﴾ هرآئینه آنانکه ایمان آورده‌اند وکارهای شایسته انجام داده‌اند خدا برای ایشان دوستی را[1] پیدا خواهد کرد. ﴿۹۷﴾ جزاین نیست که قرآن را به زبانِ تو آسان ساختیم تا به آن متقیان را مژده دهی و به آن گروه ستیزندگان را بترسانی. ﴿۹۸﴾ وچه بسیار نسلها را پیش ازایشان هلاك کردیم آیا هیچ کسی را ازایشان می بینی یا ازایشان آوازی آهسته می‌شنوی.

سوره طه مکی است وآن یك صدوسی وپنج آیه وهشت رکوع است

﴿۱﴾ طٰهٰ. ﴿۲﴾ قرآن را برتو نازل نکردیم که به رنج افتی. ﴿۳﴾ لیکن فروفرستادیم برای پند دادن کسی را که بترسد. ﴿٤﴾ فروفرستاده است ازجانب کسیکه زمین و آسمانهای بلند را آفریده است. ﴿٥﴾ وی بسیار بخشاینده است برعرش قرار گرفت. ﴿٦﴾ اورا است آنچه درآسمانها وآنچه درزمین است وآنچه درمیان اینهاست وآنچه زیرخاكِ نمناك است. ﴿۷﴾ واگرآشکار کنی سخن را پس هرآئینه وی سخن پنهان را وپنهان تررا میداند[2]. ﴿۸﴾ خدا آنست که هیچ معبود برحقی جزاو نیست نامهای نیکو برای اوست. ﴿۹﴾ وآیا بتوخبرِ موسیٰ آمده است. ﴿۱۰﴾ چون آتشی را دید پس خانواده خود را گفت درنگ کنید هرآئینه من آتشی را دیده‌ام امید دارم که پیش شماازآن آتش شعله ای بیاورم یا برآن آتش راه نمایی بیابم. ﴿۱۱﴾ پس چون نزدیك آتش بیامد آواز داده شد که ای موسیٰ. ﴿۱۲﴾ هرآئینه من پروردگار تو هستم پس کفشهای خود را ازپا بیرون آور چرا که تو به وادی پاك طوی هستی.

(۱) یعنی بایك دیگردوست باشند.

(۲) یعنی جهررابه طریق اولیٰ میداند.

﴿۱۳﴾ ومن برگزیدم تورا پس به سوی آنچه وحی فرستاده می شود گوش بنه. ﴿۱٤﴾
هرآئینه من خدایم هیچ معبودی برحق غیراز من نیست پس عبادتِ من بکن ونمازرا برای یاد
کردن من برپاکن. ﴿۱٥﴾ هرآئینه قیامت آمدنی است میخواهم که وقت آن را پنهان دارم تا
هر شخصی دربرابرتلاش وکوشش آنچه می کند جزا داده شود. ﴿۱٦﴾ پس تورا از
بازداشتن آن کسی که برآن ایمان ندارد وپیروی کرده است خواهش نفس خود را بازندارد
آنگاه هلاك شوی. ﴿۱۷﴾ وچیست این که بدستِ راست توست ای موسیٰ؟. ﴿۱۸﴾
گفت این عصای من است برآن تکیه می دهم و با آن برای گوسفندان خود برگ میریزم و
مرا درین عصا کارهای دیگر نیز هست. ﴿۱۹﴾ فرمود ای موسیٰ آنرا بیفکن. ﴿۲۰﴾ آنگاه
آنر انداخت پس ناگهان ماری شد که می شتافت. ﴿۲۱﴾ فرمود آنرا بگیر و مترس،
اورابشکل نخستین او بازخواهیم گردانید. ﴿۲۲﴾ ودستِ خودرا به سوی بغل خود بهم
آور تا سفید شده بیرون آید بدون هیچ عیبی نشانه دیگر. ﴿۲۳﴾ میخواهیم که تورا بعضی
از نشانه های بزرگ خویش بنماییم. ﴿۲٤﴾ برو به سوی فرعون هرآئینه وی ازحد گذشته
است. ﴿۲٥﴾ گفت ای پروردگار من برای من سینه‌ام را گشاده کن. ﴿۲٦﴾ وبرای من
کارم را آسان کن. ﴿۲۷﴾ گره را اززبانم بگشای. ﴿۲۸﴾ تاسخنم را بفهمند. ﴿۲۹﴾
وبرای من وزیری ازأهل من مقررکن. ﴿۳۰﴾ هارون برادر مرا. ﴿۳۱﴾ به سبب اوتوانایی
مرا محکم کن. ﴿۳۲﴾ واورا درکارمن شریك کن. ﴿۳۳﴾ تاتورا تسبیح بسیار گوییم.
﴿۳٤﴾ ویاد تو را بسیارکنیم. ﴿۳٥﴾ هرآئینه تو به احوال ما بینا هستی. ﴿۳٦﴾ گفت
هرآئینه ای موسیٰ خواسته‌ات برآورده شد. ﴿۳۷﴾ وهرآئینه برتویك باردیگر احسان کردیم.

﴿۳۸﴾ چون وحی فرستادیم به سوی مادرت آنچه وحی کردنی بود. ﴿۳۹﴾ (به این مضمون) این طفل را درصندوق بافکن پس صندوق را دردریا بیفکن تابیفکند اورا دریا بکناره بگیردش دشمن من ودشمن او وبر(روی) توقبول ودوستی ازجانب خویش بیفکندم و خواستم که زیر نظارت چشم من پرورده شوی. ﴿٤۰﴾ چون خواهر تو می رفت پس می گفت آیا راهنمایی کنم شمارا برکسیکه نگهبانی این طفل کند پس تورا به سوی مادرتو بازآوردیم تاچشم وی خنك شود واندوهگین نباشد و شخصی را بکشتی پس تورا ازاندوه خلاص ساختیم وآزمودیم تورا آزمودنی پس سالهای چند در أهل مدین درنگ کردی بازموافق تقدیرالهی ای موسیٰ آمدی. ﴿٤۱﴾ وتورا برای خویش پرورده ام. ﴿٤۲﴾ تو وبرادرت بانشانه های من بروید و در یاد من سستی نکنید. ﴿٤۳﴾ به سوی فرعون بروید هرآئینه وی ازحدگذشته است. ﴿٤٤﴾ پس باوی سخن نرم بگویید باشد که پندپذیر شود یابترسد. ﴿٤۵﴾ گفتند ای پروردگارما هرآئینه ما می‌ترسیم ازآنکه برما تجاوز کند یا ازحد بگذرد. ﴿٤٦﴾ گفت مترسید هرآئینه من باشمایم می‌شنوم ومی بینم. ﴿٤۷﴾ پس بروید پیش وی پس بگویید هرآئینه ما فرستادگانِ پروردگار توهستیم پس باما بنی‌اسرائیل را به فرست وایشان را عذاب مکن هرآئینه پیش تونشانه‌ای ازجانب پروردگارتو آورده‌ایم وسلامتی کسی را است که پیروی راهِ هدایت کند. ﴿٤۸﴾ هرآئینه به سوی ما وحی فرستاده شد که عذاب بر کسی باشد که تکذیب کند وروی گردان شود[1]. ﴿٤۹﴾ فرعون گفت پس کیست پروردگار شما ای موسیٰ. ﴿۵۰﴾ گفت پروردگارماآنست که هر چیزی را صورت خالص او داد بازراه نمودش (به طلب معاش خودش). ﴿۵۱﴾ گفت پس حال قرنهای نخستین چیست.

(۱) القصه این پیغام رسانیدند.

﴿۵۲﴾ گفت علم آن نزد پروردگارمن درکتابی است که پروردگارمن خطا نکند ونه فراموش کند. ﴿۵۳﴾ اوآنست که برای شما زمین را فرش ساخت و برای شما درآن راه‌ها روان کرد و ازآسمان آب را فروفرستاد پس به آن آب انواع مختلف ازنبات بیرون آوردیم. ﴿۵۴﴾ گفتیم بخورید و چهارپایانِ خودرا بچرانید هرآئینه درین امر برای خردمندان نشانه هاست. ﴿۵۵﴾ شمارا اززمین آفریدیم وشمارا درزمین بازدرآوریم واززمین شمارا باردیگر بیرون کشیم. ﴿۵۶﴾ وبه راستی فرعون را تمام نشانه‌های خویش نمودیم پس تکذیب کرد وقبول نکرد. ﴿۵۷﴾ گفت ای موسیٰ آیا آمده‌ای تا ما را اززمین ما باجادوی خود بیرون کنی. ﴿۵۸﴾ پس هرآئینه پیش توجادویی مانند آن بیاوریم پس میان ومیان خود به جایی میانه شهر وعده گاهی معین کن که آنرا ما ونه تو خلافش نکنیم (مقبول هردوطرف باشد). ﴿۵۹﴾ گفت وعده گاه شما روزآرایش است وآنکه مردمان وقت چاشت جمع کرده شوند. ﴿۶۰﴾ پس فرعون بازگشت پس مکرخود را جمع کرد بازبیامد. ﴿۶۱﴾ موسیٰ ساحران را گفت وای برشما برخدا دروغ را افتراء نکنید آنگاه شمارا به عذاب هلاك سازد وبه درستی که هرکه افتراء کرد به مطلب نرسید. ﴿۶۲﴾ پس ساحران درباره کارخود درمیان خویش گفتگو کردند و راز را پنهان گفتند. ﴿۶۳﴾ گفتند البته این دوشخص ساحرند می‌خواهند که شمارا ازسرزمین شما به سحر خود بیرون کنند ومی خواهند که دین شایستهٔ شمارا دور کنند. ﴿۶۴﴾ پس اسباب سحر خود را به هم آورید باز صف کشیده بیایید وهرآئینه امروز هرکه غالب آمد رستگارشد.

﴿٦٥﴾ گفتند ای موسیٰ یا اینست که توافکنی یعنی (عصارا) ویا ما اوّل کسیکه افکند باشیم. ﴿٦٦﴾ گفت بلکه شما افکنید پس ناگهان ریسمانهای ایشان وعصاهای ایشان پیش موسیٰ به سبب سحر ایشان نمودارشد که می دوند. ﴿٦٧﴾ پس موسیٰ در دل خود ترسی را یافت. ﴿٦٨﴾ گفتیم مترس هرآئینه تویی غالب. ﴿٦٩﴾ وبیفکن آنچه دردست راست توست تا فروبرد آنچه را که ساحران ساخته اند هر آئینه آنچه ساخته اند جادوی جادو کننده است وساحر رستگارنمی‌شود هرجاکه رود (القصه هم چنین شد). ﴿٧٠﴾ پس انداخته شدند ساحران سجده کنان گفتند به پروردگار هارون وموسیٰ ایمان آوردیم. ﴿٧١﴾ گفت (فرعون) آیا باورداشتید اوراپیش ازآنکه شمارا دستوری دهم هرآئینه وی بزرگ شماست که شمارا سحر آموخته است هرآئینه دست های شما وپاهای شمارا یکی از جانب راست ودیگری ازجانب چپ بِبُرَم والبته شمارا برتنه های درخت خرما بردارکشم والبته خواهید دانست که کدام یك ازما عذاب او سخت تر وپاینده تراست. ﴿٧٢﴾ گفتند هرگز تورا برآنچه پیش ماازدلایل آمده است ترجیح ندهیم وتورا برخدایی که ما را آفرید ترجیح ندهیم پس حکم کن هرچه تو حکم کننده باشی جزاین نیست که درین زندگانی دنیا حکم کنی. ﴿٧٣﴾ هرآئینه ما به پروردگار خویش ایمان آورده ایم تا برای ما گناهانِ مارا بیامرزد وآنچه ما را جبرکردی برآنکه سحر کنیم وخدا بهتراست وپاینده تراست. ﴿٧٤﴾ هرآئینه هرکه پیش پروردگار خویش گنهکار بیاید پس اورا است دوزخ نه میرد درآنجا ونه زنده شود. ﴿٧٥﴾ وهرکسی که پیش اومسلمان شده بیاید وعملهای شایسته کرده باشد پس این جماعت برای ایشان درجه های بلند است. ﴿٧٦﴾ بوستانهای همیشه ماندن که زیرآنها جویها می رود جاویدان در آنجا واینست پاداش هرکه پاك شده است.

﴿۷۷﴾ وهرآئینه به سوی موسیٰ وحی فرستادیم که وقت شب بندگان مرا ببر پس برای ایشان راهی خشك دردریا بساز ازدریافتن دشمن مترس ونه ازغرق شدن پروا کن. ﴿۷۸﴾ پس فرعون ایشان را بالشکرهای خویش دنبال گیری کرد پس پوشانید ایشان را ازدریا آنچه ایشان را پوشانید. ﴿۷۹﴾ و فرعون قوم خود را گمراه کرد وراه ننمود. ﴿۸۰﴾ گفتیم ای بنی اسرائیل هر آئینه شمارا از دشمنان شما نجات دادیم و شمارا[۱] به جانب راست (کوه) طور وعده دادیم و برشما ترنجبین وپرنده بلدرچین (سمانی) فروفرستادیم. ﴿۸۱﴾ گفتیم ازلذایذ آنچه شمارا روزی دادیم بخورید و در آن روزی ازحد مگذرید آنگاه برشماخشم من ثابت شود وهرکه بروی خشم من ثابت شد به یقین هلاك شد. ﴿۸۲﴾ وهرآئینه من کسی را که توبه کرد و ایمان آورد وکارشایسته کرد بازراه راست یافت آمرزنده ام. ﴿۸۳﴾ ای موسی چه[۲] چیز تورا برآن وا داشت که برقوم خود پیشی گیری؟. ﴿۸٤﴾ گفت قوم من ایشان بدنبال من بوده به سوی توای پروردگار من شتافتم تاخوشنود شوی. ﴿۸۵﴾ گفت خداهر آئینه قوم تورا پس ازتو در فتنه انداختیم وسامری ایشان را گمراه ساخت. ﴿۸٦﴾ پس موسیٰ به سوی قوم خود خشم گرفته اندوه خورده بازگشت گفت ای قوم من آیا وعده نداده بود شمارا پروردگار شما وعده نیك آیا درازشد برشما مدت[۳] یا خواستید که برشما خشمی ازپروردگار شما واجب شود پس وعدهٔ مرا خلاف کردید. ﴿۸۷﴾ گفتند وعدهٔ تورا به اختیارِ خویش خلاف نکردیم ولیکن مارا (تحمیل کرده شد) تابارها ازپیرایهٔ قوم قبط برداشتیم پس آنرا افکندیم[٤] وسامری هم چنین افکند.

(۱) یعنی به دادن تورات.

(۲) مترجم گوید چون موسیٰ باهفتاد کس ازقوم خود به جانب طورمتوجه شدحضرت موسیٰ ازهمه سبقت کرد خطاب رسید والله اعلم.

(۳) یعنی مدت مفارقت من.

(٤) یعنی درآتش.

﴿۸۸﴾ باز برای ایشان گوساله را کالبدی که اورا آواز گوساله بود بیرون آورد پس اتباع سامری گفتند اینست پروردگار شما و پروردگار موسیٰ پس موسی فراموش کرده است. ﴿۸۹﴾ آیا این گمراهان نمی بینند که به ایشان سخنی را بازنمی گرداند وبرای ایشان اختیار هیچ زیانی ونه سودی را ندارد. ﴿۹۰﴾ وهرآئینه ایشان را هارون پیش ازین گفته بود ای قوم من جزاین نیست که به این گوساله مبتلا شده‌اید وهرآئینه پروردگار شماخدا است پس پیروی من کنید واطاعت حکم من نمایید. ﴿۹۱﴾ گفتند پیوسته براین گوساله مجاور خواهیم بود تاوقتیکه موسیٰ به سوی ما بازگردد. ﴿۹۲﴾ (موسیٰ آمده) گفت ای هارون چه چیزبازداشت تورا چون ایشان را دیدی که گمراه شدند. ﴿۹۳﴾ ازآنکه پیروی من کنی[1] آیاخلاف حکم من کردی. ﴿۹۴﴾ گفت ای پسرِمادرِمن ریش مرا مگیر ونه موی سرمرا هرآئینه من ازآنکه گویی جدایی افگندی درمیان فرزندان یعقوب ترسیدم و سخن مرا نگاه نداشتی. ﴿۹۵﴾ موسیٰ گفت پس حال تو چیست ای سامری. ﴿۹۶﴾ گفت بینا شدم به آنچه سایر مردم به آن بینا نشدند پس مشتی خاك ازنقش پای فرستاده (یعنی جبرئیل) گرفتم پس آنرا افکندم[2] وبه همین صورت نفسم (این کاررا) برایم آراسته جلوه داد. ﴿۹۷﴾ گفت پس برو هرآئینه تورا در زندگانی سزا اینست که بگویی دست رسانیدن ممکن نیست[3] وهرآئینه توراوعدهٔ دیگر است که درحق تو خلاف کرده نشود وببین به سوی معبود خود که برآن مجاورشده بودی البته آن را بسوزانیم پس حتما پراکنده سازیم آن را دردریا پراکنده ساختن. ﴿۹۸﴾ جزاین نیست که معبود شماخدا است آنکه هیچ معبود برحقی به جزاو نیست بهرچیز ازروی دانش فراسیده است.

(۱) یعنی به قتال اهلِ ضلال.

(۲) یعنی درکالبدی که از زرساخته بود به شکل گوساله.

(۳) یعنی اگرباکسی همنشین می شد هردوراتب می گرفت.

﴿٩٩﴾ (یا محمد) این چنین حکایت می کنیم برتو ازاخبار آنچه گذشته است وهرآئینه تورا ازنزد خویش پندی داده ایم. ﴿١٠٠﴾ هرکه ازآن روی بگرداند پس وی درروزقیامت باری را[(١)] بردارد. ﴿١٠١﴾ جاویدان درآن (بارکشیدن) و وی بد باری برایشان در روزقیامت است. ﴿١٠٢﴾ روزی که درصور دمیده شود وگناهکاران را آن روزکبودچشم گشته برانگیزیم. ﴿١٠٣﴾ درمیان خویش پنهان حرف زنند که درنگ نکردید (یعنی دردنیا) مگر ده شبانه روز. ﴿١٠٤﴾ ماداناتریم به حقیقت آنچه می‌گویند چون بگوید بهترین ایشان در روش درنگ نکرده‌اید مگریك روز. ﴿١٠٥﴾ و تورا ازکوهها می پرسند بگو آنهارا پرورد گار من پراکنده کند پراکنده کردنی. ﴿١٠٦﴾ پس آنها رامیدانی هموار بگذارد. ﴿١٠٧﴾ درآنجاهیچ نشیبی وفرازی نبینی. ﴿١٠٨﴾ آن روز ازپی آوازکننده روند[(٢)] آن اتباع را هیچ کجی نباشد و آوازهابرای خدا پست شوند پس نشنوی مگرآواز آهسته (پچ پچ). ﴿١٠٩﴾ آن روز شفاعت سود نبخشد مگربرای کسیکه اورا خدا دستوری داده است وسخن اورا از روی گفتار پسند کرده است[(٣)]. ﴿١١٠﴾ میداند آنچه پیش روی آدمیان است وآنچه پس پشت ایشان است وآدمیان خدا را از روی دانش درنگیرند. ﴿١١١﴾ و چهره‌های مردمان برای زنده خبرگیرنده نیایش کنند هرآئینه هرکسی ستمی برداشته باشد ناکام شود. ﴿١١٢﴾ وهرکسی که بجا آورد کارهای شایسته درحالی که اومؤمن باشد پس وی ازستمی ونه ازنقصانی نترسد. ﴿١١٣﴾ وهمچنین کتاب را قرآن عربی نازل کردیم وازهشدار(ها) درآن گونا گون بیان کردیم تاباشد که پرهیزگارشوند یا درحق ایشان پندی را پدیدآورد.

(١) یعنی گناهی را.
(٢) یعنی انقیاداسرافیل کنند.
(٣) یعنی مسلمان باشد.

﴿۱۱٤﴾ پس بلند قدرست خداپادشاه راستین، به خواندنِ قرآن پیش ازآن که وحی آن برتو انجام پذیرد شتاب مکن وبگو ای پروردگار من: مرا دانشی بیفزا. ﴿۱۱٥﴾ وهرآئینه به سوی آدم پیش ازین حکم فرستادیم پس فراموش کرد و برای اوقصد محکم نیافتیم.
﴿۱۱٦﴾ ویادکن فرشتگان را چون گفتیم که برای آدم (علیه السلام) سجده کنید پس سجده کردند مگرابلیس قبول نکرد. ﴿۱۱۷﴾ پس گفتیم ای آدم هرآئینه این دشمن تو و همسرت است پس باید که شمارا ازبهشت بیرون نکند که آنگاه رنج کشی. ﴿۱۱۸﴾ هرآئینه تورا دربهشت هست این که گرسنه نشوی درآنجاو برهنه نشوی. ﴿۱۱۹﴾ وآنکه آنجا تو تشنه نشوی وگرمی آفتاب نیابی. ﴿۱۲۰﴾ پس شیطان به سوی آدم وسوسه انداخت گفت ای آدم آیا تورا بردرختی جاودان وبرپادشاهی که کهنه نگردد دلالت کنم.
﴿۱۲۱﴾ پس ازآن درخت خوردند پس بر ایشان شرمگاهِ ایشان ظاهر شد ودر گرفتند برخویش ازبرگِ درختان بهشت می‌چسپانیدند وآدم پروردگارخود را نافرمانی کرد پس راه را گم کرد. ﴿۱۲۲﴾ باز پروردگاراو برگزیدش پس (به رحمت) بروی بازگشت وراه نمود.
﴿۱۲۳﴾ گفت هردوشماهمگی از بهشت درحالی که بعض اولاد شما بعض دیگررا دشمن باشند فرو روید پس اگر به شما از جانب من هدایتی بیاید پس هرکه پیروی هدایت من کند گمراه نشود ورنج نکشد. ﴿۱۲٤﴾ وهرکه ازیادکردن من روی گردان شود پس اورا زندگانی تنگ بود واورا روزقیامت نابینا برانگیزیم. ﴿۱۲٥﴾ گوید ای پروردگار من چرا مرا نابینا برانگیختی وهرآئینه پیش ازین بینابودم.

١

(١) يعنى قرآن مشتمل است برقصص وغير آن موافق كتب سابقه.

سوره انبیاء مکی است وآن یك صدودوازده آیه وهفت رکوع است

﴿۱﴾ به مردمان (هنگام) حساب ایشان نزدیك شد حال آنکه ایشان درغفلت روی گردانند. ﴿۲﴾ به ایشان هیچ پندی نو ازجانب پروردگار ایشان نمی آید مگر اینکه آن را به شوخی می شنوند وبه بازی میگیرند. ﴿۳﴾ غافل شده دل های ایشان وپنهان رازگفتند کسانی که ظالمان بودند که نیست این شخص مگر آدمی مانند شما آیا درحالی که (حقیقت را) می بینید به جادو روی می‌آورید؟. ﴿٤﴾ پیامبر گفت پروردگارمن می‌داند هر سخنی را که درآسمان وزمین باشد واوشنوای داناست. ﴿٥﴾ بلکه گفتند این قرآن خواب های پریشان است بلکه می گویند آنرا بربسته است بلکه می گویند اوشاعراست پس باید که پیش مانشانه ای بیاورد چنان که به آن نخستینیان[1] فرستاده شدند. ﴿٦﴾ پیش ازایشان هیچ دِهِی که آن را هلاك کردیم ایمان نیاورده بودند آیا پس ایشان ایمان می آورند؟. ﴿۷﴾ و پیش ازتو نفرستادیم مگرمردانی را که به ایشان وحی می فرستادیم پس اهل علم را بپرسید اگرشما نمی دانید. ﴿۸﴾ ونساختیم پیامبران را مجسمه‌ها که طعام نخورند وجاوید باشندگان نبودند. ﴿۹﴾ باز درحق ایشان وعده را راست کردیم پس ایشان را برهانیدیم وهرکه راخواستیم و ازحدگذرندگان را هلاك کردیم. ﴿۱۰﴾ هرآئینه فروفرستادیم به سوی شماکتابی که دراو پندشما هست آیانمی فهمید.

(۱) مترجم گوید مرادازنشانهٔ عقوبت عام می داشتند مثل طوفان قوم نوح وبادصرصرقوم هود والله اعلم.

﴿۱۱﴾ چه بسیارشهرهایی راکه (ساکنانشان) ستمکاربودنددرهم شکستیم وبعدازآن گروهِ دیگر را پدیدآوردیم. ﴿۱۲﴾ پس چون دیدند عذاب ما را ناگهان ایشان ازآنجا می‌دویدند. ﴿۱۳﴾ (گفتیم) مگریزید و به سوی مکانی باز گردید که شمارا درآن آسودگی داده شد و به سوی خانه های خویش تاباشد که شما پرسیده شوید[۱]. ﴿۱٤﴾ گفتند ای وای برماهرآئینه ما ستمکار بودیم. ﴿۱۵﴾ پس پیوسته گفتارایشان این بود تاآنکه ایشان را مثل زراعت درویده شده مانند آتش فرومرده گردانیدیم. ﴿۱٦﴾ وآسمان وزمین را وآنچه درمیان آنهاست برای شوخی وبازی نیافریده ایم. ﴿۱۷﴾ اگرمی‌خواستیم که بسازیم بازیچه‌ای[۲] البته اگر (می‌خواستیم چنین) کنیم آن رافراخورخود برمی گرفتیم[۳]. ﴿۱۸﴾ بلکه حق را برباطل می افکنیم پس آن را درهم می شکند پس ناگهان باطل نابود شود و وای برشما است ازآن چه بیان می کنید. ﴿۱۹﴾ و هرکسی که درآسمان‌هاوزمین است برای اوست وآنانکه نزدیك اویند[٤] ازعبادت او سرکشی نمی کند ونه مانده می شوند. ﴿۲۰﴾ شب وروز تسبیح می گویند سستی نمی ورزند. ﴿۲۱﴾ آیااین چنین معبودانی ازموجودات زمین[۵] گرفته‌اند که ایشان را بعدازموت بازبرانگیزانند[٦]. ﴿۲۲﴾ اگر درآسمان و زمین معبودانی چند غیرازخدا می بود هردوتباه می‌شدند پاکی خدایی را است خداوند عرش ازآنچه توصیف می کنند. ﴿۲۳﴾ پرسیده نمی شود خدا ازآنچه می کند وایشان پرسیده می شوند. ﴿۲٤﴾ آیامعبودانی به جای خدا گرفته‌اند بگو دلیل خودرا بیاورید اینست کتاب آنانکه بامن هستند وکتاب آنانکه پیش ازمن بودند بلکه اکثر ایشان حق را نمی دانند پس ایشان رویگردانند.

(۱) یعنی به غمخوارگی قوم احوال شما را پرسند.

(۲) یعنی زن وفرزند.

(۳) یعنی مجرد میبودند واین مناقضه لطیفه است حاصل آنکه در رسل این استبعادجاری نیست که چرا آدمی رسول باشد بلکه آن را در تنزیه از زن وفرزند می‌توان تقریر کرد که اگرخدا را زن وفرزند می بودند مجرد وواجب الوجود جامع اوصاف کمال می بودند والله اعلم.

(٤) یعنی ملأاعلی.

(۵) یعنی ازذهب وفضه.

(٦) مرادازین کلام رداست برعبادت اصنام.

﴿۲۵﴾ وهیچ پیامبری را پیش ازتو نفرستادیم مگرآنکه به او وحی می کردیم که هیچ معبود برحقی غیراز من نیست پس مراپرستش کنید. ﴿۲٦﴾ وگفتند خدا فرزند گرفته است او پاك (ومنزه) است بلکه (آنانکه درحق ایشان این گمان را دارند) بند گانِ گرامی اند. ﴿۲۷﴾ درهیچ سخنی براوپیشی نمی گیرند وایشان به فرمان وی کارمی کنند. ﴿۲۸﴾ خداآنچه راکه درپیش روی ایشان است وآنچه راکه پس پشت ایشان است میداند وشفاعت نمی کنند مگربرای کسیکه خداخوشنودشده است وایشان همیشه ازترسِ خدا هراسانند. ﴿۲۹﴾ وهرکس که ازایشان بگوید که من معبودم جزازخدا، اورا دوزخ سزا می دهیم ستمکاران را همچنین سزامی‌دهیم. ﴿۳۰﴾ آیا ندیدند کافران که آسمان ها وزمین بسته بودند پس این هارا وا کردیم[(۱)] وهرچیز زنده را ازآب پیداکردیم وآیاایمان نمی آورند. ﴿۳۱﴾ ودرزمین کوه هارا ازبرای احتراز ازآنکه ایشان را بجنباند پیداکردیم و درآنجا راه هایی گشاده تاباشد که ایشان راه یابند پیداکردیم. ﴿۳۲﴾ وآسمان را سقفی محفوظ ساختیم وایشان ازنشانه های آسمان رویگردانند. ﴿۳۳﴾ واوست آنکه شب و روز وخورشید وماه را آفرید هریکی ازستاره‌ها در مداری شنا می‌کند. ﴿۳٤﴾ ومابرای هیچ انسانی پیش ازتو زندگی جاویدان قرارندادیم آیا اگر توبمیری ایشان همیشه باشندگانند؟. ﴿۳۵﴾ هرشخص چشندهٔ مرگ است و شمارا به سختی وآسودگی به خاطر امتحان مبتلامی‌کنیم وبه سوی ما بازگردانیده شوید.

(۱) مترجم گوید وا کردن آسمان ها نازل کردن باران است وواکردن زمین رویانیدن گیاه ازوی است.

﴿۳٦﴾ وچون کافران تورا ببینند تورا مگر به تمسخر نمی گیرند می گویند آیااین شخص است که یاد می‌کند (یعنی به اهانت) وایشان یادخدا را منکراند. ﴿۳۷﴾ آدمی ازشتاب آفریده شد[۱] شما رانشانه های خویش خواهم نمود پس به شتاب ازمن طلب مکنید. ﴿۳۸﴾ ومی گویند اگر راست میگویید این وعده کی خواهد بود؟. ﴿۳۹﴾ اگر کافران بدانند صورت حالِ آن وقت را که ازچهره‌های خویش آتش را بازنتوانندداشت ونه ازپشت های خویش ونه ایشان نصرت داده شوند (چنین نمی گفتند). ﴿٤۰﴾ بلکه قیامت به ایشان ناگهان بیاید پس ایشان راحیران گرداند پس نمی توانند آنرا دفع کنند و نه ایشان مهلت داده شوند. ﴿٤۱﴾ وهرآئینه تمسخر کرده شد به پیامبران پیش ازتو پس به آنانکه تمسخر کردند ازایشان آنچه به آن استهزا می‌کردند درگرفت. ﴿٤۲﴾ بگو چه کسی شما را در شب و روز ازعقوبتِ خدا نگهبانی می‌کند بلکه ایشان از یاد پروردگار خویش روی گردانند. ﴿٤۳﴾ آیاایشان معبودانی دارند غیرازماکه ایشان را ازمصایب نگاه می‌دارند نصرت دادن خویش را نمی‌توانند ونه ایشان ازعقوبت ما (به جمعیتِ خود) محفوظ مانند. ﴿٤٤﴾ بلکه ایشان را وپدران ایشان را بهره مند ساخته‌ایم تاوقتیکه برایشان مدت عمر درازشد آیامردم‌نمی بینند که ما زمین [دارالحرب] را درگرفت می‌کنیم آن را از دامنه هایش می‌کاهیم آیا ایشان می‌توانند برما غلبه گنند[۲].

(۱) این کنایت است ازغلبهٔ استعجال برآدمی والله اعلم.
(۲) یعنی به اسلام اسلم وغفارپیش ازهجرت (اززمین کفر کاسته شد).

﴿٤٥﴾ بگوجزاین نیست که شمارا با وحی می ترسانم وکران چون ترسانیده می‌شوند آوازِ را نمی‌شنوند. ﴿٤٦﴾ و اگر به ایشان اندکی از عقوبت پروردگار تو رسد هرآئینه گویند ای وای برما هر آئینه ما ستمکاران بودیم. ﴿٤٧﴾ وترازوی عدل را روزقیامت درمیان نهیم پس برهیچ کس هیچ چیزی ستم کرده نشود و اگر عمل هم وزن دانهٔ سپندان (خردل) باشد آن را حاضر کنیم وماحساب کننده بسیم. ﴿٤٨﴾ وبه راستی که موسیٰ وهارون را کتاب فیصله کننده وروشنی وپندی برای پرهیزکاران دادیم. ﴿٤٩﴾ آنانکه ازپروردگار خویش غایبانه می‌ترسند وایشان ازقیامت ترسندگانند. ﴿٥٠﴾ واین قرآن پندی هست بابرکت آن را فروفرستادیم آیا شما به آن منکراید. ﴿٥١﴾ وبه راستی که ابراهیم را راه یابی او پیش ازاین دادیم وبه احوال اودانا بودیم. ﴿٥٢﴾ چون به پدرش وقومش گفت چیست این مجسمه هایی که شما دائما به عبادتشان مشغولید. ﴿٥٣﴾ گفتند پدران خودرا عبادت کنندگانش یافته‌ایم. ﴿٥٤﴾ گفت به راستی که شما و پدران شما درگمراهی ظاهر بودید. ﴿٥٥﴾ گفتند آیا برایمان حق آورده‌ای یاتو ازبازی گرانی. ﴿٥٦﴾ گفت بلکه پروردگارشما خداوند آسمان‌ها وزمین است آنکه اینها را آفرید ومن براین سخن ازگواهانم. ﴿٥٧﴾ وبه خدا قسم که البته بتانِ شمارا بعد ازآن که پشت داده روی بگردانید تدبیری خواهم اندیشید.

﴿۵۸﴾ پس آنهارا ریزه ریزه ساخت مگر بتِ بزرگ راازیشان تاباشد که به سوی اوایشان باز گردند. ﴿۵۹﴾ گفتند چه کسی این کار را بامعبودان ماکرده است هرآئینه وی ازستمکاران است. ﴿۶۰﴾ گفتند شنیدیم جوانی را که به اوابراهیم گفته می‌شد از آنها (به بدی) یادمی‌کرد. ﴿۶۱﴾ گفتند اورا به حضور چشمهای مردمان بیاورید تاباشد که ایشان گواهی دهند. ﴿۶۲﴾ گفتند ای ابراهیم آیا تو بامعبودان ما چنین کرده ای؟. ﴿۶۳﴾ گفت بلکه آن را این بتِ بزرگ ایشان کرده است پس اگرسخن می گویند ازآنان بپرسید. ﴿۶۴﴾ پس آنان به خود آمدند پس گفتند بایکدیگر هرآئینه ستمکار شماايد. ﴿۶۵﴾ پس برسرهای خویش نگونسار شدند (واین کنایت ست ازملزم شدن) به راستی تومیدانی که ایشان سخن نمی گویند. ﴿۶۶﴾ گفت آیا عبادت می کنید به جای خدا چیزی را که هیچ نفعی ونه هیچ زیانی به شما نمی رساند. ﴿۶۷﴾ افّ برشماوبر آنچه که شما می‌پرستید به جای خدا آیانمی فهمید. ﴿۶۸﴾ بایك دیگر گفتند که بسوزانید اورا و خدایان خودرا نصرت دهید اگر کننده اید[1]. ﴿۶۹﴾ گفتیم ای آتش بر ابراهیم سرد شو وسلامتی باش. ﴿۷۰﴾ و(آنان) درحق وی نیرنگ خطرناك خواستند پس ما ایشان را زیان کارترین مردم نمودیم. ﴿۷۱﴾ و ابراهیم را برهانیدیم و لوط را به سوی زمینی که درآن برای جهانیان برکت نهادیم[2]. ﴿۷۲﴾ وبه او اسحق عطا کردیم (نیز) عطاء کردیم یعقوب را که نبیرهٔ ابراهیم بود وهمه را نیکوکار ساختیم.

(۱) القصه درآتش انداختند.

(۲) یعنی سرزمین شام.

﴿۷۳﴾ وایشان را پیشوایانی گردانیدیم که به فرمان ما راه می‌نمودند وانجام دادن نیکیها وبرپاداشتن نماز ودادنِ زکوٰة را به آنان وحی کردیم وعبادت کنندگان مابودند. ﴿۷٤﴾ ولوط را حکمت و علم دادیم و اورا از (مردم) دِهِی که کارهای ناپاك می کرد برهانیدیم هرآئینه ایشان قوم نافرمان بودند. ﴿۷۵﴾ واورا دررحمت خویش درآوردیم هرآئینه وی ازشایسته‌کاران بود. ﴿۷٦﴾ ونوح را یاد کن چون ندا کردپیش ازاین پس دعای اورا قبول کردیم پس اورا وکسان اورا از اندوه بزرگ نجات دادیم. ﴿۷۷﴾ واورا برقومی که تکذیب کردند آیات مارا نصرت دادیم هرآئینه ایشان گروهی بد بودند پس همگی ایشان را غرق کردیم. ﴿۷۸﴾ و داود و سلیمان را یا دکن چون دربارهٔ زراعتی که چون به وقت شب گوسفندان گروهی درآنجا چریده بودند حکم می کردند و ما برحکم ایشان حاضر[(۱)] بودیم. ﴿۷۹﴾ پس طریق فیصله کردن خصومت را به سلیمان فهمانیدیم وهر یکی را حکمت ودانش داده بودیم با داود کوه ها را مسخر گردانیدیم که با اوتسبیح می گفتند ومرغان را نیز مسخر ساختیم وما کننده بودیم. ﴿۸۰﴾ واوراساختنِ لباسی برای شما بیاموختیم تاکه شمارا ازضرر کارزار شما نگاه دارد[(۲)] پس آیا شکر کننده هستید. ﴿۸۱﴾ وبرای سلیمان باد تندوَزِنده رامسخر ساختیم که می رفت به فرمان وَی به سوی زمینی که درآن برکت نهادیم (یعنی شام) وبه هر چیز دانا بودیم.

(۱) یعنی گوسفندانِ قومی درزراعت قومی دیگر به وقتِ شب درآمدند وچریدند داود علیه السلام حکم کرد بدادن گوسفندان عوض زراعت سلیمان حکم کرداین قوم را به اصلاح زراعت وآن قوم را بانتفاع از شیر گوسفندان تاوقتیکه زراعت بحال خود رسد حکم سلیمان درست تر بود والله اعلم.

(۲) یعنی ساختن زره.

﴿۸۲﴾ وازدیوان جماعتی را که غواصی می کردند برای وی مسخر ساختیم وکاری غیراز آن نیز می کردند وایشان را نگاه دارنده بودیم. ﴿۸۳﴾ و یادکن ایوب را چون به جناب پروردگار خویش ندا کرد به آنکه مرا رنج رسیده است وتو مهربان ترین مهربانانی. ﴿۸٤﴾ پس دعای اورا قبول کردیم پس آنچه ازرنج باوی بود دور ساختیم و اورافرزندان او ومانند ایشان همراه ایشان به سبب مهربانی ازنزد خویش عطاکردیم وتاعبادت کنندگان را پندی بُوَد. ﴿۸۵﴾ ویادکن اسمعیل و ادریس وذوالکفل را هریکی ازایشان ازصبر کنندگان بُود. ﴿۸٦﴾ و ایشان را در رحمت خود درآوردیم هرآئینه ایشان ازنیکوکاران بودند. ﴿۸۷﴾ ویادکن ذوالنون راچون خشمگین رفت[۱] پس گمان کرد که بروی[۲] تنگ نمی گیریم پس درتاریکیها نداکرد به آن که هیچ معبود برحقی غیر از تو نیست پاکی تورا است هرآئینه من ازستمکاران بودم. ﴿۸۸﴾ پس دعای اورا قبول کردیم وازغم نجات دادیمش وهمچنین مسلمانان را نجات می دهیم. ﴿۸۹﴾ و زکریا را یادکن چون به جناب پروردگار خود ندا کرد ای پروردگار من مرا تنهامگذار وتو بهترین وارثانی. ﴿۹۰﴾ پس دعای اورا قبول کردیم و اورا یحییٰ بخشیدیم وهمسرش رابرای اونیکوساختیم هرآئینه این پیامبران شتاب می کردند درنیکی‌ها و مارا درحال امید و خوف می‌خواندند وبرای ما نیازمند بودند.

(۱) یعنی برقوم خود بغیراذن الهی والله اعلم.
(۲) القصه حوت اورابه حلق درکشید.

﴿۹۱﴾ ویادکن زنی را که شرمگاهِ خودرا به عفت نگاه داشت پس درآن روح خودرا دمیدیم واورا وپسرش را نشانه‌ای برای جهانیان ساختیم. ﴿۹۲﴾ گفتیم هرآئینه اینست ملتِ شما ملت یکتاومن پروردگار شما هستم پس عبادت من کنید[۱]. ﴿۹۳﴾ ومتفرق شدند امت‌ها درکارخود[۲] درمیان خویش همگی به سوی مارجوع کنندگانند. ﴿۹٤﴾ پس هرکسی که ازجنس کارهای شایسته بکند درحالی که اومؤمن باشد پس ازکوشش اوناسپاسی نخواهدشد وهرآئینه ما برای اونیکیهایش را می نویسیم. ﴿۹۵﴾ ومحال است برهردِهی که اورا هلاك کردیم آنکه بازگردند (یعنی به دنیا). ﴿۹٦﴾ تاوقتیکه چون قیدیاجوج وماجوج گشاده شود وایشان ازهربلندی بشتابند. ﴿۹۷﴾ و وعدهٔ راست نزدیك برسد پس ناگهان حال اینست بالادوخته شود چشم های کافران گویند وای برما هرآئینه ازاین حال درغفلت بودیم بلکه ستمکار بودیم. ﴿۹۸﴾ هرآئینه شما وآنچه می‌پرستید به جای خدا (یعنی بتان) آتش انگیز دوزخ باشید شمابر آن داخل شونده اید. ﴿۹۹﴾ اگر اینها معبودانی می بودند به دوزخ داخل نمی شدند و همه ایشان آنجا جاویدان باشند. ﴿۱۰۰﴾ آنجا ایشان را ناله باشد وایشان آنجاهیچ نشنوند. ﴿۱۰۱﴾ هرآئینه آنانکه سابقاً برای ایشان ازجانب مانیکویی مقررشد این جماعت ازدوزخ دور کرده می شوند.

(۱) یعنی اصل دین که توحید باشد یکی است وهمه متفق اند واختلاف درفروع می باشد.
(۲) یعنی دراصل دین.

﴿۱۰۲﴾ آواز دوزخ را نشنوند وایشان درآنچه نَفْسهای ایشان خواهد جاویدانند. ﴿۱۰۳﴾ ایشان را آن ترس بزرگ اندوهگین نسازد وفرشتگان به استقبالشان آیند (گویند) اینست آن روزتان که به شما وعده داده می شد. ﴿۱۰٤﴾ روزیکه آسمان راماننِد پیچیدنِ طومار وقتِ نوشتن نامه ها درپیچیم چنانکه اوّل آفرینش را آغاز کردیم دیگربار (نیز) برمی گردانیم وعده ای لازم برمااست هرآئینه ماکننده ایم. ﴿۱۰٥﴾ وهرآئینه درزبور بعدازتورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته‌ام[۱] به ارث می برند. ﴿۱۰٦﴾ هرآئینه درآنچه گفته شد گروه عابدان را کفایت است. ﴿۱۰۷﴾ وتوراجزمایهٔ مهربانی برای جهانیان نفرستاده‌ایم. ﴿۱۰۸﴾ بگو جزاین نیست که وحی به سوی من فرستاده می شود که معبود شما خدای یکتاست پس آیاگردن نهنده هستید. ﴿۱۰۹﴾ پس اگر اعراض کنند پس بگو شمارابروجهی خبردارساختم که همه برابر باشید ونمی دانم که آنچه وعده داده میشوید نزدیك است یا دوراست. ﴿۱۱۰﴾ هرآئینه خدا می‌داندآشکار را ازسخن و می داند آنچه را پنهان می کنید. ﴿۱۱۱﴾ ونمی دانم شاید آن برای شماآزمونی وبهره مندی تامدتی باشد. ﴿۱۱۲﴾ پیامبر گفت ای پروردگار من به راستی حکم کن وپرورگار مابخشاینده است ازوی مدد طلب کرده می شود برآنچه بیان می‌کنید.

(۱) یعنی درآخر زمان پیامبری مبعوث شود وامت اوبرهرسرزمین غالب شود والله اعلم.

سوره حج مدنی است وآن هفتادوهشت
آیه وده رکوع است

﴿۱﴾ ای مردمان ازپروردگار خویش بترسید هرآئینه زلزلهٔ وهنگامهٔ قیامت چیزی بزرگی است. ﴿۲﴾ روزی که آن را ببینید هرشیر دهنده از طفلی که شیرمی‌دهدش غافل شود و هرزنِ باردار بارِشکم خودرا بنهد وببینی مردمان را مست، حال آنکه مست نیستند ولیکن عذاب خدا سخت است. ﴿۳﴾ وازمردمان کسی هست که درشأنِ خدا بغیر دانش گفتگو می کند وپیروی هرشیطان متمرد را می نماید. ﴿۴﴾ درقضای الهی بروی نوشته شده است که هرکس اورا دوست خودسازد، پس وی اورا گمراه کند و به سوی عذابِ آتش راه نمایدش. ﴿۵﴾ ای مردمان اگر از رستاخیز درشك‌اید پس هرآئینه ما شمارا ازخاك باز ازنطفه باز از خون بسته باز از گوشت پاره صورت داده وغیر صورت داده آفریدیم (می گوییم) تا واضح سازیم برای شما و دررحمها چیزی را که می خواهیم تامیعاد معین قرار می‌دهیم بازبیرون می آوریم شمارا کودکی باز تربیت می‌کنیم تا بنهایت جوانی خود برسید وازشما کسی بُوَد که میرانده شود وازشما کسی بود که به بدترین عمر بازگردانیده شود تا چیزی را بعدازآن که می‌دانست نداند ومی بینی زمین را خشك شده پس وقتیکه برآن آب را فروفرستادیم جنبش کند وبیفزاید و ازهرقسمی رونق دار برویاند.

﴿٦﴾ این همه به سبب آنست که خداهمان است برحق وآنکه وی مُردگان را زنده می کند وآنکه وی برهمه چیز تواناست. ﴿٧﴾ وآنکه قیامت آمدنی است هیچ شکّی درآن نیست وآنکه خدا آنان را که درگورها باشند برانگیزد. ﴿٨﴾ وازمردمان کسی هست که درشانِ خدا بغیر دانش وبغیر هدایت وبغیر کتاب روشن گفتگومی‌کند. ﴿٩﴾ پیچیده صفحه گردن خودرا[۱] تا ازراهِ خدا گمراه کند اورا دردنیا رسوایی است و اورا روزِقیامت عذابِ سوزان بچشانیم. ﴿١٠﴾ (گویم) این به سبب آن اعمال است که دو دست تو فرستادش و به سبب آن است که خدا بر بندگان ستم کننده نیست. ﴿١١﴾ وازمردمان کسی هست که با دو دلی خدا را برکناره پرستش می کند پس اگر اورا نعمتی برسد به آن عبادت آرام گیرد و اگر او رابلایی برسد برروی خود برگردد، دنیا وآخرت را باخت این همان زیانِ ظاهر است. ﴿١٢﴾ به نیایش می‌خواند به جای خدا چیزی را که زیان نرساندش ونه سود دهدش این همان گمراهی دور است. ﴿١٣﴾ میخواند کسی را که زیان او ازسود او نزدیك تراست هرآئینه بدسَرْوَری است وبد یاری است. ﴿١٤﴾ هر آئینه خدا آنان را که ایمان آورده‌اند وکارهای شایسته کرده‌اند دربوستانهایی که زیرآنها جویها میرود درمی آورد هرآئینه خدا آنچه می خواهد می‌کند. ﴿١٥﴾ هرکه پنداشته باشد که خدا پیامبر را دردنیا وآخرت نصرت نخواهد داد پس باید ریسمانی به جانب بالا بیاویزد بازباید که قطع نماید پس ببیند آیا این تدبیرِ اوچیزی را که به خشم آورده دورمی‌کند[۲].

(۱) یعنی تکبرکنان.

(۲) یعنی اگرازین غصّه به میردهیچ ضرر نکند.

﴿۱٦﴾ وهمچنین قرآن را آیاتِ روشن فروفرستادیم وبدانید که خداراه می نماید هرکه را خواهد. ﴿۱۷﴾ هرآئینه آنان که ایمان آورده‌اند وآنانکه یهود شدند وستاره پرستان وترسایان وگبران و مشرکان به درستی که خدای تعالی روزقیامت میان ایشان فیصله خواهد کرد هرآئینه خدابرهر چیز مطلع است. ﴿۱۸﴾ آیاندیده‌ای که خدای تعالی را سجده می کنند آنانکه درآسمان هااند وآنانکه درزمین‌اند وخورشید وماه وستارگان وکوه ها و درختان و چهارپایان وبسیاری ازمردمان وبسیارکس هستند که برایشان عذاب ثابت شده است وهرکه را خدا خوار کند پس اوراهیچ گرامی دارنده ای نیست هرآئینه خدامی‌کند آنچه می‌خواهد. ﴿۱۹﴾ این دوفریق دشمنان یکدیگراند درشان پروردگار خویش خصومت کردند پس آنانکه کافر شدند برای ایشان جامه ها ازآتش قطع کرده شد بالای سرایشان آبِ گرم ریخته شود. ﴿۲۰﴾ به آن هرچه در شکم‌های ایشان باشد وپوست‌ها نیز گداخته گردد. ﴿۲۱﴾ وبرای کوفتن ایشان گرزها ازآهن مهیّا باشد. ﴿۲۲﴾ هرگاهی که خواهند ازدوزخ برآیند خلاص شوند آنجا ازاندوه بازگردانیده شوند وگفته شود عذاب سوزان را بچشید. ﴿۲۳﴾ هرآئینه خدا آنان راکه ایمان آورده‌اند وکارهای شایسته کرده‌اند دربوستانها یی درمی آورد که درزیرِ آنها جویها میرود پیرایه آنان درآنجا به دستبندهایی زرین ومروارید آراسته شوند ولباس ایشان درآنجا ابریشم بُوَد.

﴿۲٤﴾ وبه (گفتن)[۱] سخن زیباوپاکیزه رهنمود میگردند وبه راه خدای ستوده راهنمایی شوند. ﴿۲٥﴾ هرآئینه آنانکه کافرشدند وازراهِ خدا واز مسجدِ حرامکه آن را برای مردمان یکسان کرده‌ایم درآنجا چه مقیم وچه صحرانشین‌بازمی‌دارند وکسی که ازروی ستم درآنجا کجروی خواهد، او را ازعذاب دردناك می چشانیم. ﴿۲٦﴾ ویادکن چون برای ابراهیم موضع خانه کعبه را معین ساختیم (این سخن گفته) که بامن هیچ چیزی را شریك مقررمکن وخانهٔ مرا برای طواف کنندگان و ایستادگان ورکوع کنندگان وسجودکنندگان پاك کن[۲]. ﴿۲۷﴾ ودرمیان مردمان به حج اعلان کن تا پیش تو پیاده وسوار برهرشتری لاغر بیایند این شترانِ لاغر ازهرراه دور می آیند. ﴿۲۸﴾ تامنافعی را که دارند حضور یابند ونام خدارا درروزها چند دانسته شده[۳] یاد کنند برذبح آنچه خدای تعالی ایشان راازقسمِ چهار پایان مواشی روزی داده است پس ازآن بخورید ودرمانده درویش را بخورانید. ﴿۲۹﴾ بازباید که چركِ تن خودرا دور کنند ونذرهای خود را به وفا رسانند وبه خانهٔ قدیم[٤] (یعنی کعبه) طواف نمایند. ﴿۳۰﴾ (حکم) اینست وهرکه شعائر خدارا تعظیم کند پس این تعظیم کردن اورانزدیكِ پروردگار او بهتراست وحلال کرده شد برای شمامواشی[٥] مگر آنچه خوانده خواهد شد برشما[٦] پس ازپلیدی بتان احتراز کنید وازسخن دروغ[۷] (نیز) دورمانید.

(۱) یعنی دردنیا.
(۲) یعنی برای نمازگزاران.
(۳) یعنی یوم نحر وایّام تشریق.
(٤) یعنی کعبه زیراکه اوّل بناشد بعدازان بیت المقدس.
(٥) یعنی شتروگاو وبزوگوسفند.
(٦) یعنی میته وخونِ مسفوح.
(۷) یعنی گواهی دروغ.

﴿٣١﴾ درحالیکه حق گرا ومخلص خدا وغیر شرك آورنده به او باشید وهرکسی که باخدا شریك مقررکند پس گویا که ازآسمان فرود افتاد پس اورامرغان (مردار خوار) بربایند یا او را باد بمکانی دور[١] فروافکند. ﴿٣٢﴾ (حکم) اینست وهرکس که شعائر خدارا تعظیم کند پس این تعظیم ازتقوی دلهاست. ﴿٣٣﴾ شمارا درآن مواشی فائده‌هایی است تامیعادی معیّن باز جای (قربان) گاهش به بیت العتیق است. ﴿٣٤﴾ وبرای هرامتی روش قربانی کردن مقرر داشته ایم تا نام خدا را برآنچه ایشان را ازچهارپایان حلال گوشت داده است یاد کنند پس معبود شما معبودی یکتاست پس برای او منقادشوید و(یامحمد) نیایش کنندگان را بشارت ده. ﴿٣٥﴾ کسانی که چون خدا یادکرده شود دل‌های ایشان ترسان گردد ونیز صبر کنندگان را برآنچه به ایشان برسد وبرپا دارندگان نمازرا وآنان را که ازآنچه روزی دادیم به ایشان خرج می کنند. ﴿٣٦﴾ وشترانِ قربانی را برای شما ازشعائر خدا گردانیده‌ایم شمارا درآنها خیر است پس نامِ خدارا برنحر آنها یادکنید درحالیکه برچهارپای ایستاده اند پس چون پهلوهای آنها به زمین افتد بخورید ازآنها ودرویشِ بی سوال را وسوال کننده را بخورانید همچنین چهار پایان رابرای شما رام گردانیدیم تاباشید که شکرکنید. ﴿٣٧﴾ نمی رسد به خدا گوشتهای قربانی‌ها ونه خونهای اینها ولیکن بوی پرهیزگاری ازشما می رسد هم چنین رام گردانید قربانی هارابرای شما تا خدا را به بزرگی یادکنید به شکر آنکه شمارا راه نمود ونیکوکاران را بشارت ده. ﴿٣٨﴾ هرآئینه خدا ازمسلمانان[٢] دفاع می کند هرآئینه خدا هرخیانت کننده ناسپاس را دوست نمی دارد.

(١) حاصل آنست که هلاك شدبه وجهی که امید نجات نماند.

(٢) یعنی ضرر اعداء ایشان را.

﴿۳۹﴾ دستور جهاد داده شد آنانرا که کفار با ایشان جنگ می کنند به سبب آنکه برایشان ستم رفته است وهرآئینه خدابرنصرت دادن ایشان تواناست. ﴿٤٠﴾ (دستور جهاد داده شد) آنان را که ایشان ازخانه ها یشان به ناحق بیرون آورده شد ند مگر به سبب آنکه می گفتند پروردگار ماخداست واگر دفع کردن خدا نبود مردمان را بعضی را بدست بعضی دیگر ویران کرده می شد خلوتهای رهبانان وعبادت خانه‌های نصارىٰ وعبادت خانه های یهود وعبادت خانه های مسلمانان که درآن جایها نام خدا بسیار یاد کرده می شود والبته نصرت خواهد داد خدا کسی را که قصدِ نصرت دین وی کند وهرآئینه خداتوانای غالب است (نصرت خواهد داد). ﴿٤١﴾ کسانی را که اگر ایشان را درزمین دسترس دهیم نماز را برپا دارند و زکوٰة را بدهند وبه کار پسندیده فرمان دهند واز کارِ ناپسندیده منع کنند وسرانجام همه کارها[۱] برای خداست. ﴿٤٢﴾ واگر توراتکذیب می کنند پس به راستی که پیش ازایشان قوم نوح وعاد وثمود (نیز به پیامبرانشان) تکذیب کردند. ﴿٤٣﴾ و(نیزچنین کردند) قوم ابراهیم وقوم لوط. ﴿٤٤﴾ واهل مدین (نیزچنین کردند) و موسىٰ تکذیب کرده شد پس مهلت دادم این کافران را باز ایشان را گرفتم پس عقوبتِ من چگونه بود. ﴿٤٥﴾ پس چه بسیار شهرهارا درحالی که وی ستمکاربود آن را هلاك ساختیم پس وی برسقف های خود افتاده است وبسیارچاه بیکارمانده وبسامحلی بلند خراب شده. ﴿٤٦﴾ آیاسیرنکرده‌اند درزمین تاایشان را دلهایی بُوَد که باآنها فهم کنند یاگوشهایی که باآنها بشنوند هرآئینه حال اینست که چشم‌ها نابینا نمی‌شوند ولیکن آن دلها که در سینه‌ها هستند نابینا می‌شوند.

(۱) درین آیت دلالت است برصحتِ خلافتِ خلفای اربعه زیراکه ایشان ازمهاجرین اولین بودند ومتمکن شدند درزمین پس لازم آید که اقامت صلوة وایتاء زکوٰة وامر به معروف ونهی از منکر ازایشان بظهور رسد وتمکین في الأرض چون به آن خصال جمع شود همان است خلافت نبوت.

﴿٤٧﴾ وازتو عذاب را زود می‌طلبند وهرگز خدا وعدهٔ خودرا خلاف نخواهد کرد وهرآئینه يك روز نزد پروردگارتو مانند هزارسال است ازآنچه می‌شمرید[1]. ﴿٤٨﴾ وچه بسیار شهرهاکه به آنها درحالی که (اهل) آن ستمکاربود مهلت دادم باز آنهارا گرفتار کردم و بازگشت به سوی من است. ﴿٤٩﴾ بگو ای مردمان جز این نیست که من برای شما ترسانندهٔ آشکارم. ﴿٥٠﴾ پس آنانکه ایمان آورده‌اند وکارهای شایسته کرده اند ایشان را آمرزش وروزی نیك است. ﴿٥١﴾ وآنان که مقابله کنان در(انکار) آیاتِ ما کوشیدند ایشان اهل دوزخ هستند. ﴿٥٢﴾ و ما پیش ازتو هیچ رسولی ونه هیچ نبي را نفرستاده ایم مگر چون آرزوی به خاطر بست شیطان چیزی درآرزوی وی افکند پس دوباره خدا دورمی کند آنچه راکه شیطان انداخته است خدا آیات خود را محکم می کند وخدا دانا باحکمت است[2]. ﴿٥٣﴾ تا خدا بگرداند آنچه راکه شیطان افکند آزموني درحق آنانکه دردلهای ایشان بیماری است وآنان که دلهای ایشان سخت است وهرآئینه ستمکاران درمخالفت دور و درازاند. ﴿٥٤﴾ وتاآنان که ایشان را علم داده شده است بدانند که آن وحی ازجانبِ پروردگار تو راست است پس به آن ایمان آورند پس برای خدا دل های ایشان نیایش کنند وهرآئینه خدا مسلمانان را به سوی راه راست هدایت دهنده است. ﴿٥٥﴾ وهمیشه کافران ازآن وحی درشبهه باشند تاوقتیکه به ایشان قیامت ناگهان بیاید یا به ایشان عقوبت روز بس نحس بیاید گریبانشان رابگیرد.

(١) یعنی اگرخواهدکارهزارسال دريك روز تمام کند پس این به سبب عجز نیست بلکه بنابرمصالحی که جز اوکسی نمیداند.

(٢) مترجم گوید مثلاً آن حضرت صلی الله علیه وسلم به خواب دیدند که هجرت کرده‌اند به زمینی که نخل بسیار دارد پس گمان به جانبِ یمامه وهجر رفت ودرنفس الامر مدینه بود، مثلا آن حضرت صلی الله علیه وسلم به خواب دیدند که به مکه درآمده حلق وقصر میکنند پس گمان آمد که درهمان سال این معنی واقع شود و درنفس الامر بعدازسالهای چند متحقق شدو درامثال این صورت امتحان مخلصان ومنافقان درمیان می آید والله اعلم.

﴿٥٦﴾ پادشاهی آن روزفقط برای خدا است میان ایشان حکم کند پس آنان که ایمان آورده اند وکارهای شایسته کرده‌اند دربوستانهای نعمت باشند. ﴿٥٧﴾ وآنانکه کافر شده اند وآیاتِ مارا تکذیب کرده‌اند آن جماعت ایشان را عذاب خوارکننده باشد. ﴿٥٨﴾ وآنانکه در راه خدا هجرت کرده‌اند سپس کشته شده اند یا به مرگ طبیعی مرده اند البته روزی دهد ایشان را خداروزی نیک[1] وهرآئینه خدا وی بهترینِ روزی دهندگان است. ﴿٥٩﴾ البته ایشان را به جایگاهی که خوشنود شوند از آن درآورد وهرآئینه خدا دانای بردباراست. ﴿٦٠﴾ (حکم) این است وهرکسی که دست به ستم وجنایت زند به همان اندازه که بدو ستم وجنایت شده است، سپس دوباره بروی ستم وجنایت کرده شود هرآئینه او را خدا نصرت خواهد داد هرآئینه خدا بخشاینده آمرزگاراست. ﴿٦١﴾ این نصرت به سبب آنست که خدا شب را درروز درمی‌آورد و روزرادرشب در می‌آورد وبه سبب آنست که خداشنوای بیناست. ﴿٦٢﴾ این نصرت از آنست که خدا همان است ثابت وبرحق وآنچه کافران به جای وی می‌خوانند همان است باطل و به سبب آنست که خدا همان است بلند مرتبه بزرگ قدر. ﴿٦٣﴾ آیاندیدی که خدا ازآسمان آبی را فرود آورد پس زمین سرسبز شود هر آئینه خدا لطف کننده داناست. ﴿٦٤﴾ برای او است آنچه درآسمانهاست وآنچه درزمین است وهرآئینه خدا همان است بی نیاز ستوده کار.

(۱) یعنی دربهشت.

﴿٦٥﴾ آیاندیده‌ای که خدا مسخر گرداند برای شماآنچه درزمین است ومسخر ساخت کشتی‌ها راکه دردریا به فرمان او میرود آسمان را نگاه میدارد ازآنکه برزمین بیفتد مگر بدستور او هرآئینه خدا درحق مردمان بخشاینده مهربان است. ﴿٦٦﴾ واوست آنکه شمارا زنده کرد باز شمارا می میراند باز شمارا زنده کند هرآئینه آدمی ناسپاس است. ﴿٦٧﴾ برای هر امتی شریعتی را مقرر کرده‌ایم که ایشان برآن عمل کننده‌اند پس باید که با تو دراین کار نزاع نکنند وبه سوی پروردگارت دعوت کن هرآئینه تو بر راهی راست هستی. ﴿٦٨﴾ واگر باتو مکابره نمایند بگو خدا دانا تراست به آنچه می کنید. ﴿٦٩﴾ درمیان شما خداحکم خواهد کرد روزقیامت درآنچه درآن اختلاف می کنید(١). ﴿٧٠﴾ آیا ندانستی که خدامی‌داند هرچه درآسمان وزمین است هرآئینه این همه درکتابی ثبت است به تحقیق این همه برخدا آسان است. ﴿٧١﴾ وعبادت می‌کنند به جای خدا چیزی را که خدا حجتی برآن فرو نفرستاده است وچیزی را که ایشان را بَرثبوت آن دانش نیست وستمکاران را هیچ یاری دهنده‌ای نیست. ﴿٧٢﴾ وچون آیات روشن ما برایشان خوانده می شود در چهره‌های این کافران ناخوشی را می شناسی نزدیك می شوند ازآنکه برآنان که برایشان آیات مارا می‌خوانند حمله کنند بگوآیا شمارا به ناخوشتر ازاین خبردهم آن دوزخ است که خدا آن را به کافران وعده داده است و آن بدجایی است.

(١) مترجم گوید درین آیت اشاره است به آنکه اختلاف شرائع به سبب اختلاف عصوراست وهمه شرائع حق است ودرزمان خودمعمول به است پس نزاع به حقیقت بآنهانباید کرد.

﴿۷۳﴾ ای مردمان مثلی زده می شود پس آن را بشنوید هرآئینه آنانکه به جای خدا می‌خوانید هرگز مگسی را نمی توانند آفرید اگرچه برای آن همگی جمع شوند واگر ازایشان مگس چیزی را برُباید آنرا ازمگس نمی توانند خلاص کرد ناتوان شد طالب و مطلوب[۱]. ﴿۷٤﴾ خدا را تعظیم نکردند حق تعظیم اوهرآئینه خدا توانا غالب است. ﴿۷٥﴾ خدا برمی‌گزیند فرستاده ها از فرشتگان واز مردمان هرآئینه خدا شنوای بیناست. ﴿۷٦﴾ می‌داند آنچه پیش روی ایشان است وآنچه پشت سر ایشان است (یعنی آینده وگذشته ایشان را می داند) وبه سوی خدا کارها بازگردانیده می شوند. ﴿۷۷﴾ ای مسلمانان رکوع کنید وسجده بجا آورید و پروردگارخود را عبادت نمایید کارنیك انجام دهید باشد که رستگارشوید. ﴿۷۸﴾ ودرراه خدا چنانکه سزاوارجهادکردن برای اوست جهاد کنید وی شمارا برگزیده است و برشما دردین هیچ تنگی ودشواریی قرارنداده است مشروع کرد دین پدرشما ابراهیم را خدا شمارا پیش ازین مسلمان نام نهاد[۲] ودر قرآن نیز تا پیامبر برشما گواه باشد و شما گواه باشید برمردمان پس نماز را برپادارید و زکوٰة را بدهید و چنگ زنید به خدا اوست مددکار شما پس نیك مددکار ونیك یاری دهنده است.

---

(۱) یعنی عابد ومعبود.

(۲) یعنی درکتب سابقه.

سوره مومنون مکی است وآن یك صدوهیجده آیه وشش رکوع است

﴿۱﴾ به راستی مسلمانان رستگارشدند. ﴿۲﴾ آنانکه ایشان درنماز خویش خشوع کننده اند. ﴿۳﴾ وآنان که ایشان ازبیهوده رویگردانند. ﴿٤﴾ وآنان که ایشان زكوٰة را ادا کننده اند. ﴿٥﴾ وآنانکه ایشان شرمگاههای خودرا نگاه دارندهاند. ﴿٦﴾ مگر برهمسران خویش یا برکنیزانی که ملك دست ایشان است پس هر آئینه اینان نکوهیده نیستند. ﴿۷﴾ پس هرکه غیرازاین طلب کند آن جماعت ازحدگذرندهاند. ﴿۸﴾ وآنان که ایشان امانت‌های خودرا وپیمان خودرا رعایت کننده‌اند. ﴿۹﴾ وآنانکه ایشان برنمازهای خود محافظت می‌کنند. ﴿۱۰﴾ آن جماعت همانند وارثان. ﴿۱۱﴾ کسانی که (عاقبت کار) بهشت فردوس را به دست آورند ایشان آنجاجاوید باشندگانند. ﴿۱۲﴾ وبه راستی آدمی را از خلاصه‌ای از گل آفریدیم. ﴿۱۳﴾ باز آدمی را نطفه‌ای در قرارگاه استوار ساختیم. ﴿١٤﴾ باز آن نطفه را خونِ بسته ساختیم باز آن خونِ بسته راگوشت پارهٔ ساختیم پس آن گوشت پاره را استخوانهایی ساختیم سپس برآن استخوانها گوشت را پوشانیدیم باز اورا آفریدیم آفرینشی دیگر[1] پس خدا بزرگ است بهترین آفرینندگان است. ﴿۱۵﴾ بازهرآئینه شما بعد ازین البته مردگانید. ﴿۱٦﴾ بازهرآئینه شما روزقیامت برانگیخته گردید. ﴿۱۷﴾ وهرآئینه بالای شما هفت آسمان آفریدیم وما ازآفرینش بی خبر نبودیم.

---

(۱) یعنی نفخ روح وروئیدن ناخن وموی.

﴿۱۸﴾ وآب را ازآسمان به اندازه فروفرستادیم پس اورادرزمین جای دادیم وهرآئینه ما بربردنِ آن توانااییم. ﴿۱۹﴾ پس به آن آب برای شما بوستهانهایی ازدرختان خرما وانگور بیافریدیم که برای شما درآن بوستانها میوه های بسیار پیدا شود واز آن میخورید[۱].
﴿۲۰﴾ وآفریدیم درختی که بیرون می‌آید ازطور سینا (یعنی درختِ زیتون) میروید به وجهی که حاصل شود روغن و خورش طعام برای خورندگان. ﴿۲۱﴾ وهرآئینه شمارادرچهارپایان پندی هست شمارا ازآنچه درشکمهای ایشان است می‌نوشانیم وشما را درآن چهار پایان منفعت‌های بسیار است وبعضی از اینهارا می‌خورید. ﴿۲۲﴾ وبرچهار پایان وبرکشتی‌ها سوار کرده می‌شوید. ﴿۲۳﴾ وهرآئینه نوح را به سوی قوم او فرستادیم پس گفت ای قوم من خدارا عبادت کنید شمارا هیچ معبود برحقی غیراز او نیست آیا نمی ترسید. ﴿۲٤﴾ پس سران واشرافی که ازقوم او کافربودند گفتند این شخص نیست مگر آدمی مانند شما می خواهد که برشما ریاست پیدا کند و اگر خدا خواستی هرآئینه فرشتگان را فرودفرستادی این ماجرا را درپدران نخستینِ خویش نشنیده‌ایم. ﴿۲۵﴾ این شخص نیست مگر مردی که به وی عارضهٔ دیوانگی است پس تامدتی انتظار وی کنید.
﴿۲٦﴾ گفت ای پروردگار من درقبالِ آنکه مرا دروغگو شمردند یاری‌ام کن. ﴿۲۷﴾ پس وحی فرستادیم به سوی وی که کشتی را زیرنظر ما وبه فرمانِ ما بساز پس چون آید فرمانِ ما وجوش زند تنور پس درکشتی ازهرجنسی دو عدد (نروماده) را درآور ودرآوراهل خود را مگرکسی ازآنان راکه وعدهٔ (حق) ازپیش براومقررشده است و سخن مگو بامن دربارهٔ آنان که ستم کرده‌اند هرآئینه ایشان غرق شدگانند.

---

(۱) یعنی به طریق قُوت.

﴿٢٨﴾ پس چون تووهمراهانت برکشتی راست بنشینی پس بگو همهٔ ستایش آن خدای را است که مارا ازگروهِ ستمکاران نجات داد. ﴿٢٩﴾ وبگوای پروردگارمن مرا درمنزلی مبارك فرود آور وتو بهترین فرود آورندگانی. ﴿٣٠﴾ هرآئینه دراین ماجرا نشانه‌هااست وهرآئینهماامتحان کنندگان بودیم. ﴿٣١﴾ باز بعدازایشان نسلی دیگر را بیافریدیم. ﴿٣٢﴾ پس میانِ ایشان پیامبری را ازقبیلهٔ ایشان (بااین پیام) فرستادیم که خدا را عبادت کنید شمارا هیچ معبود برحقی غیرازاو نیست آیا نمی ترسید. ﴿٣٣﴾ ورَئیسان ازقوم او آنان که کافرشدند و ملاقات سرای آخرت را دروغ شمردند و ایشان را درزندگانی دنیا آسودگی داده بودیم گفتند نیست این شخص مگر آدمی مانند شما است می خورد ازآنچه شما ازآن می خورید ومی‌آشامد ازآنچه شما می‌آشامید. ﴿٣٤﴾ و اگر ازبشری مانند خویش را پیروی کنید هرآئینه شما آنگاه زیان کارباشید. ﴿٣٥﴾ آیا شمارا وعده می‌دهد که چون شما بمیرید وخاك واستخوان شوید هرآئینه شما (دوباره) بیرون آورده خواهیدشد. ﴿٣٦﴾ آنچه وعده داده می‌شوید دوراست. ﴿٣٧﴾ زندگانی نیست مگرزندگانی این جهانی مامی‌میریم وزنده می شویم وبرانگیخته نخواهیم شد(١). ﴿٣٨﴾ نیست این شخص مگر مردی که برخدا دروغ را افترا کرده و ماتصدیق کننده او نیسیتم. ﴿٣٩﴾ گفت ای پروردگار من مرا درقبالِ آن که دروغگو شمردند نصرت ده و یاری‌ام کن. ﴿٤٠﴾ گفت پس ازاندك زمانی پشیمان خواهند شد. ﴿٤١﴾ پس ایشانرا آوازسخت طِبق وعدهٔ راست در گرفت، پس ایشان را خاشاك درهم شکسته گردانیدیم پس گروه ستمکاران را دوری باد. ﴿٤٢﴾ باز بعداز ایشان قرنهای دیگررا پیدا کردیم.

(١) یعنی بعضی می میرد وبعضی زنده می شود.

﴿٤٣﴾ سبقت نمی‌کند هیچ گروهی ازمیعادِ مقررِ خود ونه باز پس میمانند. ﴿٤٤﴾ باز پیامبران خودرا پی درپی فرستادیم هرگاه به امتی پیامبرِ اوآمد اورا تکذیب کردند پس بعضی را ازآنهادرپی بعضی درآوردیم (یعنی درهلاك) وامت‌هارا افسانه‌ها ساختیم پس دوری باد گروهی را که ایمان نمی آورند. ﴿٤٥﴾ باز موسیٰ وبرادراوهارون را بانشانه های خویش وبادلیلی ظاهر فرستادیم. ﴿٤٦﴾ به سوی فرعون وجماعت اُو پس سرکشی کردند وگروه تکبر کننده بودند. ﴿٤٧﴾ پس گفتند آیا ایمان آوریم بدوآدمی مانند خویش درحالی که قوم ایشان خدمت گزار ماهستند. ﴿٤٨﴾ پس ایشان را تکذیب کردند پس ازهلاك شدگان شدند. ﴿٤٩﴾ وهرآئینه موسیٰ را کتاب دادیم باشد که ایشان راه یابند. ﴿٥٠﴾ وپسر مریم ومادرش رانشانه‌ای ساختیم وایشان را به زمینی بلند دارای استقرار ودارای آبِ روان جای دادیم. ﴿٥١﴾ گفتیم ای پیامبران بخورید از غذاهای پاکیزه وکار نیکو انجام دهید هرآئینه من به آنچه عمل می کنید دانایم. ﴿٥٢﴾ وهرآئینه این است ملت شما ملت یکتا ومن پروردگار شمایم پس ازمن بترسید. ﴿٥٣﴾ پس امتان کارخود را درمیان خویش پاره پاره متفرق ساختند هرگروهی به آنچه نزد اوست شادمان است. ﴿٥٤﴾ پس تامدتی ایشان را درغفلت ایشان بگذار. ﴿٥٥﴾ آیا می پندارند که آنچه ایشان را به آن ازمال وفرزندان امداد می کنیم. ﴿٥٦﴾ برای ایشان درتلاش نیکیهاییم؟ (چنین نیست) بلکه نمی‌دانند[١]. ﴿٥٧﴾ هرآئینه آنان که ایشان از ترس پروردگار خویش هراسانند. ﴿٥٨﴾ وآنان که ایشان به آیاتِ پروردگار خویش ایمان می آورند. ﴿٥٩﴾ وآنانکه ایشان به پروردگار خویش شریك مقرر نمی‌کنند.

---

(١) یعنی نعمت نیست بلکه استدراج است.

﴿٦٠﴾ وآنان که میدهند آنچه میدهند و دلهای ایشان ترسانست برای آنکه ایشان به سوی پروردگارخویش بازخواهندگشت. ﴿٦١﴾ این جماعت درنیکی‌هابه شتاب می کوشند وایشان درانجام آنها سبقت کننده‌اند. ﴿٦٢﴾ وتکلیف نمیدهیم هیچ کس را مگر بقدر طاقت او ونزد ماکتابیست که سخن گوید به راستی[1] وبرایشان ستم کرده نشود. ﴿٦٣﴾ بلکه دل‌های ایشان ازین سخن درغفلت است وبرای ایشان عملهاست غیر[2] ازاین که ایشان آن را کننده اند (درغفلت خویش مانند). ﴿٦٤﴾ تاوقتیکه چون آسودگان ایشان را به عذاب گرفتارساختیم ناگهان ایشان فریاد می کردند. ﴿٦٥﴾ (گفتیم) فریاد مکنید امروز هرآئینه شما ازسوی مایاری وکمك داده نمیشوید. ﴿٦٦﴾ به راستی خوانده می‌شدآیاتِ من برشما پس شما برپاشنه‌های خود بازمی‌گشتید. ﴿٦٧﴾ درحالی که تکبر کنان برآن قرآن به‌ا فسانه مشغول شده ترك می‌کردید. ﴿٦٨﴾ آیا تأمل نکرده‌اند دراین سخن یا آمده است به ایشان آنچه به پدران نخستین ایشان نیامده بود. ﴿٦٩﴾ آیاپیامبر خودرا نشناختند پس ایشان بااو ناآشنا هستند. ﴿٧٠﴾ آیا میگویند به وی دیوانگی‌ای هست بلکه پیش ایشان سخن راست را آورده است وبیشترین ایشان خواهان حق نیستند. ﴿٧١﴾ و اگر خدای تعالی آرزوهای ایشان را پیروی می‌کرد هرآئینه نظام آسمانهاوزمین وهرکسی که درآنهااست دَرهَم می ریخت بلکه برای ایشان پند ایشان را آوردیم پس ایشان ازپند خویش رویگردانند. ﴿٧٢﴾ آیا ازایشان مزدی میخواهی پس پاداش پروردگار تو بهتراست واو بهترینِ روزی دهندگانست. ﴿٧٣﴾ و هرآئینه تو ایشان را به سوی راه راست می خوانی. ﴿٧٤﴾ وهرآئینه آنانکه به آخرت ایمان نمی‌آورند ازآن راه یکسوشونده‌اند.

---

(١) یعنی نامهٔ اعمال.

(٢) یعنی غیر انکار قرآن.

﴿۷۵﴾ واگر برایشان رحم می کردیم وآنچه به ایشان است ازسختی برمیداشتیم البته پیوسته دربیراهی خود سرگشته می شدند. ﴿۷۶﴾ وبه راستی ایشان را به عذاب گرفتار کردیم پس نیایش به پروردگار خود نکردند و نه زاری می‌کردند. ﴿۷۷﴾ (درغفلت خویش ماندند) تاوقتیکه چون برایشان دری دارای عذاب سخت بگشادیم ناگهان ایشان درآنجا ناامید شوندگانند. ﴿۷۸﴾ واوست آنکه برای شماشنوایی ودیده‌ها ودل‌هارا بیافرید، اندکی سپاس می‌گزارید. ﴿۷۹﴾ واوست آنکه شمارا درزمین پیدا کرد وبه سوی اوبرانگیخته خواهید شد. ﴿۸۰﴾ واوست آنکه زنده می‌کند ومی میراند و آمدورفت شب و روز به فرمان اوست آیا نمی فهمید. ﴿۸۱﴾ بلکه گفتند مانند آنچه پیشینیان گفته بودند. ﴿۸۲﴾ گفتند آیاچون بمیریم وخاك واستخوانهایی شویم آیا ما برانگیخته خواهیم شد. ﴿۸۳﴾ به راستی به این سخن مارا وپدران مارا پیش ازین وعده داده شد این نیست مگر افسانه‌های پیشینیان. ﴿۸٤﴾ بگو اگرمی‌دانید زمین وآنچه درآنست از آنِ کیستند؟!. ﴿۸۵﴾ خواهند گفت این همه خدای را است بگو آیا پندپذیرنمی‌شوید. ﴿۸٦﴾ بگوکیست پروردگار آسمانهای هفت‌گانه و پروردگار عرش بزرگ؟. ﴿۸۷﴾ خواهند گفت (این همه) خدای را است بگوآیاپس نمی‌ترسید. ﴿۸۸﴾ بگوکیست آنکه پادشاهی هرچیز به دست اوست واو کسی است که پناه می دهد (هرکه رابخواهد) وکسی را (نمیتوان) از (عذاب) او پناه داد (بگویید) اگر می‌دانید. ﴿۸۹﴾ خواهند گفت این همه ازآنِ خدا است بگو پس ازکجا فریب داده می‌شوید؟.

﴿۹۰﴾ بلکه به ایشان سخن راست را آورده ایم وهرآئینه ایشان دروغ می‌گویند. ﴿۹۱﴾ خدا هیچ فرزندی نگرفته است و همراه اوهیچ معبود برحقی نیست (اگرباشد) آنگاه هرمعبودی چیزی که آفریده بود می برد والبته غالب می آمد بعضی از ایشان بربعضی، خدای را به پاکی صفت می‌کنم ازآنچه بیان می‌کنند. ﴿۹۲﴾ دانندهٔ پنهان وآشکار است برترست ازآنچه شریك می آورند. ﴿۹۳﴾ بگوای پروردگار من اگربنمایی مرا آنچه ترسانیده می شوند. ﴿۹۴﴾ ای پروردگار من پس مرا درگروه ستمکاران داخل مکن. ﴿۹۵﴾ وهرآئینه ما برآنکه تورا آنچه وعده می دهیم به ایشان بنماییم قطعا توانائیم. ﴿۹۶﴾ وبدی را بخصلتی که آن بهتراست دفع کن ما به آنچه بیان می‌کنند داناتریم. ﴿۹۷﴾ وبگو(یا محمد) ای پروردگارمن از وسوسه‌های شیاطین برتو پناه می‌برم. ﴿۹۸﴾ و ای پروردگارم ازآنکه پیش من حاضر شوند به توپناه می‌برم. ﴿۹۹﴾ (درغفلت خویش باشند) تاوقتیکه چون کسی را ازایشان مرگ بیاید گوید ای پروردگار من مرا بازگردانید. ﴿۱۰۰﴾ تااین که کار نیکو کنم درسرایی که بگذاشتمش نه چنین باشد هرآئینه این سخنی است که وی گوینده آنست و پیش ایشان تاروزیکه برانگیخته شوند حجابی باشد. ﴿۱۰۱﴾ پس چون دمیده شود در صور پس خویشاوندیها میان ایشان آن روز نباشد و نه بایکدیگر سوال وجواب کنند. ﴿۱۰۲﴾ پس هرکس که کفه‌های ترازوی او گران آید پس آن جماعت ایشانند رستگاران. ﴿۱۰۳﴾ وهرکسی که کفه‌های ترازوی او سبك شد پس آن جماعت آنانند که به خودشان زیان کرده‌اند که دردوزخ جاویدانند. ﴿۱۰٤﴾ چهره های ایشان را آتش می سوزاند وایشان آنجا ترش روی هستند.

﴿۱۰۵﴾ (گویم) آیا برشما خوانده نمی‌شد آیاتِ من پس آن را تکذیب می کردید. ﴿۱۰٦﴾ گفتند ای پروردگارما برما بدبختیِ ما غالب آمد و گروهی گمراه بودیم. ﴿۱۰۷﴾ ای پروردگار ما بیرون آورمارا ازاینجاپس اگر به کفر برگردیم پس هرآئینه ماستمکار باشیم. ﴿۱۰۸﴾ خدا می‌فرماید داخل شویددرآن به رسوایی و بامن سخن مگویید. ﴿۱۰۹﴾ هرآئینه گروهی ازبندگان بودند که می‌گفتند ای پروردگارما ایمان آورده‌ایم پس مارابیامرز وبرمارحمت کن وتو بهترین بخشایندگانی. ﴿۱۱۰﴾ پس به مسخره گرفتید ایشان را تاحدیکه یاد مراازدل شما بردند وشما برایشان میخندیدید. ﴿۱۱۱﴾ هرآئینه من ایشان را امروز دربرابر صبر ایشان پاداش دادم به آنکه به مراد رسندگان ایشانند. ﴿۱۱۲﴾ خدا گوید چقدر درزمین به حساب شمار سالها درنگ کردید؟. ﴿۱۱۳﴾ گویند یك روزیا بخشی از روز درنگ کردیم پس از شمارکنندگان بپرس. ﴿۱۱٤﴾ گوید خدا توقف نکرده اید مگراندکی اگرشما بودیدکه می‌دانستید. ﴿۱۱۵﴾ آیا پنداشتید که شمارا بیهوده آفریدیم وآنکه شما به سوی ما باز گردانیده نشوید. ﴿۱۱٦﴾ پس برتراست خدا، پادشاه ثابت هیچ معبود برحقی غیرازاو نیست پروردگار عرش گرامی قدر است. ﴿۱۱۷﴾ هرکس که بخواند باخدا معبودِ دیگری را که وی را برثبوت آن (معبود) هیچ حجتی نیست پس جزاین نیست که حساب او نزد پروردگار اوست، هرآئینه کافران رستگار نمی‌شوند. ﴿۱۱۸﴾ وبگوای پروردگار من! بیامرز وببخشای وتو بهترین بخشایندگانی.

سوره نور مدنی است وآن شصت وچهار آیه ونه رکوع است

﴿۱﴾ این سوره ایست که آنرا فروفرستادیم وآنرا فرض ساختیم و درآن آیاتِ روشن فرودآوردیم تااین که شما پندگیرید. ﴿۲﴾ زن زنا کننده ومرد زنا کننده پس هریکی ازایشان را صد دُرَّه (شلاّق) بزنید وباید که شمارا برایشان شفقت درجاری کردن شرع خدا درنگیرد اگر به خدا وروز آخر ایمان آورده اید وباید که جماعتی از مسلمانان به عقوبت ایشان حاضر شوند. ﴿۳﴾ مرد زنا کننده نکاح نمی کند مگر زن زنا کننده یا شرك آورنده را وزن زنا کننده رابزنی نمی گیرد مگر مرد زناکننده یا مشرك وحرام ساخته شده نکاح زانیه برمسلمانان[1]. ﴿٤﴾ آنان که تهمت زنا می زنند زنانِ پرهیزگاررا باز چهار گواه نمی آورند ایشان را هشتاد دُرَّه (شلاّق) بزنید و گواهی ایشان را هیچ گاه قبول مکنید واین جماعت ایشانند فاسقان. ﴿٥﴾ مگر آنانکه توبه کردند بعد ازاین و کارِ خود را به صلاح آوردند پس هرآئینه خدا آمرزندۀ مهربان است. ﴿٦﴾ وآنانکه زنانِ خودرا تهمت زنا می زنند وایشان را مگر نفسهایشان گواهان نباشد پس گواهی هریکی ازایشان (این) است که چهار بار به نام خدا سوگند یادکند که هرآئینه وی ازراست گویان است. ﴿۷﴾ وگواهی پنجم (به این صفت) که لعنت خدا براوباد اگرازدروغ گویان باشد. ﴿۸﴾ وبازمی‌گرداند ازآن زن عقوبت را آنکه گواهی دهد چهار بار که سوگند به خدا هرآئینه وی (شوهرش) ازدروغ گویان است. ﴿۹﴾ (وگواهی دهد) بار پنجم (به این صفت) که خشمِ خدا براو باد اگر (شوهرش) ازراست گویان باشد. ﴿۱۰﴾ واگر فضل خدا ورحمت او برشما نمی بود وآنکه خدا توبه پذیرندۀ باحکمت است (چه چیزها که نمی شد)[2].

---

(۱) مترجم گوید ازین آیه معلوم شد که زانیه مقّره به زنا را نکاح نتوان کرد وهمین است مذهب أحمد و تاویل آیه نزد ابی حنیفه و شافعی آنست که حرام کرده شد شرك وزنا برمسلمانان یاگویند خاص است به قومی یاگویند منسوخ است.

(۲) مترجم گوید درغزوه بنی مصطلق حضرت عائشه رضی الله عنها متهم شده ومنافقان دراشاعت بد نامی سعی کردند جماعتی اظهار براءت نمودند وجماعتی توقف نمودند خدای تعالی براءت صدیقه را نازل فرمود وذمِ منافقان ومدح براءت کنندگان وتهدید توقف کنندگان را بیان فرمود.

﴿۱۱﴾ هرآئینه آنانکه ازشما تهمت را آوردند جماعتی اند این تهمت را درحق خویش بد مپندارید بلکه آن برای شما بهتراست هرکسی را ازایشان ازگناه که مرتکب شده است سهمی است وآنکه دامَن آن تهمت را ازایشان زد اورا عذاب بزرگ[1] است. ﴿۱۲﴾ چرا نشد که مردان مسلمان وزنان مسلمان چون آن را شنیدید گمان نیك درحق خویش می کردند ومی‌گفتند این افترائیست ظاهر. ﴿۱۳﴾ چرا براین سخن چهار گواه نیاوردند پس چون گواهان را نیاوردند پس آن جماعت نزد خدا ایشان دروغ گویانند. ﴿۱٤﴾ واگر فضل خدا ورحمت او دردنیا و آخرت برشما نمی بود هرآئینه به شما درآنچه که سخن می گفتید دربارهٔ آن عذاب بزرگی میرسید. ﴿۱۵﴾ چون آن را به زبانهای خویش فرامی‌گرفتید و به دهان‌های خویش می گفتند سخنی که به حقیقت آن شمارا دانش نبود و آن را آسان می پنداشتید واو نزدِ خدابزرگ بود[2]. ﴿۱٦﴾ وچرا وقتیکه آن را شنیدید گفتید ما را نَرسدکه آن (سخن) رابرزبان آوریم تورا به پاکی یاد می کنیم خدایا این سخن افترائیست بزرگ. ﴿۱۷﴾ خداشمارا‌پند می‌دهد باز ماننداین هرگز به عمل نیاورید اگرمسلمان هستید. ﴿۱۸﴾ وخدابرای شما آیات را بیان می کند وخدا دانای باحکمت است. ﴿۱۹﴾ هرآئینه آنان که دوست می‌دارند که فاحشه درمیان مسلمانان منتشر شود برایشان عقوبت دردناك دردنیا وآخرت است وخدامی‌داند وشما نمی دانید. ﴿۲۰﴾ واگر فضل خدا و رحمت اوبرشما نمی بود وآنکه خدا بخشندهٔ مهربانست (چه چیزها که نمی شد).

(۱) یعنی عبدالله بن اُبیّ منافق.

(۲) یعنی جمعی که می گفتند فلان وفلان چنین میگویند وما ندیده‌ایم وبه تحقیق نمی دانیم.

﴿۲۱﴾ ای مسلمانان ازپی گامهای شیطان مروید وهرکه پیروی گامهای شیطان کند پس هرآئینه وی به بی حیایی وکارناپسندیده امرمی‌کند واگر فضل خدا و رحمت او برشما نمی بود هیچ کسی ازشما هرگز پاك نشدی ولیکن خدا پاك می سازد هرکه راخواهد وخدا شنوای داناست. ﴿۲۲﴾ وباید که صاحبانِ فضل وتوانگر ازشما سوگند نخورند برآنکه خویشاوندان وبینوایان ومهاجرین درراه خدا را چیزی ندهند وباید که عفوکنند و درگذرند آیا دوست نمی دارید که خداشمارا بیامرزد وخدا آمرزندهٔ مهربان است[1]. ﴿۲۳﴾ هرآئینه آنان که زنان پاك دامنِ بي خبرِ مسلمان را تهمت زنا می‌زنند دردنیا وآخرت لعنت کرده شدند وبرایشان عذابِ بزرگ است. ﴿۲٤﴾ روزیکه برایشان زبانهای ایشان ودست‌های ایشان وپاهای ایشان به آنچه می کردند گواهی می‌دهند. ﴿۲٥﴾ آن روز خدای تعالی به ایشان پاداش ایشان را با انصاف به تمام وکمال می‌دهد وبدانند که خدا او حقّ ظاهراست. ﴿۲٦﴾ زنانِ ناپاك لایق به مردان ناپاك هستند ومردانِ ناپاك لایق به زنانِ ناپاك هستند وزنان پاك لایق به مردانِ پاك هستند ومردانِ پاك لایق به زنانِ پاك هستند، این جماعت ازآنچه مردم می گویند بری هستند برایشان آمرزش وروزیِ نیکو است. ﴿۲۷﴾ ای مسلمانان به خانه هایی غیر خانه های خویش درنیایید تاآنکه اجازه طلبید و براهل آن سلام کنید این برای شما بهتراست باشدکه پندپذیرشوید.

(۱) درین تعریض است به ابوبکرصدیق چون قسم خورده بود که مِسطَح را بعدازاین هیچ ندهد چون وی یکی ازدشنام دهندگان بود.

﴿۲۸﴾ پس اگر درآنجا هیچ کس را نیافتیدپس در آنجا داخل نشوید تاآنکه شمارا اجازه داده شود واگر به شما گفته شود که باز گردید پس بازگردید آن برای شما پاك تراست وخدابه آنچه عمل می کنید دانااست. ﴿۲۹﴾ برشما گناهی نیست درآنکه به خانه هایی غیرمسکونی که درآنجا کالایی دارید درآیید[۱] وخدا آنچه راکه آشکار می کنید وآنچه که پوشیده می دارید می داند. ﴿۳۰﴾ بگو به مردان مسلمان که چشم های خودرا بپوشند و شرمگاه های خود را نگاه دارند این ایشان را پاکیزه تراست هرآئینه به آنچه عمل می کنند خداخبرداراست. ﴿۳۱﴾ وبگو زنان مسلمان را که چشم های خودرا بپوشند و شرمگاه های خودرا نگاه دارند و آرایش خودرا آشکارنکنند[۲] مگرآنچه ظاهر است ازآن (مواضع) وباید که فروگذارند چادرهای خودرا برگریبانهای خود و آرایش خودرا مگر برشوهران خویش (ظاهر) ننمایند یا پدرانِ خویش یاپدرانِ شوهران خویش یاپسران خویش یا پسران شوهران خویش یا برادران خویش یا پسران برادران خویش یا پسران خواهران خویش یا زنان خویش یا آنچه مالك اوشده است دستهای ایشان (یعنی غلامان) یا کهنسالانی که صاحب شهوت نباشند از مردان یا طفلانی که هنوز مطلع نشده‌اند برشرمگاه های زنان ونباید زمین را باپاهایشان بزنند تادانسته شود آنچه اززیورخویش پنهان می‌کنند ای مسلمانان همگی به سوی خدارجوع کنید بُوَدکه رستگارشوید[۳].

(۱) یعنی رباط وقف.

(۲) یعنی مواضع زیور را.

(۳) حاصل این آیه آنست که مواضع زینت دوقسم است آنچه درسترآن حرج بودوآن‌وجه وکفین بود وآنچه درسترآن حرج نیست مانند سروگردن وعضد وذراع وساق پس ستروجه وکفین ازاجنبیان فرض نیست بلکه سنت است وسترغیرآن ازاجنبیان فرض است نه ازمحارم، قول صحیح نزد علماء همین است که وجه جزء مهم است که زن ازآن مردرادر فتنه می اندازدباید که بپوشند چنانچه درحدیث عائشة رضی الله عنها وغیرازاو آمده است مراجعه شود به تفسیر ابن کثیر (۳/ ۲۸٤).

﴿۳۲﴾ وبه زنان بی شوهر (مردان بی زن آزاد مسلمان را) ازقوم خویش وشایستگان را از غلامان خویش وکنیزان خویش به ازدواج یك دیگر در آورید اگر فقیر باشند خدا ازفضل خود ایشان راتوانگرکند وخدا بسیاردهندهٔ داناست. ﴿۳۳﴾ وآنانکه اسباب نکاح نمی یابند باید که بر پاکدامنی مقید باشند تاآنکه خدااز فضل خویش ایشان را توانگرکند وآنانکه مکاتبت رااز غلامانی که دست های شما مالك آن شده است می طلبند پس آنهارا اگر درایشان شایستگی بدانید مکاتَب کنید ومکاتبان را ازمال خدا که به شما ارزانی داشته است بدهید و کنیزکان خودرا برزنا اجبار مکنید اگرایشان پرهیزگاری خواهند تامتاع زندگانی دنیا بدست آورید و هرکه ایشان را اجبارکند پس هرآئینه خدا(آن کنیزکان را) بعد اجبار کردن برایشان آمرزندهٔ مهربان است. ﴿۳٤﴾ وهرآئینه به سوی شما آیه های روشن را ومثالی ازحال آنانکه پیش ازشما گذشتند وپندی برای پرهیزگاران فرودآوردیم. ﴿۳٥﴾ خدا نور آسمانها وزمین است وصف نورِ وی (درقلب مسلمانان) مانند طاقی که درآن چراغی است[۱] آن چراغ درشیشه ای است[۲] آن شیشه گویاستارهٔ درخشنده‌ای است که افروخته می شود ازروغن درختی بابرکت که عبارت ازدرخت زیتونی است نه به سمت مشرق ونه به جانب مغرب می‌روید نزدیك است که روغن وی روشنی بدهداگرچه آتشی آن را نرسیده باشد، روشنی برروشنی است خدا به نورش هرکه را خواهد هدایت می نماید و خدا برای مردمان مثلها بیان می‌فرماید وخدا بهَر چیز داناست[۳]. ﴿۳٦﴾ درخانه هایی که خدا دستور داده است که بلند کرده شود و درآنجا نام او به پاکی یاد کرده شود، درآنجاخدارا صبح وشام یاد می کنند.

(۱) یعنی فتیله روشن است.
(۲) یعنی درقندیل است.
(۳) حاصل این مثل تشبیه نوری است که به سبب مواظبت برطهارت وعبادت دردل مسلمانان حاصل می‌شود بنورچراغی که در غایت درخشندگی باشد وبه جهت مواظبت به آن اشعار می فرماید.

﴿۳۷﴾ مردانیکه ایشان را هیچ تجارت ونه خرید و فروش ازیادِ خدا و برپاداشتن نماز ودادن زکوٰة بازندارد ازآن روزی می ترسند که دلها ودیده‌ها در آن (روز) نگران شوند. ﴿۳۸﴾ تاایشان را خدابه عوض بهترین آنچه عمل کردند پاداش دهد وتاایشان را خدا ازفضل خویش زیاده دهد وخدا هرکه را بخواهد روزی بی شمار می دهد. ﴿۳۹﴾ وآنانکه کافرشدند اعمال ایشان مانند سرابیست به میدانی هموار که تشنه آبی می پندارش تاوقتیکه چون نزدیك آن بیاید چیزی نیابدش وخدارا نزد آن یابد پس به او حساب وَی را تمام رسانید وخدا زودگیرندهٔ حساب است[۱]. ﴿٤۰﴾ یامانند تاریکی‌ها دردریایی‌عمیق که این بحر را موجی ازبالای آن موج دیگری می پوشد ازبالای آن ابری تاریکی‌هاست بعض آن بالای بعض دیگر چون بیرون آرد دستِ خود را نزدیك نیست که ببیندش وهرکه او را خداروشنی نداد پس اورا هیچ روشنی[۲] نیست. ﴿٤۱﴾ آیا ندیدی هرکسی که درآسمانها وزمین است ومرغان بال گشاده خدا را به پاکی یاد می‌کنند (خدا) نیایش وتسبیح هریك ازآنان را دانسته است وخدا داناست به آنچه می کنند. ﴿٤۲﴾ وپادشاهی آسمانها وزمین از آنِ خدا است وبازگشت به سوی خداست. ﴿٤۳﴾ آیاندیدی که خدا ابررا روان می‌کند باز میان آن جمع می‌نماید بازتو درتو میسازدش پس قطره را که ازمیان آن بیرون می آید می بینی و ازجانب بالا ازکوه‌هاکه ژاله را آنجاست فرود می‌آورد پس بهرکه خواهد میرساندش و ازهر که می‌خواهد بازمیداردش درخشندگی برقِ آن ابر نزدیك است که چشمهارا دور کند.

(۱) حاصل این مَثَل آنست که اعمالِ کافر نابُود شود ودرآخرت آنرا هیچ ثوابی نباشد.
(۲) حاصل این مَثَل آنست که برکافرظلمات بهیمیت متراکم شده است وانوارملکیت ازوی بکلی معدوم شده است.

﴿٤٤﴾ خدا شب وروز را می‌گرداند هرآئینه دراین امر صاحبان بصیرت را عبرتیست. ﴿٤٥﴾ وخدا هرجبنده‌ای را ازآب آفرید پس ازینهاست آنکه برشکم خود می رود وازینهاست آن که بردوپاي میرود وازینهاست آنکه برچهارپای میرود خدا هرچه خواهد می آفریند هرآئینه خدا برهرچیز تواناست. ﴿٤٦﴾ هرآئینه آیاتِ روشن را فرود آوردیم وخدا هرکه را خواهد به سوی راه راست هدایت می کند. ﴿٤٧﴾ ومی گویند (منافقان) به خدا وبه رسول ایمان آوردیم وفرمانبرداری نمودیم باز گروهی ازایشان بعد ازاین روی می گرداند و ایشان مومنان نیستند. ﴿٤٨﴾ وچون به سوی خداورسول اوخوانده می‌شوند تا میان ایشان حکم فرماید ناگهان جماعتی ازایشان رویگردانند. ﴿٤٩﴾ واگرحق باآنان باشد گردن نهاده به نزد اومی‌آیند. ﴿٥٠﴾ آیا دردلهای ایشان بیماریست یادرشك افتادند یا می ترسند ازآنکه خداورسول او برایشان ستم کند بلکه این جماعت ایشانند ستمکاران. ﴿٥١﴾ به تاکید سخن مسلمانان چون ایشان به سوی خدا و رسول او خوانده می‌شوند تا میان ایشان حکم کند فقط این است که گویند شنیدیم وفرمان بردیم واین جماعت ایشان رستگارانند. ﴿٥٢﴾ وهرکسی که خداورسول اورا فرمان برداری کند وازخدا بترسد وازعذاب اوحذرکند پس این جماعت ایشانند به مراد رسندگان. ﴿٥٣﴾ و به خدا قسم خوردند به موکدترین قسمهای خود که اگربفرمایی ایشانرا البته ازوطن خود بیرون روند بگو قسم مخورید فرمانبرداری پسندیده مطلوب است هرآئینه به آنچه عمل می‌کنید خداخبرداراست.

﴿٥٤﴾ بگو فرمانبرداری خدا بکنید وفرمانبرداری پیامبرکنید پس اگر روی بگردانید پس جزاین نیست که برپیامبر است آنچه بروی لازم کرده شد وبرشماست آنچه برشمالازم کرده شد واگر فرمانبرداری اوکنید هدایت یابید ونیست برپیامبر مگرپیغام رسانیدن آشکار. ﴿٥٥﴾ خدا آنان راکه ازشما ایمان آورده‌اند و عمل‌های شایسته کرده‌اند وعده داده است که البته ایشان را درزمین خلیفه سازد چنانکه آنان را که پیش ازایشان بودند خلیفه ساخته بود[١] والبته برای ایشان دین ایشان را که پسندیده است برای ایشان محکم کند والبته ترس ایشان را پس ازآن به ایمنی تبدیل کند، مرا پرستش کنند بامن چیزی را شریك مقررنکنند وهرکه بعد ازاین ناسپاسی کند پس ایشان آن جماعت فاسقانند[٢]. ﴿٥٦﴾ و نمازرا برپا دارید و زکوٰة را بدهید و پیامبررا فرمانبرداری کنید باشدکه برشما رحم کرده شود. ﴿٥٧﴾ هرگز کافران را درزمین عاجزکننده مپندار وجای ایشان آتش است وآن بد بازگشت است. ﴿٥٨﴾ ای مسلمانان باید ازشما آنانکه دست های شما مالك ایشان شده است[٣] وآنانکه به حدبلوغ ازشما نرسیده‌اند سه نوبت اجازه طلبند پیش از نماز فجر ووقتیکه جامه های خودرا درنیم روزفرومی نهید وپس از نماز عشاء این سه وقتِ خلوتست برای شما، برشما ونه برایشان هیچ گناهی بعد ازینها نیست درآیندگانند برشما بعضی ازشما بربعضی دیگر همچنین خدابرای شما آیات را بیان می کند وخدا داننده‌ٔ باحکمت است[٤].

(١) یعنی چنانکه بنی اسرائیل رابعد از عمالقه پادشاه گرداند.

(٢) یعنی چنانکه قاتلان حضرت عثمان کردند مترجم گوید تفسیر این آیت درحدیث آمده «انّ الخلافة بعدی ثلاثون سنة» (هرآئینه خلافت پس ازمن سی سال است) والله اعلم.

(٣) یعنی غلامان وکنیزان.

(٤) حاصل آن است که محارم واطفال نیزدرین ساعات استیذان کنندزیرا که مردمان درین ساعات جامه ازتن می کشند وعریان می شوند محصول سخن آنست که برای محارم واطفال آنان را عریان دیدن درست نیست والله اعلم.

﴿۵۹﴾ وچون طفلان ازشما به حدِبلوغ رسند باید که اجازه طلب کنند چنانکه اجازه می‌طلبیدندآنانکه پیش ازایشان بودند همچنین خدا برای شماآیاتِ خودرا بیان می کند وخدا دانای باحکمت است. ﴿۶۰﴾ وکلان سالان اززنان که توقع نکاح ندارند پس برایشان گناهی نیست درآنکه جامه های خودرا بدون ظاهرکردن آرایشی فرونهند وپرهیزگاری کردنشان برای ایشان بهتراست وخداشنوای داناست. ﴿۶۱﴾ برنابیناگناهی نیست ونه برلنگ گناهی است و بربیمار گناهی نیست ونه برذات شما گناهی است درآنکه بخورید ازخانه های خویش یاخانه های‌پدران خویش یاخانه‌های مادران خویش یاخانه های برادران خویش یاخانه های خواهران خویش یاخانه های عموهای خویش یا خانه‌های عمّه های خویش یاخانه‌های خالوهای خویش یاخانه های خاله های خویش یا خانه ای که کلید های او بتصرف شماست[۱] یاخانه‌های دوستتان نیست برشما هیچ گناهی درآنکه بخورید همه باهم یامتفرق[۲] پس چون به خانه ها درآیید پس سلام گویید برقوم خویش دعای خیر با برکت پاکیزه ازنزد خدا است همچنین خدابرای شما آیات رابیان می کند باشدکه بفهمید.

(۱) یعنی نگاهبان و وکیل حفظ اوباشید.
(۲) یعنی اذنی که ازرسم وعادت مفهوم است کفایت می کند وحاجت اذن صریح نیست والله اعلم.

﴿٦٢﴾ جزاین نیست که مسلمانان آنانند که به خدا ورسول او ایمان آوردند وچون باشند باوی برکاری که مقتضی اجتماع ایشان است نروند تاآنکه از وی اجازه طلبند هرآئینه آنانکه ازتو اجازه می طلبند ایشان آنان هستند که به خدا و به رسول او ایمان آورده اند پس اگر ازتوبرای (انجام) بعضی کارخودشان اجازه طلبند هرکه راخواهی ازیشان اجازه ده و برای ایشان ازخدا آمرزش طلب کن هرآئینه خدا آمرزندهٔ مهربانست. ﴿٦٣﴾ فراخواندنِ پیامبر را درمیان خویش مانند فراخواندنِ همدیگرمشمارید هرآئینه خداآنان را که ازشما به پنهانی بیرون می‌روند پناه جویان می‌داند پس باید که بترسند آنانکه خلاف حکم پیامبر می کنند ازآنکه بدیشان بلایی برسد یا به ایشان عذاب درد ناك برسد. ﴿٦٤﴾ آ گاه شو هرآئینه برای خدا است آنچه درآسمانها وزمین است روشی را که شمابرآنید میداند وروزیکه به سوی او گردانیده شوند ایشان را به آنچه عمل کرده اند خبردهد وخدابه هرچیز داناست.

سوره فرقان مکی است وآن هفتادوهفت آیه وشش رکوع است

﴿١﴾ بسیاربابرکت است آنکه قرآن را بربندهٔ خویش فرود آورد تابرای جهانیان ترساننده باشد. ﴿٢﴾ آنکه اورا است پادشاهی آسمان ها وزمین وهیچ فرزندی نگرفته است وهیچ شریك اورادرپادشاهی نیست و هرچیزی را بیافرید پس آن را دقیقا اندازه گیری وکاملا برآوردکرده است.

﴿٣﴾ و کافران غیرازخدا آن معبودان را گرفتند که چیزی را نمی‌آفرینند وخودشان آفریده می‌شوند و نمی توانند برای خویش زیانی ونه سودی ونمی‌توانند مرگ را ونه زندگانی را ونه برانگیختن را. ﴿٤﴾ و گفتند کافران این قرآن مگردروغی نیست که آن را بربافته است واورا برافترای آن گروه دیگری یاری داده‌اند پس ستم ودروغ را به درستی که به عمل آوردند. ﴿٥﴾ و گفتند قرآن افسانه‌های پیشینیان است که آنرا برای خودنوشته است پس آن صبح و شام بروَی خوانده می شود[1]. ﴿٦﴾ بگو آنراکسیکه پنهان را که درآسمان ها وزمین است میداند فرود آورده است هرآئینه وی آمرزندهٔ مهربان هست. ﴿٧﴾ وگفتند این پیامبررا چیست که طعام میخورد ودربازارها میرود چرا به سوی وی فرشته ای فرستاده نشد تاهمراه وی ترساننده باشد. ﴿٨﴾ یاچرا ازآسمان به سوی وی گنجی افکنده نشده است یاچرا اوراباغی نیست که ازآن بخورد و ستمکاران گفتند پیروی نمی کنید مگرمرد جادو زده را. ﴿٩﴾ ببین چگو نه درحق تو مَثَلها می زدند پس گمراه شدند پس هیچ راهی را نمی یابند. ﴿١٠﴾ بزرگواراست آنکه اگرخواهد تورا بهتراز این بوستانهایی که میرود زیرآنها جویها و تورا کاخهای بلند (یعنی دردنیا) بدهد. ﴿١١﴾ بلکه قیامت را تکذیب کردند وبرای کسیکه تکذیب قیامت کند دوزخ را آماده ساختیم.

(١) یعنی تایادگیرد.

﴿۱۲﴾ چون دوزخ ایشان را ازمسافتِ دورببیند از وی آواز خشم خوردن وجوش وخروش را بشنوند. ﴿۱۳﴾ وچون ازآن دوزخ به مکانی تنگ دست وپابسته انداخته شوند آنجا برعلیه خویش دعای هلاك شدن را كنند. ﴿۱٤﴾ وگوییم امروز بیك هلاك شدن بد دعا نکنید وبه هلاك بسیار بد دعا کنید. ﴿۱٥﴾ بگو آیا این بهتراست یا بهشت جاویدآنکه به متقیان وعده داده شده است ایشان را پاداش وجای بازگشت باشد. ﴿۱٦﴾ ایشان را است درآنجا آنچه می‌خواهند، جاویدان، وعدهٔ ای حتمی برپروردگار تو هست که طلبیده شده است. ﴿۱۷﴾ وآن روز که خدا ایشان را جمع کند وآنچه راکه بغیراز خدا می‌پرستند پس گوید آیا این بندگان مرا شما گمراه کردید یاایشان خود راه را خطا کرده اند. ﴿۱۸﴾ گویند تورا به پاکی یاد می کنیم سزاوار نباشد مارا که هیچ دوست بجز تو گیریم ولیکن بهره مند ساختی ایشان را وپدران ایشان را تا آنکه پند را فراموش کردند وگروهی هلاك ونابود شدند. ﴿۱۹﴾ (گوییم ای گروه کافران) به درستی که شما را این معبودان درآنچه می گفتید تکذیب کردند پس جلوگیری عذاب نمی توانید ونه یاری دادن را وهرکه ازشما ستم کند عذاب بزرگ بچشانیمش. ﴿۲۰﴾ و پیش ازتو پیامبران را نفرستادیم مگر به این صفت که ایشان طعام می‌خورند ومی‌رفتند دربازارها و بعضی شمارا درحق بعضی دیگر ابتلایی قرار دادیم آیاصبر می کنید، و پروردگار توبینا هست.

﴿۲۱﴾ و آنانکه ملاقات مارا توقع ندارند گفتند چرا برما فرشتگان فروفرستاده نشد یا چرا پروردگار خودرا نمی بینیم به درستی که گرفتارکبر شدند در گمان خویش و سرکشی کردند سرکشيِ بزرگ. ﴿۲۲﴾ روزی که فرشتگان را ببینند آن روز گنهکاران را هیچ مژده نیست وگویند که بازداشته شوند بازداشتن موکد (یعنی جزحرمان نصیبی ندارند). ﴿۲۳﴾ وبه سوی آن چه ازکردار عمل کردند متوجه شدیم پس آن را مانند ذرّه هایی پراکنده ساختیم[۱]. ﴿۲٤﴾ اهل بهشت آن روزازجهت قرارگاه بهترند وبه اعتبار جای استراحت نیکوترند. ﴿۲٥﴾ و روزیکه آسمان به سبب ابر بشکافد و فرشتگان فرودآورده شوند فرودآوردنی[۲]. ﴿۲٦﴾ پادشاهيِ حقیقی آن روزخدارا است وآن روز برکافران روزی دشوار باشد. ﴿۲۷﴾ وروزی که ستمکار دو دست خودرا بگزد می گوید ای کاش من همراه پیامبر راهی[۳] می گرفتم. ﴿۲۸﴾ ای وای برمن کاش که فلان را[٤] دوست نمی گرفتم. ﴿۲۹﴾ هرآئینه وی مرا ازپند بعد ازآنکه به من آمده بود گمراه کرد و شیطان درمحنت آدمی را تنهاگذارنده هست. ﴿۳۰﴾ و گفت پیامبر ای پروردگار من هرآئینه قوم من این قرآن را رها کردند. ﴿۳۱﴾ وهمچنین برای هر پیامبری دشمنان ازگناهکاران ساخته ایم و پروردگار تو راه نما ونصرت دهنده بس است. ﴿۳۲﴾ و گفتند کافران چرا قرآن به یك دفعه برپیامبر فرود آورده نشد همچنین به دفعات آوردیم تا به آن دل تورا استوارسازیم و آن رابه آهستگی خواندیم.

(۱) یعنی برباد کردیم.
(۲) یعنی آسمان برهیئِت معتادخود باشد امابرناگاه منشق شود والله اعلم.
(۳) تمناکننده عقبه بن ابي معیط بود که اطاعت أبی بن خلف کرد چنانچه درسبب نزول آیه بیان کرده اند (مصحح).
(٤) یعنی أبی بن خلف ومانند‌او را (مصحح).

﴿۳۳﴾ ونیارند کافران پیش توهیچ داستانی مگر پیش توجوابی راست و نیکوتر دربیان بیاریم. ﴿۳٤﴾ کسانی که برچهره های خویش (سرنگون) به سوی دوزخ محشور شوند، این جماعت بدترند به اعتبار مکان و راه را گمراه ترند. ﴿۳٥﴾ وبه راستی که موسیٰ را کتاب دادیم و همراه او برادر او هارون را وزیر ساختیم. ﴿۳٦﴾ پس گفتیم بروید به سوی آن قوم که آیات مارا تکذیب کردند پس آن قوم را به سختی هلاك ساختیم. ﴿۳۷﴾ وقوم نوح را چون پیامبران را دروغگو شمردند آنان را غرق ساختیم و ایشان رابرای مردمان نشانه گردانیدیم، و برای ستمکاران عذابی درد ناك را مهیّا کرده‌ایم. ﴿۳۸﴾ وعادوثمود واهل رسّ را ونسلها بسیاری درمیان ایشان هلاك ساختیم. ﴿۳۹﴾ وبرای هرکدام مَثَلها زدیم وهریکی (ازآنان) را به سختی نابودکردیم. ﴿٤۰﴾ وبه درستی که کافران به دهی رسیدند که بارانیده شد بروی بارانِ بد(یعنی باران سنگ) آیا آن را نمی دیدند بلکه توقع برانگیختن را نمی داشتند. ﴿٤۱﴾ وچون تورا بینند تورا نگیرند مگربه مسخره آیااین شخص است آنکه خدای تعالی پیامبرفرستادش. ﴿٤۲﴾ هرآئینه نزدیك بود که مارا ازپرستشِ خدایانِ ما گمراه کند اگر آن نبودی که برآن‌ها شکیبایی کردیم وخواهند دانست چون عذاب را ببینند که کیست راه را اشتباه رونده‌تر. ﴿٤۳﴾ آیادیدی آن را که معبودش را خواهش نفس خودگرفته است آیاتو بروَی نگهبان میشوی.

﴿٤٤﴾ آیامی پنداری که بیشترین ایشان می شنوند یامی فهمند ایشان جز مانند چهارپایان نیستند بلکه ایشان باعتبار راه گمراه ترند. ﴿٤٥﴾ آیا به سوی پروردگار خود ندیدی که سایه را چگونه دراز کرد[١] واگر می خواست آن راساکن می ساخت باز آفتاب را برَوی راه نما[٢] برگماشتیم. ﴿٤٦﴾ باز سایه را به سوی خویش فراگرفتیم فرا گرفتن آسان. ﴿٤٧﴾ واوست آنکه شب را برای شما پوششی گردانید وخواب را راحتی وروز راوقتِ برخاستن نموده است (یعنی بیداری برای جنبش وکوشش معاش وغیره). ﴿٤٨﴾ واوست آنکه بادهارا پیش از رحمت خویش مژده دهنده فرستاد وازآسمان آب پاك را فرود آوردیم. ﴿٤٩﴾ تا به آن شهر مرده را زنده سازیم وتا آن را به چهارپایان ومردمان بسیاری را ازآنچه ما آفریده ایم بنوشانیم. ﴿٥٠﴾ وهرآئینه پند را درمیان ایشان گوناگون بیان کردیم تاپندپذیر شوند پس بیشترین مردمان قبول نکردند مگرناسپاسی را. ﴿٥١﴾ واگرمی خواستیم درهر دهی ترسانندهای میفرستادیم. ﴿٥٢﴾ پس کافران را فرمان مبر وبا ایشان به قرآن جهادکن جهادِی بزرگ. ﴿٥٣﴾ واوست آنکه دو دریا را درآمیخت این یك آبِ شیرین خوشگوار است وآن دیگر شوربدمزه ومیان هر دوحجابی وسدی محکم ساخت. ﴿٥٤﴾ واوست آنکه از آب آدمی را آفرید پس آن را پیوند خویشاوندي نسب وخویشاوندي قرابت دامادی قرارداد پروردگارتوتواناست. ﴿٥٥﴾ وغیراز خداچیزی را می پرستند که ایشان را نفع نمی دهد ونه بدیشان ضرر می رساند وکافر برمخالفت پروردگار خود هم پشت (شیطان) است.

(١) یعنی بعد اسفارقبل ازغروب آفتاب یادراوّل روز.

(٢) یعنی بهر صفت که آفتاب تقاضا میکند میرود.

﴿٥٦﴾ وتورا مگر بشارت دهنده وبیم دهنده نفرستادیم. ﴿٥٧﴾ بگو برتبلیغ قرآن هیچ مزدی ازشما نمی طلبم لیکن هرکه خواهد که به سوی پروردگارخویش راه گیرد (گو بگیرد راهی). ﴿٥٨﴾ وتوکل کُن برآن زنده ای که نمی میرد و ستایش او به پاکی یادکن، وی بگناهان بندگانش آگاه بس است. ﴿٥٩﴾ آنکه آسمانها وزمین را وآنچه راکه درمیان آنهاست درشش روز بیافرید باز برعرش مستقرشد، اوست بخشاینده پس ازحال وی دانایی را بپرس. ﴿٦٠﴾ وچون به کافران گفته میشود که رحمن را سجده کنید گویند و چیست رحمن آیا سجده کنیم چیزی را که تو مارا میفرمایی این سخن برگریزش ایشان اضافه کرد. ﴿٦١﴾ بزرگواراست آنکه درآسمان بُرجها را ساخت درآن چراغی را (یعنی خورشید را) وماهِ روشنی دهنده ای را ساخت. ﴿٦٢﴾ واوست آنکه شب وروز را جانشین یك دیگر برای کسیکه پندگرفتن خواهد یا شکرگزاری کردن خواهد مقررداشت. ﴿٦٣﴾ وبندگان خدا آنانند که برزمین به آهستگی میروند[1] وچون نادانان به ایشان سخن گویند، گویند برشما سلام باد. ﴿٦٤﴾ وآنانکه برای پروردگار خویش سجده کنان وقیام کنان شب می گذارند. ﴿٦٥﴾ وآنانکه می گویند ای پروردگار ما ازما عذاب دوزخ را بازدار هرآئینه عذاب دوزخ لازم شونده است. ﴿٦٦﴾ هرآئینه دوزخ بدآرام گاهی وبدمقامی است. ﴿٦٧﴾ وآنانکه چون خرج کنند اسراف ننمایند و تنگی نگیرند وعطای ایشان میان جانِبَین معتدل باشد.

(١) یعنی تواضع برایشان غالب است.

﴿٦٨﴾ وآنانکه باخدامعبود دیگری را نمی‌پرستند و هیچ نفسی را که خدا حرام کرده است مگربه حق نمی کُشند وزنانکنند وهرکه این کاررا بکند به عقوبتِ دشوار برخُورَد. ﴿٦٩﴾ بر اوعذاب روزِ قیامت دوچند کرده شود وآنجا خوارکرده شده همیشه ماند. ﴿٧٠﴾ مگر آنکه توبه کرد وایمان آورد وعمل شایسته نمود پس آن جماعت خدا بدیهای ایشان را به نیکی ها تبدیل می‌کند وهست خدا آمرزندهٔ مهربان. ﴿٧١﴾ وهرکه توبه کند وکارشایسته به جا آوردپس هرآئینه وی چنانکه باید به خدا رجوع کرده است. ﴿٧٢﴾ وآنانکه گواهی دروغ نمی دهند وچون بگذرند بربیهوده به روشِ بزرگان بگذرند. ﴿٧٣﴾ وآنانکه چون به آیاتِ پروردگارشان پندداده می شوند به شنیدنِ آن کروکور نیفتند[1]. ﴿٧٤﴾ وآنانکه می گویند ای پروردگارِما مارا اززنان ما وازفرزندانِ ما روشنیِ چشم ببخش ومارا پیشوای متقیان قراردِه. ﴿٧٥﴾ آن جماعت مقام بلند جزا داده شوند به خاطر آنکه صبر کردند، درآن به دعای خیروسلام برخوردار کرده شوند. ﴿٧٦﴾ جاویدان باشند درآنجا، بهشت نیك آرام گاه است ونیك مقام است. ﴿٧٧﴾ بگو پروردگار من به شما اعتنا نمی کند اگر عبادتِ شما نباشد پس به درستی که تکذیب کردید پس البته جزای آن لازم باشد.

(١) یعنی بلکه دیده و شنیده سجده کنند.

سوره شعراء مکی است وآن دوصد وبیست وهفت آیه ویازده رکوع است

﴿۱﴾ طٰسَم. ﴿۲﴾ این آیاتِ کتابِ روشن است. ﴿۳﴾ شاید تو خویشتن را هلاك کننده
ای به سبب آنکه مسلمان نمی شوند. ﴿٤﴾ اگر بخواهیم برایشان ازآسمان نشانه ای
فرودآوریم پس گردنهای ایشان پیش آن نیایش کننده شود. ﴿٥﴾ و بدیشان هیچ پندی
جدید ازجانب خداوند رحمن نمی آید مگر ازآن رویگرداننده می باشند. ﴿٦﴾ پس ثابت
شدکه ایشان تکذیب کردند پس خواهد به ایشان عاقبت آنچه که به آن تمسخر می کردند
آمد. ﴿۷﴾ آیا به سوی زمین ندیده‌اند چه قدر درآن ازهر جنس نیك رویانیدیم. ﴿۸﴾
هرآئینه درین ماجرا نشانه‌ای است وبیشترین ایشان مسلمانان نیستند. ﴿۹﴾ وهرآئینه
پروردگار تو همان غالب مهربان است. ﴿۱۰﴾ وآنگاه که پروردگارتو موسیٰ را آواز داد که
پیشِ گروهِ ستمکاران برو. ﴿۱۱﴾ پیش قوم فرعون آیا پرهیزگاری نمی کنند. ﴿۱۲﴾ گفت
ای پروردگار من هرآئینه من می‌ترسم ازآنکه مراتکذیب کنند. ﴿۱۳﴾ وسینه‌ام تنگ شود
وزبانم جاری نگردد پس به هارون رسالت بفرست. ﴿١٤﴾ وقوم فرعون را برمن گناهی
است پس می ترسم که مرا بکشند. ﴿۱٥﴾ گفت چنین نباشد پس هردوبروید بانشانه‌های
ما هرآئینه ما باشما شنونده‌ایم. ﴿۱٦﴾ پس به فرعون بیایید پس بگویید هرآئینه مافرستاده
پروردگار جهانیانیم. ﴿۱۷﴾ (بااین پیغام) که همراه ما بنی اسرائیل را بفرست. ﴿۱۸﴾
(فرعون) گفت (ای موسیٰ) آیا نپروراندیم تورا درمیان اهل خویش درحال طفلی ودرمیان
ما ازعمر خودسالها گُذراندی. ﴿۱۹﴾ وآن کردار خود را که ازتو به عمل آمد کردی و
توازنا سپاسانی.

﴿۲۰﴾ گفت آن کردار را آنگاه کردم که من از گمراهان بودم. ﴿۲۱﴾ پس چون ازعقوبتِ شما بترسیدم ازپیش شما گریختم پس پروردگار من مرا دانش عطاکرد ومرااز پیامبران گردانید. ﴿۲۲﴾ وآیااین نعمتی است که منت می نهی برمن که بنی اسرائیل را[1] بنده گرفتی. ﴿۲۳﴾ گفت فرعون وچیست پروردگار جهانیان؟. ﴿۲٤﴾ گفت موسیٰ پروردگار آسمان ها وزمین وآنچه درمیان اینهاست اگریقین آور نده‌اید. ﴿۲۵﴾ گفت (فرعون) آنانراکه دوروبر اوبودند آیانمی شنوید. ﴿۲٦﴾ گفت موسیٰ پروردگار شما و پروردگار پدرانِ پیشین شمااست. ﴿۲۷﴾ گفت فرعون هرآئینه پیامبرشما که به سوی شما فرستاده شده دیوانه است. ﴿۲۸﴾ گفت موسیٰ پروردگار مشرق ومغرب وآنچه درمیان اینهاست اگردرمی‌یابید. ﴿۲۹﴾ گفت اگر غیر مرا خدا گرفتی البته ترااز زندانیان قراردهم. ﴿۳۰﴾ گفت آیا (به زندان) کنی اگرچه پیش توچیزی روشن بیاورم. ﴿۳۱﴾ (فرعون) گفت اگر ازراستگویانی آن رابیاور. ﴿۳۲﴾ پس عصای خودرا بینداخت پس ناگهان وی اژدهای آشکارشد. ﴿۳۳﴾ ودست خودرا برآورد پس ناگهان دست وی برای بینندگان سفید شد. ﴿۳٤﴾ گفت فرعون به اطرافیانش هرآئینه این شخص جادوگریست دانا. ﴿۳۵﴾ میخواهد که شمارا ازسرزمین شما به سِحرخود بیرون کند پس مرا چه می فرمایید. ﴿۳٦﴾ گفتند او وبرادرش را بازداشت کن ودرشهرها نقیبان را بفرست. ﴿۳۷﴾ تاپیش توهرجادوگرِ داناي را بیاورند. ﴿۳۸﴾ پس ساحران بمیعادِ روزی معیّن جمع کرده شدند. ﴿۳۹﴾ وبه مردمان گفته شد آیاشما جمع شونده‌اید.

(۱) یعنی بنده گرفتن بنی اسرائیل نعمت نبود پس همچنین پرورش کردن که به آن ضرورت بود نعمت نباشد.

﴿۴۰﴾ باشدکه ماساحران را پیروی کنیم اگرایشان غالب شوند. ﴿۴۱﴾ پس چون ساحران حاضر شدند فرعون را گفتند آیا اگرماغالب شویم مارامزدی بُوَد؟. ﴿۴۲﴾ گفت آری وهرآئینه شما آنگاه از مقربان باشید. ﴿۴۳﴾ موسیٰ به ایشان گفت بیفکنید آنچه راکه شماافکننده اید. ﴿۴۴﴾ پس انداختند ریسمانهای خودرا وعصاهای خودرا وگفتند قسم به بزرگی فرعون هرآئینه ما البته غالبیم. ﴿۴۵﴾ پس موسیٰ عصای خودرا انداخت پس ناگهان وَی فرومی برد آنچه بی حقیقت به دروغ آورده بودند. ﴿۴۶﴾ پس ساحران سجده کنان (به زمین) انداخته شدند. ﴿۴۷﴾ گفتند به پروردگار جهانیان ایمان آورده ایم. ﴿۴۸﴾ پروردگار موسیٰ وهارون. ﴿۴۹﴾ (فرعون) گفت آیا (به موسی) پیش ازآنکه اجازت دَهَم شمارا ایمان آوردید هرآئینه وی رهبر شما است آنکه شماراجادو بیاموخت پس خواهید دانست البته بِبُرَم دستهای شمارا وپاهای شمارایکی ازجانب راست ودیگری ازجانب چپ والبته همگی شمارا بردار آویزم. ﴿۵۰﴾ گفتند هیچ باکی وزیانی نیست هرآئینه ما به سوی پروردگار خویش رجوع کنندگانیم. ﴿۵۱﴾ هرآئینه ماامیدواریم که پررودگار ما برای ما گناهان مارا ازروی آنکه اوّلین مسلمانان بوده ایم بیامرزد. ﴿۵۲﴾ وبه سوی مُوسیٰ وحی فرستادیم که بندگان مراشبانه بِبر هرآئینه شماتعقیب کرده شوید. ﴿۵۳﴾ پس فرعون درشهرها گردآورندگان را فرستاد. ﴿۵۴﴾ هرآئینه بنی اسرائیل گروهی اندك هستند. ﴿۵۵﴾ وهرآئینه ایشان مارا به خشم آوردهاند. ﴿۵۶﴾ وهرآئینه ماجماعتی مسلّح ایم. ﴿۵۷﴾ (خدا وند می فرماید) پس قوم فرعون راازبوستانها وچشمه ها. ﴿۵۸﴾ وگنجها ومنزل نیك بیرون راندیم. ﴿۵۹﴾ همچنین (کردیم) و این چیزها رابه بنیاسرائیل میراث دادیم. ﴿۶۰﴾ پس وقت اشراق (یعنی برآمدن خورشید) تعقیب ایشان کردند.

﴿٦١﴾ پس چون یکدیگر رادیدندهردوگروه گفتند یارانِ موسیٰ هرآئینه به مارسیدند.
﴿٦٢﴾ موسیٰ گفت چنین نیست هرآئینه بامن پروردگارمن است مرا راه خواهدنمود.
﴿٦٣﴾ پس به سوی موسیٰ وحی فرستادیم که به عصای خود دریارا بزن پس دریا
بشکافت پس هرپارهای مانند کوه بزرگ شد. ﴿٦٤﴾ وآن دیگران را آنجا نزدیك آوردیم.
﴿٦٥﴾ وموسیٰ وآنان را که همراه وی بودند همگی را نجات دادیم. ﴿٦٦﴾ سپس آن
دیگران را غرق ساختیم. ﴿٦٧﴾ هرآئینه دراین ماجرا نشانهای هست، وبیشترین ایشان
مسلمانان نبودند. ﴿٦٨﴾ وبی گمان پروردگار توالبته همان غالب مهربان است. ﴿٦٩﴾
وبرایشان خبرابراهیم را بخوان. ﴿٧٠﴾ چون به پدر خود و قوم خود گفت چه چیزرامی
پرستید؟. ﴿٧١﴾ گفتند بتان را می پرستیم پس برایشان مجاورت کننده میباشیم. ﴿٧٢﴾
گفت آیا آواز شمارا چون میخوانید میشنوند؟. ﴿٧٣﴾ یاسودی به شمابخشند یازیان
میرسانند؟. ﴿٧٤﴾ گفتند (نه) بلکه پدران خودرا بر چنین شیوهای یافتهایم. ﴿٧٥﴾ گفت
آیااندیشیدهاید آنچه راکه می پرستیدید؟. ﴿٧٦﴾ شما و پدران پیشین شما. ﴿٧٧﴾ پس
بدانیدکه آنهادشمنان من هستند مگر پروردگار جهانیان. ﴿٧٨﴾ آنکه مرا بیافرید پس اوست
که مرا هدایت می کند. ﴿٧٩﴾ وآنکه اومرا طعام میخوراند ومرا میآشاماند. ﴿٨٠﴾
وچون بیمار شوم پس او مرا شفامیدهد. ﴿٨١﴾ وآنکه مرامی میراند بازمرا زنده می
گرداند. ﴿٨٢﴾ وآنکه امیدوارم که گناهانم را در روزجزا برایم بیامرزد. ﴿٨٣﴾ پروردگارا
مرا حکمت عطاکن و مرابه شایستگان پیوسته دار.

﴿٨٤﴾ وبرایم در پسینیان آوازه نیك بگذار. ﴿٨٥﴾ ومرا ازوارثان بهشت بانعمت قراردِه. ﴿٨٦﴾ وپدرِ مرا بیامرز هرآئینه وَی ازگمراهان بود. ﴿٨٧﴾ ومرا روزی که مردمان برانگیخته شوند رسوا مکن. ﴿٨٨﴾ روزی که مال و فرزندان سودی نمی رساند. ﴿٨٩﴾ مگر کسی (صاحب فائده بُوَد) که دلی پاك نزدخدا آورد. ﴿٩٠﴾ وبهشت برای متقیان نزدیك آورده شود. ﴿٩١﴾ ودوزخ برای گمراهان ظاهر کرده شود. ﴿٩٢﴾ و گفته شود به ایشان کجا است آنچه می پرستیدید. ﴿٩٣﴾ به جای خدا؟ آیانصرت میدهند شمارا یاخودانتقام می کشند. ﴿٩٤﴾ پس بتان و گمراهان پیاپی سرنگون به دوزخ افکنده میشوند. ﴿٩٥﴾ وهمگی‌لشکرهای شیطان. ﴿٩٦﴾ گویند درحالیکه ایشان درآنجابایك دیگر مکابره می کنند. ﴿٩٧﴾ قسم به خداهرآئینه مادرگمراهی ظاهر بودیم. ﴿٩٨﴾ چون شمارا باپروردگار جهانیان برابر می‌ساختیم. ﴿٩٩﴾ و مارا گمراه نکردند مگر بدکاران. ﴿١٠٠﴾ پس ماراهیچ شفاعت کننده ای نیست. ﴿١٠١﴾ ونه دوست مهربانی. ﴿١٠٢﴾ پس ای کاش برایمان یکبار (بازگشت) می بود پس از مسلمانان شویم. ﴿١٠٣﴾ هرآئینه درین ماجرا نشانه ای هست، وبیشترین ایشان مسلمانان نیستند. ﴿١٠٤﴾ وهرآئینه پروردگار توهمان غالب و مهربان است. ﴿١٠٥﴾ قوم نوح پیامبران را دروغگو شمردند. ﴿١٠٦﴾ چون برادرایشان نوح به ایشان گفت آیانمی ترسید؟. ﴿١٠٧﴾ هرآئینه من برای شما پیامبر با امانتم. ﴿١٠٨﴾ پس ازخدا بترسید و فرمانبرداری من کنید. ﴿١٠٩﴾ وبرتبلیغ رسالت ازشما هیچ مزدی سوال نمی‌کنم نیست پاداش من مگر برپروردگار جهانیان. ﴿١١٠﴾ پس ازخدا بترسید وفرمانبرداری من کنید. ﴿١١١﴾ گفتند آیا ایمان برتو آوریم حال آنکه فرومایگان ازتو پیروی کرده اند.

﴿۱۱۲﴾ گفت (نوح) وچه میدانم به آنچه می کردند. ﴿۱۱۳﴾ حساب ایشان نیست مگر بر پروردگارمن، اگر بدانید. ﴿۱۱٤﴾ و من دورکنندهٔ مسلمانان نیستم. ﴿۱۱۵﴾ من جز ترسانندهٔ آشکار نیستم. ﴿۱۱٦﴾ گفتند ای نوح اگر دست برنداری البته ازسنگسار شدگان خواهیدشد. ﴿۱۱۷﴾ گفت ای پروردگار من هرآئینه قوم من مرا دروغگو شمردند. ﴿۱۱۸﴾ پس فیصله کن میان من ومیان ایشان چنانکه فیصله باید ومرا وآنان راکه همراه من از مسلمانان هستند نجات بخش. ﴿۱۱۹﴾ پس اوراوآنان راکه همراه اُوبودند درکشتیِ پُر کرده شده نجات دادیم. ﴿۱۲۰﴾ سپس بعد ازین باقی ماندگان را غرق ساختیم. ﴿۱۲۱﴾ هرآئینه درین ماجرانشانه‌ای است، واکثرایشان مسلمان نیستند. ﴿۱۲۲﴾ وهرآئینه پروردگار توهمان غالب مهربان است. ﴿۱۲۳﴾ قبیلهٔ عاد پیامبران را تکذیب کردند. ﴿۱۲٤﴾ چون برادرایشان هود به ایشان گفت آیا نمی‌ترسید؟. ﴿۱۲۵﴾ هرآئینه من برای شما پیامبر باامانتم. ﴿۱۲٦﴾ پس ازخدا بترسید و فرمانبرداریِ من کنید. ﴿۱۲۷﴾ وبرتبلیغ رسالت ازشما هیچ مزدی سوال نمی کنم پاداش من نیست مگر برپروردگار جهانیان. ﴿۱۲۸﴾ آیابه هر بلندی علامتی بی فائده می سازید. ﴿۱۲۹﴾ ومحلهای استوار می سازید به امیدآنکه جاودان خواهید ماند. ﴿۱۳۰﴾ وچون [به کیفر] دست می گشایید، ستمکارانه دست می گشایید. ﴿۱۳۱﴾ پس ازخدا بترسید وفرمانبرداری من کنید. ﴿۱۳۲﴾ وازکسیکه امداد کرد شما را به آنچه می دانید بترسید. ﴿۱۳۳﴾ شمارا باچهارپایان و فرزندان امداد کرده است. ﴿۱۳٤﴾ و(با) بوستانها وچشمه ها. ﴿۱۳۵﴾ هرآئینه من برشماازعذاب روز بزرگ می ترسم. ﴿۱۳٦﴾ گفتند برما یکسان است که خواه پنددهی یا ازپند دهندگان نباشی.

﴿۱۳۷﴾ این جزشیوهٔ پیشینیان نیست. ﴿۱۳۸﴾ وما عذاب کرده نخواهیم شد. ﴿۱۳۹﴾ پس تکذیبش کردند پس ایشان را هلاك ساختیم هرآئینه دراین ماجرانشانه ای هست، وبیشترین ایشان مسلمان نبودند. ﴿۱۴۰﴾ وهرآئینه پروردگارتوهمان غالب مهربان است. ﴿۱۴۱﴾ قبیلهٔ ثمودپیامبران را دروغگو شمردند. ﴿۱۴۲﴾ چون برادرایشان صالح به ایشان گفت آیا نمی‌ترسید؟. ﴿۱۴۳﴾ هرآئینه من برای شما پیامبراامانتم. ﴿۱۴۴﴾ پس ازخدا بترسید وفرمانبرداری من کنید. ﴿۱۴۵﴾ وبرتبلیغ رسالت ازشما هیچ مزدی سوال نمی‌کنم، پاداش من نیست مگربر پروردگار جهانیان. ﴿۱۴۶﴾ آیا درآنچه اینجاست ایمن گذاشته خواهید شد. ﴿۱۴۷﴾ دربوستانها وچشمه ها. ﴿۱۴۸﴾ وکِشتها ودرختان خرمایی که شگوفهٔ آن نازك است. ﴿۱۴۹﴾ وازکوه ها خانه‌های ماهرانه می‌تراشید. ﴿۱۵۰﴾ پس ازخدا بترسید وفرمانبرداری من کنید. ﴿۱۵۱﴾ وفرمانِ ازحد گذرندگان را اطاعت مَکُنِید. ﴿۱۵۲﴾ آنانکه فساد می‌کنند درزمین واصلاح نمی نمایند. ﴿۱۵۳﴾ گفتند جزاین نیست که توازجادوشدگانی. ﴿۱۵۴﴾ تو مگر آدمی مانند ما نیستی پس اگر از راست گویانی نشانه ای بیار. ﴿۱۵۵﴾ گفت این ماده شتریست وی را یك نوبت آب خوردن است ونیز شمارانوبت روزی معین است. ﴿۱۵۶﴾ واورابه عقوبت دست مرسانید که آنگاه شمارا عذابِ روزِ بزرگ دربگیرد. ﴿۱۵۷﴾ پس آنرا پی زدند پس پشیمان گشتند. ﴿۱۵۸﴾ پس ایشان را عذاب درگرفت هرآئینه درین ماجرانشانه‌ای هست، وبیشترین ایشان مسلمان نبودند. ﴿۱۵۹﴾ وهرآئینه پروردگار توهمان غالب مهربان است.

﴿١٦٠﴾ قوم لوط پیامبران را دروغگو شمردند. ﴿١٦١﴾ چون برادرایشان لوط به ایشان گفت آیانمی ترسید؟. ﴿١٦٢﴾ هرآئینه من برای شما پیامبر باامانتم. ﴿١٦٣﴾ پس ازخدا بترسید وفرمان من برید. ﴿١٦٤﴾ وبرتبلیغ رسالت ازشما هیچ مزدی سوال نمی کنم، نیست پاداش من مگر بر پروردگار جهانیان. ﴿١٦٥﴾ آیا ازمیان جهانیان (به قصد قضای شهوت) به سوی مردان میروید. ﴿١٦٦﴾ وآنچه راکه برای شما آفریده است پروردگارشما اززنان شما می گذارید بلکه شما گروهی ازحدگذشته‌اید. ﴿١٦٧﴾ گفتند ای لُوط اگر دست برنداری هرآئینه ازبیرون کردگان باشی. ﴿١٦٨﴾ گفت هرآئینه من ازدشمنان (این) کارتان هستم. ﴿١٦٩﴾ پروردگارا مرا واهلِ مرا ازوبال آنچه می کنند نجات ده. ﴿١٧٠﴾ پس او وخانواده‌اش را همگی نجات دادیم. ﴿١٧١﴾ مگر پیرزنی که ازباقی ماندگان بود. ﴿١٧٢﴾ سپس آن دیگران را هلاك ساختیم. ﴿١٧٣﴾ وبرایشان بارانی (ازبلا) بارانیدیم پس باران ترسانیدگان بَد است. ﴿١٧٤﴾ هرآئینه درین ماجرا نشانه ای است، وبیشترین ایشان مسلمان نبودند. ﴿١٧٥﴾ وهرآئینه پرودگارتو همان غالب مهربان است. ﴿١٧٦﴾ اصحاب ایکه پیامبران را دروغگو شمردند. ﴿١٧٧﴾ چون شعیب به ایشان گفت آیانمی ترسید؟. ﴿١٧٨﴾ هرآئینه من برای شماپیامبَرباامانتم. ﴿١٧٩﴾ پس ازخدا بترسید وفرمان من برید. ﴿١٨٠﴾ وبرتبلیغ رسالت ازشما هیچ مزدی سوال نمی کنم، پاداشِ من نیست مگربر پروردگار جهانیان. ﴿١٨١﴾ پیمانه را تمام پیمایید واز زیان دهندگان مباشید. ﴿١٨٢﴾ وبا ترازوی درست وزن کنید. ﴿١٨٣﴾ وبه مردمان‌چیزهای ایشان را ناقص ندهیدودراین سرزمین درتباهی مکوشید.

﴿۱۸٤﴾ وازخدا بترسید که شمارا وخلایق نخستینیان را آفرید. ﴿۱۸۵﴾ گفتند جزاین نیست که توازجادوشدگانی. ﴿۱۸٦﴾ وتومگر آدمی مانندما نیستی وهرآئینه تورا ازدروغ گویان می‌پنداریم. ﴿۱۸۷﴾ پس برما پاره‌ای ازآسمان بیکفن اگرازراست گویانی. ﴿۱۸۸﴾ گفت پروردگار من به آنچه می‌کنید داناتراست. ﴿۱۸۹﴾ پس اورا تکذیب کردند پس ایشان را عذاب روزسایبان[1] فروگرفت هرآئینه وی عذابِ روزِ بزرگ بود. ﴿۱۹۰﴾ هرآئینه دراین ماجرا نشانه ای هست وبیشترین ایشان مسلمان نبودند. ﴿۱۹۱﴾ وهرآئینه پروردگار توهمان غالب مهربان است. ﴿۱۹۲﴾ وهرآئینه قرآن فرود آورده‌ٔ پروردگار جهانیان است. ﴿۱۹۳﴾ فرود آوردش روح الامین (یعني جبرئیل). ﴿۱۹٤﴾ بردل تو تا شوی ازترسانندگان. ﴿۱۹۵﴾ بزبان عربی روشن. ﴿۱۹٦﴾ وهرآئینه خبر وی در صحیفه های پیشینیان است. ﴿۱۹۷﴾ آیا برای ایشان نشانه‌ای نیست آنکه اورا (حقانیت قرآن را) عالمان بنی اسرائیل می دانند؟. ﴿۱۹۸﴾ واگر قرآن رابر بعضی عجمیان فرود می آوردیم. ﴿۱۹۹﴾ پس آن رابرایشان می‌خواند به آن باورنمی کردند. ﴿۲۰۰﴾ همچنین انکاررا دردلهای گنهکاران درآوردیم. ﴿۲۰۱﴾ به قرآن ایمان نمی آورند تاآنکه عذاب درد ناك ببینند. ﴿۲۰۲﴾ پس ناگهان به ایشان بیاید درحالیکه ایشان بی خبرباشند. ﴿۲۰۳﴾ پس گویند آیا مهلت داده میشویم؟. ﴿۲۰٤﴾ آیاعذابِ مارا به شتاب می طلبند. ﴿۲۰۵﴾ آیادیدی که اگر سالها ایشان را بهره مندسازیم. ﴿۲۰٦﴾ بازبدیشان آنچه ترسانیده می شدند بیاید.

(۱) یعنی آتش بشکل سایبان ظاهر شد وهلاك ساخت.

﴿۲۰۷﴾ بهره مند بودن ایشان ازسرایشان چه چیز را دفع کند؟. ﴿۲۰۸﴾ وهیچ دهی را هلاك نکردیم الاّ اورابیم کنندگان بودند. ﴿۲۰۹﴾ به جهتِ پنددادن وستمکار نبودیم. ﴿۲۱۰﴾ وقرآن را شیطانان فرود نیاوردند. ﴿۲۱۱﴾ وسزاوار ایشان نیست ونمی توانند. ﴿۲۱۲﴾ هرآئینه شیطانان از شنیدن دُور داشته شوند[۱]. ﴿۲۱۳﴾ پس باخدا معبود دیگری را مخوان آنگاه ازعذاب شوندگان باشی. ﴿۲۱٤﴾ وخویشاوندان نزدیكِ خودرا بترسان. ﴿۲۱٥﴾ بازوی خودرا[۲] برای آنانکه پیروی توکردند ازمسلمانان پست کُن. ﴿۲۱٦﴾ پس اگر تورا نافرمانی کنند پس بگو هرآئینه من بیزارم ازآنچه شما می‌کنید. ﴿۲۱۷﴾ وبرغالب مهربان توکل کُن. ﴿۲۱۸﴾ آنکه چون برمی خیزی (یعنی وقتِ تهجد) می بیند. ﴿۲۱۹﴾ وگشتن تورا[۳] درمیان سجده کنندگان[٤] می بیند. ﴿۲۲۰﴾ هرآئینه وی همان شنوای دانا است. ﴿۲۲۱﴾ آیا شمارا خبردهم که برچه کس شیطانان فرود می‌آیند. ﴿۲۲۲﴾ برهردروغگوی گنهکاری فرود می‌آیند. ﴿۲۲۳﴾ گوش می‌نهند وبیشترین ایشان دروغ گویانند. ﴿۲۲٤﴾ وشاعرانندکه از ایشان پیروی می‌کنند. ﴿۲۲٥﴾ آیانمی بینی که ایشان درهرمیدانی سرگردان می شوند. ﴿۲۲٦﴾ وآنکه ایشان آنچه می‌گویند نمی‌کنند[٥]. ﴿۲۲۷﴾ مگرآنانکه ایمان آورده اند وعملهای شایسته کرده‌اند خداوند را بسیاریادکرده‌اند وپیروز گشتند بعد ازآنکه ستم دیده بودند وظالمان خواهند دانست که به کدام بازگشتگاه بازخواهند گشت.

(۱) یعنی ازشنیدنِ کلام ملائکه.
(۲) یعنی تواضع کن.
(۳) یعنی ازقیام به رکوع وازرکوع به سجود.
(٤) یعنی نمازگذاران.
(٥) یعنی به هر مضمون مبالغه می کنند.

سوره نمل مکی است وآن نودوسه
آیه وهفت رکوع است

﴿۱﴾ طسٓ. این ها آیاتِ قرآن وکتاب روشن است. ﴿۲﴾ هدایت ومژده برای مسلمانان است. ﴿۳﴾ آنانکه نماز را برپامیدارند و زکوٰة را می‌دهند وایشان به آخرت یقین می‌آورند. ﴿٤﴾ آنانکه به آخرت ایمان نمی آورند برای ایشان کردارهای ایشان را آراسته‌ایم پس ایشان سرگردان می‌شوند. ﴿٥﴾ این جماعت آنانندکه برای ایشان سختیِ عذاب است وآنانند که‌ایشان درآخرت زیان کارترند. ﴿٦﴾ وهرآئینه تو قرآن ازنزدِ خدای استوارکار دانا داده می شوی. ﴿٧﴾ یادکُن آنگاه که موسیٰ باخانواده‌اش گفت هرآئینه من آتشی دیده ام برای شماازآن خبری خواهم آورد یا برایتان شعله ای واخگری چند فرا گرفته خواهم آورد، باشد که شماگرمی حاصل کنید. ﴿٨﴾ پس چون به آن آتش رسید به او ندا داده شد که برکت داده شد کسی را که درآتش است وکسی را که پیرامون آن است وپاکی برای خدای پروردگار جهانیان است[1]. ﴿٩﴾ ای موسیٰ هرآئینه (سخن اینست که) من خدای غالب باحکمتم. ﴿۱۰﴾ وبیفکن عصای خودرا پس چون دید که عصا می‌جنبدگویا وی ماریست پشت داده روی بگردانید وبازنگشت گفتیم ای موسیٰ مترس هرآئینه نزدِ من پیامبران نمی ترسند. ﴿۱۱﴾ مگر آنکه ستم کرد بازبه عوض آن بعد از بدی نیکی کرد پس هرآئینه من آمرزندهٔ مهربانم. ﴿۱۲﴾ ودستِ خودرا بگریبانِ خود درآر تاسفید بدون عیب بیرون آید (به این دونشانه که داخل اند) درنُه معجزه به سوی فرعون وقوم او برو هرآئینه ایشان گروه فاسقان بودند. ﴿۱۳﴾ پس آنگاه که به ایشان نشانه هاي ماروشن شده آمد گفتند این سحر ظاهر است.

(۱) مترجم گوید کسیکه درآتش است ملائکه که درآن نورمصور به صورت آتش بودند ملائکه دیگر که فرود تر ازایشان بودند والله اعلم.

﴿١٤﴾ وانکار کردند آنهارا ازروی ستمکاری وتکبر و آنها را دلهای ایشان باور داشته بُود پس بنگر آخرکارِ مفسدان چگونه بود؟. ﴿١٥﴾ وهرآئینه داود وسلیمان را علم دادیم وگفتند ستایش آن خدایی را است که مارا بربسیاری ازبندگان مومن خویش فضل داد. ﴿١٦﴾ وسلیمان میراث‌بَر داود شد وگفت ای مردمان مارا گفتارِمرغان آموخته شد ومارا ازهر نعمتی داده شد هرآئینه این فضلِ ظاهر است. ﴿١٧﴾ وبرای سلیمان لشکرهای او ازجن وآدمیان ومُرغان گِرد آورده شد پس این جماعت بعضی را تا رسیدن بعضی دیگرایستاد کرده می‌شدند. ﴿١٨﴾ تاوقتیکه چون به میدان موران رسیدند موری گفت اي مورچگان به خانه های خود درآیید تانادانسته شمارا سلیمان ولشکرهای او درهم نشکنند. ﴿١٩﴾ پس ازگفتارمورچه خندان تبسم کرد وگفت ای پروردگارمن الهام کن مرا که شکراین نعمت توکنم که انعام کرده ای برمن وبرپدرومادرِ من والهام کن مرا که بجا آورم کردارِ شایسته که به آن خشنود شوی وبه رحمتِ خود درزمرهٔ بندگانِ شایسته خویش مرا در آور. ﴿٢٠﴾ واحوال مرغان را جستجو کرد پس گفت چیست مرا که هدهد را نمی بینم؟ یاهست ازغایب شدگان؟. ﴿٢١﴾ البته اورا عقوبت کنم عقوبت سخت یاالبته اورا ذبح کنم یا این است که پیش من حجتِ ظاهری بیارد. ﴿٢٢﴾ پس (هُدهد) مدتی نه چندان دِیر درنگ کرد پس گفت به چیزی احاطه یافته ام که (تو) به آن احاطه نداشته ای وپیش تواز قبیلهٔ سبا خبریقین آورده‌ام.

﴿۲۳﴾ هرآئینه من یافتم که زنی برایشان پادشاهی میکند و اورا ازهر نعمتی داده شده است واورا تختی بزرگ است. ﴿۲٤﴾ یافتم که او و قوم او خورشید را به جای خدا سجده می کنند وشیطان برای ایشان کردارهای ایشانرا آراسته است پس ایشان را ازراه بازداشت پس ایشان راه نمی‌یابند. ﴿۲٥﴾ (آراسته است برایشان شیطان) اینکه سجده نکنند آن خدای را که پوشیده را بیرون می‌آرد که درآسمانها وزمین است ومی‌داندآنچه پنهان می داریدوآنچه آشکار می‌کنید. ﴿۲٦﴾ خداآنست که هیچ معبودِ برحقی غیراو نیست پروردگارِ عرشِ بزرگ است. ﴿۲۷﴾ سلیمان گفت خواهیم دید آیا راست گفتی یاهستی ازدروغ گویان. ﴿۲۸﴾ این نامه مرا ببر پس بینداز آنرا به سوی ایشان باز روی بگردان ازایشان پس بنگر چه پاسخی بازمی دهند. ﴿۲۹﴾ هرآئینه به سوی من نامه ای گرامی انداخته شد. ﴿۳۰﴾ هرآئینه این نامه ازجانب سلیمان است وهرآئینه این نامه به نام خدای بخشندهٔ مهربان است. ﴿۳۱﴾ (بااین مضمون) که برمن تکبر مکنید وپیش من مسلمان شده بیایید. ﴿۳۲﴾ (بلقیس) گفت ای جماعت اشراف درکارم مرانظر دهید، من فیصله کننده هیچ کاری نبوده ام تاوقتیکه شما پیش من حاضر نشوید. ﴿۳۳﴾ گفتند ماخداوندانِ توانایی هستیم وخداوندانِ کارزارِ سختیم وتدبیر کار مفوض با تُست پس بنگرچه فرمان می دهی. ﴿۳٤﴾ گفت هرآئینه پادشاهان چون به دهی درآیند آنرا خراب می‌کنند و عزیزترین اهل آن را خوارترین میگردانند وهمچنین می کنند. ﴿۳٥﴾ وهرآئینه من فرستنده‌ام به سوی ایشان تحفه ای‌پس بیننده‌ام به چه چیز فرستادگان بازمی‌آیند.

﴿٣٦﴾ پس چون آن فرستاده پیش سلیمان آمد گفت (سلیمان) آیا امداد می کنید مرابه مالی پس آنچه خدای تعالی مرا عطا کرده است بهتر است ازآنچه شما را عطا کرده است بلکه شما به تحفهٔ خویش شادمان می‌شوید. ﴿٣٧﴾ باز گرد به سوی ایشان پس البته (برای مقابله) با آنان سپاهیانی خواهیم آورد که ایشان را طاقت به مقابلهٔ آن نباشد البته ایشان را ازدِه خوارو رسواشدگان بیرون کنیم وایشان خوارباشند. ﴿٣٨﴾ گفت[1] سلیمان ای اعیان دربار کدام یك ازشما پیش من تخت اورا پیش ازآن که نزدِ من مسلمان شده بیایند می‌آورد. ﴿٣٩﴾ تَهمتَنی ازجن گفت من بیارمش نزدِ تو پیش ازآنکه برخیزی ازجای خود وهرآئینه من برآن عرش توانای باامانتم. ﴿٤٠﴾ گفت شخصی که نزدِ او ازکتاب الهی علم بود من نزد تو بیارمش پیش ازآنکه به سوی تو چشم تو بازگردد پس چون سلیمان آنرا قرارگرفته نزدیك خویش دید گفت این خارق عادت ازفضل پروردگار من است تاامتحان کند مرا آیا شکرگزاری می کنم یاناسپاسی می نمایم وهرکه شکر گزاری کند پس جزاین نیست که شکر گزاری میکند برای نفع خویش وهرکه ناسپاسی کرد پس پروردگار من بی نیاز کَرَم کننده است. ﴿٤١﴾ (سلیمان) گفت برای امتحان این زن تخت اورا متغیر سازید بنگریم آیاراهِ شناخت می یابد یامی‌شود ازآنانکه راه نمی یابند. ﴿٤٢﴾ پس چون (بلقیس) بیامد گفته شدآیاچنین است تخت توگفت گویا وی همان است وداده شد مارادانش (به حقانیت سلیمان) پیش ازاین امر وفرمانبردار بودیم. ﴿٤٣﴾ وسلیمان آن[2] زن را ازآنچه بجز خدا عبادت می‌کرد بازداشت هرآئینه وی ازگروه کافران بود. ﴿٤٤﴾ به آن (زن) گفته شد که درآی به این قصر پس چون آنرا دید حوض آب پنداشتش وازدوساق خود جامه برداشت گفت سلیمان این است قصری بی نقش وساده درخشان ساخته شده ازشیشه گفت (بلقیس) ای پروردگار من هرآئینه من ستم کرده‌ام برخویش وهمراه سلیمان برای خدا پروردگار جهانیان اسلام آوردم.

---

(١) مترجم گوید سلیمان علیه السلام خواست که بلقیس را معجزه نماید وعقل وجمال اورا ادراك فرماید تااگر مناسب داند به نکاح در آرد، پس تدبیري ساخت والله اعلم.

(٢) مترجم سلیمان علیه السلام را فاعل صدّها قرار داده است واکثر مفسرین می گویند که فاعل صدّها «ما» «المصدریه یاالموصوله» است ومعنی آیت اینطور میشود که بازداشت آن زن را ازعبادت خداآنچه عبادت میکرد غیر از خدا والله اعلم مصحح.

﴿٤٥﴾ به راستی به سوی ثمود برادرایشان صالح را فرستادیم که خدارا عبادت کنید پس ناگهان آن قوم دوگروه شدند بایکدیگر خصومت می کردند. ﴿٤٦﴾ (صالح) گفت ای قوم من چرا سختی را پیش از راحتی شتابان طلب می کنید چرا ازخدا طلب آمرزش نمی کنید باشد که برشما رحم کرده شود. ﴿٤٧﴾ گفتند ازتو و ازآنانکه همراه توهستند شگون بد گرفتیم گفت شگون بدشما نزدِ خداست[1] بلکه شما قومی هستید که امتحان کرده می‌شوید. ﴿٤٨﴾ ودرآن شهر نُه گروه بودند که درزمین فساد می کردند واصلاح نمی نمودند. ﴿٤٩﴾ بایك دیگر قسم خداخورده، گفتند که البته برصالح واهل خانه او شبیخون زنیم باز البته وارث اورا خواهیم گفت که وقت هلاك شدن اهل او حاضر نبودیم وهرآئینه ماراست گوییم. ﴿٥٠﴾ وحیله کردند به نوعی از حیله وتدبیر کردیم مانوعی ازتدبیر وایشان نمی‌دانستند. ﴿٥١﴾ پس بنگر چگونه بودسرانجام حیلهٔ ایشان که ما ایشان وقوم ایشان همگی را هلاك کردیم. ﴿٥٢﴾ پس این است خانه های ایشان خالی مانده به سبب ظلم ایشان هرآئینه درین ماجرا نشانه ای هست گروهی راکه میدانند. ﴿٥٣﴾ وآنان را که ایمان آوردند وپرهیز گاری می‌کردند نجات دادیم. ﴿٥٤﴾ وفرستادیم لوط راچون گفت به قوم خود آیا به عمل می آورید کار بی‌حیایی را وشما می بینید. ﴿٥٥﴾ آیا شما به جای زنان با مردان به ارادهٔ شهوت می‌آیید بلکه شما قومی نادانید.

(۱) یعنی مصائب بروفق تقدیر الهی جاری میشود.

﴿٥٦﴾ پس جواب قوم او نبود مگر آنکه گفتند اهل خانهٔ لوط را از دِه خویش بیرون کنید هرآئینه ایشان مردماني پاكيزه طلبند. ﴿٥٧﴾ پس اورا وخانواده اش را نجات دادیم مگر زنش که اورا ازباقی ماندگان تعیین کردیم. ﴿٥٨﴾ برسرایشان بارانی (بلا) بارانیدیم پس باران ترسانده شدگان بَدَست. ﴿٥٩﴾ بگوسپاس خدای راست وسلام برآن بندگانِ اوکه ایشان را برگزیده است آیاخدابهتر است یاآنچه شریك می آورند. ﴿٦٠﴾ (نه بلکه می پرسیم) کیست آنکه آسمانها وزمین را آفریده وبرای شما ازآسمان آبی فرودآورده پس رویانیدیم به (سبب) آن بوستانهایی را با تازگی ممکن نبود شمارا که درخت‌های آن را برویانید آیا معبودی هست با خدا بلکه ایشان گروهی‌اند که کج میروند. ﴿٦١﴾ (نه بلکه می پرسیم) کیست آنکه ساخت زمین را قرارگاهی وپیداکرد درمیان زمین جویها وبرای زمین کوه ها بیافرید ومیان دودریا حجابی را بیافرید آیامعبودی دیگر باخدا هست بلکه بیشترین ایشان نمی دانند. ﴿٦٢﴾ (نه بلکه می پرسیم) کیست آنکه قبول می کند (دعای شخص) درمانده را چون بخواندش وسختی را بردارد وشمارا جانشین نخستینیان درزمین بسازد آیامعبودی دیگر باخدا هست اندکی پند می‌پذیرید. ﴿٦٣﴾ (نه بلکه می پرسیم) کیست آنکه شمارا درتاریکی‌های بیابان ودریا راه می نماید وچه کسی بادها را مژده دهنده پیش دستِ رحمت خود می‌فرستد آیا معبودی باخدا هست خدا ازآنکه شریك می‌گیرند برتراست.

﴿٦٤﴾ (نه بلکه می پرسیم) کیست آنکه آفرینش راآغاز می‌کند باز دگر بار بازگرداندش وکیست آنکه شمارا ازآسمان وزمین روزی می‌دهد آیا معبودی باخدا هست بگو حجت خودرا اگرراست گویید بیاورید. ﴿٦٥﴾ بگو هرکس که درآسمانها وزمین است غیب را نمیداند مگر خدا ونمیدانند که کی برانگیخته شوند. ﴿٦٦﴾ بلکه پی درپی متوجه شد علم ایشان دربارهٔ (روز) آخرت تدریجا برباد رفت[1] بلکه ایشان از (روز) آخرت درشک هستند بلکه ایشان ازآخرت نابینایند. ﴿٦٧﴾ و کافران گفتند آیاچون خاك شویم وپدران ما نیز آیا ما بیرون آورده شدگانیم (یعنی ازقبور). ﴿٦٨﴾ به راستی ما وپدرانِ مارا پیش ازین به این امر وعده داده شد، نیست این مگر افسانه های پیشینیان. ﴿٦٩﴾ بگو درزمین بگردید پس بنگرید سر انجام کارگنهکاران چگونه بُود. ﴿٧٠﴾ و برایشان اندوه مخور و درتنگدلی ازمکرِبَدِ ایشان مباش. ﴿٧١﴾ ومی گویند کی خواهد بود این وعده اگرراست گویید. ﴿٧٢﴾ بگوشاید برخی از آنچه راکه به شتاب می طلبید[2] به شما نزدیك شده باشد. ﴿٧٣﴾ وهرآئینه پروردگارتو برمردمان خداوند فضل است ولیکن بیشترین ایشان شکر نمی کنند. ﴿٧٤﴾ وهرآئینه پروردگارتو آنچه راکه سینه‌های ایشان پنهان می‌کنند وآنچه راکه ظاهر می نمایند میداند. ﴿٧٥﴾ ونیست هیچ پوشیده‌ای درآسمان وزمین مگر درکتاب روشن نوشته است. ﴿٧٦﴾ هرآئینه این قرآن بر بنی اسرائیل بیشتر آنچه ایشان درآن اختلاف می ورزند بیان می‌کند.

---

(۱) یعنی تابه آنکه منقطع گشت.

(۲) یعنی عقوبتِ دنیا.

﴿۷۷﴾ وهرآئینه آن (قرآن) برای مسلمانان هدایت ورحمت است. ﴿۷۸﴾ هرآئینه پروردگار تومیان ایشان به حکم خود فیصله کند واو غالب دانا است. ﴿۷۹﴾ پس برخدا توکل کن هرآئینه تو بردین راست روشن هستی. ﴿۸۰﴾ هرآئینه تو مردگان را نمی توانی شنوَانید وکران را آواز نمی توانی شنوانید وقتیکه پشت داده روی بگردانند. ﴿۸۱﴾ ونیستی تو راه نمایندهٔ کوران تا از گمراهی خویش بازآیند نمی شنوانی مگر کسی را که به آیه‌های‌ما ایمان آورده است پس این جماعت گردن نهندگانند. ﴿۸۲﴾ وچون وعدهٔ عذاب برایشان متحقق شود برای ایشان جانوری اززمین بیرون می آوریم که سخن گوید به ایشان به آنکه مردمان به آیاتِ مایقین نمی آوردند. ﴿۸۳﴾ وآن روز که از هرامتی طائفه‌ای را ازآنانکه آیات مارا دروغ می شمردند برانگیزیم پس بعضی را ازایشان تارسیدنِ بعضی دیگر ایستاده کرده میشود. ﴿۸٤﴾ تا آن وقتیکه چون حاضر آیند خدا گوید آیا آیاتِ مرا تکذیب کردید و به آن ازروی دانش درنگرفته بودید یاچه کار می‌کردید؟. ﴿۸۵﴾ وعدهٔ عذاب برایشان ثابت شد به سبب ستم کردن ایشان پس آن جماعت سخن نگویند. ﴿۸٦﴾ آیا ندیده‌اند که ما شب را تا درآن آرام گیرند پیدا کرده ایم وروز را روشن پیدا کرده ایم هرآئینه درین امر نشانه هاست برای قومی که باورمی دارند. ﴿۸۷﴾ ویادکن آن روز را که در صور دمیده می شود پس آنانکه درآسمانهایند وآنانکه درزمین‌اند هراسان گردند مگر کسیکه خدا خواسته است وهمه پیش خدا خوارشده بیایند. ﴿۸۸﴾ وببینی کوهها را آنهارا برجای ایستاده پنداری حال‌آنکه آنهامی‌روند مانند رفتنِ ابر آفرینش آن خدایی که هرچیز را استوار ساخت هرآئینه وی به آنچه می کنید خبرداراست.

﴿۸۹﴾ هرکس که نیکی بیاورد پس اورا بهتر ازآن باشد وایشان ازخوفناکی آن روز ایمن باشند. ﴿۹۰﴾ وهرکس که بدی بیاورد چهره های ایشان درآتش نگونسار کرده شود جزا داده نمی‌شوید مگر دربرابر آنچه که عمل می کردید. ﴿۹۱﴾ (یا محمد) بگو جزاین نیست که مرا فرموده شدکه خداونداین شهر را (یعنی مکه را) عبادت کنم آنکه آنرا محترم ساخت و هر چیز بتصرّف اوست، ومرا فرموده شد که از مسلمانان باشم. ﴿۹۲﴾ وفرموده شدآنکه قرآن را بخوانم پس هرکس که راه یافت پس جزاین نیست که برای نفع خویشتن راه می یابد وهرکه گمراه شد بگو جزاین نیست که من ازبیم کنندگانم. ﴿۹۳﴾ وبگوستایش خدایی راست که شمارا آیاتِ خود خواهد نمود پس آنهارا به شناسید و پروردگار تو بی خبر ازآنچه می کنید نیست.

سوره قصص مکی است وآن هشتادوهشت آیه ونه رکوع است

﴿۱﴾ طسَم. ﴿۲﴾ این آیات کتاب روشن است. ﴿۳﴾ از خبرِ موسیٰ وفرعون برای گروهی که باورمیدارند به راستی برتومی‌خوانیم. ﴿٤﴾ هرآئینه فرعون درزمین تکبرکرد و اهل آن راگروه گروه ساخت جماعتی را ازایشان زبون می‌گرفت، پسران ایشان را می کُشت و دختران ایشان را زنده می گذاشت هرآئینه وی از مفسدان بود. ﴿٥﴾ ومی خواهیم برآنان که زبون گرفته شده‌اند درزمین منّت نهیم ایشان را نعمت فراوان دهیم و ایشان را پیشواسازیم وایشان را وارث کنیم.

﴿٦﴾ وایشان را درزمین دسترس می‌دهیم وفرعون وهامان ولشکرهای ایشان را از زبون گرفتگان آنچه می ترسیدند بنماییم. ﴿٧﴾ والهام فرستادیم به سوی مادرموسیٰ اینکه شیربده اورا پس چون بروَی بترسی اورا در دریا بینداز ومترس واندوه مخور هرآئینه ما به سوی تو بازرسانندهٔ اوهستیم واورا ازپیامبران گردانندهایم. ﴿٨﴾ پس آن را اهل خانهٔ فرعون برگرفتند تاآخر کار برای ایشان دشمن وسبب اندوه شود هرآئینه فرعون وهامان ولشکرهای ایشان خطا کننده بودند. ﴿٩﴾ وزن فرعون گفت این طفل برای من وتو خنکی چشم است اورا مکشید بُوَد که مارا نفع دهد یا اورا فرزند گیریم وایشان حقیقت حال را نمی دانستند. ﴿١٠﴾ ودل مادر موسیٰ از صبر خالی گشت هرآئینه نزدیك بود که آن قصّه را آشکار کند اگرمانمی بستیم بردل اورشته[١] ای تا از باور دارندگان باشد. ﴿١١﴾ و به خواهرش گفت به دنبالش برو پس اورا ازدوردید در حالیکه قوم فرعون نمی دانستند. ﴿١٢﴾ وپیش از (آمدن) خواهر موسی شیرهمه دایگان را بر موسی حرام ساختیم پس خواهرش گفت آیا شما را براهل خانه‌ای که خبرداری این طفل را کنند برای شما راهنمایم وایشان برای اونیك خواهانند. ﴿١٣﴾ پس اورا به سوی مادراو بازگردانیدیم تا چشم وی خنك شود واندوه نخورد وتابداند که وعده خدا راست است ولیکن بیشترین مردمان نمی دانند.

(١) یعنی صبر نمی دادیم.

﴿١٤﴾ وچون بنهایت جوانی خود رسید ودرست اندام شد اورا حکمت ودانش دادیم ونیکوکاران را همچنین پاداش می‌دهیم. ﴿١٥﴾ ودر شهر بروقت بیخبری اهل آن درآمد پس آنجا دو شخص را که بایکدیگر جنگ می کردند یافت آن یك ازقوم موسیٰ بود وآن دیگر ازدشمنان وی پس طلب کمك کرد شخصی که ازقوم او بود برآن دیگری که ازدشمنانش بود پس اورا موسیٰ مشت زد پس بکشتش گفت این ازکارِ شیطان است هرآئینه شیطان دشمن گمراه کننده ٔ آشکاراست. ﴿١٦﴾ گفت ای پروردگارم هرآئینه من برخویش ستم کردم پس مرا بیامرز پس بیامرزیدش هرآئینه وی آمرزنده ٔ مهربان است. ﴿١٧﴾ گفت ای پروردگار من به حق انعام کردنِ تو برمن هرگز مددکار گنهکاران نخواهم بُود. ﴿١٨﴾ پس گشت کرد درشهر ترسان ونگران (از مجازات) پس ناگهان شخصی که ازاو دیروز کمك طلب کرده بود باز به فریاد رسی میخواندش موسیٰ به أو گفت هرآئینه توگمراه آشکاری. ﴿١٩﴾ پس چون خواست که دست دراز کند به شخصی که وی دشمن موسیٰ ودشمن فریادکننده بودگفت فریاد کننده ای موسیٰ آیامیخواهی که مرا بکشی چنانکه شخصی را دیروز کشتی نمی‌خواهی مگر آنکه درزمین ستمکاری باشی ونمی‌خواهی که از نیکوکاران[١] باشی. ﴿٢٠﴾ وشخصی ازآخر شهر شتابان آمد گفت ای موسیٰ هرآئینه رئیسان مشورت می کنند درحق تو تا تورا بکشند پس بیرون روهرآئینه من برای تواز نیك خواهانم. ﴿٢١﴾ پس بیمناك ازآن شهر درحالی که نگران بود بیرون آمد ای پروردگار من مرا ازگروه ستمکاران نجات دِه.

(١) یعنی چون موسیٰ اورا گفت توگمراه آشکاری فهمید که برسر من غضب کرده می آید.

﴿۲۲﴾ ووقتیکه به سوی شهر مدین متوجه شد گفت امیدوارم ازپروردگار خویش که مرا به راه راست هدایت فرماید. ﴿۲۳﴾ ووقتیکه به آب مدین رسید برآن آب طائفه ای را ازمردمان که مواشی را آب می‌نوشانیدند وپایین ترازآنان دو زن را یافت که مواشی خود را باز میدارند گفت (موسیٰ) به آن دو زن چیست حال شما؟ گفتند ماآب نمی‌نوشانیم تاآنکه شبانان مواشی‌را بازگردانند وپدرما پیر، کلان سال است. ﴿۲۴﴾ پس موسی برای این هر دو آب نوشانید باز روی به سوی سایه آورد پس گفت ای پروردگار من هرآئینه من به آنچه به سوی من ازنعمت فرود آوردی محتاجم. ﴿۲۵﴾ پس به موسیٰ یکی ازین دو زن آمد درحالی که به شرم راه میرفت گفت هرآئینه پدرمن میخواند تورا تا مزدِ آنکه برای ما آب دادی به تودهد پس چون موسیٰ بیامد نزد او وپیش او قصّه را حکایت کرد گفت مترس ازقومِ ستمکاران نجات یافتی. ﴿۲۶﴾ یکی ازین دو دختر گفت ای پدرمن او را اجیر بگیر هرآئینه بهترین کسیکه به خدمت گیری شخصی توانا با امانت باشد. ﴿۲۷﴾ گفت هرآئینه من میخواهم که یکی ازین دو دخترِ خود را به ازدواج تو درآورم به شرط آنکه هشت سال خدمت من کنی پس اگر ده سال را تمام کنی پس آن ازنزدِ تو تبرّع است ونمی‌خواهم که برتو مشقت افکنم مرا اگرخداخواسته است ازشایستگان خواهی یافت. ﴿۲۸﴾ موسیٰ گفت این است پیمان میان من ومیان تو هرکدام ازین دومدّت را که اداکنم برمن تجاوز نباشد وخدا بر آنچه می‌گوییم گواه است.

﴿۲۹﴾ پس چون موسیٰ آن میعادرا به پایان رسانید و با اهل خود روان شد از جانب کوه طور آتشی را دید گفت به اهل خود توقف کنید هرآئینه آتشی را دیده‌ام امید دارم که برایتان ازآنجاخبری بیاورم یابیارم شعله ای ازآتش بُوَد که شما گرمی حاصل کنید. ﴿۳۰﴾ پس چون نزدیك آتش آمد آواز داده شد ازکرانهٔ راست میدان درجایگاه بابرکت ازمیان درخت که ای موسیٰ هرآئینه من خدایم پروردگار جهانیان. ﴿۳۱﴾ وآنکه بیفکن عصای خودرا پس چون دید که عصا حرکت می کندگویا وی ماریست پشت داده روی بگردانید وباز نگشت گفتیم ای موسیٰ پیش آی ومترس هرآئینه تو از ایمنانی. ﴿۳۲﴾ دست خودرا درگریبان خود درآر تابیرون آید سفید شده بدون هیچ علتی وبه هم آر به سوی خود بازوی خود را از ترس[1] پس این هردو دونشانه ازجانب پروردگارتو فرود آمده اند به سوی فرعون وجماعتِ او هرآئینه ایشان گروهِ بدکار بودند. ﴿۳۳﴾ گفت ای پروردگار من هرآئینه من ازایشان شخصی را کشته‌ام پس می‌ترسم که مرا بکشند. ﴿۳٤﴾ وبرادرمن هارون ازمن فصیح تراست ازجهت زبان پس اورا همراه من مدد کننده بفرست که مرا باوردارد هرآئینه من می‌ترسم ازآنکه مرا تکذیب کنند. ﴿۳۵﴾ گفت خدا محکم خواهیم کرد بازوی تورا به برادر تو و شمارا غلبه خواهیم داد پس نتوانند به قصد اذیت کردن به سوی شما رسند به سبب نشانه‌های ما، شما وآنانکه پیرویِ شما کرده‌اند غالب خواهید شد.

(۱) یعنی برای دفع ترسی که به سبب ظهورِ خوارق پیدا شده.

﴿۳٦﴾ پس چون موسیٰ برایشان نشانه های روشن مارا آورد گفتند این مگر جادوی بربسته نیست این را در پدران نخستین خویش نشنیده ایم. ﴿۳۷﴾ وگفت موسیٰ پروردگار من داناترست به هرکه هدایت ازنزدِ او آورده‌است وبه هرکه اورا عاقبت پسندیده درآخرت است هرآئینه ستمکاران رستگار نمی‌شوند. ﴿۳۸﴾ و فرعون گفت ای سرکردگان برای شما هیچ معبودی غیر از خود ندانسته‌ام پس ای هامان آتش برافروز برای من برگِل (یعني خشت به ساز) پس بناکن برای من برجی باشد که من از معبود موسیٰ مطلع شوم وهرآئینه من اورا ازدروغ گویان می پندارم. ﴿۳۹﴾ وفرعون ولشکرهای او درزمین بغیر حق تکبر کردند وگمان کردند که ایشان به سوی ما باز گردانیده نشوند. ﴿٤۰﴾ پس اورا ولشکر های اورا گرفتیم پس ایشان را دردریا افکندیم پس بنگر سر انجام ستمکاران چگونه بود؟. ﴿٤۱﴾ وایشان را پیشوایانی گردانیدیم که به سوی آتش میخوانند وروز قیامت نصرت داده نشوند. ﴿٤۲﴾ وازپیِ ایشان دراین دنیا لعنت را فرستادیم وبه روز قیامت ایشان ازدور ساختگان باشند. ﴿٤۳﴾ به درستی که، موسیٰ را بعد ازآن که قرنهای نخستین را هلاك ساختیم به عنوان دلائلی برای مردمان کتاب دادیم وهدایت وبخشایش تابُوَد که ایشان پندپذیر شوند.

﴿٤٤﴾ وچون (کار) وحی را با موسیٰ به انجام رسانیدیم تودر جانب غربی (میقات ما باموسیٰ) ازحاضران نبودی. ﴿٤٥﴾ ولیکن ما قرنها را یعنی بعد از موسیٰ آفریدیم پس درازشد برایشان عمر وتو باشنده نبودی دراهل مدین که آیات مارا برایشان بخوانی ولیکن فرستنده ما بودیم. ﴿٤٦﴾ وتو به جانب طور نبودی چون آوازدادیم ولیکن وحی آمد ازروی بخشایش پروردگار تو تابترسانی گروهی را که نیامده بُود بدیشان پیش ازتو هیچ ترساننده‌ای بُوَد که ایشان پندپذیر شوند. ﴿٤٧﴾ واگر آن نبود که بدیشان عقوبتی برسد به سبب آنچه دست های ایشان پیش فرستاده است پس گویند ای پروردگارما چرا نفرستادی به سوی ما پیامبری را تاپیروی آیات توکنیم و از مسلمانان باشیم (پیامبران را نمی فرستادیم). ﴿٤٨﴾ پس چون به ایشان وحی راست ازنزدِ ما آمد گفتند این پیامبر چرا مانند آنچه به موسیٰ داده شد داده نشد؟ آیا به آنچه موسیٰ را پیش ازین داده شده کافر نشده‌اند گفتند دوساحراند که موافق يك دیگر شده اند[1] وگفتند هرآئینه ما همه رامنکریم. ﴿٤٩﴾ بگو پس کتابی فرود آمده ازنزدِ خدا که وی راه نماینده تر ازین دو باشد بیاورید، تاپیرویِ اوکنم اگرراست گویید. ﴿٥٠﴾ پس اگر سخن تورا قبول نکنند پس بدان که جزاین نیست که خواهشات نفس‌های خود را پیروی می کنند وکیست گمراه تر ازکسیکه پیروی خواهش نفس خودکند بدون راهنمایی خدا، هرآئینه خدا گروه ستمکاران را هدایت نمی کند.

(۱) یعنی تورات وقرآن.

﴿٥١﴾ وهرآئینه ما پی درپی برای ایشان این قرآن را آوردیم تابُوَد که ایشان پندپذیرند. ﴿٥٢﴾ آنانکه ایشان را پیش ازقرآن کتاب داده ایم ایشان به قرآن ایمان می آورند. ﴿٥٣﴾ وچون قرآن برایشان خوانده میشود گویند به آن ایمان آوردیم هرآئینه وی ازجانب پروردگار ما راست است هرآئینه ما پیش ازنزول قرآن فرمانبردار بودیم. ﴿٥٤﴾ اینانند که پاداششان به آنکه بردباری ورزیدند دوبرابرداده شود و به خصلت نیك، بدی را دفع می کنند وازآنچه ایشان را روزی داده‌ایم خرج می کنند. ﴿٥٥﴾ وچون سخن بیهوده را بشنوند ازآن روی بگردانند وگویند ما رااست کردارهای ما وشمارا است کردارهای شماسلام برشماباد صحبت جاهلان[1] را نمی‌خواهیم. ﴿٥٦﴾ (یا محمد) هرآئینه تو هدایت نمی‌نمایی هرکه را دوست می‌داری ولیکن خدا هدایت می نماید هرکه راخواهد واو به راه یافتگان داناتراست. ﴿٥٧﴾ وگفتند (بعض اهل مکه) اگر باتو پیروی هدایت کنیم اززمین خود ربوده شویم[2] آیا ایشان را درحرمی باامن جای ندادیم به سوی وی میوه ها ازهر جنس روزی ازنزدِ ما رسانیده میشود ولیکن بیشترین ایشان نمی‌دانند. ﴿٥٨﴾ وچه بسا از شهرها که در سرخوشی اززیست خود ازحد در گذشتند هلاك کردیم پس این خانه های سکونت ایشان است که بعد ازآنان سکنی داده نشده اند مگر اندکی ما بدست آرندهٔ میراثِ ایشان بودیم. ﴿٥٩﴾ وهرگز پروردگارتو هلاك کنندهٔ ده‌ها نیست تاآنکه در کانون ومرکز آن پیامبری را بفرستد که برایشان آیاتِ ما را بخواند وهرگز نیستیم هلاك کنندهٔ دِه ها مگر درآن حال که اهل آنها ستمکارباشند.

(۱) مترجم گوید یهود پیش ازآنکه آن حضرت صلی الله علیه وسلم به مدینه هجرت کند ونسخ یهودیت تصریح فرماید معتقد قرآن بودند ومی گفتند عرب را قرآن لازم است.
(۲) یعنی مردمان اخراج کنند.

﴿۶۰﴾ وهرچه شمارا از هرنوعی داده شد پس بهره مندیِ زندگانی دنیا وآرایش او است وآنچه نزدِ خداست بهتر وپاینده تراست آیانمی فهمید؟. ﴿۶۱﴾ آیاکسیکه وعده دادیمش وعدهٔ نیك پس او دریابندهٔ آنست مانند کسی است که به منفعت زندگانی دنیا بهره مند ساختیمش بازوی روزقیامت ازحاضر کردگان است[۱]. ﴿۶۲﴾ وروزیکه ایشان را آواز دهد پس گوید کجایند آن شریکان من که شماگمان می‌کردید. ﴿۶۳﴾ گویند آنانکه برایشان حکم عذاب ثابت شد[۲] ای پروردگار ما این جماعت هستند که ایشان را گمراه کردیم چنانکه خود گمراه شدیم[۳] (ازآنان) به نزد تو تبّری می جوییم، ایشان (درواقع) مارانمی پرستیدند. ﴿۶۴﴾ وگفته شود شریکان خودرا بخوانید پس ایشان را بخوانند پس ایشان دعای ایشان را قبول نکنند وعذاب را ببینند وتمنا کنند ای کاش ایشان راه یاب می بودند. ﴿۶۵﴾ وروزیکه خدا ایشان را آواز دهد پس گوید پیامبران را چه جواب دادید؟. ﴿۶۶﴾ پس خبرها آن روز برایشان مشتبه شود پس ایشان ازیك دیگر سوال نکنند[٤]. ﴿۶۷﴾ پس امّاکسیکه توبه نموده وایمان آورده وکارشایسته انجام داده باشد پس امید است که ازرستگاران باشد. ﴿۶۸﴾ وپروردگار تو هرآنچه را بخواهد می آفریند وبرمی گزیند هرکه ر اخواهد ایشان اختیار ندارند، پاکی خدای راست وبرتراست ازآنچه که شریك می آورند. ﴿۶۹﴾ وپروردگارتو آنچه راکه سینه های ایشان پنهان می دارد وآنچه را آشکار می‌کنند میداند. ﴿۷۰﴾ واوست خدا، هیچ معبود برحقّی غیرازاو نیست برای اوست ستایش دردنیا وآخرت برای او است فرمانروایی وبه سوی اوباز گردانیده شوید.

(۱) یعنی در عذاب.
(۲) یعنی رئیسان کفر.
(۳) یعنی بغیرِ اکراه.
(٤) یعنی جواب باصواب نیابند.

﴿۷۱﴾ بگو آیادیدید که اگر خدای تعالی برشما شب را پاینده گرداند تاروزِ قیامت کیست معبودی غیر ازخدا که پیش شماروشنی را بیارد آیا نمی‌شنوید؟. ﴿۷۲﴾ بگوآیا دیدید که اگر خدای تعالی برشما روز را پاینده گرداند تا روزقیامت کیست معبودی غیر ازخدا که برای شما شبی را که آرام گیرید درآن بیارد آیانمی بینید؟. ﴿۷۳﴾ وازرحمتِ خود برای شما شب وروز را ساخت تا درشب آرام گیرید وتا ازفضل او روزی طلب کنید[1] وتاشکرگزاری کنید. ﴿۷٤﴾ وروزیکه ایشانرا آواز دهد پس گوید کجایند آن شریکانِ من که گمان می‌کردید. ﴿۷۵﴾ وازهرامتی گواهی را بیرون کشیم[2] پس گوییم قوم را دلیلتان رابیاورید پس بدانند که حق به جانب خداست وگم شود ازایشان آنچه افترامی‌کردند. ﴿۷٦﴾ هرآئینه قارون از قومِ موسیٰ بود پس بر ایشان تجاوز کرد واورا ازگنجها آن قدر که کلید های اوگرانی می‌کرد جماعت صاحب توانایی را عطا کرده بودیم چون به او قوم او گفت شاد مشو هرآئینه خدا شاد شوندگان را دوست نمی دارد. ﴿۷۷﴾ ودرآنچه خدا تورا عطا کرده است صلاح سرای آخرت بجوی ونصیب خود را از دنیا[3] فراموش مکن ونیکوکاری کن چنانکه خدابرتو احسان کرده است وفساد را درزمین مجو هرآئینه خدا فساد کنندگان را دوست نمی دارد.

(۱) یعنی درروز.
(۲) یعنی هرپیامبری برقوم خودگواهی دهد.
(۳) یعنی دردنیا عمل صالح به جاآر.

﴿۷۸﴾ گفت جزاین نیست که مرا مال فراوان داده شده است بنابردانشی که نزدِ من است آیاندانست که خدا پیش از او از نسلها کسانی را که از او توانمندترومال اندوزتر بودند هلاك کرد وگنهکاران ازگناهان ایشان[۱] پرسیده نمی شوند. ﴿۷۹﴾ پس برقوم خود درآرایش خویش بیرون آمد آنانکه زندگانی دُنیارا طلب می‌کردند گفتند ای کاش ما (نیز) مانند آنچه به قارون داده شده است داشته باشیم هرآئینه وی صاحب نصیب بزرگ است. ﴿۸۰﴾ وگفتند آنانکه ایشان را علم داده شد وای برشما ثوابِ خدا آنکس را که ایمان آورد وکار شایسته کرد بهتراست واین سخن راجز بُردباران نمی پذیرند. ﴿۸۱﴾ پس قارون وسرای اورا به زمین فرو بردیم پس برای اوهیچ گروهی که اورا غیر خدا نصرت دهند نبود وخودش نیز ازنصرت یافتگان نبود. ﴿۸۲﴾ وگشتند آنانکه منزلتِ اورا دیروز آرزومي‌کردند می‌گفتند ای عجب که خدا رزق را برای هرکه خواهد ازبندگان خویش گشاده می‌کند وتنگ می سازد برای هرکه خواهد واگر آن نبود که خدا برما انعام کرد هرآئینه مارا فروبردی ای عجب که کافران رستگار نمی‌شوند. ﴿۸۳﴾ این سرای آخرت است که آن را برای آنانکه دنبال استکبار درزمین وفساد نیستند مقررمی‌کنیم وحسنِ عاقبت برای پرهیزکاران است. ﴿۸٤﴾ هرکه نیکی بیاورد پس اورا بهترازآن است وهرکس که بدی بیاورد پس آنانکه به عمل آوردند خطاها جزا داده نمی‌شوند مگر (برأساس) آنچه می‌کردند.

(۱) یعنی درصورت لزوم پاداش مجال عذرنیست والله اعلم.

﴿۸۵﴾ هرآئینه خدایی که برتو قرآن را نازل کرد البته باز گرداننده است تورا به سوی بازگشت گاهی[1] بگو پروردگار من به هرکس که هدایت را آورد وبه هرکس که وی در گمراهی ظاهر است داناتراست. ﴿۸٦﴾ وتوقع نمی‌داشتی که به سوی تو کتاب فرود آورده شود لیکن به رحمتی ازپروردگارتو (فرو فرستاده شد) پس هرگز مددکارِ کافران مشو. ﴿۸۷﴾ وکافران تورا از تبلیغ آیاتِ خدا بعد ازآنکه فرود آورده شد به سوی تو بازندارند وبه سوی پروردگار خویش دعوت کن وهرگز ازمشرکان مباش. ﴿۸۸﴾ وباخدا معبود دیگری را مخوان هیچ معبود برحقی غیر ازاو نیست هرچیز هلاك شونده است مگر او، مراورا است فرمانروایی وبه سوی اوبازگردانیده می شوید.

سوره عنکبوت مکی است وآن شصت ونه آیه وهفت رکوع است

﴿۱﴾ الٓم. ﴿۲﴾ آیا مردمان پنداشتند که رها می‌شوند به محض آنکه بگویند ایمان آورده‌ایم وایشان امتحان کرده نشوند. ﴿۳﴾ به درستی که امتحان کردیم آنان را که پیش ازایشان بودند پس البته خدا آنانرا که راست گفتند متمیز می کند والبته دروغ گویان را (نیز) متمیز می کند. ﴿٤﴾ آیا آنانکه مرتکب بدیها می‌شوند گمان کردند که برما پیش دستی می کنند بدچیزی است که به آن حکم می کنند. ﴿٥﴾ هرکس که ملاقات خدا را امید داشته باشد پس هرآئینه میعاد خداالبته آینده است واوست شنوای‌دانا. ﴿٦﴾ وهرکس که جهاد می کند جزاین نیست که جهاد میکند برای نفع خویش هرآئینه خدا از جهانیان بی نیاز است.

---

(۱) یعنی آخرت.

﴿۷﴾ وآنانکه ایمان آورده‌اندو کارهای شایسته کرده‌اند البته ازایشان خطاهای ایشان را محوکنیم والبته ایشان را به نیکوترین آنچه می کردند پاداش میدهیم. ﴿۸﴾ وآدمی را نسبت به پدرومادرش به نیک رفتاری امر کردیم واگرکوشش کنند باتو تاآنکه شریك آوری بامن آنچه راکه تورا به حقیقت آن دانشی نیست پس فرمانبرداری ایشان مکن به سوی من است بازگشت شما پس شمارا به آنچه می کردید خبر می دهم. ﴿۹﴾ وآنانکه ایمان آورده‌اند وکارهای شایسته کرده‌اند البته ایشان را در زمرهٔ شایستگان در می آوریم. ﴿۱۰﴾ وازمردمان کسی هست که می‌گوید به خدا ایمان آوردیم پس چون اورا درراه خدا آزار داده شد رنج دادنِ مردمان را مانندِ عذاب خدا می‌شمرد واگر فتحی ازنزدِ پروردگارتو بیاید حتما گویند هرآئینه ما باشما بودیم آیا خدا داناتر نیست به آنچه درسینه های جهانیان است. ﴿۱۱﴾ والبته خدا آنان را که ایمان آورده‌اند میداند والبته منافقان را (نیز) میداند. ﴿۱۲﴾ و کافران به مسلمانان گفتند پیرویِ راهِ ماکنید والبته ما گناهانِ شما را بر می‌داریم ونیستند ایشان بردارندهٔ چیزی ازگناهان آن جماعت هرآئینه ایشان دروغگویانند. ﴿۱۳﴾ والبته بارهای خویش وبارهایی را همراه بارهای خویش بردارند والبته روزقیامت ازآنچه افترا می کردند[۱] سوال کرده می‌شوند. ﴿۱٤﴾ وبیگمان نوح را به سوی قوم او فرستادیم درایشان هزارسال مگر پنجاه سال ماند پس ایشان راطوفان درگرفت وایشان ستمکاربودند.

(۱) یعنی بارِگمراه شدن وگمراه کردن بردارندوبارتابعان ازسرایشان دفع نکند.

﴿۱۵﴾ پس نوح واهل کشتی را نجات دادیم وکشتی را نشانه ای برای جهانیان ساختیم. ﴿۱٦﴾ و(فرستادیم) إبراهیم را وقتیکه به قوم خود گفت پرستش خدا کنید وازوی بترسید این برای شما اگرمی دانید بهتر است. ﴿۱۷﴾ جزاین نیست که به جای خدا بتان را می پرستید ودروغ را برمی‌بندید هرآئینه آنانکه غیرازخدا را پرستش می‌کنید به شماروزی دادن نمی توانند پس ازنزدِ خدا روزی را طلب کنید واورا پرستش کنید وبرای او شکر بجا آورید به سوی اوباز گردانیده خواهید شد. ﴿۱۸﴾ واگر تکذیب می‌کنند پس به درستی که امت های پیش ازشما تکذیب کرده بودند ونیست بر پیامبر مگرپیغام رسانیدن آشکار. ﴿۱۹﴾ آیاندیده‌اند که خدا چگونه آفرینش را آغاز می کند باز بار دیگر آفرینش را بازگرداند هرآئینه این کار برخدا آسان است. ﴿۲۰﴾ بگو در زمین بگردید پس بنگرید چگونه آفرینش را آغازکرد بازخدا آن پیدایش بازپسین را پیداکند هرآئینه خدا برهرچیز تواناست. ﴿۲۱﴾ هرکس راکه بخواهد عذاب می کند وهرکه را بخواهد رحم می کند وبه سوی اوبازگردانیده خواهید شد. ﴿۲۲﴾ وشما نه درزمین ونه درآسمان عاجز کننده (خدا) نیستید وشمارا هیچ دوستی ونه یاری دهنده‌ای بجز خدا نیست. ﴿۲۳﴾ وآنانکه به آیاتِ خدا وبه ملاقاتِ او کافر شدند آن جماعت ازرحمت من نا امید شدند وآن جماعت بر ایشان عذاب درد ناك است.

﴿۲٤﴾ پس جواب قوم ابراهیم نبود مگر آنکه گفتند اورا بکشید یا اورا بسوزانید پس خدا اورا ازآتش نجات داد هرآئینه دراین ماجرا نشانه هاست برای گروهی که باور میدارند. ﴿۲٥﴾ وگفت ابراهیم جزاین نیست که به جای خدا بتان را به جهتِ دوستی درمیان خویش درزندگانی دنیا گرفته اید باز روز قیامت بعضی از شما بعضی دیگر را انکارمی کنید وبعضی از شما به بعضی دیگر لعنت می فرستد وجای شما دوزخ است وشمارا هیچ یاری دهنده‌ای نیست. ﴿۲٦﴾ پس لوط ابراهیم را باورداشت وگفت (ابراهیم) هرآئینه من به سوی پروردگار خویش هجرت کننده ام هرآئینه وی غالب باحکمت است. ﴿۲۷﴾ اورا اسحق ویعقوب بخشیدیم ودراولادِ وَی پیامبری وکتاب را مقررداشتیم و او را پاداش اودردنیا دادیم وهرآئینه وی درآخرت ازشایسته گان است. ﴿۲۸﴾ ولوط را فرستادیم وقتیکه به قوم خود گفت هرآئینه شما کار بی‌حیایی را به عمل می آورید که هیچ کس‌از جهانیان در (ارتکاب) آن ازشماپیشی نگرفته است (۲۸). ﴿۲۹﴾ آیا شما به قصد شهوت به مردان می آیید وطریق را قطع می کنید در مجلس خویش کارناپسندیده به عمل می آورید پس جواب قوم او نبود مگر آنکه گفتند پیش ما عذاب خدارا بیاور اگر از راست گویان هستی. ﴿۳۰﴾ گفت ای پروردگار من مرا برقوم مفسدان نصرت دِه.

﴿۳۱﴾ ووقتیکه فرستادگانِ ما پیش ابراهیم مژده را آوردند گفتند هرآئینه ما هلاك كنندهٔ اهل این دِهیم هرآئینه اهل این ده ستمکار بودند. ﴿۳۲﴾ گفت ابراهیم هرآئینه درآنجا لوط است گفتند ما به هرکه آنجاست دانا تریم البته او و اهل اورا نجات دهیم مگر زن او را که ازباقی ماندگان باشد. ﴿۳۳﴾ ووقتیکه فرستادگان ما پیش لوط آمدند به سبب ایشان اندوهگین کرده شد وبه سبب ایشان تنگدل شد و آن فرستادگان گفتند مترس واندوه مخور هرآئینه مانجات دهندهٔ تو و اهل توایم مگر زن تو ازباقی ماندگان باشد. ﴿۳٤﴾ هرآئینه ما براهل این ده عقوبتی را ازآسمان فرودآورندهایم به سبب آنکه بدکاری می کردند. ﴿۳٥﴾ وهرآئینه ازآن دِه نشانهٔای واضح برای گروهی که درمییابند گذاشتیم. ﴿۳٦﴾ وبه سوی مدین برادرِ ایشان شعیب را فرستادیم پس گفت ای قوم من عبادت خدا کنید وبه روز آخرت توقع دارید وهرسو در زمین فساد کنان مگردید. ﴿۳۷﴾ پس اورا تکذیب کردند پس ایشان را زلزله در گرفت پس درخانه های خویش مرده افتاده بامداد کردند. ﴿۳۸﴾ وعاد وثمودرا هلاك كرديم وهرآئینه واضح شده است برای شما بعضی از مساکن ایشان وشیطان کارهایشان را بر ایشان آراسته جلوه داد پس ایشان را از راه درحالی که بینابودند بازداشت.

﴿۳۹﴾ (ونیز قارون وفرعون وهامان را هلاك کردیم) وهرآئینه موسیٰ به نشانه های واضح به ایشان آمده بود پس درزمین تکبر کردند وسبقت کنندگان نبودند. ﴿٤٠﴾ پس هریکی را به وبالِ گناهش گرفتار کردیم پس ازایشان کسی بود که فرستادیم بروی بادِسنگ بار وازایشان کسی بودکه اورا آواز سخت در گرفت وازایشان کسی بود به زمین فرو بردیمش وازایشان کسی بود که غرق ساختیم وهرگز خدابرآن نبود که برایشان ظلم کند ولیکن ایشان برخویشتن ستم می‌کردند. ﴿٤١﴾ وصف آنانکه دوستان گرفته اند غیر از خدا همچوداستان عنکبوت است که خانه ای فراگرفت وهرآئینه سست ترین خانه ها خانهٔ عنکبوت است اگرمی دانستند[1]. ﴿٤٢﴾ هرآئینه خدا حال هر چیزی را که بجزوی می پرستند ازهرچه باشد میداند واوست غالب باحکمت. ﴿٤٣﴾ واین داستان ها است که آنها را برای مردمان بیان می کنیم وآن را نمی فهمند مگر دانایان. ﴿٤٤﴾ خدا آسمان‌ها وزمین را به تدبیر درست آفرید هرآئینه درین کار برای مسلمانان نشانهٔ‌ای است. ﴿٤٥﴾ (یا محمد) آنچه به سوی تو وحی فرستاده شده ازکتاب بخوان ونمازرا برپادار هرآئینه نماز ازکاربیحیایی وفعل ناپسندیده جلو گیری میکند والبته یادکردن خدا ازهمه بزرگ تراست وخدا آنچه میکنید میداند.

---

(١) مترجم گوید حاصل مثل آنست که ایشان به بتان پناه برده اندوبتان به ایشان هیچ نفع نرسانند چنانکه خانهٔ عنکبوت هیچ فائده نمی دهد.

﴿٤٦﴾ وبا اهل کتاب مگر به خصلتی که وی نیك است مکابره مکنید مگر با آنانکه ازایشان ستم کردند وبگویید به آنچه فرود آورده شد به سوی ما ایمان آوردیم و به آنچه فرود آورده شد به سوی شماو معبود ما ومعبود شمایکی است وما تنها فرمانبرداراوهستیم. ﴿٤٧﴾ (وچنانکه کتاب های سابق فرود آورده بودیم) همچنان به سوی توکتاب را فرود آوردیم پس آنانکه ایشان را کتاب دادیم به آن ایمان می آورند وازعرب کسی است که ایمان می آورد به آن وانکارنمی کنند آیات مارا مگر کافران. ﴿٤٨﴾ وپیش ازنزول قرآن هیچ کتابی را نمی خواندی هیچ کتابی را بدست راست خود نمی نوشتی آنگاه این بدکیشان درشك می افتادند. ﴿٤٩﴾ بلکه قرآن آیات روشن است محفوظ درسینه های آنانکه ایشان را علم داده شد وآیات مارا انکار نمی کنند مگر ستمکاران[1]. ﴿٥٠﴾ وگفتند چرا براین پیامبر نشانه هایی از جانب پروردگار وی فرستاده نشد؟ بگو نشانه ها تنها نزد خدا است من فقط ترساننده‌ٔ آشکارم. ﴿٥١﴾ آیا ایشان را کفایت نکرده است آنکه فرستادیم برتو کتاب که برایشان خوانده میشود هرآئینه درین (کار) برای قومی که باورمیدارند البته رحمت وپندی است. ﴿٥٢﴾ بگو خدا میانِ من ومیانِ شما گواه بس است میداند آنچه درآسمان ها وزمین است وآنانکه به باطل گرویدند وبه خدا کافر شدند ایشان زیان کاران اند.

(١) مترجم گوید بعض مفسران گفته اندکه مراد از ﴿ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡعِلۡمَۚ﴾ به تنهاذات حضرت پیامبرست صلی الله علیه وسلم والله اعلم.

﴿٥٣﴾ وعذاب را ازتو به شتاب می طلبند واگر میعادِ معیّنی نبودی البته بدیشان عذاب برسید والبته ناگهان به ایشان درحالی که ایشان ندانند بیاید. ﴿٥٤﴾ عذاب را ازتو به شتاب طلب میکنند وهرآئینه دوزخ به یقین کافران را دربرگیرنده است. ﴿٥٥﴾ روزیکه ایشان را عذاب ازبالای ایشان واز زیرپاهای ایشان فروپوشاند وخدا بگوید جزای آنچه راکه میکردید بچشید. ﴿٥٦﴾ ای[1] بندگانِ مسلمان من! هرآئینه زمینِ من گشاده است پس خاص مرا عبادت کنید. ﴿٥٧﴾ هر شخص چشندهٔ مرگ است باز به سوی ما بازگردانیده شوید. ﴿٥٨﴾ وآنانکه ایمان آورده‌اند وکارهای شایسته کرده‌اند البته ایشان را ازبهشت به محل‌های بلند فرود آوریم که زیرآن جویها میرود جاویدان در آنجا (می مانند) پاداش عمل کنندگان چه نیك است. ﴿٥٩﴾ همانانکه صبر کردند وبر پروردگار خویش توکل میکنند. ﴿٦٠﴾ وبساجانور که روزی خود را برنمی‌دارد خدا اورا وشما را نیز روزی میدهد واو شنوای دانا است. ﴿٦١﴾ واگر ازایشان بپرسی چه کسی آسمان‌هاوزمین را آفرید و خورشید وماه را رام گردانید البته می‌گویند خدا پس چگونه ازراهِ توحید برگردانده میشوند. ﴿٦٢﴾ خدا روزی را برای هرکس که بخواهد ازبندگانِ خویش فراخ میکند وبرای هرکس که بخواهد تنگ می سازد هرآئینه خدا به هرچیز داناست. ﴿٦٣﴾ واگر ازایشان بپرسی چه کسی ازآسمان آب را فرود آورد پس به آن زمین را بعدازمردن آن زنده ساخت البته بگویند خدا بگوستایش خدای راست بلکه بیشترین ایشان نمی‌فهمند.

(١) مترجم گوید خدای تعالی ترغیب میفرماید برهجرت به حبشه ومدینه به این آیات.

﴿٦٤﴾ وزند گانی این دنیا جزلهو ولعب وبیهوده نیست هرآئینه سرای آخرت آنست سرای زندگانی (حقیقی) اگرمی دانستند. ﴿٦٥﴾ پس ایشان چون درکشتی‌ها سوار شوند به جنابِ خدا خالص کنان برای وی عبادت را دعا کنند پس وقتیکه ایشانرا (از خطر دریا) به سوی زمین خشك نجات داد ناگهان ایشان شریك می آورند. ﴿٦٦﴾ تاناسپاسی کنند به آنچه ایشانرا عطا کردیم وتابهره مند شوند[1] پس زود (حقیقت حال را) خواهند دانست. ﴿٦٧﴾ آیاندیده‌اند که ما حرمی با امن را مقررداشته ایم حال آنکه مردمان از دوروبر ایشان ربوده میشوند آیا به باطل باورمی‌دارند وبه نعمتِ خدا ناسپاسی میکنند. ﴿٦٨﴾ وکیست ستمکارتر ازکسی که برخدا دروغی را افتراءکرد یا سخنِ راست راچون پیش او آمد دروغ انگارد آیا دردوزخ جایگاه کافران نیست؟. ﴿٦٩﴾ وآنانکه جهاد کردند در راه ما البته دلالت کنیم ایشان را به راه های خود وهرآئینه خدا بانیکوکاران است.

سوره روم مکی است وآن شصت آیه وشش رکوع است

﴿١﴾ الٓمٓ. ﴿٢﴾ قوم روم مغلوب شدند[2]. ﴿٣﴾ درنزدیك ترین سر زمین[3] وایشان پس از مغلوب شدنِ شان غالب خواهند شد. ﴿٤﴾ درمدت چندسال، خدای راست فرمان پیش ازاین وپس ازاین وآن روز مسلمانان شادمان شوند. ﴿٥﴾ به نصرتِ خدا، نصرت میدهد هرکه را خواهد واو غالب مهربان است.

(١) یعنی به دوستی یکدیگر به سببِ اجتماع برشرك بهره مند شوند.
(٢) مترجم گوید فارس برروم غالب شدند وبعضِ بلاد وسرحد را درتصرف خود آوردند چون این خبر بمکه رسید اهل اسلام اندوهگین شدند زیرا که ایشان اهل کتاب بودند وکفار شادمان گشتند زیراکه ایشان واهل فارس امیان بودند خدای تعالی آیات نازل فرمود وبه غلبهٔ روم براهل فارس بشارت داد واین در چندسال بعد از هجرت متحقق شد واین قصه یکی ازدلائل نبوت است.
(٣) یعنی درسر حدِ خود.

﴿٦﴾ خدا وعده کرده است، خدا وعده اش را خلاف نمی کند ولیکن اکثر مردمان نمی دانند. ﴿٧﴾ از (تدبیر) زند گانی دنیا (تنها) ظاهر را می دانند وایشان از آخرت بی خبرند. ﴿٨﴾ آیا درنفسهای خود تأمل نکرده‌اند که خدا آسمان ها وزمین را وآنچه درمیانِ آن هردواست نیافریده است مگر به تدبیر درست وبه تعیین میعادِی مقرر وهرآئینه بسیاری از مردمان به ملاقاتِ پروردگار خویش ناباورند. ﴿٩﴾ آیا درزمین نگشته‌اند پس بنگرند که سر انجام آنانکه پیش ازایشان بودند چگونه شد؟ ازایشان توانا تر بودند وزمین را شخم زدند و آن را بیشتر از آباد کردن ایشان آن زمین را آباد کردند وآمدند بدیشان پیامبران ایشان به معجزها پس خدا برآن نبود که برایشان ستم کند ولیکن ایشان برخویشتن ستم میکردند. ﴿١٠﴾ باز سرانجام آن کسان که بدی کردند بدترشد از آنکه آیاتِ خدارا تکذیب کردند وبه آن استهزامی‌کردند. ﴿١١﴾ خدا آفرینش را آغازمی‌کند بازدوباره بازش می‌گرداند باز به سوی او باز گردانیده می شوید. ﴿١٢﴾ وروزیکه قیامت برپا می شود گنهکاران غمزده خاموش مانند ونا امید میشوند. ﴿١٣﴾ وبرای ایشان ازشریکانِ ایشان هیچ شفاعت کنندگان نباشد وبه شریکان خویش ناباور باشند. ﴿١٤﴾ وروزی که قیامت برپا می شود آن روز مردمان پراگنده می‌شوند. ﴿١٥﴾ اماآنانکه ایمان آورده‌اند وکردارهای شایسته کرده‌اند پس ایشان در بهشت خوشحال کرده می شوند.

﴿١٦﴾ واَمّاآنانكه كافر شده‌اند وآياتِ ما وملاقاتِ آخرت را تكذيب كرده‌اند پس بدانندكه ايشان درعذاب حاضر كرده ميشوند. ﴿١٧﴾ پس به پاكى خدارا ياد كنيد چون درشامگاه وبامداد درمى‌آييد. ﴿١٨﴾ وستايش درآسمان‌ها وزمين او راست و(نيز) آخر روز وبه هنگام نيمروزتان[1]. ﴿١٩﴾ زنده را ازمرده برمى‌آورد ومرده را از زنده برمى‌آورد زمين را بعد مردن آن زنده ميسازد وهمچنين (ازگورها) برآورده خواهيد شد. ﴿٢٠﴾ ازنشانه‌هاى خدا آن است كه شمارا ازخاك آفريد باز ناگهان شما مردمانى شديد كه بأمورِ زندگى خويش پراگنده مى‌پردازيد. ﴿٢١﴾ و(نيز) ازنشانه هاى خدا آن است كه براى شماازجنس شما همسرانى را بيافريد تا به آنها آرام گيريد وميانِ شما دوستى ومهربانى پيداكرد هرآئينه درين كارنشانه هاست براى گروهى كه تأمل ميكنند. ﴿٢٢﴾ و(نيز) ازنشانه هاى اوست آفريدن آسمان ها وزمين وگوناگون بودن زبانهاى شماورنگهاى شما هرآئينه درين كار براى دانشوران نشانه‌هااست. ﴿٢٣﴾ وازنشانه‌هاى اوست خواب شمادرشب وروز وطلب كردنِ شَما ازفضلِ او (يعنى روزى) هرآئينه درين كار براى قوميكه مى شنوند نشانه‌هااست. ﴿٢٤﴾ و(نيز) ازنشانه هاى اوست كه به شما برق را براى ترسانيدن ورغبت دادن مى‌نمايد وازآسمان آب را فرود مى‌آورد پس به سببِ آن زمين را بعدِ مردنِ آن زنده ميكند هرآئينه درين كار براى قومى كه مى فهمند نشانه‌هااست.

(١) مترجم گويد مرادآنست كه درهروقتى ازين اوقات دلائلِ تنزيه او از رذائل واتصافِ او به محامد متجدد ميگردد پس مامور شدند به صلوٰة والله اعلم.

﴿۲۵﴾ و(نیز) ازنشانه های خداست که آسمان وزمین به حکمِ او (درجای) می‌ایستند بازچون شمارا به صدایی بخواند ناگهان شما اززمین برایید. ﴿۲۶﴾ هرکه وهرچه درآسمان ها وزمین است ازآنِ اوست هریکی برای اوفرمانبردارند. ﴿۲۷﴾ واوست آنکه آفرینش را آغاز میکند باز دوباره برمی‌گرداندش واین دوباره برگرداندن بروی آسان تراست وبرای او صفتِ بلند تر درآسمان ها وزمین است واو غالب باحکمت است. ﴿۲۸﴾ برای شما مثالی ازحال خود شما بیان کرد آیاهست برای شما از بندگانی که مالكِ ایشانست دست های شما هیچ شریکانی درآنچه شمارا عطا کردیم تاشما درآن یکسان باشید از ایشان می ترسید مانندِ ترسیدن شما ازقومِ خویش همچنین بیان می کنیم نشانه ها را برای قومی که می فهمند[۱]. ﴿۲۹﴾ بلکه ستمکاران خواهش‌های خودرا بغیر علم پیروی کرده اند پس کیست کسی که هدایت کند کسی راکه خدا گمراه کرده است؟ وایشان را هیچ یاری دهنده ای نیست. ﴿۳۰﴾ پس روی خود را باحق گرایی‌تمام به سوی این دین استوار بگردان پیروی کن دین خدا را که مردمان را بروَی پیداکرد برای دینِ خدا دگرگوني نیست این است دین درست ولیکن اکثر مردمان نمیدانند. ﴿۳۱﴾ انابت کنان به أو (عبادت) کنید وبترسید ازوَی و نمازرا برپادارید واز مشرکان مباشید. ﴿۳۲﴾ ازآنانکه دین خودرا پرا کنده ساختند وگروه گروه شدند مباشید هر گروهی به آنچه نزد خود دارند خورسندند.

(۱) حاصل مَثَل آنست که مملوك بامالك برابر نمی شود پس مملوكِ خدا را شريكِ اونتوان گفت.

﴿۳۳﴾ وچون به مردمان سختی رسد پروردگار خود را به درگاه او انابت کنان بخوانند باز چون ایشان را ازجانب خود آسایشی بچشاند ناگهان طائفه‌ای ازایشان به پروردگار خود شریك می آورند. ﴿۳٤﴾ تاسرانجام درباره‌ٔ آنچه به آنان بخشیدیم ناسپاسی کنند پس بهره مند شوید حقیقت حال را زود خواهید دانست. ﴿۳٥﴾ آیا برایشان دلیلی را فرود آوردیم پس آن دلیل برای ایشان به آنچه باخدا شریك می آورند سخن میگوید. ﴿۳٦﴾ وچون مردمان را بخشایشی بچشانیم به آن شادمان شوند واگر بدیشان سختی برسد به سبب آنچه دست های ایشان پیش فرستاده است ناگهان ایشان نا‌امید می شوند. ﴿۳۷﴾ آیا ندیدند که خدا کشاده میکند روزی را برای هرکه میخواهد وتنگ میکند برای هرکه میخواهد هرآئینه درین (امر) نشانه‌ها است برای قومی که ایمان می آورند. ﴿۳۸﴾ پس به خویشاوند حقش رابده و(نیز) حق مسکین و رهگذری را بده این دادن بهتراست برای کسانیکه رضای خدا را می‌طلبند واین جماعت ایشانند رستگاران. ﴿۳۹﴾ وآنچه داده باشید ازسود تابیفزاید دراموال مردمان پس وی نزد خدا نمی افزاید وآنچه داده باشید ازصدقه رضای خدارا طلب می‌کنید پس این جماعت ایشانند فزونی یا فتگان[۱]. ﴿٤۰﴾ خداوند کسی است که شمارا بیافرید باز شمارا روزی داد باز شمارا بمیراند باز شمارا زنده می گرداند آیا ازشریکانِ شما کسی هست که ازین کارها چیزی بکند پاکی اوراست و(ازآنچه) شریك‌می آورند بلندتر است. ﴿٤۱﴾ از عمل کِرد دست های مردم فساد دربیابان ودردریا آشکارشد تابچشاند ایشان را جزای بعض آنچه عمل کردند بُوَد که ایشان باز گردند[۲].

(۱) مترجم گوید مالی را که بشرط زیادت میدهند ربا نام نهاده شد.
(۲) یعنی قحط، غرق وسائرِ مصائب جزای قتلِ بنی آدم می باشد.

﴿۴۲﴾ بگو درزمین گردش کنید پس بنگرید سر انجام آنانکه پیش ازایشان بودند چگونه شد؟ بیشترین ایشان مشرك بودند. ﴿۴۳﴾ پس روی خودرا برای دین درست استوارکن پیش ازآنکه بیاید روزی که آن راازجانب خداوند باز گشتی نیست آن روز متفرق شوند. ﴿۴۴﴾ هرکس که کافرشد پس بروی است ضررِ کفرِ او وهرکس که کارِ شایسته کرده باشد پس این جماعت برای خویشتن آرامگاه تهیَّه می‌کنند. ﴿۴۵﴾ تا (خداوند) آنان راکه ایمان آورده‌اند وکارهای شایسته کرده‌اند ازفضل خود پاداش دهد هرآئینه وی کافران را دوست نمیدارد. ﴿۴۶﴾ وازنشانه های خداآنست که بادهارا مژده دهنده می فرستد وبرای آنکه شمارا ازرحمت خود بچشاند (یعنی باران دهد) وبرای آنکه کشتی‌ها به فرمانِ او جاری شوند وبرای آنکه ازفضلِ او (یعنی روزی) طلب کنید وبرای آنکه شما شکر کنید. ﴿۴۷﴾ وهرآئینه پیش ازتو پیامبران را به سوی قومِ ایشان فرستادیم پس پیش قومِ خود نشانه ها آوردند پس ازآنانکه نافرماني کردند انتقام کشیدیم ویاری دادنِ مسلمانان برعهده مابود. ﴿۴۸﴾ خدا کسی است که بادهارا می‌فرستد پس ابررا برانگیزانند پس بگستراند آن ابر را در آسمان چنانکه خواهد وبگرداندش پاره پاره پس می بینی قطراتِ باران را که از میانِ آن بیرون می‌آیند پس چون رساندش بهرکس که می خواهد از بندگان خود ناگهان ایشان شادمان شوند. ﴿۴۹﴾ واگرچه پیش ازآن که فرود آورده شود برایشان باران ناامید بودند. ﴿۵۰﴾ پس به آثارِ رحمتِ خدا بنگر چگونه زمین را بعد مرده بودنِ آن زنده میکند هرآئینه وی البته زنده کنندهٔ مُردگان است واو برهمه چیز تواناست.

﴿۵۱﴾ واگر بادی را فرستیم پس آن کشت را زرد شده ببینند البته پس ازآن ناسپاس می شوند. ﴿۵۲﴾ پس هرآئینه تو مردگان را نمی شنوانی و(نیز) نمی توانی به کران چون پشت داده روی بگردانند آوازبشنوانی. ﴿۵۳﴾ وتوراه نماینده کوران ازگمراهی ایشان نیستی نمی شنوانی مگر کسی را که آیاتِ مارا باور میدارد پس آن جماعت فرمانبردارند. ﴿۵٤﴾ خداوند همان کسی است که (در آغاز) شمارا ازناتوانی آفرید باز مَرشما را بعد ازناتوانی توانایی داد باز مَرشمارا بعد ازتوانایی ناتوانی وسفید مویی داد می آفریند هرچه میخواهد واو دانا توانا است. ﴿۵۵﴾ وروزی که قیامت برپاشود گنهکاران سوگند می‌خورند که توقف نکرده‌اند یعنی دردنیا بجز ساعتی همچنین ازراه برگردانیده میشدند[1]. ﴿۵٦﴾ و آنانکه ایشان را علم وایمان داده شده است گفتند هرآئینه توقف کرده‌اید بروفق کتابِ خداتاروزِ رستاخیز پس اینست روزِ رستاخیز ولیکن شما نمی‌دانستید. ﴿۵۷﴾ پس آن روز ظالمان را عذر خواهی ایشان سود ندهد ونه از ایشان توبه طلب کرده شود. ﴿۵۸﴾ وهرآئینه برای مردمان درین قرآن از هر مثلی بیان کردیم واگر پیش ایشان نشانه‌ای بیاری البته کافران گویند شما مگربیهوده گویان نیستید. ﴿۵۹﴾ همچنین خدا بردل های آنانکه نمیدانند مُهرمی‌نهد. ﴿٦۰﴾ پس صبر کن هرآئینه وعدهٔ خداراست است و خشمگین و سبکسار نکنند تورا آنانکه یقین نمی آورند.

(۱) یعنی چون عقوباتِ مخلّده رامعاینه کردند دنیارا به مانند ساعتی خیال نمودند برعکس آنکه درحیات دنیا دنیارا به مثابه خلود خیال میکردند والله اعلم.

سوره لقمان مکی است وآن سی وچهار آیه وچهار رکوع است

﴿۱﴾ الٓم. ﴿۲﴾ این آیه های کتاب باحکمت است. ﴿۳﴾ برای نیکوکاران هدایت وبخشایش است. ﴿٤﴾ آنانکه نمازرا برپامیدارند و زکوٰة را میدهند وایشان به آخرت یقین میدارند. ﴿٥﴾ این جماعت ازپروردگار خود برهدایت‌اند واین جماعت ایشان رستگاران اند. ﴿٦﴾ وازمردمان کسی هست که می ستاند سخن بیهوده را[1] تا مردم را ازراهِ خدا بغیر (هیچ) علم گمراه کند وآن رابه ریشخند گیرد این جماعت ایشان راست عذابِ خوار کننده. ﴿۷﴾ وچون برین شخص آیاتِ ما خوانده شود تکبر کنان روی بگرداند گویا که آن را نشیده است گویا درهردوگوشِ وی گرانی است پس اورا به عذابی درد ناك خبرده. ﴿۸﴾ هرآئینه آنانکه ایمان آورده‌اند وکردارهای شایسته کرده‌اند ایشان را (باغهای) بهشت‌هایی پر نعمت است. ﴿۹﴾ که در آنجا جاویدانند وعده داده است خدا وعدهٔ راست واو غالب باحکمت است. ﴿۱۰﴾ خداوند آسمان هارا بغیر ستون هایی که ببینید آنهارا آفرید ودرزمین کوه‌های استوار را افکند تازمین شمارا نه لرزاند و در زمین ازهر نوع جانوران پرا گنده کرد وازآسمان آبی را فرود آوردیم پس درزمین ازهر جنسِ ارزشمند رویانیدیم. ﴿۱۱﴾ این آفرینش خدا است پس مرا بنمایید آنانکه جز او هستند چه چیز آفریده‌اند بلکه ستمکاران در گمراهی ظاهرند.

---

(۱) یعنی مثلِ قصهٔ رستم واسفند یار.

﴿۱۲﴾ وبه راستی که لقمان را حکمت عطا کردیم (گفتیم) که خدارا شکر کن وهرکس که شکر کند پس جزاین نیست که شکر میکند برای نفع خود وهرکس که ناسپاسی کند پس هرآئینه خدا بی نیازستوده کاراست. ﴿۱۳﴾ ویادکن چون لقمان به پسرش درحالیکه اُو آن را پندمیداد گفت ای پسرکِ من باخدا شریك مقرر مکن هرآئینه شرك ستمی بزرگ است. ﴿١٤﴾ وانسان را نِسبت به پدرومادرِ وی (به نیکی) سفارش کرده‌ایم درشکم برداشته است او را مادر وی درحال سستی بالای سستی دیگر[1] وازشیربازکردنِ اودردوسال است به این سفارش کرده‌ایم که شکر گزاری مرا وپدرومادر خودرا بکن باز گشت به سوی من است. ﴿۱۵﴾ واگر کوشش کنند باتو برآنکه شریك مقرر کنی بامن چیزی را که نیست تورا به آن دانش پس فرمانبرداری ایشان مکن وباایشان درمعیشت دنیا با وجه پسندیده معاشرت کن وراهِ کسی را در پیش بگیر که به جانب من إنابت کرده است باز رجوع شما به سوی من است پس شمارا به آنچه می کردید خبردهم. ﴿١٦﴾ لقمان گفت ای پسركِ من هرآئینه اگر باشد خطیئة هم سنگ دانه سپندان پس درمیان سنگی یا در آسمان ها یا در زمین باشد (بهر حال) آن راخدا حاضر کند هرآئینه خدا باریك بین خبر دارست. ﴿۱۷﴾ ای پسركِ من نماز را برپا دار وبه کار پسندیده فرمان دِه وازناپسندیده منع کن وبرهر آنچه به توبرسد صبرکن هرآئینه این ازکارهای مقصودست. ﴿۱۸﴾ ورخساره خود را از مردمان متاب (یعنی رومتاب ازجهت تکبروبی اعتنائی) ودرزمین خرامان راه مرو هرآئینه خدا هرنازنده خود ستاینده را دوست نمیدارد. ﴿۱۹﴾ ودررفتار خود میانه روی کن وآواز خودرا فرود آر هرآئینه بدترین آوازها آوازِخران باشد.

(۱) یعنی هروقت سست تر میشود والله اعلم.

﴿۲۰﴾ آیا ندیدید که خدا رام گردانید برای شما آنچه درآسمان هااست وآنچه درزمین است وبرشما نعمت های خود را آشکار وپنهان فرود آورد وازمردمان کسی هست که دربارهٔ خدا بغیر دانش وبغیر هدایت وبغیر کتاب روشن مکابره میکند. ﴿۲۱﴾ وچون به ایشان گفته شود که از چیزی پیروی کنید که خدا فرودآورده است گویند بلکه چیزی را پیروی می کنیم که برآن پدرانِ خود را یافتیم آیا پیروی میکنند اگرچه شیطان ایشان را به سوی عذابِ دوزخ می خواند. ﴿۲۲﴾ وهرکه روی خودرا به سوی خدا و او نیکوکارست متوجه ساخت پس هرآئینه به دست آویزی محکم دست زده است وبازگشتِ کارها به سوی خداست. ﴿۲۳﴾ وهرکه کافرشود پس تورا کفرِوَی اندوهگین نکند رجوع ایشان به سوی ماست پس خبردارکنیم ایشان رابه آنچه میکردند هرآئینه خدا داناست به خصلتی که درسینه هاباشد. ﴿۲٤﴾ ایشان رااندکی بهره مند می سازیم بازبه بیچارگی ایشان را به سوی عذابِ سخت برانیم. ﴿۲٥﴾ واگر سوال کنی ازایشان چه کس آسمان ها وزمین را بیافرید البته بگویند خدا آفرید بگو ستایش خدای راست بلکه أکثر ایشان نمی دانند. ﴿۲٦﴾ آنچه درآسمان ها وزمین است از آنِ خدا است هرآئینه خدا همانست بی نیاز ستوده. ﴿۲۷﴾ واگر آنچه درزمین است ازدرختان قلم ها شوند ودریا جوهر بود که آنرا بعدازین دریا هفت دریای دیگر یاریگر شوند سخنانِ خدا به پایان نرسند هرآئینه خدا غالب باحکمت است. ﴿۲۸﴾ نیست آفریدن شما ونه برانگیختن شما الاّ مانند آفریدن وبرانگیختنِ یکتن هرآئینه خدا شنوای بیناست.

﴿۲۹﴾ آیاندیدی که خدا درمی آورد شب را در روز ودرمی آورد روز را درشب ورام گردانید خورشید وماه را هریکی تامدتی معین میرود وآیا ندیدی که خدا به آنچه می کنید خبردارست. ﴿۳۰﴾ این کارها به سبب آن است که خدا همونست حق وثابت وبه سبب آنست که آنچه می پرستند بجزوی بی اصل و باطل است وبه سبب آنست که خدا همونست بلند مرتبه بزرگ قدر. ﴿۳۱﴾ آیاندیدی که کشتی ها دردریا به فضلِ خدا میرود تا شمارا بعضی نشانه‌های خویش بنماید هرآئینه درین (ماجرا) هر صبر کننده ٔ سپاس دارنده را نشانه هاست. ﴿۳۲﴾ وچون ایشان را موجی مانند سایبان ها در گیرد خدارا بخوانند برای او عبادت را خالص کرده پس آنگاه که ایشان را به سوی بیابان نجات داد پس بعضی از ایشان میانه رو باشند وآیاتِ مارا انکارنمی کنند مگر هر عهد شکننده ٔ ناسپاس. ﴿۳۳﴾ ای مردمان: از پروردگارِ خویش بترسید وحذر کنید ازروزی که کفایت نکند هیچ پدری از پسر خویش ونه فرزندی کفایت کننده باشَد چیزی را از پدر خویش هرآئینه وعده ٔ خدا راست است پس شمارا زندگانی دنیا فریب ندهد وشمارا شیطان فریبنده نسبت به خدا فریب ندهد. ﴿۳٤﴾ هرآئینه خدا نزدِ اوست علم قیامت وباران را فرود میفرستد وآنچه در رحمها ی باشد میداند ونمیداند هیچ شخصی که فردا چه کار خواهد کرد وهیچ شخصی نمی داند که به کدام سر زمین خواهد مُرد هرآئینه خدا دانا خبر داراست.

سوره سجده مکی است وآن سی
آیه وسه رکوع است

﴿۱﴾ الٓمٓ. ﴿۲﴾ فرود آوردنِ کتاب که هیچ شکیّ درآن روا نیست از جانب پروردگار جهانیان است. ﴿۳﴾ آیامی گویند آنرا بربافته است؟ بلکه وی راست است از جانبِ پروردگار تو آمده تا بترسانی قومی را که نیامده است به ایشان هیچ ترساننده ای پیش ازتو تا باشد که ایشان راه یابند. ﴿٤﴾ خدا کسی است که آسمان ها وزمین را وهرآنچه ما بین آنهاست درشش روز آفرید بازقرار گرفت برعرش نیست شمارا جزاو هیچ دوستی ونه شفاعت کننده ای آیا پند پذیر نمی شوید. ﴿۵﴾ کاررا تدبیر میکند فرودآورده ازآسمان به سوی زمین بازبالا میرود آن کار به سوی خدا در روزیکه هست مقدار آن هزارسال از آنچه که می شمارید[۱]. ﴿٦﴾ این است صفت داننده ٔ نهان وآشکار غالب مهربان. ﴿۷﴾ کسی که به نیك ترین وجه ساخت هرچیزی را که آفریدش وآفرینش آدمی را ازگِل آغاز کرد. ﴿۸﴾ باز نسل اورا ازخلاصه ای ازآبِ خوار پیداکرد. ﴿۹﴾ بازدرست اندام کردش و در وی روح خود را دمید وپیدا کردبرای شماگوش وچشم ها ودل ها اندکی شکرمی کنید. ﴿۱۰﴾ وگفتند چون درزمین گم شویم آیا ما در آفرینشِ نو خواهیم بود بلکه ایشان به ملاقاتِ پرورد گارِ خویش کافرانند. ﴿۱۱﴾ بگو ملك الموت قبضِ روح شمامی کند که برشما گماشته شده است باز به سوی پروردگارِ خویش گردانیده شوید.

(۱) یعنی اگرمردمان نزولِ تدبیر وعروج او را تصور کنند درکم ازهزار سال خیال ننمایند وآن همه پیش خدای تعالی دریك روز تمام می شود غرض آن است که اوهامِ ایشان به قدرتِ او نمی رسند والله اعلم.

﴿١٢﴾ و(تعجب کنی) اگر بنگری هنگامی که گناهکاران سرهایشان رانگو نسار افکنده باشند نزد پروردگارِ خویش (گویند) ای پروردگارما دیدیم وشنیدیم پس بازگردان ماراتابکنیم کارشایسته هرآئینه ما یقین کننده ایم. ﴿١٣﴾ واگرمی خواستیم البته هر شخصی را هدایتِ او می دادیم ولیکن ثابت شده است ازجانب من وعده که هرآئینه دوزخ را ازجنیان وآدمیان همگی پرکنم. ﴿١٤﴾ پس بچشید (این عذاب را) به سبب آنکه ملاقاتِ این روزِ خودرا فراموش کردید هرآئینه مانیز شمارا فراموش کردیم وعذابِ دایم را به سبب آنچه می کردید بچشید. ﴿١٥﴾ جزاین نیست که ایمان می آورند به آیاتِ ما آنانکه چون به آن پند داده می شوند نگونسار افتند سجده کنان وبه پاکی باستایش پروردگارِ خویش را یادکنند وایشان تکبر نمی کنند. ﴿١٦﴾ پهلوهای ایشان ازخوابگاهها دورمی ماند[1] پروردگار خود را بترس وامیدواری میخوانند وازآنچه روزی داده ایم ایشانرا خرج میکنند. ﴿١٧﴾ پس هیچ نفسی نمیداند چه چیزپنهان داشته شدبرای ایشان ازخنکی چشم پاداش به آنچه می کردند. ﴿١٨﴾ آیاکسی که مومن باشد مانندِ کسی هست که فاسق باشد بگوبرابر نمی شوند. ﴿١٩﴾ اماآنانکه ایمان آوردند وکارهای شایسته کردند پس ایشان را بطور مهمانی بهشت ها جای ماندن است به سبب آنچه میکردند. ﴿٢٠﴾ واماآنانکه فاسق بودند پس جای ایشان دوزخ است هرگاهی که خواهند که ازآنجا بیرون آیند درآن بازگردانیده شوند وبه ایشان گفته شود بچشید عذاب آتشی را که آن را تکذیب می کردید.

(١) کنایه است ازشب بیداری برای عبادت ودعا وتضرع، مصحح.

﴿٢١﴾ والبته ایشان را عذاب نزدیك بچشانیم (یعنی دردنیا) غیر از عذاب بزرگ[1]، باشد که ایشان بازگردند. ﴿٢٢﴾ وکیست ستمکارترازکسی که به آیاتِ پرورد گارخویش پندداده شده باز ازآن روی بگردانید هرآئینه ما از گناهکاران انتقام گیرنده ایم. ﴿٢٣﴾ به راستی که موسیٰ را کتاب دادیم پس درشك از دریافت (موسی) آنرا مباش ما آن را هدایت برای بنی اسرائیل گردانیدیم. ﴿٢٤﴾ واز ایشان پیشوایاني که راه می نمودند به فرمان ما مقرر کردیم وقتیکه صبر کردند وبه آیاتِ ما یقین می آوردند. ﴿٢٥﴾ هرآئینه پروردگارتو روز قیامت میانِ ایشان در آنچه درآن اختلاف میکردند فیصله می کند. ﴿٢٦﴾ آیا واضح نشد برای ایشان که چه قدر از نسلها پیش ازایشان هلاك کردیم ایشان درخانه های آن جماعت میروند هرآئینه درین کارنشانه هاست آیانمی شنوند. ﴿٢٧﴾ آیا ندیده‌اند که ما آب را به سوی زمین بی گیاه روان می کنیم پس به سبب آن زراعتَ را بیرون می آوریم که ازآن زراعت چهار پایانِ ایشان وخودایشان نیز میخورند؟ آیانمی بینند؟. ﴿٢٨﴾ ومیگویند کی خواهد بود این فتح اگرشما راست گویید؟!. ﴿٢٩﴾ بگو روزفتح کافران را ایمان آوردنِ ایشان سود ندهد ونه ایشان مهلت داده شوند. ﴿٣٠﴾ پس ازایشان روی بگردان وانتظار بکن هرآئینه ایشان نیز منتظرند.

(١) یعنی عذاب روز قیامت مصحح.

سوره احزاب مدنی است وآن هفتاد وسه آیه ونه رکوع است

﴿۱﴾ ای پیامبر ازخدا بترس وکافران ومنافقان را فرمانبرداری مکن هرآئینه خدا دانای باحکمت است. ﴿۲﴾ وچیزی راکه وحی فرستاده میشود به سوی تواز جانبِ پروردگارت پیروی کن هرآئینه خدا به آنچه میکنید خبر داراست. ﴿۳﴾ وبرخدا توکل کن وخدا به عنوان کارساز بس است. ﴿٤﴾ خدای تعالی برای هیچ مردی دو دل درداخل بدنِ او نیافریده است[۱] وآن زنانِ شمارا که مورد ظهار قرار میدهید مادرانِ شما قرار نداده است ونه ساخته است پسر خواندگانِ شمارا پسرانِ شما این سخنِ شماست که میگویید به دهان خویش وخدا می گوید سخن راست واو به راه دلالت میکند. ﴿٥﴾ پسر خواندگان را به پدرانِ ایشان نسبت کنید این نزد خدا راست تراست پس اگرندانید پدران ایشانرا پس دردین برادرانِ شمایند وآزاد کردگان شمایند[۲] و برشما در لفظی که خطا کرده باشید به تکلم آن گناهی نیست ولیکن گناه آن است که قصد کرد دلهای شما وهست خدا آمرزنده مهربان. ﴿٦﴾ پیامبر به تصرف درامور مسلمین ازذات های ایشان سزاوار تراست وزنانِ پیامبر مادرانِ ایشانند[۳] وخویشاوندان بعضِ ایشان به بعضی دیگر در حکمِ خدا از سایر مسلمانان وهجرت کنندگان نزدیك تراند مگر آنکه به سوی دوستانِ خود کار نیکی انجام دهید این حکم درلوح محفوظ نوشته شده[٤] است.

---

(۱) مترجم گوید که درین آیات ردّاست برقول کافری که میگوید مرا دو دل دادهاند وبرآنچه اهل جاهلیت مقرر کرده بودند که مظاهره مثل مادر حرام ابدی شود وتعریض است به جواب طعن کافران ومنافقان نسبت به آن حضرت صلی الله علیه وسلم چون زینب را ازدواج فرمود که زن پسر خوانده را به زنی گرفت.

(۲) یعنی پس باین لقب بخوانید.

(۳) یعنی در حرمت نکاح.

(٤) یعنی صلهٔ ارحام واجب است وتوارث به هجرت واسلام منسوخ شد به سبب توارث به قرابت وارحام.

﴿۷﴾ ویادکن چون ازپیامبران عهدِ ایشان را گرفتیم وازتوبگرفتیم وازنوح وابراهیم وموسیٰ وعیسیٰ پسر مریم وازایشان عهد محکم گرفتیم. ﴿۸﴾ تاخدای تعالی آن راست گویان رااز راستی ایشان بپرسد وبرای کافران عذاب درد ناك[۱] مهیاکرده است. ﴿۹﴾ ای مسلمانان نعمت خدارا برخویش یادکنید وقتی که برسر شمالشکرها آمد ند پس برایشان باد را ولشکرهایی که آنهارا ندیدید فرستادیم وخدا به آنچه می کنید بینا هست. ﴿۱۰﴾ چون برشما ازجانبِ بالای شما واز جانبِ پائین شما آمدند وچون خیره ماندند دیدها ودلها بچنبر گردنها رسید و نسبت به خدا گمان میکردید گمانهای مختلف. ﴿۱۱﴾ آنجا مسلمانان امتحان کرده شدند وجنبانیده شدند جنبانیدنِ سخت. ﴿۱۲﴾ وچون منافقان وآنانکه دردل های ایشان بیماریست می گفتند که خدا ورسولِ جزوعده‌های دروغین به ماندادەاند. ﴿۱۳﴾ وچون طائفه‌ای ازایشان گفتند ای اهل مدینه (اینجا) سرای ماندن شما نیست پس باز گردید وگروهی ازایشان ازجناب پیامبر دستور می طلبند می گویند هرآئینه خانه‌های ما نامضبوط است وآن خانه های نامضبوط نیستند نمی خواهند مگر گریختن را. ﴿۱٤﴾ واگر برسر ایشان ازنواحی آن درآمده می شد پس طلب کرده می‌شد ازایشان خانه جنگی البته آن را انجام میدادند وتوقف نمی کردند درآن فتنه مگر اندکی[۲]. ﴿۱۵﴾ وبه راستی باخدا پیش ازین عهد بسته بودند که پشت‌هارا برنگردانند و عهد وپیمان خدا پرسیده شده هست.

---

(۱) مترجم گوید کفار در غزوهٔ احزاب بر مدینه هجوم کردند وآن حضرت صلی الله علیه وسلم به خندق متحصن شدند واز منافقان سخنانِ نفاق سرزدشدو مخلصان استقامت ورزیدند وآخر فتح اسلام واقع شد خدای تعالی درذَم منافقان ومدحِ مومنان ومنت نهادن برایشان نازل ساخت.

(۲) مترجَم گوید حاصل کلام آنست که درجهاد توقف می کنند واگرجنگ موافق خواهشات آنان می شد توقف نمیکردند.

﴿١٦﴾ بگو شمارا گریختن اگربگریزید ازمرگ یا ازکشته شدن سود ندهد وآن هنگام مگر اندکی بهره مند ساخته نشوید. ﴿١٧﴾ بگوکیست آنکه نگاه دارد شمارا ازتصرفِ خدا اگر درحق شماسختی‌ای را بخواهد یا درحق شما نعمتی را بخواهد وبرای خویش جز خدا دوستی ونه یاری دهنده ای نیابند. ﴿١٨﴾ هرآئینه خدا بازدارندگان را ازشما میداند وگویندگان را به برادرانِ خویش که به سوی ما بیایید و بکارزار مگر اندکی حاضر نمی شوند. ﴿١٩﴾ بخل کنان نسبت به شما[١] پس چون ترس بیاید ببینی که ایشان درمی‌نگرند به سوی تو درحالیکه می گردد چشم های ایشان مانند کسی که ازسختی موت بیهوش کرده شود پس چون ترس برود برشما به زبان های تیز زبان درازی کنند بخل کنان برمال این جماعت ایمان نیاوردند پس خدا کردارهای ایشان را نابود ساخت واین کار برخدا آسان هست. ﴿٢٠﴾ می پندارند که لشکر های کفار نرفته اند واگر لشکرها بیایند تمناکنند ای کاش ایشان درمیانِ اعراب صحرا نشین بودند از اخبار شما سوال می کردند[٢] واگر درمیان شما باشند مگر اندکی کارزار نکنند. ﴿٢١﴾ به راستی شمارا به پیامبر خدا پیروی نیك است کسی راکه ثوابِ خدا را توقع می داشت و روزِ آخر راامید میداشت وخدارا بسیار یاد کرد. ﴿٢٢﴾ وچون مسلمانان لشکرهارا دیدند گفتند این است آنچه مارا خدا وپیامبراو وعده داده بود و خدا ورسول او راست گفت واین ماجرا درحق ایشان نیفزود مگر باور داشتن وگردن نهادن را.

---

(١) یعنی درحق شما.

(٢) یعنی ازهر آینده ورونده.

﴿۲۳﴾ از مسلمانان مردانی‌اند که راست کردند آنچه باخدا برآن عهد بسته بودند پس ازایشان کسی هست که قرار داد خود را به انجام رسانید [۱] وازایشان کسی هست که انتظارمی کندوتبدیل نکردند (یعنی عهد وپیمان را) به هیچ وجه تبدیلی ای. ﴿۲٤﴾ تا خدا راست گویان را در برابر راستی ایشان پاداش دهد ومنافقان را اگر خواهد عذاب کند یا به رحمت برایشان بازگردد هرآئینه خدا آمرزندهٔ مهربان هست. ﴿۲۵﴾ وخدا کافران را باخشمِ ایشان بازگردانید هیچ منفعتی نیافتند و خدا از طرف مسلمانان جنگ را کفایت کرد وخدا توانای غالب است. ﴿۲٦﴾ وآنانرا که مدد کاری این لشکر ها کرده بودند ازاهل کتاب[۲] ازقلعه های ایشان فرود آورد ودر دل های ایشان خوف افکند طائفه‌ای‌را می‌کشتید وطائفه‌ای را اسیرمی گرفتید. ﴿۲۷﴾ وعاقبت کار زمین ایشان وخانه های ایشان ومال های ایشان را به شما داد ونیز عاقبت کار زمینی را که نفرسوده اید آنرا[۳] به شما داد خدا برهمه چیز توانا هست. ﴿۲۸﴾ ای[٤] پیامبر به زنان خود بگو اگر زندگانی دنیا وآرایش آن را خواسته باشید پس بیایید تاچیزی مناسب به شما دهم وشمارا رهاکنم رهاکردنِ نیك. ﴿۲۹﴾ واگر خدا وپیامبر اورا وسرای آخرت را می‌خواهید پس هرآئینه خدا برای زنان نیکوکار ازشما پاداش بزرگ آماده ساخته است. ﴿۳۰﴾ ای زنان پیامبر هرکس که ازشما بدکاری ظاهر[۵] را به عمل آورد دوچند کرده می شود بروی عذاب دوچندان این کار برخداآسان هست.

(۱) یعنی شهید شد.

(۲) یعنی بنی قریظه را فرود آورد.

(۳) یعنی خیبر.

(٤) مترجم گوید ازواج آن حضرت چیزی که نزد آن حضرت نبود اززینتِ دنیا طلب می کردند خدای تعالی ایشانرا پندداد وزجر فرمود واحکام معاشرت را برای ایشان نازل فرمود وزینب رضی الله تعالی عنها در عقدِ زید بود درمیان ایشان ناسازگاری پدید آمد ورفته رفته به طلاق منجر شد و بعد از انقضای عدت خدای تعالی اورا داخل ازواج طاهرات گردانید منافقان زبان طعن گشادند که زنِ پسر خود را به زنی گرفت خدای تعالی در بیان آنکه پسر خوانده حکم پسر ندارد این آیات را نازل فرمود.

(۵) مترجم گوید مراد این جا ایذای پیامبراست به زبان درازی.

﴿۳۱﴾ وهرکس ازشما فرمانبرداری خدا وپیامبرش را کند وکارِنیك کند اورا پاداش او دوبار میدهیم وبرای او روزی نیك مهیاکنیم. ﴿۳۲﴾ ای همسران پیامبر شما مانند هیچ یك از سایرِ زنان نیستید اگر پرهیز گاری کنید پس درسخن گفتن ملایمت مکنید که آنگاه طمع کند کسی که دردل اوبیماریست وسخن نیکو بگویید. ﴿۳۳﴾ ودر خانه‌های خویش بمانید واظهارِ تجمل مکنید مانند اظهارِ تجمل که درجاهلیت پیشین بود و نمازرا برپادارید وزکوة را بدهید وفرمانبرداری خدا ورسولِ اوکنید جزاین نیست که خدا می خواهد تا که ازشماپلیدی را ای اهل بیت دورکند وتاپاك کند شمارا پاك کردنی. ﴿۳٤﴾ وآنچه خوانده می‌شود درخانه های شما ازآیت های خداواز حکمت یادکنید هرآئینه خدا لطف کننده خبر دار هست. ﴿۳۵﴾ هرآئینه مردانِ مسلمان وزنانِ مسلمان ومردان باوردارنده وزنان باوردارنده ومردان اطاعت کننده وزنان اطاعت کننده ومردان راست گوینده وزنان راست گوینده ومردان شکیبایی‌کننده وزنان شکیبایی‌کننده ومردان فروتنی‌نماینده وزنان فروتنی نماینده ومردان صدقه دهنده وزنان صدقه دهنده ومردان روزه دارنده وزنان روزه دارنده ومردان محافظت کننده شرمگاه خود را وزنانِ محافظت کننده ومردان یادکننده خدا را بسیار وزنان یادکننده خدای تعالی برای ایشان آمرزش وپاداش بزرگ مهیا کرده است.

﴿٣٦﴾ ونیست هیچ مومن وهیچ مومنه را چون خدا ورسولِ او کاری را مقرر کند آنکه ایشان را درکارِخویش اختیار باشد وهرکس که خدا ورسول اورا نافرمانی کند پس بدرستیکه گمراه شد گمراهی ظاهر[۱]. ﴿٣٧﴾ ویادکن چون می گفتی با شخصی که انعام کرده است خدا بروی ونیز انعام کرده ای تو بروی (یعنی آزادی او) که برخود همسر خود را نگاه دار وازخدا بترس وپنهان میکردی در دلت آنچه خداپدید آرنده ٔ اوست وازمردمان می‌ترسیدی وخداسزاوارتراست به‌آنکه‌ازوی‌بترسی‌پس‌وقتیکه‌زیداززینب‌حاجت خودرا به انجام رسانید (یعنی طلاق داد) زینب را به تو به زنی دادیم تانباشد بر مسلمانان هیچ تنگی در نکاح کردنِ زنانِ پسر خواندگانشان چون ازایشان حاجت را به آخر رسانند ومراد خدا البته کردنی[۲] هست. ﴿٣٨﴾ برپیامبر هیچ تنگی نیست در آنچه حلال ساخته است خدا برای او مانند آئین خدا در حق آنانکه پیش ازین گذشتند وکار خدا پیش از وجود اندازه مقرر کرده شده هست. ﴿٣٩﴾ (مانند آئین خدا در حق) آنانکه پیغام های خدارا میرسانند واز وی می ترسند ونمی ترسنداز هیچکس مگر از خدا وخدا حساب کننده بس است. ﴿٤٠﴾ محمد پدر هیچ کسی از مردان شما نیست ولیکن پیامبرِ خدا است وآخر پیامبران است[۳] وخدا بهر چیز دانا هست. ﴿٤١﴾ ای مسلمانان خدارا یا دکنید یاد کردني بسیار. ﴿٤٢﴾ واو را صبح وشام به پاکی بخوانید. ﴿٤٣﴾ اوست آنکه برشما رحمت میفرستد وبرشما فرشتگان او دعای رحمت میکنند تا شمارا ازتاریکی ها به سوی روشنی برآورد وخدا به مسلمانان مهربان هست.

---

(۱) مترجم گوید درین آیت تعریض است به آن قصه که آن حضرت صلی الله علیه وسلم نخست زینب را برای زید خطبه فرمود وآنرا زینب وبرادرش مکروه داشتند واین معنی مناسب حال ایشان نبود والله اعلم.

(۲) مترجم گوید درین آیت تعریض است به آن قصه که در خاطر مبارك آن حضرت صلی الله علیه وسلم می گذشت که اگردرمیانِ زید وزینب مفارقت واقع شود آنرا درسلكِ ازواجِ طاهرات داخل نمایند لیکن برای رعایت مراسمِ نیکوخواهی به حسن معاشرت زید را دلالت می فرمود.

(۳) یعنی بعدازوی هیچ پیامبرنباشد.

﴿٤٤﴾ دعای خیر ایشان[١] روزیکه به خدا ملاقات کنند سلام است برای ایشان پاداش نیك آماده کرده است. ﴿٤٥﴾ ای پیامبر هرآئینه ما توراگواهی دهنده ومژده دهنده وترساننده فرستادیم. ﴿٤٦﴾ وبه عنوان دعوت کننده به سوی خدا به طبق فرمان او وبه عنوان چراغ روشن (فرستادیم). ﴿٤٧﴾ ومسلمان را به آنکه ایشانرا از جانب خدا بخشایش بزرگ باشد بشارت ده. ﴿٤٨﴾ وکافران ومنافقان را فرمان مبر ورنجانیدن ایشانرا از نظر اعتبار بگذار وتوکل کن بر خدا وخدا کارساز بس است. ﴿٤٩﴾ ای مسلمانان چون زنان مومنان را نکاح کنید باز ایشان را پیش ازآنکه به ایشان دست برسانید طلاق دهید پس شمارا براین زنان هیچ عدتی نیست که آن را به شمارید پس این مطلقات را متعه دهید وبگذارید آن ها راگذاشتن نیك. ﴿٥٠﴾ ای پیامبر هرآئینه ما حلال کردیم برای توآن زنان تورا که مهرایشان را دادهای وکنیزکانی که مالك ایشان شده است دست توازآنچه خدا برتو عائد ساخته است[٢] وحلال کردیم برای تو دختران عموی تورا ودختران عمه های تورا ودختران خالوی تورا ودختران خاله های تورا آنانکه باتو هجرت کرده اند وحلال کردیم برای تو زن مسلمان را اگر بخشد خود را برای پیامبر[٣] اگر خواهد پیامبر که آن را به زنی گیرد خاص برای تو است غیر از مسلمانان هرآئینه دانستیم آنچه فرض ساخته ایم برایشان در حق زنان ایشان ودر حق کنیزانی که مالك آنست دستهای ایشان (سهل کردیم) تا نباشد برتو هیچ تنگی وخدا آمرزنده مهربان هست[٤].

---

(١) یعنی از جانب خدا وفرشتگان.

(٢) یعنی ازکفار بتو رسانیده است.

(٣) یعنی بغیر مهردر نکاح آید.

(٤) یعنی درباب نکاح چیزهاای است که برامت فرض شد و نه بر آن حضرت.

﴿٥١﴾ موقوف داری هرکرا خواهی ازایشان وجای دهی نزدیك خویش هرکرا خواهی واگر خواهش کنی زنی را ازآنجمله که آنهارا یکسو کرده‌ای پس هیچ گناهی برتو نیست این رخصت دادن قریب تراست به آنکه خنك شود چشم های ایشان واندوه نخورندوخوشنود شوند به آنچه به ایشان بدهی وخدا می‌داند آنچه دردل‌های شماست وخدا دانای بُردبار هست. ﴿٥٢﴾ تورا زنان بعدازین[1] حلال نیستند ونه حلال است آنکه بدل کنی به جای ایشان زنان دیگررا واگرچه تورا حسنِ ایشان به شگفت آرد مگر آنچه دستِ تو مالك شد وخدا بر همه چیز نگهبان[2] هست. ﴿٥٣﴾ ای مسلمانان درنیایید به خانه های پیامبر مگر وقتی که شمارا برای طعامی دستوری داده شود نه انتظار کنان پخته شدن طعام را ولیکن چون خوانده شوید درآیید پس چون طعام خوردید پرا گنده شوید ونه آرام گیران برای سخنی هرآئینه این کار پیامبر را میرنجاند پس ازشما شرم می‌کند وخدا از سخن راست شرم نمیدارد وچون اززنان پیامبر رختی طلب کنید پس آنرا از ایشان از پسِ پرده طلب کنید این خصلت پاك تراست برای دلهای شماو دل های ایشان وسزاوارنیست شمارا که پیامبر خدارا برنجانید ونه آنکه زنان اورا پس ازوَی هرگز نکاح کنید، هرآئینه این کار نزدِ خدا گناه بزرگ هست. ﴿٥٤﴾ اگر چیزی را آشکار کنید یا آنرا پنهان دارید پس هرآئینه خدا بهر چیز دانا هست.

(١) یعنی بعد ازین دوصنف: زن مهاجر قریشی بامهر یازنی که بدون مهر خود رابه پیامبر بخشد.
(٢) مترجم گوید که این آیت ناسخ آیت سابقه است.

﴿٥٥﴾ هیچ گناه برزنان نیست درپرده نپوشیدن پیش پدران خویش ونه پیش پسران خویش ونه برادران خویش ونه پسران برادران خویش ونه پسران خواهران خویش ونه زنان هم جنس خویش[۱] ونه آنچه مالك آن شده دست های ایشان وای زنان از خدا بترسید هرآئینه خدا برهمه چیزگواه هست. ﴿٥٦﴾ هرآئینه خدا وفر شتگانِ او برپیامبر درود میفرستند ای‌مسلمانان بروی درود فرستید وسلام گویید سلام گفتنی. ﴿٥٧﴾ هرآئینه آنانکه خدا وپیامبر اورا می‌رنجانند خدا ایشان رادردنیَا وآخرت لعنت کرد وبرای ایشان عذاب خوار کننده ای مهیاساخت. ﴿٥٨﴾ وآنانکه مردان مسلمان وزنان مسلمان را بغیر گناهی که به عمل آورده باشند میرنجانند پس هرآئینه باربهتان وگناه ظاهر را برداشتند. ﴿٥٩﴾ ای پیامبر بگو به زنان خود ودختران خود وبه زنان مسلمانان که برخود چادرهای خودرا فرو پوشند این نزدیك تراست به آنکه شناخته شوند پس ایذا داده نشوند وخدا آمرزنده مهربان[۲] هست. ﴿٦٠﴾ اگر بازنآیند منافقان وآنانکه دردل های ایشان بیماری است وخبربد فاش کنندگان در مدینه[۳] البته تو را برایشان برگماریم بازهمسایه نباشند باتو درمدینه مگر زمانی اندك[٤]. ﴿٦١﴾ لعنت کرده شدگان هرجاکه یافته شوند اسیر گرفته شوند وکشته شوند کشتن بسیار. ﴿٦٢﴾ مانند روشِ خدا درآنانکه پیش ازین گذشتند وهرگز در روشِ خدا تغییری را نیابی.

---

(۱) یعنی زنان پاك دامن نه بدکار.

(۲) یعنی عفت ایشان ظاهر شود وفاسقی تعرض ایشان نکند والله اعلم.

(۳) یعنی ازکردارهای خود.

(٤) یعنی جلا وطن کرده شوند.

﴿٦٣﴾ مردمان تورا از قیامت سوال می کنند بگو جزاین نیست که معرفت آن نزد خداست و(توچه میدانی) وچه چیز خبر داد تورا شایدزمان فرا رسیدن قیامت نزدیك باشد. ﴿٦٤﴾ هرآئینه خدا کافران را لعنت کرده است وبرای ایشان آتش آماده ساخته است. ﴿٦٥﴾ جاویدان در آنجا همیشه مانند هیچ دوستی ونه یاری دهنده ای نیا بند. ﴿٦٦﴾ روزی که چهره های ایشان در آتش گردانیده شود گویند ای کاش ما خدارا فرمان می بردیم و پیامبررا فرمان می بردیم. ﴿٦٧﴾ وگویند ای پروردگار ماهرآئینه ما مهتران وبزرگان خودرا فرمانبردیم پس ما را ازراه گمراه ساختند. ﴿٦٨﴾ ای پروردگارما ایشان را دوچند ازعذاب بده وایشان را به لعنتی بزرگ (وسخت) لعنت کن. ﴿٦٩﴾ ای مسلمانان مانند آنانکه موسیٰ را رنجانیدند مباشید پس خدا تعالی اورا ازآنچه گفته بودند پاك ساخت وموسیٰ نزد خدا با آبرو[١] بود. ﴿٧٠﴾ ای مسلمانان ازخدا بترسید وسخن استوار بگویید. ﴿٧١﴾ تابه صلاح آورد کردار های شمارا و برای شما گناهانِ شمارا بیامرزد وهرکه فرمان خدا ورسولِ اورا برد پس هرآئینه به پیروزی بزرگ مطلب یاب شد. ﴿٧٢﴾ هرآئینه ما امانت را[٢] برآسمان ها وبرزمین وبرکوه ها عرضه داشتیم پس قبول نکر دند که آن را بردارند وازآن ترسیدند انسان آنرا برداشت هرآئینه وی ستمکار نادان[٣] هست. ﴿٧٣﴾ تا (شود آخر کار) آنکه خدای تعالی مردان منافق وزنان منافق را ومردان مشرك وزنان مشرك را عذاب کند و خدا برمردان مسلمان وزنان مسلمان به رحمت رجوع کند وخدا آمرزنده مهربان هست.

(١) مترجم گوید یعنی موسیٰ وقت غسل پرده میکردجُهَّال بنی اسرائیل گفتند که او آدرست روزی به حسب اتفاق برکنارهٔ آب غسل میکرد و جامه های خودرا برسنگ نهاده بود به فرمان خدای تعالی آن سنگ روان شد موسیٰ عقب سنگ دوید تاآنکه جماعتی ازبنی اسرائیل اورا عریان وبرهنه دیدندو گفتند ادرت ندارد وادرت انتفاخِ خصیه را گویند والله اعلم.

(٢) یعنی استعداد وتکلیف [واختیار یااراده‌ٔ] به اوامر ونواهی والله اعلم.

(٣) یعنی بالفعل عدالت وعلم ندارد وقابلیت آنهارا دارد والله اعلم.

سوره سبا مکی است وآن پنجاه
وچهار آیه وشش رکوع است

﴿۱﴾ همه سپاس وستایش خدای راست که بدست اوست آنچه درآسمان هااست وآنچه درزمین است ومراو راست سپاس وستایش درآخرت واو باحکمت آگاه است. ﴿۲﴾ آنچه به زمین درمی آید وآنچه ازوی برمی آید وآنچه ازآسمان فرود می آید وآنچه در وی بالامیرود میداند واو مهربان آمرزنده است. ﴿۳﴾ وکافران گفتند قیامت پیش ما نخواهد آمد بگوآری قسم به پروردگار من البته به شما خواهد آمد پروردگاری که داننده ٔ پوشیده است ازوی هم وزن ذرّه ای درآسمان ها ونه درزمین غائب نمی شود ونه خُرد تر ازآن ونه بزرگ تر مگر در کتاب ظاهر ثبت است. ﴿٤﴾ تا آنان را که ایمان آورده‌اند وعمل‌های شایسته کرده‌اند پاداش دهد آن جماعت برای ایشان آمرزش وروزی گرامی است. ﴿٥﴾ وآنانکه در ردِّ آیاتِ ما مقابله کنان سعی کردند آن جماعت برای ایشان عذابی ازعقوبت درد ناك است. ﴿٦﴾ وآنانکه ایشانرا علم داده شده است می بینند چیزی را که فرود آورده شد به سوی تو ازجانبِ پروردگارِ توراست است وهدایت کننده به سوی راه خداي غالب ستوده کار. ﴿۷﴾ وکافران بایکدیگر گفتند آیا شمارا برمردی دلالت کنیم که به شما خبر میدهد که چون پاره پاره کرده شوید تمام پاره پاره شدن هرآئینه شما درآفرینشی نوباشید.

﴿۸﴾ آیا برخدا دروغ بربسته است یا به اوجنونی هست بلکه آنانکه به آخرت ایمان نمی آورند در عقوبت ودرگمراهی دور باشند. ﴿۹﴾ آیا به سوی آنچه پیش روی ایشانست وآنچه پس پشت ایشانست ازآسمان وزمین ندیدند اگرخواهیم ایشان را به زمین فروبریم یا برایشان پارهایی ازآسمان بافکنیم هرآئینه درین کار هربندهٔ رجوع کننده را نشانه است. ﴿۱۰﴾ وهرآئینه داود را ازنزد خود بزرگی دادیم گفتیم ای کوه ها و(ای) مرغان همراه اودر تسبیح گفتن همنوا باشید وبرای او آهن را نرم گردانیدیم. ﴿۱۱﴾ (فرمودیم) که بساز زره های کشاده واندازه نگاه دار دربافتن حلقه ها وای اهل بیتِ داود کردار شایسته به عمل آورید هرآئینه من به آنچه میکنید بینام. ﴿۱۲﴾ وبرای سلیمان باد را مسخر ساختیم سیرِاوّل روزِ او یکماهه راه بود وسیرِ آخر روزِ اونیز یکماهه راه بود وبرای او چشمهٔ مِس روان ساختیم و ازدیوان کسی را که کار میکرد پیش او به حکم پروردگار خویش مسخر ساختیم وهرکه ازدیوان ازحکم ما کجی کند اورا پاره ای ازعقوبتِ دوزخ بچشانیم. ﴿۱۳﴾ برای او آنچه میخواست از قلعه ها وتمثالها وکاسه هایی چون حوض‌ها ودیگ های ثابت درجاهای خود میساختند گفتیم ای آل داود شکروسپا سگزاري را به عمل آورید وازبند گان من اندك کسی شکر گزارنده است. ﴿۱٤﴾ پس چون بر وی مرگ را مقرر کردیم جزکِرْم چوب خوارکه عصایش رامی خورد آنان رابه مرگ او راه ننمود پس چون بافتاد واضح شد پیش دیوان که اگر غیب را میدانستند در عذاب خوار کننده درنگ نمی کردند.

﴿۱۵﴾ هرآئینه برای قوم سبا در مسکنهای ایشان نشانهٔ ای بود (مرایشانرا بود) دو بوستان از جانبِ راست واز جانبِ چپ گفتیم از رزق پرورد گارتان بخورید وبرای اوشکر گزارید شمارا شهری پاکیزه وپروردگار آمرزنده هست. ﴿۱٦﴾ پس رویگردانیدند[۱] پس برایشان سیلی تند ویرانگر[۲] فرستادیم وایشان را به جای دوبوستانِ ایشان دو بوستانی دیگر عوض دادیم خداوند میوه های بدمزه وخداوند درخت گز وچیزی اندك ازدرخت کنار. ﴿۱۷﴾ ایشان را به سبب ناسپاسی ایشان این سزا دادیم وسزای بد مگر ناسپاس را نمیدهیم. ﴿۱۸﴾ وپیدا کردیم میانِ ایشان ومیانِ آن ده ها که برکت نهاده ایم درآن[۳] ده هایی متصل بایکدیگر ودرآن ده ها آمدورفت را مقرر کردیم گفتیم درین دِه ها شب ها وروزها ایمن شده بگردید. ﴿۱۹﴾ پس گفتند[٤] ای پروردگار ما بین سفر های ما فاصله بگذار وستم کردند برخویش پس ایشان را افسانه ها گردانیدیم وپاره پاره ساختیم ایشان را پاره پارهِ سخت وکامل، هرآئینه درین ماجرا هر صبر کننده شکر گذارنده را نشانه هااست. ﴿۲۰﴾ وبه راستی که شیطان درحق ایشان اندیشهٔ خودرا راست یافت پس پیروی اوکردند مگر از مسلمانان گروهی اندك. ﴿۲۱﴾ وشیطان را برایشان هیچ غلبه ای نبود (لیکن مبتلا گردانیدیم) تا کسی را که ایمان می آورد به آخرت ازآن کسی که وی در شك است ازوی بازشناسائیم وپروردگار تو برهرچیز نگهبان است. ﴿۲۲﴾ بگو آنان را که به جای خدا گمان میکنید (به فریاد) بخوانید مالك هم وزنِ یك ذره درآسمان ها ونه درزمین نیستند وایشان را درآسمان ها وزمین هیچ شرکتی نیست وخدارا ازایشان هیچ یاری دهنده ای نیست.

---

(۱) یعنی از شکر.
(۲) یعنی سیلی که به پشته ها بندکرده بودند.
(۳) یعنی شام.
(٤) یعنی به زبانِ حال.

﴿۲۳﴾ وسفارش نزد خدای تعالی سودنکند مگربرای کسیکه برایش اجازه داده باشد[۱] (اهل محشر مضطرب شوند) تاآنگاه که چون اضطراب ونگرانی ازدلهای ایشان دور کرده شود گویند چه چیز فرموده است پروردگارشما، (ملأ اعلی) گویند که سخن راست فرموده است واو بلند مرتبه بزرگ قدر است. ﴿۲٤﴾ بگو چه کسی شمارا ازآسمان هاو زمین روزی میدهد (باز) بگو خدامیدهد وهرآئینه مایاشما بر هدایتیم یا درگمراهی ظاهر[۲]. ﴿۲٥﴾ بگو شما ازگناه ما سوال کرده نخواهید شد وما (نیز) سوال کرده نخواهیم شد از آنچه شما می‌کنید. ﴿۲٦﴾ بگو پروردگارِما میان ما جمع خواهد کرد باز میان ما (یعنی میان ما وشما) به راستی حکم کند واو حکم کنندهٔ دانا است. ﴿۲۷﴾ بگو مرا آنانکه ایشان را باخدا ملحق کرده شریك ساخته اید بنمایید چنین نیست بلکه خدا اوست غالب باحکمت. ﴿۲۸﴾ ونفرستادیم تورا الاّبرای همه مردمان مژده دهنده وترساننده ولیکن اکثر مردمان نمیدانند. ﴿۲۹﴾ ومی گویند این وعده کی‌بوجود آید اگر شما راست گویید. ﴿۳۰﴾ بگو برای شمااست وعدهٔ روزیکه بازپس نمانید ازآن ساعتی ونه پیش دستی کنید. ﴿۳۱﴾ وکافران گفتند (یعنی مشرکان) هرگز این قرآن را ونه آن کتاب را که پیش ازوی بود باورنداریم وتعجب کنی ای بیننده اگر ببینی چون ستمکاران ایستاده کرده شوند نزد پرورد گارخویش باز بعضی از ایشان سخن را[۳] به سوی بعض میگرداند می‌گویند آنانکه ناتوان گرفته شد ایشان را به آنانکه سرکشی کردند اگر شما نمی بودید هرآئینه ما مسلمان می‌شدیم.

(۱) یعنی اذنِ شفاعت داد.
(۲) یعنی حتما یا مامؤمنان یاشما مشرکان یکی ازمان درهدایت ودیگری درگمراهی است (مصحح).
(۳) یعنی سؤال وجواب کنند.

﴿۳۲﴾ گفتند سرکشان به ناتوانان آیاما شمارا از هدایت بعد از آنکه به شما آمد بازداشتیم بلکه خودتان گناه کار بودید. ﴿۳۳﴾ وگفتند ناتوانان سرکشان را نه، بلکه مارا مکر شب وروز[1] چون مارا میفرمودید که به خدا کافرشویم و برای او همتایان را مقرر کنیم بازداشت وهمه ایشان پشیمانی در دل دارند چون عذاب را ببینند وطوقها در گردن‌های کافران باندازیم سزا داده نمی شوند مگر به وفق آنچه می کردند. ﴿۳٤﴾ ودرهیچ دهی بیم کننده را نفرستادیم مگر گفتند مُنَعَّمَانِ آن ده هرآئینه ما به آنچه فرستاده شدید به آن نامعتقدیم. ﴿۳٥﴾ وگفتند ما باعتبارِ اموال واولاد زیاده تریم ونیستیم ما عذاب کرده شدگان. ﴿۳٦﴾ بگو هرآئینه پروردگار من کشاده میکند روزی رابرای هرکه خواهد وتنگ میکند برای هرکه خواهد ولیکن اکثر مردمان نمیدانند. ﴿۳۷﴾ واموال شما ونه اولادِ شما آن چیزی نیستند که شمارا نزد ما بمرتبهٔ قربت مقرب گرداند لیکن مقرب آنست که ایمان آورد و کردار شایسته انجام داد پس آن جماعت برای ایشان پاداش دوچند است به مقابله آنکه عمل کردند وایشان درکوشك های بلند ایمن باشند. ﴿۳۸﴾ وآنانکه در ردّ آیات ما مقابله کنان سعی میکنند آن جماعت در عذاب حاضر کرده شوند. ﴿۳۹﴾ بگو هرآئینه پروردگار من کشاده می کند روزی را برای هرکه خواهد ازبند گانِ خودوتنگ می سازد برای هرکه خواهد وهرآنچه (درراه خدا) خرج کنیدازهر جنس که باشد پس خدا عوضِ آن می‌دهد واوبهترین روزی دهندگانست.

---

(۱) یعنی مکرشماکه پیوسته درسعی آن بودید.

﴿۴۰﴾ وروزی که خدا همگی ایشان را برانگیزد باز بگوید به فرشتگان آیا ایشان شمارا عبادت می کردند. ﴿۴۱﴾ (فرشتگان) گویند پاکی تورا است توکارسازمایی به جای ایشان بلکه ایشان دیوان را[1] عبادت میکردند اکثر ایشان به دیوان اعتقاد داشتند. ﴿۴۲﴾ پس امروز بعضی از شمابرای بعضی سود رسانیدن ونه زیان رسانیدن نمی تواند ومی فرماییم ستمکاران را عذاب آتشی را که شما آن را تکذیب می کردید بچشید. ﴿۴۳﴾ وچون برایشان آیاتِ ما روشن آمده خوانده می شود گویند بایکدیگرنیست این پیامبر مگرمردی که میخواهد شمارا از آنچه می پرستیدند پدرانِ شما بازدارد وگویند این قرآن مگردروغی بربافته نیست وکافران گویند چون سخن راست بدیشان بیامد نیست این مگر سحرِ ظاهر. ﴿۴۴﴾ ومشرکانِ عرب را کتاب ها ندادیم که آن را بخوانند وبه سوی ایشان پیش ازتوهیچ ترساننده ای نفرستادیم. ﴿۴۵﴾ آنانکه پیش ازایشان بودند تکذیب کردند واین مشرکان به یك دَهُمِ آنچه داده بودیم به پیشینیان نرسیده اند پس پیامبرانِ مرا تکذیب کردند پس عقوبت من چگونه بود؟. ﴿۴۶﴾ بگوجزاین نیست که شمارا بیك کلمه پندمیدهم که برخیزید برای خدا دوگان دوگان ویك یك باز تأمل کنید که به یارشما هیچ جنونی نیست، نیست او مگر برای شماپیش از آمدنِ عذاب سخت بیم کننده. ﴿۴۷﴾ بگو آنچه ازشما سوال کرده باشم از مُزد پس آن برای شما است نیست پاداش من مگربرخدا واو برهمه چیز گواه است. ﴿۴۸﴾ بگو هرآئینه پروردگار من (از علمِ غیب) وحیِ راست را فرو می‌فرستد آن پروردگاری که دانای پوشیده هاست.

(۱) یعنی عبادتِ ملائکه که به جهت وسوسه شیاطین بود پس گویا عبادت شیاطین کردند.

﴿۴۹﴾ بگو آمد سخنِ راست، ومعبود باطل آفرینشِ نونمیکند ونه دیگر بار آفریند. ﴿۵۰﴾ بگو اگر گمراه شدم پس جزاین نیست که گمراه شوم برنفس خویش واگرراه یابم پس به سبب آنست که به سوی من پروردگارم وحی فرستد هرآئینه وی شنوای نزدیك است. ﴿۵۱﴾ و(تعجب کنی) اگر ببینی چون مضطرب ونگران شوند پس از عذاب خلاص شدن نباشد واز جایی نزدیك گرفته شوند[1]. ﴿۵۲﴾ وگویند آنگاه به قرآن ایمان آوردیم وازکجا ایشان را بُوَد بدست آوردنِ ایمان ازجای دور (یعنی محال است). ﴿۵۳﴾ وحالانکه به قرآن پیش ازین کافر بودند واز مکان دور نادیده می اندازند. ﴿۵۴﴾ وجدایی افکنده شد میانِ ایشان ومیانِ آنچه می خواستند چنانچه کرده شد به امثالِ ایشان پیش ازین هرآئینه ایشان درشك قوی بودند.

سوره فاطر مکی است وآن چهل و پنج آیه و پنج رکوع است

﴿۱﴾ همه سپاس وستایش خدای راست آفریننده آسمان ها وزمین سازنده فرشتگان را فرستاد گانی دارای بالها دو گانه دو گانه وسه گانه سه گانه وچهار گانه چهار گانه زیاده میکند در آفرینش هرچه خواهد هرآئینه خدا برهرچیز تواناست. ﴿۲﴾ آنچه خدا برای مردمان ازرحمت کشاده سازد پس آن را هیچ بازدارنده ای نیست وآنچه بازدارد پس آنرا پس از وی هیچ کشاینده ای نیست واو غالب باحکمت است. ﴿۳﴾ ای مردمان نعمتِ خدارا برخویش یادکنید آیاهیچ آفریننده ای غیرازخدا هست که شمارا از آسمان وزمین روزی میدهد نیست هیچ معبودی برحق مگروی پس ازکجا برگردانیده می شوید.

---

(۱) یعنی گرفته شوند به آسانی.

﴿٤﴾ واگر تورا تکذیب کنند پس هرآئینه تکذیب کرده شدند پیامبران پیش ازتو وبه سوی خدا کارها بازگردانیده میشود. ﴿٥﴾ ای مردمان هرآئینه وعدهٔ خداراست است پس شمارا زندگانی دنیا فریفته نکند و شمارا نسبت به خدا شیطان فریب دهنده نفریبد. ﴿٦﴾ هرآئینه شیطان دشمن شما است پس اورا دشمن گیرید جزاین نیست که تابعانِ خود را می‌خواند تا ازاهل دوزخ باشند. ﴿٧﴾ آنانکه کافرشدند ایشان رااست عذاب سخت وآنانکه ایمان آورده‌اند وعمل‌های شایسته کرده‌اند ایشان آمرزش وپاداش بزرگ دارند. ﴿٨﴾ آیاکسی که برای او عملِ زشت او آراسته کرده شد پس آنرا نیك دید (مثل مومنِ صالح باشد؟) پس هرآئینه خدا گمراه می کند هرکرا خواهد وراه می‌نماید هرکراخواهد پس نباید که نفست از حسرت خوردن برایشان از بین برود هرآئینه خدا به آنچه می کنند دانا است. ﴿٩﴾ وخدا آنست که بادهارا فرستاد پس آن بادها ابررا برانگیختند پس ابررا به سوی شهر مرده روان کردیم پس به آن ابر زمین را بعد از مرده بودنِ آن زنده ساختیم همچنین خواهد بود برانگیختن مرد گان. ﴿١٠﴾ هرکه ارجمندی خواهد پس همگی ارجمندی خدای راست بالامیرود به سوی او سخنِ پاکیزه وعمل صالح را خدا بلند می گرداند وآنانکه فتنه ها می‌اندیشند ایشان راست عذاب سخت وبد اندیشی ایشان همون نابود شود. ﴿١١﴾ وخدا شمارا ازخاك باز از نطفه آفرید باز شمارا جفت مرد وزن گردانید ودرشکم برنمیدارد هیچ ماده ای ونمی زاید مگربه علم خدا وزندگانی داده نمی شود هیچ درازعمری را وکم کرده نمی شود ازعمرِ وی الا درکتاب ثبت است هرآئینه این کاربرخداآسان است.

﴿۱۲﴾ وبرابر نیستند[1] دو دریااین یك شیرین درنهایت شیرینی است آب او خوش گوارست وآن دیگر شور به تلخی مائل است وازهریکی گوشت تازه میخورید وبرمی‌آورید زیوری که آن را می پوشید و کشتی هارا در دریا شگافنده ٔ آب می بینی تا ازفضل او روزی طلب کنید وتابُوَد که شما شکر گویید. ﴿۱۳﴾ درمی‌آورد شب را در روز ودرمی‌آورد روز را درشب ورام ساخت خورشید وماه را هریکی به میعادی معین میرود اینست خدا پرورد گارشما مراوراست پادشاهی وآنانکه می‌پرستید بجز وی مقدار پوست خسته خرمایی (هم) مالك نیستند. ﴿۱٤﴾ اگر ایشان را بخوانید خواندنِ شما را نمی شنوند واگر به فرض بشنوند برایتان إجابت نکنند وروز قیامت شریك مقرر کردنِ شمارا منکر می شوند وتوراهیچ کس مانندِ دانا[2] خبر ندهد. ﴿۱٥﴾ ای مردمان شما به خدا محتاجید وخدا همونست بی احتیاج ستوده کار. ﴿۱٦﴾ اگر بخواهد شمارا نابود سازد وآفرینشی نو می‌آورد. ﴿۱۷﴾ واین کار برخدا دشوار نیست. ﴿۱۸﴾ وهیچ بردارنده باردیگری را برنمی دارد واگر گران بارکسی را به سوی بارخویش بخواند ازآن بار چیزی برداشته نشود اگرچه آن کس خویشاوند باشد جزاین نیست که بیم میکنی آنان را که ازپرورد گار خویش غایبانه می‌ترسند و نمازرا برپاداشته‌اند وهرکه پاك شد پس جزاین نیست که برای نفع خویش پاك میشود و بازگشت به سوی خداست.

---

(۱) یعنی بایکدیگر مخلوط نمی شوند.

(۲) مترجم گوید ﴿وَلَا يُنَبِّئُكَ مِثۡلُ خَبِيرٍ﴾ بمنزله مثل است چون سخن بلیغ گویند وتحقیق به نهایت رساننداین کلمه را گویند.

﴿۱۹﴾ و نابینا وبینا برابرنیستند. ﴿۲۰﴾ ونه تاریکی ها ونه روشنی. ﴿۲۱﴾ ونه سایه ونه بادِگرم. ﴿۲۲﴾ وبرابر نمی شوند زند گان ونه مُرد گان هرآئینه خدامی‌شنواند هرکراخواهد ونیستی توشنواننده کسی را که درگور باشد. ﴿۲۳﴾ وتو جز ترساننده نیستی. ﴿۲٤﴾ هرآئینه ما تورا بدین راست فرستاده ایم بشارت دهنده وبیم کننده وهیچ امتی نیست مگر گذشته است درآن بیم کننده. ﴿۲٥﴾ واگر تورا تکذیب کنند پس به راستی که تکذیب کردند آنانکه پیش ازایشان بودند بدیشان پیامبرانِ ایشان به نشانه‌های واضح وبه نامه های الهی وبه کتابِ روشن آمدند. ﴿۲٦﴾ باز کافران را گرفتار کردم پس عقوبتِ من چگونه بود؟. ﴿۲۷﴾ آیاندیدی که خدا ازآسمان آبی را فرودآورد پس به سبب آن میوه های گونا گون رنگهای آن برآوردیم وازکوه ها قطعاتی است به رنگ های گوناگون، سفید وسرخ ونهایت سیاه. ﴿۲۸﴾ وهمچنان از مردمان وجانوران وچهارپایان رنگهای آن گوناگون است جزاین نیست که می‌ترسند از خدا علماء از بندگان اوهرآئینه خدا غالب آمرزنده است. ﴿۲۹﴾ هرآئینه آنانکه کتابِ خدارا تلاوت می کنند وبرپاداشته اندنمازرا و از آنچه ایشان را روزی دادیم پنهان وآشکار خرج کرده اند امید به سودایی دارند که هرگز کاستی نمی پذیرد. ﴿۳۰﴾ تاپاداشهای ایشان را به تمام وکمال بدهد واز فضلِ خود ایشان را زیاده دهد هرآئینه او آمرزندهٔ قدردان است.

﴿۳۱﴾ وآنچه به سوی تو از قرآن وحی فرستادیم اوست حقیقت باوردارنده آنچه پیش ازوی است هرآئینه خدابه بندگان خود خبر دارُ بیناست. ﴿۳۲﴾ باز به آنان قرآن را میراث دادیم که ایشان را ازبندگان خود برگزیدیم[۱] پس بعضِ ایشان برنفس خود ستمگاراست وبعض ایشان میانه رواست وبعض ایشان به نیکی‌ها به حکم خدا سبقت کننده است این فضل بزرگ است. ﴿۳۳﴾ به بوستان‌های همیشه ماندن درآیند آن جا ایشان را زیور داده شود آنجاازقسم النگو ودستوانه های طلاو مروارید زیور داده شوند ولباس آنها جامهٔ ابریشمی باشد. ﴿۳٤﴾ وگفتند همه ستایش خدای راست که ازماندوه را دورکرد هرآئینه پروردگار ما آمرزنده قدر شناس است. ﴿۳۵﴾ آنکه مارا به سرای همیشه ماندن از فضلِ خود فرود آورد به ما آنجا هیچ رنجی نرسد وبه ما آنجا هیچ ماندگی نرسد. ﴿۳٦﴾ وآنانکه کافرشدند ایشان راست آتشِ دوزخ نه برایشان حکم کرده شود تابمیرند ونه ازایشان چیزی ازعذابِ دوزخ سبك كرده شود همچنین هرناسپاس را سزا میدهیم. ﴿۳۷﴾ واهل دوزخ درآنجا فریادکنند که ای پروردگار ما بیرون آرمارا تابکنیم کار شایسته غیر از آنچه می‌کردیم گوییم آیا شمارا آنقدر زندگانی ندادیم که پندپذیر شود درآن هرکه پند پذیرفتن خواهد وآمد به شما ترساننده پس بچشید پس ستمکاران را هیچ یاری دهنده ای نیست. ﴿۳۸﴾ هرآئینه خداداننده‌ٔ پنهان آسمان ها وزمین است هرآئینه وی به مکنونِ سینه ها داناست.

(۱) یعنی ازپیامبر صلی الله علیه وسلم به امت محمدیه رسید والله اعلم.

﴿۳۹﴾ وی آنست که شمارا درزمین جانشینان گردانید پس هرکه کافر شود پس ضررِ کفر او برویست ونمی افزاید درحقِ کافران کفر ایشان نزد پروردگارشان مگر غضب را ونمی افزاید درحقِ کافران کفرایشان مگر زیان را. ﴿٤٠﴾ بگوآیا شریکانِ مقرر کردهٔ خود را دیدید آنانکه می پرستید به جز خدا بنمایید مراچه چیز اززمین آفریده‌اند آیاایشانرا شرکتی درآسمان هااست نه بلکه آیا دادیم ایشان را کتابی پس ایشان ازآن برحجتی‌اند بلکه ستمگاران بعضی ازایشان بعضی را مگر ازروی فریب وعده نمیدهند. ﴿٤١﴾ هرآئینه خدا آسمان ها وزمین را ازآنکه ازجای خود بلغزند نگاه میدارد واگربلغزند آنهارا هیچ کسی بعد ازخدا[1] نگاه ندارد هرآئینه او برد بار آمرزنده است. ﴿٤٢﴾ وقسم خوردند به خدا سخت ترین قسم های خود را که اگر به ایشان ترساننده ای بیاید البته راه یافته تر ازهریك امتی خواهند بود پس چون به ایشان ترساننده آمد درحق ایشان جز گریز را نیفزود. ﴿٤٣﴾ (این) به سبب سرکشی درزمین ونیرنگ زشتی بود که وزیدند ووبال بداندیشی قبیح مگر به اهلِ او فرود نمی آید پس منتظر نیستند مگر آئین عقوبت پیشینیان را پس برای آیین خدا تبدیلی را نخواهی یافت وبرای آیین خدا تغییری را نخواهی یافت. ﴿٤٤﴾ آیا درزمین نگشته اند تاببینند سر انجام کار آنان‌راکه پیش ازایشان بودند چگونه شد وآن جماعت ازایشان زیاده تر بودند درقوت وهرگز نیست که خدارا هیچ چیزی درآسمان ها ونه درزمین عاجز کند هرآئینه او دانای‌توانا هست.

(۱) یعنی غیرازخدا.

﴿٤٥﴾ و اگر خدا مردمان را به کیفر آنچه میکردند گرفتار می کرد برپشتِ زمین هیچ جانوری را نگذاشتی ولیکن ایشانرا تامیعادی معین موقوف میدارد پس چون میعاد ایشان آید پس هرآئینه خدا به بندگان خود بینا هست.

سوره یس مکی است وآن هشتادوسه آیه و پنج رکوع است

﴿١﴾ یٰسٓ. ﴿٢﴾ قسم به قرآنِ باحکمت. ﴿٣﴾ هرآئینه تو به یقین ازپیامبرانی. ﴿٤﴾ برراهِ
راستی. ﴿٥﴾ فروفر ستادهٔ (خدا) غالب مهربان (را مراد دارم). ﴿٦﴾ تا قومی را که
پدرانِ ایشان ترسانیده نشده وخود ایشان غافلند بترسانید[١]. ﴿٧﴾ هرآئینه وعدهٔ عذاب
براکثر ایشان ثابت شد پس اکثر ایشان ایمان نمی آورند. ﴿٨﴾ هرآئینه ما در گردن های
ایشان طوق ها قرار دادیم پس آن طوقها تا زنخها وچانه ها باشند پس سرهای ایشان
(برأثرآن) روی به بالانگاه داشته میشود. ﴿٩﴾ وپیش روی ایشان دیواری وپسِ پشت
ایشان دیواری قرار داده ایم باز ایشان را فروپوشانده‌ایم پس ایشان هیچ نبینند[٢]. ﴿١٠﴾
وبرایشان برابراست که بیم کنی ایشانرا یا ایشان را بیم نکنی ایمان نیاورند. ﴿١١﴾ جزاین
نیست که می ترسانی کسی را که پیروی پندکند وغایبانه ازخدا بترسد پس اورابه آمرزش
وپادا شی گرامی بشارت ده. ﴿١٢﴾ هرآئینه ما مردگان را زنده می گردانیم ومی نویسیم
آنچه پیش فرستاده‌اند[٣] و نقش پایهای ایشان را می‌نویسیم وهر چیزی را در کتاب
ظاهر[٤] شمرده‌ایم.

(١) یعنی دربنی اسماعیل هیچ پیامبری مبعوث نشده بود.
(٢) مترجم گوید این هردو آیت تمثیل وتصویر یاس ایشان است از شناختن حق.
(٣) یعنی ازاعمال خیروشر.
(٤) یعنی لوحِ محفوظ.

﴿۱۳﴾ و برای ایشان قصه اهل ده را بیان‌کن چون به آن ده پیامبران آمدند. ﴿۱٤﴾ آنگاه که فرستادیم به سوی ایشان دوکس را پس تکذیب کردند ایشان را پس به سومی قوت دادیم پس هرسه کس گفتند هرآئینه ما به سوی شما فرستادگانیم. ﴿۱٥﴾ اهل ده گفتند نیستید شما مگر آدمی مانندِ ما و رحمن هیچ چیزی فرونفرستاده است نیستید شما مگر دروغ میگویید. ﴿۱٦﴾ گفتند پروردگار ما میداند که هرآئینه ما به سوی شما فرستادگانیم. ﴿۱۷﴾ وبرما جز پیغام رسانیدن ظاهر نیست. ﴿۱۸﴾ گفتند هرآئینه ما شگون بد گرفتیم به شما اگر بازنیایید البته شمارا سنگ سارکنیم والبته به شما ازجانب ما عقوبتِ درد ناك برسد. ﴿۱۹﴾ گفتند شگون بد شما همراه شما است آیا اگر شما را پند داده شود برشگون بدحمل کنید بلکه شما گروهی ازحد گذشته اید. ﴿۲۰﴾ وازدور ترین محل های آن شهر مردی شتابان آمد گفت ای قومِ من پیامبران را پیروی کنید. ﴿۲۱﴾ کسی را که از شما هیچ مزدی نمی طلبد پیروی کنید وایشان راه یافتگانند. ﴿۲۲﴾ وچیست مرا که عبادت معبودی را نکنم که بیافرید مرا وبه سوی وی بازگردانیده خواهید شد. ﴿۲۳﴾ آیا به جای او معبودانی گیرم که اگربخواهد خدای تعالی درحق من زیانی شفاعتِ ایشان ازمن چیزی را دفع نکند وایشان مرا خلاص نکنند. ﴿۲٤﴾ هرآئینه من آنگاه درگمراهی ظاهر باشم. ﴿۲٥﴾ هرآئینه من به پروردگار شما ایمان آورده‌ام پس ازمن[1] بشنوید. ﴿۲٦﴾ اورا گفته شد درآی به بهشت گفت ای کاش قومِ من میدانستند. ﴿۲۷﴾ که مرا پرورد گارمن به چه چیزبیامرزید ومرا ازنواختگان ساخت.

(۱) مترجم گوید اهل ده آنرا شهید ساختند والله اعلم.

﴿۲۸﴾ وبرقوم او بعدازو هیچ لشکری ازآسمان فرود نیاوردیم وما فرود آرنده لشکر نیستیم. ﴿۲۹﴾ عقوبتِ ایشان مگر یك فریادِ تند نبود پس ناگهان ایشان چون آتش فرومرده خاموش شدند[1]. ﴿۳۰﴾ ای وای بربند گان نمی آیدبدیشان هیچ فرستاده مگر با او تمسخر می کردند. ﴿۳۱﴾ آیا ندیدند چه قدر پیش ازایشان از طبقاتِ مردمان که آن جماعت به سوی ایشان بازنمی آیند هلاك ساختیم. ﴿۳۲﴾ وجزاین نیست که همگی شان (برای حساب) در نزد ما جمع وحاضر کرده خواهند شد. ﴿۳۳﴾ ونشانه ای هست برای ایشان آن زمین مرده که زنده گردانیدیم وبرآوردیم ازآن دانه پس ازآن دانه میخورند. ﴿۳٤﴾ ودرزمین بوستان ها ازدرختانِ خرما ودرختان انگور آفریدیم ودرآن بوستان ها چشمه ها روان ساختیم. ﴿۳٥﴾ تا ازمیوه آنچه مذکورشد و(نیز) از عمل آوردهٔ دستهایشان بخورند آیا پس شکر نمی کنند. ﴿۳٦﴾ پاکست آنکه تمام اجناس را از آنچه میرویاندش زمین وازجنسِ آدمیان واز آنچه ایشان نمی دانند آفرید. ﴿۳۷﴾ ونشانه ای هست برایشان شب ازوی روز را مانند پوست می کشیم پس ناگهان ایشان در تاریکی آیند. ﴿۳۸﴾ وآفتاب به راهی که قرار گاهِ ویست میرود این اندازهٔ خدای غالب دانا است. ﴿۳۹﴾ وماه را برای او منزل ها مقرر کردیم تاآن که مانند چوب کهنه خوشهٔ خرما بازگردد. ﴿٤۰﴾ نه خورشید می سزدش که دریابد ماه را ونه شب سبقت کننده است به روز[2] وهریکی ازخورشید وماه وستاره‌هادرآسمانی سیر میکنند.

(۱) یعنی همه برجای سرد گشتند ومردند، مصحح.
(۲) یعنی پیش ازانقضای روزنمی آید.

﴿٤١﴾ ونشانه ای هست برایشان که ما قوم بنی آدم را درکشتی پُرکرده شده برداشتیم. ﴿٤٢﴾ وآفریدیم برای ایشان مانندِ کشتی آنچه برآن سوارمی شوند(١). ﴿٤٣﴾ واگر بخواهیم ایشان را غرق کنیم پس هیچ فریاد رس برای ایشان نباشد ونه ایشان رها کرده شوند. ﴿٤٤﴾ لیکن رحمت کردیم ازجانب خود وتامدتی بهره مند ساختیم. ﴿٤٥﴾ وچون به ایشان گفته شود که بترسید از عقوبتی که پیش دستهای شما باشد واز عقوبتی که پس پشت شماباشد، باشد که برشما رحم کرده شود. ﴿٤٦﴾ (اعراض کنند) وبدیشان هیچ نشانه ای از پروردگار ایشان نمی آید الاّ ازآن رویگردان باشند. ﴿٤٧﴾ وچون به ایشان گفته شود که خرج کنید از آنچه شمارا خدای تعالی روزی داده است کافران به مسلمانان گویند آیا کسی را خوراك دهیم که اگرخدای تعالی می خواست اورا خوراك می داد نیستید شما مگر درگمراهی ظاهر. ﴿٤٨﴾ وکافران می گویند کَی باشد این وعده اگر راست گویید. ﴿٤٩﴾ انتظار نمی کشند مگریك نعرهٔ تند را که ایشان را بگیرد وایشان خصومت کنان باشند. ﴿٥٠﴾ پس وصیت کردن نتوانند ونه به اهل خود بازگردند. ﴿٥١﴾ ودر صور دمیده شود پس ناگهان ایشان ازقبرها به سوی پروردگار خویش بشتابند. ﴿٥٢﴾ گویند ای وای برما چه کسی مارا ازخواب گاهِ ما برخیزانید (آری) این هما نست که وعده داده بود خدای تعالی وپیامبران راست گفتند. ﴿٥٣﴾ نباشد این واقعه مگرنعرهٔ تندی پس ناگهان ایشان (همگی) نزد ما جمع وحاضر کرده خواهند شد. ﴿٥٤﴾ پس امروزستم کرده نخواهد شد برهیچ کسی هیچ ستمی وجزا داده نخواهید شدالاّ به وفق آنچه میکردید.

(١) یعنی شتروفیل. [وما شین وقطار وهواپیما وغیره درحال حاضر].

﴿٥٥﴾ هرآئینه اهل بهشت امروز درکاری هستند شادمانند. ﴿٥٦﴾ ایشان وهمسر انشان درسایه ها بر تخت هاتکیه زده‌اند. ﴿٥٧﴾ ایشان رااست دربهشت میوه وایشان رااست آنچه می طلبند. ﴿٥٨﴾ گفته شود سلام باد ازجانب پرورد گار مهربان. ﴿٥٩﴾ و(بگوییم) امروز ای گناه‌کاران جدا شوید. ﴿٦٠﴾ آیا به سوی شما ای اولادِ آدم حکم نفرستاده بودم که شیطان را مپرستید هرآئینه وی شمارا دشمنِ آشکاراست. ﴿٦١﴾ وآنکه مرا بپرستید این راه راست است. ﴿٦٢﴾ وهرآئینه شیطان ازقوم شما خلقِ بسیاری را گمراه ساخت آیانمی دانستید. ﴿٦٣﴾ این (همان) دوزخی است که به شما وعده داده می‌شد. ﴿٦٤﴾ امروز به (سزای) کفرتان به آن درآیید. ﴿٦٥﴾ امروز مُهر نهیم بردهان های ایشان وسخن گوید باما دست های ایشان وگواهی دهد پاهای ایشان به آنچه می کردند. ﴿٦٦﴾ واگر بخواهیم چشم های ایشان را نابودکنیم پس به سوی راه سبقت کنند پس ازکجا ببینند؟. ﴿٦٧﴾ واگر بخواهیم ایشان را برجای ایشان مسخ کنیم پس ازآن جا گذشتن نتوانند وباز نگردند. ﴿٦٨﴾ وهرکه را عمر دراز میدهیم نگونسار می کنیمش درآفرینش آیا درنمی یابند. ﴿٦٩﴾ ونیاموختیم این پیامبر را شعر وسزاوار اونیست آن مگرپندی وقرآنی آشکار نیست. ﴿٧٠﴾ تا هرکه راکه زنده (دل) باشد بترساند[١] وحجت بر کافران ثابت شود.

---

(١) یعنی صاحبِ فهم [وایمان] باشد.

﴿۷۱﴾ آیاندیدند که ما برای ایشان از آنچه ساخته است دست های ماچهارپایان را آفریدیم پس ایشان آنهارا مالکانند. ﴿۷۲﴾ وبرای ایشان چهار پایان را رام ساختیم پس بعضی ازآن سواری ایشانست وبعضی ازآن را میخورند. ﴿۷۳﴾ وبرایشان درچهار پایان منفعت هاوآشامیدنیها است آیا شکر نمی گزارند. ﴿۷٤﴾ و غیر از خدا معبودانی را گرفتند تاباشد که ایشان یاری داده شوند. ﴿۷٥﴾ یاری کردنِ ایشان را نتوانند واین (بتان) برای ایشان لشکری حاضر کرده شده اند. ﴿۷٦﴾ پس سخن ایشان تورا اندوهگین نکند هرآئینه ما میدانیم آنچه پنهان میکنند وآنچه آشکارمی نمایند. ﴿۷۷﴾ آیا ندانسته است آدمی که ما اورا ازنطفه ای آفریدیم پس ناگهان وی خصومت کننده آشکار شد. ﴿۷۸﴾ وبرای ما مثلی زد وآفرینش خودرا فراموش کرد گفت چه کسی استخوان هارا در حالی که آن پوسیده است زنده می‌کند. ﴿۷۹﴾ بگوزنده می کندش آن کس که اورا اوّل بار آفرید واوبهر قسم آفرینش داناست. ﴿۸۰﴾ آنکه برای شما ازدرخت سبز آتش را پیداکرد پس ناگهان شما ازآن درخت آتش می افروزید. ﴿۸۱﴾ آیا آنکه آفرید آسمان ها وزمین را توانا نیست برآنکه مانند ایشان را بیآفریند بلی واو آفریننده‌ٔ دانا است. ﴿۸۲﴾ جزاین نیست که فرمانِ خدا چون بخواهد آفریدن چیزی را این است که بگویدش بشو پس می شود. ﴿۸۳﴾ پس پاك است آنکه پادشاهی هرچیز بدستِ اوست وبه سوی اوباز گردانیده می شوید.

سوره صافات مکی است وآن يك صد وهشتاد ودو آيه و پنج رکوع است

﴿١﴾ قسم به جماعتی (ازملائکه) که صف میکشند صف کشیدنی[1]. ﴿٢﴾ پس قسم به جماعتی که میرانند راندنی[2]. ﴿٣﴾ پس قسم به جماعتی که کتاب را (چنانکه باید) تلاوت میکنند. ﴿٤﴾ هرآئینه معبود شمایکی است. ﴿٥﴾ اوپروردگارِ آسمان هاوزمین وآنچه درمیان این هاست واوپروردگارِ مشرق ها است[3]. ﴿٦﴾ هرآئینه ما آسمانِ دنیا را به زینت ستاره ها آرایش دادیم. ﴿٧﴾ وآنرا ازهر شیطان سرکش نگاهداشتیم. ﴿٨﴾ (مقصد آنکه) گوش نه نهند شیاطین به سوی ملاء اعلیٰ وازهر جانب زده میشوند. ﴿٩﴾ به جهت آنکه رانده شوند وایشان را پیوسته عذاب دایم است. ﴿١٠﴾ مگر کسی که برباید[4] ربودنی پس ازپی او شعلهٔ ای سوزنده افتد. ﴿١١﴾ پس استفسارکن ازایشان آیا ایشان سخت ترانددر آفرینش یا کسیکه ما آفریده ایم[5] هرآئینه ما ایشانرا از گل چسپنده آفریده‌ایم. ﴿١٢﴾ بلکه تعجب کردی[6] وایشان تمسخر میکنند. ﴿١٣﴾ وچون پندداده شوند پندنمی گیرند. ﴿١٤﴾ وچون ببینند نشانه ای را تمسخر می‌کنند. ﴿١٥﴾ وگفتند این (قرآن) مگر سحرِ ظاهر نیست. ﴿١٦﴾ آیا چون بمیریم وخاك واستخوانهایی باشیم آیا ما البته برا نگیخته شویم؟. ﴿١٧﴾ آیا پدرانِ نخستین ما برانگیخته شوند؟. ﴿١٨﴾ بگو آری وشماخوار باشید. ﴿١٩﴾ پس جزاین نیست که آن برانگیختن يك نعرهٔ تند باشد پس ناگهان ایشان بنگرند. ﴿٢٠﴾ وگویند ای وای برما اینست روزجزا. ﴿٢١﴾ (گفته شود) این است روز فیصله کردن قضایا که آنرا تکذیب می کردید. ﴿٢٢﴾ (گفته شود) ای ملائکه ستمکاران را باهمراهانشان[7] وبا آنچه غیر از خدا می‌پرستیدند جمع آوری کنید. ﴿٢٣﴾ پس ایشان را به سوی راه دوزخ دلالت کنید. ﴿٢٤﴾ وبازدارید ایشان را هرآئینه ایشان سوال کرده خواهند شد.

---

(١) مترجم گوید یعنی نزدیك پرورد گارخود.
(٢) مترجم گوید یعنی شیاطین را والله اعلم.
(٣) یعنی ومغرب هانیز.
(٤) یعنی کلمه ای را ازکلمات ملاء اعلیٰ یکبارربودن.
(٥) یعنی ملائکه وجن وسماوات وغیر آن.
(٦) یعنی ازحال کافران.
(٧) یعنی با شیاطین والله اعلم.

﴿۲۵﴾ چیست شمارا که بایکدیگریاری نمی کنید؟. ﴿۲٦﴾ بلکه ایشان امروز گردن نهادگانند. ﴿۲۷﴾ وروآوردند بعض ایشان بر بعضی از یکدیگر سوال کنان. ﴿۲۸﴾ گویند هرآئینه شما پیش ما از جانب راست[1] می آمدید. ﴿۲۹﴾ گویند بلکه شما مسلمانان نبودید. ﴿۳۰﴾ ومارا برشما هیچ تسلطی نبود بلکه شما گروهی ازحدگذشته بودید. ﴿۳۱﴾ پس بر ما لازم شد سخن پروردگار ماکه البته ماچشندهٔ عذاب باشیم. ﴿۳۲﴾ پس شمارا گمراه کردیم هرآئینه ما گمراه بودیم. ﴿۳۳﴾ پس به راستی همه ایشان آن روز درعذاب باهم شریك باشند. ﴿۳٤﴾ هرآئینه ما باگناهکاران همچنین می کنیم. ﴿۳۵﴾ هرآئینه ایشان (چنان) بودند که چون گفته می شد بدیشان که هیچ معبودی برحق مگر خدا نیست سرکشی میکردند. ﴿۳٦﴾ ومی گفتند آیاما معبودانِ خود را به خاطر (سخن) شاعری دیوانه ترك گوییم. ﴿۳۷﴾ بلکه پیامبر سخن درست را آورد سائر پیامبرانرا باورداشت. ﴿۳۸﴾ هرآئینه شما چشندهٔ عذاب دردناك باشید. ﴿۳۹﴾ وجزبه آنچه می‌کردید جزا داده نخواهید شد. ﴿٤۰﴾ مگر بندگان خالص ساختهٔ خدا[2]. ﴿٤۱﴾ این جماعت ایشان را روزی مقرر است. ﴿٤۲﴾ انواع میوه وایشان نواختگانند. ﴿٤۳﴾ دربهشت های پُرنازو نعمت. ﴿٤٤﴾ برتخت ها رو به روی یکدیگر (نشته اند). ﴿٤۵﴾ برایشان جامی از شراب روان گردانیده می شود. ﴿٤٦﴾ سفید رنگ لذت دهنده برای نوشندگان است. ﴿٤۷﴾ نه درآن شرابِ تباه کاری باشدونه ایشان ازآن شراب مست کرده شوند. ﴿٤۸﴾ ونزدیك ایشان زنان فرواندازنده چشم فراخ چشمان باشند. ﴿٤۹﴾ گویاایشان بیضه های (شترمرغ) درپرده پوشیده‌اند. ﴿۵۰﴾ پس بعضی از اهلِ بهشت بربعضی دیگر استفسار کنان روی آورند. ﴿۵۱﴾ ازایشان گوینده ای گفت هرآئینه مرا هم نشینی بود.

(۱) یعنی وازجانب چپ نیز به جهت گمراه کردن والله اعلم.
(۲) یعنی آنانکه پاك ساخته شدند ازشرك وغیره.

﴿۵۲﴾ که (ازروی انکار) می گفت آیاتو ازباوردارند گانی[۱]. ﴿۵۳﴾ آیا چون بمیریم وخاك واستخوانهایی چند شویم آیا ماجزا داده خواهیم شد. ﴿۵۴﴾ بازگفت آیا شمادرمی نگرید[۲]. ﴿۵۵﴾ پس درنگریست آنگاه آن همنشینِ خود را در وسط دوزخ دید. ﴿۵۶﴾ گفت بخدا قسم هرآئینه نزدیك بودی بآنکه مرا هلاك کنی. ﴿۵۷﴾ واگر بخشایشِ پرورد گار من نبود البته از حاضر کردگان (در عذاب) می شدم. ﴿۵۸﴾ آیاپس ما نخواهیم مرد. ﴿۵۹﴾ مگر مردن اوّل مان وماعذاب کرده شدگان نیستیم. ﴿۶۰﴾ هرآئینه این است پیروزیٔ بزرگ. ﴿۶۱﴾ برای این چنین نعمت پس باید که عمل کنند عمل کنند گان. ﴿۶۲﴾ آیا برای پذیرائی آنچه مذکور شدنیکوتراست یادرخت زقوم؟. ﴿۶۳﴾ هرآئینه ما زقوم را عقوبتی برای ستمکاران ساختیم. ﴿۶۴﴾ هرآئینه وی درختیست که در قعر دوزخ برمی آید. ﴿۶۵﴾ خوشهٔ آن مانند سرهای شیطانها است. ﴿۶۶﴾ پس هرآئینه دوزخیان ازآن درخت بخورند پس ازآن شکم هارا پُرکنند. ﴿۶۷﴾ سپس برآن (خوراك) آمیزه ای ازآب گرم دارند. ﴿۶۸﴾ باز هرآئینه بازگشتِ ایشان به سوی دوزخ بود[۳]. ﴿۶۹﴾ هرآئینه ایشان پدرانِ خودرا گمراه یافتند. ﴿۷۰﴾ پس ایشان برپی پدرانِ خودبه سرعت رانده میشوند. ﴿۷۱﴾ وهرآئینه پیش ازایشان اکثر پیشینیان گمراه شده بودند. ﴿۷۲﴾ وهرآئینه درمیانِ ایشان ترسانندگان فرستادیم. ﴿۷۳﴾ پس ببین سر انجام بیم کرد گان چگونه شد. ﴿۷۴﴾ مگر بندگان خالص ساختهٔ خدا. ﴿۷۵﴾ وهرآئینه نوح ما را آواز داد پس ما نیك قبول کنندهٔ دعاییم. ﴿۷۶﴾ واورا واهلِ اورا از اندوه بزرگ رهانیدیم.

---

(۱) یعنی حشر را.

(۲) یعنی دوزخیان را.

(۳) یعنی بعد از خوردن ونوشیدن ایشان را به دوزخ بازبرند.

﴿۷۷﴾ وتنهاذرية اورا باقی گذا شتیم. ﴿۷۸﴾ وبروی ثنای نیك در پس ماندگان گذاشتیم. ﴿۷۹﴾ در (میان) جهانیان بر نوح سلام باد. ﴿۸۰﴾ هرآئینه ما همچنین به نیکوکاران پاداش میدهیم. ﴿۸۱﴾ هرآئینه اوازبندگان گرویدهٔ ماست. ﴿۸۲﴾ باز دیگران را غرق ساختیم. ﴿۸۳﴾ وهرآئینه ابراهیم ازاتباع نوح بود. ﴿۸٤﴾ چون پیش پروردگارخود به دِل مبراازعیب (یعنی ازدوده شرك وشك) آمد. ﴿۸۵﴾ چون به پدرخود وبه قومِ خود گفت چه چیزرا عبادت می کنید. ﴿۸٦﴾ آیا به رای فاسدِ خود معبودان را به جای خدا می جویید. ﴿۸۷﴾ پس گمانِ شما به پروردگار عالم ها چیست؟. ﴿۸۸﴾ پس ابراهیم یك نگاه به ستاره‌ها نگریست. ﴿۸۹﴾ پس گفت هرآئینه من بیمارم. ﴿۹۰﴾ پس ازوی پشت گردانده بازگشتند. ﴿۹۱﴾ پس به سوی معبودان ایشان پنهان متوجه شد پس گفت آیا نمی خورید. ﴿۹۲﴾ چیست شمارا که سخن نمی گویید. ﴿۹۳﴾ پس متوجه شدبرایشان درحالیکه می زد زدنی به قوت. ﴿۹٤﴾ پس (مردم هم) به ابراهیم شتاب کنان روی آوردند. ﴿۹۵﴾ ابراهیم گفت چیزی را که خود می تراشید می پرستید. ﴿۹٦﴾ وخدا شمارا وآنچه می کنید پیداکرد. ﴿۹۷﴾ بایکدیگر گفتند برای ابراهیم عمارتی بناکنید پس اورا درآتش بسیار بافگنید. ﴿۹۸﴾ پس باوی توطئه را قصد کردند پس ایشان را زیرترین قرار دادیم. ﴿۹۹﴾ وابراهیم گفت که هرآئینه من به سوی پروردگار خود رونده ام مرا راه خواهد نمود. ﴿۱۰۰﴾ ای پروردگار من مرا ازشایسته کاران عطاکن. ﴿۱۰۱﴾ پس اورا به نوجوانی بُردبار بشارت دادیم. ﴿۱۰۲﴾ پس چون آن طفل بآن سنی رسید که همراه والدش سعی تواندکرد ابراهیم گفت ای پسركِ من هرآئینه من درخواب می بینم که من ترا ذبح میکنم پس درنگر تاچه چیز به خاطر تومیرسد گفت ای پدر من آنچه تورا فرموده میشود بکن مرا اگر خدا خواسته است از شکیبایی کنند گان خواهی یافت.

﴿۱۰۳﴾ پس چون هردو منقاد شدند پدر فرزندِ خود را برجانبِ پیشانی بافکند. ﴿۱۰٤﴾ وابراهیم را آوازدادیم که ای ابراهیم. ﴿۱۰٥﴾ هرآئینه خواب را راست تعبیر کردی هرآئینه نیکوکاران را همچنین پاداش میدهیم. ﴿۱۰٦﴾ هرآئینه این ماجراامتحان ظاهرست. ﴿۱۰۷﴾ وبه عوض او گوسفندی مهیابرای ذبح بزرگ جثه دادیم. ﴿۱۰۸﴾ وبروی ثنای نیك درپس ماند گان گذاشتیم. ﴿۱۰۹﴾ بر ابراهیم سلام باد. ﴿۱۱۰﴾ هم چنین نیکوکاران را پاداش میدهیم. ﴿۱۱۱﴾ هرآئینه وی ازبندگان گرویدهٔ ماست. ﴿۱۱۲﴾ اورا به اسحق پیامبری از شایستگان بشارت دادیم. ﴿۱۱۳﴾ وبر ابراهیم وبر اسحق برکت دادیم وازاولاد ایشان بعضی نیکوکارست وبعضی ستم کننده آشکار برخویشتن است. ﴿۱۱٤﴾ به راستی ما برموسیٰ وهارون احسان کردیم. ﴿۱۱٥﴾ وایشان وقوم ایشان را ازاندوه بزرگ نجات دادیم. ﴿۱۱٦﴾ وایشانرا نصرت دادیم پس همانان غالبان بودند. ﴿۱۱۷﴾ وایشان را کتاب واضح دادیم. ﴿۱۱۸﴾ وایشانرا به راه راست دلالت کردیم. ﴿۱۱۹﴾ وبرایشان ثنای نیك در پس ماند گان باقی گذاشتیم. ﴿۱۲۰﴾ سلام برموسیٰ وهارون باد. ﴿۱۲۱﴾ هرآئینه ما همچنین نیکوکاران را پاداش میدهیم. ﴿۱۲۲﴾ هرآئینه ایشان ازبندگان گرویدهٔ مایند. ﴿۱۲۳﴾ وهرآئینه الیاس ازفرستادگان بود. ﴿۱۲٤﴾ چون به قوم خود گفت آیا پرهیزگاری نمی کنید. ﴿۱۲٥﴾ آیا بَعل را پرستش می کنید (وبَعل نام بتی است) ونیکوترین آفرینندگانرا ترك میکنید. ﴿۱۲٦﴾ خدا پرورد گارشما وپرورد گارپدران نخستین شما را ترك می کنید.

﴿۱۲۷﴾ پس دروغگو پنداشتند اورا پس هرآئینه آن جماعت حاضر کردگانند[1]. ﴿۱۲۸﴾ مگر بندگان خالص کرده خدا. ﴿۱۲۹﴾ وبر الیاس ثنای نیك در پس ماندگان گذاشتیم. ﴿۱۳۰﴾ سلام بر الیاس باد. ﴿۱۳۱﴾ هرآئینه ما نیکوکاران را هم چنین پاداش میدهیم. ﴿۱۳۲﴾ هرآئینه وی از بندگان گرویدهٔ ما بود. ﴿۱۳۳﴾ وهرآئینه لوط ازفرستاد گان بود. ﴿۱۳٤﴾ یادکن چون او و اهل خانه او همگی را نجات دادیم. ﴿۱۳٥﴾ مگر پیرزنی که ازباقی ماندگان بود. ﴿۱۳٦﴾ باز آن دیگران را هلاك ساختیم. ﴿۱۳۷﴾ وهرآئینه شما برخانه های آن قوم صبح کنان گذر میکنید. ﴿۱۳۸﴾ وبه وقت شب نیز آیا درنمی‌یابید. ﴿۱۳۹﴾ وهرآئینه یونس ازفرستادگان بود. ﴿۱٤۰﴾ چون به سوی کشتی پُرکرده شده گریخت. ﴿۱٤۱﴾ پس بااهل کشتی قرعه انداخت پس از مغلوبان شد. ﴿۱٤۲﴾ پس اوراماهی فروبرد واو (کاری را کننده بود که موجب) ملامت شده بود. ﴿۱٤۳﴾ پس اگرنه آنست که وی ازتسبیح کنند گان می بود. ﴿۱٤٤﴾ البته درشکمِ ماهی باقی می ماند تاروزیکه مردمان برانگیخته شوند. ﴿۱٤٥﴾ پس اورا به زمین بی گیاه بیفگندیم واو بیمار بود. ﴿۱٤٦﴾ وبرسراودرختی ازقسمِ کدو رویانیدیم. ﴿۱٤۷﴾ واورا به سوی صدهزار یا بیشترازآن فرستادیم. ﴿۱٤۸﴾ پس ایمان آوردند پس ایشان را تامدتی بهره مند ساختیم. ﴿۱٤۹﴾ پس استفسار کن ازمشرکان آیاپروردگارتورا دخترانست وایشان را پسران است؟. ﴿۱٥۰﴾ آیا فرشتگان را زنها آفریدیم وایشان حاضر بودند. ﴿۱٥۱﴾ آگاه باش هرآئینه ایشان ازدروغ گویی خود می گویند. ﴿۱٥۲﴾ که بزادخدای تعالی و هرآئینه ایشان دروغ گویانند. ﴿۱٥۳﴾ آیا دختران را برپسران اختیار کرد؟.

---

(۱) یعنی دردوزخ.

﴿۱۵٤﴾ چیست شمارا چگونه حکم می کنید؟!. ﴿۱۵۵﴾ آیا نمی اندیشید. ﴿۱۵٦﴾ آیاشمارا حجتی واضح است؟. ﴿۱۵۷﴾ پس کتاب خود را بیارید اگر راست گو هستید. ﴿۱۵۸﴾ وکافران میان خدای تعالی ومیان جنیان خویشی را مقرر کردند وهرآئینه دانسته اندجنیان که ایشان البته حاضر کردگانند(۱). ﴿۱۵۹﴾ خدا ازآن چه بیان میکنند پاك است. ﴿۱٦۰﴾ مگر بندگان خالص کردهٔ خدا(۲). ﴿۱٦۱﴾ پس هرآئینه شمااى کافران وآنچه می پرستید(۳). ﴿۱٦۲﴾ نیستید گمراه کننده بر عبادت آن معبود باطل (کسی را). ﴿۱٦۳﴾ مگر کسی را که او درآیندهٔ دوزخ است (در علم الهی). ﴿۱٦٤﴾ وفرشتگان گفتند نیست هیچکس ازما مگر اوراجائیست مقرر. ﴿۱٦۵﴾ وهرآئینه ما صف کشندگانیم. ﴿۱٦٦﴾ وهرآئینه ما تسبیح گویندگانیم. ﴿۱٦۷﴾ وهرآئینه کافران عرب میگفتند. ﴿۱٦۸﴾ اگر پیش ما خبری ازپیشینیان می بود. ﴿۱٦۹﴾ البته بندگان خالص ساختهٔ خدا می شدیم. ﴿۱۷۰﴾ باز به آن قرآن کافرشدند پس عاقبت کاررا خواهند دانست. ﴿۱۷۱﴾ وهرآئینه سابقاً وعدهٔ ما برای بندگان فرستاده ما صادرشده است. ﴿۱۷۲﴾ هرآئینه پیامبران ایشان نصرت دادگان اند. ﴿۱۷۳﴾ وهرآئینه لشکر ماالبته ایشانند غالب. ﴿۱۷٤﴾ پس ازایشان تا مدتی روی‌بگردان. ﴿۱۷۵﴾ وایشان را بنگر پس ایشان نیز خواهند دید. ﴿۱۷٦﴾ آیا این کافران عذاب مارابه شتاب می طلبند. ﴿۱۷۷﴾ پس چون عذاب به میدانِ ایشان فرود آید بامدادِ بیم کردگان بدباشد. ﴿۱۷۸﴾ وازایشان تامدتی روی‌بگردان. ﴿۱۷۹﴾ وایشان را بنگر پس ایشان نیز خواهند دید. ﴿۱۸۰﴾ پاکی است پرورد گار تورا خداوندِ غلبه ازآنچه این جماعت بیان می کنند. ﴿۱۸۱﴾ وسلام بر فرستاد گانِ خدا باد. ﴿۱۸۲﴾ وسپاس وستائش برای خدا پرورد گار عالم ها است.

(۱) یعنی برای حساب وعذاب.
(۲) یعنی بیان مخلصان موافقِ واقع است.
(۳) یعنی بتان.

سوره ص مکی است وآن نودونه
آیه و پنج رکوع است

﴿۱﴾ صٓ قسم به قرآن خداوندِ پند (که آنچه به آن دعوت میکنی راست است). ﴿۲﴾ بلکه کافران درسرکشی ومخالفت اند. ﴿۳﴾ پیش ازایشان چقدر قرنهارا هلاك کردیم پس فریاد برآوردند وآن وقت خلاصی نبود. ﴿٤﴾ و ازآنکه به ایشان بیم کننده ای ازقوم ایشان بیامد تعجب کردند و گفتند این کافران این شخص جادوگر دروغگوئیست. ﴿٥﴾ آیا معبودان متعدد را یك معبود گردانید هرآئینه این چیزی عجیب است. ﴿٦﴾ واشراف ازایشان (بایکدیگرگویان) رهسپار شدند که بروید و بر عبادت معبودان خود شکیبایی کنید هرآئینه این دین نوفتنه است که اراده کرده شده است. ﴿۷﴾ این قول را دردین اخیر[۱] نشنیده ایم این مگرافتراء نیست. ﴿۸﴾ آیا از میان ما قرآن براو نازل شده است؟ بلکه این کافران درشك‌اند از پندمن بلکه هنوز عذاب مرا نچشیده اند. ﴿۹﴾ آیانزد ایشان خزانه های رحمت پروردگار غالب بخشاینده تواست. ﴿۱۰﴾ آیاایشانراست پادشاهی آسمان ها وزمین وآنچه درمیان آنها است پس بایدکه (چنگ زنان) به ریسمانها (به آسمان) بالا روند[۲]. ﴿۱۱﴾ لشکری هست آنجا شکست داده شده ازجمله گروه ها[۳]. ﴿۱۲﴾ پیش ازایشان قوم نوح وعاد وفرعون خداوند میخها تکذیب کردند[٤]. ﴿۱۳﴾ وثمود وقوم لوط ساکنانِ ایکه (تکذیب کردند) ایشان گروه های بسیار (وقوی) بودند. ﴿۱٤﴾ نیست هیچ کس ازایشان مگر پیامبران را تکذیب کرد پس عقوبت من حتمی شد. ﴿۱٥﴾ وانتظار نمی برند کفار این عصر مگریك نعرهٔ تند را یعنی نفخه قیامت که آنرا هیچ توقف نباشد. ﴿۱٦﴾ وگفتند (به طریق استهزا) ای پروردگار ما پیش انداز برای ما سرنوشت ما را از عقوبت پیش از روزِ حساب.

(۱) یعنی قرآن آخر که ما آن را دریا فتیم والله اعلم.
(۲) یعنی به ریسمان آویخته هم نمی توانند که به آسمان روند پس چطور رسند به پادشاهی والله اعلم.
(۳) یعنی ازجنس گروه هاکه باانبیاء مخالفت کردند.
(٤) یعنی به میخ تعذیب می کرد.

﴿١٧﴾ صبر کن بر آنچه میگویند و بنده ماداود خداوند قوت را یادکن هرآئینه او رجوع کننده بود[١]. ﴿١٨﴾ هرآئینه همراه اوکوههارا رام ساختیم به وقت شام وصباح تسبیح میگفتند. ﴿١٩﴾ ومرغانرا به هم آورده رام ساختیم هریکی برای اوفرمانبردار بود. ﴿٢٠﴾ وپادشاهی اورا محکم کردیم حکمت وسخن واضح دادیمش. ﴿٢١﴾ و[٢] آیا پیش توخبرگروهِ خصومت کننده بایکدیگر آمده است چون ازدیوار جسته داخل مسجد شدند. ﴿٢٢﴾ چون برداود وارد شدند پس ازایشان ترسید گفتند مترس ما دوخصومت کننده ایم یکی به دیگری ستم کرده است پس میان مابه راستی حکم کن وجور مکن ودلالت کن مارا برراه راست. ﴿٢٣﴾ این برادر من است او راست نودونه میش مرا یك میش است پس این شخص به من گفت بسپاراین یك میش را وبامن درسخن گفتن درشتی کرد. ﴿٢٤﴾ داود گفت هرآئینه برتو به خواستنِ میشِ توتابهم آرد بامیشهای خود ستم کرد وهرآئینه بسیاری ازشریکان ستم می کنند بعض ایشان بربعضی دیگر مگرآنانکه ایمان آورده‌اند وکارهای شایسته کرده‌اند وایشان اندك اند ودانست داود که ما اورا آزمودهایم پس طلبِ آمرزش کرد ازپروردگار خود وسجده کنان بیفتاد وبه خدا بازگشت. ﴿٢٥﴾ پس آن لغزش اورا بیامرزیدیم وهرآئینه اورانزد ما قربت است وبازگشت نیکو است. ﴿٢٦﴾ گفتیم ای داود هرآئینه تراجانشین (پادشاه) درزمین ساختیم پس میانِ مردمان به راستی حکم کن وپیروی خواهش نفس را که آن گمراه کند تورا ازراهِ خدا مکن هرآئینه آنانکه ازراهِ خدا گمراه می شوند ایشان رااست عذابِ سخت به سبب آنکه روزحساب را فراموش کردند.

---

(١) یعنی به سوی خدا.

(٢) مترجم گوید که داود علیه السلام نودونه زن داشت مع هذازن دیگر که در خطبهٔ شخصی یا درنکاح اوبود درخواست کرد خدای تعالی فرشتگان را به جهت تنبیه داود به شکل خصوم متمثل ساخت اشارت به این قصه است درین آیات (این روایت از اسرائیلیات است قابل اعتبار نیست مصحح) والله اعلم.

﴿۲۷﴾ وآسمان و زمین را وآنچه درمیان این هاست بیهوده نیافریدیم این گمان کافران است پس وای کافران را ازعقوبت آتش. ﴿۲۸﴾ آیامیسازیم آنان را که ایمان آوردند وکارهای شایسته کردند مانند فساد کنندگان درزمین آیامی سازیم پرهیزگاران رامانند بدکاران. ﴿۲۹﴾ این قرآن کتابیست بابرکت که اورابه سوی تو فرود آوردیم تا مردمان درآیات او تأمل کنند وتا خردمندان پند گیرند. ﴿۳۰﴾ وبه داود سلیمان را عطاکردیم نیکوبنده بود سلیمان هرآئینه او به خدا رجوع کننده بود. ﴿۳۱﴾ یادکن چون اوراوقت شامگاه اسپان تیزرو نموده شد. ﴿۳۲﴾ پس گفت هرآئینه این اسپان را دوست داشتم ازقبیل رغبت به مال اعراض کنان ازذکر پروردگار خودتاآنکه آفتاب درپرده پنهان شد[۱]. ﴿۳۳﴾ این اسپانرا برمن بازگردانید پس شروع کرد دست رسانیدن به ساقهاو گردن ها[۲]. ﴿۳٤﴾ وهرآئینه سلیمان را آزمودیم وبرتخت اوکالبدی انداختیم باز به خدا رجوع کرد[۳]. ﴿۳۵﴾ گفت ای پروردگارمن مرا بیامرز ومراآن پادشاهی به بخش که جز من هیچکس را نسزد هرآئینه تویی بخشاینده. ﴿۳٦﴾ پس برای او باد را مسخر گردانیدیم به فرمان اوبه آهستگی روان شده هرجاکه خواسته باشد میرفت. ﴿۳۷﴾ ودیوان را مسخر گردانیدیم هرعمارت بناکننده را وهرفرورونده به دریا را. ﴿۳۸﴾ ودیوانِ دیگررادست وپابه هم بسته درزنجیرها مسخر گردانیدیم. ﴿۳۹﴾ گفتیم این است بخشش ما پس عطا کن یانگاهدار بغیر آنکه باتو حساب کرده شود. ﴿٤۰﴾ وهرآئینه او نزد مامقرّب است وبازگشت نیکواست. ﴿٤۱﴾ ویادکن بندهٔ ما ایوب را چون به پرورد گارخود نداکرد که مراشیطان به رنجوری ودرد دست رسانیده است. ﴿٤۲﴾ گفتیم بزن زمین را به پای خود ناگهان آن چشمه باشد که مهیابرای غسل سرد وآشامیدنی باشد.

(۱) یعنی نماز عصر فوت شد.

(۲) یعنی ذبح کرده وساق های آنهارا بریده ازجهت غیرت برذکر خدای تعالی والله اعلم.

(۳) مترجم گوید سلیمان علیه السلام ازامراء خود ناراحت شد وبه خاطر آورد وگفت که امشب باصدزن خود جماع می‌کنم وهرزنی پسری زاید وهریکی شهسواری باشد جهاد کننده مرا احتیاج به امرا نافتد فرشته گفت انشاء الله بگوسلیمان سهو کردپس هیچ زنی حامله نشد مگر یك زنی که طفل ناقص الخلقت زاد وآن طفل را بر تخت سلیمان انداختند سلیمان علیه السلام متنبه شد و رجوع به رب العزت کرد والله اعلم.

[این قصة در صحیح بخاری آمده ولی بدون ذکر اینکه سلیمان علیه السلام این کار را به خاطر استغناء از أمراء خود انجام داد وبدون ذکر طفل ناقص الخلقت که برتخت سلیمان انداخته شد به صحیح بخاری مع فتح الباری مراجعه شود (٤٥٨/٦) ح ۳٤۲٤، مصحح].

﴿٤٣﴾ واورااهل خانه اوومانند آن همراه ایشان عطاکردیم بخشایشی ازنزد خود وپندی برای خداوندانِ خرد. ﴿٤٤﴾ وگفتیم بدست خود دسته شاخها بگیر پس بزن به آن[١] وخلاف سوگند مکن هرآئینه مااورا شکیبا یافتیم ایوب نیك بنده بود هرآئینه او به خدا رجوع کننده بود[٢]. ﴿٤٥﴾ وبند گان ماابراهیم واسحق ویعقوب را یادکن خداوندان دست ها وچشم ها[٣]. ﴿٤٦﴾ هرآئینه ماخالص گردانیدیم ایشانرا برای خصلتی پاك که یادکردن آخرت است. ﴿٤٧﴾ وهرآئینه ایشان نزد ما ازبرگزیدگان نیکان بودند. ﴿٤٨﴾ واسماعیل والیسع وذوالکفل را یادکن وهریکی ازنیکان بودند. ﴿٤٩﴾ این قرآن پندی هست وهرآئینه پرهیزگاران را بازگشت نیك است. ﴿٥٠﴾ بوستانهای دایم است کشاده کرده دروازه ها برای ایشان. ﴿٥١﴾ تکیه کنان درآنجا، آنجامیوهٔ بسیار وشراب را می طلبند. ﴿٥٢﴾ ونزد ایشان زنان فرودآرِنده چشم، هم عمر بایکدیگر باشند. ﴿٥٣﴾ این است آنچه شمارا برای روز حساب وعده داده میشود. ﴿٥٤﴾ هرآئینه این رزق ماست آنرا هیچ زوالی نباشد. ﴿٥٥﴾ این است جزا وهر آئینه ازحدگذشتگان را بد بازگشتی باشد. ﴿٥٦﴾ که دوزخ است آنجا درآیند پس بد آرامگاه است. ﴿٥٧﴾ این عذاب آب گرم وزرداب است پس باید که آنرا بچشند. ﴿٥٨﴾ وعذابی دیگر مانند این انواع مختلف است. ﴿٥٩﴾ این[٤] قومیست درآینده به آتش همراه شما متبوعان گویند زمین کشاده مباد برایشان هرآئینه ایشان درآیندگان آتش اند. ﴿٦٠﴾ تابعان گویند بلکه بر شمازمین کشاده مباد شما عذاب را برای ما پیش آوردید پس دوزخ بد قرارگاهی است. ﴿٦١﴾ گویند ای پرورد گارما هرکس که این (کفر) را برای ما تقدیم کرد، در آتش عذابی دوچندان درحق اوبیفزای.

(١) یعنی زن خودرا.
(٢) یعنی أیوب علیه السلام سوگند خورده بودکه زن خودراصدضربه بزند خدای تعالی بروی سهل ساخت.
(٣) یعنی علم وعمل هردوبه کمال داشتند والله اعلم.
(٤) چون تابعان خواهند که بدوزخ درآیند متبوعان را گفته شود.

﴿۶۲﴾ وگفتند اهل دوزخ چیست مارا که نمی بینیم مردانی را که ایشانرا ازبدان[1] می شمردیم. ﴿۶۳﴾ (آنانکه) ما ایشان را مسخره میگرفتیم (اینجانیستند) یا ازایشان دیده ها برگشته است. ﴿۶۴﴾ هرآئینه این راست است مراد ازآن خصومت کردنِ اهل دوزخ بایکدیگر است. ﴿۶۵﴾ بگوجزاین نیست که من ترسانندهام ونیست هیچ معبود برحقی مگر خدای یگانهِ زیادقوتمند. ﴿۶۶﴾ پروردگار آسمان ها وزمین وآنچه میان این هاست غالب آمرزگار. ﴿۶۷﴾ بگواین خبری بزرگ است. ﴿۶۸﴾ شمااززوی رویگردانندهاید. ﴿۶۹﴾ مراهیچ دانش به حال این جماعت نیست بلند قدر ازفرشتگان چون بایکدیگر سوال وجواب میکنند. ﴿۷۰﴾ وحی فرستاده نمی شود به سوی من مگر آنکه من ترسانندهٔ آشکارم. ﴿۷۱﴾ ویادکن چون پروردگارتو به فرشتگان گفت هرآئینه من آدمی را ازگِل آفریننده ام. ﴿۷۲﴾ پس چون راست کنم اورا ودروی از روح خود بدمم پس اورا سجده کنان درافتید. ﴿۷۳﴾ پس کُلاً همگی فرشتگان سجده کردند. ﴿۷۴﴾ مگر شیطان سرکشی کرد وازکافران شد. ﴿۷۵﴾ گفت خدا ای شیطان چه چیزبازداشت تورااازآنکه سجده کنی چیزی را که آفریدمش بدودستِ خودآیاتکبر کردی یا به حقیقت ازبلند قدران هستی. ﴿۷۶﴾ گفت من ازوی بهترم مرااز آتش آفریدی واورا ازگِل آفریدی. ﴿۷۷﴾ گفت ازبهشت بیرون شو هرآئینه توراندہ شده ای. ﴿۷۸﴾ وهرآئینه برتو لعنت من باد تا روزجزا. ﴿۷۹﴾ گفت ای پرورد گار من پس مرا تاآنروز که برانگیخته شوند مردمان مهلت ده. ﴿۸۰﴾ گفت هرآئینه توازمهلت داده شد گانی. ﴿۸۱﴾ تا روزآن وقت معین. ﴿۸۲﴾ گفت شیطان پس قسم به عزت توکه البته همه ایشانرا گمراه کنم. ﴿۸۳﴾ مگربند گان خالص کردهٔ تورااازایشان.

(۱) یعنی فقراء مسلمین.

﴿۸٤﴾ فرمود پس این سخن راست است و سخن راست میگویم. ﴿۸٥﴾ البته دوزخ را ازتووازآنانکه پیروی تو کنند از همگی ایشان پرکنم. ﴿۸٦﴾ بگو برتبلیغ قرآن ازشما هیچ مزدی را سوال نمی کنم ونیستم ازتکلف کنند گان[۱]. ﴿۸۷﴾ نیست قرآن مگرپندی برای جهانیان. ﴿۸۸﴾ والبته صدق آنرابعد زمانی خواهید دانست.

سوره زمر مکی است وآن هفتاد پنج آیه وهشت رکوع است

﴿۱﴾ فروفرستادنِ این کتاب از جانب خدای غالب باحکمت است. ﴿۲﴾ هرآئینه ما کتاب را به سوی تو به راستی فروفرستادیم پس خدارا عبادت کن پرستش را برای او خالص‌کرده. ﴿۳﴾ آگاه باش[۲] پرستش کردن خالص مرخدارا است[۳] وآنانکه بجز خدا دوستان گرفتند (و گفتند) عبادت نمی کنیم ایشان را مگربرای آنکه مارا به خدا درمرتبه قرب نزدیك سازند هرآئینه خداحکم میکند میان ایشان در آنچه ایشان درآن اختلاف دارند هرآئینه خدا راه نمی نماید کسی را که اودروغگوی بسیارناسپاس است. ﴿٤﴾ ا گر خدا خواستی که فرزند گیرد البته ازآنجمله که خلق کرده است چیزی را که میخواست بر گزیدی پاکی اوراست اوست خدای یگانه باقوت. ﴿٥﴾ آسمان ها وزمین را به تدبیر درست آفرید می پیچاند شب را برروز وروزرا برشب می پیچاند خورشید وماه را رام ساخت هریکی درزمان معین میرود آ گاه باش او غالب آمرزنده است.

(۱) یعنی دعوی وحی نکنم به غیر تحقیق.
(۲) یعنی مقبول نزد اوست.
(۳) یعنی به غیر شرك.

﴿۶﴾ شمارا ازیك شخص آفرید باز ازآن شخص زنش را بیافرید وبرای شما ازچهارپایان هشت قسم فروفرستاد[1] می آفریند شمارا درشکم های مادران شمایك نوع آفریدن بعدازآفریدن دیگر درتاریکی های سه گانه[2] این است خدا پروردگار شما پادشاهی اوراست نیست هیچ معبودی برحق مگر او پس از کجاگردانیده میشوید. ﴿۷﴾ اگرناسپاسی کنید پس هر آئینه خدا ازشما بی نیازست درحق بندگان خود ناسپاسی را نمی پسندد و اگرشکر کنید او را برای شما می‌پسندد وهیچ بردارنده بارِ دیگررا برندارد بازبه سوی پروردگار شما بازگشت شماست پس شمارا به آنچه می کردید خبر می دهد هرآئینه اودانا به مکنونِ سینه ها است. ﴿۸﴾ وچون آدمی را رنجی برسد به جناب پرورد گارخود رجوع کرده به سوی او دعا کند بازچون نعمتی ازنزد خود عطا کندش آنچه راکه دعا میکرد به جهت اوپیش ازین فراموش سازد ومقرر کند برای خدا همتایانی راتا ازراهِ خدا گمراه کند بگو به کفر خود اندك زمانی بهره‌مند باش هرآئینه تو ازاهل دوزخی. ﴿۹﴾ (آیاآن ناسپاس مشرك بهتراست) یا کسیکه اوعبادت کننده است درساعتهایی ازشب سجده کنان وایستاده شده ازآخرت می‌ترسد ورحمت پروردگار خود را امیدمیدارد بگوآیا برابر میشوند آنانکه می دانند وآنانکه نمیدانند جزاین نیست که خداوندان خرد پندپذیر میشوند. ﴿۱۰﴾ بگو (یامحمد) ازطرف من ای بندگان من که ایمان آورده اید ازپروردگار خود بترسید مرآنانراکه نیکوکاری کردند درین دنیا حالت نیك باشد وزمین خدا کشاده است جزاین نیست که تمام داده میشودصابران را مزدایشان بیشمار[3].

(۱) یعنی نروماده شتروگاو وگوسفند وبز والله اعلم.

(۲) یعنی مشیمه ورحم وبطن والله اعلم.

(۳) درین آیت تعریض است به هجرتِ حبشه.

﴿۱۱﴾ بگو هرآئینه مرا فرموده شده که خدا را خالص ساخته برای اوپرستش را عبادت کنم. ﴿۱۲﴾ ومرا فردموده شده به آنکه نخستین مسلمانان باشم. ﴿۱۳﴾ بگو هرآئینه من اگر نافرمانی پرورد گارخود کنم از عذاب روزِ بزرگ میترسم. ﴿۱٤﴾ بگو خدارا عبادت میکنم خالص ساخته برای اوپرستش خودرا[1]. ﴿۱٥﴾ پس هرکرا خواهید غیر از خدا عبادت کنید بگوهرآئینه زیان کاران آنانند که خویشتن را واهلِ خود را روز قیامت درزیان دادند[2] آگاه باش این (ماجرا) همانست زیان ظاهر. ﴿۱٦﴾ ایشان راازبالای ایشان سایبانها ازآتش باشد واززیرایشان نیز سایبانهااین عذاب میترساندخدا به آن بند گان خود را ای بند گان من ازمن بترسید. ﴿۱۷﴾ وآنانکه ازبت احتراز کردند ازآنکه اورا عبادت کنند به سوی خدا رجوع کردند ایشانراست مژده پس بند گان مرا مژده ده. ﴿۱۸﴾ کسانیکه سخن را می شنوند پس نیکوترین آن را پیروی می نمایند ایشانند آنانکه ایشانرا خدا هدایت کرده است و ایشان خداوندان خردند. ﴿۱۹﴾ پس آیا کسی که بروی وعدهٔ عذاب ثابت شد آیاتوآن دوزخی را توانی خلاص کرد. ﴿۲۰﴾ لیکن آنانکه ازپروردگار خود ترسیدند ایشانراست محل های بلند بالای آن محلهای دیگر عمارت کرده شده، زیر آنها جویها میرود وعده کرده است خدا، خدا وعده را خلاف نمی کند. ﴿۲۱﴾ آیا ندیدی که خدا ازآسمان آب فروفرستاد پس درآورد آن را به چشمه هادرزمین باز به سبب آن کشت را گونا گون اقسامِ او برمی آرد باز خشك میشود پس آنرازرد شده می بینی باز آنرا ریزه ریزه میکند هرآئینه دراین (ماجرا) خداوندانِ خرد را پندی هست.

---

(۱) یعنی از شرك.

(۲) یعنی هلاك کردند خود را واهلِ خانهٔ خود را به ضلال واضلال.

﴿۲۲﴾ آیاکسی که خدا سینهٔ اورا برای دین اسلام کشاده کرده است پس او بر روشنی ازجانب پرورد گارخودباشد (مانند سخت دلان است) پس وای آنانرا که دل های ایشان ازیادکردن خدا سخت است ایشان درگمراهی ظاهر اند. ﴿۲۳﴾ خدا بهترین سخن را، نازل ساخت کتابی که بعض اومانند دیگر است آیات مکرر دوتو[۱] موی خیز میشود از شنیدن آن پوست های آنانکه ازپرورد گار خود میترسند بعدازآن پوست های ایشان ودل های ایشان هنگام ذکر خدا نرم میشود این است هدایتِ خدا، راه می نماید به آن هرکرا خواهد وهرکرا خدا گمراه کند پس اورا هیچ راه نماینده ای نیست. ﴿۲٤﴾ آیاکسی که به روی خود ازسختی عذاب روزقیامت احترازمی کند[۲] (ما نندکسی است که چنین نیست؟) وگفته شود ستمکاران را وبال آنچه را میکردید بچشید. ﴿۲٥﴾ بدروغ نسبت کردند آنانکه پیش ازایشان بودند پس بیامد بدیشان عذاب از آنجاکه نمی دانستند. ﴿۲٦﴾ پس خدا ایشانرا خواری درزند گانی دنیا چشانید وهرآئینه عقوبتِ آخرت سخت تراست اگرمی دانستند. ﴿۲۷﴾ وهرآئینه برای مردمان درین قرآن ازهر نوع داستان بیان کردیم بُوَد که ایشان پند گیرند. ﴿۲۸﴾ (فرود آوردیم) قرآن عربی بی عیب را باشد که ایشان پرهیزگاری کنند. ﴿۲۹﴾ خدا مثال بنده ای که در وی شریکان مختلف‌اند بیان کرد وبندهٔ خالص برای مردی آیا برابراند درصفت ستایش خدای راست بلکه بیشترایشان نمیدانند[۳]. ﴿۳۰﴾ (یا محمد) هرآئینه تو خواهی مُرد و هرآئینه ایشان خواهند مُرد. ﴿۳۱﴾ بازالبته شما روزقیامت نزد پروردگار خویش بایکدیگر خصومت خواهید کرد.

(۱) یعنی وعده یا وعید وانذاریا بشارت.

(۲) یعنی غیر از چهره اش چیزی نیابد که عذاب را به آن نگه دارد وما نندداهل نجات باشد.

(۳) یعنی یك بنده که چند کس مالك اوباشند ضائع شود هم چنین کسی که معبودان بسیاررا پرستش میکند ضائع است وبنده ای که خالص برای یك کس است آن یك کس متولی جمیع امور اوباشد همچنین کسیکه موحد باشد ومخلص، خدا کارساز اوست والله اعلم.

﴿۳۲﴾ پس کیست ستمکارتر ازکسی که دروغ بربست برخدا و دین راست را چون به او بیامد دروغ پنداشت آیا دردوزخ جای کافران نیست؟. ﴿۳۳﴾ وآنکه دین راست را آورد وآن را باورداشت آن جماعت ایشان متقیانند. ﴿۳٤﴾ ایشان راست نزد پروردگار ایشان آنچه خواهند این جزای نیکوکاران است. ﴿۳٥﴾ تا خداازایشان دور کند بدترین آنچه کردند وایشان را مزدایشان به حسب نیکوترین آنچه می کردند بدهد. ﴿۳٦﴾ آیا خدا کارسازبندهٔ خود بس نیست؟ وتورا می‌ترسانند به آنانکه غیر خدایند وهرکرا خدا گمراه کند پس اوراهیچ راه نماینده ای نیست. ﴿۳۷﴾ وهر کرا خدا راه نماید پس اورا هیچ گمراه کننده ای نیست آیا خدا غالب خداوندِ انتقام نیست؟. ﴿۳۸﴾ وا گر ایشان را بپرسی کِه آفرید آسمان ها وزمین را؟ البته بگویند خداآفرید بگو آیا دیدید آن را که می پرستید غیر از خدا اگر خواهد درحق من خدای تعالی سختی راآیااین بتان دفع کنندهٔ سختی أو هستند یا اگر خواهد درحق من بخشایش آیا این بتان بازدارندهٔ بخشایشِ او هستند بگو مراخدا بس است بروی توکل می کنند توکل کنندگان. ﴿۳۹﴾ بگوای قوم من عمل کنید بروضعِ خودهرآئینه من نیز عمل کننده ام بروضعِ خود پس خواهید دانست. ﴿٤۰﴾ کسی را که بیایدش عذابی که رسواکندش وبر وی عذاب دایم فرودآید.

﴿٤١﴾ هرآئینه ما برتو کتاب را برای مردمان به راستی فرود آوردیم پس هرکه راه یاب شد پس به نفع او ست وهرکه گمراه شد پس جزاین نیست که به ضرر خود گمراه میشود وتو برایشان نگهبان نیستی. ﴿٤٢﴾ خدای تعالی هنگام موت قبض ارواح آنها را میکند وآن روح که نمرده است در خواب او آن را قبض میکند پس آن را که حکم موت کرده است بر وی نگاه میدارد وآن دیگررا تاوقتی معین می گذارد هرآئینه درین (أمر) برای قومی که تأمل می کنند نشانه هایی است. ﴿٤٣﴾ آیا غیر ازخدا شفاعت کنندگاني گرفته اند؟ بگو (ایشان را که گرفتید) اگرچه نمی توانستندهیچ کاری ونمی دانستند. ﴿٤٤﴾ بگو شفاعت همگی دراختیار خداست مر اورا پادشاهی آسمان ها وزمین است باز به سوی اوگردانیده خواهید شد. ﴿٤٥﴾ وچون خداتنها یادکرده شود دل‌های آنانکه ایمان نمی‌آورند به آخرت متنفرشود وچون یادکرده شوند آنانکه بجزاوهستند ناگاه ایشان شادمان می شوند. ﴿٤٦﴾ بگو بارخدایا ای پیداکنندهٔ آسمان ها وزمین دانندهٔ نهان وآشکار تو میان بندگان خود در چیزیکه ایشان درآن اختلاف میکردند حکم می کنی. ﴿٤٧﴾ واگر آنانراکه ستم‌کردند همگی آنچه درزمین است ومانندآن همراه آن باشد البته به خاطر سختی عذاب روزِ قیامت آنراعوض گردان خود سازند وظاهر شود برای ایشان از جانب خدا آنچه گمان نمی داشتند.

﴿٤٨﴾ وبرای ایشان جزای بدآنچه کرده بودند ظاهر شد وایشان را آنچه بدان استهزاء میکردند درگیرد. ﴿٤٩﴾ پس چون آدمی راسختی برسد مارا بخواند بازچون اورا نعمتی ازطرف خود بدهیم گوید جزاین نیست که این نعمت مرا بنابر دانشی که در منست داده شده است بلکه این نعمت آزمایشی است ولیکن اکثر ایشان نمی دانند. ﴿٥٠﴾ هرآئینه این سخن را آنانکه پیش ازایشان بودند گفتند پس ازایشان آنچه میکردند بلا را دفع نکرد. ﴿٥١﴾ پس بدیشان عقوبت های آنچه می کردند رسید وآنانکه ازین جماعت ستم کردند خواهد رسید بدیشان عقوبت‌های آنچه می کردند وایشان عاجز کننده نیستند. ﴿٥٢﴾ آیا ندانسته‌اند که خدا رزق را برای هرکه میخواهد کشاده میسازد و برای هرکه می خواهد تنگ میکند هرآئینه درین کارنشانه هاست قومی را که ایمان می آورند. ﴿٥٣﴾ بگو (ازطرف من) ای آن بندگان من که برخود ازحد تجاوز کردند ازرحمتِ خدا ناامید مشوید هرآئینه خدا گناهان را همه می آمرزد هرآئینه خدا او آمرزگار مهربان است. ﴿٥٤﴾ وبه سوی پروردگارخویش رجوع کنید واورا پیش ازآن که بیاید به شما عقوبت منقاد شوید باز مدد کرده نشوید. ﴿٥٥﴾ ونیکوترین آنچه را که فرو فرستاده شد به سوی شما از جانب پرورد گار شما پیروی کنید پیش ازآن که به شما عذاب ناگهان بیاید وشما خبر دار نباشید. ﴿٥٦﴾ (به خدا رجوع کنید واتباع قرآن نمایید به جهت ترس از) آنکه شخصی گوید وای پشیمانی من بر تقصیر کردنِ من درحق خدا وهرآئینه من ازتمسخر کنند گان بودم).

﴿٥٧﴾ یا گوید ا گرخدا مرا هدایت کردی البته از متقیان می شدم. ﴿٥٨﴾ یا گوید وقتی که عذاب را معاینه کند کاش مرا رجوعی باشد[1] تا ازنیکوکاران باشم. ﴿٥٩﴾ (آنگاه خدا می فرماید) آری پیش توآیاتِ من آمد پس آنرا دروغ پنداشتی وتکبر کردی واز کافران بودی. ﴿٦٠﴾ وروز قیامت ببینی آنها را که دروغ بستند برخدا ببینی چهره های ایشان سیاه شده است آیا در دوزخ جای متکبران نیست؟. ﴿٦١﴾ وخدا متقیان را قرین رستگاری خویش کرده نجات دهد نرسد بدیشان سختی ونه اندوهگین شوند. ﴿٦٢﴾ خداآفریننده هرچیزاست واوبرهرچیز خبر گیرنده است. ﴿٦٣﴾ مراوراست کلید های آسمان ها وزمین[2] وآنانکه به آیت های خدا کافرشدند این جماعت همانان زیان کاران اند. ﴿٦٤﴾ بگو آیا می فرمایید مرا ای نادانان که غیر خدا را پرستش کنم؟!. ﴿٦٥﴾ وهرآئینه وحی فرستاده شد (یا محمد) به سوی تو وبه سوی آنانکه پیش ازتو بودند که اگر شریك خدا مقرر کنی البته عمل تو نابود گردد والبته اززیان کاران شوی. ﴿٦٦﴾ بلکه خدا را فقط عبادت کن وازشکر گذاران باش. ﴿٦٧﴾ وخدارا حقِ شناختن او نشناختند وروزقیامت همه زمین درقبضه او باشد وآسمان ها در دست راست او پیچیده شوند پاکی اوراست وبرتراست ازآنکه شریك اومقررمیکنند.

---

(١) یعنی به دنیا.

(٢) یعنی مختار ومتصرف اوست.

﴿٦٨﴾ ودر صور دمیده شود پس هرکه در آسمان ها وهرکه درزمین است بمیرد مگر آنکه خدا خواسته است باز درصوربار دیگر دمیده شود پس ناگهان ایشان ایستادگانند می‌نگرند. ﴿٦٩﴾ وزمین به نور پرورد گارخود روشن شود ونامهٔ اعمال نهاده شود وپیامبران وگواهان آورده شوند ومیان آدمیان به راستی حکم کرده شود وایشان ستم کرده نشوند. ﴿٧٠﴾ هر شخصی را جزای آنچه کرده است تمام داده شود وخدا دانا ترست به آنچه می کنند. ﴿٧١﴾ و کافران به سوی دوزخ گروه گروه روان کرده شوند تاوقتی که چون بیایند نزدیك دوزخ دروازه های آن باز کرده شود وگویند ایشان را نگهبانان دوزخ آیا به شما پیامبران از جنس شما نیامده بودند برشما آیاتِ پروردگارشمارا می‌خواندند شمارا ازملاقاتِ این روز شما می ترسانیدند گفتند آری ولیکن حکم عذاب برکافران متحقق شد. ﴿٧٢﴾ گفته شود درآیید به دروازهای دوزخ جاویدان درآنجاپس (دوزخ) بد جایگاه متکبران است. ﴿٧٣﴾ وآنانکه ترسیدند از پرورد گار خویش به سوی بهشت گروه گروه روان کرده شوند تاوقتیکه چون بیایند نزدیكِ بهشت و دروازه های آن باز کرده شود گویند ایشانرا نگاهبانان بهشت سلام برشما باد خوشحال شدید پس به بهشت جاویدان در آیید. ﴿٧٤﴾ وگویند سپاس خدایی راست که باما وعدهٔ خودرا راست کرد ومارا ازبهشت زمین عطا کرد هرجاکه خواهیم جای میگیریم پس بهشت نیك مزدِ کارکنندگان است.

﴿۷۵﴾ وفرشتگان را گردا گردشده دوربرعرش ببینی تسبیح میگویند به ستایش پروردگار خویش ومیان ایشان به راستی حکم کرده شود[1] وگفته شود ستایش برای خدای پروردگار عالم ها است.

سوره غافر ــ مؤمن ــ مکی است وآن هشتاد وپنج آیه و نه رکوع است

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان.

﴿۱﴾ حٰمٓ. ﴿۲﴾ فروفرستادن کتاب ازجانب خدای غالب داناست. ﴿۳﴾ آمرزندهٔ گناه وپذیرندهٔ توبه سخت کننده عقوبت خداوندِ توانگری، نیست هیچ معبودی بر حق مگر او بازگشت به سوی اوست. ﴿٤﴾ درآیت های خدا به جز کافران مکابره نمی کنند پس تورا آمدورفت ایشان در شهرها درفریب نیندازد. ﴿٥﴾ پیش ازایشان قوم نوح وجماعت های دیگر بعدازقوم نوح تکذیب کردند وهرجماعتی به پیامبرخود قصد کرد تا آنرا بگیرند ومکابره کردند به شبهاتِ بیهوده تا به آن سخن درست را ناچیز سازند پس ایشان را گرفتم پس عقوبتِ من چگونه بود؟. ﴿٦﴾ وهم چنین حکم پروردگار تو برکافران که ایشان اهل دوزخ اند ثابت شد. ﴿۷﴾ آنانکه عرش را برمیدارند وآنانکه گرداگرد عرش‌اند به ستایش پروردگارخویش تسبیح میگویند وبه او ایمان می آورند وبرای مومنان آمرزش میخواهند میگویند ای پروردگار ما فرا گرفتی همه چیز را به بخشایش ودانش پس آنان را که توبه کردند وپیروی راه تونمودند بیامرز وایشان راازعذاب دوزخ نگاهدار.

(۱) یعنی در اختصام ملاء اعلی.

﴿۸﴾ ای پرورد گارما وایشانرا به بوستانهای جاودان که وعده کرده ای به ایشان درآر ودرآرنیز هرکه شایسته کار باشدازپدرانِ ایشان وزنانِ ایشان وفرزندانِ ایشان هرآئینه تویی غالب باحکمت. ﴿۹﴾ وایشانرا ازعقوبت ها نگاهدار وهرکرانگاه داری ازعقوبت ها درآن روز پس هرآئینه رحم کرده ای بروی واین (نگاهداشتن) هما نست پیروزی بزرگ. ﴿۱۰﴾ هرآئینه آنانکه کافر شدند آوازداده شوند به تحقیق که دشمنی خدا (در حق شما) ازدشمنی شماباخودتان بیشتراست. چراکه به ایمان فراخوانده می شدید آنگاه کفرمی ورزیدید. ﴿۱۱﴾ گویند ای پروردگار ما مارا دوبار میراندی ومارادوبار زنده گردانیدی پس به گناهان خود اعتراف کردیم پس آیا به سوی بیرون رفتن راهی هست یعنی حیله ای هست[۱]. ﴿۱۲﴾ این عذاب به سبب آنست که چون خداتنها یادکرده میشد انکار میکردید واگر با او شریك مقرر کرده میشد باور میداشتید پس فرمان برای خدای بلند قدر بزر گوار راست. ﴿۱۳﴾ اوست آنکه شمارا نشانه های خود مینماید وبرای شما ازآسمان رزق را فرومیفرستد پندپذیر نمی‌شود مگر کسیکه به خدا رجوع میکند. ﴿۱٤﴾ پس خدا را یادکنید، برای او عبادت را یك جهت ساخته اگرچه کافران ناخوش دارند. ﴿۱۵﴾ او بلند کنندهٔ مرتبه ها است خداوندِ عرش است، می فرستد روح (جبریل) راازفرمان خود بر هرکه خواهد ازبندگان خود تا آن بنده را ازروز ملاقات بترساند. ﴿۱٦﴾ روزیکه ایشان بیرون آیند[۲] برخدا ازایشان چیزی پوشیده نباشد (خدا می فرماید) کِراست پادشاهی امروز (بازخود جواب می دهد) برای خدای یگانهٔ غالب است.

---

(۱) یعنی گویند باخدا وفرشتگان.

(۲) یعنی ازقبور.

﴿۱۷﴾ امروز هر شخصی به حسب آنچه کرده است پاداش داده شود امروز هیچ ستم نیست هرآئینه خدا زود حساب گیرنده است. ﴿۱۸﴾ وایشان راازروز قیامت آنگاه که دلها نزدیك حلقومها (چنبرِ گردن) باشند پُرشده ازغم بترسان، ستمکاران را هیج دوستی نیست ونه شفاعت کننده ای که سخن اوقبول کرده شود. ﴿۱۹﴾ خداخیانت‌چشم هارا وآنچه پنهان میدارند سینه‌ها میداند. ﴿۲۰﴾ وخدا به راستی حکم میکند وآنانکه کافران به جای خدا ایشان را می پرستند به چیزی حکم نمی کنند هرآئینه خدا همون شنوای‌بینا است. ﴿۲۱﴾ آیا درزمین سیر نکرده اند تابنگرند آخر کار آنانکه پیش ازایشان بودند چگونه بود، بودند زیاده ترازایشان به قوت وبه نشانه ها درزمین[1] پس ایشانرا خدابه گناها نشان گرفتارکرد و ایشان را از خدا هیچ پناه دهنده ای نبود. ﴿۲۲﴾ این عقوبت به سبب آن بودکه به ایشان پیامبران ایشان به نشانه‌ها می‌آمدند پس ایشان کافر شدند پس خدا ایشانرا گرفتار کرد هرآئینه خداتوانای سخت عقوبت است. ﴿۲۳﴾ به راستیکه موسیٰ را به نشانه های خویش وحجت ظاهر فرستادیم. ﴿۲٤﴾ به سوی فرعون وهامان وقارون پس گفتند جادوگری دروغگواست. ﴿۲٥﴾ پس چون به‌ایشان به پیغام راست ازنزدیك ما آمد گفتند پسران آنان راکه ایمان آورده‌اند همراه او بکشید زنان ایشان را زنده بگذارید حیله سازِی کافران نیست مگر درتباهی.

(۱) یعنی محل‌هاو قلعه ها بسیار بناکردند.

﴿۲٦﴾ وگفت فرعون ای یاران بگذارید مرا تا موسیٰ را بکشم وباید که پروردگار خویش را دعا کند هرآئینه من ازآنکه دین شمارا تبدیل کند یا پدید آورد در زمین فساد را می ترسم. ﴿۲۷﴾ وگفت موسیٰ هرآئینه من به پروردگارخود وپروردگار شما ازشرهرمتکبری که باور نمیدارد روزِحساب را پناه گرفتم. ﴿۲۸﴾ وگفت مردی مسلمان ازخویشانِ فرعون که ایمانِ خود را پنهان میداشت آیا مردی را به سبب آنکه میگویدپرورد گار من خداست می کشید وهرآئینه پیش شما نشانه ها ازجانب پرروردگارشما آورده است و اگربه فرض دروغگو باشد پس وبالِ دروغگویی اوبراوست واگرراست گوباشد البته به شما بعض آنچه شمارا وعده میدهد برسد هرآئینه خدا کسی راکه ازحد گذرندهٔ دروغ گو باشد راه نمی نماید. ﴿۲۹﴾ ای قوم من شمارا پادشاهی امروز غالب شده درزمین است پس کِه مارا ازعذاب خدا آگربیایدبه ما نصرت دهد فرعون گفت مصلحت نمی دهم شمارا مگر آنچه ادراك میکنم ودلالت نمی کنم شمارا مگر به راهِ راستی. ﴿۳۰﴾ وشخصی که ایمان آورده بود گفت ای قومِ من هرآئینه من برشما ازمانند روزَجماعت های پیشین می ترسم. ﴿۳۱﴾ مانند صورتِ حالِ قوم نوح وعادوثمود وآنانکه بعدازایشان بودند وخدا بربند گان اراده ستم نمی کند. ﴿۳۲﴾ وای قومِ من هرآئینه برشماازروز آواز دادن بایکدیگر می ترسم. ﴿۳۳﴾ روزیکه پشت داده روی بگردانید، شمارا از خدا هیچ نگاه دارنده نَبُوَد وهرکرا خدا گمراه سازد پس اورا هیچ راه نماینده ای نیست.

﴿۳٤﴾ وهرآئینه پیش ازین به شما یوسف با نشانه ها آمده بود پس همیشه ازآنچه آنرا آورده بود پیش شما در شك بودید تاوقتیکه چون بمُرد گفتید نخواهد خدا بعد ازوی پیامبری را فرستاد همچنین خدا کسی را که او از حد درگذرنده شك آرنده است گمراه میکند. ﴿۳٥﴾ آنانراکه مکابره می کنند درآیاتِ خدا به غیر حجتی که پیش ایشان آمده باشد سخت ناپسند شداین مکابرهٔ ایشان نزد خدا ونزد آنانکه ایمان آوردند همچنین خدا برهردل متکبر سرکش مُهرمی نهد. ﴿۳٦﴾ وفرعون گفت ای هامان برای من کوشکی به ساز تاباشد که به راه ها برسم. ﴿۳۷﴾ راه های آسمان ها تا به سوی پروردگارموسیٰ درنگرم وهرآئینه دروغگو می پندارمش وهمچنین درنظر فرعون عمل بد او آراسته شد از راه صواب بازداشته شد وحیله‌سازی فرعون نبود مگردرتباهی. ﴿۳۸﴾ وآنکه ایمان آورده بود گفت ای قوم من پیروی من کنید تا شمارا به راه راست دلالت کنم. ﴿۳۹﴾ ای قوم من جزاین نیست که این زندگانی اندك بهره ای است وهرآئینه آخرت همونست سرای همیشه بودن. ﴿٤۰﴾ هرکه کارِ بد به عمل آورد جزا داده نخواهد شد الاّمانندِ آن وهرکه به جاآورد کارِشایسته خواه از جنس مرد یا از جنس زن درحالی که او مؤمن بود پس درآیند آن جماعت به بهشت ایشان را آن جا رزق بی شمار داده شود.

﴿٤١﴾ و ای قومِ من چیست مراکه شمارا به سوی نجات میخوانم وشما مرا به سوی دوزخ میخوانید. ﴿٤٢﴾ مرا به سوی آن میخوانید که به خدا کافر شوم وبه او چیزی را که نیست مرا به حقیقت آن علم شریك مقرر کنم حال آنکه من شمارا به سوی (خدا) غالب آمرزگار میخوانم. ﴿٤٣﴾ بی شبهه چیزی که شما مرا به سوی آن میخوانید آن چیزرا قبول کردن دعا نیست نه دردنیا ونه درآخرت وبی شبهه بازگشت ما به سوی خداست وبی شبهه ازحد گذشتگان ایشان اهل دوزخ اند. ﴿٤٤﴾ پس آنچه می گویم به شما یادخواهید کرد وامر خود را به خدا می سپارم هرآئینه خدا به احوال بند گان بینااست. ﴿٤٥﴾ پس اوراخداازسختی‌های آنچه مکر کرده بودند ایشان را نگاهداشت وبه خویشانِ فرعون عذاب سخت فراگرفت. ﴿٤٦﴾ برآتش بامداد وشام برآن حاضر کرده میشوند وروزی که قیامت قایم شود گوییم خویشانِ فرعون را درسخت ترین عذاب درآورید. ﴿٤٧﴾ ویادکن چون باهم مجادله میکنند دردوزخ پس ناتوانان گویند سر کشان را هرآئینه ماتابع شما بودیم پس آیا شما ازسرِمایك حصه ای از عقوبتِ آتش دفع کننده هستید. ﴿٤٨﴾ سرکشان گویند هرآئینه ما همه درآتشیم هرآئینه خدا درمیانِ بندگان فیصله کرده است. ﴿٤٩﴾ وآنانکه درآتش‌اند گویند نگاهبانانِ دوزخ را که به جناب پروردگارخویش دعاکنید تا ازما حصهٔ یك روزی را ازعذاب سبك کند.

﴿٥٠﴾ نگاهبانان گویند آیا به شما پیامبران شما به معجزه ها نمی آمدند گویند آری، نگاهبانان گویند پس شما دعاکنید و دعای کافران نیست مگردرتباهی. ﴿٥١﴾ هرآئینه ما پیامبرانِ خویش را نصرت می دهیم وآنان را که ایمان آوردند در زندگانی دنیا ونیز روزیکه گواهان[١] قایم شوند. ﴿٥٢﴾ روزیکه ستمکاران را عذرآوردنِ ایشان سود ندهد وایشانرا لعنتاست وایشانرا عقوبتِ آن سرای است. ﴿٥٣﴾ وهرآئینه موسیٰ را هدایت دادیم وبنی اسرائیل را وارثِ کتاب ساختیم. ﴿٥٤﴾ برای راه نمودن وپنددادن خداوندانِ خِرَد. ﴿٥٥﴾ پس صبر کن هرآئینه وعدهٔ خدا راست است و برای گناهِ خود آمرزش طلب کن وباستایش پروردگارخود به شام وبامداد تسبیح گو. ﴿٥٦﴾ هرآئینه آنانکه درآیت های خدا به غیر حجتی که آمده باشد به ایشان مکابره میکنند نیست درسینه های ایشان مگر ارادهٔ غلبه که ایشان به آن رسنده نیستند پس ازخدا پناه طلب کن هرآئینه خدا او شنوای‌بینا است. ﴿٥٧﴾ هرآئینه آفریدنِ آسمان ها وزمین از آفریدن آدمیان[٢] بزرگ تراست ولیکن اکثر مردمان نمیدانند. ﴿٥٨﴾ ونابینا وبینا برابرنیستند وآنانکه ایمان آورده‌اند وکارهای شایسته کرده‌اند بابدکار برابرنیستند، اندکی پندپذیرمی شوید.

(١) یعنی فرشتگان گواهی دهند.

(٢) یعنی اعادهٔ ایشان.

﴿۵۹﴾ هرآئینه قیامت آمدنی است درآن شکی نیست ولیکن اکثر مردمان باورنمیدارند. ﴿۶۰﴾ وپروردگار شما گفت دعاکنید به جنابِ من تا دعای شمارا قبول کنم هرآئینه آنانکه ازعبادتِ من تکبر می کنند به دوزخ خوارشده داخل خواهند شد. ﴿۶۱﴾ خدا آنست که برای شما شب را آفرید تا درآن آرام گیرید وروزرا به وجهی آفرید که درآن دیدن یکدیگر باشد هرآئینه خدا برمردمان خداوندِ فضل است ولیکن اکثر مردمان شکر نمی کنند. ﴿۶۲﴾ اینست خدا پرورد گارشما آفریننده‌ٔ هرچیز نیست هیچ معبودبرحقی بجزوی پس چگونه برگردانیده میشوید. ﴿۶۳﴾ همچنین برگردانیده می شوند آنانکه به آیاتِ خدا انکار میکردند. ﴿۶۴﴾ خدا آنست که برای شما زمین را قرار گاه وآسمان را سقف ساخت وشمارا صورت بست پس صورت‌های شما را نیکو ساخت وشمارا ازپاکیزه ها روزی داد این است خدا پروردگارشما پس بسیار بابرکت است خدای پروردگار جهانیان. ﴿۶۵﴾ اوست زنده، نیست هیچ معبود برحقی مگر او پس اورا عبادت کنید یك جهت ساخته برای او عبادت را ستایش برای خدای پروردگارعالمها است. ﴿۶۶﴾ بگوهرآئینه من ازآنکه آنان را که شما می‌پرستید بجز خدا عبادت کنم منع کرده شدم چون آمد به من نشانه ها از جانب پروردگار من وفرموده شد مراکه به پرورد گار عالمها منقادشوم.

﴿٦٧﴾ اوست آنکه شمارا ازخاك آفرید باز ازنطفهٔ منی بازازخون بسته باز شمارا کودك شده بیرون می‌آورد باز باقی میگذارد تابرسید به نهایت قوت خود باز باقی میگذارد تا شوید پیرِکلان سال وبعضی از شماکسی هست که قبض روح او پیش ازین کرده شود وباقی میگذارد تا برسید بمدتی معین وتابُوَدکه بفهمید. ﴿٦٨﴾ اوست آنکه زنده می کند ومی میراند پس چون بخواهد (پیداکردن) چیزی را پس جزاین نیست که می گویدش بشو پس می‌شود. ﴿٦٩﴾ آیا به سوی آنانکه درآیاتِ خدا مکابره میکنند ندیدی چگونه گردانیده می شوند. ﴿٧٠﴾ آنانکه کتاب وآنچه را که فرستادیم به آن پیامبرانِ خود را تکذیب کردند حقیقتِ حال خواهند دانست. ﴿٧١﴾ وقتیکه طوقها درگردن‌های ایشان باشند وزنجیرهانیز کشیده شوند. ﴿٧٢﴾ درآب گرم بازدرآتش پرتافته شوند. ﴿٧٣﴾ باز ایشان را گفته شود کجاست آنچه شریك مقرر میکردید؟. ﴿٧٤﴾ غیر از خدا گویند ازنظرما گم شدند بلکه هرگز پیش ازین چیزی را نمی پرستیدیم همچنین خدا کافران را گمراه میکند. ﴿٧٥﴾ این عقوبت به سبب آنست که درزمین به ناحق شادمان می شدید وبه سبب آنست که می نازیدید. ﴿٧٦﴾ به دروازهای دوزخ درآیید جاویدان آنجا پس (دوزخ) بدجای متکبران است. ﴿٧٧﴾ پس صبر کن (ای محمد) هرآئینه وعدهٔ خداراست است پس اگر تورا بعض آنچه وعده میدهیم ایشان را بنماییم (فبها) یا اگر قبض روح تو کنیم پس به سوی ما کافران بازگردانیده شوند.

﴿۷۸﴾ وهرآئینه پیامبران را پیش ازتو فرستادیم ازایشان کسی‌است که قصه اش رابرتوخوا ندیم وازایشان کسی هست که قصه اش را برتو نخوانده‌ایم وهیچ پیامبررا نبُوَد که نشانه ای بیارد مگر به فرمان خدا پس وقتیکه فرمان خدا آمد به راستی فیصله کرده شود وآنجابیهوده گویان زیان کارشدند. ﴿۷۹﴾ خداآنست که برای شما حیوانات را بیافرید تا بربعض آنها سوار شوید وبعض آنهارا میخورید. ﴿۸۰﴾ وشمارا درچهارپایان منفعت هااست وتابرسید سوارشده برآنهابه مقصدی که درسینه های شما مستقر شده است وبرچهارپایان ونیز برکشتی‌ها برداشته میشوید. ﴿۸۱﴾ وخدا شمارا نشانه های خود مینماید پس کدام يك ازنشانه های خدارا انکار میکنید؟. ﴿۸۲﴾ آیا درزمین سیرنکرده اند تابنگرند آخر کار آنانکه پیش ازایشان بودند چگونه بود، بودند بیشتر ازایشان وزیاده تر به قوت وبه نشانه‌ها درزمین پس دفع نکرد ازایشان آنچه کسب میکردند. ﴿۸۳﴾ پس وقتی که به سوی ایشان پیامبران ایشان بامعجزه ها آمدند به آنچه نزديك ایشان بود از دانش شادمان شدند[1] ودرگرفت ایشان را آنچه به آن استهزاء می‌کردند. ﴿۸٤﴾ پس وقتیکه عقوبت مارا دیدند گفتند خدای را تنها باورداشتیم وبه آنچه که آنرا شريك می کردیم منکر شدیم. ﴿۸٥﴾ پس هرگز ایشان را ایمانِ ایشان وقتیکه عقوبت مارا دیدند نفع ندهد آئین خدا که در بندگان او گذشته است (چنین است) وآنجا کافران زیان‌کار شدند.

---

(۱) یعنی علمِ معاش.

سوره فصلت ـ حم سجده ـ مکی است وآن
پنجاه وچهار آیت وشش رکوع است

﴿١﴾ حمٓ. ﴿٢﴾ این فروفرستادن ازجانب خدای بخشاینده مهربان است. ﴿٣﴾ این کتابیست واضح ساخته شدآیاتِ اودرحالیکه قرآن عربی است برای قومی که میدانند. ﴿٤﴾ درحالیکه مژده دهنده وترساننده است پس اکثر مردمان رویگردان شدند پس ایشان نمی شنونند. ﴿٥﴾ وگفتند دل های ما ازآنچه میخوانی مارا به سوی آن درپردەهاست ودرگوش های ما گرانی است ومیان ما ومیان تو حجابی است پس کارکن هرآئینه ما کارکننده ایم[(١)].
﴿٦﴾ بگوجزاین نیست که من مانند شما آدمیام وحی کرده میشود به سوی من اینکه معبود شما معبود یگانه است پس راست به سوی او متوجه شوید واز اوطلبِ آمرزش کنید، و وای برای آن مشرکان. ﴿٧﴾ آنانکه زکوٰة را نمیدهند وایشان به آخرت کافراند.
﴿٨﴾ هرآئینه آنانکه ایمان آوردند وکارهای شایسته کردند برای ایشان مزدِ غیر مقطوع است.
﴿٩﴾ بگوآیاشما نامعتقد می شوید به کسی که زمین را دردوروز آفرید وبرای او همتایانی را مقرر میکنید، اینست پرورد گارعالمها. ﴿١٠﴾ ودرزمین کوه ها بالای آن پیداکرد ودرآن برکت نهاد ودر آن قُوتِ اهلِ آن رادرتتمه چهار روز اندازه کرد بیان واضح کرده شد برای سوال کنند گان. ﴿١١﴾ باز به سوی آسمان متوجه شد واو دود بود گفت اورا و زمین را نیز بخوشی یا ناخوشی[(٢)] بیایید گفتند هردو بخوشی آمدیم.

(١) یعنی، هریکی ازما به طریق خود عمل کند.
(٢) یعنی منقاد حکم من شوید والله اعلم.

﴿۱۲﴾ پس آنها را هفت آسمان در دو روزدیگر ساخت ودرهرآسمانی تدبیر آن را وحی فرستاد وآسمانِ دنیا را به چراغ ها[۱] بیاراستیم ونگاهداشتیم[۲] این تدبیر خدای غالب دانا است. ﴿۱۳﴾ پس اگر رویگردان شوند بگو شماراازعقوبتی مانند عقوبتِ عاد و ثمود ترسانیدم. ﴿۱٤﴾ وقتیکه بدیشان پیامبران ازپیش روی ایشان واز پس پشتِ ایشان آمدند که عبادت مکنید مگر خدای را گفتند اگر خواستی پروردگارما فروفرستادی فرشتگانرا پس هرآئینه ما به آنچه فرستاده شدید به آن نا معتقدیم. ﴿۱٥﴾ اماقوم عاد پس درزمین به ناحق تکبر کردند وگفتند کیست زیاده ترازما به قوت آیا ندیدند که آن خدایی که بیافرید ایشان را او ازایشان به قوت زیاده تراست وایشان بآیاتِ ما انکار می کردند. ﴿۱٦﴾ پس برایشان بادی تند در روزهای شوم فرستادیم تا ایشانرا عذاب رسوایی در زند گانی دنیا بچشانیم وهرآئینه عذاب آخرت رسواکننده تراست وایشان نصرت داده نشوند. ﴿۱۷﴾ واماثمود پس ایشان را راه نمودیم پس نابینایی را برراه یابی اختیار کردند پس ایشان را عقوبتِ سخت عذابِ خواری درگرفت به سبب آنچه میکردند. ﴿۱۸﴾ وآنان را که ایمان آوردند وپرهیزگاری میکردند نجات‌دادیم. ﴿۱۹﴾ وآن روز که دشمنانِ خدا (روان ساخته) به سوی آتش گرد آورده می شوند، پس ایشان باین حال باشند که بعضی را تابرسیدن بعضی دیگر ایستاده کرده میشود. ﴿۲۰﴾ تاوقتیکه چون نزدیك دوزخ بیایند برایشان گوش ایشان وچشمهای ایشان وپوست های ایشان گواهی می دهد به آنچه می کردند.

---

(۱) یعنی ستاره ها.

(۲) یعنی ازشیاطین.

﴿۲۱﴾ وپوست های خودرا گفتند چرا برما گواهی دادید گویند گویاکرد ماراآن خدایی که هر چیزرا گویاکرده است واو اوّل بار شمارا بیافرید وبه سوی اوباز گردانیده شوید. ﴿۲۲﴾ وپنهان نمی شدید (هنگام ارتکاب معاصی از خوف) آنکه گواهی دهد برشما گوش شما وچشم های شما وپوست های شما ولیکن پنداشتید که خدا بسیاری ازآنچه می کنید نمیداند. ﴿۲۳﴾ واین گمانِ شما که درحقِ پروردگار خویش به غلط اندیشه کردید شمارا هلاك کرد پس زیان کارگشتید. ﴿۲٤﴾ پس ا گر صبر کنند پس آتش خوابگاه ایشان است و اگرعفوطلبند پس ایشان عفو کرده شدگان نیستند. ﴿۲۵﴾ و برای ایشان همنشینان برگماشتیم[۱] پس آن همنشینان برای ایشان آراسته کردند آنچه پیش روی ایشانست وآنچه پس پشت ایشانست[۲] وبرایشان وعدهٔ عذاب متحقق شده درامتانیکه پیش ازایشان گذشته اند از جن و آدمیان ثابت شد هرآئینه ایشان زیان کاربودند. ﴿۲٦﴾ وکافران گفتند این قرآن را مشنوید وسخن بیهوده گویید دراثناء خواندنِ آن تاکه شما غالب شوید. ﴿۲۷﴾ پس البته کافران را عذاب سخت بچشانیم والبته ایشانرا به حسب بدترین آنچه می کردند جزا می دهیم. ﴿۲۸﴾ این آتش جزای دشمنانِ خدا است ایشان را درآنجا منزل علی الدوام باشد به (کیفر) آنکه به آیاتِ ما انکار میکردند سزادادیم. ﴿۲۹﴾ وکافران گویند ای پروردگار ما ماراآن دوکس[۳] که مارا گمراه ساختند از جنسِ جن وازجنسِ انس بنما تا آن هردو را زیر قدم های خود در آوریم تاپست وپامال شوند.

---

(۱) یعنی از شیاطین والله اعلم.

(۲) یعنی وسوسه انداختند که دنیاقابل رغبت است وآخرت قابل رغبت نیست والله اعلم.

(۳) یعنی آن دو فریق.

﴿۳۰﴾ هرآئینه آنانکه گفتند پروردگار ما خداست باز قایم ماندند، فرشتگان[1] برایشان فرود می آیند که مترسید واندوه مخوریدوخوش حال شوید به بهشتی که وعده داده می شدید. ﴿۳۱﴾ ما در زند گانی دنیا ودرآخرت نیز دوستان شماییم و برای شما درینجا آنچه را که دلتان بخواهد هست وبرایتان در آنجاآنچه راکه درخواست کنید هست. ﴿۳۲﴾ (به عنوان) مهمانی ازجانب (خدای) آمرزندهٔ مهربان. ﴿۳۳﴾ و کیست نیکوتر به اعتبار سخن ازشخصی که دعوت کرد مردمان را به سوی خدا وکار شایسته انجام داد و گفت هرآئینه من ازمسلمانانم. ﴿۳٤﴾ ونیکی وبدی برابرنیست به شیوه ای که آن بهتراست پاسخ دِه پس ناگاه آن کس که میان تووميان وی دشمنی است گویا وی دوست خویشاوند است. ﴿۳٥﴾ وبه این شیوه نایل نمی شوند مگر آنانکه صبر کردند به این شیوه مگر صاحبِ نصیب بزرگ نایل نمی گردد. ﴿۳٦﴾ وا گر تورا وسوسه بازگردانندهٔ آمده از شیطان باز گرداند پس به خدا پناه بر هرآئینه خدا شنوای دانا است. ﴿۳۷﴾ وشب و روز وخورشید وماه از نشانه های اوست برای خورشید وهم برای ماه سجده نکنید وبرای خدایی سجده کنید که این چیز هارا آفرید ا گر شماهستید فقط اورا عبادت می کنید. ﴿۳۸﴾ پس اگرتکبر کنند کافران (چه باك) پس آنانکه نزدیك پروردگارتواند اورا شب و روز به پاکی یاد می کنند وایشان مانده نمی شوند.

(۱) یعنی نزدیكِ موت.

﴿٣٩﴾ وازنشانه های اوآنست که می بینی زمین را فرسوده پس وقتیکه برسرِآن آب را فرود آوردیم به جنبش آمدوبلند شد هرآئینه آنکه زمین را زنده کرده است البته زنده کنندهٔ مردگانست هرآئینه اوبرهمه چیز تواناست. ﴿٤٠﴾ هرآئینه آنانکه درآیاتِ ما کج روی میکنند بر ما پوشیده نیستند آیا کسی که درآتش انداخته شود بهتراست یا کسی که ایمن شده روز قیامت بیاید هرچه خواهید بکنید هرآئینه خدا به آنچه می کنید بیناست. ﴿٤١﴾ هرآئینه آنانکه به قرآن وقتیکه بدیشان آمد کافرشدند (پوشیده نیستند ازما) و بتحقیق آن کتابی گرانقدر است. ﴿٤٢﴾ به او باطل از پیش روی او وهم ازپس پشتِ او راه نمی یابد ازخدای دانای ستوده فرستاده شده است. ﴿٤٣﴾ (یا محمد) گفته نمی شود تورا مگر آنچه گفته شده بود به پیامبرانِ پیش ازتو هرآئینه پروردگارتو خداوند آمرزش است وخداوند عقوبتِ درد ناك است. ﴿٤٤﴾ وا گر این کتاب را قرآنی به زبان عجم می کردیم هرآئینه می گفتند (کافرانِ عرب) چرا آیاتِ او واضح کرده نشد آیا قرآن عجمی است ومخاطب عربی !! بگوقرآن برای مسلمانان هدایت وشفاست وآنانکه ایمان نمی آورند درگوش های ایشان گرانی است وقرآن برایشان مایهٔ کوریست این جماعت (به مَثَل چنانند) که ازجای دور آواز داده میشوند. ﴿٤٥﴾ وهرآئینه موسیٰ را کتاب دادیم پس درآن اختلاف کرده شد واگر کلمهٔ تقدیر سابق صادر شده از پروردگارِتو نبودی البته درمیان ایشان فیصله کرده می‌شد وهرآئینه ایشان از قرآن درشك قوی اند. ﴿٤٦﴾ هرکه کارنیك انجام دهد پس برای نفع خودش وهرکه بدکاری کند پس وبال برویست وپرودگارتو بربندگان ستم کننده نیست.

﴿٤٧﴾ معرفت قیامت به سوی خدا حواله کرده میشود وبیرون نمی آید اجناس میوه ها ازغلاف های خود وهیچ ماده درشکم بارنمی‌گیرد وبارشکم را نمی نهد مگر بدانستِ خدا وروزیکه خدا ایشان را آواز دهد که کجایند شریکان من؟ گویند تورا خبردادیم که ازماهیچ کس گواهی دهندهٔ شریکان (باتو) نیست. ﴿٤٨﴾ وازنظر ایشان آنچه می پرستیدند پیش ازین گم شد ودریابند که ایشان را هیچ راه رهایی نیست. ﴿٤٩﴾ آدمی از طلبِ خیر مانده نمی شود و اگر سختی برسدش پس ناامید طمع برنده است. ﴿٥٠﴾ اگر اورا بخشایشی ازجانبِ خود بعدازسختی‌ای که رسیده باشد به وَی بچشانیم البته گوید که این برای من است[1] ونمی پندارم که قیامت قایم شود و اگربالفرض مرا به سوی پروردگارمن باز گردانیده شود هرآئینه مرا نزدیكِ اوحالت خوش باشد پس البته کافران را به آنچه میکردند خبردارمی کنیم والبته ایشان رااززعقوبتِ سخت بچشانیم. ﴿٥١﴾ وچون برآدمی انعام کنیم روی بگرداند و پُرغرور دور شود وچون رنج برسدش پس صاحب دعای بسیاراست. ﴿٥٢﴾ بگو آیا دیدید که اگر قرآن ازجانب خدا باشد باز به آن کافرشوید کیست گمراه تر از شخصی که در مخالفت دوراز صواب باشد. ﴿٥٣﴾ ایشان را نشانه‌های خود در اطرافِ عالم ودرنفسهایشان نیز خواهیم نمایاند تاآنکه واضح شود برایشان که این سخن راست است آیا پروردگار تورا بس نیست آنکه اوبرهرچیز آگاه است. ﴿٥٤﴾ آگاه شو هرآئینه ایشان از ملاقات پرورد گارِخویش در شبهه اند آگاه شو هرآئینه خدا به همه چیزاحاطه دارد.

(١) یعنی خاطر جمع کندوخوف ازدلِ اوزایل شود والله اعلم.

سوره شوری مکی است وآن پنجاه وسه آیه وپنج رکوع است

﴿۱﴾ حٰمٓ. ﴿۲﴾ عٓسٓقٓ. ﴿۳﴾ همچنین خدای غالب باحکمت به سوی تو و به سوی کسانیکه پیش ازتوبودند وحی میفرستد. ﴿٤﴾ آنچه درآسمانها وآنچه درزمین است از آنِ خدا است واو بلند مرتبه بزرگ قدر است. ﴿٥﴾ نزدیك است که آسمان ها از فرازشان بشگافند[1] وفرشتگان تسبیح میگویند به حمد پرورد گارخویش وآمرزش طلب می کنند برای آنانکه درزمین اند آگاه شو هرآئینه خدا او آمرزندهٔ مهربان است. ﴿٦﴾ کسانی که جزاو دوستانی گرفته اند، خدا برایشان نگهبان است وتوبرایشان متعهد نیستی. ﴿۷﴾ وهمچنین به سوی توقرآن عربی را وحی فرستادیم تا اهل مکه را وآنان را که گردا گردِ آن هستند بترسانی واز روزقیامت بترسانی که درآن هیچ شکّی نیست گروهی در بهشت وگروهی دردوزخ باشند. ﴿۸﴾ واگر خدا می‌خواست ایشان را یك امت قرا رمی داد ولیکن هرکرا بخواهد دررحمتِ خود درمی‌آورد و ستمکاران هیچ یارویاوری برای آنها نیست. ﴿۹﴾ آیا جزازخدا دوستان گرفته اند پس خداهمونست کارساز وهمون فقط مردگان را زنده میکند واوبر هرچیز تواناست. ﴿۱۰﴾ وآنچه درآن اختلاف کردید هرچه باشد پس فیصله اش به خدا حواله می گردد این است خدا پروردگارمن براوتوکل کردم به سوی اورجوع می کنم.

(۱) یعنی ازهیبتِ الهی والله اعلم.

﴿١١﴾ آفرینندهٔ آسمان ها وزمین است برای شماازجنس شما زنان را پیداکرد واز جنس چهار پایان انواع گوناگون پیداکرد شمارا بااین تدبیر پرا کنده میکند مانندِ او (هیچ) چیزی نیست واو شنوای بینا است. ﴿١٢﴾ و کلید های آسمان ها وزمین برای اوست روزی را برای هرکسی که بخواهد وسعت میدهد وبرای هر کس که بخواهد تنگ میکند هرآئینه اوبهر چیز داناست. ﴿١٣﴾ مقرر کرد برای شما ازآئین آنچه به‌اقامتِ آن نوح را امرکرده بود وآنچه به سوی تو وحی فرستادیم وآنچه به‌اقامتِ آن ابراهیم وموسیٰ وعیسیٰ را [به این مضمون] امرکردیم که دین را قائم کنید ودرآن متفرق نشوید دشوار آمد برمشرکان آنچه ایشان را به آن میخوانی، خدا هرکه را بخواهد به سوی خود برمی گزیند و به سوی خود هر که را که رجوع میکند هدایت مینماید[١]. ﴿١٤﴾ وامتّها پرا گنده نشدند مگربعدازآن کِه بدیشان علم ودانش آمد ازروی حسد در بین آنها و اگر نمی بود سخنی که قبلاً ازپرورد گارتو صادر شدْ که تا زمانی معین مهلت داده شوند البته میانِ ایشان فیصله کرده میشد وهرآئینه آنانکه ایشان را کتاب آسمانی بعدازانبیاء داده شد البته به شدت درآن شبهه وشك دارند. ﴿١٥﴾ پس به سوی دین دعوت کن وچنانچه امرشده اي پایدارباش وازخواهش های این کافران پیروی مکن وبگو به تمام آنچه فرود آورد خدا از هرکتاب که هست ایمان آوردم وامرشده‌ام که میانِ شما عدل وانصاف را جاری کنم خدا پروردگارماست وپروردگار شماست عملهای ما برای ماست وعملهای شما برای شماست گفتگو یی بین ماو شما نیست خدا بین ماو شما جمع می کند[٢] وبازگشت به سوی اوست.

(١) یعنی به سوی حق، حاصل آن است که انبیاء علیهم السلام دراصولِ دین متفق اندواختلافِ شرائع فقط در فروع است والله اعلم.

(٢) یعنی روزقیامت.

﴿١٦﴾ وآنانکه دردین خدا بعد ازآنکه قبول کرده شدفرمان او مجادله می کنند[1] مجادله ایشان نزد پروردگارشان باطل است وبرایشان غضب وخشم است وبرایشان عذاب سخت است. ﴿١٧﴾ خداآنست که کتاب را به راستی وترازو را نیز فرود آورد وچه چیز تورا برحقیقتِ امر مطلع ساخت شاید که آمدنِ قیامت نزدیك باشد. ﴿١٨﴾ قیامت را زود طلب میکنند آنانکه بهآن ایمان ندارند وآنانکه باورداشته اند ازان ترسانند ومیدانند که آن راست وحقیقت است آگاه شو هرآئینه آنانکه درآمدن قیامت مجادله می کنند هرآئینه درگمراهی دُور هستند. ﴿١٩﴾ خدا بربندگان خود مهربان است روزی میدهد هرکه را خواهد واو توانای غالب است. ﴿٢٠﴾ هرکه خواسته باشدکِشت آخرت را برای اودرکشتِ او بیفزاییم وهرکه کِشتِ دنیارا خواسته باشد اورا بعضی از دنیا بدهیم واورا درآخرت هیچ نصیبی نیست. ﴿٢١﴾ آیا کافران را شریکانی هستند که برای ایشان ازدین مقرر کردند آنچه که خدا آن را نفرموده است و اگر وعدهٔ فیصله کردن نبودی البته میانِ ایشان فیصله کرده میشد هرآئینه ستمکاران برایشان عذاب درد ناك است. ﴿٢٢﴾ ببینی ستمکاران را ترسان ازجزای آنچه به عمل آورده اند وآن البته به ایشان رسنده است وآنانکه ایمان آورده اند وکارهای شایسته کرده اند در بوستان هاوسبزه زارها باشند، ایشان را آنچه درخواست کنند نزد پروردگار خویش باشد این فضلِ بزرگ است.

(١) یعنی جمعی دراسلام داخل شدند والله اعلم.

﴿۲۳﴾ این آن ثواب است که خدا به آن بند گان خود را که ایمان آورده‌اند وکارهای شایسته کرده‌اند مژده میدهد بگو ازشما برتبلیغ قرآن هیچ مزدی نمی طلبم لیکن باید که دوستی درمیان خویشاوندان پیش گیرید[1] وهرکه نیکی بکند برای اودرآن پاداش نیکی می افزاییم هرآئینه خدا آمرزگار قدرشناس است. ﴿۲٤﴾ آیا میگویند پیامبر برخدا دروغ را افترا کرده است پس اگر خدا خواهد بردلِ تو مُهرنهد وخدا بیهوده را نابود می سازد ودین درست را به سخن های خود اثبات می کند هرآئینه خدا به آنچه درسینه هاست داناست. ﴿۲٥﴾ واوست آنکه توبه را از بند گان خود قبول میکند و از جرمها درمی گذرد وآنچه راکه می‌کنید میداند. ﴿۲٦﴾ ودعای کسانی راکه ایمان آورده اند وکارهای شایسته کرده اند قبول می کند و ایشان را ازفضل خود زیاده میدهد وکافران برای ایشان عذاب سخت است. ﴿۲۷﴾ واگر خدا روزی را بر بندگانش فراخ می گرداند البته درزمین فساد میکردند ولیکن به اندازهٔ آنچه می خواهد فرودمی‌آورد هرآئینه خدابه بندگان خود دانای بیناست. ﴿۲۸﴾ واوست آنکه باران را بعدازآنکه ناامیدشدند فرود می‌آورد ورحمتِ خود را پرا کنده میسازد واو کارساز ستوده کار است. ﴿۲۹﴾ وازنشانه های اوآفریدن آسمان ها وزمین است وآفریدن آنچه دراین هردوازجانوران پراکنده کرده است واوبر جمع آوری ایشان وقتیکه بخواهد تواناست. ﴿۳۰﴾ وهرچه به شما از مصیبت ها برسد پس ازدست آوردخودتان است وازبسیاری درمیگذرد. ﴿۳۱﴾ وشما درزمین عاجز کننده نیستید وبرایتان جز خدا هیچ کارسازی ونصرت دهنده ای نیست.

---

(۱) یعنی بامن صلهٔ رحمی کنید وایذانرسانید.

﴿۳۲﴾ وازنشانه های او کشتی های مانندِ کوه ها دردریا روان است. ﴿۳۳﴾ اگرخواهد باد را باز می دارد پس کشتی ها برپشت دریا ایستاده شود هرآئینه درین امر برای هرصبر کننده ٔ شکرگزارنده نشانه هاست. ﴿۳٤﴾ یا اگرخواهد اهل کشتی هارا هلاك کند به سبب آنچه کردند واز بسیار تقصیرات درمیگذرد. ﴿۳٥﴾ (تاانتقام کشدازایشان) وتا آنانکه خصومت می‌کنند درآیاتِ ما بدانند که ایشان راهیچ جای فرار (از عذاب) نیست. ﴿۳٦﴾ پس هر آنچه که به شما داده شدْه است بهره ٔ زند گانی دنیاست وآنچه نزد خداست برای کسانیکه ایمان آورده اند و بر پروردگار خود توکل می‌کنند بهتر وماندگارتر است. ﴿۳۷﴾ کسانیکه ازگناهان کبیره واز زشت کاریها پرهیزمی‌کنند وچون ایشان خشمگین شوند گذشت می‌کنند. ﴿۳۸﴾ وآنانکه فرمان پروردگارخود را قبول کردند ونماز را برپاداشتند وکارایشان بایکدیگر ازسرِ مشورت باشد وازآنچه ایشان را روزی دادیم خرج می کنند. ﴿۳۹﴾ وآنانکه چون تجاوزی به ایشان برسد، ایشان انتقام می کشند(۱). ﴿٤۰﴾ وسزای بدی بدی‌ای مانندِآن است پس هرکسی که درگذرد وقضیه رابه صلاح آورد پس پاداشِ اوبرخداست هرآئینه خدا ظالمان را دوست نمی دارد. ﴿٤۱﴾ وهرآئینه کسی که انتقام گیرد بعد مظلوم شدنِ خود پس آن جماعت رابرایشان هیچ راه ملامت نیست. ﴿٤۲﴾ جزاین نیست که راه ملامت برآن جماعت است که برمردمان ظلم می کنند ودرزمین به ناحق فساد می طلبند آن جماعت بر ایشان عذاب درد ناك است. ﴿٤۳﴾ وهرکه صبر کند وبیامرزد هرآئینه این صفت(۲) ازکارهای مقصوداست. ﴿٤٤﴾ وهر که را خدا گمراه کند پس اوراهیچ کارسازی بعدازوی نیست ستمکاران چون عذاب را معاینه کنند ببینی می گویند آیا به سوی بازگشت هیچ راهی هست.

(۱) مترجم گوید یعنی ا گربر ضعیفی ظالم تعدی کند بزرگانِ قبیله متفق شوند وانتقام گیرند والله اعلم.

(۲) مترجم گوید مغفرت در حقِ خود عزیمت است وانتقام رخصت ودر حقِ ضعفاء قوم انتقام لازم است مگر آن که ضعفاء درگذ رند والله اعلم.

﴿٤٥﴾ وایشان را ببینی پیش آورده شوند نزدیکِ دوزخ متواضع شده از خواری به گوشهٔ چشم نیم کشاده می‌نگرند وگفتند اهل ایمان هرآئینه زیان کاران کسانی هستند که خویشتن را وخویشاوندانِ خود را روزقیامت زیان دادند آگاه شو هرآئینه ستمکاران درعذاب دایم باشند. ﴿٤٦﴾ وایشان را کارسازان که ایشان را نصرت دهند بجز خدا نباشد وهرکه را خدا گمراه کند پس هیچ راه (نجاتی) برای اونیست. ﴿٤٧﴾ فرمان پروردگار خود را قبول کنید پیش ازآنکه بیاید روزیکه آن راازجانب خدا بازگشت نیست آن روز شماراهیچ پناهگاهی نیست وبرای شما هیچ بازخواست کننده ای نیست. ﴿٤٨﴾ پس اگرروی بگردانند پس تورا برایشان نگهبان نفرستاده ایم، برتو جزرسانیدن (پیام إلهی) نیست وهرآئینه ماچون آدمی را ازجانب خود رحمتی بچشانیم به آن شادمان شود واگر به آدمیان مصیبتی برسد به سبب آن است که دست های ایشان فرستاده است پس هرآئینه آدمی ناسپاس است. ﴿٤٩﴾ پادشاهی آسمان‌هاوزمین ازآنِ خدا است هر چه می خواهد می آفریند، عطا می کند دختران هرکه‌را خواهد وپسران عطامی‌کند هرکه را خواهد. ﴿٥٠﴾ یا برای ایشان پسران ودختران را جمع می کند وهرکه را خواهد نازا میسازد هرآئینه اودانا ی توانا است. ﴿٥١﴾ و هیچ آدمی را ممکن نیست که خدابا او سخن گوید مگر به اشارت یااز پس پرده یا فرشته را بفرستد پس نازل کند به حکم خدا آنچه خدا خواسته است هرآئینه خدابلند مرتبهٔ باحکمت است[1].

(۱) مترجم گوید اشارت: واین عبارت از دیدن خواب است وازالقای علم درخاطر بطریق الهام وازپسِ پرده عبارت ازآن است که آواز شنود وکسی را نبیند و قسم ثالث آنست که فرشته بصورت آدمی متمثل شود وسخن گوید والله اعلم.

﴿۵۲﴾ وهمچنین به سوی تو قرآن را ازکلامِ خود وحی فرستادیم تو نمیدانستی که چیست کتاب و نمیدانستی که چیست ایمان و لیکن وحی را روشنی ساخته ایم به آن هرکه‌را میخواهیم از بند گانِ خویش راه می نماییم وهرآئینه تو به سوی راه راست هدایت می کنی. ﴿۵۳﴾ راهِ خدایی که آنچه در آسمان هاست وآنچه درزمین است ازآنِ اوست آ گاه شوکِه کارها به سوی خدا بازمیروند.

سوره زخرف مکی است وآن هشتادو نه آیه وهفت رکوع است

﴿۱﴾ حٰمٓ. ﴿۲﴾ قسم به کتاب واضح. ﴿۳﴾ به یقین که ما این کتاب را قرآن عربی گرداندیم باشد که شما بفهمید. ﴿٤﴾ وهرآئینه این کتاب درلوح محفوظ نزدِ ما ثبت است به درستیکه این کتاب بلند قدروباحکمت است[۱]. ﴿۵﴾ آیا ازشما اعراض کرده پند رابازداریم برای آن که گروهی ازحد رفته هستید. ﴿٦﴾ ودرپیشینیان بسیار پیامبران را فرستادیم. ﴿۷﴾ وبه ایشان هیچ پیامبری نمی آمد الّا به او استهزا میکردند. ﴿۸﴾ پس شدیدتر ازقریش را[۲] به جرم سرکشی هلاك کردیم وداستان نخستینیان مذکورشد. ﴿۹﴾ و اگرازایشان سوال کنی که چه کس آسمان ها وزمین را بیافرید البته گویند که آنهارا خدای غالب دانا بیافرید. ﴿۱۰﴾ وی آنست که برای شما زمین را بستری ساخت وبرای شما درزمین راه ها قرارداد تاباشد که شماراه یابید.

(۱) مترجم گوید قسم خوردن به چیزی برای اثباتِ همان چیز یالازم آنچیز کنایت است به آنکه آن چیز خود دلیل خوداست چنانکه گویند «قسم بلبِ میگون تو وزلفِ شبگونِ توکه تو معشوقِ دلربائی» والله اعلم.
(۲) یعنی عادوثمود که از قریش قوی تربودند.

﴿۱۱﴾ ووی آنست که ازآسمان آبی را باندازه فرودآورد پس به‌آن سرزمین مُرده را زنده کردیم همچنین برآورده خواهید شد[۱]. ﴿۱۲﴾ ووی آنست که تمام اقسام حیوانات را بیافرید وبرای شما ازکشتی ها وازچهارپایان چیزی را که برآن سوار می شوید ساخت. ﴿۱۳﴾ تاراست برپشت های مرکوب بنشینید سپس نعمتِ پروردگارِخود را وقتی که راست نشستید برآن یاد کنید وبگویید پاکست آن ذاتی که برای مااین مرکوب را مسخرساخت وما برآن توانا نبودیم. ﴿۱٤﴾ وهرآئینه ما به سوی پروردگارخویش رجوع کنندگانیم. ﴿۱٥﴾ وبرای خدا ازبندگان او اولاد قرار دادند هرآئینه آدمی ناسپاس ظاهراست. ﴿۱٦﴾ آیاخداازمخلوقاتِ خود دختران را فرا گرفت و شمارا به پسران برگزیده است. ﴿۱۷﴾ وچون یکی ازایشان بتولد آنچه برای رحمن مثل ساخته است مژده داده شود[۲] روی اوسیاه گردد واوغمگین باشد. ﴿۱۸﴾ آیاآنراکه در زیور پرورده می‌شود واو درصفِ خصومت ودشمنی ظاهر نمی گردد. ﴿۱۹﴾ وفرشتگان را که آنان بندگان رحمٰن اند زن‌ها قراردادند آیا هنگام آفرینش ایشان حاضر بودند این گواهی ایشان نوشته خواهد شد وپرسیده خواهندشد. ﴿۲۰﴾ وگفتند (کافران) اگر رحمٰن می خواست این فرشتگان را پرستش نمیکردیم ایشان را به این ادعا دانش نیست، نیستند ایشان مگردروغ گو. ﴿۲۱﴾ آیا ایشانرا کتابی پیش ازقرآن داده ایم پس ایشان به آن کتاب چنگ زننده اند (هرگزنه). ﴿۲۲﴾ بلکه گفتند هرآئینه ما پدرانِ خود را بردینی یافتیم وهرآئینه مابرپی (اتباع) ایشان راه یافتگانیم.

(۱) یعنی ازقبور.
(۲) یعنی به تولد دختری والله اعلم.

﴿۲۳﴾ وهمچنین پیش ازتودرهیچ دِهی ترساننده ای را نفرستادیم مگرگفتند منعمانِ آن ده هرآئینه ما پدران خودرا بردینی یافتیم وهرآئینه مابرپی ایشان متابعت کنندگانیم. ﴿۲٤﴾ گفت (پیامبر) آیا متابعتِ پدران مینمایید اگرچه آورده باشم برایتان دینی که زیاده ترراه نماینده است ازآنچه برآن پدران خود را یافتید گفتند هرآئینه مابه‌آنچه فرستاده شدید به آن، کافرهستیم. ﴿۲٥﴾ پس ازایشان انتقام گرفتیم پس درنگر چگونه بود عاقبت تکذیب کنندگان. ﴿۲٦﴾ ویادکن چون ابراهیم به پدرخود وقومِ خود گفت هرآئینه من بیزارم ازآنچه شما پرستش می کنید. ﴿۲۷﴾ الّا آن کسی که مرا بیافرید پس هرآئینه اومرا هدایت خواهد کرد. ﴿۲۸﴾ وخدای تعالی کلمهٔ توحید را سخنی باقی مانده درفرزندانِ او قرارداد تاباشدکه کافران رجوع کنند[۱]. ﴿۲۹﴾ بلکه ایشان را و پدران ایشان را بهره مند ساختم تاوقیتکه بدیشان دین راست وپیامبر ظاهر آمد. ﴿۳۰﴾ وآنگاه که بدیشان دین راست آمد گفتند این جادوی‌است وهرآئینه مابدان کافرهستیم. ﴿۳۱﴾ وگفتند چرا این قرآن برمردی بزرگ ازاهل این دودِه فروفرستاده نشد[۲]. ﴿۳۲﴾ آیاایشان رحمتِ پروردگار تورا قسمت می کنند ما میانِ ایشان زیستمایهٔ ایشان را درزند گانی‌دنیا قسمت کرده ایم وبعض ایشان را بر بعضی بلند مرتبه ساختیم تاکه بعض ایشان بعضی را خدمتگزار گیرد[۳] ورحمتِ پروردگارتو بهترست ازآنچه جمع میکنند. ﴿۳۳﴾ واگر احتمال آن نمی بود که مردمان همه یك امت میشوند البته برای خانه های کساني که به خدا رحمان کفرمی ورزند، سیمین سقفهایی قرارمی دادیم و(نیز) نردبانهایی که برآن بالابروند.

(۱) یعنی انبیاء واولیا در اولاد حضرت ابراهیم علیه السلام پیداشدند.
(۲) یعنی بر یکی ازثروتمندان مکه وطائف والله اعلم.
(۳) یعنی به چشم حقارت نباید ننگرد والله اعلم.

﴿۳٤﴾ وبرای خانه های ایشان نیز دروازه هایی ازنقره وتخت هایی که برآن تکیه زده بنشینند. ﴿۳٥﴾ وتجمل بسیار ساختیم، ونیست همه این مگر اندك بهره مندی زندگانی دنیا، وآخرت نزد پرورد گارتو برای متقیان است. ﴿۳٦﴾ وهرکه ازیاد رحمٰن غافل شود برگماریم برای اوشیطانی پس آن شیطان اورا همنشین بُوَد. ﴿۳۷﴾ وهرآئینه شیاطین آدمیان را ازراه بازمیدارند وآدمیان می پندارند که ایشان راه یافتگانند. ﴿۳۸﴾ تاآن وقت که چون آدمی پیش ما بیاید باشیطان خود گوید ای کاش درمیان من ودرمیان تومسافتِ مشرق ومغرب بودی پس تو بدهمنشینی هستی. ﴿۳۹﴾ و(گوییم) شمارا امروز سود ندهد ازبس که ستم کرده اید آنکه شما درعذاب باهم شریك باشید. ﴿٤۰﴾ (یا محمد) آیا تو میتوانی شنوانیدن کران را یا راه میتوانی نمودن کوران را وآن کس را که در گمراهی ظاهراست. ﴿٤۱﴾ پس اگرازین عالم تورا ببریم پس البته ماازین جماعت انتقام گیرندگانیم. ﴿٤۲﴾ یا اینست که تورا بنماییم آنچه به ایشان وعده دادیم پس هرآئینه ما برایشان توانابیم. ﴿٤۳﴾ پس به آنچه وحی فرستاده شد به سوی تو چنگ زن هرآئینه تو برراه راستی. ﴿٤٤﴾ وهرآئینه قرآن برای تو وبرای قوم تو پنداست وشماسوال کرده خواهید شد. ﴿٤٥﴾ وبپرس احوال آنان‌راکه فرستاده بودیم پیش ازتو ازپیامبرانِ خود آیا قرارداده بودیم معبوداني دیگر غیراز خدا که آنهارا پرستش کرده شود. ﴿٤٦﴾ بدرستیکه موسیٰ را به نشانه های خود به سوی فرعون واشرافِ قومِ او فرستادیم پس گفت هرآئینه من پیامبر پرورد گارِ عالمهایم. ﴿٤۷﴾ پس آن هنگام که به ایشان بانشانه‌های ما آمد نا گهان به آن نشانه‌ها می‌خندیدند.

﴿٤٨﴾ و به ایشان هیچ نشانه ای نمی نمودیم مگر وی بزرگ تربود ازقرین خود وایشانرا به عقوبت گرفتار کردیم باشد که ایشان رجوع کنند. ﴿٤٩﴾ وگفتند ای جادوگر برای ماپروردگار خود را به عهدی که با تودارد دعاکن هرآئینه ماراه یافتگانیم[١]. ﴿٥٠﴾ پس آنهنگام که ازایشان عقوبت را دورکردیم ناگهان ایشان عهد می‌شکنند. ﴿٥١﴾ وفرعون درمیان قوم خود آوازداد گفت ای قوم من آیا پادشاهی مصر و این جویها که میرود اززیر قصر من ازآنِ من نیست آیا نمی بینید؟. ﴿٥٢﴾ (نه) بلکه من بهترم ازین شخص که وی خوارست ونزدیك نیست که سخن واضح گوید[٢]. ﴿٥٣﴾ پس چرا فرود آورده نشد برین شخص دست بندهایی از زر یا چرا همراه اوفرشتگان مجتمع شده نیامدند. ﴿٥٤﴾ پس قوم خود را بی عقل کرد پس فرمان اورا قبول کردند هر آئینه ایشان گروه فاسق بودند. ﴿٥٥﴾ پس آن هنگام که مارا بخشم آوردند ازایشان انتقام گرفتیم پس همگی ایشان را غرق ساختیم. ﴿٥٦﴾ پس ایشانرا داستانی برای آیندگان قراردادیم. ﴿٥٧﴾ وآنگاه[٣] که داستان به پسر مریم زده شد نا گهان قوم توازین داستان (به ریشخند) آوازبلند می کنند. ﴿٥٨﴾ وگفتند آیا معبودان مابهترند یا عیسیٰ، آن مثل را برای تو جز به جدال نزدند بلکه ایشان قومی خصومت کننده اند. ﴿٥٩﴾ نیست عیسیٰ مگربنده ای که بروی انعام کرده ایم واورا برای بنی اسرائیل نشانه‌ای قرار دادیم. ﴿٦٠﴾ واگرمیخواستیم البته قرارمی‌دادیم به جای شما فرشتگان را که درزمین خلیفه شوند.

---

(١) یعنی مسلمان شویم.

(٢) یعنی درزبان حضرت موسیٰ علیه السلام لکنت بود والله اعلم.

(٣) مترجم گوید براین مسئله که هیچکس غیر خدای تعالی معبود نیست مشرکان ایراد کردند که ترسایان عیسیٰ رامی پرستند واگروی نیز معبود نبود ما راضی شدیم که آلهه مابا عیسیٰ باشند وگمان کردند که به حجت غالب آمدند خدای تعالی کشفِ شبهه فرمود والله اعلم.

﴿٦١﴾ وهرآئینه عیسیٰ نشانه ای برای قیامت است پس هرگز درقیامت شك مکنید (بگو یا محمد) پیروی من کنید اینست راه راست. ﴿٦٢﴾ وشیطان شمارا بازندارد هرآئینه اودرحق شمادشمن ظاهراست. ﴿٦٣﴾ وآنگاه که عیسی بامعجزه ها آمد گفت برای شما حکمت را آورده‌ام وآمده‌ام تابیان کنم برای شما بعض آنچه درآن اختلاف می کنید پس ازخدا بترسید وازمن اطاعت کنید. ﴿٦٤﴾ هرآئینه خدا پروردگار من و پروردگار شماست پس اورا بپرستید این است راه راست. ﴿٦٥﴾ پس جماعت ها درمیان خویش اختلاف کردند پس وای آنان را که ستم کردند ازعقوبتِ روزِ دردناك. ﴿٦٦﴾ انتظار نمی کنند مگرقیامت را که بدیشان نا گهان بیاید درحالیکه ایشان بی خبر باشند. ﴿٦٧﴾ آنروز دوستان بعض ایشان بابعض دیگر دشمن باشند مگر پرهیزگاران. ﴿٦٨﴾ (گفته شود) ای بندگانِ من امروز برشما هیچ ترسي نیست و نه شما اندوهگین شوید. ﴿٦٩﴾ آن کسانیکه به آیت های ما ایمان آوردند ومسلمان بودند. ﴿٧٠﴾ (گفته شود) شماوزنان شما خوشحال شده به بهشت درآیید. ﴿٧١﴾ گردانیده شود برایشان کاسه های پهن از زر و کوزه ها نیز و دربهشت آنچه نفس ها خواهش کنند باشد وازدیدن اوچشم‌ها لذت ببرند وشما درآنجا جاویدان باشید. ﴿٧٢﴾ واین آن بهشت است که شمارا به سبب آنچه عمل می کردید عطا کرده شد. ﴿٧٣﴾ برای شما درآنجامیوه بسیار است که ازآن میخورید.

﴿۷٤﴾ هرآئینه گنهکاران درعذابِ دوزخ جاویدان اند. ﴿۷٥﴾ ازایشان عقوبت سست کرده نمی شود وایشان درآن عذاب نااميد شده خاموش باشند. ﴿۷٦﴾ وبر ایشان ستم نكرديم وليكن ایشان ستمکاران بودند. ﴿۷۷﴾ وآوازدهندکه ای مالك بايد كه پرورد گارتو برما به مرگ حکم کند، مالك گويد هرآئینه شما همیشه باشندگانید. ﴿۷۸﴾ به درستیکه برایتان حق را آورده ایم ولیکن اکثر شما حق را ناخو ش دارید. ﴿۷۹﴾ آیا برکاری عزم مصمم کرده اند پس هرآئینه مانیز عزم مصمم کنندگانیم. ﴿۸۰﴾ آیامی پندارند که ما راز و (سخن) سرگوشی ایشانرا نمی شنویم آری می‌شنویم وفرستادگانِ ما نزدیك ایشان می نویسند. ﴿۸۱﴾ بگو اگر به فرض رحمٰن را فرزندی باشد پس من نخستین عبادت کنندگان باشم. ﴿۸۲﴾ پروردگارآسمان‌ها وزمین خداوندِعرش ازآنچه بیان می کنند پاکست. ﴿۸۳﴾ پس بگذارایشان را تا درباطل بحث کنند وبازی پیش‌گیرندتاآنکه به آن روزخود که ایشان را وعده داده میشود ملاقات کنند. ﴿۸٤﴾ واوست آنکه درآسمان معبود است و(نیز) در زمین معبود است واو باحکمت دانا است. ﴿۸٥﴾ وبسیاربابرکت است آنکه پادشاهی آسمان‌هاوزمین وآنچه درمیان هردواست برای اواست وعلم قیامت نزد اوست وبه سوی او بازگردانیده شوید. ﴿۸٦﴾ و آنانکه کفار آنهارا به جای خدا به پرستش می خوانند اختیار شفاعت ندارند مگر کسی (چنین حقّی دارَد) که گواهی راست داده باشد وایشان میدانند[۱]. ﴿۸۷﴾ وا گر ازایشان سوال کنی که کدام کس ایشانرا بیافرید البته گویند خدا آفریده است پس چگونه (ازعبادت خدا) برگردانیده میشوند. ﴿۸۸﴾ و (بسا آگاهی از) دعای پیامبر که ای پروردگارمن هرآئینه ایشان گروهی هستند که ایمان نمی آورند. ﴿۸۹﴾ پس (فرمودیم) رویگردان ازایشان وبگوسلامِ وداع پس خواهند دانست.

(۱) یعنی اهل توحید را شفاعت کنند.

سوره دخان مکی است وآن پنجاه ونه آیه وسه رکوع است

﴿۱﴾ حٰمٓ. ﴿۲﴾ قسم به کتاب واضح. ﴿۳﴾ که هرآئینه ما این کتاب را درشب مبارك[۱]
نازل کردیم هرآئینه ما ترساننده بودیم. ﴿٤﴾ درآن شب مبارك هرکار باحکمت فیصله کرده
میشود. ﴿٥﴾ آنرا ازنزدخویش بوحی فرودآوردیم هرآئینه ما فرستنده بودیم[۲]. ﴿٦﴾ به
سبب بخشایش ازنزدِ پروردگار توهرآئینه او شنوای‌دانا است. ﴿۷﴾ پروردگار آسمانها
وزمین وآنچه درمیان این هردواست اگر شما یقین کننده هستید. ﴿۸﴾ هیچ معبود برحقّی
مگراو نیست زنده میکند ومی میراند پروردگار شماست وپروردگار پدران پیشین
شماست. ﴿۹﴾ بلکه کافران در شك اند بازی می کنند. ﴿۱۰﴾ پس روزی را منتظر باش
که آسمان دودی ظاهر بیاورد. ﴿۱۱﴾ که مردمان را فروگیرد این عذابی دردناك است.
﴿۱۲﴾ (گویند) ای پروردگار ما ازماعذاب را دورکن هرآئینه مسلمان میشویم. ﴿۱۳﴾
چگونه‌ایشان را پند گرفتن بُوَد و بتحقیق که بدیشان پیامبر ظاهر آمده بود. ﴿١٤﴾ باز ازاو
روی‌گردانیدند وگفتند این شخص آموخته شدهٔ دیوانه است. ﴿۱٥﴾ هرآئینه ما اندکی دور
کنندهٔ عذابیم هرآئینه شما به (کفر) بازخواهیدگشت. ﴿۱٦﴾ روزی که سخت می‌گیریم،
آن سخت گیری بزرگ هرآئینه ماانتقام گیرنده ایم[۳]. ﴿۱۷﴾ وبه راستی ما پیش ازایشان
قوم فرعون را امتحان کردیم و بدیشان پیامبری گرامی قدر آمد. ﴿۱۸﴾ (باین سخن که) به
من بند گان خدارا[٤] واگذار کنید هرآئینه من برای شما پیامبر باامانتم.

---

(۱) یعنی لیلة القدر.

(۲) یعنی برپیامبر آن‌رافرود آوردیم.

(۳) مترجم گوید این وعده متحقق شد خدای تعالی قریش را در قحط انداخت تاآنکه ازشدتِ گرسنگی یاازکثرت بخار در جَوّ چون دودی محسوس می شدوایشان بخدای تعالی رجوع کردند خدای تعالی قحط را دور فرمود بازبرکفر اصرار کردند خدای تعالی روزبدر ازایشان انتقام گرفت که هفتادکس را از رؤساء ایشان کُشت وهفتاد کس را اسیر گردانید والله اعلم.

(٤) یعنی بنی اسرائیل را بمن حواله کنید وبنده مگیرید.

﴿۱۹﴾ وبرخدا سرکشی مکنید هرآئینه من پیش شما حجتِ ظاهر می آورم. ﴿۲۰﴾ وهرآئینه من به پروردگارخود و پروردگارشما پناه گرفتم ازآنکه مرا سنگسار کنید. ﴿۲۱﴾ واگر مرا باورنمی دارید پس ازمن کناره گیری کنید. ﴿۲۲﴾ پس دعاکرد بجناب پروردگار خود که این جماعت قوم گنهکارانند. ﴿۲۳﴾ (پس گفتیم) بندگانِ مرا وقت شب ببر هر آئینه شما تعقیب کرده می شوید. ﴿۲٤﴾ ودریارا آرامیده بگذار هرآئینه این جماعت لشکری غرق شده است. ﴿۲٥﴾ بسیار ازبوستان ها وچشمه ها گذاشتند. ﴿۲٦﴾ وکِشتها ومحلِ گرامی. ﴿۲۷﴾ نعمتی با رفاهیت که درآن محظوظ وشادمان بودند. ﴿۲۸﴾ همچنین شد واین چیزهارابه گروهی دیگر میراث دادیم. ﴿۲۹﴾ پس نگریست بر آنان آسمان وزمین و مهلت داده نشدند. ﴿۳۰﴾ وهرآئینه ما بنی اسرائیل را از عذاب خوارکننده خلاص کردیم. ﴿۳۱﴾ که ازجانب فرعون بود هرآئینه فرعون سرکشی از اسرافکاران بود. ﴿۳۲﴾ وهرآئینه بنی اسرائیل را دانسته بر جهانیان برگزیدیم. ﴿۳۳﴾ و ایشان را ازقسم معجزات آنچه درآن امتحانِ ظاهر بود دادیم. ﴿۳٤﴾ هرآئینه این جماعت حتما می گویند. ﴿۳٥﴾ که عاقبت کارجزهمین موت نخستینِ ما نیست و ما برانگیخته نخواهیم شد. ﴿۳٦﴾ پس پدران مارا اگر راست گویان هستید بیاورید. ﴿۳۷﴾ آیااین جماعت بهتراند یاقوم تبع (حمیری) وآنانکه پیش ازایشان بودند آنهارا هلاك ساختیم هر آئینه آنها گنهکار بودند. ﴿۳۸﴾ وآسمان ها وزمین را وآنچه درمیان هردواست بازی کنان نیافریدیم. ﴿۳۹﴾ این هردو را نیافریدیم مگربتدبیرِ درست ولیکن اکثرایشان نمیدانند.

﴿٤٠﴾ هرآئینه روزقیامت میعادِ همگی ایشانست. ﴿٤١﴾ روزی که هیچ دوستی ازدوستِ دیگر چیزی را دفع نکند ونه ایشان نصرت داده شوند. ﴿٤٢﴾ مگر آنکه خدابراو رحم کرد هرآئینه خداغالب مهربان است. ﴿٤٣﴾ هرآئینه درخت زقوم. ﴿٤٤﴾ خوراك گنهکاراست. ﴿٤٥﴾ مثلِ مِسِ گداخته شده در شکم ها بجوشد. ﴿٤٦﴾ مانند جوشیدن آب گرم. ﴿٤٧﴾ (گوییم ای فرشتگان) بگیرید این گنهکاررا پس به سختی به سوی میانهٔ دوزخ بکشیدش. ﴿٤٨﴾ باز بالای سراوازآب گرم که عقوبت است بریزید. ﴿٤٩﴾ (گوییم) بچش هرآئینه تویی (بزعم خود) بزرگوار گرامی قدر. ﴿٥٠﴾ هرآئینه این است آنچه درآن شبهه می کردید. ﴿٥١﴾ هرآئینه متقیان درجایگاه باامن باشند. ﴿٥٢﴾ دربوستان هاوچشمه ها. ﴿٥٣﴾ ازحریرنازك وحریرسطبر روبروی یکدیگر شده بپوشند. ﴿٥٤﴾ حال این چنین باشد وایشان را باحورِ کشاده چشم جفت کنیم. ﴿٥٥﴾ آنجا هرمیوه را ایمن شده بطلبند. ﴿٥٦﴾ آنجامرگ را نچشند غیرازچشیدن مرگِ نخستین را وایشان را خداازعذاب دوزخ نگاه داشت. ﴿٥٧﴾ بسبب بخشایش ازجانبِ پروردگارتو این پیروزی بزرگ است. ﴿٥٨﴾ جزاین نیست که قرآن را به زبان تو آسان گرداندیم تابُوَد که ایشان پند پذیر شوند. ﴿٥٩﴾ پس منتظر باش هرآئینه ایشان نیز منتظرانند.

سوره جاثیه مکی است وآن سی وهفت آیه وچهار رکوع است

﴿۱﴾ حٰمٓ. ﴿۲﴾ فروفرستادن این کتاب ازجانب خدای غالب باحکمت است. ﴿۳﴾ هرآئینه درآسمانها وزمین برای باوردارندگان نشانه هایی است. ﴿٤﴾ ودرآفرینشِ شماودرآفرینش آنچه ازجانوران پراگنده می سازد برای قومی که یقین میکنند نشانه هایی است. ﴿٥﴾ ودرآمد ورفت شب و روز ودرآنکه خدا ازآسمان روزی فرودآورد [1] پس زنده کرد بسبب باران زمین را بعد از مرده بودنِ آن ودرگردانیدن بادها برای قومی که درمی یابند نشانه هایی است. ﴿٦﴾ این نشانه های خداست آن را برتو به راستی میخوانیم پس بکدام سخن بعد از پند خدا وآیت های اوایمان می آورند. ﴿۷﴾ وای بر هردروغ گوی گنهکار. ﴿۸﴾ که آیاتِ خدارا می شنود که خوانده میشود بروی باز بااستکبار (برکفر چنان) پای می‌فشارد که گویا آنرانشنیده است پس اورا به عذابی‌درد ناك مژده ده. ﴿۹﴾ وچون برچیزی ازآیاتِ ما واقف شد آن را آن جماعت به تمسخر گیرد برای ایشان عذاب خوارکننده است. ﴿۱۰﴾ پشت سر ایشان دوزخ است و آنچه کسب کرده‌اند نفعی به آنها نمی رساند نیز آنچه دوستان گرفته اند غیر از خدا (چیزی را) دفع نکنند وبرای ایشان عذاب بزرگ است. ﴿۱۱﴾ این قرآن هدایت است وآنانکه کافرشدند به آیاتِ پروردگارخویش برای ایشان عذاب درد ناك ازجنس عقوبتِ سخت است. ﴿۱۲﴾ خدای آنست که برای شما دریا را مُسَخَّر کرد تا کشتی ها درآن بفرمانِ او روان شود وتا ازفضلِ او طلبِ معیشت کنید باشد که شما شکرگزاری کنید. ﴿۱۳﴾ وبرای شما آنچه درآسمان ها وآنچه در زمین است مسخر کرد همگی از پدید آورده اواست هرآئینه درین ماجرا برای گروهی که تفکر میکنند نشانه هایی است.

---
(۱) یعنی باران.

﴿١٤﴾ به مسلمانان بگو که ازآن جماعت که توقع روزهای خدارا ندارند[1] درگذر کنند تا خداگروهی را به حسب آنچه میکردند سزادهد. ﴿١٥﴾ هرکس که کارشایسته انجام دهد پس برای نفع خودش وهرکه بدکاری کند پس وبال براوست باز به سوی پرورد گارخویش بازگردانیده خواهید شد. ﴿١٦﴾ وبه یقین که بنی اسرائیل راکتاب ودانش‌مندی وپیامبری دادیم و ایشان رااز‌نعمت های پاکیزه روزی دادیم وایشان را بر جهانیان فضیلت دادیم. ﴿١٧﴾ وایشان را نشانه هایی واضح دربابِ دین دادیم پس اختلاف نکردند مگر بعدازآنکه بدیشان دانش آمد ازروی تعدّی بایکدیگر هرآئینه پروردگارتو میان ایشان روزقیامت درآنچه اختلاف می‌کردند درآن فیصله می‌کند. ﴿١٨﴾ باز تورا برراه ظاهر ازدین گرداندیم پس آنرا پیروی کن وخواهشات آنانرا که نمیدانند پیروی مکن. ﴿١٩﴾ هرآئینه ایشان از توچیزی رااز‌عقوبتِ خدا دور نخواهند کرد وهرآئینه ستمکاران بعض ایشان کارسازان بعض دیگراند وخدا کارساز متقیانست. ﴿٢٠﴾ این قرآن دلیل های واضح برای مردمان است وهدایت وبخشایش است برای گروهی که یقین می کنند. ﴿٢١﴾ آیا پنداشتند آنانکه جرمها کردند که قراردهیم ایشان را مانند آنانکه ایمان آوردند وکارهای شایسته کردند؟! که زندگانی ایشان ومُردن ایشان یکسان باشد این حکم ایشان بدحکمی است. ﴿٢٢﴾ وخدا آسمان ها وزمین را بتدبیر درست آفرید وتاعاقبت کار جزا داده شود هر شخصی بحسب آنچه عمل کرده است وبرایشان ستم کرده نمی شود.

---

(١) یعنی معتقد نیستند که حوادث جزای اعمالِ ایشان باشد.

﴿۲۳﴾ آیا کسی را دیدی که معبود خودرا خواهش نفس خود گرفته است اوراخدا باوجود دانشی که داشت گمراه کرد وبرگوش اوودل او مُهر نهاد وبرچشم او پرده نهاد پس کیست که راه نماید اورا پس از خدا آیاپند نمی‌گیرید. ﴿۲٤﴾ وگفتند زندگانی مگر همین زندگانی این جهانی نیست مامی‌میریم وزنده میشویم ومارا جز زمانه هلاك نمی‌کند وایشان را باین ماجرا هیچ دانشي نیست ایشان نیستند مگرگمان می‌کنند. ﴿۲٥﴾ وچون برایشان آیت های ماواضح آمده خوانده شود شبهه ایشان نباشد مگرآنکه گویند پدران مارا اگر راست گو هستید بیاورید. ﴿۲٦﴾ بگو خدا شمارا زنده میکند باز شمارا می‌میراند باز شمارا بروزقیامت جمع می‌کند هیچ شبهه ای درآن نیست ولیکن اکثر مردمان نمی‌دانند. ﴿۲۷﴾ پادشاهی آسمان‌هاوزمین برای خدای است وروزی که قیامت قایم شود آن روز تباه کاران زیان کارشوند. ﴿۲۸﴾ وهرگروهی را بزانودر آمده ببینی هرگروهی را به سوی نامهٔ اعمال او خوانده شود (یعنی برای سوال وجواب مهیاشده گوییم) امروز جزا داده شود شمارا بحسب آنچه میکردید. ﴿۲۹﴾ (گوییم) این نامهٔ اعمال ما است که برشما به راستی اظهار حقیقت میکند هرآئینه ما آنچه شماعمل می کردید می‌نوشتیم. ﴿۳۰﴾ پس اما آنانکه ایمان آورده اند وکارهای شایسته کرده اند پس ایشان را پروردگارایشان دررحمت خود در آورد این پیروزی ظاهر است. ﴿۳۱﴾ واما آنانکه کافرشدند (ایشانرا گوییم) آیا برشماآیاتِ من خوانده نمی‌شد پس تکبر کردید وقوم گنهکار بودید. ﴿۳۲﴾ وچون گفته شد که وعدهٔ خداراست است وقیامت هیچ شکّی درآن نیست گفتید نمیدانیم چیست قیامت آن را مگر باحتمالِ ضعیف تصور نمی کنیم و ما یقین کنندگان نیستیم.

﴿۳۳﴾ وبرای ایشان عقوبت های آنچه به آن عمل کرده بودند ظاهر شد و ایشان را آنچه به آن استهزامی‌کردند درگرفت. ﴿۳٤﴾ وگفته شود امروز شمارا فراموش کنیم چنانکه ملاقات این روزخودرا فراموش کردید وجای شما دوزخ است و شمارا هیچ نصرت دهنده ای نیست. ﴿۳٥﴾ این عذاب بسبب آنست که شما آیات خدارا به تمسخر گرفتید وشمارا زندگانی دنیا فریفته کرد پس امروز ازدوزخ بیرون کرده نشوند ونه ازایشان رضامندی خدا طلب کرده شود. ﴿۳٦﴾ پس ستایش برای خدای پروردگار آسمانها وپروردگارزمین پروردگار عالم ها است. ﴿۳۷﴾ بزرگی درآسمان هاوزمین برای اوست واو غالب باحکمت است.

سوره احقاف مکی است وآن سی وپنج آیه وچهار رکوع است

﴿۱﴾ حٰمٓ. ﴿۲﴾ فروفرستادنِ کتاب از خدای غالب باحکمت است. ﴿۳﴾ آسمان ها وزمین وآنچه را که درمیان هردو است نیافریدیم مگر به تدبیر درست وبه میعادی معین وآنانکه کافر شدند ازآنچه ترسانیده شد ایشان را رویگردانند. ﴿٤﴾ بگوآیا دیدید آنچه راکه جزخدا می پرستید بنمایید مرا چه چیز اززمین آفریده‌اند یاایشانرا درآسمان‌ها شرکتیست برایم کتابی که پیش ازین آمده باشد یابقیه ای ازعلم اگر راست گو هستید بیاورید. ﴿٥﴾ وکیست گمراه تر ازکسی که بجز خداکسی را بخواند که دعایش را تاروزقیامت اجابت نکند واین معبودانِ باطل ازخواندن ایشان غافل اند.

﴿٦﴾ وچون مردمان جمع کرده شوندهمین معبودهای آنها دشمنانشان باشند وبه عبادت ایشان منکر باشند. ﴿٧﴾ هنگامی که آیات روشنگرما برآنها خوانده شود این کافران سخن درست را چون بدیشان بیامد گویند این سحر آشکار است. ﴿٨﴾ بلکه میگویند آنراپیامبر بربسته است بگو اگر آنرا بربسته ام پس شما برای من ازخدا چیزی را نمی توانید خدا به گفتگوی شما درقرآن دانا تراست خدااظهار حق کننده میان من و شما بس است واو آمرزگار مهربان است. ﴿٩﴾ بگو من نوآمده ازپیامبران نیستم ونمی دانم چه کرده خواهد شد بامن وباشما (یعنی دردنیا) پیروی نمی کنم الّا آنچه به سوی من وحی فرستاده میشود ونیستم من مگرترسانندهٔ آشکار. ﴿١٠﴾ بگوآیا دیدید اگر قرآن ازنزد خدا باشد وبه آن منکر شدید وگواهی ازبنی اسرائیل برقرآن گواهی داده باشد پس وی ایمان آورد وشما سرکشی کردید (البته ستمکار باشید) هرآئینه خدا گروه ستمکاران را هدایت نمی نماید. ﴿١١﴾ وکافران به مسلمانان گفتند اگردین بهتر بودی برای ما به سوی آن سبقت نکردند وچون به آن راه نیافتند پس خواهند گفت این دروغی قدیم است. ﴿١٢﴾ وپیش ازقرآن کتاب موسیٰ پیشوا و رحمت بود و این کتابیست باور دارنده که به زبان عربی آمده است برای آنکه ستمکاران را بترساند وبرای نیکوکاران مژده است. ﴿١٣﴾ هرآئینه آنانکه گفتند پروردگار ماخداست باز (برآن) استقامت کردند پس هیچ ترسی برایشان نیست ونه ایشان اندوه خورند. ﴿١٤﴾ این جماعت اهل بهشت اند درآن جاویدان باشند پاداش داده شوند بحسب آنچه می کردند.

﴿١٥﴾ وانسان را به نیکوکاری درحق پدرو مادر سفارش کردیم مادراو به دشواری اورا
درشکم برداشته است و (کمترین مدت) بارگرفتن اوواز شیرباز گرفتن او سی ماه است
وزنده ماند تاوقتیکه چون رسید بکمال قوت خود و رسید بچهل سال گفت ای
پروردگارمن مرا الهام کن تا درمقابل نعمت تو که انعام کردهای برمن وبرپدرومادر من
شکرگویم وتاکارنیك کنم که ازآن خوشنود شوی وبرای من در فرزندان من اصلاح کن
هرآئینه من به سوی تو رجوع کردم وهرآئینه من از مسلمانانم. ﴿١٦﴾ این جماعت آنانندکه
ازایشان نیکوترین آنچه عمل کرده اند قبول می کنیم وازجرمهای ایشان درگذریم دراهل
بهشت باشند به وفق وعده راستینی که وعده داده می شدند. ﴿١٧﴾ وآنشخص که به
پدرومادر خود گفت دل تنگ شدم نسبت به شماآیا مرا وعده میدهید که برآورده شوم[١]
وبه راستی قرن های از مردم پیش ازمن گذشته اند[٢] وآن هردو بجناب خدا فریاد میکنند
میگویند وای برتومسلمان شو هرآئینه وعدهٔ خداراست است پس گوید این وعده مگرافسانه
های پیشینیان نیست. ﴿١٨﴾ این جماعت آنانند که برایشان وعدهٔ عذاب ثابت شد
ازجملهٔ امت هایی که پیش ازایشان از جنیان وآدمیان گذشتهاند هرآئینه ایشان زیان کار
بودند. ﴿١٩﴾ وهریکی را مرتبه هاست به وفق آنچه عمل کردند وتا خداایشان را جزای
اعمال ایشان تمام دهد و به ایشان ستم کرده نشود. ﴿٢٠﴾ وروزیکه کافران برآتش پیش
آورده شوند (گفته شود) نعمت های خودرا درزندگانی دنیای خویش ضایع کردید وبه آن
بهرهمند شدید پس امروز شمارا به سزای آنکه در زمین به ناحق تکبر می کردید وبه
(سبب) آنکه بدکاری میکردید به عذاب ذلت کیفر می دهیم[٣].

---

(١) یعنی ازقبر.

(٢) یعنی هیچکس ازایشان باززنده نشد والله اعلم.

(٣) مترجم گوید این تصویراست حال سعید وشقی را پس سعید حق خدای تعالی و حق ابوین بجامی آورد وبانواع نعمتها محظوظ میشود درجمیع امور بحق تعالی رجوع میکند وشقی جمع می کند میان کفرو عقوق والدین وانکار معاد وصورتِ سعید منطبق است برحضرت ابوبکر صدیق وغیرایشان نیز والله اعلم.

﴿۲۱﴾ وبرادر قوم عاد را یادکن چون قوم خودرا به سرزمین احقاف بترسانید وهرآئینه ترسانندگان پیش روی وَی وپس از وی گذشته بودند[1] (به این معنی) که مگرخدارا عبادت مکنید هرآئینه من برشما ازعقوبتِ روز بزرگ میترسم. ﴿۲۲﴾ گفتند آیاآمده‌ای پیش ما تا مارا ازپرستشِ معبودان مان بازداری پس آنچه راکه وعده میدهی مارا اگر ازراست گویان هستی برایمان بیار. ﴿۲۳﴾ گفت جزاین نیست که علم نزد خداست ومیرسانم به شما آنچه به او فرستاده شدم ولیکن می بینم که شما گروهی هستید که نادانی میکنید. ﴿۲٤﴾ پس چون آن عقوبت را بصورت ابری روآورده به میدان های ایشان دیدند گفتند این برما ابریست باراننده بلکه به حقیقت آن چیزیست که آنرا به شتاب طلب کردید بادیست که درآن عقوبتِ درد ناك است. ﴿۲٥﴾ (این باد) هرچیزرا به فرمانِ پرورد گارخویش برهم زند پس گشتند به این صفت که بجز خانه های ایشان دیده نمی شد اینچنین گروه گناهگاران را جزا میدهیم. ﴿۲٦﴾ وبه راستی قوم عاد را جای‌داده بودیم درآنچه که شمارا درآن جای نداده ایم وبرای قوم عاد گوش وچشمها ودل هاقرار داده بودیم پس ازایشان گوشِ ایشان ونه چشمهای ایشان ونه دلهای ایشان چیزی را دفع نکرد ازبسکه نشانه های خدا را انکار می‌کردند و به‌ایشان آنچه به آن تمسخرمی کردند فرا گرفت. ﴿۲۷﴾ وبه راستی آنچه دوروبر شما است ازشهرها هلاك کردیم ونشانه ها را گونا گون پدید آوردیم، باشد که ایشان بازگردند. ﴿۲۸﴾ پس چرا ایشان راآنانکه معبودان گرفتند غیر ازخدا به خاطر تقرب به خدا نصرت ندادند بلکه ازنظرِ ایشان گم شدند وهمین است دروغِ ایشان وآنچه برمی بافتند.

(۱) یعنی ازهر جانب باین مضمون.

﴿۲۹﴾ ویادکن چون به سوی توجماعتی راازجن متوجه ساختیم قرآن را می شنیدند پس چون پیش پیامبر حاضر شدند بایکدیگر گفتند خاموش باشید پس چون تمام کرده شد بیم کنان به سوی قوم خود بازگشتند[۱]. ﴿۳۰﴾ گفتند ای قوم ماهرآئینه ما کتابی را که فرود آورده شد بعدازموسیٰ شنیدیم باور دارندهٔ آنچه پیش ازاوبود به سوی دین راست هدایت می کند و (نیز) به سوی راه راست. ﴿۳۱﴾ ای قومِ ما سخنِ دعوت کننده را به سوی خدا قبول کنید به او ایمان آورید تا خدا برای شما بعض گناهان شمارا بیامرزد وشمارا ازعذاب دردناك پناه دهد. ﴿۳۲﴾ وهرکه گفتهٔ دعوت کننده به خدارا قبول نکند پس درزمین عاجز کننده نیست و اورا جز خدا دوستانی نیست آن جماعت درگمراهی ظاهرند. ﴿۳۳﴾ آیا ندانستند اینکه خدایی که آسمان هاوزمین را آفریده است ومانده نشددرآفریدنِ آنها، تواناست برآنکه مُردگان را زنده کند آری چنین است هرآئینه اوبرهرچیز توانا است. ﴿۳۴﴾ وروزی که کافران برآتش پیش آورده شوند (گفته شود) آیا این وعدهٔ درست نیست، گویند آری قسم به پروردگار مادُرُست است گوید پس عقوبت را بسبب آنکه کافر بودید بچشید. ﴿۳۵﴾ پس صبر کن چنانکه صاحبان همّتِ عالی ازپیامبران صبر کرده بودند عقوبت را برای ایشان به شتاب طلب مکن روزیکه آنچه وعده داده میشود ایشانرا ببینند چنانستی که ایشان[۲] مگر یك ساعت از روز نمانده بودند این پیغام رسانیدن است پس جز قوم بدکاران هلاك کرده نخواهند شد.

(۱) مترجم گوید چند کس از جن پیش آن حضرت صلی الله علیه وسلم آمدند وآن حضرت صلی الله علیه وسلم درآن وقت نماز فجر می گذارد دربطنِ نخله پس ایشان قرآن استماع کردند چون بازگشتند به قوم خود آنان را انذار نمودند اشارت باین قصه است درین آیات.

(۲) یعنی دردنیا.

سوره محمد مدنی است وآن سی وهشت آیه وچهار رکوع است

﴿۱﴾ آنانکه کافرشدند مردمان را از راه خدا بازداشتند خدا اعمالِ ایشانرا تباه وبرباد کرد. ﴿۲﴾ وآنانکه ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند و به آنچه فرود آورده شد بر محمد (صلی الله علیه وسلم) واینکه آن حق است ازپرورد گار ایشان آمده معتقد شدند جرمهای ایشانرا ازایشان دورساخت وحال ایشان را بصلاح آورد. ﴿۳﴾ این بسبب آنست که کافران ازباطل پیروی کردند ومومنان دین راست را که ازجانب پرورد گار ایشانست پیروی کردند همچنین خدا برای مردمان داستانهای ایشان را بیان میکند. ﴿٤﴾ پس چون باکافران برخورد کنید پس گردن هارا تاوقتیکه چون خونریزی بسیار کردید درایشان بزنید پس قید را محکم کنید پس بعد ازین به احسان خلاص کردن است ویامالی به عوض گرفتن تاآنکه (أهل) جنگ سلاح خودرا[1] بنهد اینست حکم واگر خدا می‌خواست خود ازایشان انتقام می‌گرفت ولیکن میخواهد که بعض شمارا به بعضی امتحان کند وآنانکه کشته شدند درراهِ خدا پس عمل ایشان را برباد نخواهد کرد. ﴿٥﴾ ایشانرا راه خواهد نمود وحال ایشانرا نیك خواهد کرد. ﴿٦﴾ وایشان را به بهشتی که شناسانیده است ایشان را به آن درخواهد آورد. ﴿۷﴾ ای مسلمانان اگر دین خدارا نصرت دهید خداشمارا نصرت دهد وقدمهای شمارا ثابت کند. ﴿۸﴾ وآنانکه کافرشدند پس ایشان را هلاکی باد وخدا اعمال ایشان را برباد کرد. ﴿۹﴾ این بسبب آنست که ایشان چیزی را که فرودآورده است خدا ناپسند کردند پس خدا اعمال ایشانرا برباد کرد. ﴿۱۰﴾ آیا درزمین نگشة اند تابنگرند چگونه بود انجام آنانکه پیش ازایشان بودند خدا ایشان را نابود ساخت وبرای کافران چند مانند این عقوبت است. ﴿۱۱﴾ این بسبب آنست که خداکارسازِ مسلمانان است وبسبب آنست که کافران راهیچ کارسازی ایشانرا نیست.

(۱) یعنی جنگ موقوف شود و احتیاج سلاح نماند والله اعلم.

﴿١٢﴾ هرآئینه خدا آنان را که ایمان آورده‌اندوکارهای شایسته کرده‌اند به بوستانهایی که میرود زیرِآن ها جویها داخل می‌کند وآنانکه کافرشدند بهره برمیگیرند و میخورند چنانکه چهارپایان میخورند وآتش جای ایشانست. ﴿١٣﴾ وچه بسیار ازدهِ ها که قوی تربود ازدِه تو که تورا جلا وطن کرد ایشانرا هلاك ساختیم پس هیچ نصرت دهنده ای برای ایشان نبود. ﴿١٤﴾ آیا کسیکه بر طریقهٔ روشن باشد از پروردگار خویش مانندِ آن کس است که آراسته کرده شد در نظرِ اوبدکاریش وخواهش های خودرا پیروی کرده است. ﴿١٥﴾ صفتِ بهشتی که متقیانرا وعده داده شد اینست که درآن بهشت جویها است ازآب که بدیرماندگی متغیر نشده وجویها است ازشیر که مزهٔ اوبرنگشته وجویها است ازمَی آشامندگان را لذت بخش وجویها است ازعسلِ صاف کرده شده وبرای ایشان آن جا ازهر جنس میوه ها است وبرای ایشان آمرزش ازپروردگار ایشان است (آیااین جماعت) مانند آنست که همیشه در آتش باشد وآب گرم نوشانیده شوند پس روده های ایشانرا پاره پاره ساخت. ﴿١٦﴾ و[1] ازمردمان کسی هست که به سوی تو گوش می نهد تا وقتیکه چون ازنزد تو بیرون روند گویند به آنانکه ایشانرا علم عطاکرده شد چه چیز گفت پیامبر الحال آن جماعت آنانند که خدابردل های ایشان مُهر نهاده است وخواهش‌های نفس‌های خودرا پیروی کردند. ﴿١٧﴾ وکسانی که راه یاب شدند خدا بر هدایت ایشان افزود وتقوای ایشانرا به آنان عنایت کرد. ﴿١٨﴾ پس منتظر نیستند مگر قیامت را که بدیشان نا گهان بیاید پس به درستی که علاماتِ قیامت آمده است پس ازکجابرای ایشان پند گرفتن باشد وقتیکه قیامت ایشان بیاید. ﴿١٩﴾ پس یقین کن که هیچ معبودی برحق مگرخدا نیست وبرای گناهانِ خود آمرزش طلب کن وبرای مردان مسلمان وزنان مسلمان نیز وخدا جای آمدورفتِ شما را وجای ماندن شما را[2] میداند.

(١) مترجم گوید ازاین جاتاآخر سوره درباب تهدید مردم ضعیف الإیمان نازل شد.

(٢) حاصل این آیات ذم آن شخص است که بمجلس علم درآید وبفهم حقیقتِ آن نرسد بسبب هجومِ هوای نفس بردل اومحتاج استفسارِ دیگران گردد ومثل این شخص را تخویف است بقیامت والله اعلم.

﴿۲۰﴾ ومسلمانان میگویند چرا سوره ای فروفرستاده نشد؟ پس چون فرستاده شود سوره ای؟ واضح المعنی و دران قتال ذکر کرده شود ببینی آنان را که دردل های ایشان بیماری است می‌نگرند به سوی تومانندِ نظر کردن کسیکه اورا بسبب حضورِموت بیهوشی رسیده باشد پس وای برای ایشان. ﴿۲۱﴾ (حال ایشان بحسب ظاهر) فرمانبرداری و سخنِ نیکوگفتن است پس چون کار مصمم شود، ا گروعدهٔ خودرا باخدا راست کردند برای ایشان بهتر بودی. ﴿۲۲﴾ پس ای ضعیف ایمانان اگرمتولی امورِ مردمان شوید البته نزدیك اید ازآنکه درزمین تباه کاری کنید وقطع قبیله داری نمایید. ﴿۲۳﴾ این جماعت آنانند که ایشانرا خدا لعنت کرد پس ایشانرا کر ساخت و چشمهای ایشانرا کورکرد. ﴿۲٤﴾ آیا درقرآن تأمل نمی کنند یابردل‌ها قفل‌های آن‌هااست. ﴿۲٥﴾ هرآئینه آنانکه برجانب پشت های خویش برگشتند پس ازآنکه برای ایشان راه هدایت ظاهر شد شیطان برای ایشان آراسته کرده است وایشانرا مهلت داده است. ﴿۲٦﴾ این همه بسبب آنست که ایشان گفتند باآنانکه ناپسند کرده اند چیزی راکه خدافرستاده است[۱] فرمانبرداری شما دربعض کارها خواهیم کرد وخدا سخنِ پنهان گفتن ایشانرا میداند. ﴿۲۷﴾ پس چگونه باشد حال وقتی که فرشتگان قبضِ روح ایشان کنند روی های ایشانرا و پشتهای ایشانرا میزنند. ﴿۲۸﴾ این عقوبت بسبب آنست که ایشان پیروی چیزی کردند که خدا را بخشم آورد وخوشنودی اورا ناپسند کردند پس خدا اعمال ایشانرا ضایع کرد. ﴿۲۹﴾ آیا پنداشته اند آنانکه دردلهای ایشان بیماریست که خدا کینه های ایشانرا ظاهر نخواهد کرد.

(۱) یعنی منافقان یایهود.

﴿۳۰﴾ وا گرمیخواستیم ایشان رابتو نشان می دادیم پس ایشانرا به قیافهٔ ایشان می شناختی[۱] والبته ایشانرا دراسلوبِ سخن می شناسی وخدا اعمال شمارا میداند. ﴿۳۱﴾ والبته شمارا امتحان کنیم تا مجاهدان را ازشماوصابران را بشناسیم واحوال شمارا بیازماییم. ﴿۳۲﴾ هرآئینه آنانکه کافر شدند وازراه خدا بازداشتند وباپیامبر بعدازآنکه راهِ هدایت برای ایشان واضح شد مخالفت کردند خدارا هیچ زیان نرسانند وخداعملهای ایشانرا تباه خواهد کرد. ﴿۳۳﴾ ای مسلمانان خدارا فرمان برید وپیامبررا فرمان برید عملهای خودرا[۲] باطل مکنید. ﴿۳٤﴾ هر آئینه آنانکه کافر شدند وازراهِ خدا بازداشتند بازبمردند درحالیکه ایشان کافربودند پس هرگز خداایشان را نخواهد آمرزید. ﴿۳٥﴾ پس سستی نکنید وبه سوی صلح نخوانید وشمایید غالب وخدا باشماست وهرگز عملهای شمارا ضایع نخواهد ساخت. ﴿۳٦﴾ جزاین نیست که زند گانی دنیا بازیست و بیهودگی است واگرایمان آورید وپرهیزگاری کنید مزدهای شمارا به شما بدهد ازشمامال‌های شمارا نمی طلبد[۳]. ﴿۳۷﴾ اگر ازشمامال‌های شمارا بطلبد پس مبالغه کند درسوال آنگاه بخل کنید وآن بخل کینه های شمارا بیرون آورد. ﴿۳۸﴾ آگاه شوید شما ای جماعت که خوانده میشوید تا درراه خدا خرج کنید پس ازشماکسی هست که بخل میکند[٤]وهرکه بخل می کند جزاین نیست که برخویشتن بخل میکند وخداتوانگر است وشما محتاجید و اگررویگردان شوید گروهی دیگر را غیر از شما بَدَل می آورد باز آن جماعت مانند شما نباشند.

---

(۱) یعنی ظلمت نفاق برروی ایشان هویدا می شد والله اعلم.

(۲) یعنی به ارتداد و به ریاوسمعه.

(۳) یعنی جمیع مال را.

(٤) یعنی منفعت انفاق را ازخود بازمیدارد.

سوره فتح مدنی است وآن بیست ونه آیه وچهار رکوع است

﴿١﴾ هرآئینه ما برای تو فتح ظاهر وآشکاری رافراهم ساخته ایم[1]. ﴿٢﴾ عاقبت فتح آنست که خدا تورا آنچه که سابق گذشت ازگناه تو وآنچه پس مانده است بیامرزد ونعمتِ خودرا برتو تمام کند وتا تورا راه راست بنماید. ﴿٣﴾ وتا خدا تورا به نصرتِ قوی نصرت دهد. ﴿٤﴾ اوست آنکه اطمینان را دردل های مسلمانان فرودآورد تا ایمان ایشان باایمان سابق ایشان زیاده شود ولشکرهای آسمان ها وزمین برای خدا است خدا دانای باحکمت است . ﴿٥﴾ عاقبت نزول سکینه آنست که مردانِ مسلمان را وزنانِ مسلمان را درآورد به بوستانهاییکه زیرآنهاجویها میرود جاویدان آنجا و ازایشان جرمهای ایشان را زایل کند واین امر نزد خدا پیروزيِ بزرگ است. ﴿٦﴾ وتا مردانِ منافق وزنانِ منافق را ومردانِ مشرك وزنانِ مشرك را که گمان کننده‌اند برخداگمان بد عذاب کند برایشان باد مصیبتِ بد وخدا برایشان بخشم آمد وایشانرا لعنت کرد و برای ایشان دوزخ را آماده ساخت و دوزخ بد جایگاهی است. ﴿٧﴾ لشکرهای آسمان‌ها وزمین ازآنِ خدا است وخدا غالبِ باحکمت هست. ﴿٨﴾ هرآئینه ما تورا اظهارِ حق کننده وبشارت دهنده وترساننده فرستادیم. ﴿٩﴾ تا ای مسلمانان به خداورسول او ایمان آورید تا دین خدارا نصرت دهید وبه بزرگی او اعتقاد کنید واورا بامدادوشامگاه بپاکی یاد کنید.

---

(١) مترجم گوید آن حضرت صلی الله علیه وسلم بخواب دیدند که گویاآن حضرت با اصحابش درمکه داخل شدند و به اطمینانِ خاطر بحلق وقصر مشغول اند پس آن سال بقصد عمره متوجه کعبه شدند وچون بحدیبیه رسیدندکفار قریش ازوصول بکعبه جلوگیری کردند وبعد از تشویش بسیار باکفار صلح کرده بغیر از زیارت کعبه بازگشتند خدای تعالی آن عمل راازایشان قبول فرمود ازآن بیعت که در اثنای تشویش بجهت تاکید عزم بآن حضرت صلی الله علیه وسلم کرده بودند راضی شده بثواب آن عمل فتوح بسیار نصیب ایشان گردانید بخصوص فتح خیبر که بعد ازین سفر بلاتراخی واقع شده بود و غنایم خیبر را مخصوص بحاضران بیعت گردانید وغیرایشانرا ازآن غزوه منع نمود ومضمون رؤیاسال آینده بظهور رسید پس دربابِ وعدهٔ فتوح وردّ شبهه منافقان بسبب تعویق مضمون رؤیا وبیان حکمت تعویق وتهدید متخلفان ازسفر حدیبیه و بیان خوشنودی خود را به اهلِ بیعت این سوره را نازل فرمود والله اعلم.

﴿۱۰﴾ هرآئینه آنان‌که باتو بیعت میکنند جزاین نیست که باخدا بیعت میکنند دستِ خداست بالای دست های ایشان پس هرکه عهد بشکند پس جزاین نیست که بضررِ نفس خود می‌شکند وهرکه آنچه راکه برآن باخدا عهد کرده است تمام کند پس خواهد اورا پاداش بزرگ داد. ﴿۱۱﴾ پس ماندگان ازاعراب[1] باتو خواهند گفت مارا اموالِ ماوفرزندان ما مشغول کرد پس برای ما طلب آمرزش کن، به زبان های خود میگویند آنچه دردل های ایشان نیست بگو اگر خدا اراده کند ضرری به شما برساند یا نفعی به شما برساند چه کسی می تواند ازخدا چیزی مانع شود بلکه خدا به آنچه می کنید خبردار هست. ﴿۱۲﴾ نه بلکه گمان کردید که پیامبر ومسلمانان به سوی اهل خانهٔ خویش هرگز بازنخواهد گشت و این گمان در دل های شما آراسته کرده شد وگمان کردید گمان بد وقومی هلاك شده گشتید. ﴿۱۳﴾ وهر کسی‌که بخدا وپیامبراو ایمان نیاورد پس هرآئینه ما برای این کافران آتش را آماده کرده‌ایم. ﴿۱٤﴾ و پادشاهی آسمان ها وزمین برای خدا است هرکه را خواهد می آمرزد وهرکه را خواهد عذاب میکند وخدا آمرزگار مهربان است. ﴿۱۵﴾ پس ماندگان خواهند باتو گفت وقتیکه به سوی غنیمت ها روانه شوید[2] تا آنرا بدست آورید بگذارید مارا تاازپی شمارویم میخواهند که وعدهٔ خدارا مخالفت کنند بگوپیروی مانخواهید کرد خدا پیش ازین همچنین فرموده است پس خواهند گفت نه بلکه باما حسد میکنید بلکه همیشه مگراندکی نمی فهمیدند.

---

(۱) یعنی آنانکه درسفر حدیبیه موافقت نکردند والله اعلم.
(۲) یعنی غنیمت های خیبر.

﴿١٦﴾ بگو (یا محمد) پس ماندگان را ازاعراب که شما به سوی کارزار قومی جنگجوی نیرومند خوانده خواهید شد[١] که جنگ کنید باایشان یاآنکه مسلمان شوند پس اگر فرمانبرداری کنید خداشمارا پاداش بدهد واگررویگردان شوید چنانکه پیش ازین رویگردان شده بودید خدا شمارا عذاب دهد عذابِ درد ناك. ﴿١٧﴾ برنابینا گناهی نیست ونه برلنگ گناهی ونه بربیمار گناهی است[٢] وهر کس که خدا ورسولِ اورا فرمان برد به بوستانهایی که میرود زیرِ آن ها جویها درآوردش وهرکه رویگردان شود عذاب کند او را به عذاب درد ناك. ﴿١٨﴾ هرآئینه خدا از مسلمانان وقتیکه باتوزیرِ درخت بیعت میکردند خوشنود شد پس آنچه دردل‌های ایشانست معلوم ساخت پس اطمینانِ بر دل ایشان فرود آورد وایشان را فتحی نزدیك ثواب داد. ﴿١٩﴾ وغنیمت های بسیارکه آنرا بدست آورند[٣] وخدا غالب باحکمت هست. ﴿٢٠﴾ خدا شمارا غنیمت های بسیار که بدست آورید آنهارا وعده داده است پس برای شمااین غنیمت را[٤] زود عطا کرد دست های مردمان راازشما بازداشت[٥] وتا برای مسلمانان نشانه‌ای باشد وتا خدا شمارا راه راست بنماید[٦]. ﴿٢١﴾ وخداغنیمت های دیگرنیز وعده داد که هنوز برآن دست نیافته‌اید به تحقیق خدا آنهارا دانسته است خدا برهمه چیزتوانا[٧] هست. ﴿٢٢﴾ واگر کافران باشما جنگ میکردند البته پشتها را به سوی شما میگردانیدند باز کارسازی نمی یافتند و نه نصرت دهنده ای. ﴿٢٣﴾ مانندِ آیین خداکه گذشته است پیش ازین وآیین خدارا تبدیلی نخواهی یافت.

(١) یعنی فارس وروم واین معنی درزمان حضرت ابوبکر وحضرت عمر رضی الله عنهما متحقق شد والله اعلم.
(٢) یعنی درتخلف ازمثل این سفر والله اعلم.
(٣) یعنی غنایم خیبر وغیره.
(٤) یعنی غنایم خیبر.
(٥) یعنی در حدیبیه.
(٦) یعنی کفار قریش جمع شدند که بآن حضرت صلی الله علیه وسلم تشویشی رسانند خدای تعالی دست ایشان را ازقتال باز داشت وقضیه را بصلح انجامید.
(٧) یعنی غنایم فارس وروم.

﴿٢٤﴾ واوست آنكه دست هاى كافران را ازشماودست هاى شمارا ازكافران بازداشت درميان مكه بعدازآنكه شمارا برايشان پيروزمند ساخت وخدا به آنچه مى كنيد بينا هست[١]. ﴿٢٥﴾ اين كفار قريش آنانند كه كافرشدند وشمارا ازمسجدِ حرام بازداشتند وقربانى را ازآنكه برسد به جاى خود بازداشتند وا گر مردانِ مسلمان وزنانِ مسلمان نبودند كه نميدانيد ايشان را (اگرنبودى خوف آنكه) ايشانرا پامال وهلاك سازيد پس به شماگناهى بغير دانست[٢] ميرسد خدا (فتح را مؤخر كرد) تاكه هركه راخواهد برحمتِ خود در آورد اگر ازهم جدا مى‌بودند (اين هردو فريق) البته كافران را عذاب ميكرديم عذاب دردناك. ﴿٢٦﴾ آنگاه كه كافران دردل‌هاى خويش غيرتِ را ازجنس غيرتِ جاهليت مصمم كردند پس خدا اطمينان خود را برپيامبر خود وبرمسلمانان فرودآورد وبرايشان سخن پرهيزگارى را ثابت كرد وسزاوار به آن واهل آن بودند خدا بهر چيزدانا[٣] هست. ﴿٢٧﴾ هر آئينه خداخواب پيامبر خودرا مطابق واقع تحقق بخشيد به اين مضمون كه البته به مسجدِ حرام اگر خدابخواهد ايمن شده موى سرهاى خود را تراشيده وكوتاه كرده بدون ترس داخل خواهيد شد پس دانست آنچه شما ندانستيد پس پيش ازين فتحى نزديك را ميسركرد. ﴿٢٨﴾ اوست آنكه پيامبر خود را به هدايت ودين راست فرستاد تا بر همه اديان غالب كندش وخدا اظهارِ حق كننده بس است.

(١) تعريض است بآن قصه كه بعد انعقاد صلح هفتاد تن ازاوباش قريش خواستند كه بيخبر بر صحابه هجوم آرند صحابه همه را اسير كرده پيش آن حضرت صلى الله عليه وسلم آوردند آن حضرت عفوفرمود اين ظاهرانزد بنده ضعيف است وصحيح آنست كه اين آيت بشارتست بفتح مكه وآوردن لفظ ماضى ازجهت تحقيق وقوع بشارتست والله اعلم.

(٢) يعنى تصديق رؤيا بالفعل متحقق شدى وفتح عاجل ميسر گشتى والله اعلم.

(٣) يعنى جماعتى ازمسلمانان به اين صلح خيلى ناراحت بودند ولى آخر الامر خداى تعالى اطمينان رابدل ايشان انداخت تابمرضى آن حضرت صلى الله عليه وسلم رضا مند شدند والله اعلم.

﴿۲۹﴾ محمد (صلی الله علیه وسلم) پیامبر خداست وآنانکه همراه اویند برکافران سخت اند درمیان خود مهربان اند می بینی ایشان را رکوع کننده سجده نماینده فضل را ازخداوخوشنودی را می طلبند نشانهٔ صلاح ایشان ازاثر سجده در چهره های ایشان است آنچه مذکور میشود داستانِ ایشانست درتورات وداستانِ ایشان درانجیل مانند زراعتی هستند که شاخهای خود را برآورد پس آن را قوی کرد پس سطبر شد پس بایستاد برساقهای خود زراعت کنندگان را(۱) بشِگفت می‌آورد تا بسبب دیدن ایشان کافرانرا بخشم آورد خدا آنانراکه ایمان آوردند وکارهای شایسته کردند ازایشان آمرزش وپاداش بزرگ وعده داده است.

سوره حجرات مدنی است وآن هیجده آیه ودو رکوع است

﴿۱﴾ ای مسلمانان فراروی خداورسولِ او پیش دستی مکنید وازخدا بترسید هرآئینه خدا شنوای‌داناست. ﴿۲﴾ ای مسلمانان آوازهای خودرا بالای آواز پیامبر بلند مکنید ومانند بلند سخن گفتن شما باهمدیگر بااوبلند سخن مگویید برای احتراز ازآنکه عمل های شما نابود شود وشما خبردار نباشید. ﴿۳﴾ هرآئینه آنانکه آوازهای خودرا نزد پیامبر خدا پست میکنند آن جماعت آنانند که خدادل های ایشانرا برای ظهور تقویٰ آزموده است ایشانرا آمرزش وپاداش بزرگ است. ﴿٤﴾ هرآئینه آنانکه تورا ازپسِ پشت حجره ها آوازمیدهند اکثرایشان نمی فهمند.

(۱) حاصلِ مثل آنست که اسلام دراوّل حال ضعیف بود و مسلمانان کم بودند رفته رفته غالب وبسیار شدند عاقبت حال غلبهٔ اسلام آن است که خدای تعالی کافران را به خشم آرد.

(*) مترجم گوید خدای تعالی این سوره را برای تعلیم آداب فرودآوردکه از حضرت پیامبر صلی الله علیه وسلم درامرونهی پیشدستی نکنند وآن حضرت را بآواز بلند خطاب نکنند واگر فاسق چیزی گوید بغیر تفتیش حال او امضای عزیمت نه نمایند که در نتیجه آن میان ایشان خانه جنگی واقع شود ونتوانندآنرا اصلاح کنند وروبروی به پشیمانی شوند وازاستهزاء بایکدیگر ولقب بدنهادن وغیبت کردن وظن بد کردن وبعلوِ نسب بردیگران فخر کردن منع کرد وضعیف الإیمان را برضعیف الإیمان تنبیه فرمود والله اعلم.

﴿٥﴾ واگرایشان تاوقتی که به سوی ایشان بیرون می‌آمدی صبر می‌کردند برای ایشان بهتر می بود وخدا آمرزگار مهربانست(١). ﴿٦﴾ ای مسلمانان اگر پیش شما فاسقی خبری را بیاورد پس تحقیق کنید برای احتراز ازآنکه قومی را بنادانی ضرررسانید پس برآنچه عمل کردید پشیمان شوید. ﴿٧﴾ وبدانید که درمیانِ شما رسولِ خدااست اگر فرمانبرد شمارا دربسیاری ازکارهابرنج درافتید ولیکن خدا نزد شماایمان را دوست گردانید وآنرادردلهای شما آراسته کرد، پیشِ شماکفر وفسق و نافرمانی را ناخوش گردانید این جماعت ایشانند راه یافتگان. ﴿٨﴾ به فضل ونعمتی ازسوی خدا وخدا دانای باحکمت است. ﴿٩﴾ واگردوگروه ازمسمانان بایکدیگر جنگ کنند پس میانِ ایشان صلح کنید پس اگرتجاوز کرد یکی ازین دوگروه بردیگری پس باآن گروه که تجاوز میکند جنگ کنید تاآنکه به سوی حکمِ خدا رجوع کند پس اگر رجوع کرد پس میانِ ایشان باانصاف صلح کنید وداد دهید هرآئینه خدا داد دهندگان را دوست میدارد. ﴿١٠﴾ جزاین نیست که مسلمانان برادران یك دیگراند پس میان دو برادرِ خویش صلح کنید وازخدا بترسید تا برشما رحم کرده شود. ﴿١١﴾ ای مسلمانان گروهی گروهی دیگر را به ریشخند نگیرد احتمال است که آن گروه ازایشان درنفس الامر بهترباشند و نه زنانی زنانی دیگر را به ریشخند گیرد احتمال است که آن زنان ازایشان در واقع بهتر باشند و ازهمدیگرعیب جویی مکنید ویکدیگر را به لقب های بدمخوانید فاسقی بعد ازایمان آوردن بدنامی است وهرکه توبه نکرد پس آن جماعت ایشانند ستمکاران(٢).

(١) مترجم گوید این تعریض است بحال قومی ازبنی تمیم که بجهت مهمی پیش آن حضرت صلی الله علیه وسلم آمدند وچون در مسجد نیافتند ونمیدانستند که درکدام حجره تشریف دارند نزدیك حجره هاباآواز بلند صدا کردن را شروع کردند والله اعلم.

(٢) یعنی بگناهی که درجاهلیت کرده باشند بعدازاسلام نشانِ سندنباید ساخت.

﴿۱۲﴾ ای مسلمانان ازبسیاری گمانِ بد احتراز کنید هرآئینه بعض بد گمانی گناه است وجاسوسی مکنید وبعضی از شما بعضی را غیبت نکند آیا کسی ازشما دوست میدارد که گوشت برادر خود را که مرده باشد بخورد پس آن را زشت می پندارید وازخدا بترسید هرآئینه خداتوبه پذیرندهٔ مهربانست. ﴿۱۳﴾ ای مردمان هرآئینه شمارا ازیك مرد ویك زن آفریدیم وشمارا جماعت‌هاوقبیله‌ها گرداندیم تابایکدیگر آشنا شوید هرآئینه گرامی ترین شما نزد خدا پرهیزگارترینِ شماست هرآئینه خدا دانای خبرداراست. ﴿۱٤﴾ اعراب گفتند ایمان آوردیم بگوایمان بحقیقت نیاوردیدولیکن بگویید منقادشده ایم وهنوز ایمان به دل های شما درنیامده است واگرفرمانبرداری خداورسول اوکنید شمارا ازجزای اعمالِ شما چیزی کم ندهد هرآئینه خداآمزرگار مهربانست. ﴿۱٥﴾ جزاین نیست که مومنان به حقیقت آنانند که ایمان بخداوپیامبراو آوردند بازشك نکردند وبااموالِ خود وجان های خود درراه خدا جهاد نمودند آن جماعت ایشانند راست گویان. ﴿۱٦﴾ بگوآیا خدا را به دینِ خود خبردارمی‌کنید وخدا آنچه درآسمانها است وآنچه درزمین است میداند وخدا بهر چیز دانا است. ﴿۱۷﴾ منّت می نهند برتو به آنکه مسلمان شده‌اند بگو برمن به اسلام خود منّت منهید بلکه خدا برشما به آنکه هدایت کرد شمارا به ایمان منّت می نهد اگر راست گوهستید. ﴿۱۸﴾ هرآئینه خدا پنهانِ آسمان هاوزمین را میداند وخدابیناست به آنچه می کنید.

سوره ق مکی است وآن چهل وپنج آیه و سه رکوع است

﴿۱﴾ قٓ وقسم به قرآن بابزرگی (که توپیامبر خدایی). ﴿۲﴾ بلکه تعجب کردند کافران
ازآنکه ازقوم ایشان بدیشان ترسانندهای آمد پس آن کافران گفتند این چیزی است عجیب.
﴿۳﴾ آیا چون بمیریم وخاك شویم (حشر کرده شویم) این بازگردانیدن دور ازعقل است.
﴿٤﴾ هرآئینه دانستهایم آنچه زمین ازایشان[1] کم میکند ونزد ماکتابیست نگاهدارنده[2].
﴿٥﴾ بلکه سخن راست را وقتیکه بدیشان بیامد تکذیب کردند پس ایشان درکاری شوریده
اند. ﴿٦﴾ آیا به سوی آسمان بالای خود ندیدهاند چگونه آن را بناکردهایم وآنرا آراسته
کرده ایم ودرآن هیچ شگافی نیست. ﴿۷﴾ وزمین را گستردیم و درآن کوهها افگندیم و
درآن ازهر نوع خوش آینده رویانیدیم. ﴿۸﴾ برای راه نمودن وپند دادن هربندهٔ رجوع
کننده. ﴿۹﴾ وازآسمان آب بابرکت فرودآوردیم پس بسبب آن بوستانهاودانه که آن را درو
میکنند رویانیدیم. ﴿۱۰﴾ ودرختانِ خرما بلند بالابرآمده آنرامیوه تودرتو انباشته است.
﴿۱۱﴾ روزی برای بندگان وبه آن شهر مرده را زنده ساختیم ازگور برآمدن همچنین باشد.
﴿۱۲﴾ پیش ازایشان قوم نوح واهل رَسّ وثمود تکذیب کردند. ﴿۱۳﴾ وعاد وفرعون
وبرادرانِ لوط نیز. ﴿۱٤﴾ واهل اَیکه وقوم تُبَّع هریکی پیامبران را تکذیب کردند پس
وعدهٔ عذاب من ثابت شد. ﴿۱٥﴾ آیا درآفرینش نخستین عاجزشده بودیم بلکه ایشان
ازآفرینش نو درشبهه هستند.

(۱) یعنی آنچه میخورد زمین ازبدن ایشان.
(۲) یعنی لوحِ محفوظ.

﴿۱٦﴾ وهرآئینه آدمی را آفریدیم ومیدانیم چیزی را که نفسِ او بخاطر میگذراندش و ما به وی ازشاهرگ (یعنی رگ گردن) نزدیك تریم. ﴿۱۷﴾ آنگاه که فرا گیرند دوفرا گیرنده به پهلوی راست نشیننده وبه پهلوی چپ نشیننده[۱]. ﴿۱۸﴾ به زبان نمی آورد آدمی هیچ سخنی مگر نزدیك او نگهبانیست مهیا[۲]. ﴿۱۹﴾ وسختیِ موت براستی بیامد اینست آنچه ازآن کناره گیری میکردی. ﴿۲۰﴾ ودرصور دمیده شود روز وعدهٔ عذاب این است. ﴿۲۱﴾ وهر شخصی همراه اوروان کننده ای وگواهی دهنده ای بیامد[۳]. ﴿۲۲﴾ (گوییم) هرآئینه دربی خبری بودی ازین ماجرا پس ازتو پردهٔ تورا برداشتیم پس چشم توامروزتیزبین است. ﴿۲۳﴾ وفرشته همنشین او گفت اینست آنکه نزدیك من حاضر کرده شده بود. ﴿۲٤﴾ (گوییم) ای دوفرشته دردوزخ هرناسپاس سرکش را بافکنید[٤]. ﴿۲٥﴾ منع کنندهٔ مال ازحد درگذرندهٔ شك آورنده. ﴿۲٦﴾ آنکه باخدا معبودی دیگر مقرر کرد پس او را درعذاب سخت بافکنید. ﴿۲۷﴾ همنشین او گفت[٥] ای پروردگارمن این شخص را گمراه نکردم ولیکن وی در گمراهیِ دور بود. ﴿۲۸﴾ فرمود پیش من خصومت مکنید حالانکه پیش ازین به سوی شما وعدهٔ عذاب فرستاده بودم. ﴿۲۹﴾ (آن) وعده در نزد من تغییر داده نمی شود ومن بربندگان ستم کننده نیستم. ﴿۳۰﴾ روزی که دوزخ را بگوییم آیا پرشدی؟ ودوزخ گوید آیا هیچ زیاده ازین هست[٦]؟. ﴿۳۱﴾ وبهشت برای متقیان نزدیك گردانیده شود نه دور. ﴿۳۲﴾ (گوییم) این است آنچه شمارا وعده داده میشد نزدیك کرده شده برای هر رجوع کنندهٔ نگاهدارنده. ﴿۳۳﴾ برای هرکسیکه ازخدا به پنهانی بترسد وبادل متوجه شده پیش آمد. ﴿۳٤﴾ (گوییم) دربهشت همراه سلامتی داخل شوید اینست روزهمیشه جاویدان. ﴿۳٥﴾ برای ایشان دربهشت آنچه خواهند است ونزدیك ما ازآن زیاده است.

(۱) یعنی کراماً کاتبین والله اعلم.

(۲) یعنی اگرکلمه حق باشد فرشتهٔ دست راست مینویسد واگرکلمه باطل باشد فرشتهٔ دست چپ می نویسد والله اعلم.

(۳) مراد جنس روان کننده وگواهی دهنده است.

(٤) مترجم گوید عادت پادشاهانست که اسیررا پیش ایشان دوکس گرفته می آورند ازین جهت دو فرشته را خطاب شود.

(٥) یعنی شیاطین ازانس وجن والله اعلم.

(٦) یعنی هر چند درواندازند زیاده طلب کند والله اعلم.

﴿۳۶﴾ وپیش ازایشان امت ها بسیارهلاك کردیم که قوی تربودند ایشان از اینجماعت دردست درازی پس جستجو کردند درشهرها که هیچ گریزگاهی هست. ﴿۳۷﴾ هرآئینه درین امر کسی را که دلی دارد یاگوش نهد متوجه شده پنداست. ﴿۳۸﴾ وهرآئینه آسمان‌ها وزمین را وآنچه درمیان هر دوهست درشش روز آفریدیم وبماهیچ خستگی نرسید. ﴿۳۹﴾ پس به آنچه میگویند صبر کن وبپاکی همراه ستایش پروردگارخویش را پیش ازبرآمدن آفتاب وپیش ازغروب یادکن. ﴿٤۰﴾ ودربعض اوقات شب به پاکی خدارا یادکن وعقب نمازنیز. ﴿٤۱﴾ واین قصّه را بشنو روزیکه آواز دهنده ازجای نزدیك آوازدهد[۱]. ﴿٤۲﴾ روزیکه بشنوند نعره تند بغیر تردد آن روز بیرون آمدن (ازقبر) است. ﴿٤۳﴾ هرآئینه ما زنده می‌کنیم ومی‌میرانیم وبه سوی ماست بازگشت. ﴿٤٤﴾ روزیکه زمین ازسرایشان بشگافد بیرون آیند شتابان، این برانگیختن برما آسان است. ﴿٤٥﴾ ماميدانيم آنچه می گویند ونیستی تو برایشان قهر کننده، پس پند دِه به قرآن هرکه‌را از وعدهٔ عذابِ من میترسد.

سوره ذاریات مکی است وآن شصت آیه وسه رکوع است

﴿۱﴾ قسم به بادهاي که پراکنده کنندهٔ خاك اند پراکنده کردنی. ﴿۲﴾ پس قسم به ابرهای بردارندهٔ بارِ آب. ﴿۳﴾ پس قسم بکشتی‌های آسان رو. ﴿٤﴾ پس قسم به فرشتگانِ تقسیم کنندهٔ کار[۲]. ﴿۵﴾ هرآئینه آنچه وعده داده می شوید راست است. ﴿٦﴾ وهرآئینه جزای اعمال بودنیست.

---

(۱) این تصویری است آنرا که همه دراستماع ندا مساوی باشند والله اعلم.

(۲) یعنی ارزاق وبلاهارا.

﴿۷﴾ قسم به آسمان دارای راه ها[۱]. ﴿۸﴾ هرآئینه شمادر سخنی دربارهٔ (وحی) باهم اختلاف دارنده هستید. ﴿۹﴾ هرکه درعلم الهی ازخیر مطرود است ازقرآن بازگردانیده میشود. ﴿۱۰﴾ دروغگویان‌را لعنت کرده شد. ﴿۱۱﴾ آنانکه ایشان دربی‌خبری فراموش کنندگان اند. ﴿۱۲﴾ می پرسند روزجزا کَی خواهد بود. ﴿۱۳﴾ (آری) آنروزکه ایشانرا درآتش عذاب داده میشود. ﴿۱٤﴾ (گوییم) عقوبت خود را بچشید اینست آنچه آنرا بشتاب طلب میکردید. ﴿۱۵﴾ هرآئینه متقیان دربوستانها وچشمه هاباشند. ﴿۱٦﴾ بدست آرنده آنچه ایشانرا پروردگار ایشان داد هرآئینه ایشان پیش ازین نیکوکار بودند. ﴿۱۷﴾ به این صفت بودند که اندکی ازشب می خوابیدند. ﴿۱۸﴾ وبوقت سحر ایشان طلب آمرزش می نمودند. ﴿۱۹﴾ ودراموال ایشان حصّه ای مقرر برای سوال کننده وبرای تنگدست کم سوال بود. ﴿۲۰﴾ ودرزمین برای یقین کنندگان نشانه هاست. ﴿۲۱﴾ ودرذات های شما نشانه هاست آیانمی نگرید. ﴿۲۲﴾ ودرآسمان رزق شما است وآنچه شمارا وعده داده میشود[۲]. ﴿۲۳﴾ پس قسم به پروردگارآسمان وزمین هرآئینه این خبرراست است مانند آنکه شما سخن میگویید[۳]. ﴿۲٤﴾ آیا پیش توخبر مهمانان گرامیِ ابراهیم آمده است. ﴿۲۵﴾ چون برابراهیم درآمدند پس سلام گفتند جواب سلام داد (به دل گفت) ایشان گروهی ناشناخته هستند. ﴿۲٦﴾ پس متوجه شد به سوی اهل خانهٔ خود پس کباب گوساله فربه آورد. ﴿۲۷﴾ پس آنرا به ایشان نزدیك ساخت گفت آیا نمی خورید؟. ﴿۲۸﴾ پس (چون نخوردند) درخاطر خود ازایشان ترسی یافت گفتند مترس و به فرزندی دانا بشارت دادند. ﴿۲۹﴾ پس زن ابراهیم بانگ زنان پیش آمد وسیلی ای برچهره اش نواخت وگفت (آیابزاید) پیرزنی نازا. ﴿۳۰﴾ فرشتگان گفتند پروردگارتو همچنین فرمود هرآئینه او باحکمت دانا است.

(۱) یعنی صورتهای مختلف دارند مانند شکل شیر وشکل بره وشکل عقرب والله اعلم.
(۲) یعنی پیش ازوجود خارجی در عالم ملکوت رزق وعقوبت وامثال آن مقدر میشود والله اعلم.
(۳) یعنی چنانکه درگفتن خود یقین دارید که ماالبته میگوییم همچنین باین خبریقین باید آورد والله اعلم.

﴿۳۱﴾ ابراهیم گفت پس مقصد شمااى فرستادگان چیست؟. ﴿۳۲﴾ گفتند هرآئینه ما به سوی گروهی گناهگار فرستاده شده‌ایم. ﴿۳۳﴾ تا برسرایشان سنگ باری ازگل فروریزیم. ﴿۳٤﴾ که نزد پروردگار تو برای اسرافکاران نشانمند شده است. ﴿۳۵﴾ پس کسانی که در آنجا ازمومنان بودند بیرون آوردیم. ﴿۳٦﴾ پس درآنجاغیر از یك خانه ازمسلمانان[۱] نیافتیم. ﴿۳۷﴾ ودرآن شهر برای آنانکه ازعذاب درد ناك می ترسند [۲] نشانه ای گذاشتیم. ﴿۳۸﴾ ودرقصّهٔ موسیٰ نشانه است چون به سوی فرعون به دلیل واضح فرستادیمش. ﴿۳۹﴾ پس همراه سپاهیان خود رویگردان شد[۳] و گفت جادوگریست یادیوانه. ﴿٤۰﴾ پس اورا ولشکر های اورا گرفتیم پس ایشان را دردریا افکندیم واو سزاوار ملامت بود. ﴿٤۱﴾ و در قصّهٔ عاد نشانه است چون برایشان بادی بی منفعت رافرستادیم. ﴿٤۲﴾ هیچ چیزرا که برسد بوی نگذارد مگر آن را مانندِ استخوان پوسیده سازد. ﴿٤۳﴾ ودرقصّهٔ ثمود نشانه است چون ایشانرا گفته شد تامدتی بهره مند باشید. ﴿٤٤﴾ پس ایشان را نعرهٔ تند درگرفت درحالیکه ایشان میدیدند. ﴿٤۵﴾ پس برخاستن نتوانستند و انتقام کشندگان نبودند. ﴿٤٦﴾ وپیش ازین قوم نوح را هلاك ساختیم هرآئینه ایشان گروهی بدکار بودند. ﴿٤۷﴾ وآسمان را به قوت بناکردیم وهرآئینه ما توانااییم. ﴿٤۸﴾ وزمین را گسترانیدیم پس نیکوگسترانند ه ایم. ﴿٤۹﴾ واز هرچیزی دوقسم آفریدیم تاشماپند پذیر شوید[٤]. ﴿۵۰﴾ (پیامبر گوید) پس به سوی خدا بگریزید هرآئینه من برای شما ازجانب اوترسانندهٔ آشکارم. ﴿۵۱﴾ وباخدا معبودی دیگررا مقرر مکنید هرآئینه من برای شماازجانب اوترسانندهٔ آشکارم.

(۱) یعنی خانهٔ حضرت لوط والله اعلم.
(۲) یعنی آثارِآن سنگباران موجود است والله اعلم.
(۳) یعنی لشکر خود.
(٤) یعنی اعلی وادنی (وترش وشیرین ونر وماده وشب وروز...).

﴿۵۲﴾ همچنین نزدیك آنانکه پیش ازایشان بودند هیچ پیامبری نیامده است مگر گفتند جادوگریست یا دیوانه است. ﴿۵۳﴾ آیابایکدیگر به انکار وصیت کرده‌اند بلکه ایشان گروه سرکش اند. ﴿۵٤﴾ پس ازایشان روی بازگردان پس توملامت کرده شده نیستی. ﴿۵۵﴾ وپند دِه هرآئینه پنددادن مومنان را سودمیدهد. ﴿۵٦﴾ ونیافریده‌ام جن وانس را مگربرای آنکه مرا بپرستند. ﴿۵۷﴾ ازایشان رزق را نمی خواهم ونمی خواهم که مراطعام دهند. ﴿۵۸﴾ هرآئینه خدا همونست رزق دهنده (همان) توانمند استوار[۱]. ﴿۵۹﴾ پس هرآئینه آنان را که ستم کرده اند نصیبی است (یعنی ازعقوبت) مانند نصیبهٔ یارانِ‌گذشته ایشان پس بایدکه ازمن بشتاب طلب نکنند. ﴿٦۰﴾ پس وای کافران را ازآن روزِایشان که وعده داده میشوند.

سوره طور مکی است وآن چهل ونه آیه ودو رکوع است

﴿۱﴾ قسم به کوه طور. ﴿۲﴾ وقسم به کتاب نوشته شده. ﴿۳﴾ درکاغذ کشاده[۲]. ﴿٤﴾ وقسم بخانهٔ معمور[۳]. ﴿۵﴾ وقسم به سقف برافراشته شده[٤]. ﴿٦﴾ وقسم به دریا پرکرده شده. ﴿۷﴾ هرآئینه عذاب پروردگارتو بودنیست. ﴿۸﴾ اوراهیچ دفع کننده ای نیست. ﴿۹﴾ روزیکه جنبش کند آسمان جنبش کردنی. ﴿۱۰﴾ وروان شود کوه ها روان شدنی. ﴿۱۱﴾ پس آنروز وای به حال تکذیب کنندگان. ﴿۱۲﴾ آنانکه ایشان به بیهوده گویی بازی می کنند. ﴿۱۳﴾ روزیکه به سختی به سوی آتش دوزخ روان کرده شوند روان کردنی. ﴿۱٤﴾ اینست آتشی که شما آن را تکذیب میکردید.

(۱) یعنی آدمیان بنده می گیرند تادرامور زندگی به آنان معاونت کنند بخلاف خدا (که بی نیازاست) والله اعلم.
(۲) یعنی تورات یا قرآن.
(۳) یعنی آنکه درآسمان است.
(٤) یعنی آسمان.

﴿۱۵﴾ آیا سحراست این یاشما درنمی‌نگرید. ﴿۱٦﴾ درآیید به این آتش پس صبر کنید یا
نکنید برشما برابراست جزاین نیست که جزا داده خواهید شد بحسب آنچه می‌کردید.
﴿۱۷﴾ هرآئینه متقیان دربوستانها ونعمت‌هاباشند. ﴿۱۸﴾ خوشحال شده بسبب آنکه
ایشانرا پروردگار ایشان نعمت داد و بسبب آنکه ایشانرا ازعذاب دوزخ نگهداشت. ﴿۱۹﴾
بخورید و بنوشید گوارا به پاداش آنچه میکردید. ﴿۲۰﴾ تکیه زده برتخت های
برابریکدیگر گسترده و ایشانرا بحوران کشاده چشم جفت کنیم. ﴿۲۱﴾ وآنانکه ایمان
آوردند واولادِ ایشان با ایمان برپی ایشان رفتند اولاد ایشانرا به ایشان برسانیم ایشانرا
ازپاداش عملِ ایشان چیزی نقصان نکنیم هر مردی به آنچه عمل کرد درگروباشد. ﴿۲۲﴾
وپی درپی ایشانرا میوه وگوشت ازجنسی که طلب کنند عطاکنیم. ﴿۲۳﴾ آنجاپیالهٔ شراب
را ازدست یکدیگر می‌گیرند نه بیهوده گویی درآن باشد ونه‌گناهی. ﴿۲٤﴾ وبرایشان
نوجوانانی چند ازایشان آمدورفت کنند گویاآن نوجوانان مروارید درپرده پنهان‌اند. ﴿۲۵﴾
و روی آورد بعض ایشان بربعضی ازیك دیگرسوال کنان. ﴿۲٦﴾ گفتند هرآئینه ما پیش
ازین درمیانِ اهل خانهٔ خود ترسان بودیم. ﴿۲۷﴾ پس مارا خدا نعمتِ فراوان داد ومارا
ازعذاب بادگرم نگاهداشت. ﴿۲۸﴾ هرآئینه ماپیش ازین اورا عبادت میکردیم هرآئینه او
احسان کننده مهربان است. ﴿۲۹﴾ (یا محمد) پس پند ده پس توبفضل پروردگاخودکاهن
نیستی ونه دیوانه. ﴿۳۰﴾ بلکه میگویند آیا شاعراست درحقِ او حوادثِ زمانه را انتظار
کشیم. ﴿۳۱﴾ بگو انتظار بکشید هرآئینه من باشما ازانتظار کشندگانم.

﴿۳۲﴾ آیا ایشان را به این عقیده عقل های ایشان میفرماید یا ایشان گروهی سرکش‌اند. ﴿۳۳﴾ آیامیگویند قرآن را بربسته است نه بلکه ایمان نمی آورند. ﴿۳٤﴾ پس بایدکه سخنی ماننداین بیارند اگر راست گوهستند. ﴿۳٥﴾ آیا ایشان بغیر آفریننده آفریده شدند یاایشان خود آفریدگاراند. ﴿۳٦﴾ آیا آسمان‌هاوزمین را آفریده‌اند بلکه ایشان باورنمی کنند. ﴿۳۷﴾ آیانزد ایشان خزانهای پروردگارتست یا ایشان چیره هستند. ﴿۳۸﴾ آیا ایشان رانردبانی هست که برآن بالا رفته می‌شنوند پس بایدکه شنونده ٔ ایشان دلیل ظاهر را بیارد. ﴿۳۹﴾ آیا برای خدا دختران وبرای شما پسران پیدامی شوند. ﴿٤۰﴾ آیا ازایشان مزدی بررسالت طلب میکنی پس ایشان ازغرامت گرانبار شده‌اند. ﴿٤۱﴾ آیانزد ایشان علمِ غیب است پس ایشان‌اند مینویسند. ﴿٤۲﴾ آیا بداندیشی می‌خواهند پس کافران ایشان درضررِ بَداندیشی گرفتار شده. ﴿٤۳﴾ آیاایشان را بجزخدا معبودی هست پاکی خداراست ازآنکه شریك مقرر میکنند. ﴿٤٤﴾ و اگر یك پاره رااز آسمان افتاده ببینند گویند این ابریست برهم نشسته. ﴿٤٥﴾ پس ایشان راتاآنکه به آن روزخود ملاقات کنند که درآن بیهوش کرده شوند بگذار. ﴿٤٦﴾ روزی که ازایشان مکرِ ایشان چیزی را دفع نکند ونه ایشان نصرت داده شوند. ﴿٤۷﴾ وهرآئینه ستمکاران را عذابیست غیر از این ولیکن اکثر ایشان نمیدانند. ﴿٤۸﴾ وصبر کن بانتظار حکم پروردگار خود هرآئینه توبحضور چشم مایی وبپاکی باستایش پروردگارخود را وقتیکه به صبح برخیزی یادکن. ﴿٤۹﴾ وبعض اوقات شب خدارا بپاکی یادکن وعقب غائب شدن ستاره هانیز.

سوره نجم مکی است وآن شصت ودوآیه وسه رکوع است

﴿۱﴾ قسم به ستاره چون فروافتد. ﴿۲﴾ گمراه نشد این یارشما[۱] راه را گم نکرده است.
﴿۳﴾ واز روی خواهش نفس سخن نمی گوید. ﴿٤﴾ نیست قرآن مگروحی که به سوی
اوفرستاده میشود. ﴿٥﴾ اورافرشتهٔ بسیار باقوّت آموخته است. ﴿٦﴾ (فرشته ای) نیرومند
پس (فرارویش) راست ایستاد. ﴿۷﴾ و او به کنارهٔ بلند آسمان بود. ﴿۸﴾ بازنزدیك
شدوفرودآمد. ﴿۹﴾ پس رسید بمسافتِ دوکمان یا ازآن نزدیك تر. ﴿۱۰﴾ پس پیغام
رسانید به سوی بندهٔ خداآنچه راکه رسانید. ﴿۱۱﴾ دل پیامبر درآنچه دید ناراستی نیفزود.
﴿۱۲﴾ آیاشما گفتگو میکنید باپیامبردرآنچه می بیند. ﴿۱۳﴾ به راستی که او را (این فرشته
را) یك باردیگر دیده بود. ﴿١٤﴾ درنزد سدرة المنتهیٰ. ﴿١٥﴾ بهشت آرامگاه نزدیك آن
سِدرَه است. ﴿١٦﴾ (فرشته را دید) وقتی که می پوشید سِدرَه راآنچه می پوشید[۲].
﴿۱۷﴾ چشم پیامبر کجروی نکرد واز مقصد تجاوز ننمود. ﴿۱۸﴾ به راستی بعض نشانه
های بزرگ پروردگار خود را معاینه کرد. ﴿۱۹﴾ آیا لات را وعزی را دیدید. ﴿۲۰﴾ منات
سومی بی قدررا. ﴿۲۱﴾ آیا برای شما پسر وبرای خدا دختر باشد. ﴿۲۲﴾ این قسمت
آنگاه قسمت بی انصاف باشد. ﴿۲۳﴾ نیست این مگرنامهای چند که آنرا شماوپدرانِ شما
مقرر کردهاید خدابرثبوت آنها هیچ دلیلی فرود نیاورده است پیروی نمی کنند مگروَهْم
فاسد وچیزی را که نفسها خواهش می کند، وبه راستی ایشان راازپروردگارایشان هدایت
آمده است. ﴿٢٤﴾ آیا آدمی را آنچه که آرزو میکند میسراست. ﴿٢٥﴾ پس آنجهان واین
جهان ازآنِ خدا است. ﴿٢٦﴾ وچه بسیار فرشتهاند درآسمان ها که شفاعتِ ایشان چیزی
را نفع نمی بخشد مگر بعدازآنکه خدا اجازت دهد ورضامند شود برای هرکه خواهد.

---

(۱) یعنی محمد صلی الله علیه وسلم.

(۲) یعنی وقتیکه انوار الهی ازهر جانب سِدرَه را احاطه کرد واین درشب معراج بود والله اعلم.

﴿۲۷﴾ هرآئینه آنانکه آخرت را باور نمیدارند فرشتگان را به نام دختران می نامند. ﴿۲۸﴾ وایشانرا به ثبوت آن هیچ دانشی نیست مگر وَهْم را پیروی نمی کنند وهرآئینه وَهْم وگمان ازشناخت حقیقت چیزی را نفع نمیدهد. ﴿۲۹﴾ پس ازکسیکه ازیاد ما اعراض کند وجز زند گانی دنیارانخواهد روی بگردان. ﴿۳۰﴾ این منتهای دانش آنان است(۱) هرآئینه پروردگارتو بهرکه گمراه شد از راه او داناست واو دانا ست بهرکه راه یافت. ﴿۳۱﴾ وآنچه درآسمان ها وآنچه درزمین است برای خدااست تاعاقبت کار جزا دهد آنانرا که بدکاری کردند بحسب آنچه عمل نمودند وآنان را که نیکوکاری کردند به خصلت نیك پاداش دهد. ﴿۳۲﴾ آنانکه ازکبایر گناهان وبی حیایی‌ها جز گناهان صغیره پرهیزگاری می کنند هرآئینه پروردگار تو بسیارآمرزنده است او به احوال شما وقتی که شمارا از زمین پیداکرد ووقتیکه شما درشکم های مادرانِ خویش بچه های بودید دانا تر است پس خویشتن را ستایش مکنید خدا به کسیکه پرهیزگاری کرد دانا تراست. ﴿۳۳﴾ آیا کسی راکه رویگردان شد دیدی. ﴿۳٤﴾ واندکی ازمال داد و سخت دل شد. ﴿۳٥﴾ آیانزد اوست علم غیب پس گویا اوهر چیز را بچشم می بیند. ﴿۳٦﴾ آیا خبرداده نشد به آنچه در صحیفه‌های موسیٰ بود. ﴿۳۷﴾ وابراهیم که وفادار بود. ﴿۳۸﴾ (مضمونش آنکه) هیچ بردارنده بارِگناهِ دیگررا برنخواهد داشت. ﴿۳۹﴾ وآنکه آدمی را نرسد مگر آنچه عمل کرده است. ﴿٤۰﴾ وآنکه سعی آدمی دیده خواهد شد. ﴿٤۱﴾ سپس به آن جزایی هرچه تمامتر خواهند داد. ﴿٤۲﴾ وآنکه باز گشت به سوی پروردگارتواست. ﴿٤۳﴾ وآنکه او خنداند وگریاند. ﴿٤٤﴾ وآنکه او میراند واو زنده گرداند.

(۱) یعنی این است نهایتِ علمِ ایشان.

﴿٤٥﴾ وآنکه او (خدا) دوقسم نروماده را آفرید. ﴿٤٦﴾ ازنطفه چون در رحم ریخته شود. ﴿٤٧﴾ وآنکه بر عهدهٔ اوست دوباره پیداکردن. ﴿٤٨﴾ وآنکه اوتوانگر ساخت وسرمایه داد. ﴿٤٩﴾ وآنکه همونست پروردگار ستارهٔ شعریٰ. ﴿٥٠﴾ وآنکه او عاد نخستین را هلاك ساخت. ﴿٥١﴾ وثمود را هلاك کرد پس هیچ کس را باقی نگذاشت. ﴿٥٢﴾ وقومِ نوح را پیش ازین هلاك کرد هرآئینه ایشان ستمکارتر وازحدگذشته تر بودند. ﴿٥٣﴾ وشهر موتفکه را برزمین افکند. ﴿٥٤﴾ پس پوشانید بروی آنچه پوشانید[١]. ﴿٥٥﴾ پس به کدام یك ازنعمت های پروردگارت (ای آدمی) شك میکنی. ﴿٥٦﴾ این پیامبر ترساننده ازجنس ترسانندگان پیشین است. ﴿٥٧﴾ قیامت نزدیك آمد. ﴿٥٨﴾ اورا جز خداهیچ ظاهر کننده ای‌نیست. ﴿٥٩﴾ آیا ازین سخن تعجب می کنید. ﴿٦٠﴾ ومی خندید وگریه نمی کنید. ﴿٦١﴾ وشما در غفلت هَوَسراني بسر میبرید. ﴿٦٢﴾ پس برای خدا سجده کنید وپرستش نمایید.

سوره قمر مکی است وآن پنجاه وپنج آیه وسه رکوع است

﴿١﴾ قیامت نزدیك آمد وماه بشگافت[٢]. ﴿٢﴾ واگر کافران نشانه ای را ببینند اعراض کنند وگویند سحریست قوی. ﴿٣﴾ وتکذیب کردند وخواهش های خود را پیروی کردند وهرچیزی (دروقت خود) به غایتی می انجامد. ﴿٤﴾ به راستی که آمده است بدیشان ازخبرها آنچه درآن پنداست. ﴿٥﴾ (وآمده است) دانشی سرشار پس هشدارها سودی نمی بخشد. ﴿٦﴾ پس ازایشان اعراض کن آنروزکه دعوت کننده به سوی چیزی ناخوش‌آیند دعوت کند.

---

(١) یعنی سنگباران کرد.

(٢) اشارتست بآن قصّه که کافران ازحضرت پیامبر صلی الله علیه وسلم معجزه طلب کردند خدای تعالی ماه را دو قطعه ساخت یکی برکوه ابوقبیس وقطعه دیگر برکوه قعیقعان والله اعلم.

﴿٧﴾ درحالیکه چشمهای ایشان فروهشته باشد (آن روز) از قبرها برآیند گویاایشان ملخِ پراگنده اند. ﴿٨﴾ شتاب کنان به سوی آن دعوت کننده، کافران گویند این روزی دشوار است. ﴿٩﴾ پیش ازایشان قوم نوح تکذیب کردند پس بندهٔ مارا تکذیب کردند وگفتند دیوانه است وبااوسخن درشت‌گفته شد. ﴿١٠﴾ پس به جناب پروردگار خود دعاکرد که من مغلوب شده ام پس انتقام بگیر. ﴿١١﴾ پس درهای آسمان را به آبی بسیارریزنده گشودیم. ﴿١٢﴾ واززمین چشمه ها را روان کردیم پس آب ازهر جانب بنابر امری‌که مقدر شده بود[١] جمع شد. ﴿١٣﴾ ونوح را بر (کشتی) ساخته شده از تخته ها ومیخها سوار کردیم. ﴿١٤﴾ زیرنظر چشم‌های ما میرفت، این پاداش کسی بود که به اوناسپاسی کرده بودند[٢]. ﴿١٥﴾ به راستی که این عقوبت رانشانه‌ای گذاشتیم پس هیچ پندگیرنده‌ای هست. ﴿١٦﴾ پس عقوبتِ من وترسانیدن های من چگونه بود؟. ﴿١٧﴾ وهرآئینه قرآن را آسان کردیم تاپندگیرند پس آیاهیچ پندپذیرنده ای هست؟. ﴿١٨﴾ قوم عاد تکذیب کردند پس عذابِ من وترسانیدن های من چگونه بود؟. ﴿١٩﴾ هرآینه ما برایشان بادِتند را درروز شوم به غایت سخت فرستادیم. ﴿٢٠﴾ مردمان را برمیکند گویاایشان تنه های درختانِ خرمای ازبیخ برکنده اند. ﴿٢١﴾ پس عقوبت من وترسانیدن های من چگونه بود؟. ﴿٢٢﴾ وهرآئینه قرآن را آسان کرده ایم تاپند بگیرند پس آیاهیچ پند پذیرنده ای هست. ﴿٢٣﴾ قوم ثمود ترسانندگانرا تکذیب کردند. ﴿٢٤﴾ پس گفتند آیایك آدمی راازقوم خویش پیروی کنیم؟ هرآئینه ماآنگاه درگمراهی ودیوانگی باشیم. ﴿٢٥﴾ آیا ازمیانِ ما وحی به او نازل کرده شد مردی نه بلکه او دروغگویی خود پسنداست. ﴿٢٦﴾ فردا خواهند دانست کیست دروغگوی خود پسند. ﴿٢٧﴾ هرآئینه ما ماده شتررا بجهت آزمایش ایشان فرستنده ایم پس ای صالح منتظر ایشان باش وصبر پیش گیر.

---

(١) یعنی هلاك قوم او.

(٢) یعنی برای انتقام خصومت کنان.

﴿۲۸﴾ وایشانرا خبردارکن که آب درمیانِ ایشان مقسوم است هر آنکه حصه آب نوبت اوست به آن حاضر شود. ﴿۲۹﴾ پس یارخود را آواز دادند پس دست درازی کردو (آن شتررا) مجروح ساخت. ﴿۳۰﴾ عقوبت من وترسانیدن های من پس چگونه بود؟. ﴿۳۱﴾ هرآئینه ما برایشان یك نعره فرستادیم پس مانند حظیره[۱] درهم شکسته که حظیره ساز آنرابنا کرده باشد شدند. ﴿۳۲﴾ وهرآئینه قرآن رابرای آنکه پندگیرند آسان گرداندیم پس آیاهیچ پندگیرنده ای است. ﴿۳۳﴾ قوم لوط ترسانندگان را تکذیب کردند. ﴿۳٤﴾ هرآئینه برایشان بادِسنگبار را فرستادیم مگراهل خانهٔ لوط که ایشان را وقت سحر نجات دادیم. ﴿۳٥﴾ به مهربانی ازنزدیك خویش همچنین پاداش میدهیم هرکسی را که شکرگزاری کرد. ﴿۳٦﴾ وبه راستی که لوط ایشانرا ازعقوبت ماترسانیده بود پس درآن ترسانیدنها مجادله کردند. ﴿۳۷﴾ وبه راستی که سخن گفتند تا لوط راازحفظ مهمانانِ او غفلت دهند پس چشم های ایشانرا محوکردیم پس (گفتیم) عذاب مرا وترسانیدنهای مرا بچشید. ﴿۳۸﴾ وهرآئینه ایشانرا بامداد عقوبتی جای گیرنده برهم زد. ﴿۳۹﴾ پس (گفتیم) عذاب مرا وترسانیدنهای مرا بچشید. ﴿٤۰﴾ وهرآئینه قرآن رابرای آنکه پندگیرند آسان گرداندیم پس آیا هیچ پندگیرنده ای هست. ﴿٤۱﴾ وبه یقین ترسانندگان به نزد فرعونیان آمدند. ﴿٤۲﴾ همگی نشانه های مارا تکذیب کردند پس ایشانرا مانند درگرفتن غالب قوی گرفتیم. ﴿٤۳﴾ آیاکافران شما ای قریش ازین جماعت ها بهتراند یا شمارا درکتابهای پیشین حکم خلاصی است. ﴿٤٤﴾ آیامی‌گویند ماجماعتی انتقام گیرنده‌ایم. ﴿٤٥﴾ این جماعت را شکست داده خواهد شد وایشان پشت بگردانند. ﴿٤٦﴾ بلکه قیامت وعده‌گاهِ ایشانست وقیامت سخت تر وتلخ تراست. ﴿٤۷﴾ هرآئینه گنهکاران درگمراهی ودیوانگی اند. ﴿٤۸﴾ یادکن روزی را که کشیده شوند در دوزخ برروی های ایشان (گویم) عذاب دوزخ را بچشید. ﴿٤۹﴾ هرآئینه ماهرچیزرا باندازهٔ مقرر پیداکردیم.

(۱) مترجم گوید حظیره احاطه است که ازشاخهای خشك و خاربرای گوسفند بنا کنند وآن به مرورزمان پایمال مواشی میگرددخدای تعالی به آن پایمال شده تشبیه داد.

﴿٥٠﴾ ونیست حکم ما مگریك کلمه مانندبه هم زدن چشم[۱]. ﴿٥١﴾ وبه راستی که امثال شمارا هلاك ساختیم پس آیاهیچ پندگیرنده ای است. ﴿٥٢﴾ وهرچیزی که کرده اند درنامه های اعمال مکتوب است. ﴿٥٣﴾ و هرکوچكوبزرگ نوشته شده است[۲]. ﴿٥٤﴾ هرآئینه پرهیزگاران دربوستانها وچشمه هاباشند. ﴿٥٥﴾ در مجلس راستی نزد پادشاه توانا باشند.

سوره رحمن مدنی است وآن هفتادوهشت آیه وسه رکوع است

﴿١﴾ خدا. ﴿٢﴾ قرآن را آموخت. ﴿٣﴾ آدمی را آفرید. ﴿٤﴾ اورا سخن گفتن آموخت. ﴿٥﴾ خورشید وماه به حساب مقرر میروند. ﴿٦﴾ وگیاه ودرخت سجده میکنند. ﴿٧﴾ وآسمان را برافراشت وترازو را فرودآورد. ﴿٨﴾ به مقصد آنکه درترازو ازحد تجاوز مکنید. ﴿٩﴾ وراست سنجید به انصاف ودرترازو نقصان مکنید. ﴿١٠﴾ وزمین را برای آدمیان گسترد. ﴿١١﴾ درآن زمین میوه است ودرختان دارای غلاف ها خرماست. ﴿١٢﴾ و(درآن زمین) دانه برگ دار است ریحان خوشبوئیست[۳]. ﴿١٣﴾ پس کدام یك ازنعمتهای پروردگار خویش را تکذیب میکنید[٤]. ﴿١٤﴾ آدمی را ازگِل خشك مانند سفال آفرید. ﴿١٥﴾ وجن را ازشعلهٔ آتش آفرید. ﴿١٦﴾ پس کدام یكازنعمتهای پروردگار خویش را تکذیب میکنید. ﴿١٧﴾ پروردگار دومشرق وپروردگار دو مغرباست[٥]. ﴿١٨﴾ پس کدام یكازنعمتهای پروردگار خویش را تکذیب میکنید.

---

(١) یعنی درسرعت وجود، مراد آسان بودن است.
(٢) یعنی درلوح محفوظ.
(٣) مترجم گوید اشاره به آنست که برگ حبوب غذائیه علف دواب ایشان میشود پس این نعمت جدا گانه ای است.
(٤) [ای] جن وانس.
(٥) یعنی درزمستان آفتاب مشرق ومغرب دیگری دارد و در تابستان مشرق ومغرب دیگر.

﴿۱۹﴾ گذاشت دودریاراتابه هم جمع شوند. ﴿۲۰﴾ میان این هردوحجابیست که یکی بردیگری تجاوز نمیکند. ﴿۲۱﴾ پس کدام یك ازنعمتهای پروردگار خویش را تکذیب می کنید. ﴿۲۲﴾ ازین دودریا مرواریدومرجان برمی آید. ﴿۲۳﴾ پس کدام یك ازنعمتهای پروردگار خویش را تکذیب می کنید. ﴿۲٤﴾ کشتی‌های روان شونده برافراشته دردریا مانندکوه ها برای خدا است. ﴿۲۵﴾ پس کدام یك ازنعمتهای پروردگار خویش را تکذیب می کنید. ﴿۲٦﴾ هر کس که برزمین هست فانی شود. ﴿۲۷﴾ وروی پروردگارتو خداوند بزرگی وانعام باقی می ماند. ﴿۲۸﴾ پس کدام یك ازنعمتهای پروردگار خویش را تکذیب می‌کنید. ﴿۲۹﴾ ازخدا هرکه درآسمانها وزمین است سوال میکند هرروزی خدا در کاری است[۱]. ﴿۳۰﴾ پس کدام یك ازنعمتهای پروردگار خویش را تکذیب می کنید. ﴿۳۱﴾ ازهمه فارغ شده برای شما ای جن وانس متوجه شویم. ﴿۳۲﴾ پس کدام یك ازنعمتهای پروردگار خویش را تکذیب می کنید. ﴿۳۳﴾ ای گروه جن وانس اگرمی‌توانید که ازکناره های آسمان‌هاوزمین بیرون روید پس بیرون روید مگر به توانی بیرون نخواهد رفت[۲]. ﴿۳٤﴾ پس کدام یك ازنعمتهای پروردگار خویش را تکذیب میکنید. ﴿۳۵﴾ برشما شعلهٔای ازآتش ودودی نیز فرستاده خواهد شد پس مقابله نتوانید کرد. ﴿۳٦﴾ پس کدام یك ازنعمتهای پروردگار خویش را تکذیب می کنید. ﴿۳۷﴾ پس چون آسمان بشگافد پس مثل گُل سرخ همچون روغن گداخته شود. ﴿۳۸﴾ پس کدام یك ازنعمتهای پروردگار خویش را تکذیب می کنید. ﴿۳۹﴾ پس آن روز هیچ آدمی وجنی از گناهش سوال نشود. ﴿٤۰﴾ پس کدام یك ازنعمتهای پروردگار خویش را تکذیب می کنید. ﴿٤۱﴾ گنهکاران به قیافه‌هایشان شناخته شوند پس به موی پیشانی‌ها وبه پا ها گرفته شود.

---

(۱) یعنی در نعمت دادن یاعذاب دادن یا سعادت دادن ویاشقاوت دادن و زنده کردن یا میراندن.

(۲) یعنی وآن قوت کجا است.

﴿٤٢﴾ پس كدام يك ازنعمتهاى پروردگارتان را تكذيب مى كنيد. ﴿٤٣﴾ اين است آن دوزخ كه گنهكاران آن را تكذيب مى كردند. ﴿٤٤﴾ ميان آن آتش وميان آب گرم جوشيده دورمى زنند. ﴿٤٥﴾ پس كدام يك ازنعمت هاى پروردگار خويش را تكذيب مى كنيد. ﴿٤٦﴾ وبراى كسى كه ازايستادن به حضور پروردگارخويش ترسيده است دوبوستان است. ﴿٤٧﴾ پس كدام يك ازنعمتهاى پروردگار خويش را تكذيب مى كنيد. ﴿٤٨﴾ دو بوستان داراى شاخه هاى بسيار. ﴿٤٩﴾ پس كدام يك ازنعمتهاى پروردگار خويش را تكذيب مى كنيد. ﴿٥٠﴾ درآن دوبوستان دو چشمه ميروند. ﴿٥١﴾ پس كدام يك ازنعمتهاى پروردگار خويش را تكذيب مى كنيد. ﴿٥٢﴾ درآن دوبوستان ازهرميوه دو قسم باشد. ﴿٥٣﴾ پس كدام يك ازنعمتهاى پروردگارخويش را تكذيب مى كنيد. ﴿٥٤﴾ تكيه زده برفرش‌هايى كه آستِرآن ازحرير ضخيم باشد وميوهٔ آن دوبوستان نزديك بُوَد[1]. ﴿٥٥﴾ پس كدام يك ازنعمتهاى پروردگار خويش را تكذيب مى كنيد. ﴿٥٦﴾ درآن (كاخها) حورانى باشند فروانداززنده چشم كه پيش ازايشان دست هيچ انس وجنّى به آنها نرسيده است. ﴿٥٧﴾ پس كدام يك ازنعمتهاى پروردگار خويش را تكذيب مى كنيد. ﴿٥٨﴾ گوياآن حوران ياقوت ومرجان‌اند. ﴿٥٩﴾ پس كدام يك ازنعمتهاى پروردگارخويش را تكذيب مى كنيد. ﴿٦٠﴾ پاداش نيكوكارى جز انعام بسيار نيست. ﴿٦١﴾ پس كدام يك ازنعمتهاى پروردگار خويش را تكذيب مى كنيد. ﴿٦٢﴾ وغيرازاين دوبوستان ديگرباشند. ﴿٦٣﴾ پس كدام يك ازنعمتهاى پروردگار خويش‌را تكذيب مى كنيد. ﴿٦٤﴾ دوبوستان سبزكه ازغايتِ سبزى بسياهى ميزنند. ﴿٦٥﴾ پس كدام يك ازنعمتهاى پروردگار خويش را تكذيب مى كنيد. ﴿٦٦﴾ درآن دوبوستان دوچشمه جوشنده باشند. ﴿٦٧﴾ پس كدام يك ازنعمتهاى پروردگار خويش را تكذيب مى كنيد. ﴿٦٨﴾ درآن دوبوستان ميوه ودرختان خرما وانار باشند. ﴿٦٩﴾ پس كدام يك‌ازنعمتهاى پروردگار خويش را تكذيب مى كنيد.

(١) يعنى به سهولت توان گرفت.

﴿۷۰﴾ درآن کاخها زنانِ برگزیده زیبا باشند. ﴿۷۱﴾ پس کدام یك ازنعمتهای پروردگار خویش را تکذیب می کنید. ﴿۷۲﴾ حوران نگاهداشته شده درخیمها. ﴿۷۳﴾ پس کدام یك ازنعمتهای پروردگار خویش را تکذیب می کنید. ﴿۷٤﴾ به آنها پیش ازایشان هیچ آدمی جماع نکردهٔ است و نه هیچ جنی. ﴿۷۵﴾ پس کدام یك ازنعمتهای پروردگار خویش را تکذیب می کنید. ﴿۷٦﴾ بربالشهای سبز وبساط های نیك تکیه زده باشند. ﴿۷۷﴾ پس کدام یك ازنعمتهای پروردگار خویش را تکذیب می کنید. ﴿۷۸﴾ نام پروردگارتو خداوندبزرگی وانعام بابرکت است.

سوره واقعه مکی است وآن نود وشش آیه وسه رکوع است

﴿۱﴾ یادکن آنگاه که متحقق شود قیامت. ﴿۲﴾ وقوع آن را هیچ نفس دروغ گوینده نیست[1]. ﴿۳﴾ جماعتی را پست کننده است طائفه ای را بلندکننده است. ﴿٤﴾ آنگاه که زمین جنبانیده شود جنبانیدنِ سخت. ﴿۵﴾ وکوهها ریزه ریزه کرده شود ریزه ریزه کردنی. ﴿٦﴾ پس مانند غبار پراگنده شود. ﴿۷﴾ وشما سه قسم شوید. ﴿۸﴾ پس اهل سعادت چه حال دارند اهل سعادت. ﴿۹﴾ واهل شقاوت چه حال دارنداهل شقاوت. ﴿۱۰﴾ وپیش روندگان خود ایشانندپیش روندگان. ﴿۱۱﴾ آن پیش روندگان ایشانند نزدیك کردگان. ﴿۱۲﴾ دربوستانهای نعمت باشند. ﴿۱۳﴾ سابقان جمعی یسیر ازپیشینیان‌اند[2]. ﴿۱٤﴾ واندك شماره از پسینیان هستند[3]. ﴿۱۵﴾ برتخت‌های زربافته نشسته باشند. ﴿۱٦﴾ تکیه زده برآن روبروی یکدیگر اند.

(۱) یعنی همه مسلمان شوند کفر وافتراآنجا نباشد.

(۲) یعنی ازامم سابقه.

(۳) یعنی ازامت محمدیه.

﴿۱۷﴾ برایشان نوجوانانِ جاویدان آمدورفت میکنند. ﴿۱۸﴾ باآب خورهها وابریق ها وپیاله هایی ازشراب جاری. ﴿۱۹﴾ نه ایشانرا ازآن شراب سر درد داده شود ونه بیهوش شوند. ﴿۲۰﴾ وآمد ورفت کنند بامیوه ازهرجنس که اختیار کنند. ﴿۲۱﴾ وباگوشت مرغان ازهر جنس که پسندکنند. ﴿۲۲﴾ برایشان حوران کشاده چشم است. ﴿۲۳﴾ مانند مروارید پوشیده شده. ﴿۲٤﴾ پاداش دهیم به حسب آنچه میکردند. ﴿۲٥﴾ نشنوند دربهشت سخن بیهوده ونه حرفی که گناه باشد. ﴿۲٦﴾ لیکن این سخن بشنوند که هریکی سلام میگوید. ﴿۲۷﴾ واهل سعادت چه حال دارند اهل سعادت. ﴿۲۸﴾ دردرختان کُنارِ بیخار. ﴿۲۹﴾ ودردرختان موز تودرتوثمرهٔ آن. ﴿۳۰﴾ ودرسایهٔ دراز. ﴿۳۱﴾ ودرآب ریخته شده. ﴿۳۲﴾ ودرمیوهٔ بسیار. ﴿۳۳﴾ نه به پایان رسد ونه ازآن منع کرده شود. ﴿۳٤﴾ وفرش های برافراشته شده. ﴿۳٥﴾ هر آئینه ما حوران رایك نوع آفریدن آفریدیم. ﴿۳٦﴾ پس ایشانرا دوشیزه (بکر) گرداندیم. ﴿۳۷﴾ نزد شوهران محبوب شونده[1] هم عمر بایکدیگر. ﴿۳۸﴾ برای اصحاب یمین. ﴿۳۹﴾ جماعتی بسیار از پیشینیانند. ﴿٤۰﴾ وجماعتی بسیار از پسینیانند. ﴿٤۱﴾ واهل شقاوت چه حال دارند اهل شقاوت. ﴿٤۲﴾ دربادگرم وآبگرم باشند. ﴿٤۳﴾ ودرسایه دود سیاه. ﴿٤٤﴾ که نه خنك باشد ونه باعزت بُوَد. ﴿٤٥﴾ هرآئینه ایشان پیش ازین به نازپرورده بودند. ﴿٤٦﴾ وبرگناه بزرگ (یعنی شرك) مداومت میکردند. ﴿٤۷﴾ ومی گفتند آیا چون بمیریم وخاك شویم واستخوانی چند باشیم آیاما برانگیخته شویم. ﴿٤۸﴾ آیاپدران نخستین مابرانگیخته شوند. ﴿٤۹﴾ بگوهرآئینه پیشینیان وپسینیان. ﴿٥۰﴾ البته درمیعاد روزمقرر جمع کرده شوند.

---

(۱) یعنی ازهر نظر مورد پسندباشند.

﴿٥١﴾ بازهرآئینه شما ای گمراهانِ تکذیب کنندگان! ﴿٥٢﴾ خواهید ازدرختان زقوم خورد. ﴿٥٣﴾ پس از آن شکم هارا پرخواهیدکرد. ﴿٥٤﴾ پس خواهید برآن طعام ازآب گرم آشامید. ﴿٥٥﴾ پس خواهید آشامید مانند آشامیدن شتران مبتلا به بیماری تشنگی. ﴿٥٦﴾ اینست مهمان ایشان روز جزاء. ﴿٥٧﴾ ما شمارا آفریدیم پس چرا باورنمی کنید (یعنی اعاده را). ﴿٥٨﴾ آیامی بینید آنچه را که میریزید (دررحم زنان)؟[1]. ﴿٥٩﴾ آیاشما آن را می‌آفرینید یا ماآفریننده‌ایم[2]. ﴿٦٠﴾ ما مرگ را مقدّر کرده‌ایم وما عاجز کرده شده نیستیم. ﴿٦١﴾ ازآنکه همانندشمارا جایگزین کنیم وشمارا درعالمی که نمیدانید بیافرینیم. ﴿٦٢﴾ وهرآئینه آفرینش نخستین را دانسته‌اید پس چراپندنمی‌گیرید. ﴿٦٣﴾ آیا دیدید آنچه را که می کارید. ﴿٦٤﴾ آیاشما میرویانید آن را یا ما رویاننده‌ایم. ﴿٦٥﴾ اگر خواهیم بگردانیم آن زراعت راگیاهی درهم شکسته به تعجب مانده گویید. ﴿٦٦﴾ هرآئینه ماغرامت کشندگانیم. ﴿٦٧﴾ بلکه ما محروم ماندگانیم. ﴿٦٨﴾ آیا پس دیدید آن آب را که می‌آشامید. ﴿٦٩﴾ آیاشما فرودآورده‌اید آن را از ابر یا ما فرودآرندگانیم. ﴿٧٠﴾ اگرخواهیم آنرا شورمی گردانیم پس چرا شکر نمی کنید. ﴿٧١﴾ آیاپس دیدید آن آتش را که روشن می کنید (ازمیان شاخ درخت برمی‌آرید). ﴿٧٢﴾ آیاشما آفریده‌ایددرخت آن را یاماآفریننده‌ایم. ﴿٧٣﴾ ما آن درخت را (مایهٔ) پند ومنفعت برای مسافران ساختیم. ﴿٧٤﴾ پس پروردگاربزرگ خودرا به پاکی یادکن. ﴿٧٥﴾ پس به افتادن ستاره‌ها سوگند میخورم[3]. ﴿٧٦﴾ وهرآئینه این قسمی است بزرگ اگر بدانید.

---

(١) یعنی منی را.

(٢) یعنی تغییر میدهیم منی راازحالی به حالی تاآدمي پیدامی شود والله اعلم.

(٣) یعنی شهابها والله اعلم.

﴿۷۷﴾ هرآئینه این کتاب قرآنی گرامیقدر است. ﴿۷۸﴾ درکتاب پوشیده نوشته شده است. ﴿۷۹﴾ که به آن جز پاك کردگان دست نمی رسانند[۱]. ﴿۸۰﴾ از جانب پروردگار جهانیان فرستاده شده است. ﴿۸۱﴾ آیا به این سخن انکار کننده اید؟. ﴿۸۲﴾ و (سپاس) روزیتان را تکذیب کردن قرار می دهید. ﴿۸۳﴾ پس آنگاه که روح شخصی نزد گلو رسد. ﴿۸٤﴾ وشما آنگاه می بینید. ﴿۸۵﴾ وما به اونسبت به شما نزدیك تریم ولیکن نمی نگرید. ﴿۸٦﴾ پس اگر غیر مقهور حکم الهی هستید. ﴿۸۷﴾ چرا آن روح را به بدن بازنمی‌گردانید اگرراست می گویید[۲]. ﴿۸۸﴾ پس اگر مرده از مقربان بارگاه الهی باشد. ﴿۸۹﴾ پس اورا راحت وگل‌خوشبووبوستان نعمت است. ﴿۹۰﴾ واماگر ازاهل سعادت باشد. ﴿۹۱﴾ پس توراازاهل سعادت سلامت است ای مخاطب. ﴿۹۲﴾ واماگر از تکذیب کنندگان وگمراهان باشد. ﴿۹۳﴾ پس اورا مهمانی ازآب گرم است. ﴿۹٤﴾ واورا به دوزخ درآوردن است. ﴿۹۵﴾ هرآئینه این خبردرست بی شبهه ای است. ﴿۹٦﴾ پس پروردگار بزرگ خودرا به پاکی یادکن.

سوره حدید مدنی است وآن بیست ونه آیه وچهار رکوع است

﴿۱﴾ هر آنچه درآسمان‌ها وزمین است خدا را به پاکی یاد می کنند واو غالب دانا است. ﴿۲﴾ پادشاهی آسمانها وزمین برای اوست زنده میکند ومی میراند واوبرهرچیز توانا است. ﴿۳﴾ او نخستینِ همه است واو آخرینِ همه است واو آشکار است واو پنهان واوبهرچیز داناست.

(۱) یعنی درلوح محفوظ.
(۲) مترجم گوید لفظ لولا داخل است بر ترجعونها واعادهٔ آن برای تاکید است.

﴿٤﴾ اوست آنکه آسمان ها وزمین را درشش روز آفرید باز برعرش مستقرشد می داند آنچه را که داخل می شود به زمین وآنچه را که ازآن برمی آید وآنچه ازآسمان فرودمی آید وآنچه اندرآن بالامیرود واوباشما است هرجاکه باشید وخدا به آنچه میکنید بینا است. ﴿٥﴾ پادشاهی آسمان هاوزمین برای اوست وبه سوی خدابازگردانیده میشود. ﴿٦﴾ درمی آورد شب را درروز ودرمی‌آورد روزرا درشب واو به راز سینه‌ها داناست. ﴿٧﴾ به خداورسول او ایمان آورید وازجملهٔ آن مال که شمارا جانشین دیگران دروی قرار داده است خرج کنید پس آنانکه ایمان آورده‌اند ازشما و خرج کرده اند ایشانرا مزدِ بزرگ است. ﴿٨﴾ وچیست شمارا که ایمان نمی آورید به خدا درحالیکه رسول شمارا دعوت می کند که به پروردگار خویش ایمان آورید وهرآئینه ازشما عهد گرفته است[1] اگرهستید باوردارنده. ﴿٩﴾ واوست آنکه بر بندهٔ خود آیاتِ واضح فرومیفرستد تا شمارا ازتاریکی ها به سوی روشنی بیرون آورد هرآئینه خدا برشما بخشاینده مهربان است. ﴿١٠﴾ وشمارا چیست که درراه خدا خرج نمی کنید و پس گذاشتهٔ آسمان ها وزمین[2] خدای‌راست برابرنیست ازشما آنکه خرج کرد پیش ازفتح مکه و قتال کرد (وآنکه این چنین عمل بعد ازفتح مکه کرده باشد) آن جماعت درمرتبه بزرگ ترند ازآنانکه خرج کردند بعد از فتح وقتال کردند وهریکی را خدا وعده داده است حالتِ نیك وخدا به آنچه میکنید خبرداراست. ﴿١١﴾ کیست آنکه خدارا قرض دهد قرض دادن نیك پس آن قرض رابرای او دو برابر اداکند و اورا پاداش گرامی قدر است.

---

(١) یعنی روزألست بربکم.
(٢) یعنی هرکسیکه بمیردآنچه بگذارد ملكِ خداباشد پس به آن بخل کردن نهایت زشت است.

﴿١٢﴾ یادکن روزیکه ببینی مردان مسلمان و زنانِ مسلمان را (باین صفت) که می شتابدنور ایشان پیشاروی ایشان و سمت های راست ایشان (گفته شود) شمارااامروز بوستان هایی که میرود زیر آنها جویها مژده باد جاوید باشید آنجا این مطلب یابی بزرگ است. ﴿١٣﴾ روزیکه مردانِ منافق وزنانِ منافق گویند به مسلمانان به سوی ما بنظر شفقت نگرید تا ازنور شما روشنی گیریم گفته شود پس پشت خویش (به دنیا) بازگردید پس روشنی را[١] بجویید پس درمیانِ ایشان دیواری بناکرده شود که اورا دروازه‌ای باشد که از سوی درون آن رحمت وازجهت بیرون آن دیوار عذاب است. ﴿١٤﴾ منافقان مسلمانان را آوازدهند آیا ما همراه شما نبودیم گفتند آری ولیکن شما خویشتن را دربلا افکندید وانتظار کردید[٢] وشك آوردید وآرزوها شمارا فریفته کرد تاآنکه فرمان خدا[٣] برسید وفریب دادشمارا درفرمانبرداری خداشیطان فریبنده. ﴿١٥﴾ پس امروز ازشمافدیه[٤] فراگرفته نشود ونه ازکافران گرفته شود، جای شماآتش است همان آتش لائقِ شما است و وی بد باز گشتی است. ﴿١٦﴾ آیا مسلمانان را وقت آن نرسیده است که دل‌های ایشان وقت یاد کردن خداووقت یادآوردن آنچه آمده است ازوحی‌الهی نیایش کند ونباشند مانند آنانکه داده شده است ایشان راکتاب پیش ازین پس برایشان مدت درازگشت پس دل های ایشان سخت شد وبسیاری ازایشان بدکارانند. ﴿١٧﴾ بدانید که خدا زمین را بعد ازمرده بودنِ آن زنده میکند هرآئینه بیان کردیم برای شمانشانه‌ها باشد که شما دریابید. ﴿١٨﴾ هرآئینه مردان خیرات دهنده وزنان خیرات دهنده وآنانکه خدارا قرض داده‌اند قرض نیك ایشان را دو برابر داده شود و برای ایشان پاداش گرامی قدر است.

(١) مترجم گوید یعنی دردنیا روید تحصیل نورکنید که این جاتحصیل نور نیست والله اعلم.
(٢) یعنی هزیمت مسلمانان را.
(٣) یعنی اجل.

﴿۱۹﴾ وآنانکه به خدا و پیامبران او ایمان آورده‌اند آن جماعت ایشانند صدیقان وشهیدان نزد پروردگارخویش ایشانراست پاداش ایشان ونورایشان وآنانکه کافرشدند وآیاتِ مارا تکذیب کردند آن جماعت اهل دوزخ‌اند. ﴿۲۰﴾ بدانید که زندگانی دنیا بازیچه وبیهودگی وآرایش است وخودستایی است درمیان شما و درمال‌ها وفرزندان ازیکدیگرزیاده طلبی است مانند بارانی که به شگفت آورد زراعت کنندگان را روییدن آن باز خشك شود پس آن را ببینی بازدرهم شکسته گردد ودرآخرت عذاب سخت است ونیز ازجانب خدا آمرزش وخوشنودیست و نیست زندگانی دنیا مگر بهره‌ای که باعث فریب باشد. ﴿۲۱﴾ به سوی آمرزشی ازجانب پروردگارتان سبقت کنید وبه سوی بهشتی که پهنایی اومانند پهنایی آسمان وزمین باشد برای آنانکه ایمان می آورند به خدا و پیامبران او آماده کرده شد اینست فضل خدا میدهدش بهرکه خواهد وخداوندصاحب فضل بزرگ است. ﴿۲۲﴾ هیچ مصیبتی در زمین ونه در جان‌های شما نرسید مگر نوشته شده است درکتابی پیش ازآنکه آن مصیبت را بیافرینیم هرآئینه این کار بر خداآسان است. ﴿۲۳﴾ (خبرداده‌ایم) تا برآنچه ازدست شما رفت اندوه نخورید وتا به آنچه عطا کرد شمارا شادمان نشوید و خدای تعالی هرتکبر کننده خودستاینده را دوست نمیدارد. ﴿۲٤﴾ (دوست نمیدارد) آنانراکه بخل میکنند ومردمان را به بخل می فرمایند وهرکه رویگردان شود هرآئینه خدا همان بی نیازِ ستوده است.

﴿۲۵﴾ هرآئینه پیامبران خودرا به نشانه‌های واضح وهمراه ایشان کتاب وترازو را فرستادیم تا مردمان به انصاف عمل کنند او آهن را که درآن مایهٔ جنگ سخت ومنفعت های دیگر برای مردمان است فرودآوردیم وتا خدا کسی راکه (دین) خداوپیامبران اورا غایبانه نصرت می دهد معلوم بدارد هرآئینه خداتوانای غالب است. ﴿۲۶﴾ وبه راستی که نوح وابراهیم را فرستادیم ودر اولاد ایشان پیامبری وکتاب را نهادیم پس بعض ایشان راه یابنده است وبسیاری ازایشان بدکارانند. ﴿۲۷﴾ باز ازپی ایشان پیامبران خودرا فرستادیم عیسیٰ پسر مریم را ازپی آوردیم وانجیل دادیمش ودردل های تابعانِ او مهربانی وبخشایش نهادیم وگوشه نشینی‌ای که خود آن را پیدا کرده بودند ما آنرا برایشان فرض نکرده بودیم لیکن به طلب خوشنودی خدا اختراع کردند پس آنرا نگاهداشت نکردند حقِ نگهداشتنِ آن پس آنان را که ایمان آوردند ازایشان[1] پاداش ایشان را عطا کردیم وبسیاری ازایشان بدکارانند. ﴿۲۸﴾ ای آنانکه ایمان آورده‌اید به پیامبران سابق ازخدا بترسید وبه پیامبراو[2] ایمان آورید تاشمارا دوحصه ازرحمت خود بدهد وتاشمارا نوری بدهد که به آن راه روید وتاشمارا بیامرزد وخداآمرزنده مهربان است. ﴿۲۹﴾ (خدابه این امر خبرداد) تا اهل کتاب بدانند که ایشان برچیزی ازفضل خدا قادر نیستند وبدانند که فضل به دست خداست آن را بهرکه خواهد میدهد وخدا صاحب فضل بزرگ است.

(۱) یعنی به محمد صلی الله علیه وسلم.
(۲) یعنی به محمد صلی الله علیه وسلم.

سوره مجادله مدنی است وآن بیست ودو آیه وسه رکوع است

﴿۱﴾ [۱]هرآئینه شنید خدای تعالی سخن آن زن را که گفتگو میکردبا تو درباره شوهر خود وپیش خدا شکایت میکرد وخدامی شنود گفتگو کردن شمارا هرآئینه خداشنوای بیناست. ﴿۲﴾ آنانکه ازشما بازنان خود[۲] ظهار میکنند آن زنان مادران ایشان نیستند، مادران ایشان نیستندمگر آنانکه ایشان را زاده‌اند وهرآئینه این ظهار کنندگان سخن ناپسندودروغ میگویند وهرآئینه خدا عفوکنندهٔ آمرزنده است. ﴿۳﴾ وآنانکه بازنان خود ظهارمی‌کنند سپس درمخالفت آنچه گفتند رجوع میکنند پس آزاد کردنِ برده ای پیش ازآنکه زن ومردبایکدیگردست رسانند[۳] واجب است این حکم پندداده میشود شمارا به آن وخدا به آنچه میکنید خبردارست. ﴿٤﴾ پس هرکه برده ای را نیابد پس بروی روزه داشتنِ دوماه پی در پی پیش ازآنکه هردوبایکدیگر دست رسانند واجب است پس هرکه این را نتواند پس طعام دادن شصت فقیر لازم است، این حکم برای آنست که به خداو پیامبراو منقادشوید واین احکام حد مقرر کردهٔ خداست و کافران را عذاب دردناك باشد. ﴿٥﴾ هرآئینه آنانکه باخدا و رسول او مخالفت میکنند ایشان خوارکرده شدند چنانکه آنان را که پیش ازایشان بودند خوارکرده شدند وهرآئینه آیاتِ واضح فرودآوردیم وکافران را عذاب خوار کننده است. ﴿٦﴾ روزیکه خدا همگی ایشانرا برانگیزد پس ایشانرا خبردهد به آنچه کرده بودند خداآنرایاد داشت کرد وایشان آن را فراموش کردند وخدابرهمه چیز مطلع است.

(۱) زنی را شوهراوگفت «انتِ عليّ كظهر أُميّ» توبر من مانند پشت مادرمنی، آن زن پیش آن حضرت صلی الله علیه وسلم این ماجرا را عرض کرد فرمودند که حرام شدی آن زن که عیال بسیار ومال اندك داشت عرض کرد خدای تعالی این آیت را فرستاد.

(۲) یعنی تشبیه می دهند زنان خودرا به پشت مادر.

(۳) یعنی جماع کنند.

﴿۷﴾ آیا ندیدی که خدا آنچه درآسمان ها وآنچه درزمین است میداند هیچ رازگوی سه شخص بایکدیگر نمی باشد مگر اینکه خداچهارم ایشان است وهیچ رازگویی پنج شخص نمی باشد مگر خدا ششمِ ایشان است ونه کمتر ازین ونه زیاده مگر خداباایشانست هرکجاباشند باز ایشان را روزِقیامت به آنچه کرده‌اند خبر می‌دهد هرآئینه خدا برهر چیز داناست. ﴿۸﴾ آیاندیدی آن‌کسانی‌راکه منع کرده شدند از رازگفتن بایکدیگر[۱] سپس بازمیگردند درآنچه ازآن منع کرده شدندوبیکدیگررازمیگویند درباب گناه وتعدی ونافرمانی پیامبر وچون بیایند پیش‌تودعاکنند تورا به‌آن کلمه ای‌که توراخدا به آن[۲] دعانکرده است و دردل های خویش میگویند چرا خدامارا عذاب نمیکند به سبب آنچه میگوییم[۳] ایشانرا دوزخ بس است درآیند درآن جا پس بدجائیست دوزخ. ﴿۹﴾ ای مسلمانان چون بایکدیگر رازگویید پس رازمگویید درباب گناه وتعدی ونافرمانِی پیامبر ورازگویید درباب نیکوکاری وپرهیزکاری وبترسید ازخدایی که به سوی اوحشر کرده خواهید شد. ﴿۱۰﴾ جزاین نیست که رازگفتن‌بد ازکارشیطان است تا مسلمانان را اندوهیگن کند ونیست هیچ زیان رساننده به ایشان مگر باراده‌ٔ خدا، و مؤمنان بایدکه برخدا توکل کنند. ﴿۱۱﴾ ای مؤمنان چون گفته شود شمارا که گشاده بنشینید در مجلس‌ها پس جای را گشاده کنید تا خدا برای شما (هرمشکلی را) بگشاید وچون گفته شود برخیزید پس برخیزید تا خدامرتبه آنان را که ایمان آورده اند ازشما بلندکند ونیزآنانکه ایشانرا علم عطا کرده شده است به مرتبه هایند وخدا به آنچه میکنید باخبر است.

(۱) یعنی یهود که رازایشان درایذای مسلمین بود والله اعلم.

(۲) یعنی بجای السلام علیك السام علیك گویند یعنی مرگ برتوباد.

(۳) یعنی اگر پیامبرراست است بایستی که مارا عذاب می رسید والله اعلم.

﴿۱۲﴾ ای مؤمنان چون خواهید که باپیامبر راز گویید پس پیش ازراز گفتن خود نخست خیرات بدهید این کار برای شما بهتر وپاکیزه تراست پس اگر نیافتید هرآئینه خداآمرزنده مهربانست[۱]. ﴿۱۳﴾ آیاترسیدید ازآنکه پیش از رازگفتن خود خیرات دهید پس چون نکردید و خدا ازشما درگذشت پس نمازرا برپادارید وزکوٰة را بدهید وخدا ورسول اورا فرمانبرداری کنید وخدا به آنچه میکنید خبردارست. ﴿۱٤﴾ آیا آنان را که دوستی کردند باقومی که خدا برایشان[۲] غضب کرده است ندیدی این منافقان ازشما نیستند ونه ازیهود وسوگند میخورند به دروغ درحالیکه ایشان میدانند. ﴿۱٥﴾ خدابرای ایشان عذابی سخت آماده ساخته است هرآئینه بداست آنچه میکردند. ﴿۱٦﴾ سوگندهای خودرا سِپَر گرفته اند پس مردم را ازراه خدا بازداشتند پس برای ایشان عذاب خوار کننده است. ﴿۱۷﴾ اموال ایشان ونه فرزندان ایشان هرگز آنهارا از عذاب خدا باز نخواهد داشت این جماعت اهل دوزخ اند، ایشان درآنجاجاویدان باشند. ﴿۱۸﴾ روزیکه خدا همگی ایشانرا برانگیزد پس سوگند میخورند به حضور اوچنانکه به حضور شما سوگند میخورند ومی پندارند که ایشان برچیزی هستند آگاهشوهرآئینه ایشانند دروغگویان. ﴿۱۹﴾ شیطان برایشان غالب آمده است پس ازخاطر ایشان یاد خدارا برده است این جماعت لشکر شیطان‌اند آگاه شو همانا لشکر شیطان ایشانند زیان کاران. ﴿۲۰﴾ هرآئینه آنانکه باخداورسول او مخالفت میکنند این جماعت درجملهٔ خوارترین مردم‌اند. ﴿۲۱﴾ خدا حکم کرد که البته من و پیامبران من غالب شویم هرآئینه خدا توانای غالب است.

(۱) مترجم گوید این حکم منسوخ است به آیتی که می آید والله اعلم.
(۲) یعنی منافقان بایهود دوستی کردند والله اعلم.

﴿۲۲﴾ نخواهی یافت قومی را که به خدا وروز آخرت ایمان دارند به این صفت که دوستی کنند باکسیکه باخداورسول او خلاف کرده است واگرچه آن جماعت پدران ایشان یاپسران ایشان یابرادرانِ ایشان یا خویشاوندانِ ایشان باشند آن مومنان که باکافران دوستی ندارند خدادردل های ایشان ایمان را نوشته است و ایشان را به فیضِ غیبی ازجانب خود قوت داده است و ایشان را به بوستان ها یی که زیرآن جویها جاری است درآورد، درآنجا جاویدانند خداازایشان خوشنود شد وایشان ازخدا خوشنود شدند ایشانند لشکر خدا آ گاه شوید هرآئینه لشکر خدا همانان رستگارانند.

سوره حشر مدنی است وآن بیست وچهار آیه وسه رکوع است

﴿۱﴾ [۱]به پاکی یاد کرد خدای را آنچه در آسمان ها وآنچه درزمین است واوست غالب باحکمت. ﴿۲﴾ اوست آنکه آنان را که کافرشدند ازاهل کتاب از خانه های ایشان در اوّل جمع کردن لشکر بیرون راند، گمان نداشتید شما ای مسلمانان که بیرون روند وآن کافران گمان میکردند که قلعه‌های ایشان نگاه دارندهٔ ایشان ازعقوبتِ خدا باشد پس عقوبتِ خدا ازآن جا یی برایشان آمدکه گمان نمی کردند و دردل‌های ایشان ترس را افکند که خانه‌های خودرا بدست‌های خویش وبدست‌های مسلمانان خراب میکردند پس ای صاحبانِ بصیرت عبرت گیرید. ﴿۳﴾ واگر آن نبود که خدا جلاوطنی را برایشان نوشت هرآئینه ایشانرا دردنیا[۲] عقوبت میکرد وایشان را درآخرت عذابِ آتش است.

---

(۱) مترجم گوید که آن حضرت صلی الله علیه وسلم چون به مدینه آمدند بابنی نضیر صلح کردند وایشان بسبب شقاوت ازلی سعی عداوت آن حضرت صلی الله علیه وسلم پیش گرفتند آن حضرت صلی الله علیه وسلم اراده فرمود که آن جماعت را جلاوطن فرماید منافقان آن ملعونان را پیغام فرستادند که شما قتال کنید ودر جنگ استواری ورزید که مارفیق شماایم خدای تعالی برخلاف اراده منافقان دراول جمع کردن لشکر بریهودالقا رُعب فرمودتاعاجز آمدند وجلاوطنی اختیار کردند وسخن اهلِ نفاق را نشنیدند وبقتال وتکرار جمع رجال اتفاق نیفتادواموال ایشان فَیٔ شدوفیٔ آنراگویند که بغیر قتال بدست مسلمانان افتد خدای تعالی منت بر مسلمانان نهادحکم فَیٔ بیان فرمود وازارادهٔ منافقان خبر داد والله اعلم.

(۲) بنوعی دیگر والله اعلم.

﴿٤﴾ این عذاب به سبب آنست که ایشان باخداورسول او مخالفت کردند وهر که باخدا مخالفت کند پس هرآئینه خداسخت عقوبت است. ﴿٥﴾ آنچه ازدرختِ خرما بریدید یا آن را ایستاده بربیخ و ریشه‌های آن گذاشتید پس به فرمان خدابود وتا بدکاران را خوار کند[١]. ﴿٦﴾ وآنچه خدابر پیامبر خود ازاموال (بنی نضیر) عائد گردانید پس شما برآن اسپان و شتران را نتاخته بودید ولیکن خدا پیامبران خودرا برهرکه خواهد غالب میگرداند وخدا برهرچیز تواناست. ﴿٧﴾ آنچه خدا برپیامبر خود ازاموال ساکنان قریه‌ها عائد گردانید پس برای خدا وپیامبر وخویشاوندان[٢] ویتیمان وفقیران وراه گذراست (بیان فرمودیم) تا آن دستگردان درمیان توانگران شما نباشد وهرچه پیامبر شمارا بدهد آن را بگیرید وهرچه شمارا ازان منع کند بازایستید وازخدا بترسید هرآئینه خداسخت عقوبت است. ﴿٨﴾ آن فَیٔ برای فقیران هجرت کننده است آنانکه ایشان ازخانه هایشان و اموالِ ایشان بیرون کرده شدند از پروردگار خویش نعمت وخوشنودی را می طلبند وخدا وپیامبررا نصرت میدهند این جماعت همان راست گویان هستند. ﴿٩﴾ ونیز آنان که جای گرفتند به دارالاسلام[٣] وجای پیداکردند درایمان پیش از مهاجران دوست میدارند هرکه هجرت میکند به سوی ایشان ونمی یابند درخاطرِ خود دغدغه ازطرف آنچه داده شد مهاجران را ودیگران را برخویشتن ترجیح میدهند و اگرچه ایشانرا احتیاج باشد وهرکه نگاهداشته شدازحرصِ نفسِ خویش پس آن جماعت ایشان رستگاراننـد.

(١) یعنی قطع درخت میوه دار وقت جهاد جائز است وترك آن نیز جائز والله اعلم.

(٢) یعنی خویشاوندان پیامبررا.

(٣) یعنی به مدینه.

﴿۱۰﴾ وکسانی که بعد مهاجران و انصار آمدند می‌گویند ای پروردگار ما مارا و برادران مارا که به ایمان آوردن برما سبقت کردند بیامرز ودردل های ما هیچ کینه نسبت به آنانکه ایمان آورده اند قرارمَدِه ای پروردگار ما هرآئینه تو بخشاینده‌ٔ مهربانی[1]. ﴿۱۱﴾ آیاندیدی آنان راکه منافق شدند میگویند آن برادرانِ خودرا که کافرند ازاهل کتاب اگر بیرون کرده شوید البته ما نیز همراه شما بیرون می‌شویم و فرمان هیچکس را هرگز در حق شما قبول نمی کنیم و اگرجنگ کرده شودبا شما البته شمارا نصرت دهیم وخداگواهی میدهد که ایشان دروغگویانند. ﴿۱۲﴾ اگر بیرون کرده شوند همراه ایشان (منافقان) بیرون نمی روند و اگرجنگ کرده شود با ایشان ایشانرا نصرت ندهند و اگر به فرض ایشانرا نصرت دهند البته پشت های خودرا بعد ازآن بازگردانند سپس ایشانرا مدد کرده نشود. ﴿۱۳﴾ هرآئینه شمااى مسلمانان دردل‌های ایشان ازخدا بارعب ترید این به سبب آنست که ایشان قومی هستند که نمی فهمند[2]. ﴿۱٤﴾ همگی باشما جنگ نمی کنند مگردر ده هایی که برآن حصار ساخته باشند یا ازپشت دیوار، جنگ ایشان درمیان خودشان سخت است ایشان را همدست می‌پنداری حال آنکه دلهای ایشان پراکنده است این به سبب آنست که ایشان قومی هستند که درنمی یابند[3]. ﴿۱٥﴾ داستانِ ایشان مانند داستان آنانست که پیش ازایشان بودند درنزدیکی وبالِ گناهِ خودرا چشیدند و ایشانرا عذاب دردناك است[4]. ﴿۱٦﴾ داستانِ منافقان بااهل کتاب مانند داستانِ شیطان است چون آدمی را گفت کافر شوپس چون کافرشد گفت هرآئینه من ازتو بیزارم هرآئینه من ازخداوند پروردگار جهانیان میترسم.

(۱) مترجم گوید ازین آیت معلوم شد که درفَئ هر مسلمان را حق است پس احوج فالاحوج را (به ترتیب اولویت) باید دادتاآنکه مال فَئ کفایت کند والله اعلم.

(۲) یعنی از عذاب خدا که مؤجل است پرواندارند والله اعلم.

(۳) یعنی بایکدیگر خانه جنگی‌ها دارند مصلحت ایشان یکی نیست والله اعلم.

(٤) یعنی چنانکه اهل بدر مغلوب ومنهزم شدند ایشان نیزمنهزم گشتند والله اعلم.

﴿۱۷﴾ پس عاقبت کاراین شیطان واین آدمی آن شد که ایشان درآتش باشند جاویدان در آن جا، واین جزای ستمکاران است. ﴿۱۸﴾ ای مسلمانان ازخدا بترسید وبایدکه هر شخص تأمل کند که چه چیز برای فردا[1] پیش فرستاده است وازخدا بترسید، هرآئینه خدا به آنچه می‌کنید خبرداراست. ﴿۱۹﴾ ومباشید مانند آنانکه خدارا فراموش کردند پس خدا تدبیر حالِ ایشانرا ازخاطرِ ایشان فراموش گردانید این جماعت ایشانند بدکاران. ﴿۲۰﴾ اهل دوزخ واهل بهشت برابرنیستند اهل بهشت همیشان رستگارانند. ﴿۲۱﴾ اگر این قرآن را برکوهی فرود می آوردیم هرآئینه آنرانیایش کرده، پاره پاره ازخوف خدا میدیدی واین داستان‌هارا برای مردمان بیان می‌کنیم تاایشان تأمل کنند. ﴿۲۲﴾ اوست آن خدایی که جزاو هیچ معبود برحقی نیست دانندهٔ نهان وآشکاراو بخشایندهٔ مهربان است. ﴿۲۳﴾ اوست آن خدایی که جزاو هیچ معبود برحقی نیست پادشاهِ نهایت پاك سلامت ازهمه عیب امن دهندهٔ نگاهبانِ غالبِ خود اختیار بزرگوار خدای را پاکی است از آنچه ایشان شریك مقرر میکنند. ﴿۲۴﴾ اوست خدای آفریدگار نوپدید آرندهٔ نگارنده، اوراست نامهای نیك، به پاکی یاد میکند اوراهرچه درآسمان ها وزمین است واو غالب باحکمت است.

(۱) یعنی برای روزقیامت.

سوره ممتحنه مکی است وآن سیزده آیه ودو رکوع است

﴿۱﴾ [1] ای مسلمانان دشمنانِ مرا و دشمنانِ خودرا دوستان مگیرید که با آنهامهربانی کنید وهرآئینه ایشان به آنچه آمده است به شما ازدینِ راست کافرشده اند پیامبر وهمچنین شمارا از وطن بیرون میکنند به علّت آنکه به خدا پروردگارتان ایمان آورده‌اید، (آنهارا دوست مگیرید) اگر از سرزمین خود برای جهاد درراه من وبه طلب رضامندی من بیرون آمده اید به پنهان به سوی ایشان پیغام دوستی میفرستید حال آنکه من آنچه پنهان میکنید میدانم وآنچه آشکار می‌نمایید وهرکه ازشما این کار را بکند هرآئینه راه هموار را گم کرده است. ﴿۲﴾ اگر کافران شمارا بیابند درحقِ شما دشمن باشند وبه سوی شما دستهای خود وزبان های خودرا به اذیت بگشایند ودوست دارند که کافر شوید. ﴿۳﴾ شمارا خویشاوندانِ شما ونه فرزندانِ شما روزقیامت سودنخواهند داد، خدادرمیانِ شما فیصله خواهدکرد، وخدا به آنچه میکنید بینااست. ﴿٤﴾ هرآئینه هست برای شما الگوی نیك باابراهیم وآنانکه همراه اوبودند چون قوم خودرا گفتند هرآئینه ما ازشما وازآنچه جزخدا می پرستید بیزاریم، کافر شدیم به شما ومیانِ ماومیانِ شما دشمنی وناخوشی همیشه پدید آمد تاوقتیکه به خدای تنها ایمان آورید (شمارا الگوی نیك است باابراهیم) مگر درقول ابراهیم که به پدرش (گفت) که آمرزش طلب خواهم کرد برای تو وازخدا چیزی برای تو نمی‌توانم[2] ابراهیم گفت ای پروردگارما برتوتوکل کردیم وبه سوی تورجوع نمودیم وبه سوی تست بازگشت. ﴿٥﴾ ای پروردگارما ما را زیردستِ کافران قرارمَدِه ای پروردگارما مارا بیامرز هرآئینه تویی غالب باحکمت.

(۱) مترجم گوید آن حضرت صلی الله علیه وسلم خواستند که به فتح مکه متوجه شوند ومی خواستند کسی اهل مکه را از قصد آن حضرت مطلع نکند تاناگهان برسرایشان به رسند یکی از صحابه به طرف ایشان نامه ای نوشت وبرقصد آن حضرت مطلع ساخت خدای تعالی آن حضرت صلی الله علیه وسلم را اطلاع داد تاآن نامه راازراه باز آوردند وخدای تعالی درباب منع ازدوستیِ کفار این آیات را نازل ساخت.

(۲) یعنی درین قول اقتداء به ابراهیم نبایدکرد واستغفار برای کافر درست نیست والله اعلم.

﴿٦﴾ هرآئینه شمارا به جماعت مذکوره اقتداء نیك هست کسی را ازشماکه ملاقات خدا وروزآخرت را امید دارد وهرکه رویگردان شود پس هرآئینه خدا بی نیاز ستوده کاراست. ﴿٧﴾ نزدیك است خدا ازآنکه درمیان شما ودرمیان آنانکه دشمنی داشته ایدباآنها دوستی[١] قراردهد وخداتواناست وخداآمرزنده مهربانست. ﴿٨﴾ خداشمارا ازمواصلتِ آنانکه جنگ نکرده اند باشما در باره دین وبیرون نکرده اند شمارا ازخانه های شما منع نمیکند ازآنکه به ایشان احسان کنید ودرحقِ ایشان انصاف کنید هرآئینه خدا انصاف کنندگان را دوست میدارد. ﴿٩﴾ همانا منع میکند خدا شمارا ازمواصلتِ آنانکه باشمادر دین جنگ کرده اند وشمارا ازخانه هایتان بیرون کرده اند ومعاونتِ دیگران در بیرون کردن شما کرده‌اند منع میکند ازآنکه باایشان دوستی کنید وهرکه با ایشان دوستی کند پس آن جماعت همیشان ستمکاران‌اند. ﴿١٠﴾ ای[٢] مسلمانان چون بیایند پیش شما زنانِ مسلمان هجرت کرده پس ایشانرا امتحان کنید[٣] خدا به ایمان ایشان داناتراست پس ا گر ایشان را مسلمان دانید ایشان را به سوی کافران باز نفرستید نه این زنان برای کافران حلال اند ونه آن کافران برای این زنان حلال اند و به شوهران آنچه خرج کردند بدهید[٤] وبرشما گناه نیست که به ایشان نکاح کنید چون مهرایشان را بدهید دست آویز زنانِ نامسلمان را[٥] نگاه ندارید وطلب کنید آنچه شما خرج کردید وباید که مشرکان طلب کنند آنچه خرج کرده اند[٦] اینست حکم خدا میان شما فیصله میکند وخدا دانای باحکمت است. ﴿١١﴾ واگراز دست شما کسی اززنان شما به سوی کافران برود پس غنیمت بدست آوردید پس بدهید آنان را که رفته باشند زنان ایشان مانند آنچه خرج کرده باشند وبترسید ازخدایی که شمااورا باور دارنده اید[٧].

(١) یعنی ایشان را توفیق اسلام دهد.

(٢) مترجم گوید در صلح حدیبیه بعضی از زنان کفار هجرت کرده به مدینه می آمدندوبعضی از زنان مسلمین مرتد گشته به کفار ملحق میشدند خدای تعالی حکم این جماعت بیان فرمود والله اعلم.

(٣) یعنی قسم دهید ایشان را که به سبب ناخوشیِ شوهران خودیا به سبب عشق مردان دیگرنیامده اند [فقط بخاطر اسلام هجرت کرده اند]. والله اعلم.

(٤) یعنی مهری که شوهران کفار داده بودند بازگردانید والله اعلم.

(٥) یعنی برنکاح زن کافر ادامه نباید داد والله اعلم.

(٦) یعنی اگرزنی مرتد شده بامشرکان ملحق شود مهرِ اوباید طلبید و اگرزنی مسلمان شده هجرت کند مهر او را باید داد والله اعلم.

(٧) مترجم گوید که اگرکفار معاهد باشندوزنی مرتد به ا یشان ملحق گرددازیشان مهر باید طلبید چنا نکه درآیت سابقه معلوم شد اگرکفار حربیان باشنداز غنائم اموالِ ایشان شوهر آن مرتده را مهر باید داد، بعد فتح مکه این همه احکام مرتفع شدند نزد این فقیر نسخ اینَ احکام ثابت نشده است پس ا گر مثل حالتیکه درصلح حدیبیه بودباز رودهد ازروی تحقیق برهمین احکام عمل کرده شود والله اعلم.

﴿۱۲﴾ ای پیامبر چون نزدِ توزنانِ مسلمان بیایند که باتو بیعت کنند به این شرط که باخدا چیزی را شریك مقرر نکنند ودزدی نکنند وزنانکنند واولاد خودرا نکشند وپیش نیارند سخن دروغ که آن را درمیان دستهای خویش ودرمیانِ پاهای خویش بربسته باشند[۱] وتورا درکارنیك نافرمانی نکنند پس ازایشان بیعت قبول کن وبرای ایشان ازخدا طلب آمرزش کن هرآئینه خدا آمرزنده مهربانست. ﴿۱۳﴾ ای مسلمانان باگروهی که خدا برآنها خشم گرفته است دوستی نکنید آن جماعت از ثواب آخرت ناامیدشده اند چنانکه کافران از اهل گور ناامید شده اند[۲].

سوره صف مدنی است وآن چهارده آیه ودو رکوع است

﴿۱﴾ خدا را به پاکی یادکرد آنچه درآسمان ها وآنچه درزمین است واوست غالبُ باحکمت. ﴿۲﴾ ای مسلمانان چرامی‌گویید آنچه انجام نمی دهید. ﴿۳﴾ بسیار ناپسندیده است نزدِ خدا آنکه بگویید چیزی را که نمی کنید[۳]. ﴿٤﴾ هرآئینه خدا آنان را که جنگ میکنند درراه خدا صف بَسته دوست میدارد گویاایشان عمارتی هستند محکم به یکدیگر چسپیده. ﴿٥﴾ ویادکن چون موسی به قوم خود گفت ای قوم من چرا مرامیرنجانید حال آنکه به یقین می دانید که من به سوی شما فرستادهٔ خدایم پس وقتیکه کجروی کردند خدا دل های ایشان را کج ساخت وخدا قوم بدکاران را هدایت نمی کند.

---

(۱) یعنی فرزند کسی را به دیگری منسوب نکنند والله اعلم.

(۲) یعنی خدای تعالی حکم به عذاب ایشان کرده است پس هرگز ایمان نیارند وثواب نیابند چنانچه کافران بعدِ مردن برکفر توقع ثواب ندارند والله اعلم.

(۳) یعنی باخداعهد کنید و به وفا نرسانید.

﴿٦﴾ ویادکن چون عیسیٰ پسر مریم گفت ای بنی اسرائیل هرآئینه من پیامبر خدا به سوی شما هستم باوردارندهٔ آنچه ازتورات پیشا روی من است وبشارت دهنده به پیامبری که بعد ازمن بیاید نام او احمد باشد پس چون احمد (صلی الله علیه وسلم) با معجزه ها پیش ایشان آمد گفتند این سحر ظاهراست. ﴿٧﴾ وکیست ستمکارتر ازکسیکه برخدا دروغ را بربست درحالیکه او به سوی اسلام خوانده می‌شود وخدا گروه ستمکاران را راه نمی نماید. ﴿٨﴾ این کافران میخواهند که نورخدارا به دهن های خویش فرونشانند وخداتمام کنندهٔ نور خوداست ا گرچه کافران ناگوار دارند. ﴿٩﴾ اوست آنکه پیامبر خودرا به هدایت ودین حق فرستاد تا آن را برهمهٔ ادیان غالب کند اگرچه مشرکان ناگوار دارند. ﴿١٠﴾ ای مسلمانان آیا شمارا به تجارتی دلالت کنم که شمارا ازعذابِ دردناك برهاند. ﴿١١﴾ به خدا ورسول او ایمان آورید و درراه خداباموال وجان های خود جهادکنید این برای شما بهترست اگر بدانید. ﴿١٢﴾ (ا گر این چنین کنید) برای شما گناهان شمارا بیامرزد وشمارا به بوستانهایی که میرود زیر آنها جویها وبه محل‌هایی پاکیزه دربهشت‌های جاودان درآورد اینست پیروزیِ بزرگ. ﴿١٣﴾ و(بدهد) نعمتی دیگر که آنرا دوست میدارید آن نعمت نصرت ازجانب خداوفتح قریب الحصول است ومسلمانان را مژده بده. ﴿١٤﴾ ای مؤمنان نصرت دهندگانِ دین خدا باشید چنانکه عیسیٰ پسر مریم بایارانِ خاص خود گفت کیستند نصرت دهندگانِ من به سوی خدامتوجه شده آن یارانِ خاص گفتند، ماییم نصرت دهندگانِ خدا[1] پس جمعی از بنی اسرائیل ایمان آوردند وجمعی کافرماندند پس مومنان را بر دشمنانِ ایشان قوت دادیم پس غالب شدند.

(١) پس در ترویج دین عیسیٰ سعی کردند.

سوره جمعه مدنی است یازده
آیه ودو رکوع است

﴿۱﴾ خدارا به پاکی یادمی کندهر آنچه درآسمان هاست وآنچه درزمین است خداوندِ پادشاهِ نهایت پاك، غالب باحکمت. ﴿۲﴾ اوست کسی که درمیان ناخواندگان[۱] پیامبری از خود ایشان برانگیخت برایشان آیات اورا میخواند وایشان را پاك می کند ایشان را کتاب و دانش می آموزد و هرآئینه ایشان پیش ازین درگمراهیِ ظاهر بودند. ﴿۳﴾ ونیز آن پیامبررادرقومی دیگرازبنی آدم که هنوز نپیوسته اندبامسلمانان مبعوث کرد[۲] و اوست غالب باحکمت. ﴿٤﴾ این فضل خدا است میدهدش بهرکه خواهد وخدا صاحب فضل بزرگ است. ﴿٥﴾ مثال آنانکه تورات برآنان (تکلیف) نهاده شد باز آن را برنداشتند[۳] مانندِ مثال خراست که کتاب هارا حمل می کند بداست داستان قومی که آیات خدارا تکذیب کردند وخدا گروه ستمکاران را راه نمی‌نماید. ﴿٦﴾ بگو ای یهودیان اگرگمان دارید که شما دوستان خدایید به جز سایر مردمان پس مرگ را آرزو کنید اگر راستگو هستید. ﴿۷﴾ وآنراهرگز آرزو نخواهند کرد به سبب آنچه دست های ایشان پیش فرستاده است وخدا به ستمکاران داناست. ﴿۸﴾ بگوهرآئینه مرگی که ازآن می گریزید البته وی به شما می رسد سپس به سوی دانندهٔ نهان وآشکار باز گردانیده خواهید شد پس شمارا به آنچه می‌کردید خبر می‌دهد.

(۱) یعنی عرب.
(۲) فارس یعنی سائرِ عجم.
(۳) یعنی به وفق آن عمل نکردند.

﴿۹﴾ ای مؤمنان چون در روز جمعه برای نماز اذان داده شود پس به سوی (عبادت و) یاد خدا بشتابید وخریدوفروش را رهاکنید، اگربدانید این برایتان بهتراست. ﴿۱۰﴾ پس چون نماز تمام کرده شود متفرق شوید در زمین وازفضل خدا طلب کنید وخدارا بسیار یادکنید تا شما رستگار شوید. ﴿۱۱﴾ (وآن مسلمانان) چون کاروانی یا بازی را ببینند متفرق شده به سوی آن متوجه میشوند، وتورا ایستاده[۱] رهاکنند بگو آنچه نزدِ خداست ازبازی واز تجارت بهتراست وخدابهترینِ روزی دهندگانست[۲].

سوره منافقون مدنی است وآن یازده آیه ودو رکوع است

﴿۱﴾ [۳]چون منافقان پیش توبیایند گویند گواهی میدهیم که تو پیامبر خدایی وخدا میداند که تو پیامبر اویی وخدا گواهی میدهد که البته منافقان دروغ گویند. ﴿۲﴾ قسم های خودرا سپرگرفتند پس (مردم) رااززراه خدا باز داشتند، هرآئینه بداست آنچه ایشان می کردند. ﴿۳﴾ این به سبب آنست که ایشان ایمان آوردند بازکافرشدند پس بردل های ایشان مهر نهاده شد پس ایشان نمی فهمند. ﴿٤﴾ وچون ایشان را ببینی بدنها یشان تورا به شگفتی وادارد و اگربگویند به سخن ایشان گوش بدهی گویاایشان چوبهایی تکیه داده به دیواراند، هرآواز تند را هلاکی برخود می پندارند ایشانند دشمن پس ازایشان بترس ایشانرا خدا لعنت کرد ازکجا گردانیده میشوند.

---

(۱) یعنی در خطبه.

(۲) مترجم گوید این آیت عتاب است بربعضی از اصحاب و اشارت است به آن قصّه که کاروانی ازشام آمددراثناء خطبه ایشان آنرا دیده متفرق شدند ودرخدمت آن حضرت صلی الله علیه وسلم نماندندمگر دوازده شخص که حضرت ابوبکر وعمر ازآنجمله بودند والله اعلم.

(۳) مترجم گوید رئیس منافقان در سفری سخنان نفاق انگیزی برزبان آورد آن را شخصی ازانصار به عرض آن حضرت صلی الله علیه وسلم رسانید منافقان به مجلس شریف آمده قسم خوردندکه مرتکب آن کلمات نشده‌انداین سوره درحکایت آن اقوال وتهدید وتکذیب ایشان نازل شد.

﴿۵﴾ وچون گفته شود منافقان را بیایید تا پیامبر خدا برای شما طلب آمرزش کند سرهای خودرا می پیچانند وایشان را ببینی که تکبرکنان روی می گردانند. ﴿٦﴾ درحق آنان یکسانست که آمرزش طلب کنی برای ایشان یا آمرزش نطلبی برای ایشان خدا ایشان را نخواهد آمرزید هرآئینه خدا گروه فاسقان را هدایت نمی کند. ﴿٧﴾ ایشانند آنان که میگویند (یاران خودرا) برآنانکه که نزد رسول خدایند[۱] خرج مکنید تا پراگنده شوند حال آنکه خزانه های آسمانهاوزمین ازآنِ خداست ولیکن منافقان نمی دانند. ﴿٨﴾ میگویند اگر به مدینه بازگردیم البته گرامی‌تران فرومایه تران راازمدینه بیرون می کنند[۲] و حال آنکه عزَّت وبزرگی خاص خدا وپیامبراو ومسلمانان است ولیکن منافقان نمیدانند. ﴿٩﴾ ای مسلمانان اموالِ شما وهم فرزندانِ شما شمارا از یادِ خدا غافل نگرداند وهرکه چنین (کاری) کند پس آن جماعت ایشانند که زیان کارند. ﴿١٠﴾ وازآنچه که عطا کرده‌ایم شمارا خرج کنید پیش ازآن که به یکی ازشما مرگ بیاید پس بگوید ای پروردگار من کاش میگذاشتی (سرگذشت) مراتامدتی اندك به تأخیر می‌انداختند تا صدقه می دادم وازصالحان می‌شدم. ﴿١١﴾ وهرگز خدا کسی را چون اجلش فرارسد مهلت نمی‌دهد وخدا به آنچه میکنید خبرداراست.

(۱) یعنی برفقرای مهاجرین.
(۲) یعنی توانگرانِ اهلِ نفاق فقراء مسلمین را.

سوره تغابن مدنی است وآن هیجده آیه ودو رکوع است

﴿۱﴾ آنچه درآسمان ها وآنچه درزمین است خدارا به پاکی یادمیکند پادشاهی، ازآنِ
اوست وستایش مخصوص اوست واوبرهمه چیز تواناست. ﴿۲﴾ اوست آنکه شمارا آفرید
پس بعضی ازشما کافر وبعضی ازشما مومن‌اند وخدا به آنچه می کنید بیناست. ﴿۳﴾
آسمان ها وزمین رابه تدبیرِ درست آفرید وشمارا صورت بست پس صورتهای شمارا نیك
ساخت و باز گشت به سوی اوست. ﴿٤﴾ آنچه درآسمان ها وزمین است میداند وآنچه
پنهان میدارید وآنچه آشکارمی کنید میداند وخدا به مکنون سینه‌ها داناست. ﴿٥﴾ آیا
خبرآنانکه پیش ازین کافربودند به شما نیامده است پس نتیجه کار خود را چشیدند وبرای
آنان عذابی درد ناك است. ﴿٦﴾ این عذاب به سبب آنست که پیش ایشان پیامبران ایشان
بامعجزه ها می‌آمدند پس گفتند آیا آدمیان مارا راه نمایند پس کافر شدند وورویگردانیدند
وخدابی‌نیازاست وخدا بی نیاز ستوده شده است. ﴿۷﴾ کافران پنداشتند که برانگیخته
نخواهند شد بگوآری قسم به پروردگار من البته برانگیخته می شوید باز شمارا به آنچه می‌کردید
خبرداده شود واین برخداآسان است. ﴿۸﴾ پس به خدا ورسول او ونوری که فرو فرستاده
ایم ایمان بیآورید(۱) وخدا به آنچه می کنید خبرداراست. ﴿۹﴾ (خبر داده شودشمارا) وقتیکه
در روز قیامت شمارا جمع می کند آنروز روز ظهور زیان بعضی نسبت به بعضی باشد
وهرکه ایمان آورد به خداوکارشایسته بکند بدی های اورا ازاو دورکند و به بوستان هایی که
می رود زیرآنها جویها داخل می کند جاویدان درآنجا همیشه بمانند اینست پیروزی بزرگ.

(۱) یعنی قرآن.

﴿۱۰﴾ وآنانکه کافر شدند وآیات مارا تکذیب کردند آن جماعت اهل دوزخ اند جاویدان در آنجا ودوزخ بدجاییست. ﴿۱۱﴾ نمی رسد هیچ مصیبتی مگر به حکم خداوهرکه به خدا رجوع کند دل اورا هدایت کند وخدا به هرچیز داناست. ﴿۱۲﴾ وخدا را فرمانبرداری کنید ورسول را فرمانبرداری کنید پس اگر رویگردان شوید پس جزاین نیست که برپیامبرما پیغام رسانیدن آشکاراست. ﴿۱۳﴾ خداآنست که هیچ معبود بر حقی جزاو نیست وبرخدا بایدکه مومنان توکل کنند. ﴿۱٤﴾ ای مؤمنان هرآئینه بعضی از همسران شما وبعضی فرزندان شما درحق شما دشمنان اند پس ازایشان بترسید[1] واگر درگذر کنید وروی بگردانید وبیامرزید پس هرآئینه خدا آمرزندهٔ مهربانست. ﴿۱٥﴾ جزاین نیست که اموال شماو فرزندانتان امتحان است وخدا پاداش بزرگ نزِد اوست. ﴿۱٦﴾ پس ازخدا آن قدرکه توانید بترسید وسخن بشنوید وفرمانبرداری کنید وخرج کنید برای خودتان بهتر باشد وهرکه ازبخلِ نفسِ خود نگاهداشته شود پس آن جماعت همیشان رستگارانند. ﴿۱۷﴾ اگرقرض دهید خدارا، قرضِ نیکو آن را برایتان دوچندان کند وشمارا بیامرزد وخدا قدرشناس بردباراست. ﴿۱۸﴾ دانندهٔ پنهان وآشکار غالب باحکمت است.

(۱) یعنی آنکه بربخل حمل کنند.

سوره طلاق مدنی است وآن دوازده آیه ودو رکوع است

﴿١﴾ ای پیامبر (بگوامت خودرا) چون طلاق دادن زنان را اراده کنید پس ایشانرا دراول عدّه ایشان طلاق دهید[(١)]. وعدّه را شمار کنید وازخدا پروردگارخویش بترسید ایشان را ازخانه های ایشان بیرون مکنید وباید که ایشان بیرون نروند مگرآنکه کار بی‌حیایی آشکارا بعمل آورند واین حدهامقررکردهٔ خداست وهرکه ازحدهای خدا تجاوز کند پس برنفس خویش ستم کرد تو نمیدانی شاید که خدا بعدازطلاق کاری را[(٢)] بوجود بیاورد. ﴿٢﴾ پس چون مطلقات بمیعادخود نزدیك رسند پس ایشان را به وجه پسندیده نگاهدارید یا ازایشان به وجه پسندیده جداشوید ودوکس صاحب تقویٰ راازقوم خود گواه گیرید وشهادت رابرای خدا راست اداکنید این حکم پندداده می شود به آن هرکه به خدا وبه روزآخر مومن باشد وهرکه ازخدا بترسد (خدا) برای او راه نجات فراهم می کند. ﴿٣﴾ و اورا ازآنجا که گمان نمی‌کند رزق می دهد وهرکه برخدا توکل کند پس خدا اورا بس است هرآئینه خدا حکمش را به اجرا می‌گذارد هرآئینه خدا هرچیز رابه اندازه ساخته است. ﴿٤﴾ وکسانی اززنانتان که ازحیض نا امیدشده‌اند[(٣)] اگر به شبهه افتاده‌اید پس عدّت ایشان سه ماه است وآنانکه به سن حیض نرسیده اند نیز عدّت ایشان سه ماه است وصاحبان حمل عدت ایشان آن است که حمل خود را بنهند وهرکه ازخدا بترسد برای او درکاراو آسانی را پدید آورد. ﴿٥﴾ این حکمِ خداست که آن را به سوی شما فرود آورد وهرکه ازخدا بترسد بدیهای او را ازوی دور کند وپاداش زیاده دهد.

(١) یعنی درطهری که نزدیکی نکرده باشید.
(٢) یعنی موافقت پدید آیدو مراجعت کند والله اعلم.
(٣) یعنی ازمطلقات.

﴿٦﴾ زنان مطلقه را جایی که شماسکونت دارید به اندازه طاقت خود ساکن کنید وایشان را ایذا مرسانید تا برایشان تنگ گیرید و اگرباشند صاحبانِ حمل پس برایشان انفاق کنید تاآنکه حمل خود را بنهند پس اگرشیر دهند به فرمان شما پس مزد ایشان را بدهید وبایکدیگر درمیان خویش به وجه پسندیده کارفرمایی کنید و اگر مضایقه کردید به فرموده ٔ او زنی دیگر شیرخواهد داد. ﴿٧﴾ بایدکه خرج کند صاحب وسعت ازوسعتِ خود وآنکه رزق بروی تنگ کرده شد پس باید که او خرج کند ازآنچه خدا اورا، عطا کرده است، خدا هیچ کس را تکلیف نمی کند مگر به حسب آنچه اورا داده است خدابعد ازتنگ دستی آسایش را پدید خواهد آورد. ﴿٨﴾ وبَسا قریه که ازفرمان پروردگار خویش وازفرمان پیامبران او تجاوز کرد پس حساب کردیم به او حسابی سخت وعقوبت کردیم اورا عقوبتی دشوار. ﴿٩﴾ پس سزای عمل خود را چشید وسرانجام کاراو زیان کاری بود. ﴿١٠﴾ خدای تعالی برای ایشان عذاب سخت را مهیا کرده است پس ای صاحبان خرد ازخدا بترسید ای مسلمانان هرآئینه خدا به سوی شما کتابی فرود آورده است. ﴿١١﴾ (فرستاده‌است) پیامبری را که برشما آیاتِ خدا را واضح آمده میخواند تا آنان را که ایمان آورده‌اند وکارهای شایسته کرده‌اند ازتاریکی ها به سوی روشنی برآورد وهرکه به خدا ایمان آورد و کارشایسته بکند درآوردش به بوستان‌هایی که میرود زیر آنها جویها همیشه درآنجا جاویدان به راستی خدا رزق وروزی اورانیك گردانیده است. ﴿١٢﴾ خداآنست که هفت آسمان را آفرید و (آفرید) زمین را (نیز) مانند آنها، تدبیرِ کاردرمیان آسمان‌هاوزمین پیوسته فرودمی آید تابدانید که خدابر همه چیز تواناست ونیز بدانید که خدا هرچیز را باعتبار علم احاطه کرده است.

سوره تحریم مدنی است وآن
دوازده آیه ودو رکوع است

﴿۱﴾ [1]ای پیامبر چراحرام می کنی چیزی را که خدابرای تو حلال ساخته است خوشنودِی زنان خودرا می طلبی وخدا آمرزگار مهربان است. ﴿۲﴾ هرآئینه خدابرای شما گشادن سوگندهای شمارا مشروع ساخته است[2] وخداکارساز شماست واو دانای باحکمت است. ﴿۳﴾ ویادکن چون پیامبر بابعضی همسرانش سخنی را پنهان گفت پس چون آن سخن را افشاء کرد وخدای تعالی پیامبررا برافشای آن سخن مطلع ساخت پیامبر بعض آن سخن را شناسا کرد واز بعض اعراض کرد، پس وقتیکه آن را به افشای راز آن زن خبردار کرد گفت چه کسی تورا به افشای این راز خبرداد، پیامبر فرمود مرا خدای دانای خبرداد. ﴿٤﴾ ای دو زن پیامبر[3] اگر به سوی خدا رجوع کنید (خوش باشد) هرآئینه دل های شما کج شده است و اگرباهم متفق شوید براو (برنجانیدن پیامبر) پس هرآئینه خداکارساز اوست و جبرئیل ومردمان شایسته ازمسلمانان ونیز فرشتگان بعد ازین مددگاراند. ﴿٥﴾ اگر پیامبرشمارا طلاق دهد نزدیك است که پروردگاراو به او زنانِ دیگر بهتر ازشما عوض دهد گردن نهادگان باور دارندگان دعاکنندگان توبه نمایندگان عبادت به جاآرندگان روزه دارندگان شوهر دیدگان وشوهر نادیدگان. ﴿٦﴾ ای مؤمنان خویشتن راواهل خانهٔ خودرا ازآتشی که هیزم آن مردمان وسنگ ها باشند، نگاهدارید برآن آتش فرشتگانِ درشت خو سخت رو موکل‌اند خدارا درآنچه ایشانرا فرموده است نافرمانی نمی کنند و هرچه ایشانرا حکم میشود انجام می دهند. ﴿۷﴾ (آنروزگوییم) ای کافران عذر پیش نیارید امروزجزاین نیست که جزاداده می شویدشما به حسب آنچه میکردید.

---

(۱) مترجم گوید که آن حضرت صلی الله علیه وسلم ماریه قبطیه راسریهٔ خود ساخته وهمسران آن حضرت غیرت کردند آن حضرت صلی الله علیه وسلم برای تسلّی ایشان ماریه را برخود حرام گردانید وآن حضرت سِرّی ازاسرارِ خودبابعض همسران اظهار فرموده در کتمانِ آن مبالغه کردآن زوجه بدیگری اظهار نمود آن حضرت صلی الله علیه وسلم به طریق وحی برافشای آن سر مطلع شدند وبنوعی ازرمزآن قصه درمیان نهادند وعتاب فرمودند خدای تعالی درباب پند ازواج طاهرات وتهدید ایشان این آیات را نازل فرمود والله اعلم.

(۲) یعنی به ادای کفاره.

(۳) یعنی حفصه وعائشة رضی الله عنهما والله اعلم.

﴿٨﴾ ای مسلمانان به سوی خدا رجوع کنید رجوع خالص، امیدهست از پروردگارشما که ازشماگناهان شمارا محو کند وشمارا به بوستانها یی که میرود زیرآنها جویها درآورد روزیکه خدا پیامبر وآنان راکه ایمان آورده‌اند همراه او رسوا نکند، نورِایشان پیشِ دستهای ایشان وبه جانب های راستِ ایشان میرود میگویند ای پروردگارما برای ما نور مارا تمام دِه ومارابیامرز، هرآئینه تو برهرچیز توانایی. ﴿٩﴾ ای پیامبر باکافران وبامنافقان نیز جهاد کن ودرشت شو برایشان وجای ایشان دوزخ است ووی بدجایی است. ﴿١٠﴾ خدامثالی را برایآنانکه کافرشدند زن نوح را و زن لوط را آورد که زیر نکاح دوبنده ٔ شایسته از بندگان ما بودند که پس خیانت کردند به آن دوبنده پس ایشان ازآن دو زن چیزی را ازعذاب خدا دفع نکردند وگفته شد هردوتا را درآتش دوزخ با داخل شوندگان داخل شوید. ﴿١١﴾ وخدامثالی را برای آنانکه ایمان آوردند زن فرعون را آورد چون گفت ای پروردگار من برای من نزدِ خود خانه‌ای دربهشت بناکن ومرا ازفرعون وکاراو نجات دِه ومرا ازقوم ستمکاران نجات دِه. ﴿١٢﴾ ومریم دخترِ عمران را آنکه فرج خودرا نگاهداشت پس در آن روحِ خودرا دمیدیم وسخنان پروردگار خود را وکتاب های‌اورا باورداشت واز فرمانبردارندگان بود[1].

(١) یعنی روح حضرت عیسیٰ دررحم مریم درآمد وفرج کنایت است ازرحم.

سوره ملك مكی است وآن سی آیه ودو رکوع است

﴿۱﴾ بسیار بابرکت است آنخدا که پادشاهی بدست اوست واو برهمه چیز تواناست. ﴿۲﴾ آنخدا که موت وحیات را آفرید تا شما را بیازماید که کدام یك ازشما درعمل نکوتراست واو غالب آمرزگار است. ﴿۳﴾ آنخداکه هفت آسمان را (تودرتو) طبقه طبقه آفرید نبینی ای بیننده درآفرینش خدا هیچ بی ضابطگی پس چشم را باز گردان آیا هیچ شکستگی می‌بینی. ﴿٤﴾ پس چشم را دوباره باز گردان تاباز‌آید چشم به سوی تو خوارشده مانده گشته. ﴿٥﴾ وبه راستی که آسمانِ نزدیك را به چراغ ها زینت دادیم وآن چراغ ها را آلاتِ رجم شیاطین گرداندیم وبرای شیاطین عذاب دوزخ آماده کردیم. ﴿٦﴾ وبرای آنانکه به پروردگارخود کافرشدند عذابِ دوزخ است وآن بدجاییست. ﴿۷﴾ وقتیکه ایشان در دوزخ افکنده‌شوند آوازی بشنوند مانند آوازخر وآن (دوزخ) جوش میزند. ﴿۸﴾ نزدیك است پاره پاره شودازخشم، هرگاه گروهی به دوزخ افکنده شود نگاهبانانِ دوزخ ازآن گروه سوال کنند آیا به سوی شما هیچ پیامبر بیم دهنده نیامده بود. ﴿۹﴾ گویند آری به سوی ماترساننده آمده بود پس تکذیب کردیم وگفتیم خداهیچ چیزرا فرودنیاورده است شما جز درگمراهی بزرگ نیستید. ﴿۱۰﴾ وگویند اگرما می‌شنیدیم یا می فهمیدیم درزمرهٔ اهل دوزخ داخل نمی‌شدیم. ﴿۱۱﴾ پس به گناه خویش اقرار کردند پس بر اهل دوزخ لعنت باد. ﴿۱۲﴾ هرآئینه آنانکه ازپروردگار خویش غایبانه می‌ترسند برای ایشان آمرزش وپاداش بزرگ است.

﴿۱۳﴾ وسخن خود را پنهان کنید یاآن را آشکار گویید هرآئینه خدا به آنچه درسینه‌ها باشد داناست. ﴿١٤﴾ آیا کسی که آفرید نمی داند واو باریك بین خبرداراست؟. ﴿١٥﴾ اوست آنکه زمین را برای شما رام ساخت پس درنواحی آن راه روید وازرزق خدا بخورید وبه سوی اوست برانگیختن. ﴿١٦﴾ آیا ازکسی که درآسمان است ایمن شده‌اید ازآنکه شمارا به زمین فروبرد پس نا گهان زمین می جنبد. ﴿١٧﴾ آیا ازکسی که درآسمان است ایمن شده اید ازآنکه برشما بادِ سنگباررا بفرستد پس خواهید دانست ترسانیدن من چگونه است؟. ﴿١٨﴾ به راستی که آنانکه پیش ازایشان بودند تکذیب کردند پس عقوبت من چگونه شد. ﴿١٩﴾ آیا برفرازشان به پرندگان که (درپروازندو) گاهی بالهای خودراگسترده وگاهی فرومی بنددننگرسته اند! جزخدای رحمان (کسی) آنهارا نگاه نمیدارد هرآئینه اوبهر چیز بیناست. ﴿٢٠﴾ آیا کیست آنکه وی برای شما لشکر است شمارا بجز خدا نصرت میدهد کافران جز درفریب نیستند. ﴿٢١﴾ آیاکیست آنکه شمارا روزی می‌دهد اگر خدا رزق خودرا بازگیرد بلکه درسرکشی ورمیدگی محکم پیوسته‌اند. ﴿٢٢﴾ آیا کسیکه نگونسار افتاده برروی خود برود راه یافته تراست یاکسی که راست ایستاده برراه راست میرود[1]. ﴿٢٣﴾ بگواوست آنکه شمارا بیافرید وبرای شما شنوایی وچشم‌ها ودل‌ها پدید آورد اندکی شکر می‌کنید. ﴿٢٤﴾ بگواوست که شمارا درزمین پراکنده ساخت و به سوی اوبرانگیخته خواهید شد. ﴿٢٥﴾ وکافران میگویند وعده چه وقت باشد اگر راستگویید. ﴿٢٦﴾ بگو جزاین نیست که علم نزدِ خداست وغیر این نیست که من بیم دهندهٔ آشکارم.

(۱) مترجم گوید این مثل است کافرومومن را والله اعلم.

﴿٢٧﴾ وآنگاه که آن وعده را نزدیك شده ببینند ناخوش کرده شود[١] روی آنانکه کافرشدند وگفته شود این است آنچه اورا می طلبیدید. ﴿٢٨﴾ بگوآیادیدید اگر خدا مرا وآنان راکه همراه من‌اند هلاك کند یا برما رحمت کند (بهرحال) پس که کافران را ازعذاب دردناك نجات دهد. ﴿٢٩﴾ بگواوست بخشاینده به اوایمان آوردیم وبروی توکل نمودیم پس خواهید دانست که کیست در گمراهی ظاهر. ﴿٣٠﴾ بگو آیا دیدید اگر آب شما فرو رفته شود پس کیست که برای شما آب روان را بیاورد.

سوره قلم مکی است وآن پنجاه ودوآیه ودو رکوع است

﴿١﴾ نٓ، قسم به قلم (اعلی) وبه آنچه می نویسند (فرشتگان). ﴿٢﴾ تو به فضل پروردگارت دیوانه نیستی. ﴿٣﴾ وهرآئینه تُورا مزد بی نهایت است. ﴿٤﴾ وهرآئینه تو برخوی بزرگی هستی. ﴿٥﴾ پس خواهی دید وایشان نیز خواهند دید. ﴿٦﴾ که به کدام یك ازشما دیوانگی است. ﴿٧﴾ هرآئینه پروردگار تو به کسیکه ازراه او گمراه شد داناتراست و اونیز به راه یافتگان داناتراست. ﴿٨﴾ پس تکذیب کنندگان را فرمان مبر. ﴿٩﴾ آرزوکردند که ملایمت کنی تاایشان نیز ملایمت کنند. ﴿١٠﴾ وهر بسیار سوگند خورنده محقررا اطاعت مکن. ﴿١١﴾ (هر) عیب جوی به سخن چینی رونده. ﴿١٢﴾ (هر) بخل کننده به مال تجاوز گرِ گناهکار. ﴿١٣﴾ (هر)سخت روی بعد ازین همه ملحق به قوم نه ازاصل ایشان[٢]. ﴿١٤﴾ به سبب آنکه صاحب مال وفرزندان هست. ﴿١٥﴾ (تکذیب کرد) چون خوانده شود بروی آیه های‌ماگوید افسانهٔ پیشینیان است. ﴿١٦﴾ بربینی او داغ خواهیم نهاد[٣].

(١) یعنی سیاه کرده شود.
(٢) یعنی سنت خدا آنست که مردم بداصل غالباً متصف باین صفاتِ رذیله باشند.
(٣) کنایت است ازرسوا کردن.

﴿۱۷﴾ هرآئینه ما ایشانرا آزمودیم چنانکه صاحبانِ بوستان را آزموده بودیم چون قسم خوردند که حتماً بوستان را بوقت بامداد درو کنند. ﴿۱۸﴾ وانشاء الله نگفتند. ﴿۱۹﴾ پس آن بوستان را بلایی از سوی پروردگار تو فراگرفت[۱] وایشان خفته بودند. ﴿۲۰﴾ پس مانند زراعت بریده شده شد. ﴿۲۱﴾ پس بایکدیگر هنگام صبح آواز دادند. ﴿۲۲﴾ که به کشت خود اگر دروکننده اید بامداد روید. ﴿۲۳﴾ پس به راه افتادند درحالی که به پنهانی سخن می گفتند. ﴿۲٤﴾ این که امروز برشما هیچ فقیری دربوستان داخل نشود. ﴿۲۵﴾ وصبح زود توانا (بخاطرمنع بینوایان) به آن (باغ) رسیدند. ﴿۲٦﴾ پس آنگاه که آن بوستان را دیدند گفتند هرآئینه ما راه را گم کرده ایم[۲]. ﴿۲۷﴾ نه بلکه ما محروم شدگانیم. ﴿۲۸﴾ بهترین ایشان گفت آیا نگفته بودم شمارا که چراتسبیح نمی گویید[۳]. ﴿۲۹﴾ گفتند پروردگار خود را به پاکی یادمی‌کنیم هرآئینه ماستمکاربودیم. ﴿۳۰﴾ پس روی آوردند بعضی از ایشان بر بعضی دیگر ملامت کنان. ﴿۳۱﴾ گفتند ای وای بر ما هرآئینه ما از حدگذشتگان بودیم. ﴿۳۲﴾ امیداست که پروردگارما مارا بوستانی بهترازین عوض دهد هرآئینه ما به سوی پروردگار خود توقع دارندگانیم. ﴿۳۳﴾ همچنین است عذاب البته عذاب آخرت بزرگ تراست کاش می‌دانستند. ﴿۳٤﴾ هرآئینه برای متقیان نزدِ پروردگار ایشان بوستانهای نعمت باشند. ﴿۳۵﴾ آیا مسلمانان را مانند گنهکاران گردانیم. ﴿۳٦﴾ چیست شمارا چگونه حکم می کنید. ﴿۳۷﴾ آیانزد شماکتابی هست که درآن (این مضمون را) تلاوت میکنید. ﴿۳۸﴾ که هرآئینه برای شما باشد درآن آنچه راکه اختیار میکنید. ﴿۳۹﴾ آیاشمارا برذمه ما عهدهای محکم است که حکم آن تابه قیامت باقی باشد (به این مضمون) که هرآئینه برای شما است آنچه که مقرر می کنید. ﴿٤۰﴾ ازمشرکان بپرس کدام یك ازایشان به این امر متعهد است. ﴿٤۱﴾ آیا این مشرکان راشریکان هستند پس بایدکه شریکان خودرا بیاورند اگر راستگوهستند. ﴿٤۲﴾ روزیکه جامه ازساق برداشته شود وایشان به سوی سجده خوانده شوند پس (سجده) نتوانند.

---

(۱) یعنی آتش درگرفت.

(۲) یعنی این بوستان دیگری‌است بوستان ما نیست.

(۳) یعنی رجوع به خدا کنید.

﴿٤٣﴾ نیایش[١] برچشمهای ایشان ظاهر باشد ایشان را خواری فراگیرد به یقین ایشان به سوی سجده خوانده می شدنددرحالیکه ایشان سلامت بودند. ﴿٤٤﴾ پس مرا باکسیکه این سخن را تکذیب میکرد بگذار به تدریج آنان را ازآن راهی که نمیدانند خواهیم گرفت. ﴿٤٥﴾ وایشان را مهلت خواهم داد هرآئینه حیلهٔ من محکم است. ﴿٤٦﴾ آیا ازین جماعت مزد می طلبی پس ایشان ازتاوان گرانبارند. ﴿٤٧﴾ آیانزدِ این جماعت علم غیب است پس ایشان می نویسند. ﴿٤٨﴾ پس به انتظار حکم پروردگار خود صبر کن و مانند صاحب ماهی مباش[٢] هنگامی که دعا کرد درحالی که اوپُرازغم شده بود. ﴿٤٩﴾ اگر او را رحمتی ازجانب پروردگارش تدارك نمی کرد البته برزمین بی گیاه افگنده میشد واو بدحال بودی[٣]. ﴿٥٠﴾ پس پروردگارش اورا برگزید پس او را ازجملهٔ صالحان گردانید. ﴿٥١﴾ وهرآئینه کافران نزدیك اند که تورا به چشم های تیز خود بلغزانند چون قرآن را شنید ند[٤] ومی‌گویند هرآئینه این پیامبر دیوانه است. ﴿٥٢﴾ وبه حقیقت این قرآن نیست مگر پندی برای جهانیان.

سوره حاقه مکی است وآن پنجاه ودو آیه ودو رکوع است

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان.

﴿١﴾ قیامت. ﴿٢﴾ چیست آن قیامت. ﴿٣﴾ وچه چیز تورا خبردارکرد که چیست آن قیامت[٥]. ﴿٤﴾ قبیله ثمود وعاد قیامت را تکذیب کردند. ﴿٥﴾ اماثمود پس ایشان به نعرهٔ تند هلاك کرده شدند. ﴿٦﴾ واماعاد پس ایشان به باد سخت ازحد درگذشته هلاك کرده شدند. ﴿٧﴾ خدا برگماشت آن باد را برعاد هفت شب وهشت روز پی درپی (نهایت[*] نحس) پس ای بیننده آن قوم عاد رادر آن شب ها وروزها به زمین افتاده می بینی گویا ایشان تنه های درختان خرما هستندکه ازکهنگی ازهم پاشیده شده اند. ﴿٨﴾ پس آیا ازایشان هیچ اثری می بینی.

(١) در صحیحین آمده ولفظ حدیث ازبخاری است که أبو سعید خدری رضی الله عنه روایت می کند ازرسول الله صلی الله علیه وسلم که فرمودند روز قیامت ظاهر نماید پروردگار ماساق خودرا پس سجده کنان افتند تمام اهل ایمان ازمرد و زن وسجده نتواند کسیکه دردنیابجهت ریاوسمعه سجده می‌کرد پس کوشش می کند که سجده کند ولی به آن قادر نمیشود زیرا که پشت اویك طبق مثل تخته راست میشود (مصحح).

(٢) یعنی یونس علیه السلام.

(٣) لیکن رحمت دررسید وبدحال نشد.

(٤) واین کنایه است از شدت عداوت ایشان.

(٥) مترجم گوید ظاهر نزدیك بنده آنست که معنی آیت این است: عقوبتِ ثابت چیست آن عقوبتِ ثابت چه چیز مطلع ساخت توراکه ُچیست آن عقوبتِ ثابت بعد ازآن چند عقوبتِ گذشته رابیان فرمود.

(*) «حسوما» را مفسرین به دو معنی تفسیر کرده اند بمعنی (پی درپی) وبمعنی «نحس» مصحح.

﴿۹﴾ وفرعون وآنانکه پیش ازوی بودند واهل موتفکات نیزمرتکب گناه شدند. ﴿۱۰﴾
پس فرستادهٔ پرورد گار خود را نافرمانی کردند پس خدا آن جماعت را درگرفت درگرفتن
عظیمی. ﴿۱۱﴾ هرآئینه ماوقتیکه آب ازحد گذشت شمارا برکشتی روان سوارکردیم.
﴿۱۲﴾ تا این امر رابرای شما پندی قرار دهیم ویاد دارد آن راگوش یاد دارنده. ﴿۱۳﴾ پس
چون درصور دمیده شود یك بار دمیدن. ﴿۱٤﴾ وزمین و کوه ها برداشته شود پس کوفته
شود آنها یکبار کوفتن. ﴿۱۵﴾ پس آنروز متحقق شود قیامت. ﴿۱٦﴾ وآسمان بشگافد پس
آنروز آسمان سست شده باشد. ﴿۱۷﴾ وفرشتگان برکناره های آسمان باشند وتخت
پروردگار تورا آنروز هشت فرشته بالای خویش بردارند. ﴿۱۸﴾ آنروز پیش آورده شوید
ازحال شما هیچ سِرّی پنهان نماند. ﴿۱۹﴾ پس اما کسی که نامهٔ اعمال او به دست
راست او داده شد پس گوید نامهٔ اعمال مرا بگیرید بخوانید. ﴿۲۰﴾ هرآئینه من معتقد
بودم که من به حساب خود خواهم رسید. ﴿۲۱﴾ پس آن شخص درزندگانی پسندیده ای
باشد. ﴿۲۲﴾ دربهشتی بلند. ﴿۲۳﴾ که میوهٔ آن قریب الحصول است. ﴿۲٤﴾ (گفته
شود) بخورید وبیاشامیدخوردن وآشامیدن گوارا به سبب آنچه در روزهای گذشته پیش
فرستاده بودید. ﴿۲۵﴾ واماآنکه داده شد نامهٔ اعمال اوبدست چپش پس گوید ای کاش
نامهٔ اعمال من به من داده نمی شد. ﴿۲٦﴾ ای کاش نمیدانستم حساب من چیست.
﴿۲۷﴾ ای کاش مرگ تمام کنندهٔ کار بود. ﴿۲۸﴾ مال من به من هیچ نفع نرساند.
﴿۲۹﴾ از من پادشاهی من زایل شد. ﴿۳۰﴾ (گفته شود ای فرشتگان) اورا بگیرید پس
طوق به گرد نش کنید. ﴿۳۱﴾ سپس او رادردوزخ داخل کنید. ﴿۳۲﴾ سپس اورا در
زنجیری که درازی آن هفتاد گزباشد ببندید. ﴿۳۳﴾ هرآئینه این شخص به خدای بزرگ
ایمان نمیداشت. ﴿۳٤﴾ ومردمان رابرطعام دادن فقیر رغبت نمیداد. ﴿۳۵﴾ پس این
شخص را امروز اینجاخویشاوندی نیست.

﴿٣٦﴾ و (این شخص را) هیچ طعامی غیر از چرك وخون نیست. ﴿٣٧﴾ که جز گناهکاران آنرا نخورند. ﴿٣٨﴾ پس قسم میخورم به آنچه می بینید. ﴿٣٩﴾ وآنچه نمی بینید. ﴿٤٠﴾ هرآئینه این (قرآن) گفتار فرشتهٔ بزرگوار است. ﴿٤١﴾ وآن گفتار شاعری نیست اندکی ایمان می آورید. ﴿٤٢﴾ وگفتارکاهني نیست اندکی پند می پذیرید. ﴿٤٣﴾ ازجانب پروردگار جهانیان است. ﴿٤٤﴾ واگر پیامبربرما بعض سخن هارا افترا می بست. ﴿٤٥﴾ هرآئینه ازدست راست اورا می گرفتیم. ﴿٤٦﴾ سپس رگ دل اورا می بریدیم[١]. ﴿٤٧﴾ پس هیچکس ازشما ازو دفاع کننده[٢] نیست. ﴿٤٨﴾ وهرآئینه قرآن پرهیزگاران را پندی است. ﴿٤٩﴾ وهرآئینه مامیدانیم که بعضی از شما تکذیب کننده اید. ﴿٥٠﴾ وهرآئینه قرآن برکافران حسرت است. ﴿٥١﴾ وهرآئینه قرآن حقیقت درست است. ﴿٥٢﴾ پس پروردگار بزرگوار خود را به پاکی یادکن.

سوره معارج مکی است وآن چهل وچهار آیه ودو رکوع است

﴿١﴾ طلب کرد طلب کننده عقوبتی فرودآینده. ﴿٢﴾ برکافران (فرودآینده) اوراهیچ بازدارنده‌ای[٣] نیست. ﴿٣﴾ (فرودآینده) ازجانب خدا دارای مرتبه هاکه برآن صعود کرده شود. ﴿٤﴾ فرشتگان وروح نیز[٤] به سوی خدا درروزی که هست مقدارآن پنجاه هزار سال بالامی روند. ﴿٥﴾ پس صبر کن صبر نیك. ﴿٦﴾ هرآئینه کافران آن روز را دورمی بینند. ﴿٧﴾ ومانزدیك می‌بینیمش. ﴿٨﴾ روزی که آسمان مانند مس گداخته شود. ﴿٩﴾ وکوه ها مانند پشم رنگین شوند. ﴿١٠﴾ وهیچ خویشاوند خویشاوند دیگررا نپرسد.

(١) مترجم گوید عادت جَلّاد آنست که دست راست اسیر رابدست چپ خود بگیرد وشمشیر بگردن او نهد لهذا به این اسلوب گفته شد.

(٢) یعنی عقوبت مارا.

سوره معارج

(٣) یعنی گفتند ﴿مَتَىٰ هَـٰذَا ٱلْوَعْدُ إِن كُنتُمْ صَـٰدِقِينَ﴾.

(٤) یعنی جبرئیل علیه السلام.

﴿۱۱﴾ وایشان را نزدیکان ایشان به آنها نشان داده شود، گنهکار آرزوکند که از عذاب آنروز فرزندان خودرا به عوض دهد. ﴿۱۲﴾ وهمچنین‌زن خودرا وبرادر خودرا. ﴿۱۳﴾ ونیز قبیله‌اش را که اورا جای میدهد. ﴿۱٤﴾ ونیز همگی هرکه درزمین است تاشاید این عوض دادن اورا نجات دهد. ﴿۱٥﴾ هرگز، به تحقیق که دوزخ آتشی است شعله زننده. ﴿۱٦﴾ پوست سررابرکشنده است. ﴿۱۷﴾ کسی را که اعراض کرد و رویگردان شد میخواند. ﴿۱۸﴾ ومال جمع نمود پس نگاهداشت. ﴿۱۹﴾ هرآئینه آدمی ناشکیبنده آفریده شده است. ﴿۲۰﴾ چون به او مصیبت برسد جزع وفزع کننده است. ﴿۲۱﴾ وچون به او رفاهیت برسد بخل نماینده است. ﴿۲۲﴾ مگر نماز گزاران. ﴿۲۳﴾ آنانکه ایشان برنمازخویش همیشه پایبندند. ﴿۲٤﴾ وآنانکه دراموال ایشان قسمتی مقرر هست. ﴿۲٥﴾ برای سائل و محروم. ﴿۲٦﴾ وآنانکه روز جزاء را باورمیدارند. ﴿۲۷﴾ وآنانکه ایشان ازعذاب پروردگارخود ترسند. ﴿۲۸﴾ هرآئینه عذاب پروردگارایشان چنان است که ازآن ایمن نتوان شد. ﴿۲۹﴾ وآنانکه ایشان اندام نهانی خودرا نگاهدارندگانند. ﴿۳۰﴾ مگر برزنان خود یا کنیزکانی که دستهای ایشان مالك آنها شده است پس هرآئینه این فریق ملامت کرده شده نیستند. ﴿۳۱﴾ پس هرکه طلب کند غیر از این، پس آن جماعت ایشانند ازحدگذشتگان. ﴿۳۲﴾ آنانکه ایشان امانت های خودرا وعهد های خودرا رعایت کنندگانند. ﴿۳۳﴾ وآنانکه ایشان به گواهی های خود متعهد شوندگانند. ﴿۳٤﴾ وآنانکه ایشان برنمازخودمحافظت کنندگانند. ﴿۳٥﴾ این جماعت دربوستان ها اکرام کرده شوند. ﴿۳٦﴾ پس چیست کافران را که به سوی توشتابان اند. ﴿۳۷﴾ ازجانب راست وازجانب چپ گروه گروه شده. ﴿۳۸﴾ آیاطمع میکند هرشخصی ازایشان که به بوستان نعمت داخل کرده شود. ﴿۳۹﴾ چنین نیست، هرآئینه ماآفریده ایم ایشانرا ازآنچه میدانند[۱]. ﴿٤۰﴾ پس قسم میخورم به پروردگار مشرق ها ومغرب ها که هرآئینه ماتوانائیم.

(۱) یعنی ازمنی.

﴿۴۱﴾ برآنکه بهترازایشان راجایگزین کنیم وما عاجز نیستیم. ﴿۴۲﴾ پس (یا محمد) ایشان را بگذار به بیهودگی درآیند وبازی کنند تاآنکه برخورند به آنروز خود که ایشان را وعده داده میشود. ﴿۴۳﴾ روزیکه برآیند ازقبرها شتابان گویاایشان به سوی نشانه میدوند. ﴿۴۴﴾ ترس بردیده‌های ایشان ظاهر شده باشد ایشانرا خواری درگیرد این است آن روزکه ایشان را وعده داده می‌شد.

سوره نوح مکی است وآن بیست وهشت آیه ودو رکوع است

﴿۱﴾ هرآئینه ما نوح را به سوی قومش فرستادیم که بترسان قوم خودرا پیش ازآنکه بدیشان عقوبتی درد ناك بیاید. ﴿۲﴾ گفت ای قوم من هرآئینه من برای شماترساننده ظاهرم. ﴿۳﴾ (باین مضمون) که خدارا عبادت کنید وازاو بترسید وازمن اطاعت کنید. ﴿۴﴾ تا گناهان شمارا برای شما بیامرزد وشمارا تاوقتی مقرر موقوف دارد هرآئینه وقتِ مقرر کردهٔ خداچون بیاید هرگز آنرا تاخیر داده نشود اگر میدانید. ﴿۵﴾ گفت ای پروردگار من هرآئینه من قوم خودرا شب وروز دعوت کردم. ﴿۶﴾ پس خواندن من در حق ایشان جز گریختن را زیاده نکرد. ﴿۷﴾ وهرآئینه هرگاه که من ایشانرا دعوت کردم تا به ایشان بیامرزی، انگشتان خود را درگوش‌های خویش درآوردند و جامه‌های خویش را به خود در پیچیدند وبرکفر مداومت کردند و سرکشی نمودند، سرکشیِ تمام. ﴿۸﴾ بازهرآئینه من ایشان را به آواز بلند دعوت کردم. ﴿۹﴾ بازهرآئینه من به ایشان آشکارگفتم وپنهان گفتم ایشان را نیز پنهان گفتنی. ﴿۱۰﴾ پس گفتم ازپروردگار خود طلب آمرزش کنید هرآئینه اوآمرزنده هست.

﴿۱۱﴾ تا برشما باران را ریزنده بفرستد. ﴿۱۲﴾ وپی درپی شمارا اموال وفرزندان دهد وشمارا بوستان‌ها بدهد وبرای شما جویها پدید آورد. ﴿۱۳﴾ چه شده است شمارا که برای خدا بزرگی را معتقد نمی شوید. ﴿۱٤﴾ حال آنکه شمارا در مراحل مختلف آفریده است. ﴿۱٥﴾ آیا ندیدیدچگونه خدا هفت آسمان را (تودرتو) طبقة طبقة آفرید. ﴿۱٦﴾ و ماه را درمیان اینهافروزنده ساخت و خورشید را چراغ درخشنده ساخت. ﴿۱۷﴾ وخدا شمارا از زمین رویانید نوعی ازرویانیدن. ﴿۱۸﴾ سپس دوباره شمارا به زمین برگرداند ودوباره شمارا بیرون آورد نوعی از بیرون آوردن. ﴿۱۹﴾ و خدا برای شما زمین را فرش گسترده ای ساخت. ﴿۲۰﴾ تا درآن زمین براه های گشاده بِرَوید. ﴿۲۱﴾ گفت نوح ای پروردگار من هرآئینه این جماعت نافرمانی من کردند وپیروی کسی را نمودند که زیاده نکرد در حق وی مال او وفرزند او مگر زیانرا[1]. ﴿۲۲﴾ وحیله کردند رئیسان حیله‌ای عظیم. ﴿۲۳﴾ وگفتند هرگز معبودان خود را ترك مکنید وهرگز وَدّ وسواع ویغوث ویعوق ونسررا ترك مکنید[2]. ﴿۲٤﴾ وبه راستی که بسیاری را گمراه کردند وخدایا ستمکاران را بجزگمراهی نیفزا. ﴿۲٥﴾ به سبب گناهان‌شان غرق کرده شدند پس ایشان را به آتش واردکردند پس برای خویش بجز خدا هیچ نصرت دهنده ای نیافتند. ﴿۲٦﴾ وگفت نوح ای پروردگارمن برزمین ازکافران هیچ ساکن شونده ای مگذار. ﴿۲۷﴾ هرآئینه اگر تو ایشان را بگذاری بندگان تورا گمراه می سازند و بجز بدکار ناسپاس را نزایند. ﴿۲۸﴾ ای پروردگارمن مرا وپدرومادر مرا و هر کسی راکه داخل شود به خانه من ایمان آورده وجمیع مؤمنین ومومنات را بیامرز و ستمکاران را جز هلاکت زیاده مده.

(۱) یعنی به رؤسای کفار.

(۲) واین پنج بت بودند.

سوره جن مکی است وآن بیستُ
هشت آیه ودو رکوع است

﴿١﴾ [1] بگو به سوی من وحی فرستاده شد که جماعتی ازجن گوش نهادند پس گفتند
هرآئینه ما قرآنی عجیبیی شنیدیم. ﴿٢﴾ که به سوی راه راست دلالت میکند پس به آن
ایمان آوردیم وبا پروردگارخویش هیچ احدی را شریك مقررنخواهیم کرد. ﴿٣﴾ وبه
تحقیق (بیان کردند آن جنیان) که بلند است بزرگی پروردگارما زنی وفرزندی نگرفته
است. ﴿٤﴾ وآنکه جاهلان ما برخدادروغ را افترا می کرد ند. ﴿٥﴾ وآنکه ماپندا شتیم که
هرگز بنی آدم وجنیان برخدا سخن دروغ را نگویند. ﴿٦﴾ وآنکه مردانی از بنی آدم پناه
میگرفتند به مردانی از جن پس درحق آن جنیان سرکشی را[2] زیاده کردند. ﴿٧﴾ و آنکه
آدمیان گمان کردند چنانکه شما گمان کردیدکه هرگز خدا هیچ کس را[3] نفرستد. ﴿٨﴾
وآنکه ما دست به آسمان رسانیدیم پس یافتیم که آسمان به پاسبانان محکم وبه ستاره های
فرودآینده پرکرده شده است. ﴿٩﴾ وآنکه ما پیش ازین به جایهایی ازآسمان برای شنیدن
می‌نشستیم[4] پس هرکه الآن گوش بنهد برای خودستاره‌ای مهیا ساخته بیابد. ﴿١٠﴾
وآنکه مانمی‌دانیم آیابلایی اراده کرده شده درحق آنانکه درزمین‌اند یا پروردگار ایشان
درحق ایشان خیررا اراده کرده است. ﴿١١﴾ وآنکه ازماجمعی شایسته کاران اند و جمعی
ازما غیراز ایند، وما فرقه های مختلف بودیم. ﴿١٢﴾ وآنکه مادانستیم که هرگز نمی‌توانیم
خدا رادرزمین عاجز کنیم واو راازجهت گریختن عاجز کنیم. ﴿١٣﴾ وآنکه چون ما
شنیدیم هدایت را به آن ایمان آوردیم پس هرکه ایمان آورد به پروردگار خویش پس او
ازهیچ نقصانی وهمچنین ازهیچ ستمی نترسد.

---

(١) مترجم گوید روزیکه آن حضرت صلی الله علیه وسلم نماز صبح را بیرون مکه میخواندند جماعتی ازجن قراءة ایشان را استماع کردند وایمان آوردند خدای تعالی ازایمان ایشان وگفتگوی ایشان باقوم خود درین سوره خبرداد تا قوله: ﴿وَأَلَّوِ ٱسۡتَقَٰمُواْ﴾ الآية. والله اعلم.

(٢) اشارت است به آنکه در جاهلیت چون به جایی فرود می آمدند میگفتند اعوذ بسید هذاالوادی من سفهاء قومه.

(٣) یعنی پیامبرنفرستد.

(٤) یعنی برای شنیدن کلام ملائکه.

﴿١٤﴾ وآنكه جمعى ازما مسلمانند وجمعى ازما گنهكارانند پس هركه مسلمان شد پس آن جماعت راه راست را قصد كردند. ﴿١٥﴾ واما گنهكاران پس هيزم براى دوزخ باشند. ﴿١٦﴾ و (نيز بگويا محمد كه وحى فرستاده شده است به سوى من) اينكه بنى آدم اگرراست مى ايستادند برراه راست البته ايشانرا آب بسيار مينوشانيديم. ﴿١٧﴾ تا ايشانرا به آن[١] امتحان كنيم وهركه اعراض كند ازياد كردن پروردگار خود او را بعذابى سخت مبتلاى كند. ﴿١٨﴾ وآنكه مسجد هامخصوص براى خداست پس باخدا هيچكس را عبادت مكنيد. ﴿١٩﴾ وآنكه چون بندهٔ خدا ايستاد[٢] كه خدا را عبادت كند نزديك بود كه جنيان كه برآن بنده يكى برديگرچسپيده شوند[٣]. ﴿٢٠﴾ بگو جزاين نيست كه پروردگارخود را عبادت ميكنم وبااوهيچ كس را شريك مقرر نمى كنم. ﴿٢١﴾ بگوهرآئينه من درحق شما توان ضرر رسانيدن ندارم ونمى توانم شمارا به راه راست إلزام كنم. ﴿٢٢﴾ بگو هرآئينه هيچكس مراازعقوبت خدا پناه ندهد وجزاو هرگز پناهى نيابم. ﴿٢٣﴾ وليكن (بجاآورم) خبر رسانيدن ازجانب خداوتبليغ پيغامهاى او را (انجام دهم) هركه خدا وپيامبر او را نافرمانى كند پس هرآئينه براى اوست آتش دوزخ درآنجا هميشه جاويدان است. ﴿٢٤﴾ (درغفلت خودباشند) تاوقتيكه چون ببينند آنچه ايشانرا وعده داده ميشود پس خواهند دانست چه كسى يارانش ضعيف تر وتعدادشان كمتراست. ﴿٢٥﴾ بگونميدانم آيا نزديك است آنچه شمارا وعده داده ميشود يا پروردگارمن براى او ميعادى‌مقرر كند. ﴿٢٦﴾ دانندهٔ غيبِ است پس برعلم غيب خود هيچكس را مطلع نمى سازد. ﴿٢٧﴾ مگر كسى كه اورا به پيامبرى برگزيد پس هرآئينه خدا پيش دست هاى وى واز پشت وى فرشتگان نگاهبان را روان ميكند. ﴿٢٨﴾ تا معلوم بدارد خدا كه بتحقيق پيغامهاى پروردگار خودرا[٤] رسانيده اند وخدا ازهرجهت برآنچه نزدِ ايشانست احاطه كرده است و هر چيز را ازروى شمار فرا گرفته است.

(١) يعنى ارزانى مى شدوقحط نمى آمد.
(٢) يعنى محمد صلى الله عليه وسلم.
(٣) يعنى ازحرص براستماع قرآن.
(٤) يعنى تاتبليغ درخارج متحقق گردد زيرا كه علم آن ست والله اعلم.

سوره مزمل مکی است وآن بیست آیه ودو رکوع است

﴿١﴾ [١] ایمردجامه برخود پیچده[٢]. ﴿٢﴾ قیام لیل کن مگراند کی[٣]. ﴿٣﴾ قیام نیم شب کن یااندکی ازنیم شب کم کن. ﴿٤﴾ یااندکی برنیم شب بیفزا و قرآن را بواضح خواندن ترتیل کن. ﴿٥﴾ هرآئینه ما برتوفرمانی دشوارُ[٤] وسنگین نازل خواهیم کرد. ﴿٦﴾ هرآئینه قیام شب درموافقت زبان بادل زیاده تراست ودرتلفظ الفاظ درست تراست. ﴿٧﴾ هرآئینه تورا در روز شغلی بسیار است. ﴿٨﴾ و نام پروردگارخود را یادکن وچنانکه باید روی به سوی او (ازهمه چیز) دل بکَنْ. ﴿٩﴾ پروردگارمشرق ومغرب است جزاو هیچ معبودی برحق نیست پس اورا کارساز گیر. ﴿١٠﴾ وصبر کن برآنچه می گویند وترك کن ایشان را ترك کردنِ نیکو. ﴿١١﴾ ومرا با تکذیب کنندگان صاحبان آسایش بگذار وایشانرا اندکی مهلت دِه. ﴿١٢﴾ هرآئینه نزدِ ماقیدهای گران وآتش افروخته هست. ﴿١٣﴾ وطعام گلوگیر وعذاب درد ناك است. ﴿١٤﴾ روزیکه زمین وکوه ها بجنبد وکوه‌هامانند تلِ ریگِ ازهم پاشیده شده شود. ﴿١٥﴾ هرآئینه ما به سوی شما پیامبری گواهی دهنده برشما فرستادیم چنانکه به سوی فرعون پیامبری را فرستاده بودیم. ﴿١٦﴾ پس فرعون آن پیامبررا نافرمانی کرد پس اورا درگرفتیم درگرفتن سخت. ﴿١٧﴾ پس ا گر کافرشوید چگونه درپناه شوید ازروزی که اطفال را پیرگرداند. ﴿١٨﴾ آسمان درآن روز شگافته باشد وعدهٔ خداالبته شدنی هست. ﴿١٩﴾ هرآئینه این پنداست پس هرکه خواهد به سوی پروردگارخویش راه بگیرد.

(١) مترجم گوید درابتدای اسلام خدای تعالی قیام لیل برآن حضرت صلی الله علیه وسلم وبر مسلمانان موکد گردانید وچون این معنی برایشان نهایت دشوار آمد بعد یك سال رخصت نازل فرمود ﴿إِنَّ رَبَّكَ يَعۡلَمُ﴾ الی آخر السورة تاهرکه خواهد قیام کند وهرکه خواهد نکند وهرقدرکه خواهد بخواند والله أعلم.

(٢) یعنی به سبب هیبت وحی.

(٣) یعنی ا گر شبهانکنی گناه نباشد والله اعلم.

(٤) یعنی دعوت کفار به اسلام.

﴿۲۰﴾ هرآئینه پروردگارتو میداند که توبرمی‌خیزی نزدیك به دو سوّم شب ونیم شب یك سوّم شب ونیز برمی‌خیزند جماعتی از آنانکه همراه تواند وخدا اندازه میکند شب وروز را، خدا دانست که شما قیام لیل را[۱] احاطه نمی توانید کرد پس (به رحمت) برشما بازگشت پس آنچه راکه میسّر باشدازقرآن بخوانید، دانست خدا که خواهند بود بعضی ازشما بیماران ودیگران که سفر می کنند درزمین ازفضل خدا طلب (روزی) می نمایند ودیگران که کارزار میکنند درراه خدا پس آنچه راکه آسان باشد ازقرآن بخوانید ونمازرا برپادارید وزکوٰت را بدهید وخدا را وام دهید وام دادن نیك[۲] وآنچه پیش میفرستید برای خویشتن ازعمل نیك آنرا نزد خدا بهتر خواهید یافت وبزرگتر باعتبار پاداش وازخدا طلب آمرزش کنید هرآئینه خدا آمرزنده مهربانست[۳].

سوره مدثر مکی است وآن پنجاه وشش آیه ودو رکوع است

﴿۱﴾ ای مردجامه برخود پیچیده[٤]. ﴿۲﴾ برخیز پس بترسان. ﴿۳﴾ و پس پروردگار خود را به بزرگی یادکن. ﴿٤﴾ وجامه های خود راپاك ساز. ﴿۵﴾ وپلیدی را دورکن. ﴿٦﴾ ونباید که چیزی بدهی (درعوض) زیاده طلب کنی[۵]. ﴿۷﴾ وبرای (حکم) پروردگارخویش پس شکیبایی‌کن. ﴿۸﴾ پس وقتیکه در صور دمیده شود. ﴿۹﴾ پس آنروز روزی دشواراباشد. ﴿۱۰﴾ بر کافران (وقت) آسان نیست. ﴿۱۱﴾ مرا باکسیکه آفریدم تنها بگذار. ﴿۱۲﴾ واو را مال فراوان دادم. ﴿۱۳﴾ وفرزندان به مجالس حاضر شونده. ﴿۱٤﴾ ووسعت دادم اوراوسعت دادنی. ﴿۱۵﴾ بازطمع می کند که زیاده دهم. ﴿۱٦﴾ چنین نیست، هرآئینه او بود به آیات ماستیزنده. ﴿۱۷﴾ او را به مشقت غیر قابل تحمّل تکلیف خواهم داد. ﴿۱۸﴾ هرآئینه وی تأمل کرد واندازه مقرر نمود.

(۱) یعنی مواظبت نمیتوانیدکرد.
(۲) یعنی مال را خرج کنید درجهاد به امید ثواب آخرت والله اعلم.
(۳) مترجم گویداین آیت بعد از یك سال نازل شد وآن حضرت صلی الله علیه وسلم آن را درهمین سوره ملحق کردند بجهت مناسبت و لهذا باسایر سوره دراسلوب نمی‌ماند والله اعلم.
(٤) یعنی ازهیبت وحی.
(۵) یعنی هدیه بردن به رئیسی تا وی زیاده ازقیمت هدیه رعایت کند، ازاخلاق رذیله است.

﴿۱۹﴾ پس اورا لعنت باد، چگونه اندازه کرد. ﴿۲۰﴾ باردگر براو لعنت باد چگونه اندازه کرد. ﴿۲۱﴾ بازدرنگریست. ﴿۲۲﴾ باز روترش کرد وپیشانی درهم کشید. ﴿۲۳﴾ بازپشت گردانیدو تکبر کرد[۱]. ﴿۲٤﴾ پس گفت نیست قرآن مگرجادویی که ازساحران نقل کرده میشود. ﴿۲۵﴾ نیست این قرآن مگر کلام آدمی. ﴿۲٦﴾ اورا به دوزخ درخواهم آورد. ﴿۲۷﴾ وتوچه می دانی که چیست دوزخ؟. ﴿۲۸﴾ باقی نمی گذارد وترك نمی کند. ﴿۲۹﴾ آدمیان را سوزنده است. ﴿۳۰﴾ بردوزخ نوزده کَس گماشته اند[۲]. ﴿۳۱﴾ ونساختیم ماموران دوزخ را مگر فرشتگان وشمارِایشان را نساخته ایم مگر بلا درحقِ کافران تا اهل کتاب یقین کنند وتا مسلمانان درایمان خود افزوني یابند وتا اهل کتاب ومسلمانان شك نکنند وتا آنانکه دردل های ایشان بیماریست وکافران بگویند خدا چه چیز اراده کرده است به این داستان همچنین گمراه می کند خدا هر که را خواهد وهدایت می نماید هر که را بخواهد ولشکرهای پروردگار تورا جز اوتبارك و تعالی (هچ فرد) نمی‌داند واین جز پندی برای بنی آدم نیست. ﴿۳۲﴾ چنین نیست و قسم به ماه. ﴿۳۳﴾ قسم به شب چون پشت برگرداند. ﴿۳٤﴾ قسم به صبح چون روشن شود. ﴿۳۵﴾ هرآئینه دوزخ یکی از چیزهای بزرگ است. ﴿۳٦﴾ ترسانندهٔ بنی آدم. ﴿۳۷﴾ (ترساننده است) برای هرکه خواهد ازشما گام پیش نهد یا پس ماند. ﴿۳۸﴾ هر شخصی به آنچه کرد درگرواست. ﴿۳۹﴾ مگر اهل (سعادت و) راست. ﴿٤۰﴾ دربوستهانهاباشند سؤال کنند. ﴿٤۱﴾ ازگنهکاران. ﴿٤۲﴾ چه چیز شمارا دردوزخ درآورد. ﴿٤۳﴾ گویند ازنمازگزاران نبودیم. ﴿٤٤﴾ و فقیررا طعام نمی دادیم. ﴿٤۵﴾ وبه انکاردرمی آمدیم بادرآیندگان. ﴿٤٦﴾ وبودیم روزجزاء را تکذیب می کردیم. ﴿٤۷﴾ تاوقتیکه بما مرگ آمد.

(۱) مترجم گوید این تصویراست حال کافررا که خدای تعالی اورانعمت‌هاداده باشد واومصرّ باشد برکفر ﴿ثُمَّ عَبَسَ وَبَسَرَ * ثُمَّ أَدْبَرَ وَاسْتَكْبَرَ﴾ تصویر حال تأمل وترddاست والله اعلم.

(۲) مترجم گوید این آیت اشارت است به ردّ شبهه کفاردر شمار تسعة عشر آن حضرت صلی الله علیه وسلم آنرادرهمین سوره ملحق فرمودند بجهت مناسبت و لهذا باسایرسوره نمی ماند دراسلوب والله اعلم.

﴿٤٨﴾ پس ایشانرا شفاعتِ شفاعت کنند گان سود ندهد. ﴿٤٩﴾ پس چه شده است
ایشان را ازپند (قرآن) رویگردان شوند. ﴿٥٠﴾ گویاایشان گور خران رمنده اند. ﴿٥١﴾ که
ازشیری گریخته باشند. ﴿٥٢﴾ بلکه هر شخصی ازایشان میخواهد که نامه های گشاده
داده شود[1]. ﴿٥٣﴾ هرگز، بلکه ازآخرت نمی ترسند. ﴿٥٤﴾ هرگز، به درستیکه قرآن
پنداست. ﴿٥٥﴾ پس هرکه خواهد آن را بخواند. ﴿٥٦﴾ ویاد نمی کنند بندگان مگر وقتی
که خدا خواسته باشد اوست سزاوار به آنکه ازوی بترسند واوست سزاوار آن که بیامرزد.

سوره قیامت مکی است وآن چهل آیه ودو رکوع است

﴿١﴾ به روزقیامت قسم میخورم. ﴿٢﴾ وبه نفس بسیارملامت کننده[2] قسم میخورم. ﴿٣﴾ آیا
انسان می پندارد که استخوانهای او را جمع نمی‌کنیم. ﴿٤﴾ آری (چنین می کنیم) درحالیکه
تواناییم برآنکه سرانگشت های او را نیزدرست کنیم. ﴿٥﴾ بلکه آدمی میخواهد که در پیش
روی خود (یعنی درزمان حال وآینده)[3] معصیت کند. ﴿٦﴾ می پرسد روزقیامت کی خواهد
بود. ﴿٧﴾ پس وقتیکه چشم خیره شود. ﴿٨﴾ وماه تیره گردد. ﴿٩﴾ وخورشید وماه یکجاجمع
کرده شود. ﴿١٠﴾ آدمی آنروز بگوید که گریز گاه کجاست. ﴿١١﴾ هر گز، هیچ پناهی نیست.
﴿١٢﴾ در آن روز قرارگاه به سوی پروردگار توست. ﴿١٣﴾ آن روز آدمی را به حقیقت حال
آنچه پیش فرستاده وپس گذاشته بود[4] خبرداده شود. ﴿١٤﴾ بلکه آدمی برای الزام خود حجتی
است. ﴿١٥﴾ ا گرچه عذرهای خودرا پیش آورد. ﴿١٦﴾ [5](یا محمد) به تکرار قرآن باعجله
زبان خود را حرکت نده، تا آنرا زود یادآوری. ﴿١٧﴾ هرآئینه جمع کردنِ آن در سینهٔ تو
برعهده ماست ونیز آسان کردنِ خواندنِ آن برعهده ماست. ﴿١٨﴾ پس چون آنرا خواندیم در
خواندن از او پیروی کن. ﴿١٩﴾ بازهر آئینه واضح کردن آن بر عهده ما[6] است.

---

(١) یعنی می گویند باید که کتاب برهریك نازل شود.

(٢) که آدمی البته مبعوث خواهد شد.

(٣) یعنی آمدنی است. (٤) مثل صدقه جاریه وعلم باقی.

(٥) مترجم گوید چون جبرئیل پیش آن حضرت صلی الله علیه وسلم وحی می آورد آن حضرت صلی الله علیه وسلم بخاطر حفظ آن اهتمام زیاد می فرمود وهم بحضور جبرئیل قبل از انقضاء وحی تکرار می نمود تاازخاطر مبارك نرود خدای تعالی باین معنی اشارت فرمود.

(٦) مترجم گوید ظاهر نزد بنده آنست که معنی آیت چنین باشد: هرآئینه وعده لازم است برماجمع کردن قرآن در مصاحف وحفظ وقرائت آن عصراً بعد عصر وایضاح او به تفسیر معانی آن، خدای تعالی بوسیله شیخین رضی الله عنهما آنرا جمع کرده درهر زمانی قاریان را توفیق داد که حافظ شوند به تجوید بخوانند ودرهر زمانی مفسران را توفیق دادکه در تفسیر آن سعی نمایند والله اعلم.

﴿۲۰﴾ هر گز، (ای کافران) بلکه دنیارا دوست میدارید. ﴿۲۱﴾ وآخرت را ترك می نمایید. ﴿۲۲﴾ در آن روز بعضی چهره ها تازه باشند. ﴿۲۳﴾ به سوی پرورد گارخود نظر کننده باشند. ﴿۲٤﴾ وبعضی چهره ها در آنروز پیشانی درهم کشیده باشند. ﴿۲٥﴾ توقع دارند که بر ایشان مصیبتی آورده شود. ﴿۲٦﴾ هر گز، وقتیکه روح به چنبر گردن برسد. ﴿۲۷﴾ وگفته شود کیست سحر کننده. ﴿۲۸﴾ وبه یقین دانست که اینوقت وقت جداشدن روح است. ﴿۲۹﴾ ویکساقِ مُحتضربساق دیگر[1] پیچید. ﴿۳۰﴾ آن روز، روان کردن به سوی پروردگارتوست. ﴿۳۱﴾ پس (آدمی) نه باور داشت ونه نماز گزارد. ﴿۳۲﴾ ولیکن دروغ انگاشت و رویگردان شد. ﴿۳۳﴾ سپس به سوی اهل خانه خود خرامان شده برفت. ﴿۳٤﴾ وای برتو پس وای برتو. ﴿۳٥﴾ باز (دیگرمیگوییم) وای برتو پس وای برتو. ﴿۳٦﴾ آیا انسان می پندارد که بی هدف گذاشته شود؟. ﴿۳۷﴾ آیا نطفه ای ازمنی که دررحم ریخته میشد نبود؟. ﴿۳۸﴾ باز خون بسته ای بود پس خدا بیافرید سپس درست اندام کرد. ﴿۳۹﴾ پس ازآن منی دوقسم مرد و زن را ساخت. ﴿٤۰﴾ آیا این خدا توانا نیست برآنکه مُردگان را زنده کند؟.

سوره دهر مکی است وآن سی ویك آیه ودو رکوع است

﴿۱﴾ به راستی که آمده است برآدمی مدتی اززمان که چیزی ذکر کرده شده نبود. ﴿۲﴾ هر آئینه ما آدمی را ازیکپارهٔ منی درهم آمیخته ازچند چیز آفریدیم[2] که او را بیآزماییم پس او را شنوای بینا ساختیم. ﴿۳﴾ هرآئینه ما آدمی را برراه دلالت کردیم، خواه شکر گذار وخواه ناسپاس باشد. ﴿٤﴾ هرآئینه ما برای کافران زنجیرهاوطوقها وآتش افروخته را آماده ساخته ایم. ﴿٥﴾ هرآئینه نیکوکاران ازپیالهٔ شراب که آمیزش آن آب چشمه کافور باشد می نوشند.

(۱) یعنی درپای حرکت نماند.
(۲) یعنی منی مرد ومنی زن وخون حیض را ازحالی به حالی دیگر گردانیم.

﴿٦﴾ چشمه ای که می‌آشامند ازآن بندگان مقرب خدا روان کنند آن را روان کردنی[1]. ﴿٧﴾ به نذر وفامیکنند وازروزیکه مشقت آن فاش باشد می ترسند. ﴿٨﴾ وطعام را باوجود احتیاج به آن به فقیر ویتیم وزندانی می دهند. ﴿٩﴾ (میگویند) جزاین نیست که شمارا برای رضای خدا طعام میدهیم ازشما نه مزدی ونه سپاسگذاری می طلبیم. ﴿١٠﴾ هرآئینه ما ازپروردگار خود در روز ترش روی نهایت سخت می ترسیم. ﴿١١﴾ پس خدا ایشان را ازسختی آنروز نگهداشت وایشانرا تازگی وخوشحالی رسانید. ﴿١٢﴾ وایشان را درمقابل صبر ایشان بوستان وجامهٔ ابریشمی پاداش داد. ﴿١٣﴾ آنجا برتخت ها تکیه زده باشند آنجا نه گرمی خورشید را ونه سرمای تند را بینند. ﴿١٤﴾ وبرایشان سایه های آن بوستان نزدیك شده باشد وسهل الحصول کرده شود میوهای آن آسان کردنی. ﴿١٥﴾ برایشان به جامهایی ازنقره وباجامهایی که بلورین باشند گردانده شود. ﴿١٦﴾ (مراد میدارم) بلورین ازنقره اندازه ساقیان کرده باشند آنرا اندازه کردنی. ﴿١٧﴾ وایشانرا آنجاجام شرابی نوشانیده شود که آمیزش آن آب چشمه زنجبیل هست. ﴿١٨﴾ چشمه ایست در بهشت که نام آن سلسبیل نهاده می‌شود. ﴿١٩﴾ وبرایشان نوجوانان جاویدان، (برای خدمت) دورمی زنند چون ایشان را ببینی پنداری که ایشان مروارید افشانده شده اند. ﴿٢٠﴾ وچون آنجا نگاه کنی نعمت فراوان وپادشاهی بزرگ ببینی. ﴿٢١﴾ برایشان جامه های سبز ازدیبای نازك باشد و نیز برایشان دیبای ضخیم باشد وایشان را زیور پوشانیده شود دست بندها از نقره و پروردگار ایشان ایشانرا شراب نهایت پاك بنوشاند. ﴿٢٢﴾ هر آئینه این نعمت برای شما پاداش در مقابل اعمال است و سعی شما قبول کرده شده است. ﴿٢٣﴾ هرآئینه ما قرآن را فرود آوردیم برتو فرودآوردنی. ﴿٢٤﴾ پس برحکم پروردگارخود شکیبایی کن واززمرهٔ بنی آدم هیچ گنهکاری را یا هیچ ناسپاسی را فرمان مبر. ﴿٢٥﴾ ونام پروردگار خود را صبح و شام یادکن.

(١) یعنی جویی ازآن هرجا که خواهند ببرند والله اعلم.

﴿۲۶﴾ وبعضی ساعات ازشب برای او نمازبخوان واورا وقت دراز از شب به پاکی یادکن. ﴿۲۷﴾ هرآئینه این کافران دنیا را دوست می دارند وروزِگران را پس پشت خود ترك میکنند. ﴿۲۸﴾ ما ایشان را آفریدیم و رگ وبندهای اندام ایشان را محکم کردیم وچون بخواهیم قومی مانند ایشان را جای آنان جایگزین می‌کنیم. ﴿۲۹﴾ هر آئینه این پنداست پس هرکه خواهد به سوی پروردگارخود راه را بگیرد. ﴿۳۰﴾ ونمی خواهید مگر آنکه خدا خواهد هرآئینه خدا دانای باحکمت هست. ﴿۳۱﴾ هرکراخواهد دررحمتِ خود داخل میکند و برای ستمکاران عقوبتی دردناك آماده کرده است.

سوره مرسلات مکی است وآن پنجاه آیه ودو رکوع است

﴿۱﴾ به بادهای فرستاده شده بوجه نیك قسم. ﴿۲﴾ پس به بادهای تند وَزَندِه به شدت قسم. ﴿۳﴾ وبه بادهای منتشر کنندهٔ ابر به پراگنده کردن قسم. ﴿٤﴾ پس به بادهای ازهم جدا کنندِهٔ ابر به پاره پاره نمودن قسم. ﴿٥﴾ پس به جماعات فرشتگان فرود آورنده وحی قسم. ﴿٦﴾ برای دفع عذر یابرای ترسانیدن. ﴿۷﴾ هرآئینه آنچه شمارا وعده داده میشود البته بودنی است. ﴿۸﴾ پس وقتیکه ستارها بی نورکرده شوند. ﴿۹﴾ و وقتیکه آسمان شگافته شود. ﴿۱۰﴾ ووقتیکه کوه‌ها پاره پاره کرده شود. ﴿۱۱﴾ ووقتیکه پیامبران را به میعادی معین جمع کرده شود(۱). ﴿۱۲﴾ برای کدام روز پیامبرانرا موقوف داشته شد. ﴿۱۳﴾ برای روز فیصله کردن. ﴿١٤﴾ وچه چیز خبرداد تورا که چیست روز فیصله کردن؟. ﴿۱٥﴾ وای آن روز برتکذیب کنندگان. ﴿۱٦﴾ آیا نخستینیان را هلاك نکرده‌ایم. ﴿۱۷﴾ بعد ازآن پسینیان را درپی ایشان آوریم. ﴿۱۸﴾ باگنهکاران همچنین میکنیم. ﴿۱۹﴾ وای آنروز برتکذیب کنندگان.

(۱) متحقق گرددآنچه متحقق شدنی است.

﴿۲۰﴾ آیا شمارا ازآب (منی) حقیر نیافریده ایم. ﴿۲۱﴾ پس آن آب را درجای محکم نهادیم. ﴿۲۲﴾ تااندازهٔ معین. ﴿۲۳﴾ پس ما اندازه کردیم پس نیکواندازه کنندهگانیم. ﴿۲٤﴾ وای آن روز برتکذیب کنندگان. ﴿۲٥﴾ آیا زمین را جمع کننده آدمیان نساختهایم. ﴿۲٦﴾ زندگان ومُردگان. ﴿۲۷﴾ ودرزمین کوه های بلند آفریدیم وشمارا آب شیرین نوشانیدیم. ﴿۲۸﴾ وای آن روز بر تکذیب کنندگان. ﴿۲۹﴾ (گفته شود) به سوی چیزی که آن را تکذیب میکردید بروید. ﴿۳۰﴾ (گفته شود) به سوی سایه (دود های آتش دوزخ) که دارای سه شعبه است بروید. ﴿۳۱﴾ نه سایه سرد باشد ونه ازگرمی آتش کفایت کند. ﴿۳۲﴾ هرآئینه آن آتش شرارههایی مانند قصر می افکند. ﴿۳۳﴾ گویا آن شرارهها شتران زرداند. ﴿۳٤﴾ وای آن روز برتکذیب کنندگان. ﴿۳٥﴾ این روز روزیست که سخن نگویند. ﴿۳٦﴾ ونه اجازه داده شود ایشان را تاعذر پیش نمایند. ﴿۳۷﴾ وای آن روز برتکذیب کنندگان. ﴿۳۸﴾ این روز روز فیصله کردن است شمارا باپیشینیان جمع کردیم. ﴿۳۹﴾ پس اگرشمارا حیله ای هست پس درحق من حیله کُنِید. ﴿٤۰﴾ وای آن روز برتکذیب کنندگان. ﴿٤۱﴾ هرآئینه متقیان درسایهها ودرچشمه ها باشند. ﴿٤۲﴾ ودرمیوهها از آنچه که رغبت کنند. ﴿٤۳﴾ (بگوییم) بخورید وبنوشید خوردن ونوشیدنِ گوارا به سبب آنچه میکردید. ﴿٤٤﴾ هرآئینه ما پاداش نیکوکاران را همچنین میدهیم. ﴿٤٥﴾ وای آن روز برتکذیب کنندگان. ﴿٤٦﴾ (ای دروغ انگاران) بخوریدوبهرهمند باشید اندکی هرآئینه شما گنهکارید. ﴿٤۷﴾ وای آن روز برتکذیب کنندگان. ﴿٤۸﴾ وچون ایشانرا گفته شود نمازگزارید نمازنمی گزارند. ﴿٤۹﴾ وای آن روز برتکذیب کنندگان. ﴿٥۰﴾ پس بکدام سخن بعد ازقرآن ایمان خواهند آورد.

سوره نبأ مکی است وآن چهل آیه
ودو رکوع است

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان.

﴿۱﴾ ازچه چیزی کافران ازیکدیگر سوال میکنند؟. ﴿۲﴾ (آری سوال میکنند) ازخبری
بزرگ. ﴿۳﴾ که ایشان درآن اختلاف دارند[۱]. ﴿٤﴾ نه هرگز!، خواهند دانست. ﴿۵﴾ باز
(میگوییم) نه!، خواهند دانست. ﴿٦﴾ آیا زمین را فرش نساخته ایم. ﴿۷﴾ و(نساخته ایم)
کوه هارا میخها. ﴿۸﴾ وشمارا جفت (نروماده) آفریدیم. ﴿۹﴾ وخواب شمارا مایه
راحت قراردادیم. ﴿۱۰﴾ وشب را پوششی ساختیم. ﴿۱۱﴾ وروز را (وقت کسب)
معیشت گرداندیم. ﴿۱۲﴾ وبالای شما هفت آسمان محکم بناکردیم. ﴿۱۳﴾ وچراغی
درخشنده آفریدیم[۲]. ﴿۱٤﴾ و ازابرهاآب ریزان فرود آوردیم. ﴿۱۵﴾ تا بسبب آن (آب)
دانه وگیاه را برویانیم. ﴿۱٦﴾ وبوستان های درهم پیچیده را. ﴿۱۷﴾ هرآئینه روز فیصله
کردن به هنگامی معیّن است. ﴿۱۸﴾ روزی که دمیده می‌شود درصور پس گروه گروه شده
می آیید. ﴿۱۹﴾ وآسمان شگافته شود پس دروازه‌ها باشد. ﴿۲۰﴾ وروان کرده شوند کوه
ها پس مانند سراب باشند. ﴿۲۱﴾ هرآئینه دوزخ انتظار کننده‌است. ﴿۲۲﴾ برای سرکَشان
مرجع وبازگشت هست. ﴿۲۳﴾ درآیند به دوزخ درآنجا مدت‌های دراز اقامت کنندگان.
﴿۲٤﴾ آنجاخنکی را نچشند ونه آشامیدنی را. ﴿۲۵﴾ مگر آب گرم وخون وچرك را.
﴿۲٦﴾ جزا داده شد جزاء موافق (کردارش). ﴿۲۷﴾ هرآئینه ایشان حساب را توقع
نمیداشتند. ﴿۲۸﴾ وآیاتِ مارا تکذیب می کردند تکذیب کردنی. ﴿۲۹﴾ وهرچیزی را
بطریق نوشتن ضبط کردیم. ﴿۳۰﴾ پس بچشید پس زیاده نخواهیم داد شمارا مگر
عقوبت.

(۱) مرادبعث و قیامت است.
(۲) یعنی خورشید.

﴿۳۱﴾ هرآئینه متقیان را مطلب یابی باشد. ﴿۳۲﴾ بوستانها ودرختان انگور باشد. ﴿۳۳﴾ وزنان دوشیزه هم عمر بایکدیگر. ﴿۳٤﴾ وپیالهٔ شرابِ پرکرده شده. ﴿۳٥﴾ نشنوند آنجاسخن بیهوده وهم دروغ انگاشتن را نشنوند. ﴿۳٦﴾ پاداش دادن کافی ازجانب پروردگارتوست. ﴿۳۷﴾ پروردگار آسمان هاوزمین وآنچه مابین اینها است خدای بخشاینده از (هیبت) وی سخن نمی توانند بگویند. ﴿۳۸﴾ روزیکه بایستد روح وسایر فرشتگان صف زده، سخن نمی‌گویند حاضران محشر مگر کسیکه خدا او را دستوری داده باشد وسخن درست گفته باشد[۱]. ﴿۳۹﴾ این روز متحقق است پس هرکه خواهد به سوی پروردگار خود جای رجوع بگیرد. ﴿٤۰﴾ هرآئینه ما شمارا ترسانیدیم ازعقوبت نزدیك آینده در روزی که ببیند آدمی آنچه دو دست وی پیش فرستاده بود و کافر می‌گوید ای کاش من خاك می‌شدم.

سوره نازعات مکی است وآن چهل و شش آیه ودو رکوع است

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان.

﴿۱﴾ قسم به جماعات فرشتگان که بطور سختی (ارواح کافران را) نزع میکنند[۲]. ﴿۲﴾ قسم به جماعات فرشتگان که بیرون می آورند بیرون آوردنی (ارواح مؤمنان را)[۳]. ﴿۳﴾ قسم به فرشتگان که شنا می‌کنند شناکردنی[٤]. ﴿٤﴾ پس قسم به فرشتگان که سبقت میکنند سبقت کردنی[٥]. ﴿٥﴾ قسم به جماعات فرشتگان که هرکاری را تدبیر میکنند (آنچه گفته میشود بود نیست). ﴿٦﴾ روزی که بجنبد جنبنده. ﴿۷﴾ ازپس وی درآید از پس درآینده[٦]. ﴿۸﴾ یك جمع دلهاآنروزترسان وهراسان باشد. ﴿۹﴾ بردیده های آن جماعت خواری هویدا شده باشد. ﴿۱۰﴾ میگویند کافران آیا ما به حالت نخستین باز گردانیده می شویم. ﴿۱۱﴾ آیا چون استخوانهای پوسیده شویم باززنده می شویم. ﴿۱۲﴾ گفتند آن رجوع ماآنگاه رجوع زیان دهنده باشد. ﴿۱۳﴾ پس جزاین نیست که آن واقعه یك آواز تندست. ﴿۱٤﴾ پس نا گهان ایشان برروی زمین آمده باشند. ﴿۱٥﴾ آیا پیش توخبر موسی آمده است. ﴿۱٦﴾ چون پروردگاراو بوادی پاك طوی اورا آوازداد.

---

(۱) یعنی سخن حق.
(۲) یعنی یك عدهٔ ارواح را به سختی میگیرند.
(۳) یعنی یك عدهٔ دیگر را به آساني.
(٤) یعنی در هوا شنا کننده.
(٥) یعنی ازیکدیگر سبقت گیرنده.
(٦) یعنی نفخهٔ اولی وپس نفخهٔ ثانیه بوجود آید.

﴿۱۷﴾ که به سوی فرعون برو هرآئینه وی ازحد گذشته است. ﴿۱۸﴾ پس بگوهیچ میل است تورا به آنکه پاکیزه شوی. ﴿۱۹﴾ وتورا به سوی پروردگار تو راه نمایم پس بترسی. ﴿۲۰﴾ پس به فرعون آن معجزهٔ بزرگ را[1] نشان داد. ﴿۲۱﴾ پس تکذیب کرد ونافرمانی کرد. ﴿۲۲﴾ پس ازآن مجلس بازگشت تدبیرکنان. ﴿۲۳﴾ پس قوم خودرا جمع کرد پس ندا زد. ﴿۲٤﴾ پس گفت من پروردگار بزر گوار شمایم. ﴿۲٥﴾ پس خدا او را بعذابِ آخرت ودنیا گرفتار کرد. ﴿۲٦﴾ هرآینه درین خبر برای هرکه بترسد پندی هست. ﴿۲۷﴾ آیاشما درآفرینش محکم‌ترید یا آسمان؟ خدا آن آسمان را بناکرد. ﴿۲۸﴾ ارتفاع او را بلند ساخت پس آن را درست ساخت. ﴿۲۹﴾ وشبِ او را تاریك کرد وروشنیِ روز او را بظهور آورد. ﴿۳۰﴾ وزمین را بعد ازآفریدن آسمان هموار کرد[2]. ﴿۳۱﴾ از زمین آب او را وچراگاه اورا بیرون آورد. ﴿۳۲﴾ وکوه هارا استوارنمود. ﴿۳۳﴾ برای منفعت شما وچهار پایان شما. ﴿۳٤﴾ پس وقتیکه حادثهٔ بزرگ (یعنی قیامت) بیاید. ﴿۳٥﴾ روزیکه آدمی آنچه عمل کرده بود یادکند. ﴿۳٦﴾ وظاهر کرده شود دوزخ برای هرکه دیدنش خواهد (ثواب یا عقاب متحقق گردد). ﴿۳۷﴾ اماکسیکه ازحد گذشته باشد. ﴿۳۸﴾ وزندگانی این جهانی را برگزیده باشد. ﴿۳۹﴾ پس هرآئینه دوزخ همان جایگاه اوست. ﴿٤۰﴾ واماکسیکه ازایستادن بحضور پروردگارخویش ترسیده باشد ونفس را از شهوات بازداشته باشد. ﴿٤۱﴾ پس هرآئینه بهشت همان منزلگاه اوست. ﴿٤۲﴾ توراازقیامت می پرسند که تحقق آن کَی باشد؟. ﴿٤۳﴾ توازعلم آن درچه مقامی. ﴿٤٤﴾ منتهای علم آن به سوی پروردگارتوست. ﴿٤٥﴾ جزاین نیست که توترساننده ای کسی را که ازوی بترسد. ﴿٤٦﴾ روزیکه آن را ببینند چنانستی که گویا ایشان به دنیا درنگ نکرده بودند مگر (برابر) شام گاهی یایك صبحگاهی ازآن نمانده‌اند.

(۱) یعنی عصا ویدبیضا.
(۲) مترجم گوید معنی هموار کردن همین ا ست که میفرماید.

سوره عبس مکی است وآن چهل
ودو آیه ویك رکوع است

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان.

﴿۱﴾ روترش کرد واعراض نمود. ﴿۲﴾ از آنکه پیش اونابینا بیامد[۱]. ﴿۳﴾ وچه چیز خبردار کرد ترا شاید وی پاك می شد. ﴿٤﴾ یاپند می‌شنید پس آن پندشنیدن اورا نفع میداد. ﴿٥﴾ اما کسی که توانگر است. ﴿٦﴾ پس تو به سوی او روی می‌آوری. ﴿۷﴾ وبرتو درآن که پاك نشود زیان نیست. ﴿۸﴾ واماکسی که پیش توشتابان بیامد. ﴿۹﴾ واو (ازخدای‌خود) ترسان بود. ﴿۱۰﴾ پس تواز وی غفلت میکنی. ﴿۱۱﴾ نه! هرآئینه این آیاتِ قرآن پندست. ﴿۱۲﴾ پس هرکه می‌خواهد آن (قران) را یاد کند. ﴿۱۳﴾ هرآئینه آیاتِ قرآن درنامه های گرامی ثبت است. ﴿١٤﴾ بلند مرتبه پاك کرده شده. ﴿١٥﴾ به دست های نویسند گان. ﴿١٦﴾ بزرگ منش نیك کردار[۲]. ﴿۱۷﴾ لعنت کرده شد آدمی چقدر ناسپاس است. ﴿۱۸﴾ خداازچه چیز او را آفریده است؟. ﴿۱۹﴾ ازنطفهٔ منی او را آفریده است؟ پس او رابه اندازهٔ معین ساخته است. ﴿۲۰﴾ بازراهِ برآمد (خیروشرّرا) آسان نمودش. ﴿۲۱﴾ سپس بمیراندش پس درگور کردش. ﴿۲۲﴾ بازوقتیکه خواست او را زنده میگرداند. ﴿۲۳﴾ هرگز، بعمل نیاورد آنچه او را فرمود. ﴿٢٤﴾ پس انسان باید که به طعام خود بنگرد. ﴿٢٥﴾ به آنکه ما آب را از آسمان بگونه شگفتی بارانیدیم. ﴿٢٦﴾ بازشگافتیم زمین را شگافتنی. ﴿۲۷﴾ پس درآن زمین دانه را رویانیدیم. ﴿۲۸﴾ وانگورو سبزی هارا. ﴿۲۹﴾ وزیتون ودر ختان خرمارا. ﴿۳۰﴾ وباغها ی پردرخت وانبوه را. ﴿۳۱﴾ ومیوه و علف دواب را. ﴿۳۲﴾ برای منفعت شماوچهار پایان شما. ﴿۳۳﴾ پس وقتیکه آوازسخت بیاید. ﴿٣٤﴾ روزیکه مرد ازبرادر خود بگریزد. ﴿٣٥﴾ وازمادر وازپدرخود. ﴿٣٦﴾ واز زن خود و فرزندان خود. ﴿۳۷﴾ هر مردی را از ایشان آن روز شغلیست که کفایت میکندش. ﴿۳۸﴾ یکپاره چهره ها آن روز روشن باشد. ﴿۳۹﴾ خندان وشادان باشد. ﴿٤٠﴾ ویکپاره چهره ها آنروز برآنها غبار باشد.

(۱) نابینایی ازفقراء صحابه بمجلس آن حضرت صلی الله علیه وسلم درآمد وبه سوالهای مکرر تشویش پیداکرد وآن حضرت صلی الله علیه وسلم در حال دعوتِ به اشراف عرب مشغول بودند پس آنرا مکروه داشتند واعراض نمودند خدای تعالی اورا به خُلق عظیم دلالت فرمود.

(۲) یعنی فرشتگان ازلوح نقل می کنند.

﴿٤١﴾ غالب آید برآنها تاریکی. ﴿٤٢﴾ این جماعت همان کافران بدکارند.

سوره تکویر مکی است وآن بیست ونه آیه است

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان.

﴿١﴾ وهنگامیکه خورشید پیچیده شود. ﴿٢﴾ وهنگامیکه ستارها تیره شوند. ﴿٣﴾ وهنگامیکه کوه‌ها روان کرده شوند. ﴿٤﴾ وهنگامیکه ماده شتران بارداررامعطل گذاشته شود. ﴿٥﴾ وهنگامیکه جانورانِ وحشی جمع کرده شوند. ﴿٦﴾ و وقتیکه دریاها مثل آتش افروخته شوند. ﴿٧﴾ ووقتیکه ارواح رابا اجساد جمع کرده شود. ﴿٨﴾ ووقتیکه دختری را که زنده درگور کرده بودند پرسیده شود. ﴿٩﴾ بچه گناه کشته شد. ﴿١٠﴾ ووقتیکه نامه های اعمال کشاده شوند. ﴿١١﴾ ووقتیکه آسمان پوست برکنده شود(١). ﴿١٢﴾ وهنگامیکه دوزخ برافروخته شود. ﴿١٣﴾ ووقتیکه بهشت نزدیك ساخته شود. ﴿١٤﴾ بداند هرشخص آنچه حاضر ساخته است. ﴿١٥﴾ پس به ستاره های بازگردنده قسم میخورم. ﴿١٦﴾ سیارگانی رونده غائب شونده(٢). ﴿١٧﴾ وقسم به شب چون بازگردد. ﴿١٨﴾ وقسم به صبح چون بدمد. ﴿١٩﴾ هرآئینه این قرآن گفتار فرستاده ای گرامی قدراست. ﴿٢٠﴾ صاحب توانایی باوقارنزدِ خداوند عرش. ﴿٢١﴾ فرمانبرداری کرده شده درملکوتِ آسمان سپس متصف به امانت است. ﴿٢٢﴾ واین یارِشما دیوانه نیست. ﴿٢٣﴾ وهرآئینه یارِشما آن فرشته را بکرانه ظاهر آسمان دیده بود. ﴿٢٤﴾ و یارشمابرعلم پنهان بخل کننده نیست. ﴿٢٥﴾ وقرآن گفتار شیطان رانده شده نیست. ﴿٢٦﴾ پس کجامیروید؟. ﴿٢٧﴾ قرآن جز پند برای جهانیان نیست. ﴿٢٨﴾ برای هرکه اززمره شما بخواهد که راست کردار شود. ﴿٢٩﴾ ونمی خواهید مگر وقتیکه خدا پروردگار جهانیان بخواهد.

---

(١) یعنی سرخ شودمانند برّه که پوست او راکشیده باشند.

(٢) مترجم گوید زحل و مشتری و مریخ وزهره وعطارد پنج ستاره متحیره‌اند چون سیرکرده به مقامی رسند ازآن بازمی گردند و به مقامی که طی کرده بودند اقبال نمایند چون وقت قریب آید غائب شوند والله اعلم.

سوره انفطار مکی است
وآن نوزده آیه است

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان.

﴿۱﴾ هنگامیکه آسمان بشگافد. ﴿۲﴾ ووقتیکه ستارگان ازهم بریزند. ﴿۳﴾ وهنگامیکه
دریاها بنهایت شدت روان کرده شوند. ﴿٤﴾ وهنگامیکه گورها شگافته شوند. ﴿٥﴾ بداند
هر نفسی آنچه فرستاده بود و آنچه بازپس گذاشته بود. ﴿٦﴾ ای انسان چه چیز تورا به
پروردگار بزرگوارت فریفت. ﴿۷﴾ کسی که تورا بیافرید پس تورا درست اندام کرد پس تورا
معتدل قامت (درست) کرد. ﴿۸﴾ درهر صورتی که خواست تورا ترکیب کرد. ﴿۹﴾ نه!،
بلکه جزای اعمال را تکذیب می‌کردید. ﴿۱۰﴾ وهرآئینه برشما گماشته شده‌اندنگاهبان.
﴿۱۱﴾ نویسندگان گرامی قدر. ﴿۱۲﴾ میدانند آنچه می کنید. ﴿۱۳﴾ هرآئینه نیکوکاران
درنعمت باشند. ﴿١٤﴾ وهرآئینه گناهکاران دردوزخ باشند. ﴿١٥﴾ به دوزخ روز جزای
اعمال درآیند. ﴿١٦﴾ وازآن جا غائب نباشند. ﴿۱۷﴾ وچه چیز تورا ای آدمی مطلع ساخت
که روزجزا چیست؟. ﴿۱۸﴾ باز (میگوییم) چه چیز تورا مطلع ساخت که روزجزا چیست؟.
﴿۱۹﴾ روزیست که هیچکس برای هیچکس هیچ فائده رسانیدن نتواند وفرمان آن روز فقط
از خدا باشد.

سوره مطففین مکی است وآن سی
وشش آیه است

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان.

﴿۱﴾ وای به حال کاهندگان حقوق مردم. ﴿۲﴾ آنانکه چون برای خود پیمانه ازمردمان
بگیرند به (سختی) تمام بگیرند. ﴿۳﴾ وچون خواهند که ایشانرا پیمانه بدهند یا ایشان را
سنجیده بدهند زیان رسانند. ﴿٤﴾ آیا نمیدانند این جماعت که ایشان برانگیخته خواهند
شد.

﴿۵﴾ در روز بزرگ. ﴿٦﴾ روزیکه مردمان پیش پروردگار جهانیان می ایستند. ﴿۷﴾ حقا به راستی نامهٔ اعمال گنهکاران درسجین داخل شود. ﴿۸﴾ وچه چیز مطلع ساخت تورا که چیست سجین؟. ﴿۹﴾ کتابیست نوشته شده. ﴿۱۰﴾ وای آن روز برتکذیب کنندگان. ﴿۱۱﴾ آنانکه روز جزا را تکذیب میکنند. ﴿۱۲﴾ وتکذیب نمی کند آن را مگر هرستمکار گنهکار. ﴿۱۳﴾ چون بروی آیات ما خوانده شود گوید افسانه‌های پیشینیان است. ﴿۱٤﴾ چنین نیست، بلکه بردل‌های ایشان آنچه می کردند زنگ بسته است. ﴿۱۵﴾ چنین نیست، هرآئینه ایشان ازدیدار پروردگار خویش آنروز محجوب باشند. ﴿۱٦﴾ بازهرآئینه ایشان درآیندگان دوزخ باشند. ﴿۱۷﴾ باز گفته شود ایشان را اینست آنچه شما آنرا تکذیب می کردید. ﴿۱۸﴾ حقا به راستی نامهٔ اعمال نیکوکاران درعلیین داخل شود. ﴿۱۹﴾ و چه چیز مطلع ساخت تورا که علیون چیست؟. ﴿۲۰﴾ کتابیست نوشته شده. ﴿۲۱﴾ که حاضر شوند نزد آن مقربین بارگاه الهی. ﴿۲۲﴾ هرآئینه نیکوکاران درنعمت باشند. ﴿۲۳﴾ بر تختهانشسته بهر جانب نظر میکنند. ﴿۲٤﴾ در چهره های ایشان تازگی نعمت را بشناسی. ﴿۲۵﴾ نوشانیده شوند ازشراب خالص مهرشده. ﴿۲٦﴾ (بجای موم) مهراومُشك باشد وبه همین شراب پاك باید که رغبت کنندگان رغبت کنند. ﴿۲۷﴾ وآمیختنی آن از آب تسنیم باشد. ﴿۲۸﴾ (مراد میدارم) چشمه‌ای که ازآن مقربین خدا می نوشند. ﴿۲۹﴾ هرآئینه گنهکاران به مسلمانان می خندیدند. ﴿۳۰﴾ وچون به مسلمانان میگذشتند بایکدیگر اشارات تمسخروحقارت میزدند. ﴿۳۱﴾ وچون به اهل خانهٔ خود بازمی‌گشتند شادمان شده بازمی گشتند. ﴿۳۲﴾ وچون میدیدند مسلمانان رامیگفتند هرآئینه ایشان گمراهند. ﴿۳۳﴾ وبرآنان (مسلمانان) نگهبانان فرستاده نشده بودند.

﴿۳٤﴾ پس امروز مسلمانان برکافران میخندند. ﴿۳٥﴾ برتخت هانشسته بهر جانب نظر میکنند. ﴿۳٦﴾ آیا به کافران سزای آنچه میکردند جزاداده شد؟.

سوره انشقاق مکی است وآن بیست وپنج آیه است

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان.

﴿۱﴾ هنگامیکه آسمان بشگافد. ﴿۲﴾ وفرمان پروردگارخود را گوش کند وآسمان سزاوارِ گوش کردن است. ﴿۳﴾ وهنگامیکه زمین کشیده شود. ﴿٤﴾ وبیرون اندازدآنچه درآن باشدوخالی شود[۱]. ﴿٥﴾ وفرمان پروردگارخود را گوش کند وزمین سزاوارِ گوش کردن است (یعنی حساب روزآخرت بودنی است). ﴿٦﴾ ای انسان هرآئینه تاملاقاتِ پروردگار خود درتلاشی سخت خواهی بود پس به لقای پروردگار خود خواهی رسید. ﴿۷﴾ پس اما هرکه نامهٔ اعمال اوبدست راستش داده شد. ﴿۸﴾ پس بااوحساب کرده شود حساب آسان. ﴿۹﴾ و به سوی اهل خانهٔ خود شادمان شده بازگردد. ﴿۱۰﴾ واماهرکه نامهٔ اعمال اواز پس پشتش داده شد. ﴿۱۱﴾ پس هلاك را یاد خواهد کرد. ﴿۱۲﴾ وبه دوزخ درخواهدآمد. ﴿۱۳﴾ هرآئینه او در دنیا دراهل خانهٔ خود شادمان بود. ﴿۱٤﴾ هرآئینه گمان کرده بود که به سوی خدایتعالی رجوع‌نمی‌کند. ﴿۱٥﴾ آری (رجوع کردن متحقق است) هرآئینه پروردگاراو به احوال اوبینا بود. ﴿۱٦﴾ پس به سرخی کنارهٔ آسمان اوّل شب سوگند میخورم. ﴿۱۷﴾ وبه شب وآنچه شب آنراجمع کرده است قسم میخورم. ﴿۱۸﴾ وبه ماه قسم میخورم چون تمام شود. ﴿۱۹﴾ خواهید رسیدبه حالی بعد از حالی[۲]. ﴿۲۰﴾ پس چیست این کافران را که ایمان نمی آورند؟. ﴿۲۱﴾ وچون برایشان قرآن خوانده شود سجده نمی کنند. ﴿۲۲﴾ بلکه این کافران دروغ می انگاشتند. ﴿۲۳﴾ وخدا بآنچه دردل خودنگاه میدارند داناتراست. ﴿۲٤﴾ پس ایشان را به عذابی دردناك خبردِه.

(۱) یعنی اموات را بیرون بیندازد والله اعلم.

(۲) یعنی هول موت بعد ازآن سوالِ منکرونکیر بعد ازآن حشر و حساب و مرور برصراط بعد ازآن دوزخ یا بهشت والله اعلم.

﴿۲۵﴾ لیکن آنانکه ایمان آوردند وکردارهای شایسته انجام دادند برایشان پاداش بی نهایت است.

سوره بروج مکی است
وآن بیست ودو آیه است

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان.

﴿۱﴾ قسم به آسمانِ دارای برجها[۱]. ﴿۲﴾ وقسم به روزِ موعود[۲]. ﴿۳﴾ وقسم به روزیکه درهفته[۳] حاضر میشود. ﴿٤﴾ اهل خندق ها هلاك کرده شدند. ﴿٥﴾ از (خندقهاپر) ازآتش دارای هیزم بسیار. ﴿٦﴾ هنگامیکه ایشان برکنارهٔ آن (خندق ها) نشسته بودند. ﴿۷﴾ وایشان به آنچه بامسلمانان میکردند حاضر بودند. ﴿۸﴾ وازایشان ایرادی جز این خصلت نگرفتند که به خدای غالب ستوده کار ایمان آورده‌بودند. ﴿۹﴾ آنکه برای او پادشاهی آسمانها وزمین است وخدا برهمه چیز مطلع است[٤]. ﴿۱۰﴾ هرآئینه آنانکه عقوبت کردند مردان مسلمان وزنان مسلمان را بازتوبه ننمودند پس برای ایشان عذاب دوزخ است وبرای ایشان عذاب سوختن است. ﴿۱۱﴾ هرآئینه آنانکه ایمان آوردند و کردارهای شایسته انجام دادند ایشانراست بوستانهایی که میرود زیر آنها جویها اینست پیروزی بزرگ. ﴿۱۲﴾ هر آئینه گرفتِ پروردگارتو بسا سخت است. ﴿۱۳﴾ هرآئینه اوآفرینش نو را آغاز میکند ودوباره می آفریند. ﴿۱٤﴾ واوست آمرزگاردوستدار. ﴿۱٥﴾ اوخداوند عرش گرامیقدراست. ﴿۱٦﴾ بسیار کننده است هرچیزی را که خواهد. ﴿۱۷﴾ آیا به توخبر لشکرها آمده است. ﴿۱۸﴾ که فرعون وثمودباشند. ﴿۱۹﴾ بلکه کافران در تکذیبند. ﴿۲۰﴾ و خدا از گردا گرد ایشان گیرنده است. ﴿۲۱﴾ بلکه این قرآن گرامیقدراست. ﴿۲۲﴾ درلوح محفوظ نوشته شده است.

---

(۱) یعنی برجهای دوازده‌گانه.
(۲) یعنی روز قیامت.
(۳) یعنی روز جمعه یا قسم بروزیکه حاجیان به آنروز حاضر میشوند یعنی روز عرفه هرآئینه مجازات متحقق است.
(٤) مترجم گوید پادشاهی ظالم رعیت خودرا تکلیف کفر کرد و چون کافر نشدند خندقهارا به آتش پرکرد و ایشانرا به آتش افکند خدای تعالی آن آتش رابرپادشاه وهم نشینان او مسلط ساخت تااز خندق پریده، همه را پاك بسوخت والله اعلم.

سوره طارق مکی است
وآن هفده آیه است

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان.

﴿۱﴾ قسم به آسمان وبه شب آینده. ﴿۲﴾ وچه چیز تورا مطلع ساخت که شب پدید آینده
چیست؟. ﴿۳﴾ (همان) ستاره درخشنده است. ﴿٤﴾ نیست هیچ شخصی مگر بروی (فرشته
ای) نگهبانی است. ﴿٥﴾ پس باید که انسان ببیند ازچه چیز آفریده شده است. ﴿٦﴾ ازآبی جهنده
آفریده شده است. ﴿۷﴾ که ازمیان پشت (مرد) واستخوان های سینه (زن) برمی آید. ﴿۸﴾ بی
گمان خدا بر دوباره آفریدن انسان تواناست. ﴿۹﴾ روزیکه اسرار (مردمان) آشکارمی شود.
﴿۱۰﴾ پس او را طاقتی ونصرت دهنده ای نباشد. ﴿۱۱﴾ قسم به آسمان باران دار. ﴿۱۲﴾
وقسم به زمین شگاف بردار[۱]. ﴿۱۳﴾ به یقین قرآن سخن واضح است. ﴿۱٤﴾ و(قرآن) سخنی
بیهوده نیست. ﴿۱٥﴾ هرآئینه کافران سخت بداندیشی میکنند. ﴿۱٦﴾ ومن نیز (درمقابل ایشان)
تدبیر میکنم تدبیر کردنی[۲]. ﴿۱۷﴾ پس به کافران مهلت بده ایشان را اندك زمانی فروگذار.

سوره اعلی مکی است
وآن نوزده آیه است

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان.

﴿۱﴾ نام پروردگار بزرگوارت را به پاکی یادکن. ﴿۲﴾ آنکه بیافرید پس درست اندام کرد.
﴿۳﴾ اندازه کردپس هدایت نمود[۳]. ﴿٤﴾ وآنکه گیاه تازه را برآورد. ﴿٥﴾ باز آنرا خشك
شده سیاه گشته گرداند. ﴿٦﴾ تورا (قرآن) تعلیم خواهیم داد پس فراموش نخواهی کرد.
﴿۷﴾ مگر آنچه خداخواسته است هرآئینه خدا آشکار وپنهان را میداند[٤]. ﴿۸﴾ وتورا به
معرفتِ شریعتِ آسان توفیق خواهیم داد. ﴿۹﴾ پس پند دهِ اگر پند دادن سود می دهد.
﴿۱۰﴾ هرکه می ترسد (ازخدا) پند خواهد پذیرفت.

سوره طارق

(۱) یعنی تادانه بیرون آید.

(۲) واین وعده روز بدر متحقق شد.

سوره اعلی

(۳) یعنی جمیع مخلوقات را اندازه کرده بحسب آن اندازه در مخلوقات تصرف فرمود تاهمان صورت به روی کارآمد پس این تصرف را بهدایت تعبیر فرمود والله اعلم.

(٤) مترجم گوید فراموش گردانیدن این آیه از خاطر مبارك آن حضرت صلی الله علیه وسلم نوعی ازنسخ است والله اعلم.

﴿۱۱﴾ وازآن پند بدبخت ترین مردمان اجتناب می کند. ﴿۱۲﴾ آنکه به آتش بزرگ درخواهدآمد. ﴿۱۳﴾ باز نمی میرد درآ نجا ونه زنده باشد. ﴿۱٤﴾ هرآئینه هرکه پاك شد رستگارشد. ﴿۱٥﴾ ونام پروردگار خود را یاد کرد پس نماز خواند. ﴿۱٦﴾ بلکه زندگانی این جهان را اختیار میکنید. ﴿۱۷﴾ وآخرت بهتر وپاینده تراست. ﴿۱۸﴾ هرآئینه این سخن در صحیفه های نخستین هم مذکور بود. ﴿۱۹﴾ صحیفه های ابراهیم وموسیٰ.

سوره غاشیه مکي است وآن بیست وشش آیه است

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان.

﴿۱﴾ آیا به تو خبر قیامت آمده است. ﴿۲﴾ یك عدهٔ چهره ها آنروزخوار باشند. ﴿۳﴾ کار کننده محنت کشنده باشند. ﴿٤﴾ به آتش افروخته شده درآیند. ﴿٥﴾ آب نوشانیده شوند از چشمهٔ بسیار گرم. ﴿٦﴾ ایشانرا هیچ طعامی جز از ضریع نباشد. ﴿۷﴾ که فربه نکند ودفع گرسنگی نه نماید[1]. ﴿۸﴾ یك عدهٔ چهره ها آنروز تازه باشند. ﴿۹﴾ به سعی خود رضا مند شده باشند. ﴿۱۰﴾ دربهشت بَرین باشند. ﴿۱۱﴾ درآن هیچ سخن بیهوده نشنوی. ﴿۱۲﴾ درآن‌جا چشمهٔ روان باشد. ﴿۱۳﴾ درآن جا تخت های بلند باشد. ﴿۱٤﴾ وکوزه های نهاده شده. ﴿۱٥﴾ وبالشهای برابر یکدیگر گذاشته شده. ﴿۱٦﴾ وفرش های نفیس پهن کرده باشد. ﴿۱۷﴾ آیا به سوی شتران نمی نگرند چگو نه آفریده شده‌اند. ﴿۱۸﴾ وبه سوی آسمان که چگونه برافراشته شده؟. ﴿۱۹﴾ وبه سوی کوه هاکه چگونه برقرار گردیده؟. ﴿۲۰﴾ وبه سوی زمین که چگونه گسترده شده است. ﴿۲۱﴾ پس پند دِه جزاین نیست که توپند دهنده ای. ﴿۲۲﴾ برایشان گماشته شده نیستی.

(۱) ضریع نام گیاه خاردارست.

﴿٢٣﴾ لیکن هرکه روی بگرداند وکافرشود. ﴿٢٤﴾ پس خدا اورا به عقوبت بزرگ عذاب می دهد. ﴿٢٥﴾ هرآئینه رجوع ایشان به سوی ماست. ﴿٢٦﴾ بازهرآئینه حساب ایشان برماست.

سوره فجر مکی است
وآن سی آیه است

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان.

﴿١﴾ قسم به صبح. ﴿٢﴾ وبه شب های ده گانه[١]. ﴿٣﴾ وقسم به جفت وطاق[٢]. ﴿٤﴾ وقسم به شب چون روان شود. ﴿٥﴾ آیادرین (امر) سوگندی معتبر برای صاحب خرد[٣] هست. ﴿٦﴾ آیاندیدی که پروردگار تو باقوم عاد چگو نه معامله کرد؟. ﴿٧﴾ ارم دارای قدهای بلند. ﴿٨﴾ که همانند آن درشهرها آفریده نشده است. ﴿٩﴾ و(چگونه معامله کرد) باقوم ثمود که سنگهای بزرگ را در وادیِ قریٰ تراشیده بودند. ﴿١٠﴾ و بافرعون صاحب میخها چگونه معامله کرد[٤]. ﴿١١﴾ همه این جماعتها آنانندکه درشهرها سرکشی کردند. ﴿١٢﴾ پس درآنجافساد را بسیار به عمل آوردند. ﴿١٣﴾ پس سرانجام، پروردگار تو برسرایشان یك دفعه عذاب فروریخت. ﴿١٤﴾ هرآئینه پروردگارت در کمین گاه است. ﴿١٥﴾ پس اما انسان چون پروردگارش اورا امتحان کندش پس گرامی کندش ونعمت دهدش پس گوید پروردگارم مرا گرامی ساخت. ﴿١٦﴾ واما چون امتحان کندش پس تنگ سازد بروی رزق او را گوید پروردگارم مرا خوار کرده است. ﴿١٧﴾ چنین نیست، بلکه یتیم را گرامی نمیدارید. ﴿١٨﴾ ویکدیگررا برطعام دادن فقیر تشویق نمی کنید. ﴿١٩﴾ وبه شدّت مال میراث را میخورید[٥]. ﴿٢٠﴾ ومال را دوست میدارید دوست داشتن بسیار[٦]. ﴿٢١﴾ چنین نیست (که میگویید)، چون زمین پی در پی هموار[٧] کرده شود. ﴿٢٢﴾ وپروردگار تو بیاید وفرشتگان (نیز) صف در صف بیایند.

---

(١) یعنی عشرهٔ ذو الحجة.

(٢) یعنی بعض نماز جفت است و بعض طاق.

(٣) که خدا جزا دهندهٔ بندگان براعمال ایشان است.

(٤) یعنی به چهار میخ بسته عقوبت میکرد.

(٥) یعنی زنان و یتیمان راحق ایشان نمیدهید وحق ایشان را بامال خود جمع می کنید.

(٦) یعنی اسباب اکرام الهی در اکرام یتیم واطعام مسکین است آنرامی باید کردوشما به این صفت هستید که یتیمان راحق ایشان نمی‌دهید وحق ایشانرا بامال خود جمع میکنید.

(٧) یعنی کوه‌ها وتپه ها را باسایر زمین برابر کرده شود.

﴿٢٣﴾ وآنروز دوزخ آورده شود انسان آنروز یادکند واورانفع آن یادکردن کجاباشد. ﴿٢٤﴾
گوید ای کاش من عملِ نیك برای این زندگانِی جاودانیِ خویش می فرستادم. ﴿٢٥﴾ پس
آنروز هیچ کسی را چونِ عذاب او خدا عذاب نمی دهد. ﴿٢٦﴾ وبزنجیرنبنددمانندبستن او
به هیچکس[1] . ﴿٢٧﴾ (گفته شود روحِ مومن راوقتِ مرگ) ای نفس آرام گیرنده. ﴿٢٨﴾
باز گرد به سوی پروردگارخویش خوشنود شده وازتونیز خوشنودگشته. ﴿٢٩﴾ پس به
زمرهٔ بندگان خاص من داخل شو. ﴿٣٠﴾ وبه بهشت من داخل شو.

سوره بلد مکی است وآن بیست آیه است

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان.

﴿١﴾ قسم میخورم باین شهر (یعنی مکّه مکرّمة). ﴿٢﴾ وتو به این شهر در خواهی آمد[2] .
﴿٣﴾ وقسم میخورم به پدر (آدم) وبه هرچه زاده است[3] . ﴿٤﴾ هرآئینه انسان رادرمشقت
آفریدیم[4] . ﴿٥﴾ آیا انسان گمان می کند که هیچکس بروی قادر نیست. ﴿٦﴾ میگوید مال
(توبرتو) فراوانی هزینه کردم. ﴿٧﴾ آیامی پندارد که اورا هیچکس ندیده است. ﴿٨﴾ آیا
برای اودوچشم را نیا فریده ایم؟. ﴿٩﴾ وزبان ودولب را. ﴿١٠﴾ واورا بردوراه دلالت
کردیم[5] . ﴿١١﴾ پس درنیامد گذرگاه سخت. ﴿١٢﴾ وچه چیز مطلع ساخت تورا که
چیست گذرگاه سخت[6]؟. ﴿١٣﴾ آزاد کردن برده است. ﴿١٤﴾ یا خوراك دادن در روز
گرسنگی. ﴿١٥﴾ یتیم خویشاوند را. ﴿١٦﴾ یابینوای فقیر ناتوان را. ﴿١٧﴾ بعدازآن
ازآنانکه ایمان آورده اند باشد وهمدیگررا به شکیبایی وصیت کرده اند وهمدیگررا به شفقت
برخلق خدا وصیت کرده‌اند. ﴿١٨﴾ این جماعت ایشان اهل نیك بختی اند.

سوره فجر

(١) بوجهی واقع شود که هیچ کس غیراوبرآن قادر نیست والله اعلم.

سوره بلد

(٢) یعنی توراقتال درمکه حلال خواهد شد.

(٣) یعنی آدم وجمیع ذریت او.

(٤) یعنی عادت انسان است که بقوت خود فخرمی کند ونبیند که چه قدر ناتوانی ها میکشد و نیز ببذل مال فخرمی کندونمی داندکه خدا اورامی بیند که بی نهایت حقیر و بخیل است.

(٥) یعنی خیر و شر.

(٦) یعنی به حقیقت قوت آنست که این اعمال را به جاآرد.

﴿۱۹﴾ وآنانکه به آیاتِ ما کافر شدند ایشان اهل بدبختی اند. ﴿۲۰﴾ برایشان آتشی ازهرجهت فراگیر گماشته شود.

سوره شمس مکی است
وآن پانزده آیه است

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان.

﴿۱﴾ قسم به خورشید وروشنیِ او. ﴿۲﴾ وقسم به ماه چون ازپی آفتاب درآید[1]. ﴿۳﴾
وقسم به روز چون آفتاب را نمایان کند. ﴿٤﴾ وقسم به شب چون آفتاب را بپوشاند.
﴿٥﴾ وقسم به آسمان وبه آنکه آن رابنا کرد. ﴿٦﴾ وقسم به زمین وآنکه آنرابگسترد. ﴿۷﴾
وقسم به نفس آدمی وآنکه به آن درست اندام داد. ﴿۸﴾ پس خدا دردلش شناخت گناه
اورا وتقوای اورا انداخت. ﴿۹﴾ به یقین هرکه پاك ساخت نفس را رستگارشد. ﴿۱۰﴾
وبه یقین هر کسی که آنرا فرومایه داشت زیانکار شد. ﴿۱۱﴾ قوم ثمود به سبب سرکشی
خود تکذیب کردند. ﴿۱۲﴾ وقتیکه بدبخت ترین آن قوم برخاست. ﴿۱۳﴾ پس پیامبر خدا
به ایشان گفت بگذاریدماده شتریرا که خدا آفریده است وآب خوردنِ اورا متعرض نشوید.
﴿١٤﴾ پس پیامبررا تکذیب کردند پس ماده شتر را بکشتند پس پروردگار ایشان برایشان
به سبب معصیت ایشان عقوبت فرود آورد پس عقوبت را برسرایشان[2] هموار کرد.
﴿١٥﴾ وخدا ازانجام آن عقوبت نمی ترسد.

سوره لیل مکی است وآن بیست
ویك آیه است

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان.

﴿۱﴾ قسم به شب چون بپوشاند. ﴿۲﴾ وقسم به روز چون ظاهر شود. ﴿۳﴾ وقسم
بذاتیکه نر وماده را آفرید. ﴿٤﴾ که هرآئینه سعی شمامختلف است. ﴿٥﴾ پس اما هرکه
عطا کرد وپرهیز گاری نمود. ﴿٦﴾ وپاداش نیك را باورداشت. ﴿۷﴾ پس اورابرای
رسیدن به سرای آسایش توفیق می دهیم. ﴿۸﴾ واما هرکه بخل کرد و خودرا بی نیاز
شمرد. ﴿۹﴾ وپاداش نیك را تکذیب کرد.

(۱) یعنی بشب چهاردهم.
(۲) یعنی به همه رسانید.

﴿۱۰﴾ پس اورا برای رسیدن به سرای دشواری توفیق می دهیم. ﴿۱۱﴾ مال او وقتیکه نگونسار افتد ازوی هیچ (چیزی را) دفع نکند. ﴿۱۲﴾ هرآئینه راه نمودن برما است. ﴿۱۳﴾ وهرآئینه آن جهان واین جهان برای ماست. ﴿۱٤﴾ پس شمارا ازآتشی که شعله میزند ترسانیدم. ﴿۱٥﴾ به آن آتش مگر بدبخت ترین مردم درنیاید. ﴿۱٦﴾ آنکه تکذیب کرد و رویگردان شد. ﴿۱۷﴾ ودور نگه داشته خواهد شدازآن آتش پرهیزگارترین مردم. ﴿۱۸﴾ آنکه مال خود را میدهد تاپاك دل گردد. ﴿۱۹﴾ ونیست هیچ کس را نزد او نعمتی که جزا داده شود. ﴿۲۰﴾ لیکن به طلب رضای پروردگار خود میدهد. ﴿۲۱﴾ حتما بزودی خوشنود خواهد شد.

سوره ضحی مکی است
وآن یازده آیه است

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان.

﴿۱﴾ [۱] قسم به هنگام چاشت. ﴿۲﴾ وقسم به شب چون بپوشد. ﴿۳﴾ تورا پروردگار تو فرونگذاشت وخشم نگرفته است. ﴿٤﴾ و هرآئینه آخرت برایت بهتر ازدنیا خواهد بود. ﴿٥﴾ والبته پروردگارتو نعمت خواهد دادتورا پس خوشنود خواهی شد. ﴿٦﴾ آیا تورا یتیم نیافت پس جای داد. ﴿۷﴾ وتوراراه گم کرده[۲] یافت پس راه نمود. ﴿۸﴾ وتوراتنگدست یافت پس توانگر ساخت. ﴿۹﴾ پس امایتیم را هرگز ستم مکن. ﴿۱۰﴾ واما سائل را پس به سختی مران. ﴿۱۱﴾ وامابه نعمت پروردگارخود پس خبرده.

سوره انشراح مکی است
وآن هشت آیه است

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان.

﴿۱﴾ آیا سینه تورا برایت نگشاده ایم. ﴿۲﴾ وازتو بار(سنگین) تورا برنداشتیم.

(۱) مترجم گوید که چندروزوحی نیامده بود کفار گفتند (وَدَّعَهُ رَبّهُ وَقَلاهُ) خدای تعالی برای تسلی او این سوره را فروفرستاد.
(۲) یعنی تو شریعت نمیدانستی والله اعلم.

﴿٣﴾ آن بارکه پشت تورا گران کرده بود. ﴿٤﴾ وآوازه ات رابرایت بلند ساختیم. ﴿٥﴾ پس هرآئینه پس از هر دشواری آسانی است. ﴿٦﴾ البته پس از دشواری آسانی است. ﴿٧﴾ پس وقتیکه ازکاروبارفارغ شدی درعبادت خدا کوشش کن. ﴿٨﴾ وبه سوی پروردگارخود بگرای (ودرنزداوتذلل کن).

سوره تین مکی است
وآن هشت آیه است

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان.

﴿١﴾ قسم به انجیر وزیتون. ﴿٢﴾ وقسم بطور سینا. ﴿٣﴾ وقسم به این شهرِ امن (یعنی مکه). ﴿٤﴾ هر آئینه انسان را درنیکوترین صورت آفریدیم. ﴿٥﴾ پس گردانیدیم آن رافروتر ازهمه فروماندگان[1]. ﴿٦﴾ مگر آنانکه ایمان آورده اند وکارهای شایسته کرده اند پس ایشانرا اجربی نهایت است. ﴿٧﴾ پس ای آدمی چه چیز تورا وادار میکند بعد از این همه پند بردروغ انگاشتن درباب پاداش اعمال[2]. ﴿٨﴾ آیا خدااحکم الحاکمین نیست؟.

سوره علق مکی است
وآن نوزده آیه است

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان.

﴿١﴾ بخوان به نام پروردگارخود که آفرید. ﴿٢﴾ انسان را ازخون بسته آفرید. ﴿٣﴾ بخوان وپروردگار تو بزرگوارتراست. ﴿٤﴾ آنکه بوسیلهٔ قلم علم آموخت. ﴿٥﴾ انسان را آنچه نمیدانست[3] آموخت. ﴿٦﴾ بەدرستیکه انسان ازحد میگذرد. ﴿٧﴾ هنگامیکه خودرا توانگرشده می بیند. ﴿٨﴾ هرآئینه بازگشت به سوی پروردگارتوست. ﴿٩﴾ آیادیدی شخصی را که منع میکند. ﴿١٠﴾ بنده راچون نماز می خواند. ﴿١١﴾ به من بگو که ا گر براه راست می بودی (چه اتفاقی می افتاد؟). ﴿١٢﴾ یا به پرهیزگاری فرمان می داد؟.

سوره تین

(١) یعنی وقتیکه کافرشدفطرت سلیمه راضائع ساخت.

(٢) وشاید که معنی آیت چنین باشد پس چه چیز باعث تکذیب تو میشود یا محمد، قضیه جزای اعمال، بعد از این همه پند.

سوره علق

(٣) مترجم گوید اقرأ باسم ربك تاالم یعلم اولین آیاتی است که برآن حضرت صلی الله علیه وسلم نازل شد ومعنی اقرأ تهیؤ است برای وحی قرآن و تلاوت آن.

﴿۱۳﴾ آیادیدی که چه میشد ا گر (حق را) دروغ انگارد ورویگردان گشت (چه اتفاقی می افتد؟). ﴿۱٤﴾ آیا ندانست این روگرداننده که خدا می بیند[۱]. ﴿۱۵﴾ نه!، ا گرباز نه ایستد خواهیم اورا به موی پیشانی کشید. ﴿۱٦﴾ به آن موی پیشانی دروغ زن خطاکار. ﴿۱۷﴾ پس باید که هم مجلسان خودرا فریاد کند. ﴿۱۸﴾ مانیز فرشتگان سخت کیفررا فرا خواهیم خواند[۲]. ﴿۱۹﴾ نه! فرمان او را قبول مکن ونمازبخوان و تقرّب خدا بجوی.

سوره قدر مکی است
وآن پنج آیه است

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان.

﴿۱﴾ هرآئینه ما قرآن رادرشب قدر[۳] فرود آوردیم. ﴿۲﴾ و توچه می دانی که شبِ قدر چیست؟. ﴿۳﴾ شب قدر ازهزار ماه بهتراست. ﴿٤﴾ فرشتگان وروح (جبریل) درآن شب به فرمان پروردگار خویش برای سرانجام کردن هرکاری فرودمی آیند. ﴿۵﴾ آن شب تاوقت طلوع فجر محض سلامتی است.

سوره بینه مدنی است
وآن هشت آیه است

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان.

﴿۱﴾ نبودند کافران[٤] ازاهل کتاب ومشرکان جدا شونده (یعنی ازآیین خود) تاوقتیکه به ایشان حجّت ظاهر بیاید[۵]. ﴿۲﴾ پیامبری ازجانب خدا که صحیفه های پاك را (یعنی سور قرآن) میخواند. ﴿۳﴾ درآن صحیفه ها احکامیست راست درست. ﴿٤﴾ واهل کتاب متفرق نشدند[٦] مگر بعد ازآنکه بایشان حجت ظاهر آمد. ﴿۵﴾ وفرمان داده نشدند جز آنکه خدا را درحالی که پرستش را برای او خالص ساخته بپاکدلی بپرستند (متدین بدین ابراهیم شده اند) ونمازرا برپادارند وزکوٰة را بدهند واین است احکام دین درست.

سوره علق

(۱) یعنی بایددانست که عاقبت اهتداوهدایت بهشت است وعاقبت ضلال واضلال دوزخ است پس این مدعارا بنوعی ازبلاغت اداکرده شده. (۲) یعنی فرشتگان سخت عقوبت کننده را.

سوره قدر

(۳) یعنی یکد فعه از لوح محفوظ بآسمان دنیا.

سوره بیّنه

(٤) یعنی حال ایشان مقتضی ارسال رسول وانزال کتاب بودازین جهت رسول را فرستادیم وقرآن را فرودآوردیم.

(۵) یعنی ایشانرا تکلیف نکردیم بترك ادیان خویش مگر بعد از اقامت حجت ظاهر.

(٦) یعنی بعضی مقبول شدند وبعضی مردود.

﴿٦﴾ هر آئینه آنانکه کافر شدند از اهل کتاب و مشرکان در آتش دوزخ اند در آنجا جاویدان باشند آن جماعت ایشان بدترین خلق اند. ﴿٧﴾ هر آئینه آنانکه ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند آن جماعت ایشان بهترین خلق اند. ﴿٨﴾ پاداش ایشان نزد پروردگار ایشان بوستانهای همیشه باقی ماندن است که می رود زیر آنها جویها در آنجا همیشه جاویدان، خدا از ایشان خوشنود شد و ایشان (نیز) ازخدا خوشنود شدند این وعده کسی راست که ازپروردگار خود بترسد.

سوره زلزال مدنی است
وآن هشت آیه است

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان.

﴿١﴾ هنگامیکه زمین به (آن) لرزش خود لرزانده شود. ﴿٢﴾ وزمین بارهای سنگین خودش را بیرون آورد[۱]. ﴿٣﴾ وانسان گوید چه حالتست زمین را؟. ﴿٤﴾ آنروز زمین از خبرهای خود سخن می‌گوید. ﴿٥﴾ چراکه پروردگارتو به آن حکم فرستاده است. ﴿٦﴾ آنروز مردمان براحوال مختلف[۲] بازگردند تابه ایشان جزای اعمال ایشان نموده شود. ﴿٧﴾ پس هرکه هم وزنِ یك ذره عمل نیك کرده باشد آن را ببیند. ﴿٨﴾ وهرکه هم وزنِ یك ذره عمل بد کرده باشد آن را ببیند.

سوره عادیات مکی است
وآن یازده آیه است

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان.

﴿١﴾ قسم به اسپان تیزدونده پردم. ﴿٢﴾ پس قسم به اسپان که آتش برآرنده اند (به آنکه بنعل خود سنگ رابزنند). ﴿٣﴾ پس قسم به اسپان غارت کننده چون دروقت صبح درآیند. ﴿٤﴾ پس به آنوقت غباررا برانگیزند[۳]. ﴿٥﴾ پس به آنوقت درمیان جماعتی درآیند[٤].

سوره زلزال

(۱) یعنی گنجهارا.

(۲) یعنی ازجای حساب.

سوره عادیات

(۳) یعنی به سبب دویدن.

(٤) یعنی ازاعداء مترجم گوید این قَسَم اشارت است به آنکه جهاد مشروع خواهد شدورضای الهی درنگاهداشت اسپان غازیان تعلق خواهد گرفت والله اعلم.

﴿٦﴾ هرآئینه انسان نسبت به پروردگارخود ناشکراست. ﴿٧﴾ وهرآئینه انسان برناسپاسی خود مطلع است. ﴿٨﴾ وهرآئینه آدمی دردوست داشتن مال زیاده رَو است. ﴿٩﴾ آیا پس نمیداند که چون برانگیخته شودهرآنچه درگورهاباشد. ﴿١٠﴾ وظاهر ساخته شود هر آنچه درسینه‌ها باشد. ﴿١١﴾ هرآئینه پروردگارایشان به احوال ایشان آن روز خبرداراست.

سوره قارعه مکی است
وآن یازده آیه است

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان.

﴿١﴾ قیامت. ﴿٢﴾ چیست آن قیامت؟. ﴿٣﴾ وتو چه می دانی که آن قیامت چیست؟ (قیامت متحقق شود). ﴿٤﴾ روزی که مردمان مانند پروانه های پرا کنده ساخته باشند. ﴿٥﴾ وکوه ها مانند پشم رنگین محلوج نموده باشند. ﴿٦﴾ پس اماهر که ترازوی حسناتِ او گران شد. ﴿٧﴾ پس آن شخص درمَعِیشتی پسندیده باشد. ﴿٨﴾ واماهرکه میزان ترازویش سبك شد. ﴿٩﴾ پس جای ماندن آن شخص هاویه باشد. ﴿١٠﴾ وتوچه می دانی که چیست هاویه؟. ﴿١١﴾ آتشی داغ است.

سوره تکاثر مکی است
وآن هشت آیه است

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان.

﴿١﴾ شمارا ازیکدیگر بسیار طلبِی مال غافل کرد. ﴿٢﴾ تاوقتیکه بگورستانها[1] رسیدید. ﴿٣﴾ هرگز، خواهید دانست. ﴿٤﴾ باز(میگوییم) نه هرگز، خواهید دانست. ﴿٥﴾ هرگز، ا گر بدانید حقیقت کاررابعلم یقین (غافل نمی شوید). ﴿٦﴾ البته دوزخ را خواهید دید. ﴿٧﴾ بازالبته دوزخ را به چشم یقین خواهید دید. ﴿٨﴾ بازالبته آنروز ازنعمت[2] سوال کرده خواهید شد.

(۱) یعنی مدفون شدید.
(۲) یعنی درمقابله آن شکر کردید یا کفران ورزیدید.

سوره عصر مکی است
وآن سه آیه است

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان.

﴿۱﴾ قسم به زمان. ﴿۲﴾ که هرآئینه انسان در زیانکاری است. ﴿۳﴾ مگر آنانکه ایمان آورده اند وعملهای شایسته کرده اند ویکدیگر را به دین درست وصیت کردند ویکدیگر را به شکیبایی وصیت کردند.

سوره همزه مکی است
وآن نه آیه است

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان.

﴿۱﴾ وای برای هر عیب کننده غیبت گوینده. ﴿۲﴾ آنکه مال را فراهم آورد وآن را نگاهداشت. ﴿۳﴾ می پندارد که مالش اوراجاویدان می گرداند. ﴿٤﴾ هرگز، البته به حطمه انداخته خواهد شد. ﴿۵﴾ وتو چه می دانی که حطمه چیست؟. ﴿٦﴾ آتش افروخته شدهٔ خدا است. ﴿۷﴾ که بر دلها چیره شود. ﴿۸﴾ هرآئینه آن آتش برایشان گماشته شده است.
﴿۹﴾ درستون های درازدرآورده شده است.

سوره فیل مکی است
وآن پنج آیه است

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان.

﴿۱﴾ [1] آیا ندیدی بااهل فیل پروردگار تو چگو نه معامله کرد؟. ﴿۲﴾ آیا بداندیشی ایشان را درتباهی قرارنداد. ﴿۳﴾ وبرایشان پرندگان را گروه گروه فرستاد. ﴿٤﴾ به سوی ایشان سنگ ریزها ازسنگ گِل می انداختند. ﴿۵﴾ پس سرانجام ایشانرا مانند باقیمانده (کاه) آخور بعد ازخوردن دَوابّ قرار داد.

---

(۱) مترجم گویدابرهه پادشاه یمن عزم هدم کعبه را کرد وفیلانِ بسیار ولشکر بیشمار بهم آورد چون نزدیك کعبه رسید خدای تعالی ابابیل را حکم فرمود تا بوسیلهٔ سنگباران آنان را هلاك کند.

سوره قریش مکی است
وآن چهار آیه است

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان.

﴿۱﴾ برای (شُکر) الفت دادن قریش. ﴿۲﴾ (یعنی) الفت دادن ایشان به سفرزمستان وتابستان. ﴿۳﴾ پس باید که پروردگار این خانه را عبادت کنند. ﴿٤﴾ آنکه ایشانرا از گرسنگی طعام داد و ایشان را دربیمناکی أمن وامان بخشید.

سوره ماعون مکی است
وآن هفت آیه است

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان.

﴿۱﴾ آیا دیدی آن شخص را که جزای اعمال را دروغ انگاشت؟. ﴿۲﴾ پس آن شخص مردیست که یتیم را به اهانت میراند. ﴿۳﴾ وبرطعام دادن فقیر بینوا ترغیب نمیدهد. ﴿٤﴾ پس وای بر آن نماز گزاران. ﴿٥﴾ که ایشان ازنماز خود غفلت می ورزند. ﴿٦﴾ آنانکه ایشان خودنمایی می کنند. ﴿۷﴾ وماعون را (عاریت) نمید هند[۱].

سوره کوثر مکی است
وآن سه آیه است

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان.

﴿۱﴾ (یا محمد) هرآئینه ما توراکوثر[۲] عطا کردیم. ﴿۲﴾ پس نماز گزار برای پروردگار خود و (شتر را) نحر کن. ﴿۳﴾ هرآئینه دشمن توهمانست دُم بریده (بی‌زادوفرزند).

سوره ماعون

(۱) یعنی سوزن ودیگ وپیاله ودلوومانند آن مترجم گوید نصف این سوره تصویر حال کافراست و نصف دیگر تصویر حال منافق والله اعلم.

سوره کوثر

(۲) کوثر نام حوضی است که درآخرت خواهد بود امت آن حضرت صلی الله علیه وسلم ازآن خواهند آشامید.

سوره کافرون مکی است
وآن شش آیه است

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان.

﴿۱﴾ بگو ای کافران. ﴿۲﴾ پرستش نمی کنم آنچه راکه شمامی پرستید. ﴿۳﴾ ونه شما پرستنده اید آنچه راکه من می پرستم. ﴿٤﴾ ونه من پرستنده ام آنچه راکه شمامی پرستیدید. ﴿٥﴾ ونه شما پرستنده اید آنچه را که من می پرستم. ﴿٦﴾ برای شمادین شماست وبرای من دین من است.

سوره نصر مدنی است
وآن سه آیه است

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان.

﴿۱﴾ وقتیکه نصرت خدا بیاید و فتح (بظهور) آید. ﴿۲﴾ ومردمان را ببینی دردین خدا گروه گروه داخل میشوند. ﴿۳﴾ پس بپاکی همراه ستایش پروردگار خودرا یادکن واز وی آمرزش طلب کن هرآئینه خدا (به رحمت) بسیارتوبه پذیر[۱] هست.

سوره مسد مکی است
وآن پنج آیه است

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان.

﴿۱﴾ هلاك باد دودست[۲] ابو لهب و هلاك باد ابولهب[۳]. ﴿۲﴾ از سرابو لهب مال او و آنچه کسب کرده بود هیچ دفع نکرد. ﴿۳﴾ به آتش دارای شعله درخواهد آمد. ﴿٤﴾ وزَنِ اونیز درآید (مراد) بردارنده هیزم[٤]. ﴿٥﴾ درگردن اوریسمانی ازلیفِ خرما است[٥].

سوره نصر

(۱) یعنی این همه علامت قرب اجل تست یا محمد پس در استعداد آخرت پای بند شو.

سوره مسد

(۲) آن حضرت اقارب خود را ازآتش دوزخ تخویف فرمود پس ابو لهب سنگی بطرف آن حضرت صلی الله علیه وسلم انداخت وگفت که آیا برای این کار مارا جمع کرده بودی پس این سوره نازل شد.

(۳) دودست کنایه ازذات اوست.

(٤) یعنی سخن چینی کننده.

(٥) یعنی بخفه کردن تعذیب کرده شود.

سوره اخلاص مکی است
وآن چهار آیه است

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان.

﴿۱﴾ بگو او خدای یگانه است. ﴿۲﴾ خدای‌بی نیازاست. ﴿۳﴾ نه (فرزند) زاده ونه زاده شده است. ﴿٤﴾ وهیچکس همتای او (نبوده) ونیست.

سوره فلق مدنی است
وآن پنج آیه است

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان.

﴿۱﴾ بگو به پروردگار صبح پناه می برم. ﴿۲﴾ ازشر هرچه آفریده است. ﴿۳﴾ وازشرِّ شبِ تاریك چون تاریکِی اومنتشر شود. ﴿٤﴾ وازشر(زنان) سحر کننده در گرهها دم زننده. ﴿٥﴾ و ازشر حاسد (رشکخور) چون حسد کند.

سوره ناس مدنی است
وآن شش آیه است

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان.

﴿۱﴾ بگو به پروردگار مردمان پناه می برم. ﴿۲﴾ پادشاهِ مردمان. ﴿۳﴾ معبودِ مردمان. ﴿٤﴾ ازشر وسوسه گرِ بازپس رونده (به هنگام یادخدا). ﴿٥﴾ آنکه در سینه های مردمان وسوسه می‌افکند. ﴿٦﴾ ازجنیّان باشد یااز مردمان.

فهرست سوره های قرآن کریم وبیان مکی ومدنی

نام سوره	شماره سوره	شماره صفحه	بیان
سوره فاتحة	۱	۱	مکی
سوره بقره	۲	۲	مدنی
سوره آل عِمرَان	۳	۵۰	مدنی
سوره نساء	٤	۷۷	مدنی
سوره مائده	٥	۱۰٦	مدنی
سوره انعام	٦	۱۲۸	مکی
سوره اعراف	۷	۱٥۱	مکی
سوره انفال	۸	۱۷۷	مدنی
سوره توبة	۹	۱۸۷	مدنی
سوره یُونس	۱۰	۲۰۸	مکی
سوره هُود	۱۱	۲۲۱	مکی
سوره یُوسُف	۱۲	۲۳٥	مکی
سوره رعد	۱۳	۲٤۹	مدنی
سوره إبراهیم	۱٤	۲٥٥	مکی
سوره حجر	۱٥	۲٦۲	مکی
سوره نحل	۱٦	۲٦۷	مکی
سوره اسراء (بنی اسرائیل)	۱۷	۲۸۲	مکی
سوره کهف	۱۸	۲۹۳	مکی
سوره مَریَم	۱۹	۳۰٥	مکی
سوره طه	۲۰	۳۱۲	مکی
سوره انبیاء	۲۱	۳۲۲	مکی
سوره حج	۲۲	۳۳۲	مدنی
سوره مومنون	۲۳	۳٤۲	مکی
سوره نور	۲٤	۳٥۰	مدنی
سوره فرقان	۲٥	۳٥۹	مکی
سوره شُعَرَاء	۲٦	۳٦۷	مکی
سوره نمل	۲۷	۳۷۷	مکی
سوره قصص	۲۸	۳۸٥	مکی

نام سوره	شماره سوره	شماره صفحه	بیان
سوره عنکبوت	۲۹	۳۹٦	مکی
سوره روم	۳۰	٤۰٤	مکی
سوره لُقمَان	۳۱	٤۱۱	مکی
سوره سجده	۳۲	٤۱٥	مکی
سوره احزاب	۳۳	٤۱۸	مدنی
سوره سَبَإ	۳٤	٤۲۸	مکی
سوره فَاطِر	۳٥	٤۳٤	مکی
سوره یس	۳٦	٤٤۰	مکی
سوره صافات	۳۷	٤٤٦	مکی
سوره ص	۳۸	٤٥۳	مکی
سوره زمر	۳۹	٤٥۸	مکی
سوره غَافِر (مؤمن)	٤۰	٤٦۷	مکی
سوره فُصِّلت (حم سجده)	٤۱	٤۷۷	مکی
سوره شوری	٤۲	٤۸۳	مکی
سوره زخرف	٤۳	٤۸۹	مکی
سوره دخان	٤٤	٤۹٦	مکی
سوره جاثیة	٤٥	٤۹۹	مکی
سوره احقاف	٤٦	٥۰۲	مکی
سوره مُحمَّد	٤۷	٥۰۷	مدنی
سوره فتح	٤۸	٥۱۱	مدنی
سوره حجرات	٤۹	٥۱٥	مدنی
سوره قٓ	٥۰	٥۱۸	مکی
سوره ذاریات	٥۱	٥۲۰	مکی
سوره طور	٥۲	٥۲۳	مکی
سوره نجم	٥۳	٥۲٦	مکی
سوره قمر	٥٤	٥۲۸	مکی
سوره رحمٰن	٥٥	٥۳۱	مدنی
سوره واقعة	٥٦	٥۳٤	مکی

فهرست سوره های قرآن کریم وبیان مکی ومدنی

نام سوره	شماره سوره	شماره صفحه	بیان
سوره حدید	٥٧	٥٣٧	مدنی
سوره مجادلة	٥٨	٥٤٢	مدنی
سوره حشر	٥٩	٥٤٥	مدنی
سوره ممتحنة	٦٠	٥٤٩	مدنی
سوره صف	٦١	٥٥١	مدنی
سوره جمعة	٦٢	٥٥٣	مدنی
سوره منافقون	٦٣	٥٥٤	مدنی
سوره تغابن	٦٤	٥٥٦	مدنی
سوره طلاق	٦٥	٥٥٨	مدنی
سوره تحریم	٦٦	٥٦٠	مدنی
سوره ملك	٦٧	٥٦٢	مکی
سوره قلم	٦٨	٥٦٤	مکی
سوره حاقه	٦٩	٥٦٦	مکی
سوره معارج	٧٠	٥٦٨	مکی
سوره نُوح	٧١	٥٧٠	مکی
سوره جن	٧٢	٥٧٢	مکی
سوره مزمل	٧٣	٥٧٤	مکی
سوره مدثر	٧٤	٥٧٥	مکی
سوره قیامت	٧٥	٥٧٧	مکی
سوره انسَان (دهر)	٧٦	٥٧٨	مدنی
سوره مرسلات	٧٧	٥٨٠	مکی
سوره نبأ	٧٨	٥٨٢	مکی
سوره نازعات	٧٩	٥٨٣	مکی
سوره عَبَسَ	٨٠	٥٨٥	مکی
سوره تکویر	٨١	٥٨٦	مکی
سوره انفطار	٨٢	٥٨٧	مکی
سوره مطففین	٨٣	٥٨٧	مکی
سوره انشقاق	٨٤	٥٨٩	مکی
سوره بروج	٨٥	٥٩٠	مکی
سوره طارق	٨٦	٥٩١	مکی
سوره اعلی	٨٧	٥٩١	مکی
سوره غاشیة	٨٨	٥٩٢	مکی
سوره فجر	٨٩	٥٩٣	مکی
سوره بلد	٩٠	٥٩٤	مکی
سوره شمس	٩١	٥٩٥	مکی
سوره لیل	٩٢	٥٩٥	مکی
سوره ضحی	٩٣	٥٩٦	مکی
سوره انشراح	٩٤	٥٩٦	مکی
سوره تین	٩٥	٥٩٧	مکی
سوره علق	٩٦	٥٩٧	مکی
سوره قدر	٩٧	٥٩٨	مکی
سوره بینة	٩٨	٥٩٨	مدنی
سوره زلزال	٩٩	٥٩٩	مدنی
سوره عادیات	١٠٠	٥٩٩	مکی
سوره قارعة	١٠١	٦٠٠	مکی
سوره تکاثر	١٠٢	٦٠٠	مکی
سوره عصر	١٠٣	٦٠١	مکی
سوره همزه	١٠٤	٦٠١	مکی
سوره فیل	١٠٥	٦٠١	مکی
سوره قریش	١٠٦	٦٠٢	مکی
سوره ماعون	١٠٧	٦٠٢	مکی
سوره کوثر	١٠٨	٦٠٢	مکی
سوره کافرون	١٠٩	٦٠٣	مکی
سوره نصر	١١٠	٦٠٣	مدنی
سوره مسَد (لهب)	١١١	٦٠٣	مکی
سوره إخلاص	١١٢	٦٠٤	مکی
سوره فلق	١١٣	٦٠٤	مکی
سوره ناس	١١٤	٦٠٤	مکی

إنّ وزارة الشؤون الإسلاميّة والدّعوة والإرشاد
في المملكة العربيّة السّعوديّة
المشرفة على
مجمّع الملك فهد لطباعة المصحف الشّريف
في المدينة المنوّرة
إذ يسرّها أن يصدر المجمّع هذه الطّبعة من
ترجمة معاني القرآن الكريم
إلى اللّغة الفارسيّة
تسأل الله أن ينفع بها النّاس
وأن يجزي
خادم الحرمين الشّريفين الملك سلمان بن عبد العزيز آل سعود
أحسن الجزاء على جهوده العظيمة في نشر كتاب الله الكريم
والله وليّ التّوفيق

وزارت شئون إسلامی و تبلیغ وارشادِ
کشورِ عربستان سعودی
و مسئول و ناظر برمجمع ملک فهد برای **چاپ** قرآن کریم درمدینه منوره
باکمال مسرّت این **چاپ** ترجمه معانی
قرآن کریم را به زبان فارسی از مجمع منتشرمی کند
وازدرگاه خداوند مسئلت داردکه آنرا باعث منفعت عموم مردمان قرار داده
وبه خادم حرمین شریفین ملک سلمان بن عبدالعزیز آل سعود
مقابل مساعی فراوان ایشان درنشر کتاب کریم خداوند بهترین **پاداش** عطا فرماید.
والله ولي التوفيق.

بفضل
خداوند وتوفیق او **چاپ**
این ترجمه معانی قرآن کریم
درمجمع ملك فهد برای **چاپ**
قرآن کریم درمدینه منورة و زیر
نظارت وزارت شئون اسلامی وتبلیغ
و ارشاد کشور عربستان سعودی
در سال ١٤٤١ هـ
به اتمام رسید

حق **چاپ** مختص **چاپخانه** مجمع ملك فهد است

ص. ب 6262 مدینه منوره
www.qurancomplex.gov.sa
contact@qurancomplex.gov.sa

ح مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف، ١٤٤١هـ
فهرسة مكتبة الملك فهد الوطنية أثناء النشر

مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف
ترجمة معاني القرآن الكريم إلى اللغة الفارسية . / مجمع الملك
فهد لطباعة المصحف الشريف - المدينة المنورة، ١٤٤١هـ

١٢٤٨ص؛ ١٤ × ٢١ سم

ردمك: ٧-٧٧-٨١٨٧-٦٠٣-٩٧٨

١- القرآن - ترجمة - اللغة الفارسية أ. العنوان
ديوي ٢٢١,٤٩١٥٥ ١٤٤١/١٩

رقم الإيداع: ١٤٤١/١٩

ردمك: ٧-٧٧-٨١٨٧-٦٠٣-٩٧٨

9 786038 187777

(٤٠٠٠/د ٢٦) (٠٢) (٠١)
ردمك: ٧-٧٧-٨١٨٧-٦٠٣-٩٧٨